گزیدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

جلد دوم

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بسم الله الرحمن الرحيم

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

وزارت امور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

گزیـــدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

دورهٔ قاجاریه

جلد دوم

(۱۳۱۳ ـ ۱۲۷۱ هـ.ق)

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تهران، ۱۳۶۹

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دورهٔ قاجاریه (جلد دوم)
واحد نشر اسناد
چاپ اول: ۱۳۶۹
امور فنّی چاپ: دفتر ویرایش
چاپ و صحافی: چاپخانهٔ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تعداد: ۲ هزار جلد

فهرست

فصل اول

تاریخچهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی

فصل دوم

اسناد سرحدی

فصل سوم

فصل چهارم

عشایر سرحدی

فصل ضمیمه

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

پیشگفتار

تحولات در ادوار مختلف تاریخ سرزمین کهنسال ایران، پستی و بلندی فراوانی داشته که بالطبع به اقتضای آن، مرزهای کشور نیز تغییر کرده‌اند ــ بویژه در قرون اخیر که حدود و ثغور ممالک، من‌الجمله کشور عزیزمان ایران، بر طبق موازین بین‌المللی تحدید و تنظیم شده و منتهی به عهود و قراردادهایی گردیده است. بدون شک ابراز حسن نیت و صمیمیت و احترام متقابل به آنچه عهد و قرار شده، بر تحکیم و توسعهٔ مناسبات دوستانه و روابط همه‌جانبه خواهد افزود، و رعایت عهود و قراردادها و احترام به آنها علاوه بر تشنج‌زدایی در مناطق مختلف جهان، موجب تثبیت و تحکیم مبانی صلح بین‌المللی نیز خواهد گردید؛ امری که بی‌تردید آگاهی و شعور انسانی در آن دخیل است.

آگاهی یافتن و اطلاع از حقایق تاریخی ــ مبتنی بر اسناد و مدارک ــ وظیفهٔ محققان و دانش‌پژوهان است و ایشان با بررسی اسناد موجود، علل و چگونگی فراز و نشیبهای تاریخ کشور را بررسی می‌کنند و نتایج تحقیق خود را در معرض نظر عموم قرار می‌دهند. کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (دورهٔ قاجاریه)** که به همت همکاران واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تهیه و تدوین شده، گام مهمی در روشن‌ساختن تاریخ این مرز و بوم است و شاید در نوع خود کاری بی‌سابقه و منحصر به فرد باشد. امید است که اهل تحقیق ضمن یافتن حقایق، راه آینده‌ای روشن را هموار سازند.

دو کشور بزرگ اسلامیِ ایران و عثمانی در طی قرون متمادی با داشتن مرزهای پرتلاطم و تاریخ پرتحول، متأسفانه از اقتدار و عظمت زمان خود غافل بوده و تحت تأثیر سیاستها و مطامع بیگانگان، با دامن زدن به اختلافات، موجبات

عقب‌ماندگی و تجزیهٔ خویش را فراهم کردند. چنانچه جای این کشمکشها، حسن تفاهم و مودّت برادرانه تحت لوای اسلام قرار می داشت، شاید سرنوشت دو کشور به گونه ای دیگر می بود.

■

این جانب از زحمات بی شائبه و صادقانهٔ جناب آقای عباس ملکی معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه و جناب آقای رضاحسین میرزاطاهری سر پرست گروه انتشار اسناد و جناب آقای محمدحسن کاوسی عراقی تهیه و تدوین کنندهٔ این مجموعه و دیگران تشکر می نماید و توفیق آنان را از خداوند بزرگ خواهان است.

علی اکبر ولایتی
وزیر امور خارجه
و
رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

مقدمه

پیش از توضیح مختصری در مورد مرزهای ایران و عثمانی که قسمتی از اسناد گزیدهٔ آن در این کتاب آمده است، نظری گذرا بر جغرافیای تاریخی مرزهای ایران، ضروری می نماید.

اطلاعات جغرافیایی قدیم ایران بیشتر محدود به نوشته های مورخان یونانی مانند هرودوت (قرن پنجم قبل از میلاد) و استرابُن و بعضی کتیبه های باقیمانده از آن روزگار است. بعد از انقراض دولت آشور، مادها و بابلی ها و لیدی ها که در نواحی غربی آسیا حکومت داشتند بتدریج تابع کورش پادشاه هخامنشی گردیدند. بسط قدرت هخامنشیان در مدتی کوتاه سرزمین وسیعی را شامل می شد که تا آن زمان بی سابقه بود. حدود کشور از سمت شمال، رود سیحون و دریای مازندران و سیاه و جبال قفقاز و از طرف جنوب، اقیانوس هند و خلیج فارس و از مشرق، رود سند بود و از مغرب به علت منازعات دائمی ایران و یونان دقیقاً مشخص نبود، ولی به حد اعتدال، دریای اژه را حدّ غربی آن زمان می توان تصور کرد. بنابراین تمامیّت ارضی و وحدت جغرافیایی کشور و تعیین حدود برای آن، بر طبق اسناد تاریخی از دورهٔ هخامنشی آغاز گردیده است.

داریوش بعد از جنگهای داخلی و توسعهٔ کشور، ایران را به سی ایالت (ساتراپی) تقسیم نمود که از شمال به ماورای سیحون و دریای مازندران و قفقاز و جنوب روسیه و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از مشرق به فلات پامیر و هند و از مغرب به دریای آدریاتیک و لیبی محدود می‌گردید.

پس از انقرض سلسلهٔ هخامنشی توسط اسکندر مقدونی و فرمانروایی جانشینان او (سلوکی ها)، وسعت ایران در حال تغییر بود و هرگز به وسعت دورهٔ هخامنشیان

نرسیده است.

در دورهٔ اشکانیان وسعت مملکت حدود ثابت و معینی نداشته و پیوسته تغییر می‌کرده است، خصوصاً در مرزهای غربی که اشکانیان به امپراتوری روم درگیر بوده‌اند. لیکن بیشترین وسعت ایران در دوران عظمت اشکانی، از شمال به کوههای قفقاز و دریای مازندران و رود سیحون و از مشرق به منطقهٔ پنجاب و هندوکش و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از مغرب به منطقهٔ بین‌النهرین محدود می‌شده است.

حدود ایران در دورهٔ حکومت ساسانیان با جزئی تفاوت، همان حدود دورهٔ اشکانی است. با این تغییر که در سمت مغرب، به دلیل جنگهای متوالی با رومیان و شکست آنها، سرحد غربی به ناحیهٔ غربی بین‌النهرین یعنی صحرای سوریه رسید و رودهای دجله و فرات داخل حدود ایران شد و سرزمین یمن هم به اطاعت ایران درآمد.

ظهور اسلام و انقراض سلسلهٔ ساسانی، ایران را جزء مملکت بزرگ اسلامی که از ماراء‌النهار تا شمال افریقا وسعت داشت قرار داد، لذا در این زمان نمی‌توان حدود معینی برای آن قائل شد.

نهضتهای استقلال طلبانهٔ ایرانیان بعد از اسلام که موجب پیدایش سلسله‌های صفاریان، سامانیان، آل‌زیار و آل‌بویه گردید، بتدریج موجبات تجزیه و جدایی کشور اسلامی را فراهم آورد؛ به طوری که هر یک از این حکومتها بر قسمتهایی از ایران فرمانروایی می‌کردند و نتوانستند حدود کشور را به زمان قبل از اسلام برسانند.

در دورهٔ غزنویان حدود ایران همان حدود دورهٔ صفاری و سامانی است، با این تفاوت که قسمتی از شمال و مغرب هندوستان و بخشی از نواحی عراق عجم را نیز شامل بوده است.

سلسله‌های سلجوقی و خوارزمشاهی و چنگیزی و تیموری از ناحیهٔ مشرق به این مرز و بوم تاختند و حدود کشور در زمان آنان همیشه متغیّر بوده و با قدرت و ضعف فاتحین از سمت غرب زمانی وسیع و گاهی محدود می‌شده است.

با تأسیس سلسلهٔ صفویه تحت لوای مذهب تشیع که موجب احیای استقلال کامل ایران گردید و با توجه به جنگهای متوالیی که سلاطین مزبور با همسایه‌های خود در شمال و مغرب داشتند، مرزهای ایران از سمت شمال به رود جیحون و دریای مازندران و کوههای قفقاز و از طرف مغرب به بین‌النهرین و از مشرق به رود سند و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شده است.

ظهور نادرشاه افشار و دلاوری‌های او موجب گردید که آرزوهای بیگانگان نقش بر آب شده و نواحی شمالی و غربی کشور از دست آنان آزاد گردد. او توانست موقتاً وسعت ایران را از سمت مشرق به زمان هخامنشی برساند و کشور عظیمی تشکیل دهد که از شمال به قفقاز و دریای مازندران و ترکستان و از جنوب به خلیج فارس و مسقط و عمان و از شرق به هند و جبال هیمالیا و از مغرب به بین‌النهرین و بغداد و موصل و دریاچهٔ وان و قارص محدود می‌گردید.

موقعیت جغرافیایی ایران و واقع شدن آن بین سه جلگهٔ حاصلخیز بین‌النهرین، پنجاب و ماوراء‌النهر باعث شده که در ادوار مختلف تاریخ، این کشور دچار تاخت و تاز و کشمکش با همسایه‌های خود شود؛ به طوری که در هیچ دوره‌ای از ادوار، حدود کشور ترتیب معینی نمی‌یافته است. تاریخ سرحدی فعلی ایران از زمان صفویه آغاز شده و بر طبق عهدنامه‌های منعقده با دول همسایه شکل گرفته است.

نظر به اینکه اسناد روابط ایران و عثمانی موضوع اصلی کتاب حاضر است، لذا صرف‌نظر از سایر مرزها، تاریخ سرحدات غربی ایران را اجمالاً مرور می‌کنیم.

تا پیش از جنگ جهانی اول (۱۸ــ۱۹۱۴) سرحدات غربی ایران تنها با کشور عثمانی مجاور بوده و پس از جنگ و تجزیهٔ متصرفات عثمانی و تأسیس دولت عراق عرب، ایران با آن کشور و ترکیه هم‌مرز گردید. اسناد و نوشته‌های قدیم چنان حکایت می‌کنند که سرحدات غربی مدتها موضوع کشمکش ایران و عثمانی بوده و هیچ گاه به طور قطع، خط سرحدی مشخص و علامت‌گذاری نگردیده است. از زمان شاه‌عباس اول صفوی و مبادلهٔ عهدنامهٔ اسلامبول خط مرزی به حدود سابق ارجاع شده و عهدنامه‌های بعدی سلطان مُراد چهارم و شاه صفی (شوال ۱۰۴۹ هـ. ق) نیز به علت عدم سندیت و مشکوک بودن، در این زمینه کارساز نبوده است.

عهدنامهٔ نادرشاه و سلطان محمودخان اول (شعبان ۱۱۵۹ هـ. ق) تعیین حدود را به عهود قدیمه معتبر و مربوط کرده است.

در عهدنامهٔ ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۲۳۸ مابین فتحعلی شاه قاجار و سلطان محمودخان دوم، قوت و اعتبار عهدنامهٔ ۱۱۵۹ مرعی و برقرار بوده است. بعد از این عهدنامه تا اواخر حکومت محمدشاه قاجار مذاکره و گفتگوی مهمی در مسئلهٔ حدود دولتین انجام نشد، تا زمانی که به سال ۱۲۵۳ هرات در محاصرهٔ سپاهیان ایران قرار می‌گیرد و علیرضاپاشا دست به غارت محمره (خرمشهر) می زند (رجب ۱۲۵۴) و مدعی مالکیت عثمانی بر آنجا می‌شود. از این تاریخ به بعد، مذاکرات سرحدی به صورت جدّی مطرح می شود و عدم پیشرفت مذاکرات موجب وساطت دول روس و انگلیس شده و

مقرر می‌گردد که با تشکیل کمیسیونی از مأمورین دول چهارگانه در ارزروم، به تسویهٔ دعاوی بپردازند، لذا در سال ۱۲۵۹ هـ.ق مأمورین دول چهارگانه پس از ۱۸ جلسه کمیسیون و سه سال صرف وقت، موفقیتی در تحدید حدود حاصل نمی‌نمایند و قرار بر این می‌شود که عهدنامهٔ جدیدی منعقد شود تا برطبق اصول آن عمل نمایند. بعد از مذاکرات طولانی، سرانجام در تاریخ ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ هـ.ق عهدنامهٔ دوم ارزروم در ۹ فصل مابین دولتین ایران و عثمانی در زمان محمدشاه و سلطان عبدالمجید توسط میرزاتقی‌خان وزیرنظام و انور افندی انعقاد می‌یابد.*

با ایراداتی که دولتین ایران و عثمانی نسبت به عهدنامهٔ مذکور داشتند و با فشار دول واسطه، مبادله و تصدیق عهدنامه یک سال پس از امضای آن، یعنی در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲٦٤ هـ.ق (۱۸٤۸ م) انجام می‌گیرد. و کمیسیونهای تحدید حدود و تعیین خط مرزی در محمره (خرمشهر) و زهاب آغاز می‌شود.

انعقاد عهدنامهٔ ارزنة‌الروم تمامی اختلافات مرزی دو کشور را حل ننمود، و بر طبق مادهٔ سوم عهدنامهٔ مذکور قرار شده بود که کمیسیون مشترکی از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس تشکیل شود و حدود مرزی دو کشور را از ناحیهٔ آرارات تا دهانهٔ شط‌العرب معین کند. دول واسطه در موفقیت و شکست کار کمیسیونها نقش اساسی داشتند. میرزا جعفرخان مشیرالدوله، درویش‌پاشا، سرهنگ چریکف و سرهنگ ویلیامز نمایندگان دول چهارگانه در کنفرانس ارزروم بودند. پیش از تشکیل کمیسیون مزبور، عثمانی‌ها ناحیهٔ قطور را به علت اهمیت نظامی و استراتژیک تصرف نمودند و این مسئله خللی در کار کمیسیون وارد ساخت. علیرغم این مشکلات، کار کمیسیون از روز ۱٤ ربیع‌الاول ۱۲٦٦ آغاز شد و تا ذیقعدهٔ ۱۲٦۸ هـ.ق به طول انجامید. تحدید حدود و تعیین خط سرحدی با تشکیل مجالس مذاکره در محمره و زهاب به نتیجه‌ای نرسید و فعالیت کمیسیون به علل جنگهای کریمه (۷۲ـ ۱۲۷۰ هـ.ق) و جنگ ایران و انگلیس (۷۳ـ ۱۲۷۲ هـ.ق) ناتمام و متوقف ماند.

عدم موفقیت نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی و گزارش موانع کار توسط سفرای انگلیس و روس (سر استراتفورد کانینگ و مستر تیتوف) در اسلامبول به دولتهای متبوع خود، موجب گردید بنا به پیشنهاد لرد پالمرستون، وزیر خارجهٔ انگلیس، کمیسیون دیگری در اسلامبول تشکیل شود و بر طبق معاهدهٔ ارزروم سرحد دولتین ایران و عثمانی را معین سازد و نقاط لاینحل و متنازع‌فیه را به عهده

* رجوع شود به: اسناد فصل سوم و چهارم جلد اول.

تعویق گذارد تا بعداً رفع اختلاف شود. لذا برای اجرای این مقصود از آرارات تا شط العرب توسط دول واسطه در منطقه ای به طول ۸۰۰ میل و به عرض ٤٠٠ میل نقشه برداری گردید و قرار شد چنانچه دولتین ایران و عثمانی اختلافاتی پیدا کردند، ادعاهای خود را بر روی نقشه معین و آن را به حکمیت روس و انگلیس واگذار نمایند.

کار نقشه برداری با توجه به مشکلات و عدم شناسایی دقیق نواحی مرزی و وجود قبایل و عشایر سرحدی که نواحی را تحت کنترل داشتند آغاز گردید و پس از مطالعات طولانی، سرانجام در سال ۱۲۸٦ هـ. ق نقشهٔ کامل شده‌ای به مقیاس ۱/۷۳۰۵۰ در ١٤ قطعه ترسیم نمودند که یک نسخهٔ آن را به باب‌عالی و نسخهٔ دیگر را به وزارت خارجهٔ ایران فرستادند تا ادعاهای دولتین ایران و عثمانی بر روی آن مشخص شده و به دول واسطه اطلاع داده شود.

در سال ۱۲۸٦ هـ. ق (۱۸٦۹ م) قرارنامه ای به منظور حفظ وضع موجود و تصدیق نقشه های دول واسطه تا تعیین تکلیف نهایی بین مشیرالدوله، وزیرمختار ایران در اسلامبول، و عالی پاشا، وزیر خارجهٔ عثمانی، منعقد گردید.

دومین کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی در سال ۱۲۹۲ هـ. ق (۱۸۷۵ م) بر اساس توافق طرفین بر نقشهٔ سال ۱۲۸٦ هـ. ق تشکیل شد. مسئلهٔ مکان کمیسیون، بیماری نمایندهٔ ایران و عدم حسن‌نیت درویش‌پاشا از مشکلات کار این کمیسیون بود تا اینکه مداخلهٔ مأمورین دول واسطه بر مبنای عهدنامهٔ ارزروم، اساس مذاکرات قرار گرفت. کار این کمیسیون هم به علت شروع جنگهای بالکان به جایی نرسید و دعاوی دولتین به حال سابق باقی ماند و طرفین در فرصتهای مناسب به خاک یکدیگر تجاوز می نمودند.

تحدید حدود ایران و عثمانی در این مقطع تاریخی علاوه بر مشکلات و موانعی که مذکور افتاد، دارای دو نکتهٔ حائز اهمیت و استراتژیکی است، یکی مسئلهٔ قطور که قبلاً اشاره شد و سرانجام مطابق معاهدهٔ برلن (۱۸۷۸ م) بعد از جنگهای روس و عثمانی و بر طبق مادهٔ ٦٠ پیمان مذکور، قطور به تصرف ایران درآمد. دیگر مسئلهٔ خوزستان و اعمال سیاست استعماری دولت انگلیس در این ناحیه بود. توضیح آنکه بعد از قتل نادرشاه احمدخان ابدالی، یکی از سرداران وی توانست بر کابل و هرات و سایر نواحی افغانستان مسلط شده و مقدمات جدایی این سرزمین را از ایران فراهم آورد. هرات و سرزمین افغانستان از دیرباز جزء سرزمین ایران و از جملهٔ خراج گزاران آن تلقی می شد و جانشینان احمدخان هم از شاهان قاجار اطاعت

می‌کردند تا اینکه در سال ۱۲۴۹ هـ. ق که حکومت خراسان به عهدهٔ محمدمیرزا بود، به علت تمرد حکمرانان این ناحیه، هرات تحت محاصرهٔ قوای ایران قرار گرفت و مرگ عباس‌میرزا کار محاصره را ناتمام گذارد و به مصالحه کشاند.

در هنگام سلطنت محمدشاه، هرات برای دومین بار به سال ۱۲۵۳ هـ. ق به تصرف قوای ایران درآمد. نظر به اینکه انگلیسی ها از دست یافتن ایران بر هرات که معبر هندوستان است رضایتی نداشتند، با مساعدت مالی و نظامی به حاکم هرات و برخلاف معاهدهٔ ۱۲۳۰ هـ. ق (۱۸۱۴م) ایران و انگلیس، ناوهای جنگی خود را به جزیرهٔ خارک گسیل داشته و محمدشاه را مجبور به ترک محاصرهٔ هرات نمودند. به این ترتیب عملاً نفوذ سیاست انگلستان در افغانستان توسعه یافت و بتدریج قسمتهای شرقی ایران از زمان محمدشاه از تصرف ایران خارج شد.

آخرین محاصرهٔ هرات در زمان ناصرالدین شاه انجام شد و سلطان مردا میرزای حسام‌السلطنه حاکم خراسان آن شهر را محاصره کرد و سرانجام هرات در صفر ۱۲۷۳ هـ. ق به دست سپاهیان ایران فتح شد و نفوذ و تسلط دوبارهٔ ایران بر افغانستان را مسجّل ساخت.

انگلیسی ها که تصرف هرات را مخالف منافع و سیاست خود در هندوستان می دیدند با مساعدتهای نظامی و مالی به دوست محمدخان، او را علیه ایران تجهیز و مجدداً قوای دریایی خود را وارد خلیج فارس نمودند. نیروی انگلیس جزیرهٔ خارک و بوشهر را تصرف کرده، وارد خوزستان شدند. خانلرمیرزا حاکم خوزستان با همراهی شیخ جابرخان رئیس قبایل کعب با قوای انگلیسی مقابله نمود، ولی به علت مرعوب شدن خانلرمیرزا، نیروهای انگلیسی محمره (خرمشهر) را به تصرف درآوردند و تا اهواز پیش رفتند.

دولت عثمانی به تصور واگذاری محمره (خومشهر) از طرف انگلیسی ها از همکاری و مساعدت با آنها مضایقه ننمود، اما قبل از توافق انگلیس و عثمانی در این مورد، سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به تخلیهٔ هرات گردید و بر طبق عهدنامهٔ پاریس در چهارم مارس ۱۸۵۷ (رجب ۱۲۷۳ هـ. ق) ایران استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت بدین ترتیب نقشهٔ تجزیهٔ خوزستان توسط انگلیسی ها در مقابل مسئلهٔ هرات و افغانستان عقیم ماند. ناصرالدین شاه هم به پاس خدمات شیخ جابر، حکومت محمره را با درجهٔ سرتیپی به انضمام ریاست قبیلهٔ باوی به وی واگذار نمود که بعدها به پسرش شیخ خزعل رسید.

ایلات و عشایر مرزی ایران و عثمانی

خطوط مرزی ایران و عثمانی مسکن ایلات و عشایر متعددی است که به همین مناسبت در تاریخ دولتین، فصول عمده‌ای به مسائل آنان اختصاص یافته و بسیاری از معاهدات و قراردادهای منعقده و اسناد و مکاتبات و کمیسیونهای سرحدی مربوط به حل و فصل دعاوی و حقوق آنان می‌شده است، که برگزیدهٔ قسمتی از آن اسناد مبحثی از این کتاب است.

«ایل» کلمه‌ای ترکی و به معنی طایفه است و از زمان استیلای مغولان در ایران متداول شده و اصطلاحاً به جماعتی گفته می‌شود که زندگی ثابتی ندارند و به ییلاق و قشلاق می‌روند و زندگانی آنان در چادر و عمدهٔ دارایی آنها اغنام و احشام است که همواره با خود کوچ می‌دهند. صنایع آنها منحصر به صنایع دستی نظیر قالی، گلیم و جاجیم‌بافی است و هر کس احشام و نیروی کار بیشتری داشته باشد متمولتر است. زندگانی اهالی ایل بسیار ساده است و معمولاً از یک رئیس به نام ایلخانی یا ایل‌بیگی اطاعت می‌کنند که ریاست او موروثی است.

این قبیل طوایف از زمانهای بسیار دور در ایران وجود داشته‌اند و گذشته از چند ایل مهم مانند کُرد، لر، بختیاری، زنگنه و زند که در اصل ایرانی هستند، بقیه از غرب و شرق به ایران آمده و با تیره‌های دیگر ایرانی اختلاط و امتزاج پیدا نموده و اهلیت و اصلیت ایرانی پیدا کرده‌اند.

نظر به اینکه قسمتی از اسناد کتاب حاضر مربوط به عشایر سرحدی است، به توضیح اجمالی بعضی از ایلات مهم سرحد در این مختصر قناعت شده، و اطلاعات بیشتر در این مورد، در جدول ضمیمهٔ کتاب آمده است.

۱. کردها: کردها از مهمترین ایلات ایران‌اند که در مناطق وسیعی از شمال غرب و غرب از جنوب ماکو تا شمال لرستان و قسمتی از خوزستان ساکن‌اند و به طوایف معتبر مکری، گوران، کلهر، سنجابی، قبادی، زعفرانلو و شادلو تقسیم می‌شوند. ایلات کرد را به علت تفاوتی که در مناطق مختلف جغرافیایی دارند، به دو دستهٔ مهم می‌توان تقسیم نمود: اول ایلات کرد آذربایجان، و دوم ایلات کرد نواحی کردستان و کرمانشاهان.

ایلات مهم دستهٔ اول از شمال به جنوب عبارت‌اند از: جلالی در اطراف ماکو و کوه آرارات، میلان در خوی، ثلاث در شمال سلماس، شکاک در جنوب سلماس و نواحی مرزی شیپران و صومای و برادوست*، بیک‌زادگان و طایفهٔ بلباس

* اسماعیل‌آقا معروف به سمیتقو از ایل شکاک و رئیس طایفهٔ عبدوی بود.

در مرگور و ارومیه، قره‌پاپاق در جنوب نقده، هرکی و هرتوشی در ناحیهٔ ترگور، منگور در مهاباد، و حیدرانلو در چالدران و قتور.

ایلات دستهٔ دوم در منطقهٔ کردستان و کرمانشاهان، شاملِ ایلات ناحیهٔ سقز و طوایف اطراف مریوان، اورامان، دیوان‌دره، سنه (سنندج)، کامیاران، جوانرود کرمانشاه، احمدوند سُنقرکلیائی و گوران قلخانی، ایل سنجابی، ایل کلهر و طوایف پشتکوه می باشند.

ایلات کرد در کردستان بیشتر در غرب سنندج تا کرمانشاهان و قصرشیرین متمرکزند و معروفترین آنها ایلات سنجابی و گوران، باباخانی، فتح‌علی بیگی و کماسی هستند.

در سقز و بانه و سردشت ایلاتی هستند که ایل جاف در بخش جنوبی آن است.

۲. لُرها: لرها بیشتر در غرب سلسله جبال زاگرس در منطقهٔ جنوبی کردستان اقامت دارند. برخی از جغرافیدانان مانند ابن‌بلخی و اصطخری، لرها را از طوایف کرد دانسته‌اند با این تفاوت که لرها پیرو مذهب تشیع هستند.

ایلات و طوایف معروف لُر عبارت‌اند از: کاکاوند، ملک‌شاهی، پیران‌وند، یوسف‌وند و کبیرکوهی که در پشتکوه سکونت دارند و سگوند، فولادوند، عیسوند، حاجی‌وند، و... که در جنوب و مغرب بروجرد ساکن هستند.

۳. ایلات عرب‌زبان: ایلات عرب‌زبان که معمولاً در کنارهٔ خلیج فارس و خوزستان سکونت دارند، از ایلات و قبایل متعددی تشکیل می‌شوند که مهمترین آنها عبارت‌اند از: بنی کعب، بنی طرف، آل‌خمیس، آل‌حمید، آل کثیر، آل‌ضیغم، بنی صالح، بنی عجربش، بنی حروان، بنی قاطع، بنی مالک، بنی تمیم و طایفهٔ صابیان؛ و ازین میان سابقهٔ تاریخی بنی کعب از دیگران بیشتر است و احتمالاً از حدود سه قرن پیش در خوزستان ساکن شده‌اند.

■

کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (دورهٔ قاجاریه)** که با استعانت خداوند متعال جلد دوم آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، مشتمل بر اسناد است متعلق به سالهای ۱۲۷۱ تا ۱۳۱۳ هجری قمری که عمدتاً مربوط به دورهٔ ناصرالدین شاه می‌باشد و حاوی ۲۱۰ سند تاریخی است.

کتاب حاضر در چهار فصل و یک فصل ضمیمه به شرح زیر تهیه و تدوین گردیده است:

فصل اول، شامل یک سند تاریخی در مورد تاریخچهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی است که ناظم‌الملک* به سال ۱۲۹۶ هجری قمری آن را در تهران نوشته که متأسفانه ناقص است و دنبالهٔ آن تاکنون پیدا نشده.

فصل دوم، حاوی ۷۹ سند مهم و تاریخی در امور سرحدی است که در سه بخش «اسناد سرحدی آذربایجان»، «کردستان و لرستان» و «خوزستان» تهیه و تنظیم شده است.

فصل سوم، اسناد کمیسیونهای سرحدی را شامل می‌شود که در دو بخش «کمیسیونهای سرحدی و دول واسطه» و «مذاکرات کمیسیون سرحدی آذربایجان» و امور عشایر تنظیم یافته و حاوی ٦٤ سند تاریخی است.

فصل چهارم، شامل برگزیده‌ای از اسناد مربوط به عشایر مرزی و تجاوزات آنها و مکاتبات سران دو کشور دربارهٔ آنان با ٦٦ سند تاریخی است.

فصل ضمیمه، شامل ٦ قطعه نقشه از مناطق جغرافیایی ایران در سرحدات غرب و نقشهٔ خطوط مرزهای غربی ایران و صورت اسامی طوایف و تیره‌های ایلات و عشایر ایران در نواحی مرزی است.**

*

این کتاب در سایه کوشش و فعالیت افراد زیر تهیه و تنظیم شده است:

۱. آقای رضاحسین میرزاطاهری عضو شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد و سرپرست واحد نشر اسناد که در کار مدیریت و تکمیل این مجموعه نظارت داشته‌اند.

۲. آقای محمدحسن کاوسی عراقی که کار تحقیق و برنامه‌ریزی و اجرای مراحل تهیه و بازخوانی اسناد و تقریر و تنظیم و تدوین کتاب را به عهده داشته‌اند.

۳. آقای امیرحسین اکبر که در کارهای کپی‌برداری و بازخوانی اسناد مجدانه کوشیده‌اند.

٤. خانم فریبا شعبانی نصر که امور هماهنگی و کنترل را با صمیمیت عهده‌دار بوده‌اند.

* میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک، مأمور کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی در اسلامبول به سال ۱۲۷۳ هـ.ق.

** اقتباس از: مسعود کیهان، جغرافیای مفصل سیاسی ایران، (تهران، ۱۳۱۱)؛ ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، ج ۲، (تهران، ۱۳٦۱)؛ محمدعلی مخبر، مرزهای ایران، (تهران ۱۳۲٤).

۵. خانم خدیجه افخمی روحانی که کارهای تایپی این مجموعه را با نهایت علاقه‌مندی انجام داده‌اند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

واحد نشر اسناد

اسفندماه ۱۳۶۸

فصل ۱

تاریخچهٔ تحدید حدود ایران و عثمانی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

شمارهٔ سند: ۱۸۰
موضوع: تاریخ تحدید حدود
تاریخ: ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

خلاصهٔ تاریخ حدود ایران و عثمانی

بسم‌الله خیرالاسمآء

معلوم، در باب وقوف معاملات دولیه است که مسئلهٔ حدود مابین دو دولت امر عمده و مهمی است که لامحاله باید مبتنی به عهدنامه بوده باشد و بس. مسئلهٔ حدود مابین ایران و عثمانی هم از این مقوله است. زیرا شاه اسماعیل اول صفوی که اولین پادشاه صفویه است، پس از فتح خراسان و ترکستان و آذربایجان و سایر در سنهٔ ۹۱٤ یا ۹۱۶ خط بغداد را که در تصرف منغلبه بود، تصرف نمود در حالتی که هنوز حدود عثمانیه اغلبی همان حدود مقررهٔ امیرتیموری بود و از آمد و سیواس و کماخ به این طرف نگذشته بودند.

بعد سلطان سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی که فرنگستان از سطوت او در تشویش بود، در عهد شاه طهماسب اول صفوی (یابرای تکمیل نتایج محاربه والد خود با شاه اسمعیل اول صفوی یا به سبب اینکه شاه طهماسب اول صفوی را فرنگی ها به تلافی جنگ پدر خود برخیزانند که وسیلهٔ برگشتن سلطان سلیمان در محاصره و یا نه پایتخت اوستریا به هر علتی بود که) با ایران آغاز محاربه نموده پس از محاربات طولانی در سنهٔ ۹٤۰ هجری بغداد را از تصرف ایران بیرون آورد، خود متصرف شد و تا اوایل ۹۶۹ محاربه در میان دولتین ممتد بود، به قراری که از سواد نامجات متبادلهٔ طرفین مندرجه در مجموعهٔ منشآت فریدون‌بیگ معلوم می شود در اوایل ۹۶۹ مصالحه کرده، الصلح خیر ماده تاریخ آن گردید. ولی باز در حق بعضی مواد سرحدیه خالی از مباحثه نبودند. تا اینکه سلطان بایزید پسر سلطان سلیمان با دوازده هزار سوار فراراً به ایران آمده مظهر حمایت شاه طهماسب اوّل و موجب تزاید تردّد سفرای جانبین برای شفاعت بایزید گردید و بالاخره چنانکه از نامجات متبادله مندرجه در مجموعه منشآت فریدون‌بیگ مشهود می شود در سنهٔ ۹۷۱ سبب ردّ بایزید به سلطان سلیمان به شرطی که جان او محفوظ و مأمون باشد و اخذ

قریب دو کُرور نیم تومان و تعهد تفویض قارص به ایران به کلی رفع مشاجرات طرفین شده، قرارتیتی دادند که طرفین به خاک یکدیگر تجاوز نکنند. و این اوّلین معاهد بود که در حق حدود مابین ایران و عثمانی به طور استاتوقو [استاتوس کو] منعقد شد. تا این دو پادشاه حیات داشتند به کمال دوستی راه رفتند.

ولی پس از فوت ایشان باز مِحاربه شروع شده، تقریباً از سنهٔ ۹۸۵ به بعد تا ۹۹۶ در عهد شاه اسمعیل ثانی و سلطان محمد صفوی و اوایل شاه عباس اول، محاربهٔ مزبوره امتداد داشت و اغلب ممالک ایران اعمّ از کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان از اخسقه تا تبریز به تصرف عثمانیه گذشت. شاه عباس اول که دوازده‌ساله بود و با حیات پدر دو سالی به اجازت پدر جلوس کرده بود، ملاحظه نمود که از یک طرف عثمانیه کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان را تا تبریز تصرف کرده‌اند، و از طرف دیگر آذربیکها (ازبکها) ملک هرات و خراسان و سایر را تا شاهرود متصرف گردیده. و از طرف دیگر میان امرا و چاکران دربار ایران که هر یکی یک نفر از شاهزادگان را لله و مربّی بودند نفاق کلی به هم رسید، و حتی به دست‌آویز شاهزاده که در دست داشتند، در تمرد حکم پادشاه نیز عادی شده‌اند برای اصلاح این سه محذور خطرناک اصلاح محذور قوی‌تر را مقدم داشته، عجالتاً معاهدهٔ اضطراری با عثمانیه منعقد نموده، تمامی اراضی و ایالات ایران که به تصرف عثمانیه گذشته بود حتی تبریز و مراغه و سایر در تصرف عثمانیه مانده، برادرزادهٔ خود حیدرمیرزا را که طفل صغیر بود در سنهٔ ۹۹۸ به اتفاق مهدیقلیخان چاپشلو به سمت معاهدت مخصوصه و حسن تنظیم امور داخله، از طرف خود روانهٔ اسلامبول نمود و این معاهده، معاهدهٔ دویم بود که گویا تقریباً در ۹۹۶ مابین ایران و عثمانی اضطراراً و موقّتاً منعقد گردید.

و بعد برای سلب قدرت امرا و رفع تعصب اویماقات شاهسون کرده و بیدقی از طرف خود نصب و مردم اویماقات رابه‌زیربیدق پادشاهی و ترک تعصب اویماقی دعوت نمود که هر کس شاه‌پرست و دوستدار مرشد کامل است به‌زیر بیدق پادشاهی جمع و مطیع حکم پادشاه بشود. بدین‌وسیله تمامی اویماقات به‌هم خورده، شوکت امرا بکلی شکسته هر گوشه تنبیهی که در حق هر یک مقصود پادشاه بود به عمل آورده. امر نوکر و داخله را کاملاً منظم نمود، به برکت این تمهید ملوکانه تجهیز سفر خراسان نموده. اُوزبکیه را از خاک ایران بیرون و تا حدود خوارزم و بخارا تمامی ملک خراسان و سایر را آسوده

و مأمون نموده، تسلط کلی در خوارزم نیز به هم رسانیده به اصفهان معاودت کرد، و هنوز از زحمات سفر خراسان آسوده و تجهیز سفر آذربایجان و محاربهٔ عثمانیه را تمهید نکرده بود که خان ابدال یک پسر غازی بیک کرد سلماسی از مظالم عثمانیه به تظلم وارد اصفهان شده پادشاه به تحریص او عزم سفر آذربایجان نموده به ایلغار سه روزه از اصفهان به واسمنج سه فرسخی تبریز رسید. که شاید هنوز عثمانیه وقوف نگشته، داخل قلعهٔ تبریز شود که عثمانی ها برای مسکن قشون خود ساخته روزها در شهر به اهالی محشور و به مناسبت وصلتها و قرابتها که به علت امتداد ایام توقف تبریز با اهالی به‌هم رسانیده بودند مشغول مراوده و اظهار خصوصیت می شدند، شبها به قلعه می رفتند پادشاه به انتظار وصول عقب‌ماندهٔ ایلغاریان در واسمنج اندک مکث کرده، ملتفت شد که مردم شاه را شناخته‌اند برای اینکه مبادا خبر به تبریز رسد فوراً از آنجا حرکت کرد. روانهٔ تبریز شد.

مع‌هذا محض وصول شاه به خیراتی که مبدأ خیابان تبریز است آوازه وصول شاه به بازار تبریز رسیده هرچه عثمانیه در شهر بود، داخل قلعه شده دروازه‌ها را بستند چون حکمت خداوندی اسباب غلبه و فتح و نصرت شاه را به بهتر وجهی ترتیب می فرمود معلوم شاه شد. قشون عثمانیه که به‌سرقلعهٔ غازی‌بیگ رفته و غازی‌بیگ در حالت محصوری پسر خود را از قلعه به پایین انداخته متظلماً به اصفهان رفته بود هنوز از سرقلعه برنگشته مشغول محاصره‌اند. علی هذا پادشاه از تبریز رو به قلعهٔ غازی‌بیگ حرکت نمود که قشون عثمانی هنوز واقف نگشته دست به روی آنها بزند در حالتی که قشون مزبور قلعه را کوبیده و جوقی را که از قشون نخجوان به کمک خود آورده بودند با راه مرند مرخص نخجوان نموده علی‌پاشا سردارکل با جمعی از پاشایان و قشون مأمور به توقف تبریز رو به تبریز می آورند. در صحرای خواجه میرجان سه فرسخی تبریز شاه به آنها رسیده با حملات متواتره قشون عثمانی را ازهم پاشید و علی پاشا سردارکل و جمعی از پاشایان دیگر را زنده دستگیر کرده، با فتح نمایان مراجعت به تبریز نموده، این قضیه که گویا در ربیع‌الثانی ۱۰۱۲ اتفاق افتاد مجدداً سبب افتتاح ابواب محاربات مابین ایران و عثمانی گردیده با اینکه بارها مصالحه کرده حتی در یکی قرار به تحدید حدود هم داده از طرف آذربایجان. امیر گونه‌خان قاجار سردار ایروان از جانب ایران و محمدپاشا تکلو والی وان از جانب عثمانیه و همچنین از طرف بغداد محمودپاشا ولد چغال‌اوغلی معروف به سنان‌پاشا از جانب عثمانیه مهدیقلی‌بیگ جغتائی میرآخور پادشاهی از طرف ایران

مأمور به تحدید حدود گردیده مأمورین سمت آذربایجان حدود را معین و نصب علایم نموده و سجلّهای معتبر به مهر رؤسای قابل و حکام محلیه و مأمورین جانبین به یکدیگر دادند. ولی در طرف بغداد قرین حُسن انجام نگشته جالب، محاربه به آن سمتها گردیده، آخراً بغداد نیز تقریباً در شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۰۳۲ به تصرف شاه عباس رسید تا آن مرحوم حیات داشت محاربه مثمر بود و عهدنامهٔ پاداری در میانه منعقد نگردیده، بدین‌سبب محاربه تا عهد شاه‌صفی کشیده اخراً در سنه ۱۰۴۹ سبب گذشتن بغداد به تصرف سلطان مراد رابع قرار به مصالحه شد، محاربه متروک گردید.

امّا تفصیل معاهده که مابین شاه‌صفی و سلطان مراد رابع گذشته است، اگرچه نسخهٔ صحیحی از آن در هیچ یک از دولتین باقی نمانده است. ولی به قراری که از سواد نامجات متبادله دولتین که در مجموعه منشآت فریدون‌بیگ مندرج است چنین معلوم می‌شود که قشون عثمانیه پس از فتح بغداد و انتزاع آن از تصرف گماشتگان شاه‌صفی رو به زهاب و کرمانشاهان می‌آمدند و شاه‌صفی هم به موجب نامجات مخصوصه با سلطان مراد رابع گفتگوی مصالحه داشته و قرارداده بوده‌اند حدود سلطان سلیمانی اساس داده، حدود دولتین بوده طی گفتگو بشود. در وصول قشون عثمانی به نزدیک زهاب ساروخان سفیر شاه‌صفی وارد اردوی عثمانیه شده، عهدنامه را منعقد و امضا می‌نماید و در ضمن معاهده قرار می‌دهند که در سمت بغداد آخر جسان [جصان] و باورائی و قصبهٔ مندلیج به عثمانیه واگذار شود. و کوهی که در پهلوی قصبهٔ مندلیج است به ایران مانده صحاری واقعه فی‌مابین مندلیج و درتنگ و همچنین درنه‌دود درتنگ به عثمانیه واگذار شده سرمیل کرند سنور درتنگ بشود، و شهر زور و قزلجه به عثمانیه بماند و در سمت آذربایجان قلعهٔ قتور و ماکو و مغارنرد از طرفین تخریب شود، این عهدنامه عهدنامهٔ سیم است که بین‌الدولتین در ۱۰۴۹ هجری منعقد و معروف به معاهدهٔ سلطان مراد رابع گردیده. تا ظهور طغیان افاغنه در ایران یع نی تا سنه ۱۱۳۰ باعث آسودگی طرفین و رفع مصایب محاربات بود. این نکته هم نباید پوشیده بماند که چون اساس معاهدهٔ مزبوره در حق حدود به موجب نامجات طرفین عبارت از حدود سلطان سلیمانی بوده و هنگام انعقاد معاهدهٔ سلطان مردای سبب قُرب زمان همهٔ نقاط حدود سلطان سلیمانی معروف طرفین و اهالی جانبین بوده است. به همین جهت است که در ضمن معاهدهٔ مزبوره اسمی از اغلب جای حدود دولتین ذکر نشده، ولی در معنی به ملاحظهٔ اساس مزبور محوّل به

حدود سلطان سلیمانی و همهٔ نقاط مزبوره معهود طرفین بوده است. بالجمله در سنهٔ ۱۱۳۵ افاغنه اصفهان را تصرف و شاه سلطان حسین مرحوم را با تمامی اولاد (غیر از شاه طهماسب ثانی که در خارج به جمع اعوان و انصار مشغول بود) شهید کردند و به سبب تصادف این حادثهٔ بی‌رحمانه با آخر (آخر ماه محرم) مادهٔ تاریخ آن شد عثمانیه هم به طمع افتاده عهدنامهٔ سلطان مراد را منسوخ گرفته حمله به حدود ایران آورده، به قراری که در تواریخ عثمانیه دیده‌ام باطناً با روسیه عهدی بسته آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان و قدری از همدان را در میان خودشان قسمت کرده یک پسته را در قرب اردبیل ملتقای حدود طرفین قرار داده به خط مستقیم به سمت همدان برده مغرب آن خط را که تبریز و مراغه و ارومیه هم داخل آن بود، به سهم عثمانیه منظور و خط دیگر به سمت رودخانه کُر و ارس برده جانب مشرق آن با سواحل غربی بحر خضر [خزر] به سهم روسیه منظور داشته به همین زمینه به ضبط ممالک مزبوره پرداخته تصرف نمودند. ولی روسیه به مناسبت اینکه شاه طهماسب ثانی از آنها برای دفع افغان و عثمانی استمداد کرده گویا تسلیم گیلانات را هم به روسیه وعده کرده بود و ایالات مزبوره را به عنوان اینکه منظورشان کمک است ضبط نمود و عثمانیه به قهر و غلبه و استمالت بعضی اهالی پیش آمدند در این بین افاغنه در قرب همدان با عثمانیه شاه طهماسب را شکست داده جری شده بودند. مصاف داده عثمانیه را مغلوب و بیست و دو عراده توپ عثمانیه را با بعضی ادوات اردوی آنها ضبط کرده، افاغنه برای اخذ نتیجه فتح خود و عثمانیه برای جبر شکست خویش بنای مصالحه گذاشته و در تاریخ ۱۱۴۰ عهدنامه منعقد نموده به قراری که در ضمن مذاکرات مجالس آینده در اسلامبول قرارنامهٔ مزبور با مأمور عثمانی ابراز و قرائت نموده معلوم شد که در ضمن معاهدهٔ مزبوره عثمانیه با اشرف افغان قرار داده بودند که چون والی حویزه مرد شرور و مفسد است و در سرحد غالباً مصدر شرارت و ناامنی است دولت عثمانی هر وقت به تأدیب او و ضبط حویزه اقدام کند از طرف افاغنه ممانعتی نشود. این معاهده قرارنامه بود که فی‌مابین دو غاصب در حق ممالک ایران منعقد و به صحابت تقی‌خان معروف برای مبادله به اسلامبول فرستاده شد. تقی‌خان همان است که در عهد نادرشاه با جواب عهدنامهٔ اشرف بعد از مقهوری و مفقودی اشرف افغان از اسلامبول مراجعت و تسلیم نادرشاه نموده، نادرشاه هم او را به نوکری خود اختیار کرده گاهی حکومت عربستان و چندین بار حکومت فارس داده، در هر یکی خیانت کرد. ولی چون مرد کافی و کاری

بود نادرشاه به اندک گوشمالی باز بر سر شغل خودش برقرار می نمود.

نظر به تفاصیل مزبوره ایالات مقومه و مغصوبهٔ ایران خاصه ایالات مغصوبهٔ آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان بدبختانه از بدو ظهور طغیان افاغنه تا مزید تسلط نادرشاهی یعنی از سال ۱۱۳۵ تا حوالی ۱۱۵۰ قریب پانزده سال در ید غصب عثمانی باقی مانده سهل است بعد از آن نیز اغلب نقاط مزبوره تا استقرار عهدنامهٔ نادرشاهی عرصه محاربات جانبین گردید. مقصود اصلی نادرشاه چنین بود که حدود امیرتیموری در میان دولتین مقرر بوده نقاضت شیعه و سُنی هم از میانه برداشته شده مذهب جعفری یکی از مذاهب مسلّمه اسلام معدود گشته، مذاهب اربعه مذاهب خمسه بشود. ولی نفاق داخلهٔ اهالی ایران که در هر سفری موجب ظهور بعض اختلالات و اغتشاشات داخله می شد او را از این صرافت انداخته و بر وفق تکلیف عثمانیه راضی شد که حدود سلطان مرادی برقرار شود. در این باب نیز به علت مجهول بودن نقاط سرحدیه راجعه به عهدنامهٔ سلطان مردای در ادخال این ماده به معاهدهٔ خودداری کرده اراضی و دهات واقعه در قرب حدود را بر وفق معاهدهٔ سلطان مرادی از دولت عثمانیه استفسار کرده از طرف باب عالی اسامی نقاط مزبوره در ضمن سیاهه مفصلی به صحابت علی پاشای کنج (یعنی جوان) که عثمانیه گنج علی پاشا می‌گفتند برای نادر فرستاده شده. موافق آن در تاریخ ۱۱۵۹ هجری به عقد عهدنامهٔ موافقت و قرار حدود را مربوط به معاهدهٔ سلطان مرادی نموده تصدیق نامهٔ خود را با چند زنجیر فیل با بعض هدایای نفیسه و جواهراتی که از هند آورده بود به صحابت مصطفی قلی خان (که گویا سلک منشی بوده) و به قراری که عثمانیه ضبط کرده اند میرزا مهدی خان نادری هم در جزو صاحبمنصبان بصحابت اوبوده است روانهٔ اسلامبول ساخته نزدیک بود که ممالک سرحدیهٔ ایران بدین وسیله امن و آرامی حاصل کند. ولی هنوز مصطفی قلی خان برنگشته نادرشاه مقتول و نایرهٔ محاربات داخلی مابین اولاد نادرشاه مغفور و سایر مشتعل گردید و سفیر عثمانی که در مراجعت مصطفی قلی خان به همراهی او با قریب ۸۰ هزار تومان هدایا و جواهرات به حضور نادرشاه مأمور شده بود تا دو سال در بغداد منتظر و از حصول امنیت ایران مأیوس گشته به اجازت دولت عثمانی با هدایا که همراه داشت مراجعت به اسلامبول نمود اغتشاش ایران به جایی رسید که مصطفی قلی خان از اقامت بغداد دلتنگ و به خیال جاهلانه داوطلب شد که عثمانیه جمعی به او بدهد ایالت کرمانشاهان و سایر رابه دست آویز محمدحسین میرزا

به اینکه از سلسلهٔ صفویه در بغداد بوده سببی برای عثمانیه ضبط و تصرف کند. دولت عثمانی باطناً به والی بغداد نوشته که او را ملامت و نصیحت کرده مانع حرکت او شود حتی از برکت اقداماتی که از وجود نادری مشاهده کرده بودند. به تمامی حکام سرحدیه خود قدغن اکید نمودند که هرگز تخطی به‌حدود ایران نکنند و در قرب حدود ایران نیز از حرکات عسکریه خاصه در اربیل که کوه آن ملاصق سنور قزلباش است کف ید نمایند تا پادشاه مستخفی از میانه ظهور کند. بعد از آنکه اغتشاش ممتد شد و سلطان مقتدری ظهور نکرد عثمانیه باز در بعضی جاها مبادرت به تخطی نمودند.

بالجمله عهدنامهٔ نادری در معنی عهدنامهٔ چهارم بود که مابین ایران و عثمانی منعقد شد و عهدنامهٔ دویم بود که مادهٔ حدود آن مربوط به حدود سلطان مرادی گشت که آن هم مؤسس به اساس حدود سلطان سلیمانی بود. از اینکه نادرشاه از باب عالی صورت مخصوص برای نقاط سرحدیه عهدنامهٔ سلطان مرادی گرفته بود در معنی طرفین در حین عقد عهدنامهٔ مزبوره به همهٔ نقاط سرحدیهٔ سلطان مرادی و سلطان سلیمانی خبیر و واقف بودند با بصیرت کامله قرار حدود سلطان مراد را که کاشف نقاط اساسیهٔ حدود سلطان سلیمانی هم بود جزو عهدنامهٔ مزبوره نمودند. ولی نتیجهٔ مقصوده از معاهدهٔ مزبوره که یکی رفع اختلافات مذهبیه و تحصیل دواعی اتحاد اسلام و دیگری جلب امن و آسایش حدود بود میسر نگشته، به علت مقتولی بلافاصل نادر و توالی اختلالات داخلهٔ ایران و مفتونی سرحدداران عثمانیه به استفادهٔ خودشان از تخطی و تجاوز عشایر سرحدیه به خاک ایران و ترجیح اولیای دولت عثمانیه توسع موقت مملکت خود را به تحصیل اتحاد دایمی اسلام اخذ نتیجه معاهدهٔ مزبوره تا طلوع دولت جاوید آیت قاجاریه و انتصاب ولیعهد مبرور یعنی نایب‌السلطنه عباس میرزا مغفور البسه‌الله من‌ملل النور به حکمرانی و فرمانروایی آذربایجان در عقده تعویق مانده در این عرض مدت که روی هم‌رفته قریب ۸۰ سال و تخفیفت [تخفیفیت] ایام فوت بود به قراری که از تواریخ عثمانیه و ایران مفهوم می‌شود اراضی و ایالات زیادی از حدود سلطان مرادی از خاک ایران چه به واسطهٔ حرکات عسکریه چه به واسطهٔ جلب و استمالت رؤسای عشایر و قبایل به تصرف غصب عثمانیه و بعض عشایر متمرده گذشته، این معنی باعث شد که در عهد دولت خاقان خلد آشیان فتحعلی‌شاه جنت‌مکان و ایام حکمرانی و فرمانروایی ولیعهد مبرور در آذربایجان افتتاح ابواب محاربه با عثمانی پیشنهاد شده اغلب املاک مغصوبه در سمت عربستان و کرمانشاهان و

کردستان و آذربایجان از تصرف عثمانی انتزاع شده به سبب ظهور ناخوشی وبا در اردوی ولیعهد مسرور که بعد از فتح محاربه توپراق‌قلعه رو به ارزروم و انتزاع سایر محال مغصوبه عازم بودند بروز کرده مثل این مأمول زیاده بر این میسر نگشته. ولی‌عهد مبرور اغلب قشون خود را مرخص و مرحوم میرزا محمدعلی آشتیانی را برای عقد معاهده اختیارنامه ماده روانهٔ ارزروم نمودند. رؤف‌پاشا صدراعظم عثمانیه هم از طرف دولت عثمانیه اختیار کامل حاصل نموده در ارزروم به تاریخ ۱۲۳۸ عهدنامه منعقد نموده. در ضمن آن تمامی فقره‌ها، عهدنامهٔ نادری را که من‌جمله استقرار حدود سلطان مردای بود مندرج داشته، وسیلهٔ صلح مؤید دولتین گردیدند.

این معاهده در معنی معاهدهٔ پنجم بود که بین‌الدولتین منعقد گشته، امّا در مادهٔ حدود عهدنامهٔ سیم بود که به استقرار حدود سلطان مرادی بسته شد، اگرچه سبب رفع محاربات و جلب دوستی و موالات دولتین گردید. ولی از اینکه مدت ۱۸۹ از انعقاد معاهدهٔ سلطان مرادی گذشته و به علت امتداد ایام فترت سلطنت ایران و انقلابات متوالیه سرحدیه و تصرفات متکاثره غاصبانه عثمانیه در خاک ایران بعد برحسب تقسیمی که به اروميه کرده بودند چه علاوه بر تقسیم مزبور (نقاط سرحدیه راجعه به عهدنامهٔ سلطان مرادی بلکه به عهدنامهٔ سلطان سلیمانی بکلی از نظرها محو شده بود. عهدنامهٔ نادری هم که مربوط به عهدنامهٔ سلطان مرادی بود و می‌توانست به سبب قرب زمان و تحصیل سیاههٔ مخصوصه برای اسامی نقاط سرحدیهٔ سلطان مردای که از دولت عثمانیه گرفته بود، وسیلهٔ رفع اشتباهات محتمله در حق حدود بشود، به علت وفات بلافاصله نادر و ظهور اغتشاشات داخله و خارجه در پردهٔ خفا مانده، اسمی از نقاط سرحدیه مسطوره مذکور و منتشر نگردید که موجب تذکر جدید اهالی و تا چندی‌مذکورخاطر سرحدنشینان بوده مظهر نیافته و اختلافی نشود. این گونه بی اطلاعی که تا عهد سلطنت قویشوکت خاقان مغفور خلد آشیان فتحعلی‌شاه قاجار امتداد یافته و به علت تجاوزات جدیده عثمانیه بعد از معاهدهٔ نادری ممالک ایران روز به روز متزاید گشته بود سبب قوی گردید که بعد از عقد معاهدهٔ جدیده ۱۲۳۸ تشخیص نقاط سرحدیه و حل مسائل راجعه به آن، مظهر مناقشات طولانی گردیده رحلت خاقان مغفور و جلوس شاهنشاه غازی محمدشاه مبرور مستحیل نگشته مؤدی مراودهٔ سفرای جانبین آمد، در این بین علیرضا پاشا والی بغداد به هر خیالی و به هر علتی بود به سوق عسکر بندر محمره و عشایر کعب را که بندر مزبوره

ملک خاک ایران و عشیرت مزبوره هم تبعهٔ خاصهٔ ایران ساکن شهر محمره بودند به کمال بی‌رحمی در سنهٔ ۱۲۵۳ در حالتی که موکب همایون محمدشاه قاجار غازی طاب‌ثراه در افغانستان مشغول محاصرهٔ هرات بود، قتل و غارت و اسیر کرده نسا و صبیان آنها را به معرض بیع و شرا [شری] آورده این معنی زاید باعث تأسف مظهر همت گردیده متدرجاً بعض مواد دیگر هم اتفاق افتاده مواد نزاعیه طرفین از عشره و عشرتین گذشته نزدیک شد که صفوت به کدورت و صلح به جنگ مبدل شود. وزرای مختار روس و انگلیس که هر یک دول متبوعهٔ ایشان مناسبتهای مختلفه و متحده با هر یک دولتین ایران و عثمانی داشتند پای توسط به میان گذاشته به استصواب ایشان مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله که آن وقت هنوز مشیرالدوله نشده فقط مهندس‌باشی گری دولت علیه را داشت به سفارت مخصوصه و وزیرمختاری به اسلامبول فرستاده شد. خودکار عثمانی که سلطان محمود ثانی و شخص مهذّب و جبیل‌القدر بود، سفیر ایران را بخوبی پذیرفته، ولکن حُسن انجام مطالب میسّر نگشته سبب وفات سلطان محمود مغفور و جلوس سلطان عبدالمجید پسرش به جای پدر، میرزا جعفرخان مرحوم نیز برای تجدید مأموریت خود و عرض پارهٔ مواد لازمه و تحصیل نامهٔ تعزیت و تهنیت معاودت به ایران نموده بعد از اعطای لقب مشیرالدوله مجدداً به مأموریت اسلامبول به هم‌رسانیده هنوز حرکت نکرده بود که صارم افندی نامی از رجال دولت عثمانی نیز ظاهراً برای اخبار وفات سلطان محمود و جلوس سلطان عبدالمجید و باطناً برای انجام موادی که سبب مناقشه دولتین شده و عمده‌ترین این مادهٔ حدود بود به ایران آمده در اصفهان که موکب همایون محمدشاه مغفور برای سیاحت بعض انتظامات مُغلقه تشریف‌فرمای اصفهان بود به شرف حضور شهریاری مشرف و به تلطفات ملوکانه پذیرفته شده میرزا جعفرخان مرحوم نیز در شهر رجب ۱۲۵۶ روانهٔ اسلامبل گردیده، در این سفر ثانی این بنده نیز به عنوان منشی گری سفارت آن مرحوم همراه بود باز هیچ‌یک از این دو سفیر موفق به اصلاح مواد نزاعیه نگشته مراجعت به پایتخت دول متبوعه خود نمودند. استفاده که از مأموریت صارم افندی به دولت عثمانی عاید شد فقط همین بود که موافق عهدنامهٔ نادری می بایست دولتین علیتین خرج سفرای یکدیگر را در خاک خود کارسازی نمایند. برحسب خواهش صارم افندی دادن خرج سفرای یکدیگر از طرفین موقوف شد.

بالجمله مجدداً سبب اصرار سفرای واسطه که برای حفظ صلح به کار می بردند

قرار بر تشکیل قمسیون مختلط در ارزروم شده، از طرف دولت علیه ایران باز مرحوم مشیرالدوله میرزا جعفرخان مأمور و در تبریز به مرض ضعف طولانی دوچار گشته، مرحوم میرزا تقی‌خان وزیرنظام (که آخراً به رتبهٔ امارت نظام و صدراعظمی دولت علیهٔ ایران موفق شده نیکنامی جاوید برای خود باقی گذاشت) به جای ایشان به مجلس قمیسیون ارزروم مأمور و روانه و قریب چهار سال در ارزروم با مأمورین دول ثلاثه عثمانی و روس و انگلیس مذاکرات مواد نزاعیه که اهم آن مناقشات سرحدیه بود گردیدند.

چون به نحوی که مسطور شد در معاهدهٔ مورخهٔ سنهٔ ۱۲۳۸ مادهٔ حدود راجع به عهدنامهٔ نادری و در عهدنامهٔ نادری هم محول به عهدنامهٔ سلطان مردای شده آن هم چنانکه در ضمن جملهٔ پنجم ذکر شد مؤسس به اساس حدود سلطان سلیمانی بودند از عهدنامهٔ سلطان مرادی با شاه‌صفی نسخهٔ اصلی در هیچ یک دولتین موجود نبود که معمول به طرفین شود، و نه سواد معتبری داشت که قابل رجوع طرفین آید و در موادی هم که به مامور عثمانی به عنوان سواد عهدنامهٔ سلطان مردای ابراز می‌نمود مادهٔ حدود را از جِسان شروع کرده به بادرایی و مندلیج و شهر زور و قزلجه گذرانیده قرار آنها را مختصراً ذکر کرده، در حق باقی حدود فقط به تخریب قلعهٔ قتور و ماکو و مغازبرد اشاره و ختم کرده بودند، یعنی در حق باقی حدود نه خط حدودی مذکور بود که وسیلهٔ رفع اختلافات و اشکالات طرفین بشود و نه اسمی از اراضی سرحدیهٔ طرفین مندرج بود که باز تا حدی بتواند وسیلهٔ رفع مناقشات جاریه بشود. این معنی مقتضی بود که حتماً به حدود سلطان سلیمانی که اُس اساس تمامی معاهدات مزبوره بود رجوع شود، از آن بابت هم فقط سوادنامه در دست بود که در مجموعهٔ منشآت فریدون‌بیگ نوشته‌اند. فرضاً اگر مقبول طرفین هم می‌شد سوای ترک تخطی و عدم تعرض خاک یکدیگر یعنی قرار استاتوقو اشاره و اشعاری به اسم اراضی سرحدیهٔ خط استاتوقوی جانبین نداشت و به علت مرور زمان طولانی از عقد معاهدهٔ سلطان سلیمانی، حتی سلطان مردای هم وجود اهل وقوفی به نقاط سرحدیه امکان تصور نداشت که رجوع به شهادت امثال او در حق حدود بشود. زیرا در وقت انعقاد مجالس ارز روم سیصدسال از معاهدهٔ سلطان سلیمانی و زیاده از دویست سال از عقد معاهدهٔ سلطان مردای می‌گذشت، عهدنامهٔ نادری هم که قریب‌العهدتر از همه بود، باز یکصد سال تمام از انعقاد آن می‌گذشت و علاوه بر آن چنانکه در ضمن جملهٔ سیزدهم ذکر شد چون تصدیقنامهٔ آن از طرف دولت عثمانی وقتی به ایران رسید که

بلافاصله قتل نادرشاه مغفور و انقلابات داخله و خارجهٔ ایران ظهور کرده مجال آن نشد که صورت اسامی اراضی سرحدیه بر وفق معاهدهٔ سلطان مرادی که از طرف دولت عثمانی به واسطهٔ گنجعلی پاشا برای اطلاع نادر فرستاده شده بود، مسموع اغلب خواص شود. تا چه رسد به اینکه کو نزد سرحدنشینان و مذکور خاطر ایشان هم گردیده بدین واسطه نتایج و نبایر آنها نیز بتوانند بعد از مرور یکصدسال در همچو روزی و همچو قمسیونی از قول ابا و اجداد خود ادای شهادت حقه و خبیرانه نمایند و حال آنکه در عرض مدت صد سال مزبور هم آنقدر تخطیات و تصرفات غاصبانهٔ طولانی تا مرکز ایالت تبریز و مراغه و کردستان و همدان و غیره واقع شده بود که حدود اصلیهٔ عهدیه بکل از نظر اهالی حاضرهٔ آن زمان رفته بود تا چه رسد به روایات عن‌عن نبایر و نتایج آنها.

بدین علت مذاکرات مجالس ارزروم چهار سال امتداد یافته مأمورین طرفین که به سبب این همه انقلابات و محاربات مفصله ماضیه و تکرار تصرفات و انتزاعات جانبین از ملک یکدیگر و محو شدن اسامی و دلایل عهود عهدیه منتهی شدن آنها به حقیقت طالب مجهول بودند در ثبت ادعای خود مضایغه نکردند خاصه مأمور عثمانی به مناسبت اینکه کراراً در ایام محاربه تا تبریز و همدان و سایر هم به تصرف عثمانیه گذشته بود میدان ادعا را زیادت وسعت داده هرچه دلش خواست از املاک و بلوکات و ایالات داخلهٔ سرحدیهٔ ایران به عنوان اینکه داخل حدود سلطان مرادی است برای دولت عثمانیه ادعا نموده در ضمن مذاکرات مجلس قید و ثبت شد تا اینکه آخراً مأمورین واسطه گفتند، اگر باز ادعایی دارد بگوید، خود اعتراف صریح کرد که دیگر ادعایی ندارد.

بنابراین مأمورین واسطه که با این همه انقلابات متوالیه و اشکالات ممتده چندین ساله و لاینحل بودن مسئلهٔ حدود سلطان مرادی واقف و ملتفت گردیدند چاره را منحصر به فسخ حدود سلطان مردای دیدند که امر موهوم و آلت این همه اشکالات شده بود. و برای اینکه مادهٔ حدود سلطان مرادی قطعاً منسوخ و اسباب اشکالات طرفین رفع شود، فصول معاهدهٔ اخیرهٔ ارزروم را به قلم آورده سواد ثلاثه شده محمره و زهاب و سلیمانیه که مظهر به اهمیت زیاد از طرفین شده بود، لباس مخصوص پوشانیده در حق هر یک قرار معینی داده در فصل دویم آن و در حق تتمه حدود به ترک دعاوی جانبین از اراضی یکدیگر قرار داده در فصل سیم آن مندرج داشته. در فصل نهم آن که آخر معاهده بود نوشتند که از احکام معاهدات سابقه خاصه معاهدهٔ سنهٔ ۱۲۳۸ ما هرکدام که با این

معاهده حاضره الغا و تغییر داده شده است، بـه قوت اختیار خود باقی خواهد بود سواد آن را بـه هـر یـک دول اربعه فرستاده منتظر جواب شدنـد، دول اربـعـه نیز پس از ملاحظه و تدقیقات کـامله و تکرارسؤال و جواب مُقنعه اصلاحات لازمه را در حق هر یک فقرات آن به عمل آورده آخراً بـه عبارتی منتهی نمودند که در ضمن فقرهٔ دویم و سیم معاهدهٔ مزبوره آلان مندرج است و به مـوجب آن اجازت امضا به مأمورین خودشان فرستاده، مأمورین نیز بر وفق مقرر در سنهٔ ۱۲۶۳ نسخهٔ معاهدهٔ مزبوره امضا و مجالس را ختم و متفرق ساختند، مزیداً لـلاطلاع فصول ثلاثهٔ مـعاهدهٔ مـزبوره اینک عـیناً و عـبارتـهـا به این صـحیفـه نقل می شود.

فصل دویم فصل نهـم جمع مواد و فصول مـعاهدات سابقه خصوصاً معاهده که در سنهٔ ۱۲۳۸ در ارزنةالروم مـنعقد شده که بخصوص با این معاهدهٔ حاضره الغای تغییر نشده مثل اینکه کـلـمه به کلمه در ایـن صـحیفه مندرج شده بـاشد کافه احکام و قوت آن ابـقا شده است با اینـکه قبل از تفـریق مجالس سواد مـعاهدهٔ جدیده مزبوره چنانکه ذکر شد به هر یک دول اربعه فـرستاده شده و بعد از دقّتها و اصلاحات مقتضیه اجازت امضای آن از طرفین به مـأمور خودشان رسیده و بعد که مأمورین امضا و ارسال مقرّ حکمرانی دول اربعه نموده بودند باز دولت عثمانی برای اینکه اسباب اشکال تازه در این معاهده نیز پیدا کرده وسیلهٔ استفادهٔ مجدد خود قرار دهد پس از تفریق مجالس و وصول نسخهٔ امضا شده معاهده به اسلامبول در مصـداق بعض فقرات آن که مـن‌جمله دو فقـره‌اش راجع به قرار محـمره و اراضی یسار شط‌العرب بـوده تجاهلاً از سفـرای واسطه توضیحـات خواسته و سفرای واسطه به ملاحظهٔ اینکه مبـادا دولت عثمانـی قبل از مبادلهٔ تصدیق نامهای معاهـدهٔ و بهانه‌جویی کرده از مبـادلـهٔ تصـدیق‌نامـه‌هـا استنـکـاف کـرده، اشـکالات راجع بـه حـالـت اول خود ایضاحاتی با پرده که ظاهراً مقـرون به مقصود عثمانی و تغییر مصداق عبارت معاهده بوده ولی مـعناً قـابل بعض تفسیر و تأویل هم بـاشد نوشته بـدون اطلاع دولت ایران به عثمانیـه دادند.

دولت علیهٔ ایران که هـنوز اطلاعـی از استیضاحـات عثمانیه نداشـت تصدیق‌نامهٔ خود را نوشته و امضا فرمـوده مصحوب مرحوم میرزا محمدعلی‌خان وزیر امور خارجه که آن وقت نایب‌الوزاره و به سفـارت مخصوص مامورالیه دربار فرانسه بود به اسلامبول فرستادند که در آنجا با تصدیق‌نامهٔ دولت عثمانیـه مبادله نمـایند برای مشارالیه ذهاباً مبادله میسّر نگشته

یعنی ایضاحات سفرای واسطه را عتمه به نرز کرده او را تکلیف کرده ایضاحات
مزبوره را امضا نماید تا تصدیق‌نامه هم داده شود چون اجازتی نداشت کیفیت را به عرض
اولیای دولت رسانده خود روانهٔ پاریس شد. اگرچه اولیای دولت اجازت به امضای
ایضاحات ندادند. ولی آخراً به هر نحوی بود به سبب وفات شاه مغفور و جلوس اند مأنوس
همایون اعلیحضرت ناصرالدین شاه‌قاجار به جای والد مغفور خود گویا میرزا محمدعلی خان
در مراجعت از پاریس طوعاً اوکرهاً ایضاحات مزبوره را امضا و معجلاً با تصدیق‌نامهٔ
دولت عثمانی عزیمت طهران نموده وقتی رسید که میرزاتقی خان وزیرنظام مرحوم که
مدت چهار سال زحمت مذاکرات عهدنامهٔ مزبوره را در ارز روم کشیده و منتهی به نقطهٔ
آخر نموده بود با لقب امیرنظامی و اتابک اعظمی به صدارت دولت ایران رسیده بود.
اگرچه نسخهٔ صحیحی از ایضاحات مزبوره به دست نیامده. ولی به قراری که میرزامحمد
علی خان بعد از توبیخ زیاد به انضمام انکار امضای خود نسخه داده است بدین قرار
است. سؤال دولت عثمانی مرحوم میرزا تقی خان بلافاصله به اقدامات تحدید حدود بر
وفق معاهدهٔ مزبوره که عبارت از معاهدهٔ اخیره ارز روم باشد شروع کرده به اتفاق وزرای
مختار دولتین واسطه قرار دادند، مأمورین دول اربعه سریعاً در بغداد جمع شده متفقاً از
سمت محمره شروع تحدید حدود دولتین علیتین نمایند. به این جهت مرحوم میرزا
جعفرخان مشیرالدوله را که سالها زحمت مذاکرات و مباحثات مسائل حدود را قبل از
انعقاد مجالس ارز روم کشیده بود وحالاً با سمت کارگزاری امور خارجهٔ آذربایجان در
تبریز توقف داشت از طرف دولت علیه مأمور به این امر فرمودند. از طرف دولت عثمانی
درویش‌پاشا و از طرف روس کلونل چریکاف و از طرف انگلیس کلونل ویلیامس که در
مجالس ارز روم هم سمت قومیسری انگلیس را داشت مأموریت به‌هم رسانیده هر یک از
محل خود رو به بغداد که به محل اجتماع مأمورین مقرر شده بود، روانه گشتند به مرحوم
میرزا جعفرخان مشیرالدوله تعلیمات لازمه که من‌الجمله اساس تحدید حدود بودن فصل
دویم و سیم معاهدهٔ اخیرهٔ ارز روم مورخهٔ سنهٔ ۱۲۶۳ و نشناختن ایضاحات بود به تبریز
فرستاده شده آن مرحوم که به سمت کارگزاری امور خارجه در تبریز بودند، روز دوشنبه
۲۳ شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۲۶۵ یک شب به عید نوروز مانده از تبریز به‌سر ورود حرکت
کرده شب عید را در دهخارقان به‌سر برده روز عید را به مقصد روانه شد، مأمورین دول
ثلاثه در بغداد حاضر گشته، درویش‌پاشا مأمور عثمانی مدتی بعد از ایشان وارد گشته

معلوم شد، ابتدا از اسلامبول بـه سرحد خوی رفتـه بلوک قتور را کـه تا آن وقت در تصرف ایران بود غفلتاً بـا قشون نظامی عثمانـی ضبط و غصب کرده و ساخلو در آنجا نشانیده بعد به جانب بغداد آمده است. چون اول دولت بود و مأمورین دول واسطه پس از چندین سال بزحمت تازه به سرحـد جمع شده بودند که دعوای مناقشات دولتین را بـکلی رفع و تحدید حدود نماینـد، دول واسطهٔ دولت علیـه را از مرافعه و ترد غاصب به عبارت اخری از تبدیل صلح به جنگ ممانعت نموده به وعدهٔ صریح استرداد قتور اطمینان داده، ساکت کردند.

مأمورین بعد از هشت و نه ماه توقـف بغداد عزیمـت محمره نموده، مأمور ایران و عثمانی بـا کشتی های بادی و مأمورین واسطه با کشتی های دودی انگلیس با شط بغداد روانه شده در خارج محمره هر یک جای مخصوص برای اردوی خود اختیار کرد و پس از چنـدی گردش و تحـقیـقات لازمه قراردادند تـا عقد مـجالس شده به مذاکرات تحدید حدود آن حوالی پردازند.

مجلس اول در روز دوشنبه چهاردهم ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۶۶ منـعقـد گشته چون مأمورین اسلام هـنوز خودشان را به تـمهید مذاکـرات مجلس حاضر نـکرده بودند بخصوصه مأمور عثمانی که کلیهٔ دعاوی خود را در خارج معاهده ایضاحات سفرای واسطه قرار داده بود آن را هم به سوء استعمار بـه کـار برده طراحی ادعای خـود را طوری نمود که اغلب اراضی و املاک عهدیهٔ ایران را در سـاحل یسار شط‌العرب در تصرف ایران و عشایر ایران بود و عهداً بایست به ملکیّت در تصرف ایران بماند، به دولت عثمانیه راجع می‌ساخت بدین جهت مـرحـوم مشیرالدولـه هـم در مـقابل گزاف گـویـی مأمور عثـمـانـی به استـنـاد آن به ایضاحـات مـعلومة‌الاحـوال تمـامـی اراضی یسار شط‌الـعرب را از مصب رود کـرخـه به شط‌العرب تا التـحاق آن به خلیج فارس همه را به دولت ایران ادعا نموده از قبول صحت ایضاحـات بکلی استـنکاف کـرده، مأمـورین واسطه از تصدیق و تکذیب دعـاوی طرفین اعتذار و خط حـدودی به عنوان تـوسط تصویب و تکلیف نـمودند که مأمورین طرفین هیچ یک به خط تکلیـفی ایشان متقاعـد نگشـته لزوماً تفصیـل کـیفیت به دول اربـعه قلـمی و ارسال و مقـرر شد کـه تا وصول جواب دول اربعـه به سمت نقـاط دیگر حدود گذشـته به ملاحظه و مذاکرات لازمه آن بپردازند.

درویش‌پاشا مأمور عـثمانی تکـلیف نمود که تا وصول جواب دول اربعه و اجرای تسلیم رسـمـی محمره و جزیـرة الخضر و غیره بـه ایران از طرف عثـمـانی نیز ساخـلوی در

محمره گذاشته شود. ولی به ملاحظهٔ اینکه محمره و توابع همیشه در تصرف مستقل حکومت ایران بوده و فعلاً نیز متصرف بودند، سهل است به قول مأمورین ایران هرچه در یسار شط العرب به عثمانیه واگذار شود محتاج به تسلیم رسمی از طرف ایران خواهد بود چرا که موافق معاهدات قدیمه از ملک ایران بوده و حالا به مقتضای معاهدهٔ اخیره ارزروم به عثمانیه واگذارمی شود، آن طور تکلیف مأمورعثمانی ازطرف مأمورین دول ثلاثه مقبول نگشته، مأمور عثمانی هم در مقابل آن به رسیدگی و ملاحظهٔ سایر نقاط که عزیمت داشتند موافقت نکرده به علت قرب فصول موسم سموم محمره و آن حوالی تمامی مأمورین به انتظار جواب دول اربعه از محمره حرکت کرده، مأمورین دول ثلاثه به دزفول به ییلاقات کهسنگره (اسم محلی است از کوههای لرستان مشرف به صحرای دزفول که طوایف دریکوند لرستان سکنی دارند) مراجعت کردند. درویش پاشا به سمت مندلیج روانه شد. ولی با اینکه مأمورین دول ثلاثه تکلیف او را در حق ساخلو گذاشتن او در محمره ردّ کرده بودند. باز دو کشتی کوچک رودخانه[ای] بسیار مفلوک که در بصره داشته به مقابل محمره آورده در لنگرگاه محمره متوقف ساخته بعد از دو سه سال که دیدند عمل لغو بوده است، باز خود به خود برداشتند.

وصول جواب دول اربعه قریب دو سال طول کشیده، سال اول مأمورین واسطه و مرحوم مشیرالدوله در ییلاق سنگره به‌سر برده زمستان را به دزفول برگشتند، سال دویم مأمور انگلیس به گردش سمت اصفهان و مأمور روس به سیاحت سمت کرمانشاهان رفته مشیرالدولهٔ مرحوم نیز به مناسبت تشریف‌فرمایی موکب همایون به صفحات بروجرد به دورود رفته بعد از حرکت موکب همایون روانهٔ سمت کرمانشاهان گشته مأمورین واسطه هم به سمت زهاب و کرند مراجعت کرده به علت ظهور وبا در آن حوالی هر سه متفقاً به سنندج رفتند در آن ده جواب دول اربعه رسید که بدون انتظار جواب به مملکت زهاب رفته مشغول گردش و مذاکرات تقسیم آنجا و تشخیص خط حدودی که فاصل اراضی جبالیه و شرقیه و بسیطهٔ غربیهٔ آن از یکدیگر بشود بپردازند و حاصل مجالس را به‌دول اربعه اطلاع داده، بدون انتظار جواب برای معاینه و مذاکره حدود به سایر جاها روانهٔ سمت نقطه دیگر بشوند. بنابراین مأمورین دول ثلاثه از سنندج به زهاب رفته مأمور عثمانی را هم اطلاع داده دعوت به عزیمت زهاب نمودند.

مشارالیه نیز به چند روز فاصله وارد گشته تا اینکه ایام زمستان بود باز با برف و

بارش گردش آنجا را تمام و در خارج قصبهٔ زهاب تشکیل مجالس نمود. و مجلس اول در نهم ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۶۸ منعقد گشته به سبب بعضی ملاحظات و مباحثات که هیچ یک از طرفین نمی‌خواستند سبقت به بیان رأی خود نمایند، قرار دادند طرفین عقاید و تکالیف خود را نوشته حاضر کرده، ششم ماه هر دو در یک آن به مجلس ابراز و قرائت نمایند.

درویش‌پاشا مأمور عثمانی در لایحهٔ خود برای تعریف حدود مملکت زهاب و تعیین حدود اراضی بسیطه و جبالیهٔ آن خط حدودی بیان کرده بود که از بابت اراضی جبالیه و جبال هم چیزی به ایران نمی‌گذاشت. سهل است چند بلوک کرمانشاهان را هم از قبیل گیلان و کُلین و دیره و قلعهٔ شاهین و به شیوه داخل حدود مملکت زهاب نموده و در قسمت نیز به طرف عثمانیه منظور داشته بود. میرزا جعفرخان مشیرالدوله حدود کلیهٔ مملکت زهاب را جنوباً به رود الوند که مبنای آن ریجاب است با اتصال آن به سیروان و غرباً و شمالاً به رود سیروان و شرقاً به رود ضمکان و بعضی پشتهای کوه داله‌هو که واقعاً، در حقیقی مملکت مزبوره است معرفی کرده و در قسمت جبالیه و بسیطه که برای اینکه حتی‌الامکان به حدود طبیعیه محدود باشد، قدری از جبالیه را که به ظنّ خود مابین آق‌داغ تا خانقین بوده باشد به طرف عثمانیه گذاشته، جبل آق‌داغ و جبل قشقشه را از الوند تا سبروان حدفاصل اراضی جبالیه و بسیطه قرار داده بود یعنی موافق تحدید آن مرحوم از مقابل دماغهٔ غربی جبل قشقشه تا ملتقای رود ضمکان به سیروان اراضی یسار سیروان به انضمام بلوک شمیران و از مقابل دماغهٔ جنوبی آق‌داغ به بالا اراضی یمین رود الوند به عنوان جبالیه، متعلق ایران می‌شد.

برحسب قرار مألوف می‌بایست بعد از مجلس روز ششم ماه مجلسی دیگر تشکیل شده مأمورین واسطه رأی خودشان را متفقاً بیان نمایند چون هنوز رأیشان متفق نشده بود، قرار داده تا متحدشدن رأی خودشان معطل نگشته، برای معاینهٔ حدود حویزه و مذاکرات لازمه آن به سمت حویزه حرکت کنند و تا شانزده روز اتحاد رأی مأمورین واسطه طول کشیده ۲۲ ربیع‌الاول در خارج قصبه مندلیج رأی‌شان متفق و قرار به عقد مجلس گردیده خطی برای تقسیم مملکت زهاب تکلیف کردند که از ملتقای رود ضمکان به سیروان با مجرای رودخانهٔ سیروان پایین آمده در دهنهٔ دربندخان به یسار رود سیروان گذشته به امتداد رشته کوه بمو و اسکندان و ملایعقوب به رود الوند رسیده با رود الوندسرا پایین برود چون

خط مزبور بلوک شمیران زهاب را که فعلاً در دست عثمانی بود به ایران وامی‌گذاشت و قصرشیرین و محال کثیرهٔ سایره را که فعلاً در تصرف ایران بود به عثمانیه وامی‌گذاشت هیچ یک از طرفین موافقت به قبول آن ننمودند. هنوز مجلس مزبور متفرق نشده بود چاپاری از طهران برای مشیرالدوله وارد شده، در همان مجلس پاکت مأمورین واسطه را که همیشه از طهران در جوف پاکت مشیرالدوله می‌آمد بیرون و حضوراً به خودشان ابلاغ کرده پاکت خود را به منزل آوردند معلوم شد، میرزا تقی خان مرحوم از صدارت استعفا و به امیرنظامی اکتفا نموده است. این خبر اثر سوء کلی در مسائل سرحدیه بخشیده، فردای روز مزبور که بر وفق معروف بایست صورت مذاکرات مجلس به واسطهٔ چهار نفر نویسنده مأموریتها پاک‌نویس و ضبط شود در همانجا توقف و پاک‌نویسی شد.

ولی به بعض اختلافاتی که تا آن روز نظیر آن مسبوق نبود، وصل مجالس بر وفق تعلیمات جدیدهٔ مأمورین به دول اربعه قسمی شده مأمورین دول ثلاثه به موجب ثبت سابق خود در عزیمت سمت حویزه راسخ گردیده، مأمور عثمانی به سبب بعض تکلیفات بی‌قاعدهٔ خود و مقبول نشدن آن از طرف مأمورین ثلاثه از همراهی ایشان تقاعد جسته سهل است مأمورین ثلاثه را هم تکلیف به فسخ عزیمت سمت حویزه نموده ایشان اعتنا نکرده روانه شدند. مأمور عثمانی لابد در قصبه مندلیج متوقف گردید که منتظر تعلیمات تازهٔ باب‌عالی بشود. گویا آن هم یکی از نتایج استعفای میرزا تقی خان مرحوم بود که مأمور عثمانی شروع به آنرا به بدلوایی و کناره‌جویی از رفاقت مأمورین ثلاثه نمود، علی‌الحساب مأمورین دول ثلاثه تا زورباطیه آمده در حرکت از زورباطیه آدمهای حیدرخان و احمدخان والی که حکومت صفحهٔ محلی پشتکوه لرستان از طرف دولت علیهٔ ایران مشترکه به آن دو برادر محول و اراضی متعلقه به قلمرو هر یکی در میان خودشان مفروز و معین بود با پنجاه نفر تفنگچی مأمورین ثلاثه را پذیرایی کرده با راه صیفی و ملخطاوی به باغسایی رسانیدند. چون باغسایی هم در جزو صفحهٔ کرد پشتکوه لرستان و حکومتش از طرف دولت علیهٔ ایران به علی خان ولد محمدخان والی پشتکوه لرستان برادر بزرگ حیدرخان و احمدخان محول بود، در ورود باغسایی هم پسر علی خان مزبور والی صفحهٔ کرد پشتکوه با پنجاه نفر تفنگچی پشتکوهی مأمورین ثلاثه را پذیرایی کرده رئیس عیسی کدخدا و رئیس کل قصبه باغسایی بعض اجناس از قبیل کره و گوسفند و آرد به عنوان هدیه و سیورسات به کارخانهٔ مأمورین ثلاثه تقدیم نمود، چون مأمورین ثلاثه

می‌خواستند از باغسایی تا حویزه با صحرای یسار دجله حرکت نموده صحاری مزبوره و اراضی بنی لام یسار دجله را هم معاینه کنند و از باغسایی تا حویزه آبادی دیگری نبود که تحصیل آذوقهٔ یومیه نمایند علی هذا چهار روز در خارج قصبهٔ باغسایی اقامت نموده تمامی ملزومات یومیهٔ اردوی خودشان را اعم از علیق الدوّاب و آذوقه و ضروریات کارخانجات و غیره به قدر کفایت مدت پنج روزه حرکت در صحاری مزبوره در باغسایی تحصیل و بارگیری کرده، همراه خود برداشته و با راه قراتپه و جبلیه و کهریز و دوریج و عوقات سالم و نهر هاشم روانه سمت حویزه شدند. هنوز از حویزه برنگشته بودند، جواب دول اربعه رسید که من‌بعد بی‌آنکه تشکیل مجالس و مذاکره تحدید حدود نمایند، مبدأ خط حدود دولتین تا مقطع آن یعنی از خلیج فارس تا کوه آغر تمامی اراضی سرحدیهٔ جانبین را معاینه و ملاحظه نموده هر یک مأمورین اربعه تحقیقات لازمه را فراخور تکلیف مأموریتی خود به عمل آورده و خریطهٔ تمامی اراضی مزبوره را من‌البدوالی‌الختم بردارند تا بعد از ختم گردش حدود و ترسیم خریطه‌ها قرار تشکیل مجالس به اتفاق آرای دول اربعه در جای معینی داده شده به مذاکرات تحدید حدود دولتین و حل مسائل آن مباشرت شود. علی هذا مأمورین ثلاثه صفحهٔ محمره را که سابق دیده بودند از حویزه شروع کرده درهرجا بااقرب نقاط رأس حدودمراجعت به سمت زهاب نمودند و مروراً به درویش پاشا مأمورعثمانی نیز خبرفرستادندکه او هم عزیمت رأس حدود نموده، متفقاً تا آخر سرحد معاینه و تحقیقات لازمه را مجری سازند او نیز در حدود کردستان به مأمورین ثلاثه رسیده هر یکی مفرداً مشغول تحقیقات لازمه و ترسیم خریطه گردیدند هنگام مرور از لایجان، درویش‌پاشا مأمور عثمانی که همیشه به کج‌خیالی و بداندامی حرکت می‌کرد ظاهراً تنها به بعضی تحقیقات لازمه پاشای رواندوز را خواست به لایجان دعوت و جلب نماید. ولی باطناً خیالش خودنمایی و افساد عقاید احشامی و اکراد سرحدیهٔ دولت علیهٔ ایران بود. علی هذا میرزا جعفرخان مشیرالدوله هم بر خودش و هم به مأمورین واسطه نارضاییت خود را با آمدن پاشای رواندز به خاک لاریجان اطلاع داد و رسماً ممانعت نمود مأمورین واسطه هم متفقاً مراسلهٔ رسمیه به درویش‌پاشا نوشته تصریح کردند که چون مأمور ایران راضی به آمدن پاشای رواندز به خاک ایران نیست می‌باید پاشای مشارالیه از نقطهٔ کله‌شین به این طرف بگذرد (کله‌شین اسم سنگ بزرگی است که در ذروه مرسوم به سیاه‌کوه سلسله کوه قندیل معروف در روی سنگ مربع بزرگ دیگر

مثل مناره مخصوصاً نصب کرده‌اند) این معنی باعث شد که درویش پاشا از خیال احضار پاشای رواندوز به آنجا منصرف و ممنوع گردید. واضح است که این گونه تصدیق مأمورین واسطه در حق نقطهٔ کله‌شین که یکی از ذروات مسلمهٔ سلسله کوه بسیار بزرگ برفدار قندیل در سمت لایجان است دلیل و تصدیق است بر اینکه حد لایجان تا قلهٔ کوه مزبور قندیل ممتد است.

با وجود این تفاصیل باز درویش پاشا در بعض نقاط دیگر نیز مظهر برخی بد ادایی ها گردیده، ولی مأمورین ثلاثه وقری به این گونه اعمال فاسدهٔ او نگذاشته کار را تا آخر سرحد رسانیدند، چون می بایست مهندسان مأمورین واسطه در یک جایی اقامت کرده به اطلاع یکدیگر خریطهٔ اراضی سرحدیه را تمام نموده و تشکیل مجالس و مسائل تحدید حدود طرفین از روی خریطه ها مطرح گفتگو بشود. علی هذا مأمورین دول اربعه اواخر ذی‌حجه سنهٔ ۱۲۶۸ در آخر سرحد یکدیگر را وداع نموده به انتظار ختم عمل به رسم خریطه‌های مأمورین واسطه متفرق شدند و دولتین واسطه قرار داده که مهندسین ایشان در پطربورغ مجمع و مشغول ختم خریطه ها بشوند. ولی این عمل سبب بعض حوادث دولیه که متدرجاً اتفاق می افتاد (من جمله یکی هم جنگ سیوطاپل بود که دولت عثمانی به اتفاق دول فرانسه و انگلیس با دولت روسیه شروع به محاربه نموده چندین سال طول کشیده آخراً از طرف هر یک از وزرای مختار انگلیس و روس متوقف دارالخلافه یک نسخهٔ تمام شده خریطهٔ سرحدیه به دولت ایران و نظیر آن در اسلامبول به دولت عثمانیه رسماً ابلاغ و مقرر شد که مجالس مذاکره برای حل مسائل تحدید حدود تشکیل کنند. عقد مجالس مزبور نیز چندسالی تأخیر به هم رسانیده، در سال ۱۲۹۱ قرار شد در اسلامبول تشکیل مجالس بشود، این بنده و جناب معین الملک سفیرکبیر دولت علیهٔ مقیم اسلامبول که آن وقت وزیرمختار از طرف دولت علیهٔ ایران برای مذاکرات مجالس مزبوره مأموریت به هم رسانیده و از طرف دولت عثمانیه هم درویش پاشای معروف که در مجالس محمره و گردش مأمورین دول اربعه در سرحد مأمور مخصوص دولت عثمانی بود به سمت مأمور اول مصطفی پاشا به سمت مأمور ثانی معین گردیده امتداد به ملاحظه لازمه اسلامیت قرار دادیم که فقط مأمورین جانبین تشکیل مجالس نموده بدون احتیاج به حضور مأمورین واسطه به مذاکرهٔ تحدید حدود پردازیم به همین زمینه شروع به تشکیل مجالس گردید. چون در مجالس محمره و زهاب زیاده‌روی

درویش‌پاشا و دعاوی بی اساس او به تجربه رسیده بود، این دفعه در بادی امر کمال ایستادگی را برای تشخیص اساس مذاکرات به عمل آورده مأمورین عثمانیه باز به همان خیال سابق درویش‌پاشا عهدنامهٔ مجهول الحال سلطان مراد را که مایهٔ این همه اشکالات چندین ساله شده بود اساس خود قرار داده به مواد حدودیهٔ عهدنامهٔ اخیره ارز روم مورخهٔ سنهٔ ۱۲۶۳ بعضی را به استناد ایضاحات معلومة الاحوال و بعضی را که عبارت از ترک دعاوی طرفین در حق اراضی بوده باشد و هیچ معانی بی‌قاعده و تأویلاتی که به هیچ‌وجه ربطی به عبارت معاهدهٔ اخیره نمی‌توانست داشته باشد قرار می‌دادند یعنی این بنده و جناب معین‌الملک چنانکه از اول تعلیمات صحیحه و عادلانه دولت علیه بود می‌گفتم معاهدهٔ اخیر ارز روم احکام معاهدات عتیقه را در حق حدودی که کلیهٔ راجع به عهدنامهٔ سلطان مراد رابع با شاه‌صفی مرحوم بوده است منسوخ داشته است زیرا در مادهٔ دویم معاهدهٔ اخیره مزبوره حکم مخصوص در حق محمره و جزیرة‌الخضر و اراضی یسار شط‌العرب و همچنین در حق مملکت زهاب و سلیمانیه مندرج شده و به موجب مادهٔ سیم معاهدهٔ مزبوره طرفین در حق سایر اراضی از یکدیگر ترک ادعا نموده‌اند و معنی آن چنین می‌شود که هر کجا در حین عقد معاهدهٔ اخیره در تصرف هر طرف بوده است به مملکت همان طرف باقی بوده طرف آخر ادعایی در حق اراضی مزبوره نداشته باشد. بنابراین حقاً و صریحاً معاهدهٔ اخیره به تمامی احکام حدودیهٔ دولتین من‌البدوالی‌الختم حاوی و مقتضی است که به همه جهت اساس مذاکرات تحدید حدود دولتین منحصر به معاهدهٔ اخیره مزبوره باشد و بس. ولی مأمورین عثمانیه اغماضاً می‌گفتند دولتین که در مادهٔ سیم معادهٔ اخیره ترک ادعا از یکدیگر نموده‌اند در حق اراضی واقعه در یمین و یسار خط حدود قدیمه است و بدین جهت باید در حق اراضی مزبوره رجوع به معاهدات قدیمه یعنی به خط حدود قدیمه بشود و حال آنکه در ضمن معاهدات قدیمه مجهول حقیقی همین خط حدود قدیمه بود که مجهول بودن آن سبب این همه اشکالات چندین ساله ماضیه گردیده بود و اگر واقعاً خط مزبور معلوم یا ممکن‌الاستعلام می‌بود نه طرفین از یکدیگر در یمین و یسار آن ادعایی می‌توانستند نمایند و نه اگر می‌نمودند قابل اعتناء می‌شد تا چه رسد به اینکه اختصاص به ترک ادعای مزبور در ضمن عهدنامهٔ اخیره بوده باشد. چون این گونه تأویل خلاف ایشان معناً منقضی بود که به سبب مجهول بودن خط حدود قدیمه باز هر یک طرفین خط حدود قدیمه را در داخلهٔ خاک دیگری تصور کرده و اهتمامات چندین

ساله دول اربعه و مذاکرات مجلس ارز روم را کان لم یکن معدود داشته تمامی دعوی و اختلافات گذشته چندین ساله حتی دعوی متروکه در مجلس ارز روم را نیز از سر نو به میان آورده مجدداً قرنها اسباب مباحثهٔ دولتین عبث نمایند و بالعکس معاهدهٔ اخیره تمامی این اختلافات را برداشته فقط مقتضی است که بعد از عقد معاهدهٔ اخیره هرچه طرفین به خاک متصرف فیهای یکدیگر تخطی و غصب کرده باشند رسیدگی و مسترد کرده و این هم به سبب قرب زمان کاری است بسیار سهل و آسان علی هذا برای سدّ راه این طور اختلافات و اشکالات متروکه مجبوراً باز دول واسطه را دخیل مذاکرات قمیسیون تحدید حدود نموده و در حق اساس مذاکرات مجالس مزبوره نیز رسماً از سفرای کبار واسطه استفسار نمودیم که اساس مذاکرات تحدید حدود هر کدام از عهدنامجات دولتین خواهد بود تعیین نمایند. ایشان نیز متفقاً به موجب نوشتجات رسمیه تصدیق نمودند که اُس اساس مذاکرات مزبوره معاهدهٔ اخیر ارز روم است و بس. با وجود این بعد از آنکه از طرف انگلیس جنرال کمال و از طرف روس کلونل زملیونی مأمور به حضور مجالس گردیده با اعتراف به وجود توضیحات در مجلس حاضر شدند. مأمور عثمانی در حضور ایشان نیز در اتخاذ معاهدهٔ سلطان مرادی به اساس مذاکرات ثبات ورزیده مأمورین واسطه برای اینکه وسیلهٔ تفریق مجالس به دست عثمانی نیفتد قرار دادند که طرفین به هر عقیده و خیالی که در حق اساس مذاکرات با مستند خط حدود تکلیفی خود را به استثنای محمره و زهاب که گفتگوی آنها در مجالس ایام گردش حدود گذشته است و در خاتمه مسائل حدود مذاکرات آنها نیز به میان خواهد آمد در روی یکی از خریطه‌های رسمیه که از طرف دول واسطه به هر یک جانبین ابلاغ شده است ترسیم نموده دلایل راجعه به خط تکلیفی خود را در ضمن لایحهٔ مخصوص نوشته در مجلس آتی هر دو به یک دفعه و یک آن به مجلس تقدیم کنند به شرطی که هیچ یک از طرفین خط حدود تکلیفی خود را از منطقهٔ خریطه‌های رسمیه به خارج نبرند، طرفین بر وفق مقرر خط حدود تکلیفی خود را در روی یکی از خریطه‌های رسمیه ترسیم و لایحهٔ مفصلی محتوی به دلایل خود به زبان ترکی مرقوم و در مجلس مقرر دفعتاً واحده ابراز نمودند.

این بنده به ملاحظهٔ اینکه مأمورین واسطه به وجود توضیحات اشعار نمودند و دلایلی که برای تفسیر توضیحات بر وفق حقوق ایران می‌بایست گفته شود در مجالس محمره و زهاب به سبب استنکاف دولت علیه از وجود توضیحات گفته نشده است، برای

تدارک این تفاصیل و اصلاح عقاید دولتین در مطابقت مدلول توضیحات به خط حدودی که از طرف دولت ایران تکلیف کرده‌ایم محمره و زهاب را هم به خلاف قرار مجلس تجاهلاً مستثنی نداشته تمامی خط حدود را از مبدأ تا انتها در روی خریطه‌های رسمیه ترسیم و لایحهٔ خود را محتوی بر دلایل کلیهٔ آن که من‌جمله خط محمره و زهاب بوده باشد مرقوم و به مجلس تسلیم نمود و دلایل راجعه به توضیحات را طوری مندرج نمود که باز دلیل مقبول شدن توضیحات از طرف ایران نشود تفضیل خط حدودی که این بنده بیان و دلایلی که در ضمن لایحهٔ خود اتیان نموده‌ام عبارت از لایحهٔ ترکی است که به فارسی و فرانسه نیز ترجمه شده است، یعنی اصل لایحه چنانکه اشعاری در جمله (بیست و هشت) بر آن شد به زبان ترکی بود که نکات مطلب به زبان ترکی بیان شده بسهولت معلوم عثمانیه بشود و ترجمهٔ آن را هم به زبان فارسی خود متصدی گردید که نکات مقصوده سبب ترجمه به‌فارسی فوت نگشته حتی الامکان نکات مندرجه در ترکی را کاملاً حاوی باشد به فرانسه نیز ترجمه شد که صورت آن به مأمورین واسطه داده شده بعد از امعان نظر در لایحه هر یک از طرفین هرچه مقتضای رأی منصفانهٔ ایشان خواهد بود از روی اطلاع کافی و آگاهی تمام از دلایل طرفین قلمی و در مجالس آتیه به قمیسیون مختلطه ارائه و حالی نمایند خریطه‌های طرفین که خط حدود تکلیفی خود را در روی آن ترسیم نموده بودند با ترجمهٔ فرانسوی لایحه هر یک به مأمورین واسطه تسلیم شد. هنوز مأمورین واسطه مجال اظهار رأیی نکرده بودند که در باب بعضی مسائل راجعه به قراچه‌داغ و برسک و بوسنه و صربستان اختلافات عمده فی‌مابین عثمانیه و روس و سایر دول روپا ظهور کرده مؤدی به محاربه مابین عثمانیه و روس گردیده بدین‌علت بیان رأی مأمورین واسطه به عقدهٔ تعویق افتاده پس از محاربات سخت که هر یک زیاده از هفتصد و پنجاه هزار سواره و پیاده نظامی در مقابل یکدیگر به میدان جنگ حاضر کرده بودند بعد از بیرون رفتن ایالات قراجه‌داغ و بوسنه و هرسک و صربستان و بلغارستان و باطوم و احسقه و ارزمان وقارص از تصرف عثمانیه و ورود قشون روس به ایاستفانوس یک فرسخ و نیم اسلامبول بین‌الدولتین مصالحه شده و مصالحه‌نامهٔ مزبوره از طرف دول روپا ردّ و به حکم کانکرهٔ (کنگره) برلین مشتمل به رعایت منافع کلیهٔ دول فرنگ با امضای بیرون رفتن ایالات مزبوره از تصرف عثمانی اصلاح شده من‌جمله مسئلهٔ ردّ بلوک قتور به ایران نیز به حکم معاهدهٔ ایاستفانوس و اصلاحات کانکره برلین داخل معاهدهٔ روس و عثمانی

کردند و جزیرهٔ قبرس هم از تصرف عثمانیه منتقل به انگیس شد. دولت عثمانی به خیال اینکه حتی الامکان برای رد قتور به ایران اسباب[*]

۱۸

لایحهٔ تاریخیه که در حدود است که جناب ناظم‌الملک در سنهٔ ۱۲۹۶ در طهران حسب‌الحکم حضرت صدر تاریخ
حسب خواهش کارگزاران عثمانی نوشته است

* لازم به توضیح است این خلاصهٔ تاریخ حدود ناقص است و بقیهٔ آن پیدا نشد.

بسم الله خیر الاسماء

سیوم — در باب وقوف معاملات در ایران است که مسئلهٔ حدود بین دو دولت از جمله مهمات است که لازم است
باید مستحکم نمایند بعد از آن پس مسئلهٔ حدود ایران (و چین) و عثمانی هم از این مقوله است زیرا که شاه اسمعیل اول صفوی
که اول پادشاه صفویه است پس از فتح خراسان و ترکستان و آذربایجان و ایروان در سنهٔ نهصد و چهارده
پایتخت بغداد را که در تصرف متعلقه بود تصرف نمود و در حالتیکه حدود عثمانیه اعنی همان حدود فعلی و مرز
ایران تیموری بود وا از آنجا دیاربکر و کاخ با سایر طرف گذشته بعد
بعد سلطان سلیمان بن سلطان سلیم عثمانی در فرصت سلطنت او در زمان بعد در جنگ با طهماسب اول صفوی
(برای تمکین سیاست ... پدر خود شاه اسمعیل اول صفوی به سبب اینکه شاه طهماسب
به تدارک جنگ ... خود برخواسته که وسیله برگشتن سلطان سلیمان در مرحله دیار
پای تخت او گشته با بدبختی بود که) با ایران اعاده می نمایند پس از مرتها
طول دادند در سنهٔ نهصد و چهل و ... هجری بغداد را از تصرف ایران بیرون آورده تصرف نمود
و تا اواسط نهصد و شصت ... در میان دولتین ... بود ... که از ... شده
ما بین ... در ... قرار ... سعی مینمود در اواسط نهصد و شصت ...
کرد. الصلح خیر ... که آن ... در حق ... از ...
... سلطان ... سلطان سلیمان ... قرار ...

سلطان حمایت شد، مطالب اولی رجب ترتیب داد و شعرای چنین یکی شفاعت با برومند گردیده
چنانکه از مکاتبات شبانه که بعد از جمعه در مجموعه منشآت فریدون بیک مشهود میشود در سنه نهصد و هشتاد و
یک بسبب رد تر بر سلطان سلیمان بشرطی که خان را مستحفظ دو رون باشد و چند قریب دیگر از بهم
الکان و متعهد تعویض قارص با قلعه یکی از مرزهای جرات طرفین شد، قرار بین دادند که هر یک از
بلاد که بدیگری تاخت از گذشته و این دو دین معاهده بنحوی که در حق صدها بین ایران و عثمانی بطور
است تر تو منعقد شد با این همه باز جهات دانشمند بکمال دوستی برده رفته
و لکن پس از فوت ایشان باز مجادله شروع شد. تقریبا از سنه نهصد و هشتاد و پنج تا سنه نهصد و نود و
شش در عهد شاه اسمعیل ثانی و سلطان محمد صفوی دوام داشت و جنگهای صعب بر
استمرار داشت و اغلب ممالک ایران اعم از گرجستان و داغستان و آذربایجان از اخبار
تا تبریز بتصرف عثمانیه گذشت. شاه عباس اول که در آن زمان ده ساله بود و چون بعدها به سلطنت رسید
جارت بعد جلوس کرده بود ملاحظه نمود که از یک طرف عثمانیه گرجستان و داغستان و آذربایجان
تا تبریز تصرف کرده اند و از طرف دیگر ازبکها ملک هرات و خراسان را تا مشهد
تصرف کردند. و از طرف دیگر پادشاهان دکلان در پایتخت هر یک نفر
از دست هر یک کمان را گرفته و در بعضی نقاط کلیه بهم رسید تا آنکه دولت

[illegible] تحقیق [illegible] و محکم اساس نیز [illegible] این سرحد [illegible] صلح [illegible] و قبول معاهده

عاقبت معاهده اضطراری با عثمانیه منعقد نموده تمامی اراضی و ولایات ایران که بتصرف عثمانیه در آمده

بود حتی تبریز [illegible] در تصرف عثمانیه باشد. [illegible] برادر زاده خود [illegible] را

که طفل صغیر بود در شنبه ۹ ربیع ۲ [illegible] از طرف خود روانه [illegible] نموده و این معاهده

معاهده [illegible] بود که گویا [illegible] بین ایران و عثمانیه اضطراراً و موقتاً منعقد گردیده

و چون برای کسب قدرت [illegible] رفع تعصب [illegible] شاه [illegible] نمود، بیرق [illegible] از طرف خود

نصب [illegible] بیرق [illegible] تعصب [illegible] دعوت نمود که اگر

[illegible] بیرق [illegible] حکم [illegible] بوده

[illegible] تمامی [illegible] هر گونه تنبیهی که در حق او

[illegible] امر [illegible] نمود [illegible] متوکلانه

تهیه سفر خراسان نموده [illegible] ولایت خوارزم و [illegible] تمامی

ملک خراسان [illegible] خوارزم [illegible] باصفهان

مراجعت کرد [illegible] سفر خراسان [illegible] تهیه سفر آذربایجان [illegible]

عثمانیه را تهیه [illegible] کرده بود که [illegible] ایران [illegible] عثمانیه و بنظم

[illegible]

۳ دوم تنظیم امور داخله

وارد اصفهان نشده بودند به تحریص و عزم سفر آذربایجان نموده به روزه از اصفهان بیرون آمده
تبریز رسیده که شهر مستور عثمانیه واقف گشته داخل قلعه تبریز بودند که عثمانیها از آن سمت قشون خود را
روزها در شهر با اهالی محصور و به نسبت و ضبط و قرار گذاشته که بیعت بسته در ایام توقف تبریز با اهالی
بعد شهر را احاطه و اظهار خصوصیت می شود به قلعه پی برده بودند و به نظر دیدند
المقاریان در صبح از کشتن گردیده تحقیق آن جمعیت هر استحکامات را که
خبر به تبریز رسید فوراً از آنجا حرکت کرده روز به تبریز رسیده جمعی قزلباش به خبر
که سیدالشهدا خان تبریز است آوازه قزلباش و باز در تبریز رسیده هرچه عثمانیه در شهر
بود داخل قلعه شده دروازه ها را بستند چون حکمت خداوندی اسباب غلبه و فتح و نصرت شاه را
به بهترین وجهی ترتیب می فرمود مستعد شده قشون عثمانیه در قلعه غازان بیک رفته
و غازان بیک در حالت محصوری خود را از قلعه پایین آمده به اصفهان رفته بود
هنوز از قلعه برگشته مشغول محاصره بودند آنها بودند و از تبریز رو به قلعه غازان بیک روانه
نمود که قشون عثمانیه هنوز واقف گشته دست برداشته در حالتی که قشون بود
قلعه را گرفته و جوقه را که از قشون نخجوان کمک خود آورده بودند با
نخجوان نموده و ... سرداری جمعی از ... و قشون ... تبریز رو به ... آورده

در حوالی تبریز جنگ سختی درگرفت و بنا رسیده، به مدت متوالی قشون عثمانی را از
پاشیده و عباس شاه سردار یکی جمعی از پاشایان دیگر را نیز دستگیر کرده با فتح و ظفر به تبریز برگشت
این قضیه در کتابها در سال ۱۰۱۲ اتفاق افتاد مجدداً باعث افتتاح ابواب محاربات
بین ایران و عثمانی گردیده تا اینکه در ۱۰۴۰ معاهده که جهت دریافت قرارداد تجدید مرحله صلح ما بین دولتین
از آذربایجان امیر گونه خان قاجار سردار ایروان از جانب ایران و محمد پاشا
از جانب عثمانیه و همچنین از طرف بغداد محمود پاشا و ... از ... مورد ...
از جانب عثمانیه ... بیک ... امیر ... از طرف ایران
حدود کردیده ... از آذربایجان حدود ... علایم نموده و
... احکام ... ما بین یکدیگر ... در طرف
... حسن ... گردیده ... تعقیب در سال
۱۰۳۲ به تصرف شاه عباس رسید، ... داشت ما ... بود سنه ۱۰۴۹
... دولتین ... شاه صفی کشیده ...
... بغداد به تصرف سلطان مراد رابع قرار ...
ما ... کردید. اما تفصیلات ... که بین شاه صفی و سلطان مراد رابع

اگرچه تمام مجاری آن در هیچ یک از دولتین بتمامه نامعلوم است ولی بقراریکه از نوادر مکاتبات متبادله دولتین
که مجموعهٔ منشآت فریدون بیک مندرج است چنین معلوم میشود که قشون عثمانیه پس از فتح بغداد
و انتزاع آن از تصرف کارگذاران شاه صفی رو بزهاب و کرمانشاهان می‌آوردند و شاه صفی
بموجب مراسلات محرمه بسلطان مراد رابع گفتگوی مصالحه داشته و قرار داده بود که سلطان
سلیمان خان ... صد هزار ... بوده در قطعه قشون عثمانیه بنزدیک زهاب باروی
سیفرات صفی وارد در دربار عثمانیه شد معاهده را منعقد داشتند ... و در ضمن معاهده قرار
شد ... در سمت بغداد ... چهار قلعه ... عثمانیه داخل ایران نبود
دیگر اینکه در بعضی قصبه ... است ایران ... در واقعه ... در زنگ
و همچنین ... در سنگ بعثمانیه داخل از شهر ... سرحد ... در سنگ بود
و ... و قلعه بعثمانیه ... ودر سمت آذربایجان قلعه قارص ... ودفعات ... از طرفین
تخریب شود این معاهده معاهده‌ایست که بین الدولتین در هزار و چهل و نه هجری منعقد
و معروف بعهد سلطان مراد رابع گردیده تا ظهور طغیان افاغنه در ایران یعنی
سنه یکهزار و صد و سی و هشت از طرفین در رفع مصائب مراعات بود
این نکته هم باید پوشیده نماند که چون ... در حق حدود سرحدی بسیار است

و این عبارت از عهدنامه سلطان سلیمان نبوده و به حکم انعقاد معاهده سلطان مراد به سبب قرب زمان
به نقاط حدود سلطان سلیمان معروف طرفین و اهالی جانبین بوده است به همین جهت است
که در ضمن معاهده مزبوره اسمی از اغلب جاهای حدود دیگر نشده و تنها در بعضی نقاط حد
اصلی مرزبندی مجمل به حدود سلطان سلیمان و به نقاط مزبوره معلوم طرفین بوده است با وجود در سنه
یکهزار و صد و سی و پنج افاغنه اصفهان را تصرف و شاه سلطان حسین مرحوم را با تمامی
اولاد (به غیر از شاه طهماسب ثانی که در خارج محبس اصفهان در فرار مشغول بود) شهید کردند
و به سبب تصادف این حادثه دولت عثمانیه با [illegible] که تاریخ آن [illegible] عثمانیه
به طمع [illegible] عهدنامه سلطان مراد را منسوخ کرده حمله به حدود ایران آورده به قرار رساله در تواریخ ۲ افتاده
دیده‌ام طرفاً با روسیه عهدی بسته اراضی دیگر ایران را که نه شاه و نه قدرتی داشت همدان را از ایران
خودشان قسمت کرده یک خط از [illegible] حدود طرفین [illegible] بعد
مستقیم به سمت همدان که مغرب آن خط را که [illegible] داخل آن بود
به عثمانیه منظور و خط دیگر به سمت [illegible] مشرق آن با
بحر خزر به روسیه منظور داشته به همین زمینه [illegible] تصرف نمودند
روسیه [illegible] شاه طهماسب [illegible]

(۱ الملاذ

یکمدات را هم بر دیسه دعوی کرده بود و ولایت سرزوه را بعنوان اینکه متعلق بشان کمک است

ضبط نمود و عثمانیه بقهر و غلبه در ولایات بعضی اراضی پیش آورد در این بین افاغنه در قرب همدان

با عثمانیه‌ها طرف شده [illegible] را شکست داده و مجروح شد بعد [illegible] و عثمانیه را مغلوب دیده

عراق و [illegible] عثمانیه را با بعضی ولایات ایران که ضبط کرده افاغنه بکلی اخذ نمود تجدید صلح خود

و عثمانیه بکلی مجبور گشته حزین بنای مصالحه گذاشته و در تاریخ یکهزار و صد و چهل

معاهده منعقد نمود و بیشتر از یکماه در ضمن مذاکرات مجالس آینده در ابتدای قرارنامه مذکوره با

جهانی ابراز و قرار داشت نمود معلوم شد در ضمن معاهده مزبوره عثمانیه با اشرف افغان قرار

داده بوده اند درجوف [illegible] جزیره [illegible] است و در [illegible] متصرف را رسماً دولت افغان

دولت عثمانی هر وقت [illegible] ضبط جزیره [illegible] از طرف افاغنه [illegible] نموده بود

این معاهده قرارنامه بود در [illegible] در حق ممالک ایران منعقد و بصحت تصدیق نمودن

معروف برای [illegible] ۴۲ [illegible] که در عهد دولت [illegible]

از ابتدای [illegible] دیتیم [illegible] خود [illegible] کرده

عربستان و [illegible] حکومت فارس [illegible] خیانت کرده [illegible]

با [illegible] قرار می‌نمود [illegible] ایالت [illegible]

تقی خان

۴ قرار شهریور [illegible]

اشرف افغان ۲

ایران و قسمت ایالات متصرفه از عثمانیان دیگر دست نداد و گرفتاری‌های برخی تنها از بهر دولت علیه ایران عثمانیه است

تا مرز لشکرهای دشمنی از سر حد ایران تا حوالی بغداد و قریب به همدان در زیر تعقیب عثمانیه بیفتاد به بهانه

بعد از آن نیز تعقیب نقاط مرزی را تا آستارا و جهانرا نادرشاه در جبهه محاربات فیمابین مستقدم

اصلاح نادرشاه چنین بود در سه فقره اول ترک سب در میان و دین مستقر و به نقاط مذهب شیعه و سنی ایام زندیه

بود داشته نشد. مذهب جعفری یکی از مذاهب خمسه اسلام محسوب گشته مذاهب اربعه را جمعه

نشد و تا نفاق را خاتمه داده الحکمی که در هر منبری بسبب ماند بعض اعتقادات را تعلیق نماید بعد

را ختم نماید ورا از مشرافت اند ... بر رفق تکلیف عثمانیه را حسن شده سلطان محمود

در این باب نیز بعثت جماعتی بدین نقاط مرزی روانه به سلطان محمود در دادفال ایلچیان عثمانیه

خود داری کرده ... ورود ایلچیان و وقعه در ترتیب ... بر رفق ... سلطان مراد از ... ترکیه

استعفا کرده از طرف ... نقاط مرزی در ... منصب ... شاه ... ترکمنی

جوان) در عوض گنج شاه ... در قرار شد بر رفق آن در تاریخ هزار و صد و پنجاه و

نه هجری ... مرافقت و قرار ... سلطان محمود ... تصدیق

خود را با چند زنجیر فیل ... جواهر ... بعنوان هدیه بعثت

مصطفی خان ... دیگر از ترکیه عثمانیه ... ایلچیان نادری

داود

در حوزه چمچمال [illegible] از هرات روانه بلاد بلخ شده نزدیک بود که مواجب سپاه ایشان بر سرحد
دارای حدی گشته درآن هنگام مصطفی قپودان برگشته نادرشاه و محمد وزیر و حاکم باب
دافع این دو بلند نادرشاه معطوف و مشغول گردید و سفیر عثمانی در مراجعت مصطفی
همراهی او، قریب هشتاد هزار تومان هدایا و جواهرات که نادرشاه و [illegible] شده بود
تا در سال در بغداد منتظر دارالخلافه ایران یورش گشته بعبارت
عثمانی هدایا که همراه داشت مراجعت با بلاد خود نمود اغتشاش ایران بجایی رسید که
مصطفی قپودان از آن جهت بغداد درنگ و بخیال حمله بلاد به طلب شد در عثمانیه
جمعی و بهر ایالات کردستان و دیار بکر را برات آورد محمد حسین میرزا [illegible] صفویه
در بغداد بوده است کنجی عثمانیه ضبط و تصرف کند دولت عثمانی، ظاهراً بوالی بغداد نوشته که
که او را ملامت و نصیحت کرده با عدم حرکت او بود حتی از ترکت [illegible] که از
وجوه نادرشاه است که بعضی [illegible] اگر [illegible] از کردستان
بحدود ایران نکشند و در قرب حدود ایران نیز از حرکات عسکریه خاصه در اراضی
که کوه آن بلاد صعب منزل قزلباش است [illegible] مستقیم از [illegible]
خلاص گشته بعد از آنکه اغتشاش [illegible] و سلطان [illegible] عثمانیه بار دیگر

بود و با دولت تعلق نمود بالجمله عهدنامه‌ها در این مقاله عهدنامه جداگانه بود که بین ایران و عثمانی
منعقد شد و عهدنامه دوم بود که اهم مطالبات مربوط به سرحد سلطانیه نگردید که آن هم بر
اساس سرحد سلطانیه نبود زیرا که در سنه ... از اول صورت مخصوص نقاط سرحدی
عهدنامه سلطانیه گرفته بود در بعضی طرفین در حین عقد عهدنامه مزبوره بهم نقاط سرحدی
سلطانیه مزبور و سلطانیه جزو وقف نمود بصیرت کامله قرار سرحدی سلطانیه را
کما ینبغی نقاط اساسیه سرحد سلطانیه را هم جزو عهدنامه مزبوره نمودند و لکن
نتیجه مقصوده از عهدنامه مزبوره که رفع اختلافات مذهبیه و کسب ارامنه
الکاء اسلام و دیگر جلب قلوب ... سرحد بود بسر نکشته بعلت تقیید ... سلاطین
نادره و قوانین اختلافات دینیه و ... صدور ... عثمانیه ...
از ... در سرحد ... ایران و ترجیح ... دولت عثمانیه توسع
ممالک خود را بتصرف ... اسلام ... بعهدنامه مزبوره ... دولت جدید
... و انقلاب ولیعهد ... نایب السلطنه عباس میرزا ... السلطنه
... در عقد معاهده ... که ... قریب ...
و ... بود ... عثمانیه و ایران ... الامر ...

... عثمانی و ایران ...

باقی

بقیه از حدود متصرفی عثمانی از خاک ایران چه به واسطه حرکات عسکریه چه به واسطه تملیک [illegible]
رؤسای عشایر و قبایل به تصرف عثمانیه و بعضی عشایر مسترد و که گذشته [illegible] بحث شده
که در عهد دولت قاجاریه خاک کردستان قطع شد. مملکت بابان و ایالات [illegible]
در ادوار گذشته سلیمانیه در کردستان [illegible] عثمانیه پیشنهاد شد [illegible]
منضمه در سمت عربستان و کرمانشاهان و کردستان و آذربایجان از تصرف عثمانیه استرداد
شود به سبب ظهور جنگ روس و در ادوار سلیمانیه [illegible] که بعد از فتح [illegible] به تبریز و عراق معهد
رو به ارض روم از [illegible] منضمه عازم بغداد بود که [illegible]
برای این میسر نگشت [illegible] قشون [illegible] از [illegible]
برای عقد معاهده اختیارنامه [illegible] در ارض روم منعقد و فوت صدر اعظم
عثمانیه هم از طرف دولت عثمانیه اختیار کامل [illegible] در ارض روم [illegible]
[illegible] از دولت [illegible] معاهده منعقد نموده در ضمن آن [illegible]
معاهده [illegible] که در صفحه [illegible] مرحوم سلطان [illegible] داشته و [illegible]
صلح [illegible] گردیده این معاهده در معنی [illegible]
منعقد گشته [illegible] که [illegible] مرحوم سلطان [illegible]

اگرچه بسبب رفع مزاحمت و جنگهای روس و دولت عثمانی تعویق افتاد و تا این زمان که مدت مقصود هشتاد و نه

از انعقاد معاهده سلطان نگذشته) و بجهت اشتغال دائم حضرت سلطنت ایران

و انقلابات متوالیه سرحدیه و تعرضات سکنه اشرار عشایر عثمانیه در خاک ایران

هم بر حسب تعیینی که با روسیه کرده بعد از چه حدود و به چه ترتیب تقسیم بر بوده (نقاط سرحدیه بعضی

بهانه سلطان مرادی که به بهانه سلطان سلیمانی بعضی از نقاط محو شده بود عشایر نادری

که مربوط بهانه سلطان مرادی بود و تحولات بسبب قرب زمان و تحقیق مسائل محدوده

برای این نقاط سرحدیه سلطان مرادی در دولت عثمانیه گرفته بود و سهم رفع

اشتباهات محتمله در حق هر دو بود بجهت دولت بلاد ... در ... اختلاف

و خصوصاً در جمع ... تشخیص اسمی از نقاط سرحدیه منظوره مذکوره ...

... به موجب ترکز جدید ۱۲۲۱ ... نقاط سرحدیه نشینان ...

و اختلاف ... اینکه به اطلاع ... عهد سلطنت قدر شوکت خاقان مغفور

ایشان فتحعلی شاه قاجار استرداد یافته و بعلت ... جدیده عثمانیه

معاهده ... ممالک ایران روز بروز منتزع گشته بود بسبب قول ...

عهدنامه جدیده ۱۲۶۸ تعیین نقاط سرحدیه ... مسلمه ...

داده

کردید و رحمت فداکاری سفیر و جلوس شاهنشاه غازی محمد شاه و سردار سلطان گذشته توران را اراده

سفارت خانه را در این باب عریضه داشت و او از بغداد بهر خطه و بهر مملکت بود شوق عسکر سپاه

محمره و عشایر کعب را که سرحد مرز و مرز ملک ایران و عشیرت مزبوره هم از رعایا و اتباع حضرت

اعلیحضرت بودند محمره بعد از بغداد به رحمی در سنه یکهزار و دویست و پنجاه و سه در حق رعایای

اعلیحضرت محمد شاه قاجار غازی طاب ثراه از فرستادن سفیر مخصوص اظهار نمود

و مفارقت دایر گردید و چون انگلیس و امپراطوری روس دوستانه آورده اینچنین رای

برای بسط مراجعت کردید و ستاره بعض موارد دیگر هم اتفاق افتاده و مواد

طرفین از عشر و عشرین گذشته نزدیک شد که صورت کدورت و صلح بجنگ

مبدل گردد و نزدیک شد روس و انگلیس هر یک دول متبوعه این منازعات

کمتر شده و دولتین ایران و عثمانی داشته با توسط ایشان گذاشته

با سعادت شان مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله در آن وقت هنوز مشیرالدوله نشده

فقط مهندس باشی گری دولت علیه را داشت به سفارت مخصوصه دو دوره به جهت سرحدی

[illegible]

ایران را بحضور پذیرفته و [illegible] مطالب [illegible] گذشته [illegible]

[illegible]

محمود مغفور و جلوس سلطان عبدالمجید ترکها پدر میرزا جعفرخان مرحوم را برای تبریک و تجدید مودت

خود و عرض باره مولود در سه و یکی نامه تعزیت و تهنیت معاودت بایران نمود

بعد از اعطاء لقب مشیرالدوله مجدداً با سفارت اسلامبول بهمراهی بنده نمود حرکت

کرده بود در صادم افندی هم از رجال دولت عثمانی در طهران بکاغذ اخبار رحلت

سلطان محمود و جلوس سلطان عبدالمجید و باطن کاغذ ایام مولود که سبب مأموریت تسلی

شد و عمده‌ترین این مأموریت چه بود با ایران آمده در اصفهان در موکب همایون مشغول مهمانی شد

بحالی ساخت و بعضی شکایات متعلقه ترتیب فرمان اصفهان بود تشریف حضور

بهاری شرف و تلطفات ملوکانه برخوردار گشته میرزا جعفرخان مرحوم در سال

۱۲۵۴ روانه اسلامبول گردیده در آن سفر ثانی این بنده نیز بعنوان منشی‌گری

سفارت آن مرحوم مسرور بود. نتیجه یک از این دو سفیر موفق با صلاح مولود علامه عمر

گشته مراجعت بپایتخت در آن جمعه خود نمود استعفا داده که از مأموریت صادم

افندی بدولت عثمانی عاید شد فقط همین بود که موافق عهدنامه ارزی جلالت تکیه

علیق خرج سفرای یکدیگر را در جای خود بخواهش صادم افندی موقوف داردن

خرج سفرای یکدیگر از طرفین موقوف شد بحکم مجدداً بسبب اصرار ... واسطه

ب کلد

دانشی [illegible] قرار کمیسیون مختلط در ارضروم شد از طرف دولت علیه ایران
از مرحوم مشیرالدوله میرزا جعفرخان که مرد وزیر زیرک [illegible] مرض ضعف طولانی درگذشت
مرحوم میرزا نصرالله خان وزیر نظام (در اواخر که رتبه وزارت نظام و صدارت عظمی یافت)
همه اهالی [illegible] به یکی [illegible] که [illegible] کمیسیون ارضروم مامور
در دوره وقت چهار سال در ارضروم [illegible] روس و انگلیس
مذاکرات [illegible] آن [illegible] چون
به نحوی که مسطور است در [illegible] سنه ۱۲۳۸ [illegible] دولت [illegible] داشته
صدر اعظم [illegible] سلطان [illegible]
آنهم جا که در [illegible] جمعه [illegible] سلطان عثمانی بوده [illegible]
سلطان [illegible] بوده که [illegible]
و نه [illegible] معتبری داشت که [illegible] طرفین [illegible]
بعنوان [illegible] سلطان [illegible] شروع کرد [illegible]
و [illegible] قرار [illegible] مختصر آنرا ذکر کرده در [illegible]
[illegible] فقط [illegible] بعد [illegible] یعنی

درحق بقیه حدود خط حد سرحدی مذکور بود که وسیله رفع اختلافات و اشکالات طرفین بود
و نه اسمی از اراضی سرحدیه طرفین مندرج بود که باز هم بتواند وسیله رفع مشکلات
جاریه بشود ایضاً معتقدم بود که حتماً معاهده سلطان سلیمان که اساس اساسی معاهدات
مزبوره بود رجوع شود از آن بابت هم فقط سواد آن در دست بود که در مجموعه معاهدات
فریدون بیک نوشته اند فرضاً اگر معتقد طرفین هم شده بود اراضی که تملک هر یک از طرفین
خاک یکدیگر معین قرار داشته اند و اشاره و اشعار رسمی به اراضی سرحدیه و خطوط سرحدیه
با بیان نداشت و علت مرور زمان طولانی از عهد سه صد ساله سلطان سلیمان
حتی سلطان مراد رابع و جداول تقسیمات طرفین حد سرحدیه املاک تغییرات که هر چه
مهارت اشکال او در حق حدود بود زیرا در وقت انعقاد مجلس ارض روم
از سیصد و سه سلطان سلیمان در ایام زندگیست سال از عهد سه صد و سلطان
چهارصد و نود که قریب الظهور تر از سیصد بود و یکصد سال تمام از انعقاد آن
میگذشت و علاوه بر آن چنانکه در ضمن جمله یازدهم ذکر شد چون تصدیق
از طرف دولت عثمانی به ایران رسید که بلا مانع حق تصرف اراضی
را منعقد بکند و خشمه رفع رجحانی طرفین که مال آن نه در صدرت الامر

امید

سرحدیه بر وفق سعی هر دو سلطان مرعی که از طرف دولت عثمانیه به واسطه کمیسیون

برای اطلاع ما در فرستادن تنخواه بود مسموع جناب خواص گردید تا به رسیدن نتیجه که

نزد سرحدنشینان دو مملکت و طوایف آنها معلوم گردیده به واسطه نتایج دعاوی ایشان نتوانسته فیمابین

سرحد یک سال در ابحور روزی [illegible] از قبیل و جهاد خود بلوای شهادت

حقه و غیره نمایند و حال آنکه در عرض مدت چند سال [illegible] تعدیات

و تصرفات غاصبانه طولانی تا سرکرد ایالت تبریز و مراغه و کردستان و همدان

و غیره واقع شده بود که صورت صحیحه عهدیه یکی از نقاط حضرت اقدس زمان

رفته بود تا به رسیدن بر روایت عین عین بیان و نتایج آنها بر این علت

مذاکرات مجلس ارزنه الروم چهار سال امتداد یافته با وجود این طرفین در باب

انعقادات و مواد مفصله جنسیه دیگر از تصرفات و انتزاعات و اراضی

از ملک یکدیگر و محو شدن اراضی و در ایدی عهد جدید و منظور شدن آنها مطالبه حقیقت

مهمات [illegible] در ثبت ادعای خود مقابله نکرده مأمورین عثمانیه بابت اینکه

کرارا در ایام محاربه با تبریز و همدان دیده ام به تصرف عثمانیه گذشته بوده آن

را زیارت و وسعت داده هر چه دلش خواست از ملک و بلوکات ایران

در فصل سیم بعضی تفصیل بعنوان اینکه داخل حدود سلیمانیه بصورت بعضی دولت عثمانیه ادعای نمیشود

در ضمن مذاکرات مجلس قید و ثبت نیست اینکه اخیراً مدیرین واسطه گفته‌اند اگر باز

ادعائی دارد بگوید خود اعتراف صریح کرده که دیگر ادعائی ندارند بنابراین باید

واسطه در باب مهم انقلابات متوالیه زهاب که مدت مدیده و چندین ساله در تصرف بودن

مسئله حدود سلطان مرادی در تصرف و ملتفت گردیده ب ر و را منحصر بفسخ عهد

سلطان مرادی در سر حدود دالت مهمه زهاب که مدت شده بود و برای اینکه ماهیت عهد

سلطان مرادی قطعه مفسوخ در باب زهاب مدت طرفین رفع شود فصل اخیره

از فصل اول القسم آورده و مواد شده آن محمره و در باب سلیمانیه در سطور اهمیت از طرفین داده

شده بود با بسی خصوصی بوده شده و در حق هر یک قرار معینی داده در فصل دوم آن و در

حق نمه حدود بزرگ دعاوی طرفین از اراضی یکدیگر قرار داده در فصل سیم آن داشته شد

در فصل نهم آن در اخر سال بود نوشته از احکام معاهدات سابقه و خاصه معاهده سنه ۱۲۳۸

هر کدام که این معاهده حاضره الغا و تغییر داده شده است بقوت اصلیه رجوع خواهد بود

مواد آن را هر یک در ال ارتقیه فرقت و منظر حجاب شهر ال ارتقیه پس از ملاحظه

در تحقیقات کامله دیگر از سال و جواب معتقه ملاحظات لازمه را در حق هر یک فقرات آن

بقیه

مهر او کرده و هر دو عبارات که تغییر نموده در ضمن فقره دویم و سیم معاهده مزبوره و اکنون منسوخ است
بر حسب آن اجازت اسقفها به مدرس خودشان فرستاده و مدرس نیز بر وفق مسطور در سنه ۱۲۶۳
نسخه معاهده مزبوره اسقف و مجلس را ختم و متفرق ساختند زیرا که الاطلاع فصلهای مذکوره معاهده آن مزبوره
اینک عین دو عبارت این صحیفه نقل میشود فصل دوم نهم جمیع مراد و فصلهای معاهده ۱۲۶۳
سابقه خصوصی معاهده که در سنه ۱۲۶۳ در ارزنة الروم منعقد شده در خصوص این معاهده
جایزه الغاء و تغییر شده مثل اینکه کلمه بکلمه در این صحیفه مندرج شده بعلاوه احکام و قوت
آن الغا شده است و اینکه قبل از تفریق مجلس سواد معاهده جدیده مزبوره چنانکه ذکر
بهریک دول اربعه فرستاده شده و بعد از دقت و اصلاحات متفقه اجازت اسقفهای
آن از طرفین به موجب خودشان رسیده و بعد مدرس اسقف و ارسال شدن آن از دول اربعه
شهر لندن از دولت عثمانی برای اینکه باب اشکال تازه در این معاهده کبیر
وسیعه انعقاد و معاهده قرار داده پس از تفریق مجلس و فصلهای نسخه اسقف شده معاهده
با معاهده مصدق بعض عبارات آن که در ضمن فقره اول تکرار مجمل
دارای نیت و شرط مربوب بوده تا حال از سفرای دو واسطه توضیحات خواسته
و سفرای دو واسطه بملاحظه اینکه مبادا دولت عثمانی قبل از مبادله تصدیق نامه

مسامحه و بهانه جویی کرده از ارسال تصدیق نامه استنکاف و از قبول آنچه تا اینکه در اوایل عهد

اعلیحضرت ... بامری که ظاهراً مقرون بمقصود عثمانیه بتغییر مصداق شرح ... دولت ... ذیل

بعض تغییرات داده باشد نوشته بر دول متوسطه دولت ایران بعثمانیه مالکه

دولت علیه ایران در همین زمان عدول از مستدعیات عثمانیه نداشت تصدیق نامه جدیدی را

نوشته و ارسال فرموده مصحوب مرحوم میرزا احمد خان وزیر امور خارجه که آنوقت نایب الوزاره

و سفارت کبری ... سفیر ... پاریس بود بانجمن فرستادند در آنجا بتصدیق نامه

دولت عثمانیه مبادله نمایند ... مبادله ... یعنی انضباطات

واسطه را عثمانیه ابراز کرده و در تعویق کرده انضباطات مزبوره را الحاق تصدیق نامه‌ها

مبادله نشود چون اجازه ندارند کیفیت را بعرض اولیای دولت رسانده

پاریس اگرچه اولیای دولت اجازت بقضای انضباطات ندادند ولی اقرار ...

بسبب وفات شاه مغفور و جلوس اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه قاجار

بجای والد مغفور خود کار میرزا محمد علی خان در ... پاریس معوق ماند اگرچه انضباطات

مزبوره را الحاق ... بتصدیق نامه دولت عثمانی عزیمت طهران نمود وقتی رسید

که میرزا تقی خان وزیر نظام مرحوم که ... مذاکرات عهدنامه مزبوره را

دارای ...

در ارض روم کشیده و جهتی بنقطهٔ آخر منتهی نبود. بالعقب میرزا تقی خان که باتابک اعظم و صدارت دولت
ایران رسیده بود اگرچه بعضی جات مذکوره درست بایره و لیکن بعد از آنکه میرزا محمد علی
بعد از تاریخ ۲ ... بتقدیم آنکه ... خود ... ماهر است بر نیم روز است. سؤال دولت عثمانیه
مرحوم میرزا تقی خان بلادن ... باقرارات که بر حد حدود رفع معاهده مذکوره که عبارت از
معاهدهٔ اخیره ارض روم باشد شروع کرده باتفاق وزرای مختار دو دولتین واسطه قرار داده
مأمورین دو دول از بعد مدتی در بغداد اجتماع نمودند تحقیقات از سمت محمره شروع کرده تا حدود بجهت
دولتین تعیین نمایند. بعد جهت مرحوم میرزا جعفر خان مشیرالدوله را که از ابتدا بجهت
در مباحثات سرحدی هم حدود را قبل از انعقاد مجالس ارض روم کشیده بود و خود بسمت
کارگزاری امور رفت ... در تبریز توقف داشت از طرف دولت علیه مدیر
باین امر فرستاده شد از طرف دولت عثمانیه درویش پاشا و از طرف روس کلونل چریکف
و از طرف انگلیس کلونل ویلیامس که در مجالس ارض روم هم است وکیل انگلیس را
داشت مأموریت بهم رسانیده هر یک از محل خود روبه بغداد که محل اجتماع ایشان
مقرر شده بود روانه گشتند. مرحوم میرزا جعفر خان مشیر الدوله تعلیمات مدونه
که در جمله آنها تاکید در حدود بودن فصل ... معاهدهٔ اخیرهٔ ارض روم مندرجه

سنه ۱۲۴۳ و نسخهٔ فتح [illegible] بود خبر به تبریز فرستاده شد مرحوم [illegible] که [illegible]

امیر [illegible] جدید تبریز بعد از ورود شنبه ۲۳ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۴۳ [illegible]

بقیه [illegible] نوروز [illegible] از تبریز [illegible] حرکت کرده شب عید را در [illegible]

بر سر [illegible] روز عید را به مقصد روانه شد [illegible] دولتین [illegible] در دفعهٔ اول [illegible] گذشته

در [illegible] باب [illegible] عثمانی [illegible] بعد از [illegible] و در [illegible] معلوم شد [illegible] از [illegible]

[illegible] رفته [illegible] قدر [illegible] که تا آن وقت در تصرف [illegible] بود به [illegible] قبول [illegible]

عثمانی ضبط و غصب کرده و در [illegible] در آنجا [illegible] شده [illegible] بغداد [illegible]

چون [illegible] دولت بود و [illegible] دولت واسطه [illegible] چندین سال [illegible]

[illegible] شد بعد [illegible] دولتین [illegible] را [illegible]

دو دولت واسطه دولت [illegible] را از [illegible] و [illegible] صاحب [illegible]

صلح [illegible] منافعت [illegible] بعد [illegible] قبول [illegible] گردید

[illegible] بعد از [illegible] محمره [illegible]

به کشتی [illegible] دو دولت واسطه به کشتی دودی انگلیس به شط بغداد روانه شده

در خارج محمره [illegible] خود [illegible] کرد و پس از چندی

بپردازند
دولتین و تحقیقات حدودیه قرار دهند، معهذا پس از آنکه [illegible] حد عهدنامه [illegible]

مجلس اول در روز دوشنبه چهاردهم ربیع الاول سنه ۱۲۶۳ منعقد گشته چون [illegible]

الملل هنوز خطوط ایشان را [illegible] مذاکرات مجلس [illegible] بعد [illegible] مأمورین عثمانیه

دعاوی خود را در رفع [illegible] اختلافات [illegible] استقلال

بلکه به [illegible] طرحی نقشه‌های خود را طوری نمود که اغلب اراضی و بلاد [illegible] ایران

که در [illegible] در تصرف ایران [illegible] بوده و هنوز [illegible] ملکیت

ایران [illegible] به دولت عثمانیه راجع می‌شد [illegible] در تبدیل [illegible]

کرده، مأمورین عثمانیه با استناد آن [illegible] تمامی اراضی [illegible]

از مصب [illegible] الی [illegible] آن [illegible] به دولت ایران

دعا نمودند [illegible] صحت [illegible] استکشاف [illegible] مأمورین و [illegible]

و تکذیب دعاوی طرفین [illegible] توسط [illegible] تکلیف نمودند که

مأمورین طرفین [illegible] نقشه [illegible] تا تفصیل کیفیت [illegible] دول

[illegible] و [illegible] جواب دول [illegible] نقاط [illegible]

گذشته [illegible] ذکر است [illegible] درویش پاشا [illegible] تکلیف نمود

تا فیصل جواب دول اربعه و اجرای تقسیم زمین محمره و جزیره خضر و غیره با ایران از طرف
عثمانی نیز سرباز و کاری در محمره گذاشته نشود و آنکه ملاحظه اینکه محمره و توابع همیشه در تصرف
منسلک حکومت ایران بوده و فعلاً نیز متصرف بنده سرکار است [illegible] ایران بلا جواب
ابداً درین باب [illegible] بشود و اگر گذارده شود محتاج به تسلیم زمین از طرف ایران
چراکه موافق [illegible] از ملک ایران بوده و ملاحظه [illegible] خبر از مردم
نشود و اگر گذارده شود انگلیس تکلیف سردار عثمانی از طرف سرداران دول [illegible] بقبول
گذشته سردار عثمانی هم در مقابل آن برسید که [illegible] ملاحظه [illegible] دانسته
مراجعت کرد بعلت قرب فیصل [illegible] محمره و آن [illegible] سرداران
با شرط جواب دول اربعه از محمره حرکت کرده سرداران دول [illegible]
به ملاقات [illegible] کمسر [illegible] سرداران دول که
طایفه [illegible] مراجعت کنند [illegible] بمجرد [illegible]
و آنکه اینکه سرداران دول [illegible] تکلیف [illegible] در حق [illegible] در محمره
رود [illegible] کشتی کوچک [illegible] که در بصره داشتند
محمره آورده [illegible] تا محمره توقف [illegible] که [illegible]

[illegible]

باز خودبخود برداشته‌اند قصه جواب جدول اربعه و رسیدن صحن کشیده و جدول‌ها بزرگ

واسطه مرحوم میرزا عبدالله در ییلاق شکر، برابر زمستان اینها بود قبل کشیده سال

امروز اقبال به گردش سمت اصفهان رفته، بر دریاچه سمت کرج آن رفته سیر

مرحوم میرزا بابت تزئین فرموده مرکب‌ها یعنی صفحات بر دو جزو بر روی هر ورق

حرکت مرکب‌ها یعنی روزانه سمت کرج آن گذشته، امروز واسطه اینست که آب

دیگر مراجعت کرده بیلاق الحمد، در آن حوالی هر سه شقه سنجیده رفته دور

در جواب جدول اربعه رسید که بدون انتظار رجال مملکت آب رفته نزول

گردش و مذاکرات نقشه ایجاد تشخیص خط مرحوم که ... جا به ... مرتبه

جز سیر آن از یکدیگر برده برداشته دو صحن مجلس را به جدول اربعه تطبیق ... بدون

خراب برای معاینه دیده‌اند که ... هر سمت نقطه دیگر نبوده

با برای امروز ... از سنجیده آب رفته ... به ...

دعوت ... آب ... در پنجه روز ... دار گذشته

ایام زمستان بوده باز برف ... گردش ایجاد ... تام ... قصبه

آب تیکه مجالس نبوده مجلس اول در پنجم ربیع الاول ... ۱۲ ...

شصت و هشت نسخه گشته بسبب بعض ملاحظات و شبهات که هیچیک از طرفین

نمی‌خواستند سقط جبال و تلال خود بشود قرار دادند طرفین بعد از این دیگر تکالیف خود را

نوشته حاضر بکنند و بنشینند. هر دو دولت یک آن بحث ایراد و قرارات بهیه

در ولیش [illegible] که خود بکلی تشریف [illegible] ممالک زاب و تعیین حد

در ارض بسیطه و جبالیه آن خط سرحدی سابق که بود که از بابت ارض جبالیه و جبال

ایلات جزئی ایران نمی‌شد است بهارات جبه ترک کرده آن را از رقبه [illegible]

دیگر گفتن و دیگر و [illegible] و نشستند. و [illegible] ممالک زاب نموده و در

قسمت بین طرف عثمانیه منظور داشته بود میرزا جعفرخان مشیرالدوله حد

یکیه ممالک زاب را جزء [illegible] آن [illegible] اتصال

بیرون و [illegible] برده بیرون [illegible] بعض [illegible] کرده

و الحال [illegible] ممالک [illegible] در قسمت جبالیه و بسیطه

برای اینکه حتی [illegible] خود

بین آن [illegible] عثمانیه [illegible] داده

و [illegible] را از [illegible] بیرون [illegible] و بسیطه قرار داده

یعنی بر وفق معاهدهٔ ارزنة‌الروم [illegible] دولت عثمانیه قطعه‌ای از [illegible] کوهستان
پیروان [illegible] پیروان با تمام بلوک شیمران [illegible] دولت عثمانیه جزو [illegible] قطع
بالا [illegible] پیروان [illegible] ایران [illegible] ۲۲ رجب قرار
[illegible] بعد از مجلس روز شنبه [illegible] جلسه دیگر تشکیل شده [illegible] دایره [illegible]
[illegible] را [illegible] قرار داده [illegible] که
[illegible] خود [illegible] گذشته [illegible] [illegible] اراضی
بسمت [illegible] حرکت کنند [illegible] روز [illegible] واسطه [illegible] کننده
[illegible] در [illegible] [illegible] و قرار [illegible]
جلسه کردید و نظر برای تنظیم [illegible] زهاب تکلیف کردند [illegible] کوهستان
پیروان [illegible] پیروان [illegible] کوهستان [illegible]
پیروان کهنه [illegible] که بود [illegible] یعقوب [illegible] رسیده
[illegible] بین [illegible] خط [illegible] بلوک شیمران زهاب را که [illegible]
در دست عثمانی بود بایران واگذاشت و قصر شیرین و [illegible] فعلاً
در تصرف ایران بود بعثمانیه واگذاشت بهیچ وجه از طرفین موافقت [illegible] نشوند

هنوز ۲۳ ربیع مجلس متفرق نشده بود جوابی از طهران بجناب مشیرالدوله وارد و نوشته در اعلان مجلس
بگوئید موسیو واسطر را که همیشه از طهران در حرف بگوئید مشیرالدوله می‌آید
بیرون و حضوراً بحضورشان ابلاغ نمایند بگوئید خود را بمنزل آورده مسلم شد میرزا نصرالله
مرحوم از صدارت استعفا و با میرزای اکتفا نموده است این خبر از روی کمال
در مجلس حیرت بخشید. فردای روز مزبور که برای شرف تهنیت صدارت ۱۲ کوچک
مجلس بواسطه چاره نشد ننوشتند. موسیو ... ایرانی و ضبط بود در اطاق توقف
و ایک نویسی ... با بعضی اختلافات که آن روز تلگراف مخبر بود
و صحبت مجلس بر رفع تعلیمات جدید. موسیو ... دولت فخیمه انگلیس با سفیر ... دولت
علیه موجب ... خود در عزیمت سمت ... تلگراف کرده بودند
ببعض تکلیفات بیقاعده خود و ... آن از طرف دولت
علیه از همراهی ایشان ... بسته ... موسیو ... تکلیف
به فسخ عزیمت سمت ... و ... ایشان ... کرده روانه شدند
مسیو عثمانی ... در قضیه ... موقوف گردید که ... تعلیمات تازه ... باب عالی
بشود گویا آن هم ... از نتایج استعفای ... مرحوم بود که ... عثمانی.

ادن

شروع به زراعت و کاره جوشید و ... دشت . بعد از ... نوع مکاتب ، [illegible]
در ل بلدشه تا دور ، طیارات در حرکت از رود . علیه اردوهای حیدر خانی و احمد خان
والی که حکومت صحیح مسلح گشته لرستان از طرف دولت علیه ایران منتشر کرده اند در کشور محمول
وارد شد منطقه بقلم رود هر که در میان خود شان مفرور و مشغول بود با ... نقد تحقیقی برای
بلدشه را بر سرای که ... را جنبش و منظم در ... چون باغشه هم در حوزه صفحه کرد
گشته لرستان و حکومتش از طرف دولت علیه ایران ... خانی که در ... زحیدر خان
و احمد خان محلی بود در ... باغشه هم ... برگذار ... والی صفحه کرد گشته ...
نقد تحقیقی گشته های ... بلدشه را بدین ... کرده ... جمع کرده در پیش ... صفحه
باغشه بعض جاهای از ... کرده و دیگر نقشه و آثار و بعنوان ... و ... کارها
... بلدشه ... تمام مدد حمل ... بلدشه ... از باغشه تا حوزه ... و دفعه
حرکت کرده و ... و ... بلام ... دفعه ... معاینه کننده از باغشه
تا حوزه ... دیگری بود که ... از ... بیست و ... روز در ...
قبه باغشه ... ساعت ... قرار ... خود شان را ... روز
حرکت از ... در باغشه ... کرده ... همراه ... دو ... قرار

باغشه [3]

... باغشه ... [illegible]

در جلسهٔ دیگر در [illegible] دعوات [illegible] هشتم روز [illegible] شدند ساعت ۲ [illegible] از جزوه

گذشته بعد جواب [illegible] رسید که [illegible] تشکیل مجلس [illegible] صد و هشتاد

بعد از خط صد و هشتاد درجه [illegible] تا منتهی آن یعنی از خلیج فارس تا کوه [illegible] تمامی اراضی [illegible]

و [illegible] را [illegible] ملاحظه نموده هر یک با مدیر [illegible] تحقیقات نظریه را [illegible] خود تکلیف

بمدیریت خود [illegible] دارد و خریطه‌های اراضی [illegible] و [illegible] در [illegible]

بعد از ختم کردن [illegible] و ترسیم خریطه‌ها قرار تشکیل مجلس باتفاق [illegible]

در جای معینی داده شد [illegible] صد و هشتاد [illegible] آن مباشرت نمود

[illegible] مدیران [illegible] صفحه [illegible] را که سابق [illegible] بعد از [illegible] شده [illegible]

[illegible] نقاط [illegible] صد و هشتاد جهت نسبت [illegible] نمودند و [illegible]

[illegible] نظر [illegible] تحقیقات [illegible]

و تحقیقات نظریه را [illegible] در صد و هشتاد [illegible] مدیران [illegible] رسید

هر یک [illegible] مشغول تحقیقات نظریه و ترسیم خریطه کردید [illegible]

در [illegible] همیشه [illegible] خیال [illegible] حرکت [illegible]

بعض تحقیقات نظریه [illegible] خواست [illegible] دعوت [illegible]

ولی با کاوش خود یافته و فراد تحقیق جامعی که در سرحد دولت علیه ایران نمود

بعهده میرزا جعفرخان مشیرالدوله بر خوش و هم با کریک واسطه از رفقای خود

با آهن بالای رود ارس کوه کوچک دیکهان اطلاع داده و ریشه مساحت نمود باریکی

و واسطه هم متفقاً در آنجا رسیده بر درویش پاشا نوشته تصریح کرده در جنب ایران

گیلانی راهی که در آن جا رسیده بر رود ارس کوچک ایران نیست جدا باشد رفت راه از نقطه

بطرف کذرد) کوه بنفش اسم سنگ بزرگ که آنجا است در درو و هر کلیسا کوه سلسله

که قندیل معروف در روی سنگ مربع بزرگ میر شده بار محمد جان نصف

متصرف اند در اینهم بحث شده درویش پاشا از خیال احضار پاشای رود ارس کاملاً

دم متصرف کردیده و احمت که اینکونه تصدیق میرزا واسطه در حق نقطه که اینکه

از ورود است سلسله کوه بسیار بزرگ بر فراز قندیل در سمت ایگان است دولت

تصدیق است بر اینکه حدود آنجا تا کوه سر فراز قندیل ممتد است

با وجود ۲ این تصدیق میرزا درویش پاشا در بعض نقاط دیگر نیز منظور رفع مراد

کردیده ولی میرزا نشده دفتری با ملکیه ... ماهی از دو انکشته کار را

سرحد را نیز چون جانب ایران بمهندسان میرزا واسطه در یک جا و دو جا ثبت

کهنه، بلکه یکدیگر خریطه اراضی سرحدیه را تمام نموده تشکیل مجلس و تشکیل کمیسیون حدود طرفین

وزرای مختار دولتین خریطه را طرح گفتگو نموده علیحده، مأمورین دول اربعه از طرفین در جمله تشخیص ۲

اختلافات سرحدیه یکدیگر را وداع نموده، به شطر ختم خریطه فرنگیان مأمورین دولتین متفرق

شدند و مأمورین دولتین قرار دادند که در مقدمه بین ایشان در پطرزبورغ جمع و شغل ختم خریطه

نمودند و لیکن به جهت بعضی حوادث در این مدت به رفتار اتفاق نیفتاد) از جمله

یکی هم جنگ سیواستوپول بود که دولت عثمانیه با اتفاق دول فرانسه و انگلیس با دولت

روسیه شروع بمحاربه نمود چندین سال طول کشید. اخیراً از طرف هر یکی از

وزرای مختار انگلیس و روس توقف داده کرده نتیجه تمام شده خریطه سرحدیه

بدولت ایران و نظر آن در اسلامبول به دولت عثمانیه رسماً ابلاغ و مقرر گردید که

مجلس مذاکره بکلی موقوف و متارکه نماید ده تشکیل شده حقیقه مجالس مزبوره

چند سال معطل بود تا بعد در سال ۱۲۹۱ قرار شد در اسلامبول تشکیل

مجلس شود. این بنده و جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول

که آن وقت وزیر مختار بود از طرف دولت علیه ایران بکلی مذاکرات مجلس

مزبوره، مأموریت نمودند و از طرف دولت عثمانیه هم درویش پاشا مأمور

در

که در مجلس مجمع وکنگرهٔ برلین دول اربعه در برهه مخصوص دولت عثمانی بود نسبت بجز اول
مصطفی پاشا ثبت . بورهانی معین گردیده . بعد از بعد حفظ قدرت اسلامیت قرار دادیم که
فقط برلین و بین تشکیل مجلس نموده بر طبق اجتماع کنفرانس برلین واسطه بد ... تعهد
پرداختیم بهمین زمینه شروع بتشکیل مجلس کردید چون در مجلس مجمع در باب
زائر رودکی درویش پاشا در عالی ... اوراق رسیده بود اینبار دفعه در باب اسلامیکال
استادکار را بعلی تشخیص ... اکرات بعمل آورده . عثمانیه باز بهانهٔ خیال ...
درویش پاشا ... سلطان ... که با اینهمه انکار ...
شده بود ... اجزاء ارضروم ... بعضی را باستناد
ایضاحات معلومه ... و بعضی را که عبارت از رک ... طرفین درحق
اراضی ... باشد ... هیچ ... عبارت معاهده
اجزاء ... نسبت داشته باشد قرار میدادند یعنی ... املاک خانه از
اول ... دولت علیه ... اجزاء ارضروم اسکان
... را درحق ... راجع ... سلطان ... رابع
با ... داشته است زیرا در ... اجزاء ... نموده

حکم مخصوص در حق محمره و جزیره خضر و اراضی شط العرب و همچنین در حق جماعات زهاب
و سلیمانیه مندرج شده بموجب ماده سیم سند مزبور طرفین در حق سایر اراضی از یکدیگر
ترک دعوی نموده‌اند و معنی آن چنین میشود در هر کجا در حین عقد سند مزبور در تصرف
هر طرف بوده است بملکیت آن طرف باقی ماند بهمان طرف مقرر داشته‌اند در حق اراضی
مزبوره نوشته شده تا بمیان حق و مرزیات سند مزبور تا دولتین احکام معاهده را
مجرا بدارند الحکم حامی مقتضی است که بهیچ جهت اساس مرز که [illegible] معاهده
منحصر بمتن سند مزبور [illegible] باشد ولی ما بین علمای [illegible]
دولتین که در ماده سیم سند مزبور اخیره ترک ادعا از یکدیگر نموده‌اند در حق اراضی واقعه
در میان دو [illegible] خط [illegible] است و بر همه باید در حق اراضی مزبوره رجوع
یعنی [illegible] بود [illegible] که در ضمن [illegible] است [illegible] حقیقت این خط
[illegible] بود که [illegible] بودن آن [illegible] [illegible] بحدی [illegible] گردیده
و اگر خط [illegible] معلوم [illegible] ممکن الاستعلام [illegible] طرفین از یکدیگر در میان دو [illegible] را که
در [illegible] نقشه نماید ورنه اگر می نهند [illegible] [illegible] برسد [illegible]
ترک ادعای مزبور در ضمن [illegible] اخیره [illegible] چون [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

سنهٔ منقضی بود در سبب جهد بیهوده خطا مرحوم قیصر به هر یک طرفین خط مرحومه معاهده
در دو دفعه فوق که دیگری انعقاد کرده و اثنا، ت چندین ساله در اول ربیع ۱۲۸۱ که
مجالس ارزنه‌الروم را الکان هم بکند مسدود داشته تمامی دعاوی و اختلافات گذشته
چندین ساله حتی دعاوی تازه که در مجالس ارزنه‌الروم را نیز از سر نو به میان آورده
مجدداً قرینها اسباب مباحثه درمیان دولتین علیتین نهند و بالعکس معاهده
تمامی این اختلافات را رد داشته فقط مقصود این است که بعد از عقد معاهده اخیره
هرچه طرفین بالاک متصرف فیهای یکدیگر تخطی و غصب کرده باشند رسیدگی و مسترد
گردد و اینهم بسبب قرب زمان کار زیاد بسیار سهل و آسان خواهد بود. کلمات مسترداد
اینطور اختلافات در تنگ دولت ستر دیگر مجبوراً از دول واسطه را داخل
ما کرده است چنانچه مجدد به مرحومه در حق اهالی سرحد که کار مجالس مذکوره نیز
رسماً از سفرای کبار دو دولت واسطه استفسار کرده‌ایم که اهالی سرحد کدام معاهده
هرکدام از عهده ثبات درمیان دولتین علیتین نهند ایشان نیز متفق بر جواب
نوشته رسمیه تصدیق نمودند که اهالی سرحد که مذکوره معاهده اخیره ارزنه‌الروم
است و بس. و وجه اینکه بعد از آنکه از طرف انگلیس جنرال کلاک در ارزنه‌الروم

عثمانی

و این کلونل [illegible] مورد مباحثه مجلس گردیده باعتراف بر جمیع توضیحات مندرجه در مجلس خامس [illegible]

در خصوص اینکه نیز در آنکار [illegible] سلطان [illegible] مجلس [illegible] ثابت [illegible] موردین واسطه

بطوری که وسیله تعریف مجلس است عثمانی نیفته متعهد دارند در طرفین بر عهده

و خیالی که در حق [illegible] بسته خط سرحد تکلیفی جوانب [illegible] مجموعه [illegible] که

تعلق دارند در مجلس ایام گردش سرحد گذشته است و در خاتمه [illegible] سرحد [illegible]

الحال نیز مبین [illegible] در یکی از خریطه‌های رسمیه که از طرف [illegible] واسطه [illegible]

طرفین ایلچی شده است ترسیم نموده و دیدیم بروجه خط تکلیفی جوانب در ضمن [illegible]

مخصوص نوشته در مجلس آتیه [illegible] آن مجلس تقدیم کننده [illegible]

اینکه از طرفین خط سرحد تکلیفی جوانب از منطقه خریطه رسمیه [illegible]

طرفین بر وفق مسطور خط سرحد تکلیفی جوانب در یکی از خریطه‌های رسمیه ترسیم

و بدین مخصوص مکتوبی مرتب خود بزبان ترکی مرقوم و در مجلس مسطور دفعه واحده

ابراز نمایند این [illegible] بملاحظه اینکه موردین واسطه بوجه توضیحات اشعار

نمایند و دیدیم که برای تغییر وضعیات بر وفق حقوق ایشان ثابت گفته بود

در مجلس [illegible] بسبب استنکاف دولت علیه از وجه توضیحات گفته شد

باز

بلکه ترک این توضیحات و اصلاح عقاید در این رابطه در مطابقت [illegible] توضیحات که
هر چه که از طرف دولت [illegible] تکلیف کرده اند در باب سوم بخلاف [illegible]
مستثنی نداشته تمامی خلاصه [illegible] از ابتدا تا انتها در [illegible] رسیده [illegible]
[illegible] که از جمیع خط [illegible] در باب [illegible] مرقوم و مجلس تقدیم نموده اند
بتوضیحات را بطوری تشریح نمود که باز دیدی معتمد سفارت توضیحات از طرف ایران
نشود تفصیل خلاصه [illegible] این [illegible] که در ضمن نسخه جواب [illegible] (۱)
عبارت از نسخه ترکی است که بفارسی و فرانسه نیز ترجمه شده است یعنی
اصل نسخه چنانکه انشاء رسمی در جمیع بیت است) از آن نسخه بزبان ترکی بوده
لغات مطلع بزبان ترکی [illegible] دولت علیه عثمانیه بوده و ترجمه آن
بزبان فارسی خود متصدی گردیده که لغات مقصوده بسبب ترجمه بفارسی فوت
گشته حتی الامکان لغات مترجمه در ترکی را کاملاً [illegible] بفرانسه نیز
ترجمه [illegible] در صورت آن [illegible] رابطه [illegible] بعد از [illegible] نظر در نسخه
از طرفین هر چه [illegible] منصفانه [illegible] خواهد بود از [illegible] مطلع [illegible]
۲) از [illegible] در مجالس [illegible] مختلطه [illegible]

فصل ۲

اسناد سرحدی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش اول

اسناد سرحدی آذربایجان

شمارهٔ سند: ۱۸۱
موضوع: در مورد طائبات و یارم‌قیا
تاریخ: ۱۹ ذی‌قعده‌الحرام ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷ (نوشته های قدیم)
پرونده:

نامهٔ وزیرمختار دولت عثمانی به میرزا آقاخان نوری صدراعظم

جناب امجد اشرف ارفع محبان استظهار امشفقامکرما معظّما

از قدیم تا به حال ناحیات طائبات و یارم‌قیا که مال موروث و ملک صحیح حضرت شاهنشاهی است، گاه گاه از طرف علی‌خان حاکم ماکو مغایر اصول دولیه و منافی قواعد مرعیه متداوله نسبت به اهالی ناحیات مزبوره واقع می‌شد تا سه ماه قبل بر این مداخله‌اش بالکلیّه منقلب تصرفات شده حتی از اهالی ناحیات مزبوره به غیر حق بدهی مطالبه کرده است. این دفعه از جانب سنّی الجوانب دولت متبوعهٔ مفخمهٔ معظّمه، دوستدار اشعار و بعد از این به این مقوله موادّ یعنی تا هنوز به مسئلهٔ حدود قرار دولتی داده نشده خود به خود مداخلهٔ خان مرقوم حسن سلوک چندین سالهٔ دولت ایران را و اتّحاد و مودّتی که در نزد سلطنت سنیه و عند دول متفقهٔ معظمه جلب سازش و تحسین کرده است، محو خواهد کرد. علاوه بر این تحصیل منافع آن اتّحاد و حسن سلوک را هم بعد بعُدِ تمام می‌کند و به این سبب در ضمن ممانعت خان مرقوم را از این کیفیت از حالا رسماً اخطار می‌نماید و بعد از این هم دوستدار منع مداخلهٔ خان مرقوم را از تعدیات مذکوره به اهالی ناحیات مزبوره و اعادهٔ جریمه را که به نام بدهی گرفته است از همت

امنای دولت مشارالیهم خواسته و جلب تزاید وقت ایشان را می‌طلبد، زیرا که در حین مراجعت مأمورین دول متوسطین و مرخصین طرفین که عبارت از جناب جلالت‌مآب درویش پاشا ومقرب الخاقان میرزا جعفرخان مشیرالدوله باشد، ناحیات مزبوره مثل سایر ممالک محروسهٔ شاهانه در ید تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بوده در این صورت جایز نبودن مداخلهٔ خان مرقوم برای موروث و ملک صحیح سلطنت سنیه بلاسبب و بدون حق لازم‌التعریف نیست.

مثلاً از برای مقابلهٔ حرکات خان مرقوم اگر دولت علیه هم به یکی از ممالک ایرانیه مداخله بکند، حق دارد.

امّا سلطنت سنیه این خصوص را ابداً قبول نمی‌کند به جهت اینکه منافی قواعد دول معظمه است. در این صورت البته دولت ایران هم چنین حرکات را هرگز قبول نمی‌تواند کرد الحاصل این حرکات علی‌خان در انظار کافهٔ دول متمدنه، غیر مستحسن است. بر فرض محال مذکوره متنازع فیه بودنش هم لازم بیاید باز محتاج به قرارداد دولتین است. با وصف این مراتب به ظهور آمدن چنین حالات مغایر قوانین مشترکهٔ دول در این وقت بجز استفادهٔ از وقت حرب معنای دیگر نخواهد داد و حال اینکه نظر به سلم و مصافات دولت ایران که به دلایل واضحه تا به حال به دولت علیه اثبات کرده است، اتحاد فرصت به خاطر نیاوردنش آشکار است باز قباحت در خان مومی الیّه است در این تقدیر در ضمن محافظهٔ مسالمات طرفین تکه بر خان مرقوم و اعادهٔ مبلغ مزبور را و دست برداشتن از مداخلهٔ بی‌حق یا حساب مزبوره با اوامر ایجابیهٔ مقتضیهٔ جناب امجد اشرف که حاوی به مرتکب نشدن فی‌مابعد به این مقوله فضاحت است، خواهش دارد و به این ذریعه به ابراز احترامات متمایزه مسارعت می نماید. فی ۱۹ شهر ذیقعدة‌الحرام ۱۲۷۱

حاشیه: نوشتهٔ صدراعظم میرزا آقاخان نوری

جواب این را به این نحو باید بنویسید: اولاً دامباتی و یارم‌قیه هیچ وقت در تصرف دولت عثمانیه نبوده است، اگر هم در ایام سلاطین سلف مداخله کرده باشند به آنجا دلیل نمی‌شود که حق دولت عثمانیه بوده، چرا که در ایام جنگهای قدیم گاهی دولت ایران دیار بکر می رفت گاهی پاشایان روم به تبریز می آمدند.

از ایام خاقان مغفور و نایب‌السلطنهٔ مرحوم که سرحدات دول به قرارهای محکم دوستی مضبوط شد. تائبات و یارم‌قیه در تصرف حاکم ماکو بوده الا الآن.

از این گذشته قطور که ملک طلق دولت ایران است دولت روم بی‌سبب چرا غصب کرده، با وجود جمع مأمورین سرحد هم تصدیق کرده‌اند که ملک صریح ایران است، تجاوز و خلاف عهد بین دولت روم در اینجا اظهر من‌الشمس‌است.

وقتی که دولت ایران موقتاً در دوستی وجهته جامعه سکوت بکند در باب قطور و این قدر حفظ دوستی روم را طالب باشند بسیار بعید است، لذا اولیای روم که این دوستی را نفهمند و بخواهند تجاوز خود را زیادتر بکنند به این معنی که تائبات و یارم‌قیه را که ملک طلق ایران است هم خیال تصرف و مداخله داشته باشند.

سیاهه

جواب این سؤال [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۲
موضوع: محال سردشت
تاریخ: ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

نامهٔ حشمت‌الدوله به اتابک اعظم

جناب جلالت‌مآب اجل اکرم اتابک اعظم دام مجده را زحمت می‌دهد. بودن محال سردشت در دست حسین‌خان مایه آبادی آنجا شده است بخوبی از عهدهٔ مالیات برآمده و می‌آید و ادّعای کسر مالیات نیز نمی‌کند، اگر اولیای دولت قاهره صلاح دانند که من‌بعد نیز کمافی‌السابق در دست او بوده قسط به قسط مالیات خود را بدهد البته بر آبادی آن محال خواهد افزود و لِله محاله باقی‌الایام جلالت مستدام باد.

جناب جلالتمآب امیر اکرم اتابک اعظم دام مجده العالی همیشه بودن جمال سرنوشت

در دست حسین خان مایه الحیاتی که اشاره است بخود از عهده مالیات

بر آمده و می‌آید و ادعای مالیات نیز نکند اگر او مالیات حالت

ظاهر صلاح دانند در عهده نیز کار نیابتی در دست او بقیه قسط

مالیات خود را بدهد البته برای آن مالیات جواب از فرخ والله محمد علی خان علاء الدوله

شمارهٔ سند: ۱۸۳
موضوع: محال سردشت
تاریخ: ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر خارجه

وزیر خارجه

سواد تلغرافی که به رضابیک کرده‌اند، دیدم رفتن رضابیک حالا به سرحدات ساوجبلاغ و سردشت در زمستان، اگر شما و سردارکل و معتمدالدوله صلاح می دانید بسیار خوب برود و تحقیق کند موافق دستورالعمل خودش. والّا بیاید طهران در اینجا حرکات خلاف حمزه‌آقا... را اگر بتوانید مسجّل بکنید بهتر است، در هر صورت با سردارکل و مستوفی الممالک، امین الدوله، معتمدالدوله مخصوصاً گفتگو بکن هر قسم مصلحت دانستید حکم بدهید معمول دارند من چیزی حالا به خاطرم نمی رسد.

وزیر مالیه

شاه تنفوذ ... برخی که ... [illegible]

رئیس رفیق حالا مرحمت ... و ... [illegible]

در زمستان اگر ... بردارید و ... الدوله

... تحقیق کنید مواش ... [illegible]

دالد باید ... در این ... حذف ... اگر

شوند مستحب بکنید ... در هر صورت ... بردارید

و ... مشیرالدوله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸٤
موضوع: در مورد طائبات و یارم‌قیا
تاریخ: ۲٤ ذیقعده‌الحرام ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷ (نوشته های قدیم)
پرونده:

نامهٔ وزیرمختار دولت عثمانی به میرزا آقاخان نوری صدراعظم

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهار مشفقا مکرما معظّما

یک قطعه نوشتهٔ جناب صدارت پناهی که این دفعه به تاریخ ۲۰ شهر ذیقعده‌الحرام سنهٔ ۱۲۷۱ در جواب مراسلهٔ دوستدار مرقوم داشته بودند، به دست اعزاز واصل شد. نظر به استفادهٔ مآل آن گذشته از بعض فقرات غیرلازمه تا حال خالی از ابراز نکردن سلم و مسالمات دولت ایرانیه به سلطنت سنیه در چنین وقت حرب و جدال از مدّعای واهیه دست خواهند برداشت پارهٔ مسائل متروکه را نیز به میانه نیاوردن فهمیده شده بود، لیکن دولت ایرانیه در این خصوص باز خلف وعد نمود زیرا حکایتی مثل طائبات و یارم‌قیا که مادهٔ ناصواب سه چهار ماهه را با القآت و ارآت بی دلیل یک شخصی مثل علی‌خان ماکویی با بحث از زمان مرحوم سامی افندی که بیش از سه چهار سال سفیر دولت علیه بود، اصرار کسب حق مناسب نیست در احوال حاضره این خصوص یعنی به وعد دست برداشتن از این مقوله دعاوی و مسائل بالکلیه منافی است. علاوه بر این مواعید مذکورهٔ خیرخواهانهٔ دولت ایرانیه به سلطنت سنیه نه تنها به سفارت سنیه معلوم است بلکه با سفرای سایره که نزد اعلی‌حضرت شاهی است و عند دول موجوده جهان نیز واضح و آشکار است در این تقدیر اگر حالا دولت ایرانیه با اتباع اغفالات علی‌خان در مادهٔ طائبات و یارم‌قیا در باب ابطال حق سلطنت سنیه اصرار بکند، عدم ثبات امنای ایرانیه را اثبات می‌کند.

علی هذا بنا بر مآل نوشتهٔ مورخهٔ هشتم شهر ذیقعده دوستدار که حاوی بر خواهش دوستار در کف ید نمودن علی‌خان از محالات مذکوره و فیها بعد به این مقوله اصرار بی‌فایده و به خاطر نیاوردن استفادهٔ از وقت حرب و اعادهٔ مبلغ مزبوره که به نام بدهی از اهالی محالات مرقومه دریافت کرده است، بود. این دفعه هم در این باب ارسال

تعلیمات لازمه به خان مرقوم بیان می نماید که حتی خواهش دوستدار حاصل شود و دوستار مزاج حکمت امتزاج اعلی حضرت شاهی را چنین می داند که نیات خالصه و افکار مخصوصه شاهیش که عبارت از ابراز مخادنت و مصافات نسبت به سلطنت سنیه است در چنین وقت اگر در کیفیت طائبات و یارم‌قیا غوررسی فرمایند ابدا به اصرار امنای ایرانیه در این باب قایل نخواهند بود، بنابراین دوستدار را به قدر سر مویی شبهه نیست که پس از مطالعهٔ نوشتهٔ دوستدار من البدوالی الختم حق سلطنت سنیه را تصدیق خواهند فرمود. حرر فی ۲٤ شهر ذیقعدة‌الحرام ۱۲۷۱

جناب اشرف امجد [illegible]

کاغذی که [illegible] این دفعه به تاریخ [illegible] در جواب [illegible]

[illegible]

مراسلات دولت ایرانیه به سلطنت سنیه [illegible] خواهند برداشت

[illegible] دولت ایرانیه [illegible]

زیرا [illegible] بحرین [illegible]

[illegible] عثمانی [illegible]

[illegible] در احوال حاضره این خصوص [illegible]

بالکلیه [illegible] علاوه بر این مراتب مذکوره خیرخواهانه دولت ایرانیه به سلطنت سنیه [illegible]

[illegible] اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible]

[illegible] دولت ایرانیه [illegible] اعتقادات عثمانیان [illegible] بحرین [illegible]

ابطال حق سلطنت سنیه [illegible]

[illegible] عثمانیان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۵
موضوع: تعیین حدود طائبات و یارم‌قیه
تاریخ: سلخ جمادی‌الاول ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم (میرزا آقاخان)

جناب امجد اشرف ارفع محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

کاغذی که دوستدار در تاریخ ۲۳ شهر جمادی‌الاولی نوشته بود از جانب وزیر امور خارجهٔ دولت ایرانیه، جناب جلالت‌مآب نبالت و فخامت انتساب میرزا سعیدخان در تاریخ ۲۴ شهر مزبور جوابش رسید و از مضامین آن تا آخر استحضار کامل به هم رسید چون که طامبات و یارم‌قیا احتیاج به تعیین و تشخیص جدید نمی‌خواهد که ملک دولت علیهٔ عثمانیه است و یا ملک دولت دیگر همان تعیین اثبات جناب جلالت‌مآب سعادت اکتساب درویش‌پاشا کفایت می‌کند دوستدار در این باب گفتگوی زیاد را تجویز نمی‌کند تنها اساس مطلب را در دست گرفته جواب مختصری به فقرات جوابنامهٔ خان معزی‌الیه می‌دهد. اولاً بعد از مراجعت قمسیون حدود محالات مذکوره در ید تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بود در هنگام محاربهٔ سابقه که به عنایت الله تعالی به صلح انجامیده است. عساکر دولت فخیمهٔ روسیه بعد از آنکه از بایزید بیرون رفتند عساکر دولت علیهٔ عثمانیه هنوز به بایزید داخل نشده بود که حاکم ماکو عالی‌جاه علی‌خان از تصرف محالات مذکوره برآمده است، در این حالت جناب معزی‌الیه وزیر دول خارجه کلمهٔ انتهاز فرصت را که نسبت به دولت متبوعهٔ معظمهٔ دوستدار داده بودند دیگر نمی‌داند در این خصوص کدام طرف انتهاز فرصت نموده است، دولت علیه عثمانیه اصلاً و قطعاً هیچ‌وقت انتهاز فرصت در حق هر دولت همجوار نکرده و نخواهد کرد چون شانس ارفعتر از انتهاز فرصت است، دوستدار هم نخواسته بود که کیفیت مملحه زورباطیه و تورساق را که سلطنت سنیه با مشاغل سفریه و غوایل حربیه گرفتار بود دولت ایرانیه بی‌وجه و سبب و بی‌اخبار و اشعار وبدون حق آمده ضبط نموده اگرچه پس گرفتیم بحث نماید الحاصل سلطنت سنیه بنا به دوستی دولت ایرانیه موقته در باب یارم‌قیا و طامباط حرف نزده بود

ولی پیش از این صبر و سکوت نمی‌تواند بکند این اشعار دوستدار هم به جهت حفظ مسالمات و موادنات و مصافات است که خبر نداده اگر از جانب سلطنت سنیه محالات مذکوره را که ضبط بکنند بلکه از جانب حاکم ماکو ممانعتی و یا معاذاله منافی دوستی حرکتی صادر بشود و آخرش به نقار و برودت بکشد از آن جهت است که اعلام و اخبار می‌کند البته آن جناب امجد اشرف هم قول دوستدار را که عاری از صدق خلوص نیت تصدیق فرموده در خصوص تخلیهٔ محالات مذکوره به حاکم مومی الیه تعلیقه مؤکدی خواهند فرستاد زیاده زحمتی ندارد. حرر فی سلخ جمادی‌الاولی ۱۲۷۳.

محل مهر: السید حیدر

جناب اجل اشرف ارفع مجدا اشهلا سلطان معظم

مهربانا

کاغذی که دوستدار در تاریخ ۲۲ شهر جمادی الاولی نوشته بود از جانب وزیر امور خارجه دولت ایران به جناب جلالتمآب

میرزا سعید خان در تاریخ ۲۴ شهر ربیع الثانی رسیده و از مضامین آن ناخواسته [illegible] رسیده بود که

در باره قرا [illegible] تعیین و تشخیص حدود که ملک دولت علیه عثمانیه است با ملک دولت ایران تعیین

جناب جلالتمآب سفارت کبری [illegible] نیک نفس کفایت [illegible] که دوستدار در باب گفتگوی [illegible] را نگو [illegible]

اساس سلطنت [illegible] جواب [illegible] جناب [illegible] خان [illegible] اولا [illegible]

حدود محالات مذکوره در تصرف دولت علیه عثمانیه بود [illegible] مجاور سابقه که [illegible]

اگر [illegible] عساکر دولت [illegible] بعد از آنکه از [illegible] بیرون رفته عساکر دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] حاکم [illegible] خان از تصرف محالات مذکوره برآمده است در این حالت جناب [illegible]

[illegible] انهار [illegible] دولت [illegible] سلطنت دوستدار [illegible] را [illegible]

طرف انهار [illegible] دولت علیه عثمانیه اصلا و قطعا [illegible] انهار [illegible] در حق [illegible]

[illegible] چون [illegible] ارفع [illegible] انهار [illegible] دوستدار هم [illegible] که [illegible]

در [illegible] که سلطنت سنیه [illegible] دولت ایرانیه [illegible]

و [illegible] اخبار [illegible] ضبط نموده اگر [illegible] نماید [illegible] سلطنت سنیه

[illegible] دولت ایرانیه [illegible] در باب [illegible] زده بود ولی [illegible] ایران [illegible]

و سکوت [illegible] این اشعار دوستدار هم [illegible] حفظ مسالمات و مرادات [illegible]

که خبر داده اگر از جانب سلطنت سنیه محالات مذکوره بود که ضبط [illegible] از جانب حاکم [illegible]

[illegible] صادر نشود [illegible] [illegible] از آنجا [illegible]

که اعلام و اخبار [illegible] انجناب اجل اشرف هم [illegible] دوستدار را که عاری از صدق [illegible]

[illegible] تصدیق فرموده در [illegible] محالات مذکوره [illegible] تحریرا [illegible] ۱۲۷۳

شمارهٔ سند: ۱۸۶
موضوع: دستورات ناصرالدین شاه به سپهسالار اعظم
تاریخ: (احتمالاً ۱۲۷۳ هـ.ق)
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

جناب سپهسالار اعظم

نوشته‌جات میرزا محب‌علی و معین‌الملک را همه را خاندم [خواندم] آنچه لازم است بزودی جواب نوشته شود و بعضی مطالب را تلگراف بکنند. سواد فرانسه و ترکی العباره را ترجمه کرده بفرستید ملاحظه شود با سایر نوشته‌جات. در فقرهٔ سرحد حقیقتاً اصل مقصود و منظور شما و مأمورین شما همان اساس مذاکره به عهدنامهٔ ارزنة‌الروم بود و هست که رسماً از دول فرنگ و سفرای طهران و...* و به شما اعلام شد و در حقیقت گذشت حالا درویش‌پاشای پوسیدهٔ پدرسوخته ادعای طهران را هم می‌کند نفهمیدم آن‌طوری که معین‌الملک نوشته است به ملکم و ساعدالملک تلگراف رمزی سختی بکنید که دولت روس و انگلیس را به حکمیت قطعی وادارند و در طهران هم اگر لازم است باز با طامسون انگلیسی و شارژ دفر روسیه حرف بزنید ان‌شاءالله طوری بکنید که این امر به خوشی بگذرد. در فقرهٔ معامله به مثل هم برای مقصر و ورشکست و غیره غیره مکرر به شما گفته‌ام که در طهران و ولایات سخت بگیرید و معامله به مثل را کاملاً اجرا دارید و البته همین‌طور خواهید کرد. در باب نشان خدیو مصر سابقاً نوشتم که نشان الماس صورت که در فرنگستان ساخته شد و به همهٔ بزرگان و ولیعهدان فرنگستان از همین نمره نشان دادید به خدیو هم بدهید حاضر است نشان ولایت صربستان و... را هم بدهید خرج تعمیر سفارت و تنخواههای ادعایی شیخ محسن‌خان که حقیقتاً ما را و همه را خفه کرد هرچه حق اوست عرض می‌کند بدهیم پول حق را چرا نمی‌دهم؟

* کلمهٔ خوانده نشده به نظر می‌رسد یک حالت اختصاری در نوشته‌های ایشان بوده و به مفهوم غیره باشد.

[illegible]

نوشته‌ها بجه سلفیه مصیح دیمیلی و همه عه‌زام ... ۱۲

زعفر جواص نوشته شو ولیعن ملکارنه شو تعداف نجه
فرانه درتریکی الکه
[illegible] شو ترجمه کله نوشته منطقه ایکو با بار نوشته

درنفشه سرصد حقیقة اصل معتقد و نظورنا و ما مورلیم ایمال

اساس سنه اکنه نهدر نامه ارزنقه الروم نجوم و مهمه بجه رکا ارزجوال

ونواز طراف مه بنا اعلام و در حقیقه کنه بنت مالدرونی بیاال

پوسره سوکفته ادعا طراف ایکه لعنیدم

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۷
موضوع: گله‌مندی قونسول روس از حرکات خصومت‌آمیز اهالی ساوجبلاق و سردشت نسبت به دولت روس و کمک به عثمانی
تاریخ: ۱۳ مه ۱۸۵٤
کارتن: ۷ (نوشته‌های قدیم)
پرونده:

ترجمهٔ نامهٔ اینچکوف صاحب به نواب فیروز میرزا حکمران آذربایجان

چند روز قبل از این به توسط عالی‌جاه مقرب‌الخاقان حاجی میرزا محمدخان، دبیر مهام خارجه نواب والا را مطلع ساخته بود که در ساوجبلاق آشکارا حرکات بسیار خصومت‌آمیز نسبت به ما معمول و مرعی می‌شود. عمربیک که از جانب سردار کل در سردشت مباشر است، سرب و باروت به ولایت عثمانیه می‌فرستد، اهالی مرگری و دریمه در حوالی سردشت پیوسته مشغول‌اند که به آنجاها آهن تفنگ و هر نوع آلات حربیه به توسط کسان مقرب‌الخاقان عزیزخان روانه کنند. قاضی یوسف، ملاّیی است که در سردشت می‌نشیند و در آنجا اعتبار زیادی دارد، آشکارا آنجا جهاد را بر خلاف دولت روس تکلیف می‌نماید، بیروت‌آقا ولد حمزه آقا مباشر لاهیجان و مباشرین مکری از جمله آنها یک نفر قادرآقا ولد عباس به سمت دولت عثمانیه تفنگ و خنجر و سایر چیزها می‌فرستد و این همه از راه سردشت به توسط آدمهای امیرالامراء العظام سردارکل رو می‌دهد، بنای علیهٔ نواب اشرف والا به امکنه مزبوره چند نفر اشخاص مخصوصه از برای رفع بی‌حسابی مسطوره مأمور فرمودند و مخلص امیدوار است که احکام نواب اشرف والا مجری خواهد شد از برای رفع شبهه‌ها که کارگزاران اینجا در باب حقیقت شهرتها که به من رسیده بود، ظاهر فرمودند. مخلص بر خود لازم می‌دانم که به نوّاب اشرف والا اظهار بدارم که دیروز آدمی که من بخصوصه به ساوجبلاق روانه کرده بودم، مراجعت کرده است و اخباراتی که از برای مخلص آورده است فقط نه تنها آنچه که سابقاً اشاره شده بوده است تصدیق نمود، بلکه حتی تفصیلات دیگر هم اظهار داشته است که آنها را نیز لازم می‌دانم به اطلاع نواب اشرف والا برسانم. در این اوقات در سردشت دو باب دکان مخصوصه باز نمودند و در آنها شب و روز مشغول‌اند که تفنگ و آلات حرب ساخته به

ولایت روم بفرستند. به غیر از قاضی یوسف در سردشت، نواب او ملاّ ابراهیم و ملاّ عبداله مردم را به جهاد تکلیف می‌کنند و قاضی ساوجبلاق شیخ صمدالدین نه تنها مردم را بر خلاف ما تکلیف می نماید، بلکه اکراد را بر این وامی دارد که از برای دوام دولت سلطان عبدالحمید دعا بخوانند، قطع نظر از آدمهای مقرب الخاقان عزیزخان برادرزادهٔ او پاشاخان سرتیپ از ساوجبلاق به خاک روم یک صد و شصت بار سرب و باروت فرستاده است. به غیر از عمربیک در سردشت همچنین نزد عیال سردارکل یک نفر کلیله‌نام در آنجا می باشد که مباشرِ هشتصد خانوار با او است و مشارالیه دو هزار نفر اکراد را جمع‌آوری نموده است که برخلاف ما به عثمانی ها کمک نماید و متقبل شده است که به پول خود از برای آنها غلّه روانه نماید و به همین قدر جمعیت هم او از پایور آقای دالکن‌لو که درسرحد دولتین ایران و عثمانلو است خواسته بود، لیکن تا به حال بی‌فایده ماند. غلّه را با وجود حکم و قدغن اعلی حضرت پادشاهی کمافی السابق بلامانع می برند و در این کار خصوصاً دخیل اند. قادرآقا، معرف آقا، مولاناآقا و سردارآقا، نواب اشرف والا البته باور خواهند نمود که این اعمال خصومت‌آمیز نسبت به ما که مسطور شده است بعید و غیرمطابق است با دوستی که فیمابین دولتین برقرار است و با آن اظهارات ودادآمیز که از امنای دولت ایران به امنای دولت روس می رسد آن نواب والا هم تصدیق نخواهند نمود که اگر زیاده از این، این اعمال خصومت‌آمیز را متحمل شوند این دلیل بر تحسین آنها از جانب کارگزاران اینجا خواهد بود. لهذا از نواب اشرف والا متوقع است که مجدداً به ساوجبلاق و سردشت و لاهیجان و سایر امکنه که اشاره رفته بود، احکام محکم صادر و روانه فرمایند که عمربیگ و کلیله و قاضی یوسف و ملاّ ابراهیم و ملاّ عبدالله را دور نمایند. و همچنین جمع‌آوری اکراد را موقوف نموده، نگذارند که تفنگ و آلات حربیه و غله به خاک روم ببرند. از برای اجرای احکام آن نواب والا، البته لازم خواهد شد که آدم معتبری که به او اطمینان توان داشت، روانه شود، مخلص امیدوار است، که انکاری نخواهند داشت که چنین شخصی را از صاحب‌منصبان و کارگزاران خود انتخاب فرمایند. مخلص منتظر است که جوابی را که در باب قرارداد امورات مسطوره قرار خواهند گذاشت بزودی قلمی و مرقوم فرمایند. زیرا که مخلص امروز آدمی بخصوصه در باب این امر روانه دارالخلافه می نماید و مراتب آن را نیز به عرض وزارت امپراطوریه در پطرزبورغ خواهد رسانید. بناء

علیه لازم است که مخنص علاوه نماید کداه تدبیرات را به کار برده‌اند. کارگزاران دولت ایران که نزدیک‌اند به کردستان و که از قرار اختیاری که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت پادشاهی به عهدهٔ ایشان مفوض است، می‌توانند زودتر از سایرین اهتمام بفرمایند در باب منع و دفع اعمال عداوت‌آمیز رعایای ایران نسبت به دولتی که فی‌مابین او و دولت ایران صلح و روابط دوستی برقرار است.

ترجمه نوشته‌ای است که جناب ایلچی [illegible] صاحب [illegible] فرستاده‌اند [illegible]

چند روز قبل از این [illegible] محمد خان [illegible] مطلع [illegible] که در [illegible] حقوق

[illegible] حضرت [illegible] در سرحد [illegible] سرحد [illegible]

[illegible] در حوالی سرحد پیوسته مشغولند که [illegible] آهن تفنگ [illegible] هر نوع [illegible]

[illegible] عزیز خان [illegible] که در سرحد [illegible]

[illegible] دولت [illegible] سرحد [illegible] آقا [illegible]

[illegible] دولت [illegible] تفنگ [illegible] سرحد [illegible]

امیر الامرا [illegible] دولت [illegible]

[illegible] احکام [illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در این اوقات در سرحد [illegible]

[illegible] در سرحد [illegible]

[illegible] دولت سلطان [illegible]

[illegible] عزیز خان [illegible]

[illegible] در سرحد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible] این [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] دولت ایران

با [illegible] دولت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] سرحد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۸

موضوع: اظهار خوشوقتی کفیل جنرال قونسولی روس از اقدامات فیروز میرزا حکم آذربایجان در تمشیت امور خواسته شده

تاریخ: ۲۲ مه ۱۸۵٤

کارتن: ۷ (نوشته های قدیم)

پرونده:

ترجمهٔ نامهٔ کفیل جنرال قونسولگری روس به نواب والا فیروز میرزا حکمران آذربایجان

از برای تکمیل شرح جنرال اینچکوف که در ضمن آن‌جناب شارژ دفر به نواب اشرف والا اظهار داشته بود. بعضی اخبارات که به جناب معزی‌الیه از ساوجبلاغ و سردشت رسیده بود، مخلص خوشوقت است که به اطلاع نواب مستطاب اشرف والا برساند که موافق اخباراتی که چندی قبل از این از آن صفحات به مخلص رسیده است، تدبیرات حکمت‌آمیز که سرکار شوکتمدار به کار برده‌اند از برای اجرای فرمان پادشاهی در خصوص قدغن نبردن غلّه و ماکولات به ممالک عثمانیه نتایج خوب داشته چون به کارگزاران آنجا قویاً خاطرنشان کرده است از صدور فرمانی و وجوبی که بر طبق مضامین آن اطاعت شود، حضور آدمهایی که نواب اشرف والا به ساوجبلاغ روانه فرموده بودند، هرچند این معامله را که خلاف ارادهٔ سنیهٔ اعلی حضرت پادشاهی است، موقوف نکرده است. اما اقلاً باعث آن شده که از برای عمل‌آوردن آن اشکالی به هم رسیده است. من زیاد می‌دانم مصدع اوقات شریف نواب اشرف والا بشوم در باب تکرار دلایلی که جناب شارژ دفر اظهار داشته بود تا که نواب والا تدبیرات مؤثره را به کار ببرند، از برای عمل‌آوردن حکم همایون اعلی حضرت پادشاه ناصرالدین شاه که بالمره مطابق است با آن کمال دوستی و اتحاد که فی‌مابین دولتین برقرار است، لیکن مخلص فرض خود می‌داند که ماجرای بسیار عمده را به عرض نواب اشرف والا برساند که به واسطهٔ ضعف حاکم ساوجبلاغ رو داده است و آن مراتب به نظر جمعی کثیره که از مخلص کمتر متقاعد می‌باشند، از دوستی دولتین روس و ایران می‌توانست شبهه‌های بسیار ملالت‌انگیز بر پا کند. در اواخر پاییز سال گذشته، اقوام شیخ صالح که در همهٔ دهات محال ساوجبلاغ سلدوز منتشرند برخلاف ارادهٔ اعلی حضرت پادشاهی که به طور

صریح و بکرّات ابلاغ شده بود، جرئت کرده بودند که رعایای اعلی‌حضرت پادشاهی را تحریک نمایند که مداخلت در جنگ دولت عثمانیه با دولت روسیه نمایند و موعظهٔ ایشان بی‌اثر نمانده است به این نحو که خدر آقانام ساکن قریهٔ قوم‌قلعه نزد قشون عثمانیه چهل نفر سوار روانه کرده بود و هفت نفر از آنها در محاربه با عساکر ما مقتول گشته‌اند، روانه نموده‌اند. این نوع جمعیت بعد از آن هم با شهرت کمتر یا زیادتر سمت وقوع یافته بود. چندی قبل از این بعد از عید نوروز از سیصد تا چهارصد نفر از ساوجبلاغ عازم شده بودند به خاک عثمانیه به این بهانه که به زیارت مکه معظمه مشرف شوند، اما آشکارا مقصود معلومی داشته‌اند که به قشون عثمانیه ملحق شوند، این بخصوصه از دو نفر از علمای ساوجبلاغ شیخ عبدالرحمان و سیدابراهیم بوده که مداخله داشته‌اند به این موعظهٔ فتنه‌انگیز که با خیرخواهی اولیای دولت ایران مطابق نبوده است.

پس از وصل عبرت با مواعظ ایشان پیوسته در مدت زمستان از برای پول و سخت به خاک عثمانیه باروت و سرب و ماکولات می‌فرستادند. موافق عبرت ایشان جمعی کثیره با غیرت عمل نموده‌اند و از جملهٔ آنها من فقط در این باب اسم مشهورترین آنها را که در ساوجبلاغ مذاکره می‌شد، خواهم برد مثلاً حاجی عزیز، اسمعیل مشهور به اسم برادر حاجی حسن، کریم ملقب به استاد مولا، خدربیرمن فیض‌اله حاجی محمود، میرزا مصطفی ولد حاجی علی، عزیز آقاکور، میرزا عبداله ولد حاجی احمد، میرزا رسول ولد حاجی احمد لشکر، ابراهیم ملقب به نامسلمان و غیره. اسلحه و سایرین اشیا می‌بخشیدند به این طور که یک نفر نعل‌بند ساوجبلاغی حاجی الله نام در این زمستان هزار سوار نعل از برای سوارهای عثمانلو فرستاده است. به طور مؤثر معامله بردن غله به خارج اتفاق می‌افتاد و در این باب که حکم اعلی‌حضرت پادشاهی مجری نشده ظن را باید حمل کرد به ضعف حکومت کریم‌خان به این طور حاجی محمود ساکن قریهٔ نیستان واقعه در چهار فرسخی سردشت پدرزن عالی‌جاه پاشاخان پیوسته غافله با غله به سلیمانیه و به کرکوت [کرکوک] روانه می‌نماید. قضیهٔ مصطفی خیلی اتفاق می‌رفته که از ساوجبلاغ بارها با غله و نمک نزد پسر خودش که در سردشت سکنی دارد، روانه می‌کند. و گاهی نیز غافله با سرب و باروت نزد او روانه می‌کند و پسر مشارالیه این اجناس را به خاک روم ارسال می‌نماید. همهٔ این معاملات ظاهراً از حاکم ساوجبلاغ نمی‌تواند پنهان و پوشیده باشد چون اشخاص اطرافی او دخیل این معاملات هستند مثل

اینکه مباشر راهدار خانهٔ کریمخان و قپان‌دار رحمان برادر میرزا حسن نویسندهٔ کریمخان نمی‌توان هم تصور نمود که این معامله به طور مخفی یا بر سبیل اتفاق واقع می‌شود. اشخاص که در کل ساوجبلاغ معروف اند مثل شخیای دزری پسر خمسه چاوشته پیوسته مشغول است به راهنمایی و بردن خریداران روندوز به لاهیجان آقاعلی موصلی متصل از ابتدای ربیع‌الاول تا انتهای جمدی‌الثانی در مدت چهار ماه غافله‌ها با غله و نمک به خاک عثمانی می‌فرستاد و حاجی محمد حاجی مصطفی صد بار روغن به ارزنة‌الروم فرستاده است و بالاخره بیست و هشتم شعبان تجار از بولاق حمل و نقل کرده بودند، از خانهٔ بیر ملااوغلی پنجاه بار نمک و ده بار غله از خانه معروف کوری، از خانهٔ خمسه خبره پانزده بار غله و از خانهٔ مصطفی ده بار غله ، اگر من تشویق نداشتم که مصدع اوقات شریف نواب اشرف والا بشوم من می‌توانستم ده مقابل بیش از این تفضیلات نگارش دهم، لیکن به این اکتفا خواهم نمود، به نواب اشرف والا زحمت بدهم که در این اوقات حال عمده‌ترین تدارک غله در ساوجبلاغ نزد خواجه یوسف ارمنی رعیت ایران و کربلایی مهدی تبریزی و مشهدی محمود می‌باشد. لهذا از نواب اشرف والا متوقع است که به کارگزاران آنجا حکم فرمایند که مراقب و متوجه حضرات سابق‌الذکر بوده و از آنها التزام دریافت نمایند که فرمان اقدس مجری شود که غله به خارج نبرند و تجارها [تجار] که به خارج معامله دارند، نفروشند. این تدبیر از همه چیز بیشتر باعث آن خواهد شد که این معامله موقوف شود. بالاخره آنچه که باید به اطلاع نواب اشرف والا برسانم این است که چون بر من لازم است که همهٔ این مراتب را به عرض وزارت الامپراطوریه و سفارت روس برسانم من خیلی خوشحال هم می‌شدم که در همان وقت ایشان را متقاعد بسازم که خیرخواهی و فطانت نواب اشرف والا تدبیری پیدا کرده از برای رفع آن بی‌حسابی‌ها که من نواب اشرف والا را بر آنها ملتفت ساخته‌ام. لهذا اعتقاد مخلص این است که بزودی جواب قلمی خواهند فرمود در باب قراری که گذارده بودند در این خصوص از برای تقویت تدبیرات لطف‌آمیز که تا به حال به کار برده‌اند.

ترجمه مطابق با ا صل است

نمره ۵۲۰
۱۲۵۳

ترجمه عریضه‌ای است که کفیل جنرال ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۸۹
موضوع: تنظیم نقشهٔ سرحدی طبق قرارنامهٔ ارزنة‌الروم
تاریخ: ۲۳ شوال ۱۲۷٤ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

سواد جواب کاغذ درویش‌پاشا از طرف جناب مشیرالدوله

دوست مکرما، شرحی که در بیستم شهر شوال قلمی فرموده بودید رسید مضامین آن بالتمام معلوم گردید، نوشتهٔ مزبور یک حسن تمام دارد که همهٔ فقرات آن خلاف واقع و حقیقت است از اول گردش تا امروز هر وقت که مخلص قدم به خاک متصرف‌فیه دولت علیهٔ عثمانیه گذاشته یک نفر از تبعه آن دولت پیش مخلص نیامده است تا شما بفرمایید که از طرف ما جمیع اسباب استکشاف در هر منزل حاضر و مهیا بود و اگر گاه‌گاهی از عشایر و تبعهٔ آن طرف آدم مخفی به پیش دوستدار آمده به حرف او مطلقاً گوش نکرده جواب داده است که ما به تحریک و تحریص و افساد و ترغیب تبعهٔ طرفین مأموریت نداریم تنها تنظیم خریطهٔ سرحد بر وفق قرارنامهٔ اخیره ارزنة‌الروم منظور ماست. به خلاف آن‌جناب که در هر جا و هر بلوک هرقدر توانسته است با وعد و وعید از تحریک و تحریص تبعهٔ طلق دولت علیهٔ ایران آنی آرام نگرفته به اغتشاش اهل سرحد کمال سعی و اهتمام را داشته و دارند گویا می‌خواهند که این سرحدات را هم به صورت قطور بیاورند. عبدالهادی مدیر باشقلان را با جمعی میان دهات صومای و چهریق و عشیره برای ترغیب و تهدید تبعهٔ مخصوص این طرف پراکنده کرده‌اید و الیوم در چهریق در پیش روی چادر این خیرخواه عوام بلباس عرض‌حال نوشته می‌گیرند همهٔ این فقرات از تواتر و حد شیوع گذشته مانند آفتاب معلوم هر کس گشته و مکرر حضرات مأمورین واسطه برای منع این نوع حرکات خلاف به خدمت عالی کاغذ نوشته مفید نگشته است. با وصف ثبوت اینها باز آن‌جناب نصیحتانه قلمی داشته‌اند که این گونه حرکات به شأن مأمور بزرگ لایق نمی‌آید انصاف این است که نصیحت به صاحب افعال مزبوره لازم و در کار است نه به این ارادتمند که درین مدت یک قدم کج برنداشته و به خلاف تکلم نکرده ویک روز از جناب مأمورین واسطه جدا نشده و برای تحریک مردم عوام به جای

خارج تردد ننموده و همیشه دو سه منزل عقب یا پیش نیفتاده، همیشه حرکت خود را مطابق مضمون قرارنامهٔ اخیره ارزنة‌الروم که در دو فصل آن جمیع احکام عهود قدیمه من‌اوله الی آخره در خصوص سرحد دولتین علیتین تغییر یافته ساخته است. در فصل دویم برای حدود سه ولایت معلوم تفصیل داده شده است و در فصل سیم طرفین در باقی اراضی ترک ادعا نموده و مأموریت مأمورین را برای قطع حدود مطابق فصل دویم آن قرار داده‌اند. این گردش و تحقیقات حالاتی برای تشخیص اراضی متصرف‌فیه طرفین و مشاهدهٔ وضع طبیعی و هیئت اراضی سرحد است و بس در این صورت از تحریص و تحریک و وعده‌های گزاف نمودن یا تهدید کردن و یا نوشته کهنه و فرمان قدیم جمع نمودن بجز اغتشاش سرحد چه فایده خواهد داشت این نوشتجات و تحقیقات به مجالس ارزنة‌الروم مناسب بود حالا که تمامی سرحد به عبارتهای مبیّن و آشکار در دو فصل قرارنامه تعیین یافته است این‌گونه حرکات و خیالات از مثل آن‌جناب مأمور که به عقل و کیاست آراسته‌اند بی‌ثمر و دور به نظر می‌آید، شکر خدا را باید کرد که وکیل دو دولت بزرگ از اول تا آخر میان این کار هست و از احقاق حق اغماض نخواهند نمود والّا به این نوع رفتار آن‌جناب تمام شدن این امر اهمّ با سلم و صفا از جمله ممتنعات می‌گشت زیاده چه زحمت دهد. ۲۳ شوال در چهریق قلمی شد.

محل مهر: عبده‌الراجی الحسینی جعفر

[حاشیه: دستخط ناصرالدینشاه]

بسیار کاغذ خوبی نوشته است البته، البته تعریف این کاغذ را که من خیلی پسندیدم جناب صدراعظم به مشیرالدوله بنویسند و التفات ما را برسانند.

سواد جواب کاغذ ... از طرف جناب ...

دوست مکرما مرقومه مورخه بیست و نهم شهر شوال ... به تفصیل رسید مضامین آن بتمام معلوم گردید نوشته بودند

یک حس تمام دارد که همه حرکات آن خلاف واقع و حقیقت است از اول کمیسیون تا امروز هر وقت مأمورین

بکار تصرف ... دولت علیه ... بوده است ... از طرف

جمیع اسباب کشف در هر منزل حاضر و مهیا بود و اگر کاغذی ... از طرف مأمورین ... ملاحظه ...

بحرف ... جواب داده است که ... و تحریک ... در ... مأمورین ...

شما ... سرحد بر وفق قرارنامه اخیره ارزنة الروم منظور نمی‌شد بخلاف آنجناب که در هر جا و هر منزل ... قرار

نوشته است ... از تحریک و تحریض ... دولت علیه ایران ... ارزنة الروم ... سرحد

کمال ... سی ام ... ۳۰ ... عبدالهادی ... شغلان ... برای

... جهت ... چادر ... خواهیم

بلباس ... همه این حرکات ... معلوم ... گشته ... دیگر

حضرات مأمورین واسطه برای منع این نوع حرکات خلاف ... نوشته ... گشته است ... بعد

... آنجناب ... نوشته اند که ... حرکات ... لایق ... انصاف

این است که نصیحت بصاحب اختیار ... لازم ... است ... که ... بگفته ... نوشته

و بخلاف ... دیگر از جناب مأمورین واسطه ... نموده ... همیشه

در سه منزل ... حرکت ... قرارنامه اخیره ارزنة الروم که در فصل آن

جمیع احکام ... سرحد ... ساخته است در فصل ... برای ...

... معلوم ... داده شده است و در فصل سیم ... ارض ... مأمورین ...

برای قطع ... فصل ... قرار داده اند ... تحقیقات ... برای ... تصرف ... عمل

... وضع ... از ... است ... از تحریض و تحریک ... نموده اند ...

... نوشته ... جمع نموده ... هیچ فایده خواهد داشت ... ملاحظات ... بالای قرار ... ارزنة الروم ... سرحد ... بعد از ... در فصل قرارنامه ... است ... گونه حرکات

و ... از ... آنجناب ... مأمورین ... بنظر می‌آید ... اطلاع داده ...

دولت بزرگ از اول تا آخر ... این کار ... احقاق حق ... خواهند ... الا ... رفتار

آنجناب ... این امر ... از جمله ... گشت ... ۲۳ شوال ...

که میخواهند این سرحد اتفاقیه هم بصورت قطعی در بیاورند

شمارهٔ سند: ۱۹۰
موضوع: گزارش موقعیت ولایات سرحدیهٔ آذربایجان
تاریخ: احتمالاً ۱۲۷٤ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ مهندس‌باشی به سردارکل

فدایت شوم، چون در ساوجبلاغ در ضمن فرمایشات مقرر فرموده که در ولایات سرحدیه آذربایجان آنچه ملاحظه نماید معروض دارد لهذا با وجود پریشانی حواس به عرض این چند فقره جسارت می‌نماید. اولاً خطهٔ لاهیجان که در استعداد محل و مکان و به حسب آب و ملک و هوا که در حقیقت ترجیح به اکثر جاها دارد و به این احوال حالیه که مشاهده می‌شود بماند همیشه خراب و مَکمَن اشرار خواهد بود مداخل ملکی و منفعت دولتی و انتظام سرحدی قبول نخواهد کرد و این مختصر مالیاتی هم که به هزار زحمت از ایل وحشی مامش دریافت می‌شود چند برابر آن را به دزدی و به سرقت از رعایای ولایات سرحدیه و از قافله و از مترددین خواهند برد، چنانچه عشایر پیران که در سمت کرمیان به اسم ییلاق از جبال سرحدیه تجاوز نموده به این طرف می‌آیند چندین پارچه دهات معتبر کهنهٔ لاهیجان را خراب کرده اراضی پرآب و علف و مواضع پرحاصل و پرمنفعت آنها را تصاحب نموده می‌چرانند و شتوی و صیفی می‌کارند حاصل و محصول آن را باالتمام برمی‌دارند و می‌رند [مـی‌روند] و نه حق‌المرتع می‌دهند و نه حق‌المزرع و علاوه بر آن مادامی که در این طرف سرحد و در خاک این دولت علیه هستند با عشایر این طرف نیز همدست شده به هر طرف بتوانند دست‌اندازی می‌نمایند حالا می‌گوییم که لاهیجان قلعه ندارد و حاکم مستقل و سرحددار معتبر و قوت لشکر موجود ندارد، ان‌شاءالله بعد از این رأی صوابنمای اولیای دولت قاهره ادام‌الله شوکتهم چه اقتضا کند.

ثانیاً: از آنجا که گذشت در جوارش محال اشنو و دشت و دشته پیل و مرکور است که حاکم و سرحددار و صاحبان املاک هم ارباب معتبر و هم به قدر مقدور قشون دولت دارد از عشایر کرمیان از روندات و غیره از یک ممر مخصوصی که محل عبور منحصر به همان جاست که سرچشمهٔ رودخانهٔ کادر باشد هرساله با کمال اطمینان و با

کمال جسارت پل جوبی می سازند و از آنجا می‌گذرند، هرجا زمین پرآب و علف و حاصل‌خیز و قابل آبادی چندین قریهٔ معتبر است. چرانیدن سهل است مثل املاک موروثی و ابتیاعی خودشان از شتوی و صیفی هر قدر در قوه دارند می کارند و تا مراجعت از ییلاق هر یک از حاصل زراعت به دست آمده است، می‌کوبند و می برند و هر یک به دست نیامده به رعایای این طرف اجاره می دهند و حاصل را تا بغداد می برند و به فروش می رسانند و علاوه بر آن چنانچه دیده و شنیده می شد از هرگونه دزدی و بی حسابی نیز فروگذاری نمی‌کنند و از این گذشته عشایر این طرف را نیز هرزه و جسور کرده‌اند و خواهند هم کرد و حق‌الارض و حق‌المزرع که قبل از اینها معمول بوده است بکلی متروک و موقوف داشته‌اند و مآل این گونه اعمال عشایر رومی را در این طرف سرحد که به هیچ‌وجه من‌الوجوه حق ندارند گویا تا حال به خیال نیاورده باشند که وقتی از اوقات ادعای ملکیت و گفتگوی دولتی خواهند کرد و دو روز فدوی متصل سوار شد و بدقت گردش نموده و بدقت ملاحظه نمود به قدر یک ثلث اراضی خوب و مرغوب محال اشنو و غیره را تا مرکور برسد که عشایر رومی الان و بالفعل متصرف شده معاملهٔ مالکانه می‌نمایند و همه را در نقشهٔ امیرزاده مهندس معین نموده است. اوقاتی که فدوی مأمور راوندوز شد علاوه بر دستورالعمل مخفیه ظاهراً گفتگوی عشایر کرمیان بود که با پاشای راوندوز گفتگو کرد، گفت آمدن آنها به ییلاق آن طرفها چه ضرر دارد علف بی‌مصرف کوهها را می‌چرانند و حق‌المرتع می‌دهند، گفتم دزدی و بی حسابی می‌کنند، گفت سرحدداران شما دزد را بگیرند و تنبیه کنند و اگر در قوه ندارند به من بنویسند و ایل‌بیکی تعیین کنند هر کس بی‌حسابی کند تنبیه نماید حالا از قراری که در هر جا می‌گفتند عشایر رومی شش ماه در این طرف سرحد با کمال شرارت و آزادی رفتار می‌نمایند چیز نمی‌دهند سهل است وقت مراجعت از ییلاق مال مردم را هم تاخت و تاز می‌کنند می‌برند و می‌گفتند کسی نمی‌تواند یکی را بگیرد و یا یکی را ممانعت نماید و یا یکی را تنبیه و سیاست کند و عشایر این طرف نیز مثلی است مشهور دزد بازار آشفته می‌خواهد و بعضی دزدی‌ها و تعدی و بی‌حسابی‌ها هم که در خوی و ارومی می‌شود و مردم بسیار شکایت داشتند آن را هم هیچ جهت ندید، مگر اینکه حکام تسلط ندارند عمال و مباشرین بسیار جری و جسور و یا سرکردگان همدست و همکار شده‌اند و علاج این هم یک حکم محکم از جانب شوکت جوانب بندگان عالی است که صادر بشود

امرکم مطاع.

محل مهر: مهندس‌باشی

[حاشیه:]

این کاغذ مهندس‌باشی که به سردارکل نوشته بدقت ملحوظ نظر اقدس همایون خواهد بود.

[دستخط ناصرالدین شاه:]

ملاحظه شد، همه را درست و موافق قاعده نوشته است در همهٔ این فقرات به سردارکل بنویس، چرا اهمال می‌کند و رفع همهٔ این عیوبات با اقتدار و تسلط سردارکل در آن صفحات خیلی آسان است البته رفع همه این عیوبات را کرده قرارهای محکم بگذارد و سواد این نوشتجات را هم در سلطانیه به نظر رسانید بلکه خود مهندس‌باشی هم در سلطانیه باید به عرض رسانید.

لهذا با وجود ... حواس بعضی از ... چند نفر جسارت مینماید از ملاحظه ... [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۱
موضوع: تجاوزات مرزی قتور
تاریخ: ۲۲ رجب ۱۲۷۵ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

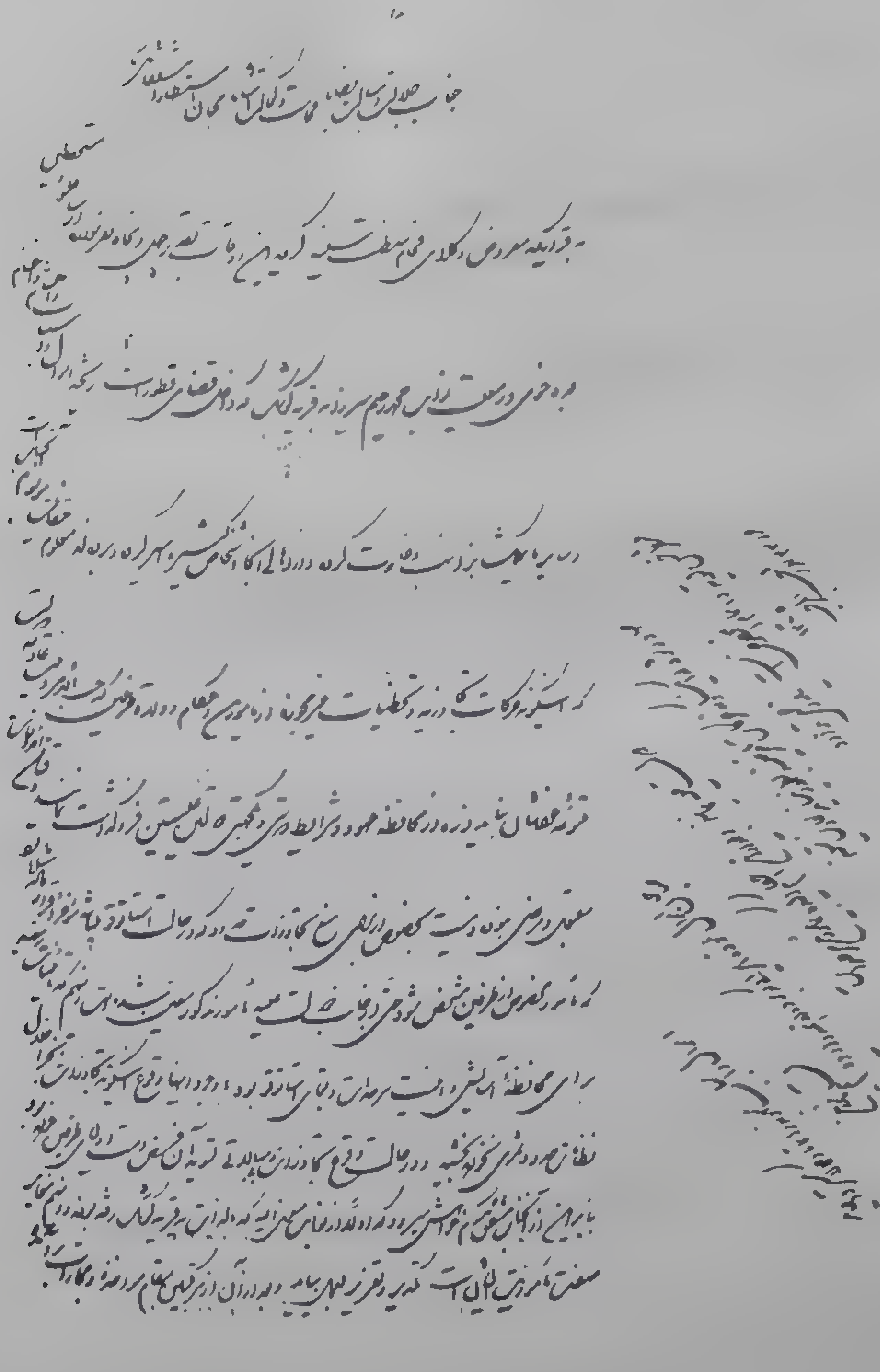
هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و کفالت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

به قراری که معروض وکلای فخام سلطنت سنیه گردید، این اوقات به قدر چهل و پنجاه نفر سواره از ساخلو و مستحفظین بلدهٔ خوی در معیت نواب محمد رحیم میرزا به قریهٔ کوشک که داخل قضای قطور است ریخته اموال و اسباب و احشام و اغنام و سایر مایملکشان را نهب و غارت کرده و از اهالی آنجا اشخاص کثیره اسیر کرده و برده‌اند. معلوم حقانیت موسوم آن‌جناب است که این گونه حرکات تجاوزیه و تخطیات غیرمجوزه از مأمورین و حکام و ولات طرفین که حسب الامر و نیت عادلهٔ دولت متبوعه خودشان نباید ذره از محافظهٔ عهود و شرایط دوستی و یک جهتی دولتین علیتین فروگذاشت نمایند وقتاً من الاوقات مقبول و مرضی نبوده و نیست بخصوص از برای منع تجاوزات حدود که در حالت استاتوقو می باشد موخراً قرار داده شده بود که مأمور مخصوص از طرفین مشخص شود حتی از جانب دولت علیه مأمور مذکور معین شده است آن هم که تأمینات رسمیه برای محافظهٔ آسایش و امنیت سرحدات و بقای استاتوقو بود با وجود اینها وقوع این گونه تجاوزات بجز اخلال نظامات حدود ثمری نخواهد بخشید و در حالت وقوع تجاوزات و بی مبالاتی تسویهٔ آن فرض ذمت اولیای طرفین خواهد بود، بنابراین از آن‌جناب مشفق مکرم خواهش می رود که اولاً از نواب معزی الیه که بالذات به قریهٔ کوشک رفته بودند و آن هم مغایر صفت مأموریت ایشان است تکدیر و تعزیر به عمل بیاید و بعد از آن از مرتکبین به مقام مؤاخذه و مجازات برآمده اموال و اسباب منهوبه را تماماً و کمالاً مسترد و عاید صاحبان اموال نموده اسرایی که برده‌اند همه را رد و تسلیم مأمورین دولت علیه نمایند و بعد از این احکام اکیده به مأمورین سرحدات صادر شود که این گونه حرکات نامرضیه به ظهور نیاید سفارت سنیه منتظر حسن تسویه و اتمام این خصوص است. زیاده

زحمتی ندارد. حرر ۲۲ شهر رجب المرجب ۱۲۷۵

محل مهر: محمد توفیق



شمارهٔ سند: ۱۹۲

موضوع: مسئلهٔ قطور

تاریخ: ۲۰ ذیحجه ۱۲۷۷ هـ.ق

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

نمره: ۲/۲۸۲

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

خداوندگارا، جناب جلالت‌مآب مشیرالدوله هنگام توقف در لندن در باب امر قوتور با جناب لارد جان رسل وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس مذاکره کرده شرحی در باب استدلال و اثبات حقوق دولت علیه در آن ملک طلق خود و عدم حق ضبط دولت عثمانی بعد از انعقاد عهدنامهٔ ارزنة‌الروم که به موجب فقرات همان عهدنامهٔ اراضی متنازع‌فیه سرحدات دولتین به حالت استاتوقو توقیف و مقرر کرده‌اند و با وجود آن شروط مقرره ضبط آن اراضی بعد از انعقاد آن عهدنامه که به همه جهت خلاف و مغایر اصول استاتوقو است نوشته به وزیر امور خارجه دولت مشارالیها داده وزیر امور خارجه هم نظر بر حقانیت دلایل که بر اثبات حقوق دولت علیه در خصوص قوتور کافی بوده است از جانب دولت متبوعه خود وعدهٔ صریح داده بود که در این باب دستورالعملی به ایلچی کبیر خود مقیم اسلامبول داده که با عالی‌پاشا در این باب مذاکره نمایند.

چون در این باب می‌خواستند سفارت روس را هم شریک این مذاکره نمایند که یک نوع قوّتی به مذاکره داده شود. لهذا فدوی را به بوغاز نزد سفیر دولت روس فرستادند که در این باب گفتگو و مذاکره نموده و تقویت آن سفارت را نیز خواهش نمایم. بعد از مذاکرهٔ زیاده معلوم شد که هنوز سفارت روس دستورالعملی از دولت متبوعهٔ خود ندارد و بعد خواهش یک مجلس ملاقات نمودم که ایلچی روس از جانب مشیرالدوله در این باب نماید، به فدوی وعده داده بودند که روز چهارشنبه ۱۸ شهر ذی‌حجة‌الحرام خود و یا مستشار سفارتش به سفارت سنیه آمده در این خصوص مذاکره نمایند تا امروز که نیامده‌اند.

به اعتقاد فدوی یا با تلغراف می‌خواهند در این باب استنباط نیت دولت متبوعهٔ خود

را نمایند. و یا توقف چند روزهٔ جناب مشیرالدوله که به هیچ وجه کافی به صورت دادن این کار نیست خاصه در این اوقات قبول مذاکره را برای دو روزه صلاح خود نمی دانند در هر حال احتمال می رود که باعثی در تأخیر ملاقات خود دارند.

پریروز هم فدوی از طرف جناب مشیرالدوله به سفارت انگلیس رفته با نایب اول آن سفارت که به جهت ناخوشی ایلچی کبیر جمیع امورات محول به او است ملاقات کرده از تفصیل سؤال و جوابی که در این خصوص با عالی پاشا کرده‌اند جویا شوم از قراری که مذکور داشت عالی پاشا را در خانهٔ خودش ملاقات کرده شرح مفصلی در این باب گفتگو نموده بودند، البته تفصیل آن را جناب مشیرالدوله در تحریرات خود نوشته اند.

حاصل گفتگوی مشارالیه این بود که در این اوقات و به این عجله امکان ندارد که این کار بگذرد و هزار نوع موانع در پیشرفت این کار از طرف عالی پاشا اظهار می داشت. از قراری که مذکور می نمود این مطلب باید در مجلس وکلا طرح شده بعد از آن سؤال و جواب رسمی شود. دیگر ثالث بی‌طرفی از دول اروپا در این کار باید قرار داد و این امر به این زودی نخواهد گذشت. خلاصه از قراری که معلوم می شود از این همه سؤال و جواب مشارالیه حاصلی به عمل نیامده بود، در آخر مجلس به فدوی وعده داد که فردا آمده خود نیز در این باب با جناب مشیرالدوله بیان تفصیل سؤال و جواب را نماید چون جناب مشیرالدوله تفصیل این فقره را مشروحاً خدمت بندگان عالی نوشته اند لهذا فدوی زیاده بر این جسارت نمی نماید. الامر الاعلی مطاع.

معروضه بیستم شهر ذی‌حجه‌الحرام ۱۲۷۷.

محل مهر: نریمان، مستشار سفارت

۲

مذاکرات جناب جلالتمآب سر هنری [illegible] [illegible] وزیر مختار دولت بهیه انگلیس

رجب

مذاکره [illegible] در باب [illegible] و بابت [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وزیر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و بابت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible] سفارت [illegible] [illegible] مذاکره [illegible] [illegible]

مذاکره داده شد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible] آن سفارت [illegible] [illegible]

[illegible] مذاکره [illegible] [illegible] سفارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سفارت [illegible] [illegible]

مذاکره [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جناب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible] سفارت انگلیس [illegible] [illegible] اول

آن سفارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible]

آن [illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

تعلیقه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۳
موضوع: ادعای اشخاص مبنی بر مالکیت دهات چهریق
تاریخ: ۲۱ صفر ۱۲۷۸ هـ.ق
کارتن: ۹ (نوشته‌های قدیم)
پرونده:

نامهٔ مشیرالدوله به وزیر خارجه که به عرض ناصرالدین شاه رسیده است

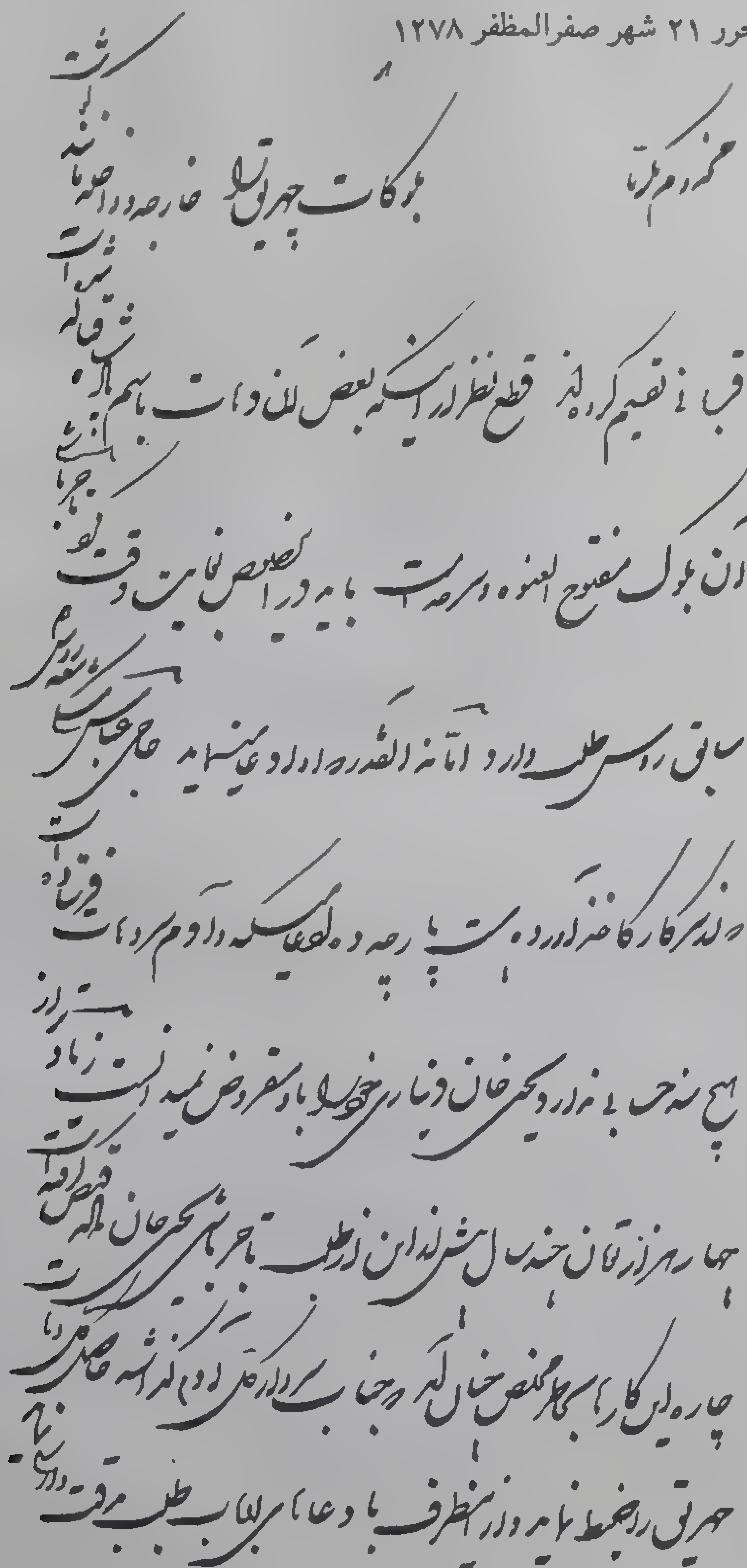
مخدوم مکرّما: بلوکات چهریق را خارجه و داخله مانند گوشت قربانی تقسیم کرده‌اند، قطع نظر از اینکه بعض آن دهات به اسم پادشاه قباله شده است، آن بلوک مفتوح العنوه وسرحد است بایددر این خصوص بغیت دقت کرد، تاجرباشی سابق روس طلب دارد.

اما نه آنقدر که او ادعا می‌نماید. حاجی عباس شکی تبعهٔ روس هم که از سرکار کاغذ آورده هشت پارچه ده ادعا می‌کند و آدم سر دهات فرستاده است. هیچ سند حسابی ندارد. یحیی‌خان دیناری خود را به او مقروض نمی‌دانست.

زیادتر از چهار هزار تومان چند سال پیش از این از طلب تاجرباشی یحیی‌خان داده، قبض گرفته است. چارهٔ این کارها به خاطر مخلص چنان آمد که جناب سردارکل آدم گذاشته، حاصل کل دهات چهریق را ضبط نماید و از این طرف به ادعاهای ارباب طلب به دقت وارسی نماید، هر کس هر قدر موافق حساب صاحب طلب شد، حق آن را بدهد.

به اخوی میرزا جعفر نایب‌الحکومهٔ سلماس دادم فردی جان‌دار ادّعاهای داخله و خارجه را مفصلاً تشخیص داده قلمداد کند در ضمن نوشتجات جناب سردار به نظر شریف خواهد رسید. شما هم باید بلا تأمل قدغن نمایید که جمیع نوشتجات و کاغذهای یحیی‌خان را به وزارتخانه بیاورند و آنچه قبالهٔ دهات و قبوض ارباب طلب است به دقت سوا کرده فهرست نموده، اصل را سر به مهرش جناب سردارکل ارسال دارید که ایشان از قرار آن مستندات و نوشتجات به ادعای تاجرباشی و حاجی عباس و خلیفه و غیره رسیدگی نموده، موافق حق و حساب ادّعای هر کس را تمام کند. والّا هر کس محض یک ادّعا و کاغذ کهنه به چند ده چهریق صاحب شود البته نظم سرحد در اندک

وقت پریشان خواهد شد و ضرر آن بالمآل به دیوان راجع خواهد گشت، برای اطلاع شما زحمت دارم. حرر ۲۱ شهر صفرالمظفر ۱۲۷۸



هر کس برقرار موافق حساب صاحب طلب شد حق آن را به هر باجری میرزا جعفر
نایب اگر به کسی داده‌ام فردی جان رز اوقاتهای داخله و خارجه سالار
مفصلاً تشخیص داده قباله که در ضمن نوشتجات جناب سردار معظم تشریف
خواهر سیه شاهم باید جلد تامی قرض‌ها به جمع نوشتجات و کاغذهای یحیی خان سالار
بوده در شانه‌ها در رز آنچه قباله دهات و قرض ارباب طلب است به دقت
سوا کرده فهرست نموده اصل را سر مهر پیش جناب سردار که در اینجا دارید
پیش آن زن قرار آن مشهدات و نوشتجات با دعای جمع آن حاجی عباس
وظیفه و غیره رسیدگی نموده موافق حق و حساب لفقای هر کس را تمام نمودند
هر کس محض یک ادعا و کاغذ کهنه به چند ده چیزی حاجب شود البته لعنت
سرحد در لزگی وقت پیش آن خواهر و ضرر آن مال به رزان راجع خواهد
گشت برای اطلاع شما زحمت دادم حرره ۱۲ شهر صفر المظفر ۱۲۷۸

شمارهٔ سند: ۱۹٤
موضوع: مسئلهٔ مالکیت قطور
تاریخ: ۱۷ جمادی‌الاول ۱۲۷۸
کارتن: ۹ (نوشته‌های قدیم)
پرونده:

سواد ترجمهٔ رسمی باب‌عالی به سفیرکبیر دولت انگلیس

سر هنری لیطون بولور

تقریر سفیرانهٔ آن‌جناب مورخهٔ دهم ماه حزیران سنهٔ ۱۸۶۱ مطالعه‌گذار مخلص آمد. اینکه اشعار شده بود مسئلهٔ که از جهت ضبط نمودن دولت عثمانی ناحیهٔ قطور را فی‌مابین دولتین ایران و عثمانی ظهور کرده است، سفیر دولت ایران مقیم لندن در حق استحصال حسن تسویهٔ آن مراجعت به دولت انگلیس نموده و آن‌جناب هم از جانب دولت فخیمهٔ خود مأمور به راضی و الزام نمودن دولت علیه را در این باب تعیین شده و اظهار کرده بودند که بنا به حرمت رأی دولت فخیمه انگلیس که بی‌طرفانهٔ واسطه بودن آن فی‌مابین دولتین آزادهٔ قید اشتباه است، دولت عثمانی از دعوایی که در خصوص ناحیهٔ قطور دارد صرف نظر نماید از همهٔ تفصیلات اطلاع حاصل گردید.

اگر چه سلطنت سنیه در قبولی بیانات و اخطارات خالصه مثل دولت فخیمهٔ انگلیس یک دولتی را که دولت خالص و متفق دولت علیه است اصلاً تردد را جایز نمی‌داند و امثال عدیده هم دارد. ولی به وجهی که در وقت و زمان خود، هم به سفارتهای دولتین متوسطین و هم به سفارت دولت ایران بالدفعات بیان و اظهار شده است. مادهٔ قطور چیزی نیست که بغتتاً اجرا گردیده و یا درین باب سابقاً قراری بوده در خلاف آن رفتار و حرکت شده باشد، بلکه از برای فهماندن حق صریح خود را در ماده قطور دولت عثمانی قومیسری یعنی مأموری که می‌فرستاد، همان‌وقت به سفارت ایران اظهار شده بود که یک نفر مأمور هم از طرف دولت ایران روانه دارند که وقت مرور از آنجا مراتب معلوم و معین شود. امّا از جانب ایران مأمور نیامد؟ و نظر به سندات معتبرهٔ موجوده به قدر ذره[ای] شبهه باقی نمانده است، که قطور ملک صحیح دولت عثمانی است و همان وقت حدود صحیحهٔ آن نیز تعیین گردیده است بناء علیه به جهت اینکه

حق دولت عثمانی در این باب مستند به سندات معتبره است، قابل امکان نخواهد بود که این مسئله ترک بشود.

ولیکن خریطهٔ خط حدود که مقدماً تنظیم یافته و در محل خود هرگونه تحققات به عمل آمده و در قومیسیون مقرره که در اسلامبول مجتمع و منعقد خواهد گردید. دولت علیه حاضر است که در حین مذاکره و معاینه و قرار و مدار آن تدقیقات این ماده را هم نموده به وجهی که در بالا مذکور شد با سندات قویه حقوق صریحهٔ خود را ثابت نماید. وسیلهٔ تجدید دوستی و خلوص می نماید. فی ۱۷ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۷۸

نسخه‌سی ۱۰۵ ... جمادی الاولی ... لوندره سفارت سنیه‌سنه ... سفیر کبیر ... مسیو ... ده

انکلتره و روسیه دولتلری بیننده اختلافلی مسئله قطوریه

قطور ناحیه‌سنک طرف دولت علیه‌دن ضبطندن طولایی سلطنت سنیه ایله ایران دولتی میانه‌سنده تکون ایدن مسئله‌نک استقبال حسن تسویه‌سی مقصدیله دولتین شاهانه‌نک
دونننده مقیم سفیرلری طرفندن دوغریدن انکلتره دولتنه مراجعت اولنمه و بو بابده دولت علیه‌نک ارض و الزام دولت متحابه‌لری جانبندن ذات سفیرانه‌لری مأمور
قلنمه اولندیغندن دولتین میانه‌سنده بیطرفلق شهوده ... اولان انکلتره دولت فخیمه‌سنک ... حرمت دولت علیه‌نک ناحیه مذکوره اوزرنده اولان حقوقنه
صرف نظر ... تفصیلاتنه دائر اولان ... ۱۰ ... ۱۸۶۹ تاریخیله مورخ اولان تقریر سفیرانه‌لری مطالعه‌کذار عالی اولمشدر سلطنت سنیه‌نک
انکلتره دولتی کبی درست و متفق حالی اولان بر دولت فخیمه‌نک اخطارات خالصه‌سنی قبولده تجویز تردد ایتمیه‌جکی امثالی عدیده ایله مثبت ایسه ده بو بابده
دقیقه‌کراک دولتین متوسطه سفارتلرینه ویرلن ایران دولتی سفارتنه بالدفعات بیلدیرلمش اولدیغی وجهله اشبو قطور مادّه‌سی اولیه قطعاً اجرا اولنان
و یا ... بر قرار ... اولدیغی ... مخالف اوله‌رق ... بر شی اولمیوب مجرد دولت علیه‌نک ناحیه مذکوره اوزرنده اولان حق تصرفی
بیلدیرلمک ایچون ... اراده ... ایران دولتی طرفندن دخی بر مأمورک کوندرلمسی اولوقت دولتین شاهانه سفارتنه بیان اولندیغی
حالده ... کلامه اولدیغنده و موجود سندات معتبره‌یه نظراً قطورک دولت علیه‌نک ملک صحیحی اولدیغنده ذره قدر اشتباه کورلمدیکنده
حدود صحیحه‌سی اولوقت تعیین ایتدیرلمش اولدیغی و بنا برین دولت علیه‌نک بو خصوصده حقوق سندات معتبره‌یه مستند اولمغله ترکی قابل اولمیوب
فقط حدودک مقدما تنظیم اولنوب هرکونه تحقیقات محلیه‌سی اکمال قلنمش اولان خریطه‌سنک دولتین متحابه‌نک اجتماعی ایله مقصد اولان قسمنک
مذاکره و معاینه اولنمسی و ... بو مادّه‌نک دخی تدقیق ایتدیرلمسنه و حقوق صریحه‌سنک بر دفعه دها سندات قویه ایله اثباتنه دولت علیه‌نک
حاضر بولندیغی بیانیله وسیله تجدید تأمینات خلوص عبودیت عد اولنور ۱۷ جمادی الاولی

شمارهٔ سند: ۱۹۵
موضوع: حدود قطور
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۷۹ هـ.ق)
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ میرزا صادق‌خان پیشکار آذربایجان به وزارت خارجه

قربان حضور مبارکت گردم

انشاءالله تعالی به سلامتی وجود مبارک که وارد قطور می‌شود قرای محال مزبور موافق کتابچهٔ دستورالعمل از قرار ثبت اسامی مندرجه در آن که ساطمانیس و سرای و شرفخانه و غیره را تابع و به ملکیت شمرده مداخله و محاکمهٔ ملکیت اجازه دارد یا آنکه در پرده باید نسبت به آنها سؤال و جوابی نماید. اگر آشکارا اظهاری نماید و ممانعت از مأمورین دولت عثمانی باشد تکلیف چیست و برای تصرف و مداخله ملاحظهٔ اجازه و تمکین مأمورین را باید داشته باشد یا خیر. بر فرض مأمور مقابل بگوید قطور عبارت ازین درّه است و دهات واقعه در درّه که شش هفت پارچه باشد تکلیف چیست از قراین حالا که مأمورین برای تعیین حدود نمی‌آیند این تفاصیل موقوف است به آمدن مأمورین که سه چهار ماه بعد خواهد شد درین ظرف زمان اگر به حالت معطله بگذارم قراء منظوره را این یک نوع اثبات حقیقت آنها را می‌نماید و اگر به حالت حالیه نگذارده دخالتی نماید شاید مانع و منعی در مقابل به‌هم برسد: تمکین به منع بیشتر اسباب اثبات مدعی است. عدم تمکین شاید رشتهٔ گفتگو را طولانی نماید آن وقت مقصر بشود و قصوری وارد بیاید. مستدعی است از مراحم مخصوص که در این فقرات نکته به نکته تعلیم و راهنمایی و دستورالعمل مخصوص مفصلی مرحمت شود که انشاءالله تعالی سرمویی از آن تخلف نورزد و منظور اولیای دولت ابد مدت قاهره به عمل آید انشاءالله تعالی. از قراری که خیال والی وان است و توضیحات را انتظار دارد توضیحات این فقرات است. برای فدوی هم این توضیحات لازم فوری است و عاقبت این عمل چاره غیر از این ندارد که باید با حضور مأمورین تعیین حدود شود. و برای تعیین حدود چندی قبل که مرحوم مشیرالدوله با مأمورین دول فخیمه به آن سرحد آمده بودند

تشخیصات و تحقیقات و تعیین هم شده بوده است با تصدیق مأمورین دول البته ثبت و صورت و نقشه او در دفتر وزارت جلیله خارجه باید ضبط باشد. و اگر نباشد نزد مقرب الخاقان میرزا محبعلی خان البته هست زیرا که مشارالیه هم از اجزای کار مرحوم مشیرالدوله بوده است، هرگاه به موجب حکم تلگرافی رمزاً مقرر می فرمودند که قبل از ورود مأمورین آن صورت و ثبت و نقشه را به فدوی به توسط چاپار می رساندند خیلی مفید و نماینده می شد و پس از رسیدن آن صورت و اطلاعاتی که خود فدوی در حدود به رأی العین حاصل خواهد کرد آن وقت از روی حقیقت و بصیرت می تواند اقدامی نموده یا اگر مطلبی باید عرض نماید فهمیده عرض نماید، موقوف به امر و توجه حضرت اجل اشرف روحی فداه است.

محل مهر: عبده الراجی محمد صادق

[حاشیه: دستخط ناصرالدینشاه:]

حدود قطور معین است همه کس می داند هرچه حدود صحیفهٔ قطور است باید ضبط شود، دستورالعمل مجدد فرمان داده زود هم تلگرافاً هم تحریراً بدهند.

زبان حضور مبارک عرض

[illegible] تعالی [illegible] وارد [illegible] شود [illegible] محل [illegible] از قراریکه [illegible] در آن

[illegible] و غیره را [illegible] شمرده [illegible] که [illegible] اجازه [illegible] گردید

با [illegible] سؤال و جواب نماید اگر [illegible] اظهار نماید [illegible] در این [illegible] تخفیف

[illegible] و برای [illegible] تعیین [illegible] داشته باشد [illegible] بود

[illegible] عبارت از [illegible] است [illegible] در [illegible] باشد تخفیف [illegible] از قرار

حالاکه ایران برای تعیین [illegible] این تفصیل موقوف است به آن [illegible]

برخواهد شد در این طرف [illegible] اگر [illegible] قرار [illegible] این [illegible] اثبات [illegible] نماید

دیگر [illegible] که [illegible] و [illegible] [illegible] تمکین [illegible]

اثبات [illegible] است [illegible] تمکین [illegible] رشته گفتگو را طولانی نماید از وقت [illegible]

مستدعی است از مراحم مخصوص [illegible] تعلیم [illegible] نماید [illegible] مخصوص

مرحمت شود [illegible] تعالی [illegible] از آن تحقیق [illegible] [illegible] است

بعد از آنکه [illegible] تعالی از قراریکه [illegible] است [illegible] توضیحات [illegible] توضیحات [illegible]

[illegible] است برای [illegible] توضیحات لازم [illegible] است و عاقبت [illegible]

دیروز بحضور امپراطور تعیین حدود شده بعلاوه تعیین حدود جنوبی قفقاز که مرحوم مشیرالدوله با امپراطوری دول عثمانیه با آنجا

آمده بعد تشخیصات و تحقیقات و تعیین هم شده بوده است و تصدیق امپراطوری دول البته ثبت و صورت و نقشه او

در دفتر وزارت جلیله خارجه باید مضبوط باشد و اگر نباشد نواب مستطاب آقای میرزا محب علیخان البته هست زیرا که

مشارالیه هم از اجزای کار مرحوم مشیرالدوله بوده است هرگاه بموجب حکم ملوکانه رونامه مسوده و تفصیل آن دوره

امپراطوری آن صورت و ثبت و نقشه را بفرمایید توسط چاپار سریع السیر خیلی مفید و نافع میشود ولیکن از اینکه

آن صورت را اطلاع ... درخصوص فرمایش در این مورد برای اینکه حاصل خواهد کرد که آنوقت از روی حقیقت و بصیرت بتوان

اقدامی نمود دیگر مطلبی که عرض نمایم نمانده عرض نمایم موقوف به مراحم حضرت اجل است

روحی فداه است

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۶
موضوع: در باب قطور و سکنه آنجا
تاریخ: صفر ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ حاکم ساوجبلاغ به وزارت امور خارجه

هو

فدایت شوم، در باب فقرهٔ قطور و سکنهٔ آنجا که مرقوم فرموده بودید سابقاً در طبق خبر و اعلام تلگرافی جناب‌عالی که این بنده از ارادهٔ اولیای دولت علیه در این خصوص اطلاع حاصل کرد فوراً چاپار مخصوص روانه خوی کرده هم به نواب نصرالله میرزا حاکم خوی و هم به عالی‌جاهان حاجی محمود پاشاخان و میرزا آقاخویی نوشت و اعلام کرد که اولیای دولت علیه این اوقات را مقتضی ندانسته‌اند که دست بر این کار زده شود، به مقام تصاحب اهالی آنجا و آوردن آنها به محالات خوی و یا ساخلو گذاشتن در آنجا نیامده دنبالهٔ این کار را نگیرند و به طوری که باعث یأس اهالی آنجا نباشد به آنها حالی کنند که اولیای دولت علیه در فکر انتزاع قطور به طور دیگر هستند و قرار لازم عنقریب در این باب به توسط دول واسطه و مأمورین آنها داده خواهد شد و آن وقت مقصود آنها بی‌حاجت مشقت و تحمل بعض فقرات حاصل خواهد شد و حالا را موقع این امر ندانسته از این صرافتها نیفتند و مترصد وقت باشند تا قرار لازم به نحوی که متضمن آسودگی آنها بوده باشد داده آید و دیگر لوازم این امر را متروک گذاشته ازخیال آن افتاده‌اند برای استحضار خاطر جناب‌عالی عرض شد. فی شهر صفرالمظفر ۱۲۷۹ عرض شده
محل مهر: عبدالوهاب

فرد سیم — در باب فقره قطار که سنه آتیه در تروم فرمایش شد در طرح حرکت و اعلام تکرار شود

جناب جلالتمآب این بنده از اولیای دولت علیه در خصوص اطلاع حاصل کرده ورود جناب محمود [illegible] حرکت کرده

نصرالله میرزا حاکم خوی و هم بابا خان حاجی محمد شاه خان و میرزا آقا خان نوشت و اعلام کرد که از دولت علیه العالیه تذکر

مقتضی ندانسته اند دولت با این کار رضا دهد و تقدم تصاحب را مانع آنجا و اولاد آنها می‌ماند تحت [illegible] آنجا

نیامد و دنباله این کار را نگیرند و بطوریکه جناب ایشان را مانع شده آنها حاکی کنند دولت علیه در دیگر کار [illegible]

قطع نظر دیگر نسته و قرار داده غریب در این باب ترتیب داده از دولت و مأمورین آنها داده خواهد شد و الی [illegible] مقصود آنها حاصل است

نسبت و حکم بعض فقرات حاصل خواهد شد و حاملان را مرقع این امر ندانسته لذا این جمله را قرار داده بعقد و تصدیق رسید

و قرار داده شد که بعض آن روز که آنها برده بشود حاکم این تغییر اسم ایشان را تدارک کرده است در حال [illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۷
موضوع: امور سرحدی و تعمیر قازلی کوی
تاریخ: ۱۷ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۳۲

هو

خداوندگارا، سواد قرارنامهٔ [ای] را که درباب مواد سرحدیه و تعمیر قازلی کوی موقتاً فی مابین سفارت کبری این دولت علیه و نظارت خارجهٔ دولت عثمنی مبادله شده ارسال و مقرر داشته بودند، مساعی و اهتمام لازمه در اجرای فقرات آن به عمل بیاید. بعد از وصول تعلیقه بستگان اجل امجد ارفع دام اجلاله عالی جاه قلی خان سرهنگ را روانه و به عهدهٔ مقرب الخاقان شجاع الدوله حاکم خوی و خوانین ماکو احکام صادر و تأکید نمود که به تحقیقات کامله معلوم نمایند بعد از گردش وکلای دول اربعه اراضی و محالی که در تصرف این طرف بوده و سرحدداران دولت عثمانی به خلاف رعایت قواعد اسطاطسکو غصباً تصرف نموده‌اند، کجا و چند سال است به تصرف آنها گذشته و دلایلی که مشتمل به حقیقت این معنی بوده باشد، چیست و همچنین ایلی و عشایری که در این طرف و در تحت ادارهٔ سرحدداران این دولت عثمانی بوده‌اند و عثمانی ها جلب و تصاحب کرده‌اند کدام و تاریخ تصاحب به آنها از چه زمان است و همه را به تفصیل با صورت و دلایل لازمه نوشته ارسال نمایند به دربار همایون انفاد شود دو روز قبل از عالی جاه مشارالیه کاغذی رسید، نوشته است بعد از ورود به خوی احکام را به شجاع الدوله رسانیده و مقرب الخاقان مشارالیه آدمی مخصوص به سرحدات فرستاده از لاهیجان تا چالدران بدقت به تحقیق و تشخیص این فقره پرداخته و بتفصیل همه را صورتی نوشته به خوی بیاورد، وبعد از آن قلی خان به عزیمت ماکو به اواجق رفته است و به قراری که اظهار نموده در آنجا می‌گفته‌اند خرابی های قازلی کوی تعمیر و تمام شده است نوشته بود که بعد از مراجعت از ماکو درست رسیدگی نموده معلوم می‌کند به چه درصد تعمیر شده به حالت سابق آمده است یا ناتمامی دارد و هرچه ناتمام مانده باشد به

مراقبت و اهتمام کامل قرار تعمیر را خواهد داد. در باب دویست خانوار ایل جلالی هم که عثمانی ها اذن رفتن به ییلاق به آنها داده و به تبعیت دولت متبوعهٔ خود دعوت و تصاحب کرده بودند، به قراری که قلی‌خان در اواجق معلوم کرده و نوشته است موسی نام که رئیس صد خانوار بوده با خانواران خود چند روز قبل معاودت نموده ولیکن احمد با یک صد خانوار خودش برنگشته و در آنجاها چنین مذکور بوده که احمد را گرفته در بایزید محبوس نموده و گفته‌اند مقصر دولت است باید به ارزنةالروم فرستاده شوم، عجالتاً از عالی‌جاه قلی‌خان همین قدر خبررسیده که معروض کرده بعد از آنکه از ماکو مراجعت کرد و صورت تفصیل تحقیقات مقرب‌الخاقان شجاع‌الدوله و خوانین ماکو را آورد مراتب را مفصلاً از روی تحقیق حضور مبارک عرض خواهد کرد و در باب استرداد احمد و خانواران او و هم همینکه خبر درست از عالی‌جاه مشارالیه و خوانین ماکو رسید به مقرب‌الحضرة الخاقانیه میرزا اسحق خان کارپرداز ارزنةالروم می‌نویسد که در آنجا مطالبه اعادت آنها را بکند و به دربار همایون هم عرض می‌نماید در اینجا که باش شهبندر عثمانی نیست و یک نفر تاجر از طرف خود گذاشته این قبیل امورات به گفتگوی با او صورت نمی‌گیرد لازم است که در طهران با سفارت گفتگو و قرار استرداد آنها داده شود. زیاده چه جسارت نماید. الامر الاجل الامجد مطاع. معروضه ۱۷ شهر رجب ۱۲۸۶

محل مهر: العبد ابراهیم

خداوندگارا [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۹۸
موضوع: خلاصه‌ای از موقعیتِ محالات سرحدیهٔ آذربایجان
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۸٦ هـ.ق)
کارتن: ۱۳
پرونده:

هو

خلاصهٔ روزنامهٔ میرزاعلی منشی سرحدات آذربایجان

خلاصهٔ عریضهٔ سرحدیهٔ آذربایجان

از محالات کنار ارس الی قتور به طوری که سیاحت کرده و دیده است حالت هر یک را با چارهٔ نظم آن معروض می‌دارد.

محال کنار ارس

از کلیسیای وانک الی قراسو و قوش و پنجرلو که سرحد فی‌مابین دولت علیه و دولت بهیهٔ روس است همه جا قرای معموره و زمینی حاصل‌خیز و محل سکنای ایلات جلالی و میلان است از این نقطه از ابتدا تا انتها روسها به مناسبت مکان و معبر در هر نیم فرسنگ فاصلهٔ قراولخانه و تذکره‌خانه و گمرکخانه دارند در خاک دولت علیهٔ هیچ یک از اینها نیست و حال آنکه داشتن اینها چقدر باعث آبادی مملکت و رواج امر تذکره و ازدیاد گمرک می‌شود، مقابل قریه بلقان و عرب سالی مبالغ خطیره می‌توان از عمل تذکره و گمرک برداشت. اغلب سارقین این صفحات از همین نقاط است چون قراولخانه ندارد هر کس از رعایای روسیه بخواهد به این طرف آمده هر نوع صدمه به اهالی اینجا رسانیده برود مانعی نیست. چارهٔ نظم آن اولاً یک نفر سرحددار لازم است که از کلیسیای وانک الی‌قوش و پنجرلو در نظم این نقطه از سرحد به قرار دستورالعمل سرحددار محال کرکر رفتار نمایند.

ثانیاً: شانزده باب قراولخانهٔ موافق طومار برآورد و نقشهٔ مرسوله در مواضع معروضه در طی روزنامه در این نقاط لازم است که در هر یک شش نفر سوار و چهار نفر سرباز گذارده شود و در عرب و بلقان در هر یک شش نفر سرباز علاوه بر آن سوار و سرباز معروضه در تذکره‌خانه این دو موضع که ضرور است ساخته گردد باید گذارد، دو نفر سلطان نیز جهت سرکردگی سوار و سرباز و نیابت سرحددار لازم است که یکی از عرب

مواظب سرکشی و نظم قراولان قراولخانه الی قوش و یجرلو باشند و دیگری از همان قریه الی مدخل رود قتور را سرکشی نماید و خود سرحددار و رئیس کل آنها بوده در قرب عرب نشسته وقایع اتفاقیه را پانزده روز به پانزده روز با ثبت اسامی عابرین طرفین روزنامه نموده، روانهٔ دارالخلافه دارد.

ثالثاً: به قدر امکان موافق تفصیل روزنامهٔ مهاجرین را باید از قرب خط سرحد دور کرد اگر اینها پدار باشند خوب است که به ارومی و چهریق و سلدوز یا به سرحدات دیگر که رابطه ندارند، تعیین نمایند و یا به خدمات خراسان و فارس و کرمان مأمور گردند و جهت این سرحدات از سوار شقاقی و قراچورلو و غیره قراسوران معین کنند و هر سال یا دو سه سال یک مرتبه عوض شوند که با اشرار آن طرف رابطه به هم نرسانند و در اطاعت آن سرحددار باشند.

رابعاً: املاک مرحوم خان باباخان سردار را دولت علیه ابتیاع نماید که آن املاک خالصه گردد این فقره هم منافع کلیه به جهت نظم سرحدات خواهد داشت و هم از آبادی کنار ارس که با مخارج جزئیه صورت می‌گیرد مداخل کلی حاصل می‌آید.

ماکو و طامبات و یارم‌قیه

ایل جلالی و میلان در اینجاها قشلاق می‌کنند، مالیات و مداخل آنها را کلاً خوانین ماکو اخذ می‌نمایند. قشلاق طامبات و یارم‌قیه ملک دولت علیه است، ولی اینک عثمانی‌ها تجاوز کرده کوه سرحدیه که از کدوک کالسمان الی پیجاره است گذارده به زمین و مرتع یارم‌قیه نزول کرده قریه گیربران را متصرف گشته‌اند. حالا قریه مزبوره در دست جلالی و عثمانی و قریه پورتو در دست ایلات ایران است، چارهٔ نظم آن به قراری است که در عریضهٔ جداگانه عرض شده است. علی‌العجاله یک نفر روزنامه‌نویس لازم است که در قصبه ماکو نشسته روزنامهٔ اتفاقیه را نوشته به دارالخلافه بفرستد.

محال غازلی گل

این محال ملک دولت علیه است، اینک چهار قریه آن معموره است ولی استعداد آبادی بیست قریه را دارد عجالتاً چاره نظم آن این است که اولاً احکام موکده در باب آبادی آن صادر شود و تا ممکن است در جزو در آنجا آبادی کنند.

ثانیاً: در قرب کدوک خزانه که محل عبور کاروان و قوافل ارزنة‌الروم است و اغلب مال‌التجارهٔ رعایای دول قربیه از آنجا می‌گذرد و اولین نقطهٔ سرحدیه است باید احداث قراولخانه نمود که در آنجا بیست نفر از سواران پسران خلیفه قلی‌خان با ده نفر سرباز سکنا نماید.

ثالثاً: روزنامه‌نویس مخصوصی در آنجا لازم است که مواظب عمل تذکره و نوشتن روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بوده، اسامی عابرین طرفین را ثبت نموده، ماه به ماه به دارالخلافه بفرستد.

محال اواجق

این محال سیصد چهار صد تومان بیش مالیات ندارد ولی ممکن است با همین حالت حالیه سالی چهار پنج هزار تومان بدهد. چارهٔ نظم آن این است که اولاً در قریهٔ کلیسیا کندی که اولین منزلگاه مسافرین خارجه در خاک دولت علیه است قلعه موافق نقشهٔ مرسوله ساخته شود و همیشه علاوه بر سواران موجودی یک دسته سرباز در آنجا باشد.

ثانیاً: بنای مسجدی در همان جای کلیسیای قدیم نموده، حمام مختصری هم بسازند.

ثالثاً: یک نفر تذکره‌چی و روزنامه‌نویس موثقی در آنجا گذارده شود که روزنامهٔ وقایع اتفاقیه آنجا را بفرستد هرگاه دو عرادهٔ توپ هم در بالای تپه مشرف به آن قلعه که پشت‌بند طبیعی آن است گذارده شود جمیع صحرای اواجق و غازلی کل محروس و از صدمهٔ تمام اشرار محفوظ خواهد ماند فواید این قلعه زیاد است عرض جمیع جهات فواید موجب اطناب خواهد بود.

محال چالدران

این محال از محالات معظمه حاصل‌خیز خوی است، چارهٔ نظم این محال نیز این است که اولاً، چون اینجا هم محل عبور قوافل و تردد اکراد به صفحات اباقای و محمودی است ایجاد قراولخانه شده در آن چهل نفر سوار و ده نفر سرباز باشد.

ثانیاً: یک نفر میرزای روزنامه‌نویس در آنجا بوده که وضع حالت حرکت ایلات و خرابی و آبادی آنجا را روزنامه کرده و فراریان تذکره و قاچاق را مانع باشد.

ثالثاً: حکمی به حاکم خوی صادر گردد که به استحضار کارگزاران وزارت

جلیله سرحدیه از طوایف مختلفه آبرمنو و جودن کره که از خارج به خاک دولت علیه می‌آیند و از سایر رعایای متفرقه آنجا آورده قرای مخروبه را تا چهار پنج سال به آنها واگذار نموده، مواظب باشند که در چنین زمینی پرآب حاصل‌خیز هر قدر ممکن است کشت و زرع نمایند.

رابعاً: در دو محل آن یک پهلوی رود قزلر و دیگری در کدوک مابین آن و محال سکمن‌آباد دو باب قراولخانه که در هر یک بیست نفر سوار قراسوران و مستحفظ راه باشد لازم است که حافظ همه چیز و مانع بی حسابی ها و شر و شلتاق راه خواهد بود.

محال سُکْمَنْ‌آباد

این محال از محالات حاصل‌خیز است قراولخانهٔ دسته دره که ساخته شده برای نظم آن بسیار خوب است ولی باید همیشه اوقات بهار و تابستان و پاییز اقلاً چهل نفر سوار به مواظبت یک نفر سرکرده در آنجا گذارده که مواظب نظم آن صفحات بوده و روزنامهٔ عبور و مرور از آن محال به خاک عثمانی و آخورک و غیره را ماه به ماه بفرستد.

محال آلَنْدْ

اینک این محال خراب است از ایلات تکوری که رعیت ایران و در آنجا بوده‌اند حالا دولت عثمانی آخورک را تصرف کرده و آن ایل را تصاحب نموده است، هرگاه سرحدات منظم و آن ایلات استمالت شده ایل بیکی و سر پرست داشته باشند همین ایل تکوری را با کمال رضا می‌توان به الند آورده آنجا را آباد نمود.

در قرای اقاج بر حسب لزوم باید قراولخانه ساخت بیست نفر سوار و ده نفر سرباز و یک نفر روزنامه‌نویس و تذکره‌چی در آنجا گذارد.

محالات آباقای و محمودی و آخورکها

اینها را عثمانی بدون دلایل حقه تصرف کرده ایلات حیدرانلو و تکوری و جمادنیلو و بعض طوایف دیگر قریب یکصد پارچه قریه را آباد نموده از ترس ظلم و تعدی حکام این طرف و تاخت و تاز رومی که از این سمت حامی نمی‌بینند تابع آنها شدند چند سال قبل علی آقای حیدرانلو ریاست ایلات آن نقطه را از دولت عثمانی گرفته در آنجا سکنی کرده خود را از تبعیت دولت علیه ایران خارج نمود و به همین جهت بدون هیچ نوع ادله و براهین آن محال مابین دولت علیه ایران و عثمانی متنازع‌فیه گشت اینک بر ذمهٔ او و حسین‌آقا است که رفته آنجا نشسته از تصرف عثمانی بیرون بیاورند.

محال قتور و چهریق و خانه‌سور و شپیران

عجالتاً چارهٔ نظم این محالات این است که تعمیر قلعهٔ چهریق را موافق طومار مرسوله نموده و یکصد نفر سرباز و دو عراده توپ و بیست نفر سوار و قورخانه لازمهٔ آنجا را با یک نفر یاور خارج از فوج که رئیس باشد بفرستند و یک نفر روزنامه‌نویس در آن نقطه بگذارند که وقایع را پانزده روز به پانزده روز بفرستد.

هو

خلاصه روزنامه میرزا علی منشی سرحدات آذربایجان

خلاصه عریضه سرحدیه از بایکان

از محالات کنار ارس الی قطور که سیاحت کرده و دیده است حالتیکه دا

با چاره نظم است معروض میدهد

محال کنار ارس

از کلیسای وانک الی فراسو و قشلش بحر لو سرحد فیما بین دولت علیه و دولت

بهیه روس است همه جا قرا معموره و زمین حاصلخیز و محل سکنای ایلات جلالی و میدان

از این نقطه از ابتدا تا انتها روبهما بنابت مکان و معبر دارد هر تغییر که فاصله قرا و اکثر آنجا

و تذکره خانه و گمرکخانه دارند در خاک دولت علیه همچنین از اینها نیست و جلال الدین

چه باعث آبادی مملکت و رواج امر تذکره و ازدیاد گمرک میشود مستقیم قریه

و عرب سالی بیان خلیده متعین از عهده تذکره گمرک آنجا بر نمی آید

از همین نقاط است عبور قرا و لکانه ملت هر کس از رعایای روسیه که

آمده به هر نوع صدمه به اهالی اینجا رسانیده برگرده نیست چاره نظم این است

اولاً گمرک سرحد دار لازم است از کلیسای وانک الی قوش و بحر در نظم

نقطه

نقطه از سمت بغداد و بسته با هی سرحد را بحال گرگر رفتار نماید

ثانیاً با تنظیم اسب قراولخانه مراتب علامات و نقشه مزبوره در مواضع معروضه
طی روزنامه در این نقاط منظم است ۴ و در هر یک شش نفر سوار و چهار نفر سرباز
که مهیا شده و در عقب و مقابل در هر یک شش نفر سرباز معدوده از
سوار و سرباز معروضه در تذکره خانه این ۵ موضع مزبور درست ساخته گرفته
۴ نفر سلطان نیز جهت سرکرده گی سوار و سرباز و نیابت سرحدداری مأمور است که
از عقب مراتب سرکشی و نظم قراولخانه و ... قراولخانه‌ها الی ... و دیگر
باشد و دیگری از ... قریه الی ... را سرکشی نماید و حفظ سرحددار
و پیش گیری ایشان نموده در قریه عقب نشسته وقایع اتفاقیه را با تنظیم روزنامه
روز بروز بدست هایی جانب خارجی روزنامه یومیه روانه دارالخلافه دارند

ثالثاً بعضی همگان موافق تفتیش روزنامه مهاجرین را باید از قرب خط سرحد که
اگر اینها پا در هوا باشند خوب است هر ساله در جیق و سه روز با سرحدات دیگر در رابطه
نه فقط تعیین ثانیه و یا تمرات مرزهای فارس و کرمان مأمور کنند و جهت این
سرحدات از زمره مهاجرین و قراچورلو و غیره قرار است معین کنند و هر سال تا به حال
سال یکمرتبه عرض شده بود اشرار اطراف را بطه هم نزنند و در اطاعت سرحدداران باشند

رابعاً ملک مرحوم خان بابا خان سردار را دولت علیه استملاک نمایند که اداره خالصه کنند
اینفقره هم منافع کلیه بجهت نظم سرحدات خواهد داشت و هم از ابتیاع گنداروس هر سال مبلغی نقد برای دولت
بیشتر و هم اضافه حاصل می‌آید

ماکو و حد متصرفات دولتین

امیر حسن بیگ و سلطان در اینجا قشلاق میکنند ایلات و هم جمعیت اینها که در عوض اینها ناگزیر

نیز

ثانیاً به قشلاق طاهباز و یارم تپه یک دسته عمده است در یکی از تپه‌ها تجاوز
کرده که دو سرحدیه به از کردک کامیاب الی سیاره است که نصر بزمین ترخ
نزول کرده و تپه کربلات را متصرف گشته اند حالیه تپه مزبوره در دست عشایر
و دو روز در دست ایشان است چاره نظم آن بقرسی است دیر نخسته
چه الان عرض شده است ... روزنامه نویس ... است در دفعه که نوشته
روزنامه اتفاقیه را نوشته ام از حضرت ...

محال غازی‌گل

امسال یک دسته عمده است ایل چهار تپه است محصوره است ولی استعمال
آبادی ... تپه را ... چاره نظم آن این است در ... احکام که
در باب آبادی آن صادر شود ... است در جزو ... آبادی گشته

ثانیاً در وقت کوچک خزانه ... عبور کاروان ... است ...

مال التجاره تجاری حمل قریه از آنجا میگذرد و اولین نقطهٔ سرحدی است باید اهمیت

قراولخانه نمود و در آنجا بیست نفر سوار است پس از آن ضمیمهٔ تفنگچی باید ده نفر سرباز

سکنا نماید

ثالثاً روزنامه‌نویس مخصوصی در آنجا لازم است هر طرف عهدنامه که نقض

روزنامه مرسوم وقایع اتفاقیه کرده هر ماه تاریخ روز نوشتن را ثبت نموده ماه به ماه به دارالخلافه

بفرستد

محال اوجق

این محال سیصد چهارصد تومان بیش مالیات ندارد ولی ممکن است با همین حالت

عایدی سالی چهار پنج هزار تومان بشود چاره نظم آن این است که

اولاً در قریه کلیسا کنه که اولین مرکز گمرکخانه است ورود خارجه در خاک دولت

علیه است

بدیهی است قبلاً نقشه مربوطه ساخته شود و نقشه محدوده بر روی آن طرح و

کلیه ساختمان‌ها در آنجا

ثانیاً بانک سپه در هر یک از کیوسک‌ها قریه برده و حمام مخصوص اهالی بسازند

ثالثاً کیفیت تذکره‌ها و روزنامه‌ها ترتیبی شود در آنجا که طبع شود هر روز نامه‌های

اتفاقیه آنجا را نوشته هرگاه حوادثی رخ دهد هم در آنجا مشرف آن قضیه

درست به طبیعت است که از ده شود جمع صحرای او حتی المقدور

محروم دارند تا هر آنچه محفوظ شخصاً به خواهند این مقدمه لازم است

عرض جمع حسابات فرمایند مرحمت الطاف شخصی بود

۶

اهمال از معمولات معظمهٔ صاحب خیز خوزستان است چاره نظم اهمال نیز این است که
اولیای دولت حرکت انها هم ملک عمده قوانین و تردد اکثر لصفات اماکن
و محمودی است ایجاد و ادخانه شده در دست چهل نفر سواره و ده نفر
سرباز باشد

ثانیاً چیزی مفیدی روزنامه‌ای در انجا بوده در وضع حالت و حرکت ایلات
و دوایر و آبادی انجا را روزنامه کرده و وزارت تذکره و قاچاق را انجام

ثالثاً حکم محکم جزمی صادر بکنید که ما بعد از این کار که از دست وزارت جلیله مرجوع
از طوایف مختلفه آن ولایت و جهات گرفته از خارج کاک دولت علیه آنهم
و از سایر رعایای متفرقه انجا انچه قرار مقرر شده را تا چهار سال بنهاد اکراد نموده وسیع
مرات باشد در چنین زمین آب صاحب خیز مرتفع بکند ممکن است
نباشد

ربیعا

را القا و در محلی است که بهتر ردیف قرار و دیگری دیگر درک بامن است
و محال سکمن آباد در باب قوافی‌نه در هر یک بیت نفوذ بر از قوافی است
و مستقلاً در لا ابشه هم است در حافظه همه چیز و مانع تعبیه را دوش دقیق
خواهد بود

محال سکمن آباد

این محال از محلات خاص خود است قوافی‌نه دسته دوره ساخته شده
برای نظم آن بسیار خوب است ولی باید همه اوقات بیاد داشت
و باید اتفاقاً جهت نفوذ بر از مراحلت تغییر شکل در این کار نظم
الصفات بوده و روزنامه عصر و مرور از امثال کتاب عقاید زود و خوب
وغیره را ماه به ماه نوشته

محال الفه

اینک احوال مرا بست از ایلات کردی رعیت ایلی و در اینجا نیز خالات است
عثمانی اخیر که به تصرف کرده و آن این را انتصاب نموده است هرگاه مرحوم
منظم و آن ایلات اطاعت شده این یکی و سرپرست داشته باشد در این
این کردی را با کمال رضا مقید است بالبته آنچه اینجا را اباد
در وقت اتفاق رجب ارزروم با بعد قراولخانه تا خشت بیت نوزده
سه باز و یک نوروز نامه زین وقت کرده حین در اینجا که

حالات ایلاتی و محمودی و اخورکها

اینها را عثمانی ها بدون دلیل حقه تصرف کرده ایلات جهت دادن و کرد
و بعضی طوایف دیگر وقتی که قصبه ها و چند قریه را اباد نموده از ترس ظلم و تعدی حکام
این طرف وقت و باز روی به این سمت خاک ایران جسته تا این اینها نشسته
چند سال قبل هم آقای جمه راه در بیت ایلات آن نقطه را از ... علما ...
و برای

در این کشمکش گرده خود را از تبعیت سیاست خارج نمود و همین جهت بود

هیچ نوع ادله در این اصل با این حرکت سیاسی از این است و علمای نشانه فتح

که تقدیر الهی به ذمه او در حسن انجام است در زمره آنها گذشته از تصرف

علائم بروز آورده

سال قحطی و جهد و غنائم شورش شیراز

عجالتاً چاره قلم این مقاله این است هر تقریر فقیه چه بهترین

مراجعات ظاهر هر ده نفر که نفر از وجوه داده

رتبه و بیت نوسازی و قرار خانه در زمره آنها را با یک نفر دادن

خارج از نوع در بین آن نفر گفته و دیگر روزنامه نویس

در آن نقطه کمتر از آن در وقایع را با نظر روز به آن نظر روز نوشته

شمارهٔ سند: ۱۹۹
موضوع: امور سرحدی آذربایجان و مسائل ایران و عثمانی
تاریخ: (احتمالاً ۱۲۹۰ هـ.ق)
کارتن: ١٤
پرونده:

نمره: ۱۰۱

عریضهٔ وزارت خارجه به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم به زیارت دستخط جهان مطاع اقدس همایون سرافراز و مباهی شد با اینکه شب اربعین بود اهمیت کار و فرمایش همایون را مقدم داشته قرار مجلس به عصر جمعه، روز اربعین داده شد. جناب امین‌الملک دستخط همایون صادر به افتخار این چاکر فدوی و خطاب به افتخار خودش را در محضر کل وزرا قرائت کرد و از فقرات مقرره علی التفضیل مستحضر شدند، همه به اتفاق گفتند که واقع همین است دولت قوی شوکت اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه این حقوق ثابته را در عهدهٔ دولت عثمانی دارد و باید حقاً ادا کند، دولت علیه چرا محتاج باشد که علاوه بر خسارتهای واردهٔ محص احتیاط حفظ سرحد خود ماهی سی هزار تومان یا متجاوز خرج مفت را متحمل شود. باید قرار معجل حتمی داده شود که دولت عثمانی به یکی از شقوق مقرره رفع انتظار و مخارج بیهودهٔ دولت علیه را بکند و اعتقادشان بعد از تحقیقات مسئلهٔ حاضره این شد که همین رشتهٔ گفتگو که دولت علیه در دست گرفته و در اینجا و اسلامبول به توسط معین‌الملک و همراهی سفرای دولت اربعه مشغول است اگر عین همین فرمایش ملوکانه نباشد آنقدر فرقی هم با اصل مسئله ندارد، معین‌الملک با اینکه در تلغراف آخری یک نوع اطمینان می‌دهد که امر قریب به تمام است باز مصلحت چنان دیده شد که تلغراف موکدی فرستاده شود که یک هفتهٔ وعدهٔ سلطان گذشت چه شد و قرار چه دادند، البته جواب آخری را گرفته زود تلغراف نماید در این بین هم کاغذی رسمی به شرح دستخط همایون به سفیرکبیر عثمانی و سفرای دول مرقوم و حاضر خواهد شد اگر همان طور که دولت عثمانی وعده کرده و ایلچی کبیر ایران وعده را قریب‌الادا دانسته است امر گذشت فبها والا کاغذهای رسمی

فرستاده می‌شود و بلافاصله به ایلچی کبیر برن و سایر سفرای دولت علیه که در پایتخت چهار دولت اقامت دارند اعلام خواهد شد که از روی همان رشته حرکت نمایند و لازمهٔ مراقبت از جانب مساعی دولت علیه خواهد شد که هرچه زودتر انشاءالله تعالی کار به جای درستی منتهی شود، اما در هر حال برای دولت علیه واجب است که یک ساعت زودتر در تهیهٔ لشکر کافی باشد و عساکر آذربایجان از افواج و توپخانه و سواره از خارج در خود مملکت هر یک را در محل خود حاضر نماید و یک نفر هم در خارج نگذارد نظم و امنیت لازمه را در کار مملکت آذربایجان بدهد به طوری که جذب قلوب از کل اهالی شود و امیدواری کامل به مراحم علیهٔ دولت ابدمدت داشته باشند. تزلزل و تشویش خاطری که برای آنها به جهات عدیده عارض شده یکمی مرتفع شود آنها از دولت کاملاً امیدوار شوند دولت از آنها اطمینان قوی حاصل کند و بداند آذربایجان همان آذربایجان قدیم شده که مال و جان خود را در راه دولت می‌گذاشتند برای استحضار خاطر ملازم مقاطیر همایونی جسارت شد. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

قپان قلعه‌ای جواهرات [illegible] قرض [illegible] بموجب دستخط جهان مطاع [illegible] قرض [illegible] [illegible] بسته شد [illegible] اهمیت کار

[illegible] تا این سال معدوم داشته [illegible] مجلس [illegible] جمعه [illegible] جناب امین‌الملک دستخط [illegible] چهار [illegible] [illegible]

جناب [illegible] خودش را در [illegible] قرائت کرد [illegible] [illegible] همه [illegible] [illegible]

این است [illegible] دولت [illegible] حقوق [illegible] دولت عثمانی [illegible]

دولت علیه [illegible] [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت عثمانی [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] دولت علیه در دست [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] دولت عثمانی [illegible]

[illegible] است [illegible]

سفرای دولت علیه [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

برای دولت علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۰۰
موضوع: موقع جغرافیایی وزنه
تاریخ: ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

در کتابچه که جغرافی ساوجبلاغ را در سنهٔ ۱۲۹۴ بتفصیل نوشته‌اند موجود دارم در ضمن اوضاع جغرافی وزنه را نیز نوشته است.

شرح وزنه

وزنه ملک ایران و از ییلاقات خاصهٔ لاهیجان است، که در دامنهٔ شرقی سلسله کوه بزرگ قندیل نام واقع است. مثل البرز تهران فی‌مابین اراضی لاهیجان و اراضی رواندوز ممتد است، نزدیک به مبدأ سلسلهٔ کوه مزبور مابین اراضی لاهیجان و سردشت اتفاق افتاده. یک قطعه زمینی است مدوّر مسطح تقریباً یک فرسخ در یک فرسخ فضای آن می باشد و اطراف آن محدود و محاط رشته کوه قندیل است. فقط یک دهنه دارد که به سمت شرق یعنی رو به داخلهٔ ایران مفتوح می‌شود. از اینکه به واسطهٔ محاط و محدود بودن اطراف آن به کوه بلند مزبور چراگاه و مرتع مخصوص بوده است. یک وقتی از طرف ایران به ییلاق عشایر عثمانیه معیّن شده که دیگر در ییلاق این دولت با عشایر ایران مخلوط و ممزوج نبوده اسباب ضرر و خسارت یکدیگر نشوند و الّا ملک طلق ایران است و همیشه در تملک داشته و دارد انتهی.

در این مدت بنده از اطراف مانند علی اکبرخان کارپرداز ساوجبلاغ که شخص خبیر و بصیر و وجب به وجب بنا را دیده است، جویا می‌شدم مدعی بر این است که دولت اجازه بدهد در این تحقیق که مأمور خواهند فرستاد من هم باشم به دلایل واضحه به طرف مقابل جواب بدهم، اگر از عهده نیامدم سرم را در راه دولت فدا می‌کنم.

معتمدالسلطان آقامیرزا محمد رئیس مهاجرین که سولدوز و ساوجبلاغ و لاهیجان در جزو تیول مهاجرین است و خودش بشخصه آن طرفها و وزنه را دیده است، می‌گوید عشایر خودمان را دولت از خودش مأیوس کرده به طرف مقابل رفته‌اند نمی‌گذارند که دولت علیه به آنجا قدم بگذارد نیز، مرا مأموریت بدهند که آن عشایر را استمالت بکنم و امیدواری بدهم که خود عشایر نگذارند که طرف مقابل به آنجا بیایند و یا به مقام ادّعا

برآیند، محض عناد اهالی خودمان است و تفصیل خیلی می‌گوید که به تحریر نمی‌آید حرف این را به عقل قاصر خود به ثبوت نزدیک می‌بینم. بیچاره اعتمادالوزاره یا میرزا علی‌خان خواهرزادهٔ مخبرالدوله آن طرفها را ندیده منتها در نقشه‌کشی مهارت دارد این ملاحظات لازم است که قبل از وقت مستحضر و مطلع باشند که آدم نابلد و بی‌اطلاع را مأمور نکنند.

میرپنج

[حاشیه: دستخط مظفرالدین میرزا ولیعهد:]

جناب اشرف اتابک اعظم این تفصیل را هم ملاحظه نمایید و البته هر کس که قابل و شایسته این مأموریت باشد انتخاب نمایید و هر اقدام دیگری هم که مقتضی است به عمل آورید.

امضای مظفرالدین میرزا ولیعهد

[illegible]

در کتابچه جغرافیای ... [illegible] ... ۱۲۹۳ ... [illegible]

شرح ورنه

ورنه مملکت ایران ... [illegible] ... لدیجان است ... [illegible] ... سنگ کوه بزرگ ... [illegible]

شمال ... طهران ... اراضی لدیجان و اراضی ... ورنه است ... [illegible] ... کوه ... اراضی لدیجان

در دشت ... [illegible] ... یک قطعه ... است ... [illegible] ... سنگ ... [illegible] ... فضای آن ... [illegible]

در اطراف آن ... [illegible] ... کوه ... است فقط ... [illegible] ... سمت شرقی ... [illegible]

مفتوح میشود ... [illegible] ... اطراف آن کوه ... [illegible] ... بخصوص ... [illegible]

... [illegible] ... ایران ... [illegible] ... تعیین شد ... [illegible]

... [illegible] ... ملک طلق ایران ... [illegible] ... انتهی

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۰۱
موضوع: تعیین حدود قطور و تحویل آن به ایران
تاریخ: ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

دستورالعمل مقرب‌الخاقان میرزا محبعلی برای تعیین حدود قطور و استرداد آن

دستورالعمل مقرب‌الخاقان میرزا محبعلی ناظم دفتر وزارت امور خارجه

مأمور قمسیون مرکب از مأمورین دول روس و انگلیس و عثمانی که برای تسلیم و تحویل نمودن تمام نواحی و متعلقات و دهات قطور به مأمورین و سرحدداران دولت علیهٔ ایران تشکیل و به موجب قرارداد دول مزبوره سمت انعقاد می‌یابد، به تاریخ ۱۲۹۵.

فصل اول: ابتدائاً این معنی را باید آن مقرب‌الخاقان مخصوصاً در بنیان و اساس امر بدانند که دولت روس در عوض آنکه محال قطور را دولت عثمانی از تصرف غصب خود خلع و کمافی السابق به دولت علیهٔ ایران واگذار می نماید، تمام محال بایزید و درهٔ الاشکرد را که خیلی وسعت خاکی دارد به دولت عثمانی واگذار خواهد کرد. در این صورت باید غایة القصوای دقت و موشکافی از طرف شما در این قمسیون به عمل آید که به قدر یک وجب از اراضی و انهار و قرا و قلاع و اماکن بایره و دایره و درهٔ قطور مهمل و فراموش نمانده تماماً به سرحدداران دولت علیهٔ ایران تسلیم و تحویل شود و همان طور که بایزید و الاشکرد را با آن وسعت دولت روس عوض می دهد محال قطور هم تمام و کمال با ضمایم و متعلقات قدیمه به ما تسلیم و تحویل شود.

فصل دویم: خود المقرب‌الخاقان در زمان گردش وکلای دول اربعه در حدود دولتین ایران و عثمانی برای خطوط سرحدیه در معیت مرحوم مشیرالدوله بوده و سرحدات را به رأی‌العین مشاهد کرده و اطلاعات کامله از جمیع مذاکرات دایره به سرحدات و آرای مأمورین دول واسطه دارید و می دانید که دهات درهٔ قطور را که درویش پاشا درسال ۱۲۶۵ به اعانت رشید محمدپاشا مشیر عساکر سرحدیه شرقیه عثمانی غصب کرد در ضمن کتابچهٔ مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله سی و پنج قریه به موجب تفصیل ذیل قلمداد و تعداد نموده‌اند که نباید از یک ذرهٔ آن صرف‌نظر شود.

قصبهٔ قطور، اشتران، ریزی، روایان، قاشقول، بانه‌مرک، چلیک علیا، چلیک سفلی، ترس اداد، کوارا، ساطمه نیس، قاولیک، هره‌تیل، امان‌یورت، شرفخانه، سرای، خراب سورک، حبس علیا، حبس سفلی، کمت علیا، کلت سفلی، مخنی، کوله دمک، کوکرت یا کوکرد، المالو، هندوان، قیه‌لق، قاشقه‌بلاغ، بیانلو، رازی، بلوچیک، دنه‌خور، کرجیک، چارخ، سرانگیز و باید انشاءالله بدون آنکه یک سنگ از درهٔ قطور و یا یک قبضه خاک از آنجا غفلت گردد، تماه و کمال تحویل بدهند زیرا که دیگر محل هیچ گونه عذر از برای کارگزاران دولت عثمانی باقی نمانده است.

فصل سیم: چون درویش‌پاشا بعد از فراغت از گردش سرحدات دولتین ایران و عثمانی در حین گردش وکلای دول اربعه و رجعت به اسلامبول راپورت محرمانه از برای اطلاعات اولیای دولت مشارالیها مفصلاً نوشته است و بعد از چندی راپورت مزبور را چاپ کرده‌اند که البته شما در این مدت نسخهٔ آن را تحصیل کرده‌اید، محال و نواحی قطور و ساطمانیس و ملاحسن را در راپورت مزبور هر یک علی حده جزو داده و هر سه را از اصل باز متعلق و جزو قطور نوشته است و برای اطلاع شما و حفظ احتیاط صورت این فصل همان راپورت را در ذیل نگاشته‌ام سه ناحیهٔ مزبوره را سی و نه قریه قلمداد نموده است و اسامی قرای مندرجهٔ در این راپورت درویش‌پاشا با اسامی دهاتی که در کتابچهٔ مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله مندرج است، خیلی مختلف است. لازم شمردم مخصوصاً خاطر شما را ملتفت سازم که مقدور است به استناد همین راپورت تمام سی و نه پارچه قرا را ا ز آنها منتزع نمود و اسامی دهات از این قرار است:

مضمون ترجمه راپورت درویش‌پاشا که به عینه درج می‌شود

صورت اسامی قرا و مقدار خانه‌های قریهٔ قطور و مضافات و نواحی آن که به تصرف ایرانی‌ها گذشته و در سال ۱۲۶۵ برحسب مأموریت مستخلص شده است.

قطور، کواران، کشرلهوک، حبس علیا، حبس سفلی، کلت، مخین، زیری، کوکرت، هندوان، المالی، قراکلق، غاناله‌لک، استران، روایان، ترس آوا، کوتتوار، قاشقه‌بولاق

باز فی‌الاصل قرایی که از ناحیهٔ قطور است و بعضی به پاره‌سببها به تصرف ایرانی‌ها رفته و درآمده و قبل از استخلاص قطور تابع مضافات بلوک محمودی بر روی نواحی ساطمانیس و ملاحسن بوده است.

بیله‌جک، هره‌تیل، شرف‌خانه، راضی، سرای، قوریجان، چاروَخسَر، خرابسورک، انکز، نیکیزلوه، میرزاکویی، امانورت، قاولیک، خورجیک، قورچیوک، چارطاق.

قرایی که روی ملاحسن است.

استیجو، میرکهو، یوسف‌حیدران، دوزر، اذویان، تیروراک

فصل چهارم: چون می‌خواهم حتی‌المقدر از اطراف و نواحی کار قرین استحضار باشید، لهذا محض استحضار نه از برای آنکه سند اتخاذ شود یا محل اعتنا باشد، صورت ترجمهٔ سیاحت‌نامهٔ خورشید افندی کاتب اسرار را که در گردش وکلای دول اربعه در تحدید حدود دولتین اسلام از مأمورین قمسیون دولت عثمانی بوده است و حدود قطور را به عقیدهٔ خود نوشته است به عینها درج می‌نمایم.

ترجمهٔ سیاحتنامهٔ خورشید افندی

اسامی دهات قطور که یک چندی در تصرف دولت ایران بوده در سنهٔ ۱۲٦٤ مستخلص شده است و خانوارهای آنها قصبه قطور، کواران، کرلهوک، مخین، حبشی علیا، حبشی سفلی، کلت، ریزی، کوکرت، هندوان، المالو، قرانولق، غائله‌لک، استران، روایان، ترس‌اوا، کوتنوار، قشقه‌بلاغ

حدود قطور از قرار تفصیل مرقوم در ذیل است.

حدی به بعضی از محال بلوک محمودیه، حدی به محال دیرک و دهورکه‌در تصرف تبعهٔ ایران می‌باشد.

حدی به دهات شهرخوی، حدی به خاک ناحیهٔ آلند

قلعهٔ قطور که بر روی قُلّهٔ تپهٔ واقعه در صحرای وسیع بنا نهاده شده بود به موجب شروط عهدنامه منهدم گشته است و در دامنهٔ تپهٔ مزبوره یک پارچه ده به عدو خانوارهای مذکور فوق مانده است، این ناحیه علاوه بر هیجده پارچه قریهٔ مزبورهٔ فوق بیست پارچه دهات دیگر هم داشت که کلیتاً سی و هشت پارچه دهات بوده است. موسی‌بیک بیکزادهٔ محمودی که وقتی این ولایت کلیتاً در دست او بوده است چنانچه من در محل خود حین ذکر سنجاق‌حکاری این فقره را نوشته‌ام از روی سفاهت و سوء اتفاق بعضی از آنها را به رعایای دولت ایران که اسامی ایشان معلوم است فروخته برخی را هم به ایشان

رهن و گرو داده، چون این دهات به خاک سرحدی ایران نزدیک بود مستمر همه آنها را ضبط و تصاحب نموده مثل سایر املاک خود در تصرف دارند، دولت عثمانی چنانکه معلوم است به املاکی که به اجازه یعنی به عبارت عثمانلویی یورت‌لق و اوجاق‌لق می دهند هیچ مداخله نمی نماید و چون در این حالت رؤسای آنجاها از طرفین حقوق دول را منظور نمی نمودند، ناحیهٔ مزبوره در مدت معینی جزو اراضی دولت ایران محسوب می‌گشت و این امورات در جاهایی که من وصف آنها را می نویسم هیچ معلوم نبوده همین در این اواخر که حکام وان از منصب حکومت خود معزول شده‌اند معلوم گشته است، جناب فریق درویش‌پاشا که من از اتباع او بوده‌ام از برای انجام مأموریتی که داشت اول به آن طرف سرحد رفته و از حالات آن ولایات اطلاعات کامل حاصل نموده بود و جمیع نقاط سرحدیه را به دقت تمام ملاحظه کرده از محل موسوم به داغماچی طاش علامت سرحدی گذاشته است و دهاتی را که به رعایای دولت ایران منتقل شده بوده است از ید تصرف ایشان انتزاع کرده است وحال این دهات ضمیمهٔ خاک ولایت حکاری گشته در تصرف باب‌عالی می باشد.

این تفصیل کلاً ترجمه راپورت خورشید افندی است که از برای دولت متبوعهٔ خودش نوشته است تنها محض اطلاع شما درج شد.

فصل پنجم: از قراری که از سفارت دولت روس در طهران اظهار شد از جناب میرزا ملکم‌خان ناظم‌الملک که به سمت مأموریت از جانب دولت علیهٔ ایران در مجلس کنگرهٔ برلین حاضر بوده سؤال کرده بودند که منظور دولت علیهٔ ایران در محال قطور چه اندازه و عبارت از کجاها می باشد جناب مشارالیه در جواب مأمورین دول حاضره در کنگره گفته بوده است مقصود دولت علیهٔ ایران همان مقداری است که مابین وکلای دول اربعه در مجالس ارز روم مطرح مذاکره بوده است و دور نیست که به واسطهٔ این حرف جناب ناظم‌الملک بخواهند همان هجده پارچه قرایی را که مخصوصاً به اسم محال قطور معروف است به ما واگذارند، یعنی مأمورین عثمانیه به این خیال افتاده و قرای متعلقه به ملاحسن و ساطمانیس را که آنها هم متعلق به قطور و در یک دره و یک موقع واقع شده‌اند از قطور موضوع و مستثنی دارند و حال آنکه درهٔ مزبور بالکلیه به طور قطعی که حاوی ملاحسن و ساطمانیس است از قدیم‌الایام به درهٔ قطور و محال قطور اشتهار عمومی دارد. واگرچه من هم در جواب سفارت دولت روس بالصراحه گفتم و درست حالی

نموده جای تردید و شبهه نگذاشتم که ملاحسن و ساطمانیس دو قریهٔ معتبر از قرای متعلقه به قطور می‌باشد منتها این است که چند پارچه دهات نزدیک ملاحسن را به آنجا و نزدیک به ساطمانیس را به آنجا نسبت می‌دهند و روی هم‌رفته درهٔ قطور موسوم و معروف و مشهور است و اصلا محل خدشه نیست. و از سفارت روس هم در این خصوص کمال مساعدت در این باب با ما می‌شود و به مأمور خودشان حالی کرده‌اند خواستم شما هم از این فقره مستحضر باشید که اگر احیاناً این اظهار از مأمور عثمانی بشود قبل از وقت با خبر بوده از روی اطلاع جواب بدهید.

چیز دیگر که محل دست‌آویز مأمورین عثمانی به اعتقاد خودشان در اجرای این مقصود آنها می‌تواند شد این است که بگویند ادعای دولت علیه ایران این است که درویش‌پاشا محال قطور را غصب نموده و چیزی را که او غصب کرده همین هیجده پارچهٔ متعلق به قطور است که باید به موجب قرارنامهٔ امضاشده در برلن دولت عثمانی ردّ نماید. شما خودتان می‌دانید که در سواد عهدنامهٔ سلطان مراد رابع که خود عثمانی‌ها محل استناد خود قرار داده‌اند چیزی را که در آن سرحد اسم برده تنها قلعهٔ قطور قدیم است آن را هم نوشته قلعهٔ مزبور خراب بماند که در حقیقت این هم دلیل بزرگ بر حقیقت تملک دولت علیهٔ ایران است و اصلا در آن دره و سرحد اسمی از ملاحسن و ساطمانیس ذکر نشده است زیرا که این دو مکان و دهات نزدیک آن در درهٔ مزبور واقع و جزو لاینفک قطور است و هرگز اسم علیحده نداشته که در ضمن عهدنامه درج شود. علاوه بر این ادعای دولت علیهٔ ایران است که قطور و محال آنجا و هرکجا که متعلق به آن است در تصرف غصب عثمانی و لازم‌الردّ است، خواهد درویش‌پاشا غصب کرده باشد یا مباشرین آنجا را در حین فَتَرات اغفال و غصب نموده باشند.

علاوه بر این محض تقویت شما در قمسیون و همراهی تامهٔ مأمور دولت روس با شما بعد از مذاکره لازمه با جناب مسیو زیناویف وزیرمختار روس را واداشتم جناب مشارالیه راپورت مفصلی در این خصوصات و ترمیم حرف ناظم‌الملک در مجلس کنگره برلن به وزارت امور خارجهٔ دولت روس نوشت که سواد آن را از برای جناب معین‌الملک سفیرکبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول ارسال داشته، یعنی مصحوب همین چاپار فرستاده‌ام ملاحظه نموده، استحضار حاصل خواهید کرد و انشاءالله تعالی از روی کمال قوت قلب و بصیرت در قمیسیون مذاکره و حقوق قدیمهٔ باهرهٔ دولت علیهٔ ایران را استیفا

خواهید نمود.

فصل ششم: بایست کمال مراقبت را در قمسیون به عمل آورند که دیگر بعض شرایط و اشکالات از جانب مأمور دولت عثمانی القا و از جانب ما قبول نشود مثلاً شرط قرار ندهند که فلان قلعه باید خراب بماند یا قلعهٔ قدیم قطور آباد نشود یا اگر یک قریه و زراعت را به کسی از اهالی آنجا محل داده باشند بگویند برقرار بماند یا در آن اماکن استعداد عسکری نباید گذاشته شود یا جایی از برای انبار قورخانه و مکان ساخلو ساخته نشود و قس علی هذا نباید به هیچ یک از این قبیل مذاکرات تمکین نمایید، چرا که مشاهده می نماید در وقتی که محال قطور را غصب کردند در آنجا که به تصرف غصب آنها آمده بود بنای قلعه و انبار قورخانه و قشلهٔ سرباز و استعدادات محکمه نهادند و قشون و ساخلو در آنجا گذاشته حتی علامت سرحد نصب کردند که در واقع در نزد هر عاقل بصیر و از قواعد باخبر همان علامت که به تاریخ ۱۲۶۵ نصب نموده‌اند دلیل صریح بر تصرف جدید و غاصب بودن آنها است بعد ازآنکه به دست مالک اصلی عودت نماید به طریق اولی باید اسباب حفظ آنجا را فراهم نماید، خاصه پس از ظهور آن حرکت درویش پاشا در غصب آنجا که همان حرکت او ما را دعوت صریح به فراهمی لوازم حفظ سرحدات و عدم اطمینان به همجواری مأمورین دولت عثمانی نموده است. مختصراً دولت علیهٔ ایران بدون هیچ گونه قبول شرطی در محال قطور تصرفات مالکانه و مستقلانه را مختار است که معمول و مجری بدارد و هرگونه دعاوی ملکیه نیز در این مدت غصبیت در آنجا مابین رعایای آن طرف و رعایای قطور ظهور یافته باشد در طبق عهود مقدسه و مقاولهٔ نامهای مرعی الاجرای بین‌الدولین قطع و فصل خواهد شد.

فصل هفتم: باید پس از ورود قمسیون به مکان معین و شروع به گفتگوی امر طوری با مأمورین روس و انگلیس قرار مبنای کار را بدهید که مبادا قبل از آنکه قراری در اطمینان ما از بابت قطور بدهند، مأمورین عثمانی بروند و درهٔ الاشکرد و محال بایزید را از مأمورین روسیه تحویل بگیرند و شما را در آنجا آواره بگذارند و دوچار اشکالات و زحمات گردیده دولت علیه را به زحمت بیندازند، زیرا که اگر قبل از اطمینان از قرار تسلیم کل محال قطور به ما محال بایزید و الاشکرد را از قشون دولت روس تحویل بگیرند دیگر تحویل گرفتن محال قطور از مأمورین عثمانی قرین کمال اشکال و باعث ایجاد زحمات خواهد شد، نباید به اندک غفلت از این نکته چنین موقع مساعد از دست

برود و خدای نکرده ندامت حاصل گردد اهمیت این فقره مستغنی از آن است که من بخواهم شما را منتقل به کل نکات این کار و طرز فراهم آوردن مقدمات حصول این مقصود با مأمورین دول روس و انگلیس و ملتفت نمودن مأمور دولت روس مخصوصاً به این مسئله و ملاحظهٔ اطراف این امر نمایم، شما خودتان باید ملتفت بوده آن طوری که سزاوار دولتخواهی و پختگی و کارآگاهی شما است، اقدامات لازمه را بکنید.

فصل هشتم: در هر امری راجع به مسئلهٔ قطور از هر طرفی که یک اشکالی پیش آید و خدای نکرده عایقی رخ دهد فوراً بدون افاتهٔ وقت مشروحاً به و زارت امور خارجه اطلاع داده به هر دو سفارت دولت علیهٔ ایران در اسلامبول و لندن قلمی دارید و سعی نمایید که انشاءالله هیچ نکته از نکات مهمل و منسی نماند.

فصل نهم: دور نیست که از جمله بهانه‌جویی های مأمورین دولت عثمانی این باشد که دولت عثمانی در قطور سربازخانه و انبار و ابنیه دیوانی دارد و در صورتی که حالا دولت علیهٔ ایران آنجا را ا ز ما مسترد می نماید مقتضی است که تأدیهٔ این خسارت از جانب دولت علیه ایران بشود و طوری ادای این مطلب را نماید که مأمور دولت انگلیس یا دیگری را با خود متفق سازد لکن این معنی محتاج به اغلاق در بیان و اشکال افکار نیست که هرگاه از طرف یکی از دولتین در اماکن متنازع فیها ابداع و ایجاد ابنیه نماید، حکم آن انهدام و تخریب است چه برسد به آنکه دولتی در ملک صریح دولت دیگر ایجاد بنا نماید خاصه وقتی که به آن طورها به تصرف غصب خود درآورده و در حین حمله بردن و غصب نمودن مبالغ خطیر به دولت و اهالی و رعیت آنجا خسارت وارد نموده باشد.

[حاشیه:] اگر چنین حرفی زده خسارت ابنیه بخواهند باید گفت مالیات سی سالهٔ قطور را نقداً عیناً به دولت ایران بدهد آن وقت خسارت شما را بدهد. [دستخط ناصرالدین شاه]

فصل دهم: دولت علیه ایران از روی حق و انصاف حق صریح خواهد داشت که مالیات سنوات و ازمنه که محال قطور در تصرف غصب دولت عثمانی بوده است از روی دفتر و قاعده بدون هیچ گونه عذر مطالبه نماید، در حالتی که انصاف و حقگزاری دولتین واسطه نیزامید کلی بلکه یقین حاصل است تصدیق به این حق صریح که مبالغ

خطیر می‌شود، خواهند نمود. دولت علیهٔ ایران در این باب انصاف دولتین واسطه را مقوی این حق خود در عوض خسارتهای دولتی و رعیتی آنجا در حین غصب قطور و بعد از آن وارد شده است، می‌داند.

فصل یازدهم: مقرب‌الخاقان محمدصادق‌خان امین نظام سرتیپ اول توپخانهٔ مبارکه برای تحویل گرفتن محال قطور برحسب امر قدرقدر مطاع مبارک اقدس همایون اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاه صاحبقران روحنا فداه مأمور گردیده است و با استعداد لازم از قبیل چند فوج سرباز و سوار و توپ و قورخانه هم برای احتیاط و به جهت حفظ نظم آنجا همراه دارد که در نقاط لازمهٔ سرحد گذاشته متمرد را تنبیه نماید لازم است که شما برحسب اقتضای مذاکرات قمسیون او را از تکالیف لازمه قرین استحضار داشته هرگاه صلاح باشد که جمعیت او در سرحد و خودش در قمسیون حاضر شود او را مستحضر دارید که از آن قرار رفتار نماید و به هیچ‌وجه من‌الوجوه از تکلیفات فوریهٔ خود غافل و بی‌خبر نماند.

فصل دوازدهم: محض مزید استحضار شما می‌نویسم که کتابچهٔ راپورت محرمانهٔ درویش‌پاشا را که چاپ شده جناب وزیرمختار روس یک نسخه از آن را برای مأمور دولت روس که در قمسیون خواهد بود فرستاده است و من از بابت استحکام کار ترجمهٔ راپورت خورشید افندی را که در فصل چهارم ذکر شده است مخصوصاً از سفارت روس گرفته‌ام این نکته را خودتان ملتفت بوده به مأمور دولت روس هم حالی نمایید که بداند ما با سفارت دولت روس در این خصوصات کمال اتحاد داریم و به صلاح و صوابدید یکدیگر دستورالعمل داده و از تکالیف طرفین استحضار داریم.

فصل سیزدهم: ضرر ندارد که شما در ضمن به مأمور دولت عثمانی از روی کمال دوستی و اتحاد حالت مودت و یک‌جهتی دولتین اسلام را بر وجه کامل حالی نموده، اظهار دارید که چه ضرورت داعی است شما که ملک ما را لابداً باید در این موقع پس بدهید طوری قرین اشکالات نمایید که بالاخره ملک ما به توسط دیگران به ما برسد و امتنان هم از شما نداشته باشم پس بهتر این است که بدون هیچ گونه اشکال و بهانه‌جویی تمامی محال قطور را به ما تسلیم نمایید که دولت علیهٔ ایران را از دولت عثمانی بدون منت دیگران مسرور و ممنون نموده باشید. هرگاه این عنوان را از روی اساس نموده مأمور دولت عثمانی را از صرافت ایراد و اشکال پیش‌آوردن بیندازید باعث

خیلی تسهیل تکالیف می‌گردد.

فصل چهاردهم: فصولی که در این دستورالعمل درج شده است استخوان‌بندی و بنیان و اساس عمل است دیگر متفرعات و جزئیات که در قمسیون در حین مذاکره ظهور می‌نماید تسویهٔ آن بسته به اطلاعات و بصیرت و کارآگاهی و دولت‌پرستی شما است که انشاءالله از روی قاعده تمام کرده نگذارید صرفهٔ دولت از میان برود یا بهانه و سندی به دست طرف مقابل بیفتد ملاحظه شد.

محل مهر: سپهسالار اعظم مشیرالدوله

[پی نوشت:] ثبت دفتر مخصوص وزارت جلیلهٔ امور خارجه شد.

دستورالعمل مقرب الخاقان میرزا محبعلی
برای تعیین حدود قطور
در طهران

دستور العمل مقرب الخاقان میرزا محمدعلی ناظم دفتر وزارت امور خارجه

مأمور قسمت سوم مرکب از مأمورین جنرال روس و انگلیس و دولت عثمانی

برای تسلیم و تحدید حدود تمام نواحی و متعلقات و دهات

قطور بمأمورین و سرحدداران دولت علیه ایران که [illegible] و بموجب

۱۲۹۵ قرارداد برلن مزبوره سمت انعقاد می یابد

فصل اول

ابتدای این مأموریت را با آن مقرب الخاقان مخصوص صادر نمایند و از

بر این که دولت روس در عوض ولایتی که محال متصرفهٔ دولت عثمانیه از تصرف

غصب خود خلع و کنار کشیده به دولت علیهٔ ایران واگذار می‌نماید تمام

محال بایزید و درهٔ الاشکرد را با تمامی وسعت که دارد به دولت عثمانیه

واگذار خواهد کرد در این صورت با غایة القصوی دقت و کوشش نموده

از طرف شاهنشاهی این مضمون بعمل آمده تقریباً موجب ازدیاد اعتبار

و قرار وقوع دعوی بایزید و دایرهٔ درهٔ قطور مهمی فراموش نموده

تا ما به سرحدات دولت علیهٔ ایران تسلیم و تخلیه نشود و نظر به

بایزید و الاشکرد را با آن وسعت به دولت روس عوض می‌دهد

حال قطعه هستم که از کتاب ضمایم متعلقات قدیمه با تسلیم تحدید

فصل دهم

خطوط اختلاف ایشان در زمان گردش وکلای دول اربعه در مرحله

پلتیس انگلیس و عثمانی برای خطوط سرحدیه در معیت مرحوم مشیرالدوله

تبعه و سرحدات را برای انعکاس شاهراه کوه و اطلاعات کامله

از جمیع مراکزات دایر بسرحدات و آرای مأمورین دول واسطه و ادار

وی دادنیه سرحدات در قطعه‌نامه درویش پاشا در سال ۱۲۶۵

با عنایت رشیه محمد پاشا شیرعلی کرد سرحدیه شرقیه عثمانی غصب کرد

در صحیفه کتابچه مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله سی و پنج قریه بوده حد

بعضی

تفصیل دهی قشلاقها و یورتها و مزرعه‌ها که بابت ترک دادن صرف نظر شد

قصبه قطور	اشتران	ریزس	روایان	پاشاقول
بانه دیرک	چلیک علیا	چلیک سفلی	ترس اباد	کوردر
ساطمانس	قاولیک	هره‌بیس	لال بیت	شرفخانه
سرای	خراب ارک	جبس علیا	جبس سفلی	کت علیا
کت سفلی	مخش	کوله دمک	کورکرت یا کورکره	المالو
بنه وال	قپله لی	قاشقه بلاغ	بیانلو	رلذی
برجیک	دنه جور	کرجیک	هارج	سرانگهر

و با پرانشاءالله بدون آنکه یک سنگ از دره قطور دیار[illegible] قصبه

خاک ایران با غفلت کردو تمام دولت تحدید بر هم شد زیراه دیگر

ملک همسایگی به عذر از برای که که ایران دولت عثمانی باقی نمانده است

فصل سوم

چون درویش پانزد و فراغت از گردش سر حادث تسکین الآن عامه

در حین گردش و کلاه جلال اربعه و رجب به اسلامبولی اوراق محرمانه

از برای اطلاعات آتیه دولت مشار الیها مفصلاً نوشته است و بعد از خرابی

را اوراق مزبور را چاپ کرده‌اند و البته تا در این مدت نسخه

آن را کسی که اهل کمال و نزدیکی قطعه و سلطانی و بعد حسن سلوک

هر یک علیحده جنبه و هر نسخه‌ای از صاحب بار متعلق و جز

قطعه نوشته است برای اطلاع و حفظ احتیاط صورت آن هم هست

حال را در اراده

حال راپورت را در ذیل نگاشته‌ام آنچه مزبوره رزکی رشته

قریه قلعه لو نوشته است و آنچه مندرجه در این راپورت در ده نشان داشت

با اسامی دهات که در کتابچه مرحوم میرزا جعفرخان مشیرالدوله مندرج است

خیلی مختلف است لازم شد مخصوصاً طهرون توقف نمایم که

مقصود را بستانند همین راپورت تمامی دهنه پاره قره‌داغ را از آنها تتبع

نمود و اسامی دهات از این قرار است

نوشته [illegible] مضمون ترجمه راپورت ریشبین صاحب منصب روس

خانه

صورت اسامی قراء و مقدار خانوار قریه‌جات مضافات و زراعت آن که بتصرف

رعایا که مشمول و در سال ۱۲۵۵ از حساب ناصریت منتقل شده است

قطر [illegible]	گواردان [illegible]	کسرلهرک [illegible]	حسن علی [illegible]
حسنستان [illegible]	کلت [illegible]	مجاس [illegible]	زیرکی [illegible]
گوکرت [illegible]	هنه‌وال [illegible]	المالی [illegible]	قراکلی
غاغه لک	استران [illegible]	روادان [illegible]	ترس اوا
گوتروازه	قاسمه و ابدق [illegible]		

بار ۲ الدهی قرائی ده از ناحیه قطور است و بعضی به پاره سببها بتصرف
ایلانیها رفته و در آمده و قبل از استرداد قطور تابع مضافات
بلوک محمودی بوده ولی نواحی سلماس و ملحق بهم است

مال قریه حره
ساخانه

بنده ملك	حمزه تیز	رفیع ساره	رابحی
براق	قورقال	چاور خضر	خرابعوض
اکبر		میرزاکوی	اماورت
قاپلیك		قورجرك	چارطاق

قرانده‌ری بلده حکومت
نفر

اسنجه	پیرکهر	یوسف حیدلکم	زر
اذوپال	تیرورالکه		

فصل چهارم

چون می‌خواهم حتی المقدور از اطراف و زوایای کار قرین استحضار
باشید لهذا محض استحضار نه از لحاظ اینکه نسبت به اشکال تعهد یا عمل [illegible]
متن صورت ترجمه سیاحت‌نامه خورشید افندی کاتب [illegible]
در کمیسیون وکلای دول اربعه در تحدید سرحد دولتین اسلام
[illegible] کمیسیون دولت عثمانیه است و حدود قطور را
بعقیده خود نوشته است بعینه درج می‌نمایم.

ترجمه سیاحت‌نامه خورشید افندی

اسامی دهات قطور که یک چندی در تصرف دولت

راه

ایلات مذکوره در ۴ دسته ۲ منقسم شده است و خانوارهای آنها [illegible]

قصبه قطور [illegible]	لوداران [illegible]	کرلهول [illegible]	محبس [illegible]
جبشی [illegible]	جبشی [illegible]	کلکه [illegible]	ریزی [illegible]
کوکرت [illegible]	هندوان [illegible]	المالو [illegible]	وازلی
عائله لک	اسران [illegible]	روانیان [illegible]	ترس اوا
کوسوار	قره بلاغ [illegible]		

حدود قطور از قرار تفصیل مرقوم در ذیل است

قدری به بعضی از املاک مبارک محمدیه

قدری املاک وزیر و دیهی ده له در تصرف تبعهٔ انگلیس می باشد

قدری به دهات شاهزدگان

قدری بکنار ناحیهٔ الند

قلعهٔ قطوره بر روی قلهٔ تپه واقعه در صحرای وسیع بنا نهاده شده بود

بموجب شرط عهدنامه منهدم گشته است و در دامنهٔ تپهٔ مزبوره :

یک پارچه ده بعد و خانوارهای مذکور فوق تازه است این ناحیه :

علاوه بر هجده پارچه قریهٔ مزبوره فوق بیست پارچه دهات

دیگر هم داشته که تبعهٔ روسی هشت پارچه دهات بهرات

الی ابدا

موسی بیک بیگلربیگی محمودی در وقتی هر ولایت که به دست درآو

بجهه است چنانچه من در متن خود حسین و کربلائی جعفری این شهرها

نوشته‌ام از روی شفاهت و توافق بعضی از آنها را بر بیگانهای

دولت ایران در اسامی ایشان معلوم است فروخته برخی را هم

باشیان رهن و گرو داده چون این دهات تابک شهر

خوی الکی بود که توبه‌شان را الهم انهار ضبط و تصاحب

نمی‌شد بر اینکه خود در تصرف دارند دولت عثمانی

چنانکه معلوم است به اینکه در به اجاره یعنی بیعارت عثمانلو

یورت‌لق و اوجاق‌لق می‌دهند هیچ مرخص نمی‌شوند و چون
در این حالت زد و خوردهای آنها با زارعین حقوق حال رند منظور می‌شود
ناحیه مزبوره در تحت معینی جزو اراضی دولت ایران محسوب می‌گردد
و این امورات در جاهای دیگر هم وصف اینها را می‌نویسیم معلوم
نتیجه همین در این اواخر که حکام والی از منصب حکومت خود
معزول شده‌اند معلوم گشته است جانب قرائن ردوش
هم زور تابع او بوده‌اند از برای انجام مأموریت خود داشت اول
به آن طرف سرحد رفته و از حالات آن ولایت اطلاعات
کامل

که این صحن مغرب و جنوب جمیع نقاط سرحدیه را به تصرف تمام لحظه

کرده از مملکتی موسوم به داغستان طاش عثمانی سرحدی که آن را

و دو بار آزاده بر عهای دولت ایلین منعقد شده است از

تصرف ایشان انتزاع کرده است و حالیه این ولایت تحت

حاکم ولایت حکاری گشته در تصرف با قاجار باشد

این بعض کلمه ترجمه رساله خورشید افندی است

در اداره دولت متبوعه خویش ذی‌شأن است

تنها محض اطلاع درج شد

فصل پنجم

در قراری که در سفارت دولت روس در طهران اظهار شده بود
جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک که بسمت مأموریت از جانب
دولت علیهٔ ایران در مجلس کنگرهٔ برلین حاضر بوده سؤالی کرده بودند که
منظور دولت علیهٔ ایران در مسئلهٔ قطور چه چیز است و عبارت از چه چیزها
میباشد جناب مشار الیه در جواب مأمورین دول حاضره در کنگره
گفته بوده است مقصود دولت علیهٔ ایران همان مقرراتی است که در پاریس
وکلای دول اربعه در مجلس ارضروم مطرح مذاکره نموده است
و دولتین هم بواسطهٔ این حرف جناب ناظم الملک نخواهند

آن جزیره و پارچه قسمت را که مخصوصاً به اسم محال قطر معروف است

بلی و اگر زباره یعنی مأمورین عثمانیه با بن ثانی شیخ قطر و قرار متعلقه به بلد حسن

و ساختمانهای بلاد آنها هم متعلق به قطر، و در شیک قره دیگر مرتع

واقع شده‌اند از قطر موضوع و مستثنی دارند چنانکه قریه مزبوره با کلیه

به طور قطعی و عادی جزء ساختمانهای است از قدیم الایام جزء قطر و محال قطر

اشتهار عمومی دارد و اگرچه منهم در جواب سفارت ایران

بالصراحه گفتم و در ثانی معهود تعهد و شبهه نمیکنم اسم در علام

و ساختمانهای قریه معتبر از قرار متعلقه به قطر میپیمان متنازع است

حجر ۱۱

چند پارچه دهات گوکجه نخجوان را با گوکجه با کماس را به آنها.

نسبت می‌دهند و روسی هم رشته دره قطور مرکز معروف و مشهور است و اصلاً

جزو ضمیمه نیست ولیکن تصرفات روس هم در اختصاص خاک ساعدت

در این باب‌ها می‌شود و مأمورین خودشان حالا که به له خود دستم ۲ هم از این قضیه

مستحضر باشید که اگر جایی این الله را از مأمورین عثمانی شنید قبل از وقت با خبر

از روی اطلاع جواب بدهید

چیز دیگر در ضمن دست‌آویز مأمورین عثمانی به اعتقاد خودشان در ادعای

این قصه از اهالی قرادش این است که بگویند یک نوعی حالت علیحده ایشان

این است که در دویست سال قبل قطور را غصب نموده و چیزی نبود که او غصب کرده

همین هجده پارچه ده متعلق به قطور است که به موجب قرارنامه ارض‌روم منضی شده در بین

دولت عثمانیه و ایران اتفاق می‌دانند در کل عهدنامه سلطان

را به خود عثمانیها تمکین استناد خود قرار داده‌اند چیزی که به دولت در این سرحد اسم می‌برم

تنها قلعه قطور قدیم است الآن هم که شکسته قلعه مزبور خراب شده در حقیقت اسم

و میرزا بزرگ بر جمعیت مملکت دولت علیه ایران است و از صد در آن ده

و سه قسمت از دو حد جای ساکنین دیگر شده است زیاده این ملک دهات

نوشته‌شان در دره مزبور و آن جزو ولایت قطور است و ایران گرفت

الی محمد

رسم علیحده برای نشستن در ضمن عهدنامه درج شود   علاوه بر این لوای آن عهد [?]

الحق است در قطور که آنجاها هر جا متعلق به ایران است در تصرف عثمانی

و لازم الرد است خاصه در وقتیکه با غضب که همه مأمورین آنها را در حین

قدرت اغفال و غصب مهیا باشند

علاوه بر این محض تقویت شد در کمیسیون و همراهی با آنچه مأمورین دولت روس

باشد لهذا از هر مذاکره لازمه با جناب مسیو زینویف وزیر مختار روس

واداشتم جناب مشارالیه را راپورت مفصلی در این خصوص صادر داشته و رسم

حرف ناظم الملک در مجلس کنگره برلین به وزارت امور خارجه

دولت روس نوشته در آن وقت آن را از برای جناب معین‌الملک

سفیر کبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول ارسال داشته یعنی مصحوب همین چاپار

فرستاده‌ایم ملاحظه نموده استحضار حاصل خواهید کرد و نشد از آنجائی که

از روی کمال قوت قلب و بصیرت در تفتیش مذاکره و حقوق قدیمه

با همه دولت علیهٔ ایران را استیفا خواهید نمود

فصل ششم

باید تحصیل مراقبت را در تفتیش بعض آن در سرحد دیگر بعض شرایط

دیگر که دلالت از جانب مأمور دولت عثمانیه الان و از جانب ما قید نشده

باشد

شده شرط قرار شد که بعد قلعه‌ها خراب بشود یا قلعه قدیم قطور آباد شود

یا املاک قریه و زراعت را کسی از اهالی آنجا متصرف باشند بنیه برقرار

یا در آن الکا استعداد عسکری بنا بر گذاشته شود یا جائی از برای انبار قورخانه

و مکان سرباز مخصوص جمع شود و قس علی هذا ابنیه هیچیک از این قسمت‌ها اجازت

تمکین نباید   چراکه مشاهده می‌شود در وقتی که مال قطور را غصب کردند

در اینجا متصرف غصب نه آنکه بود بنای قلعه و انبار قورخانه و قشله بنا نمود

و استعدادات محکمه نهادند و قشون و سرباز خود در اینجا گذاشته

حتی علامت سرحد نصب کرده و در واقع در نظر هر عاقل بصیر و آزموده

با خبر اهل علامت به تاریخ ١٢٦٥ لقب نموده‌اند دیگر صریحاً

بر تصرف جدید و نصب بعض ابنیه است بدون آنکه بدست مالک صحیح

عودت نیز بطریق اولی پاره اسباب حفظ آنجا را فراهم نماید

خاصه پس از ظهور این حرکت جدیده که در عقب آنجا به اهل حرکت از

ما را دعوت صریح بغیر اینهمه لوازم حفظ سرحدات و عدم اطمینان

به همجواری مأمورین دولت عثمانیه است محض اینکه تا تعیین

الحین سرحد قطعی بشود بطوری در محال قطور تصرفات ملکیه

مستقله به لوازم حقوق از معنی و مجری بدارد و هر گونه دعاوی

ملکیه نیز در مدت غیبت در آنجا ماهی رعایای خلاف در محال قطور

[illegible]

در طی عهود منعقده شده و معاهده به انجام مرعی الاجرا پس از آن تسلیم قطع و حصر

خواهد شد

فصل هشتم

باید پس از ورود قشون به مکان معین و شروع گفتگوی امر

تحدید با مأمورین روس و انگلیس قرار بنای کار را بر این گذاشته که مبادا

قبل از اینکه قراری در اطمینان ما در باب قطعه بر هم شد مأمورین عثمانی

بر فتنه و دزده دلالت لشکر و قبائل باز بر سپاه مأمورین روسیه تحدید مرز

و نیز ما را در اثنای آن دوره کمتر از دو چهار اشکالات و زحمات

گردیده دولت علیه را از جهت تنبیه ایشان نپندارند زیرا که لااقل قبل از اطمینان از

قرار تسلیم کردن محال قطور به محال بایزید و الاشگرد در ازاء قشون

دولت روس تخلیه نپذیرد دیگر تخلیه کردن محال قطور از مأمورین عثمانی

قرین کمال اشکال و باعث ایجاد زحمات خلاف بیاید به لذا که

غفلت از این نکته چنین مرقوم سرعسکر از دست بدهد و ضرری نگردد

نه است حسن تعهد و هیئت این فقره مستغنی از آن است بر نخواهد

شد را متعلق نگذاشت این کار و طرز فراهم آوردن مقدمات

حصول این مقصود با مأمورین دول روس و انگلیس و تبلیغ نمودن

مأمور

تا مورد لطف و پرسش مخصوص پادشاه شده و ملاحظه اطراف آیین مرام

نه تنها از ملتفت به نظری در برادر شکوه‌ها و تحقیق و کار آگاهی

شده است قواعد آن در سرگوشه

فصل هشتم

در هر امری سالم به منزله تصور در هر طرف که شیء انگشت پیش آید جدا کنیم

عاشق رخ دهد فرزانه و دل افتاده وقت شرح خانوادگی امور خارجه

و اطلاع ما به سیره و سفارت دولت علیه ایران در اسلامبول و لندن

قسمی دارید و بعضی ثبت شده است و ما هیچ تکیه از کتاب عهد و قسم نیز

فصل هشتم

دولتین از جمله بهانه جوئی‌های مأمورین دولت عثمانی این شد که دولت
عثمانی در قطور سربازخانه و انبار و ابنیه و دیوانه دارد و در صورتیکه عاید
دولت علیه ایران این کارها را از ما مسترد می‌نمایند معترض است که تأدیه‌ای
خسارت از جانب دولت علیه ایران بشود و طوری ادای این مطلب بشود
که مأمورین دولتین انگلیس یا دیگری سوای خود تفتیش نمایند که این ابنیه محتاج
به اطلاق در بیان و اشکال گفتار نیست که هر گاه از طرف یکی از دولتین
در اماکن متنازع فیها ابداع و ایجاد شده نیز حکم آن انهدام و تخریب است

[illegible]

چون بنا بانکه دولتین در ملک صریح دولت دیگر ابکار بنا نماید خاصه قرب سرحد بالمره

متصرف غصب خود قلمداد کرده و در این همه بعد از غصب تصرف مسائل خلل

بدولت و اهالی و رعیت آنها خسارت واقع میشود

فصل دهم

دولت علیه ایران از روی حق و انصاف حق صریح خواهد داشت که

مالیات شتلاق و [illegible] قطور در تصرف دولت عثمانیه

بعد از این [illegible] هیچکدام [illegible] مطالبه نماید در حالتیکه

انصاف و حقگذاری دولتین [illegible] کاملا تحقیق حاصل است تصدیق

به این حق صریح مسبب نسخ خفیه می‌شود خواهند نمود دولت علیه ایران در باب
انصاف دولتین و به اطلاع معنوی این حق خود در عوض خسارتهای دولتی و عسکریه‌ای که
در حین غصب قطور و ابراز آن وارد شده است می‌داند

فصل یازدهم

مستوفیان عهدنامه صادق این نظام ترتیب اخیر تو به نسبت به اینکه برای تحریر
گرفتن حماک قطور برحسب امر قرار قرار مسطور بنا بک گرفتن بدون اخطار عهدنامه
قشون ترک شاه صاحبقران خیمه فراه نامور گذیره است و با استعداد
لازم از دستیابی خندق حربار و دیوار و توپ و قورخانه هم برای احتیاط
بماند

حفظ نظم آن با همسر او دارد که در تعادلات به حلول که اشتباه نشود

شبیه نیز لازم است در شمار حساب اشخاص هر اکرست قشون اورا

ذکر تکالیف لازمه فوج استحضار داشته بر کاه صلاح من جمعیت او

در سر صد و خود شش در قشون حاضر شود او در احضار دار به از ادراد تقرار

نیز و هیچ چه من الجمع در تکلفات قرینه خود غافل و بی خبر نه

فصل دوازدهم

عرض میرزا احضار شما می‌نویسم که کتابچه را نوشت محرمانه در دو نسخه باشد را

در چاپ شده جناب وزیر محاربه رسید یک نسخه از آن اولی

مأمور دولت روس که در قیتون خواهد بود فرستاده است و منت

استحکام کار ترجمه راپورت خورشید افندی را که در فصل چهارم

ذکر شده است مخصوصاً از سفارت روس گرفته‌ام این نکته را اتفاق

ملتفت بشوید به مأمور دولت روس هم لازم نیست که در برابر ما با سفارت

دولت روس در این خصوص که ما اتحاد داریم و اصطلاح و صورت

بگیرید دستورالعمل بدهد و از تکالیف طرفین اختصار داریم

فصل شانزدهم

فصل شانزده شما در ضمن مأمور دولت عثمانی از روی کمال دقت

دارند

و اظهار مراتب مودت و تحبیبی پیش اسلام پناه بر وجه کاملی

نمیتوان روا دید که چه ضرورت داعی است شما پیک را الا بدا آ

در این موقع پس بر بیهوده طوری قرین انصاف است نیز در بالا ذکر شد ما

توسط دیگران با این دوستان هم ارتباط نداشته باشیم پس بهتر

این است در بدون هیچگونه اشکال و بهانه جزئی تمامی ممالک قطعا را

باشیم تا در دولت علیه ایران از دولت عثمانی بدون نشت

دیگران مسرور و ممنون خواهیم باشیم هرگاه این عنوان سال

نزد وی اساس نمیخواهد مأمور دولت عثمانی از طرف ایلچی

و انگاه شب اول مسیند نیز باعث جمع تهیه تکلیف می‌گردد

فصل چهاردهم

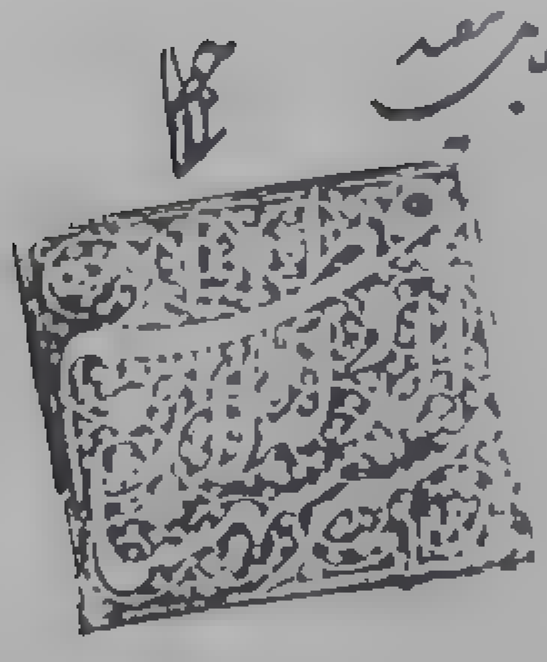
فصول و درهای دستورالعمل درج شده است استخوان بندی و بنیان

و اساس عمده است که دیگر متفرعات و جزئیات و در مستوی قدمی

مذاکره خواهد شد نوع آن بسته باطلاعات و بصیرت وکلای آراکی

و دولت پرتی شناخت نخست و اندوی قاعده تمام کرده کند از نظر حرکت

از میان بردن یا تمامه و نسبتی است طرف تقدیم بشود



[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۰۲
موضوع: محال قطور
تاریخ: ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۱۲/ع

دستورات وزارت خارجه امین نظام مأمور قطور

هو

خوی امین‌نظام، ۲۵ ذیحجه

در باب مال مکاری که برای قورخانه و اصطبل و بند گرفته‌اید، البته لازم است به نواب عمیدالدوله تلگراف کردم .که پول بدهد از او بگیرید.

ایضاً

از فقرهٔ تنبیه اکراد اشرار و دفع و قلع و دستگیر کردن آنها به شرحی که نوشته بودید در جلگه سلماس واقع شده خیلی خوب شده جای کمال تمجید است که متجاوز و شریر را در خاک مقدس دولت علیه این طور تنبیه نمایند، بر شما و بر قشون مقابل آنها از قول من به آنها تحسین نمایید.

ایضاً

از سواد ترجمهٔ جواب والی وان مستحضر شدم، سریعاً یک کاغذ دیگر به او بنویسید که از باب عالی به سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول رسماً اعلام نموده‌اند که ما به ایالت وان تعلیمات فرستادیم محال قطور را به مأمورین ایران تحویل بدهد و سفارت کبری هم به اولیای دولت ایران اعلام رسمی باب‌عالی را اطلاع داده تلگراف نموده است با این حالت می‌توان یقین کرد تا حال تعلیمات قطعی به شما نرسیده باشد، زمستان در پیش است و باب‌عالی هم اعلام رسمی کرده است، با نهایت دوستی سریعاً منتظرم قرار تحویل دادن محال مزبور را بدهید و این کاغذ را زود از برای والی وان بفرستید و جواب بخواهید، هر جوابی که از او رسید فوراً مرا مستحضر دارید. الان هم تلگراف مجدد در این خصوص به سفارت کبرای دولت علیه در اسلامبول کردم.

ایضا

به جناب صاحبدیوان تلگراف کردم علاوه بر سواری که دارید یک صد و پنجاه سوار دیگر سریعاً به اردوی شما ملحق نمایند.

نامهٔ وزارت امور خارجه به خوی، امین نظام، مأمور قطور

۲۳ شهر ذی‌حجه ۱۲۹۵

از اسلامبول تلگراف رسید که برای تحویل دادن محال قطور به والی وان تعلیمات مجدد فرستاده‌اند که تحویل بدهد و شما باید بروید تحویل بگیرید. نمی دانم جواب کاغذ شما از والی وان رسیده آدمی که فرستاده بودید برگشته است یا نه زود خبر بدهید و هرچه واقع می شود زود به من و به سفیرکبیر ما مقیم اسلامبول خبر داده منتظر دستورالعمل بشوید، یعنی از وقوعات والّا به جهت رفتن و تحویل گرفتن قطور احتیاج به دستورالعمل مجدد ندارید.

عرایض نظام

۱۳۲۵

در باب بعضی مطالب که دیروز در باره آنها به عرض رسید که در تلگراف لازم است جواب
عمیدالدوله تلگراف کردم مرحمت [illegible] اراده کنید

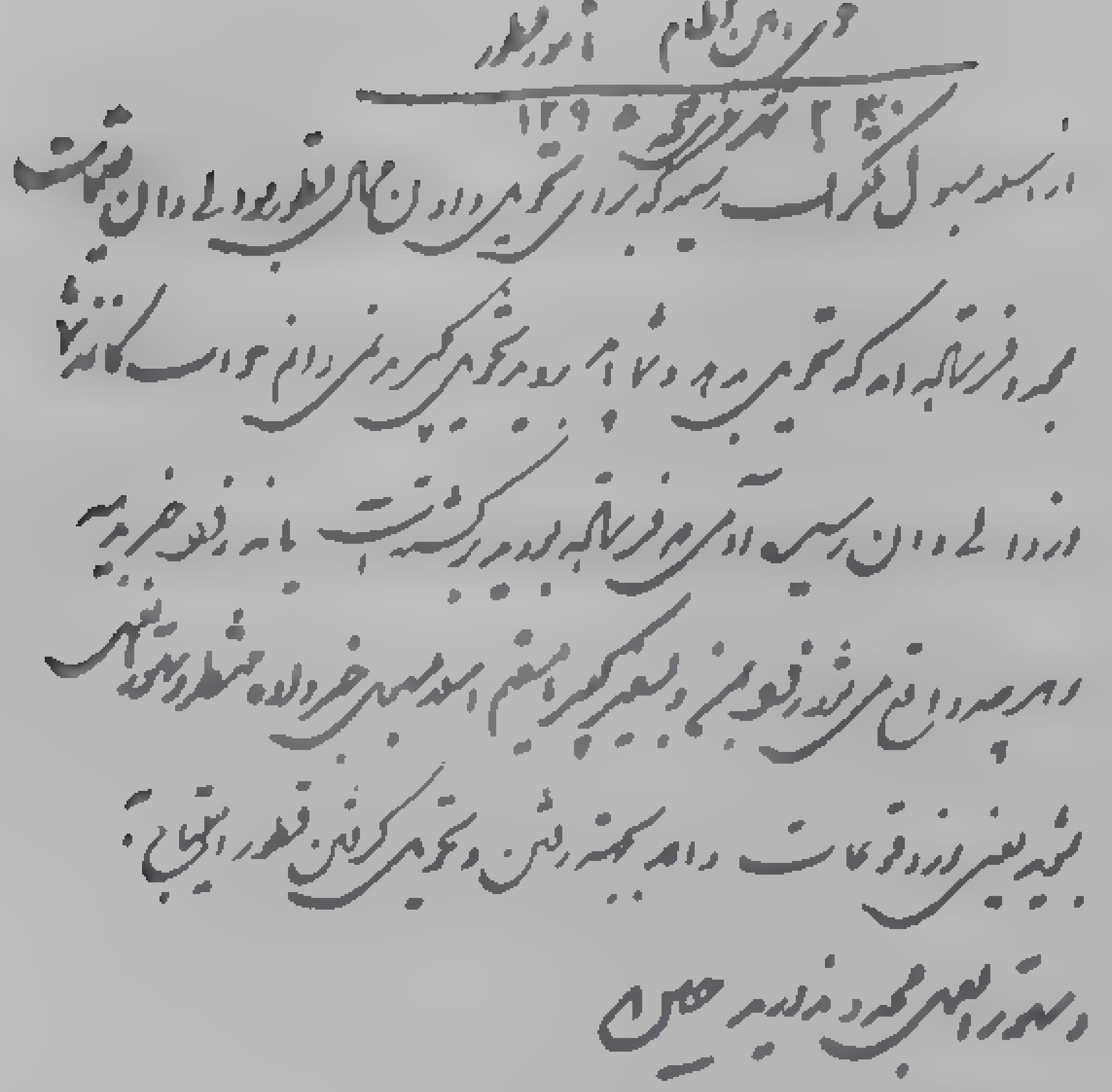
الف

از قرار خبرهای شیراز افراد اشرار و رفع و قلع و دستگیر کردن آنها شروع شده [illegible]
در محله بهارلو واقع شده خیلی خوب شده و جای تعجب است [illegible] اشرار را
در خاک مقدس دولت علیه [illegible] شیراز [illegible] و در قبول مقاصد آنها
از حق به آنها تمکین نماید

الف

در خصوص رفتار [illegible] متضرر شده‌ام سفارت انگلیس که نه دیگر [illegible] نوشته
در این باب سفارت انگلیس دولت علیه ایران [illegible] حضرت اشرف اعلام شده
در باب [illegible] و مستقیم [illegible] مأمورین ایران [illegible]
[illegible] سفارت [illegible] دولت ایران اعلام [illegible]
اطلاع دولت تلگراف شده است [illegible]
قطعی [illegible] زمستان [illegible] است [illegible] اعلام [illegible] کرده است
با نهایت [illegible] محل [illegible]
[illegible] اراده [illegible] جواب [illegible]
فوراً [illegible] متضرر [illegible] الان هم تلگراف کرد در این خصوص سفارت

[illegible]


۱۲۹۵

شمارهٔ سند: ۲۰۳
موضوع: سرحدی قطور
تاریخ: ۱۳ محرم ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

سواد یادداشت وزارت خارجه که به سفارت کبرای دولت عثمانی نوشته شده

چنانچه خاطر محترم جناب جلالت‌مآب ایلچی کبیر دولت علیهٔ عثمانی قرین استحضار هست مدتی است مأمور دولت علیهٔ ایران به موجب عهدنامهٔ امضا شده برلن و وعدهٔ صریح باب‌عالی برای تحویل گرفتن درّه و محال قطور که به تصرف غصب مأمورین عثمانیه گذشته بود به خوی رفته و در آنجا معطّل است و والی وان به استناد آنکه هنوز تعلیمات تحریری به او نرسیده است در ردّ و تسلیم آنجا تعلل می نماید، علاوه بر این به موجب تلگرافی که دیروز از مأمور دولت علیهٔ ایران رسیده اهل قطور آدمی نزد او فرستاده و تظلم کرده‌اند که مأموری از ولایت وان آمده یک هزار گوسفند و یکصد رأس گاو و چهل خروار یارمه* مطالبه می‌نماید و خیلی در این مطالبه که ابداً موافق قاعده و معمول و حساب نیست سخت گرفته مردم قریب به فرار می‌باشند، وزارت جلیلهٔ امور خارجه از روی لزوم با کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است که زحمت قبول فرموده به توسط تلگراف والی وان را از این اقدام ممنوع دارند. زیرا که این اقدامات باعث آن خواهد بود که محال مزبور خالی از سکنه و مخروبه گردد و هرگز انصاف و حقانیت جبلی جناب جلالت‌مآب معزی‌الیه راضی به این فَقره نخواهد بود و اولیای دولت علیهٔ ایران نیز نمی‌توانند خود را به این فقره راضی نمود، چون همواره جناب جلالت‌مآب معزی‌الیه از فرط حسن‌نیت و خیرخواهی طرفین همت سفیرانه خود را به رفع هرگونه مشکلات مصروف می فرمایند و رجای واثق هست که به این واسطه هیچ گونه مشکلی در میانه نماند. لهذا امیدوارم در این باب نیز همت کاملهٔ خود را دریغ نفرمایند.

۱۳ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۹۶

* به معنی گندم، بلغور، گندم نیم کوبیده

سواد تلگراف وزارت خارجه که در خوی به امین نظام شده است

والی وان به جناب سفیرکبیر دولت عثمانی تلگراف کرده است که اصلاً و ابداً گاو و گوسفند و جنس از اهل قطور مطالبه ننموده است و حبّه و دیناری حواله نداده است شما هم نوشته بودید منع آن بخوبی مقدور است و استفسار کرده بودید که تحریراً می‌توان منع کرد یا خیر، بلی شما تحریراً می‌توانید اهل قطور را مستحضر دارید که حبّه و دیناری به مأمورین عثمانی ندهند، ولی به طور معقولیت جواب بدهند، و اگر والی وان فرضاً چیزی حواله کرده باشد به هیچ وجه قبول نکنند. فی ۱۹ محرم سنهٔ ۱۲۹۶

سواد تلگراف که به امین‌نظام مأمور قطور شده است
۲۹ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۶

الآن تلگراف ۲۹ شما رسید دو تلگراف شما هم پریروز رسیده بود. که دیروز صبح جواب مفصل هم البته تا حال به شما رسیده است. در باب رفتن از راه سلماس یا راه دیگر به قطور به خودتان اختیار داده بودم که از هر راه زودتر می روید و صلاح می‌دانید بروید به صاحب‌دیوان هم برای پول و سوار تأکید کرده‌ام که زود به شما برسانند، انشاءالله فردا بروید در کمال دوستی محال قطور را تحویل بگیرید در جواب کاغذ مدیر آنجا و به کدخدایان آنها خوب کردید، امیدواری نوشتند گوسفندها را هم که نزد مدیر است مخصوصاً خودتان دقت کامل نمایید که به دست صاحبان آنها برسد و به کُل مردم مهربانی و دلجویی نموده، امیدواری کامل بدهید، از کاغذ وزارت خارجهٔ عثمانی به شهبندر خوی که نوشته بودید مستحضر شدم پس از آنکه ملک مال ایران است رعیّت آنجا را احدی نمی‌تواند تصاحب نماید خاصّه وقتی که از شما مهربانی دیدند. اعتنا به آنها نخواهند کرد، خیلی لازم است بعد از ورود قطور هرچه واقع می شود بنویسید به آدم مخصوص بدهید به خوی آورده تلگراف نماید.

از خوی به امین‌نظام ۲۲ صفر سنهٔ ۱۲۹۶

راپورت سه‌شنبه ۱۹ رسید، آفرین به شما که زود اطلاعات می‌دهید عجب است که با وجودی که قمسیون تحویل قطور دو روزه وعده کرده‌اند، هنوز حاضر نشده‌اند و ازین عجبتر این است که مأمورین عثمانی می خواهند صاحب‌منصب و نظام در بعضی نقاط

قطور بگذارند. شما مخصوصاً و معجلاً مأمور معقولی نزد والی وان بفرستید بگوید اولاً با وجود وعده‌های صریح باب‌عالی و سفارت کبری و خود شما قمسیون تحویل دادن قطور حاضر نمی شوند. با آنکه هرچه از ذخیره ومال میری بود و خواستند در کمال دوستی دادم و مدتی است منتظر مانده‌ام، جهت این تعویق چیست علاوه بر این می خواهند در فلان نقطه نظام و صاحب‌منصب بگذارند و حال آنکه ما قطور و درهٔ قطور را تا فلان محل می دانیم و هنوز قمسیون تحدید قطور حدود آنجا را معین نکرده است. در این صورت ابداً مقتضی نیست که قشون از طرف شما در اراضی قطور گذاشته شود، یعنی تا وقتی که تعیین حدود آنجا نشده باید از قشون طرفین خالی باشد، هرگاه شما قشون بگذارید بر انصاف و قاعده‌دانی خودتان واضح است که ما هم لابد می شویم قشون ونظام بگذاریم و این فقره منافی آن همه موافقت ما و دوستی و اتحاد حقیقی است. و هرگاه فی الواقع نظام بگذارند شما هم به قدر اندازه نظام باید بگذارید و این اظهارات را هم در کمال دوستی با والی بکنید و زود از نتیجهٔ آن مرا مستحضر دارید. از رسیدن آذوقه خیلی مسرور شدم عنقریب نان پخته و آذوقه به شما می رسد آسوده باشید.

از خوی به امین نظام ۲۲ صفر ۱۲۹۶

تلگراف شما که مشعر به ورود قطور و حسن سلوک و مراوده با مأمورین دولت عثمانی و اهالی آنجا و حفظ طریقه دوستی دولتین اسلام و ردّ کردن ذخایر میری به مأمورین عثمانی و وارد شدن به خوشی و خوبی بود رسید، مایهٔ نهایت خشنودی و مسرّت گردید. بدیهی است با مأمورین دولت دوست و با اهل قطور که رعایای قدیم دولت علیهٔ ایران می باشند همین طور باید رفتار کرد، من‌بعدها این شیوه از طرفین باید مرعی شود و انشاءالله به طوری که مأمورین قمسیون تسلیم کردن قطور وعده کرده‌اند دو روزه اجازه از وان حاصل کرده بیایند و آنجا را به شما تحویل نمایند. آمده‌اند و با کمال دوستی و مودّت کلیّه درهٔ قطور را از قرا و مزارع و ساطمانیس* و غیرها بدون استثنا تحویل کرده‌اند. و اگر خدای نکرده نیامده باشند، اولاً زود اطلاع بدهید. و ثانیاً به موجب حکم صریح باب‌عالی مطالبهٔ رسمی نموده با کمال خوبی جواب ردّ یا قبول گرفته از جواب

* ساطمانیس (ساتمانیز): نام محلی در مغرب قطور و امروز جزو خاک ترکیه است.

آنها اطلاع دهید، زیرا که مقدور نیست زیاده براین تأخیر در ردّ آنجا و تعویق در اجرای حکم صریح باب‌عالی و تقاعد در اجرای عهدنامه امضا شدهٔ برلن و معطلی شما و مأمورین ایران شود. البته انشاءالله بزودی مرا از مآل کار اطلاع دهید تا تکلیف معلوم شود.

ایضاً

در باب مواجب سنواتی سوار ماکو و نان از برای اردوی شما و جنس از برای جیره و علیق سرباز و غیره مؤکداً به جناب صاحب‌دیوان و حضرت ولیعهد دام اقباله و عمیدالدوله تلگراف شد که بلاکلام سریعاً به شما برسانند از این بابت آسوده باشید از مواظبت و اقدامات صحیحهٔ شما خیلی راضی هستم.

سواد یادداشت بسفارت کبرای دولت عثمانی نوشته شده

چنانچه خاطر محترم جناب جلالتمآب ایلچی کبیر دولت علیه عثمانی قرین استحضار است مدتی است مأمور
دولت علیه ایران بموجب عهدنامه امضا شده برلن و وعده صریح بابعالی برای تحویل گرفتن دره
و محال قطور که در تصرف غصب مأمورین عثمانیه گذشته بود بتحویل رفته و در آنجا معطل است
و والی وان به استناد اینکه هنوز تعلیمات تحریری باو نرسیده است در رد و تسلیم آنجا تعلل
مینماید علاوه بر این بموجب تلگرافی که دیروز از مأمور دولت علیه ایران رسیده اهالی قطور
که میرزا او فرستاده و تظلم کرده‌اند دو مأموری از ولایت وان آمده یک هزار گوسفند
و تصمیم آس کاه و دهی خروار بار مه مطالبه مینماید و جنس در این مطالبه دولت ابدا موافق قاعده
و معمول و حساب نیست سخت گرفته مردم قریب بفرار میباشند وزارت جلیله امور خارجه
از روی لزوم با کمال احترام زحمت افزا و خواهشمند است در زحمت قبض فوری بتوسط تلگراف
والی وان را از این اقدام ممنوع دارند زیرا که این قرارات باعث آن خواهد بود که محال مزبور
خالی از سکنه و مخروبه گردد و هرگز انصاف و حقانیت جبلی جناب جلالتمآب معزی الیه راضی باین فقره
نخواهد بود و اولیای دولت علیه ایران نیز نمی‌توانند بعدها باین فقره راضی شوند چون همواره جناب جلالتمآب
معزی الیه از فرط حسن نیت و خیرخواهی طرفین همت سفیرانه خود را برفع هرگونه مشکلات مصروف
میفرمایند و رجای واثق هست که بتوسط هیچگونه مشکلی در میانه نماند لهذا امیدوارم در این

[illegible]

سواد تلگراف است
در جواب امین نظام نوشته است

والی وان بجناب سفیر کبیر دولت عثمانی تلگراف کرده است که دوصد و اندی گاو و گوسفند و جنس
از اهالی قطور مطالبه نموده است و حبه و دیناری حواله نداده است تا ما نوشته بودیم منع آن بخوبی
مقدور است و استفسار کرده بودید که تکراراً می کنند منع او با خیر باید تا تکراراً می نمایند
اهالی قطور را مستحضر دارید که حبه و دیناری بمأمورین عثمانی ندهند و بطور معقولیت جواب
بدهند و اگر والی وان فرضاً جبری بکند که بآن بهیچوجه اعتنائی نکنند ۱۹ محرم سنه ۱۲۹۶

سواد تلگراف نایب نظام مأمور قطور رسیده است

۲۹ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶

الان تلگراف ۲۹ شهر رسید و تلگراف ۲۶ هم پریروز رسیده بود و دیروز صبح جواب معروض داشتم

البته تا حالا رسیده است در باب رفتن از راه سلماس یا راه دیگر به قطور تحقیقات

اکید کرده بودم هم از هر راه زودتر می‌رسیدم صلاح می‌دانستم [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] که گفته بودم هم زودتر [illegible] ان‌شاءالله فردا [illegible]

محال قطور را تحویل بگیرم در جواب کاغذ میرزا [illegible] خدایار خان [illegible] جواب کرده

امیدواری نوشته که [illegible] اسم هم [illegible] مخصوصاً خود [illegible]

[illegible] صاحبان انها [illegible] امیدواری [illegible]

از کاغذ وزارت خارجه عثمانی [illegible] نوشته بود [illegible]

ملک مال ایران است رعیت انها را اصلاً نمی‌توانند [illegible]

خاصه وقتی که از [illegible] ماهها [illegible] ابدا با انها نخواهند کرد [illegible] است

[illegible] قطور هر چه [illegible] مخصوص [illegible]

آورده تلگراف ۷ [illegible]

از خوی به امیر نظام ۲۲ صفر ۱۲۹۶

راپورت یکشنبه ۱۹ رسید آفرین بشما در زود اطلاعات می‌رسانید عجب است با وجودی که کمیسرهای تحدیدی قطور در روزنامه وعده کرده‌اند
هنوز حاضر نشده‌اند و از این عجب‌تر این است که مأمورین عثمانی می‌خواهند صاحب منصب و نظام در بعضی نقاط قطور بگذارند
[illegible] معتقد [illegible] والی وان [illegible] اولاً با وجود وعده‌های صریح ایلچی و سفارت ترکی
[illegible] کمیسرهای تحدیدی حالا قطور حاضر نمی‌شوند اگر هر چه زود [illegible] و مال [illegible] در حال
[illegible] است منتظر [illegible] این تحریک حیث عده‌ها را هم می‌خواهند در [illegible] نقطه
نظام و صاحب منصب بگذارند [illegible] قطور و دره قطور [illegible] میدانم و هنوز
کمیسرهای تحدیدیه قطور حدود [illegible] است در این صورت ابداً مقتضی نیست که قشون از طرف ما
در اراضی قطور گذاشته شود حتی تا وقتی تعیین حدود آنجا نشده باید از قشون طرفین خالی باشد
هرگاه شما قشون بگذارید [illegible] واضح است ما هم لابد می‌شویم قشون
و نظام بگذاریم و این [illegible] منافی آنچه قرار [illegible] و اسباب [illegible] حقیقی است و هرگاه فی الواقع
نظام بگذارند تمام تقصیر [illegible] نظام [illegible] بگذارید و این اظهارات را هم در کمال [illegible] به والی [illegible]
و زود از نتیجه آن مرا مستحضر دارید از رسیدن آذوقه [illegible] خوشوقت [illegible] عنقریب [illegible]
[illegible] الحمدلله باشید

از خوی به امین نظام

۲۲ صفر ۱۲۹۶

تلگراف شما مشعر بر رد قطور و حسن سلوک و مراجعه با مأمورین دولت عثمانی و اهالی آنجا و حفظ طریقه دوستی دولتین اسلام
و رد کردن ذخایر سربی مأمورین عثمانی و وارد شدن تحویلی و خوب بود رسید باعث نهایت خشنودی و مسرت گردید بدیهی است
با مأمورین دولت دوست و اهالی قطور هم رعایای قدیم دولت علیه ایران می‌باشند همین طور باید رفتار کردن بعدها
این شیوه از طرفین باید مجری شود و انشاءالله بطوری که مأمورین مسئول تسلیم کردن قطور وعده کرده اند تا روز ده اجاره
از دوان صاحب کمه بیاینه وای را بشما تحویل نمایند آمده اند و با کمال دوستی و مودت کلیه دهات قطور را از قرار
و مزارع و سایر مکانی و غیرها بدون استثنا تحویل گرفته اند و اگر صدای یکی نیامده باشند اولا زود اطلاع بدهید
ثانیا به موجب حکم صریح بابعالی مطالبه رسمی نموده با کمال خوبی جواب رد و تعقیب گرفته از جواب آنها اطلاع دهید
زیراکه مقدور نیست زیاده بر این تأخیر در رد آنها و تعویق در اجرای حکم صریح بابعالی و تعهد در اجرای عهدنامه
امضا شده برلن و معطل شدن مأمورین کل شود البته انشاءالله بزودی مرا از آن کار اطلاع دهید به تلگراف

مطلع کنید

ایضاً

در باب مواجب سربازانی بود از کوهان زیادی ارادی ثانی و جنس زیادی جیره و علیق سرباز و غیره مرکز آن جناب
صاحبدیوان و حضرت ولیعهد دام اقباله و حمید الدوله مدظله شده اند که کلام هر کدام برسند از آن جناب
البته باشید از مراتب واقفیت صحیحه تا غیاب راضی باشم

شمارهٔ سند: ۲۰۴
موضوع: مسئلهٔ قطور
تاریخ: ۱۷ ذیحجهٔ ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده:

نامهٔ فخری‌بیگ سفیر عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

دوستدار فرمایشهای مطاعه علیه اعلی‌حضرت اقدس همایون پادشاهی دام ملکه و سلطانه را با همان الفاظ گهربار به واسطهٔ تلغراف در مسئلهٔ تعیین حدود قطور به باب‌عالی ابلاغ نمود، اکنون جواب تلغرافی از وکلای عظام دولت علیه رسیده است که موافق اظهار سفارتهای دولتین فخیمتین انگلیس و روس مقیمین اسلامبول چون وقت و موسم گذشته است حل مسئلهٔ مزبوره را می‌بایست به سال آینده قرار داد، زیرا که بی‌حضور و توسط مأمورین دولتین مشارالیها محال می‌نماید که امری میان هر دو دولت علیهٔ اسلام انجام‌پذیر باشد، والّا از طرف باب‌عالی مضایقه وتقاعد نیست. زیاده زحمت است.فی ۱۷ ذیحجه ۱۳۰۰

مهر فخری‌بیگ

جناب جلالتمآب دولتمآبا اگرچه در کاغذ تعریف یادداشت در شرح تاریخ ۵ ... شهر شوال ...

چون به ادراک فرمایشات سفارت علیه علیحضرت اقدس همایون پادشاهی دام ملکه و سلطانه راجع به ایمان

الفاظ که با رابطه متعارف در مسئله تعیین حدود قطعه با جابجا اسلامبول عنوان کنفرانس تقطیع نمی

از رهگذر انتظام امور سفارت علیه روسیه است مراتب رفتار حق تبدیل فیمابین است بتعلیق

ورود سفیر مقیمین اسلامبول موعود حول وقت در رسم گذشته است حتی مسئله ورود او

بمانیت کمال آسوده قرار داد زیاده به حضور دولتین تا ... بین

مش ... کمال ... رعایت علیه السلام ... کار ... باشد

دام الله از طرف ... متعلقه ... تحریرات ... ۱۳۰۰

شمارهٔ سند: ۲۰۵
موضوع: قرای سرحدی سیر و ساردیک
تاریخ: ۱۳۰۱ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده:

گزارشی در مورد قرای سیر و ساردیک

به توسط جناب جلالت‌مآب اجل اکرم ناصرالملک وزیر امور خارجه دام اجلاله به خاکپای همایون اقدس اعلی روحنا فداه، جواب مقررات علّیه و تحقیقات همیونی را بدین تفصیل عرض می نمایم. قریتین سیر و ساردیک در آخر محال برادوست واقع و به فاصلهٔ یک ربع فرسخ متصل به خاک عثمانی است و با قرای ثلاثهٔ قصران و بارژکه و کوکب که از توابع محال درهٔ دیری است هم‌خاک و مجاور است کلیهٔ زمین این دو قریه صاف و هموار است و با سایر محال برادوست در یک سطح و در یک عرض واقع شده به طوری که هر کس ببیند حکم می‌کنند که به اقتضای هیئت طبیعی ضمیمهٔ محال برادوست است قریتین سیر و ساردیک با چند پارچهٔ دیگر از دهات محال برادوست از رودخانه [ای] که از درهٔ دیری می آید، مشروب می شوند و این رودخانه را در خود محال درهٔ دیری رودخانهٔ شاهی و موری می‌گویند. و وقتی که داخل جلگهٔ برادوست می شود، به رودخانهٔ برادوست معروف است و قدری پایین‌تر می آید و داخل جلگه ارومی می شود، به نازلوچایی مشهور است که به دریای ارومی منتهی می شود، وسعت محل و زمین آن که قریه روی هم‌رفته به قدری است که در صورتی که آباد و دایر باشد سالی یک صد خروار آبی و دیمی در آنها کاشته شود، رعایا و سکنهٔ اصلی این دو ده در وقتی که دایر و آباد بوده باشد از اهالی خود محال برادوست بوده‌اند قریتین مزبوره تا ظهور فتنهٔ شیخ ملعون، آباد و در هر یک از آنها ده پانزده خانوار رعیت ساکن بوده و در فتنهٔ شیخ بکلی خالی از سکنه و مخروبه شده و از آن وقت تا به حال که چهار سال متجاوز است نه از طرف خودمان و نه از طرف عثمانی ها هیچ نوع رعیتی به عنوان توطّن و اقامت در این دو قریه ننموده و خراب صِرف مانده است. در این چهار سال که قریتین مزبوره مخروبه و هیچ نوع رعیت مستقلی نداشته دو سالش بکلّی لم‌یزرع بوده و در بهار پارسال ابراهیم‌خان

نام که از طایفهٔ شکاک و رعیّت مسلّم دولت ایران است و مخصوصاً در قریتین مزبوره شراکت ملکی دارد و فقط در سه قطعه از اراضی آنجا قدری کاشته بود که دو عشر بهرهٔ او را مباشرین برادوست دریافت کرده و امسال نیز همان ابراهیم‌خان با دو سه نفر دیگر از منسوبان خودش در پنج قطعه از اراضی قریتین مزبوره قدری گندم و جو کاشته بودند در هیچ وقت و هیچ عصری و هیچ نوع عشیره از عشایر عثمانی در قریتین مزبوره ییلاق و قشلاق نداشته‌اند. دهاتی که از محال برادوست متصل به قریتین مزبوره هستند کنکه‌چلیا و هفکردان و کان‌اسپی و مبارک‌آبادی‌ها و دهاتی که از محال عثمانی به سیرد و ساردیک نزدیکند بارژکه قصران و کوکب از توابع محال درهٔ دیری است که به قدر یک ربع فرسخ با سیرد و ساردیک فاصله دارند قریتین مزبوره محققاً و مسلماً و بی‌شک و شبهه از توابع و متعلقات محال برادوست و مالک قدیم آنها عسکرخان و عبدالصمدخان افشار بوده و از آنها به میرزاآقای رئیس سابق طایفهٔ شکاک و از میرزاآقای مزبور به اولاد سید احمد و حاجی لطف‌الله بیک و میرزامسعود و ابراهیم‌خان شکاک منتقل شده که همهٔ آنها تبعهٔ مسلمهٔ دولت علیه و خانواده‌شان معلوم و معین است و اسناد و قبالجات صحیحهٔ معتبره نسبت به مالکیت خودشان در دست دارند و معامله و داد و ستد مالیاتی آنها با مباشرین برادوست دولت عثمانی در ازمنه سابقه، هیچ وقت مداخله و تصرفی در آن دو قریه نداشته و فقط در سال نود و یک در زمان حکومت مرحوم شعاع‌الدوله به واسطهٔ سند بی‌ملاحظه و نفهمیده که بهجت افندی داده به صرافت قریتین مزبوره افتاده و در همان ایام برای اثبات مالکیت خودشان چند نفری عسکر فرستاده بودند که قریتین مزبوره را ضبط و تصرف نمایند و در همان وقت از دارالخلافه حکم صریح شده بود که آنها را به قوهٔ جبریه بیرون نمایند و تا بدان احتجاج به قوهٔ جبریهٔ باقرآقای یاور که آن وقت مباشر برادوست بوده آن چند نفر عسکر دولت عثمانی را از اقامت در آنجا تهدید و تحویف کرده و آنها نیز بدون اینکه اصراری در توقف نمایند مراجعه کرده‌اند، و دیگر از آن تاریخ تا پارسال نه آدمی به سیر و ساردیک فرستاده و نه مداخله و تصرفی در این دو قریه داشته‌اند و امّا از پارسال تا به حال شیخ حمید افندی که مأمور کمسیون سرحدیه بود و فی‌حدّذاته آدم مغرض و فتنه‌انگیزی است این مسئله را به خاطر مأمورین دولت عثمانی آورده و آنها نیز به واسطهٔ شبهات ملقّنه او از پارسال تا به حال این مسئله را تجدید و عنوان کرده در این باب با وزارت خارجه و سفارت عثمانی چندین دفعه مذاکرات رسمی

به میان آمده و این جا کربنز تحریراً و تلگرافاً در این مدت با وزارت جلیلهٔ خارجه مکاتبه و مخابره زیاد کرده و مخصوصاً کتابچهٔ مشروح و مفصلی دایر بر مسئلهٔ سرد و سردیک فرستاده است که اگر به آنها رجوع نمایید موضوع مسئله کاملاً به دست می آید. این است وضع و هیئت مکان و حالت واقعهٔ سرد و سردیک که بر طبق تحقیقات همایونی جزو به جزو بر وجه حقیقت عرض شد و سایر مطالب راجعه به این مطلب و جواب تلگراف رمزجات عالی در دو صفحهٔ دیگر به نظر خواهد رسید. حسنعلی.

توسط جناب جلالتمآب اجل اکرم مشیرالملک وزیر امور خارجه دولت علیه به کمیسیون اکتشاف رحمانزاده حوزات مقررات

صحیحه و تحقیقات معموله را به تفصیل عرض می‌نمایم قریتین تپه رو و تاره دیک در اراضی محال برادوست واقع

و به فاصله یک ربع فرسخ سرحدی خاک عثمانی است و با قلاع شده قصران و بازرگه و کوکب و از توابع محال

دره دیری است همانطور که معمور است کلیه زمین این دو قریه صاف و هموار است و با آن محال برادوست

در یک سطح و در یک عرض واقع شده بطوری که هر کس ببیند حکم می‌کند و با فرض هیئت طبیعی ضمیمه محال

برادوست است قریتین تپه رو و تاره دیک با چند پارچه دیگر از دهات محال برادوست از رودخانه و از دره

دیری مشروب می‌شود و این رودخانه را در خود محال دره دیری رودخانه شاهی و موری می‌گویند و وقتی از اراضی

جلگه برادوست می‌شود رودخانه برادوست معروف است و قریه باجی بر می‌آید و داخل جلگه ارومی می‌شود و بار از

جای مشهورات و به دریای ارومی منتهی می‌شود وسعت محل و زمین آن دو قریه روی هم رفته به قدری است که در

صورتیکه آباد و دایر شود سالی گندم و جو و از آب دو دهی در آنها کاشته شود رعایا گفتند اهالی این دو ده در وقتی

که دایر و آباد بوده‌اند از زارعین خود محال برادوست بوده‌اند قریتین مزبوره تا ظهور فتنه شیخ ملعون آباد و در هر یک

از آنها ده یازده خانوار رعیت ساکن بوده و در فتنه شیخ بکلی خالی از سکنه و مخروبه شده و از آن وقت تا حال

و چهار سال متجاوز است نه از طرف ایران و نه از طرف عثمانی هیچ نوع رعیتی به عنوان توطن داخل

در آن دو قریه نشده و خراب صرف مانده است در این چهار سال دو قریه مزبوره مخروبه و هیچ نوع رعیت

نداشته در سابق هم ملک مزرع بوده و در بهار پارسال ابراهیم خان نام از طایفه شکاک رعیت مسلم دولت

ایران است و مخصوصا در قریتین مزبورتین شراکت هیچ دارد و فقط در سه قطعه از اراضی آنجا قدری کاشته بود

که دو عشر بهره از دو مباشرین برادوست دریافت کرده و امسال نیز اهالی ابراهیم خان با دو سه نفر دیگر از

منسوبان خودش در پنج قطعه از اراضی قریتین مزبوره قدری گندم و جو کاشته‌اند در اول وقت و هیچ عشری

و هیچ نوع عشره از عشر عثمانی در قریتین مزبوره نیامده و نشده که نداشته‌اند دهات محال برادوست

ترجمی یعنی قریهٔ مزبوره بشود شبه چنین دیگر مردان و هان ای دیسارک آنها و ده ها قری از طرف عثمانی بیره و بیاره یک
نزدیک‌اند بارزگان و قصران و الوب و از توابع گهان در نزدیکی است و بعد از یک ربع فرسخ با بیره و بیاره یک چشمه در آن
قریهٔ مزبوره محقق و مسلّم و بدیهی است و شبهه در توابع و متعلقات مرآل بر دوست و مالک قدیم آنها عسکرخان و
عبدالصمدخان افشار بوده و از آنها میرزا آقای رئیس ایل طایفه تکلکه و از میرزا آقای مزبور با ولادت سید احمد و حاجی
لطف الله بیک و میرزا مسعود و ابراهیم ان تکلکه منتقل شده و همه آنها تبعهٔ مسلمهٔ دولت علیه و خانواده شان معلوم و
معین است و اسناد و قبالجات صحیحهٔ معتبره نسبت بمالکیت خودشان در دست دارند و معامله و اجاره سندهای
آنها با سایرین در دست دولت عثمانی در سنهٔ سابقه هیچ وقت مداخله و تصرفی در آن دو قریه نداشته و فقط
در سال نهصد و یک در زمان حکومت مرحوم شجاع الدوله بواسطه سید محمد حفظ و نفهمیده که عصمت افندی مأمور
بصرافت قریهٔ مزبوره افتاده و در همان ایام برای اثبات مالکیت خودشان چند نفری عسکر فرستاده بودند در قریهٔ مزبوره را
ضبط و تصرف نمایند و در همان وقت از وزارت جلیله حکم صریح شده بود که آنها را بالقوه جبریه بیرون نمایند و مادامی
احتجاج بقوه جبریه با قراولان و در کار وقت بسا شرارت کرده آن چند نفر عسکر دولت عثمانی را از آنجا در آنجا
تهدید و تخویف کرده و آنها نیز بدون اینکه اصراری در توقف نمایند مراجعت کرده اند که از آن تاریخ تا امسال زندگی
بیره و بیاره یک فرسخ و مداخله و تصرفی در این دو قریه نداشته اند و اما در امسال با کمال شیخ حمید افندی که مأمور کمیسیون
سرحدیه بود و دو مرتبه مذاکره کرده معترض و ضمناً انگلیس است این مسئله را که فلان مأمورین دولت عثمانی آورده و آنها نیز بواسطه
شهادت حققه او امسال با کمال این مسئله را که دو عنوان کرده در اجابت با وزارت خارجه و سفارت عثمانی
چندین دفعه مذاکرات رسمی بمیان آمده و این حاکم نیز تحریراً و شفاهاً در این ماه وزارت جلیله خارجه مکاتبه
دو مرتبه یادآوری کرده و مخصوصاً که بجهت شروح و تفصیل داده بر سبیل بیره و بیاره یک فرسخ است که اگر با آنها رجوع
بفرمایند موضوع مسئله کاملاً معلوم می‌آید این است وضع و کیفیت مکان و حالات واقعه بیره و بیاره که
در طبق تحقیقات عدیده خود بجزئیات رسیده حقیقت عرض نمود و بعد از مطالب راجعه باین مطلب و جواب
مکاتبات رسمیات عالی در صفحه دیگر بنظر مبارک رسیده است)

شمارهٔ سند: ۲۰۶
موضوع: قریتین سیر و ساردیک
تاریخ: غره صفر ۱۳۰۱ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پرونده:

نامهٔ ناصرالدین شاه به وزارت خارجه

هو

جناب وزیر امور خارجه، کتابچهٔ معروضهٔ میرزااحمد در باب قریتین سیرد و ساردیک و سایر مواضع سرحدیه ملاحظه شد. میرزا احمد درست عرض کرده و جمیع معروضات از روی بصیرت و تحقیقات صحیحه شده قریتین سیرد وساردیک ملک صحیح حق طلق ماست و همیشه در تصرف دولت ایران بوده است و هست نهایت در این دو سه سال سرحدداران ما از تجدید آبادی آنجا غفلت کرده‌اند، حال باید در صدد آبادی آنجا برآیند شما این دستخط را سواد نموده برای سالار لشکر بفرستید و خودتان هم مشروحاً بنویسید معجلاً در صدد آبادی و تعمیر این دو قریه برآیند و چند خانوار رعیت در آنجا ساکن نمایند و به هیچ وجه تحمل ننماید که احدی غیر از این از سیرد وساردیک اسمی ببرد. این دو قریه هرگز محل حرف و گفتگو نبوده و نیست فرضاً یک وقتی شعاع‌الدوله مرحوم از روی بی‌بصیرتی و بی‌اطلاعی یا به ملاحظهٔ حرف دزدی که واقع شده بوده است، سهواً رقمی نوشته یا سندی داده سند شعاع‌الدوله سند دولتی نیست و هرگز نمی‌تواند ملک صحیح دولت ایران را به دولت دیگر متعلق نماید. خاصّه آنکه در همان وقت مأمورین دولت، دهات متعلقه به دولت متبوعه خود را در تصرف خود داشته و نگذاشته‌اند رقم بی‌موقع سهوانهٔ بی‌خبرانهٔ شاهزاده اثری داشته باشد و بالمره عاطل و باطل بوده و شده است و محل اعتنا نبوده و نیست و نخواهد بود هر کس غیر از این تصور کند باید دهان او را خورد [خرد] کرد، سالار لشکر باید بدون تأمل هر دو قریه را امسال نَسَق کند و به عرض رساند. غره صفر قوی‌ایل ۱۳۰۱

مو

جناب وزیر امور خارجه کتابچه معروضه میرزا احمد در باب قریتین

سردو و ساردوک و سایر مواضع سرحدیه ملاحظه شد میرزا احمد درست
عرض کرده و جمیع معروضات از روی بصیرت و تحقیقات صحیحه شده
قریتین سردو و ساردوک ملک بلا حرف و حق مطلق است و همیشه در تصرف دولت
ایران بوده است و بسمت نهایت در این دو سه سال سرحد داران
در تجدید آبادی آنجا غفلت کرده اند حالا باید در صدد آبادی آنجا
برآیند شما این دستخط را ارائه نموده برای سالار لشکر بفرستید
و خودتان هم مشروحاً بنویسید عملاً در صدد آبادی و تعمیر این دو قریه
برآیند و چند خانوار رعیت در آنجا ساکن نمایند و هیچ وجه اجازه
ندهند که احدی غیر از این از سردو و ساردوک اسمی ببرد این دو قریه
هرگز محل حرف و گفتگو نبوده و نیست فرضاً مرحوم شجاع الدوله
مرحوم در روی بی بصیرتی و بی اطلاعی یا بملاحظه حرف دروغ واضح
شده بوده است سهواً رقمی نوشته یا سندی داده سند شجاع الدوله
سند حسابی نیست و هرگز نمیتواند ملک صحیح دولت ایران را
به دولت دیگر متعلق نماید خاصه آنکه در همان وقت باز هم این
دولت دهات متعلقه بدولت متوجه خود را در تصرف خود
داشته و نگذاشته اثر حکم بیموقع سهوانه شجاع الدوله شاهزاده اثری
داشته باشد و بالمره بی اثر و باطل بوده و شده است و محل اعتنا
نبوده و نیست و نخواهد بود هر کس غیر از این تصور کند باید دهان او را
خورد کرد سالار لشکر باید بدون ملاحظه قریتین را آباد کند و بعرض
معروض دارند .

شمارهٔ سند: ۲۰۷
موضوع: وزنه ــ سرحدی
تاریخ: ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۷ هـ.ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ امیرنظام به وزارت خارجه

استخراج تلگراف رمز از تبریز

خدمت جناب جلالت‌مآب اجل اکرم سرکار قوام‌الدوله وزیر امور خارجه دام اجلاله در مسئلهٔ وزنه اگرچه مخلص دستورالعملی که باید در نگاهداری آن نقطه به سیف‌الدین خان حاکم ساوجبلاغ و کاک‌الله آقای رئیس طایفه منگور داده‌ام. امّا چون محتمل است که مأمورین عثمانی حرکت بی‌رویه بکنند تذکاراً عرض می‌نمایم که خوب است در این باب به دولت روس رجوع نمایید که به موجب تعهدی که رسماً در رفع مشکلات وارده بر دولت علیه کرده ما را از این اشتغال آسوده نماید.

امیرنظام

[حاشیه: دستخط ناصرالدین شاه:]

«با عرب صاحب حرف بزن و او را وادار در این فقره به دولت روس تلگراف نماید که عثمانی‌ها را از این حرکتها مانع شوند.»

وزارت امور خارجه
مورخه ۱۵ شهر جمادی الاولی
سنه ۱۳۰۰

بجواب جناب صاحب [illegible]

استخراج تلگراف رمز از تبریز

خدمت جناب جلالتمآب اجل اکرم سرکار قوام الدوله وزیر امور خارجه دام اجلاله

در مسئله ورزنه اگرچه مخلص دستورالعمل داده ام در تلگرافهای دیروز آن نقطه به
سیف الدین خان حاکم ساوجبلاغ و کاک الله آقای رئیس طایفه مذکور
دلوام را چنین محمدی است که با مأمورین عثمانی حرکت بد رویه نکنند
ولی کار را عرض می نمایم که خوب است در این باب به دولت روس
رجوع نمایید که بموجب تعهدی که رسماً در رفع مشکلات داده به
دولت علیه کرده بار را از این اشتغال آسوده نماید امیرنظام

شمارهٔ سند: ۲۰۸
موضوع: تخلیهٔ وزنه ــ سرحدی
تاریخ: ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۰۷ هـ.ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

نمره: ٦

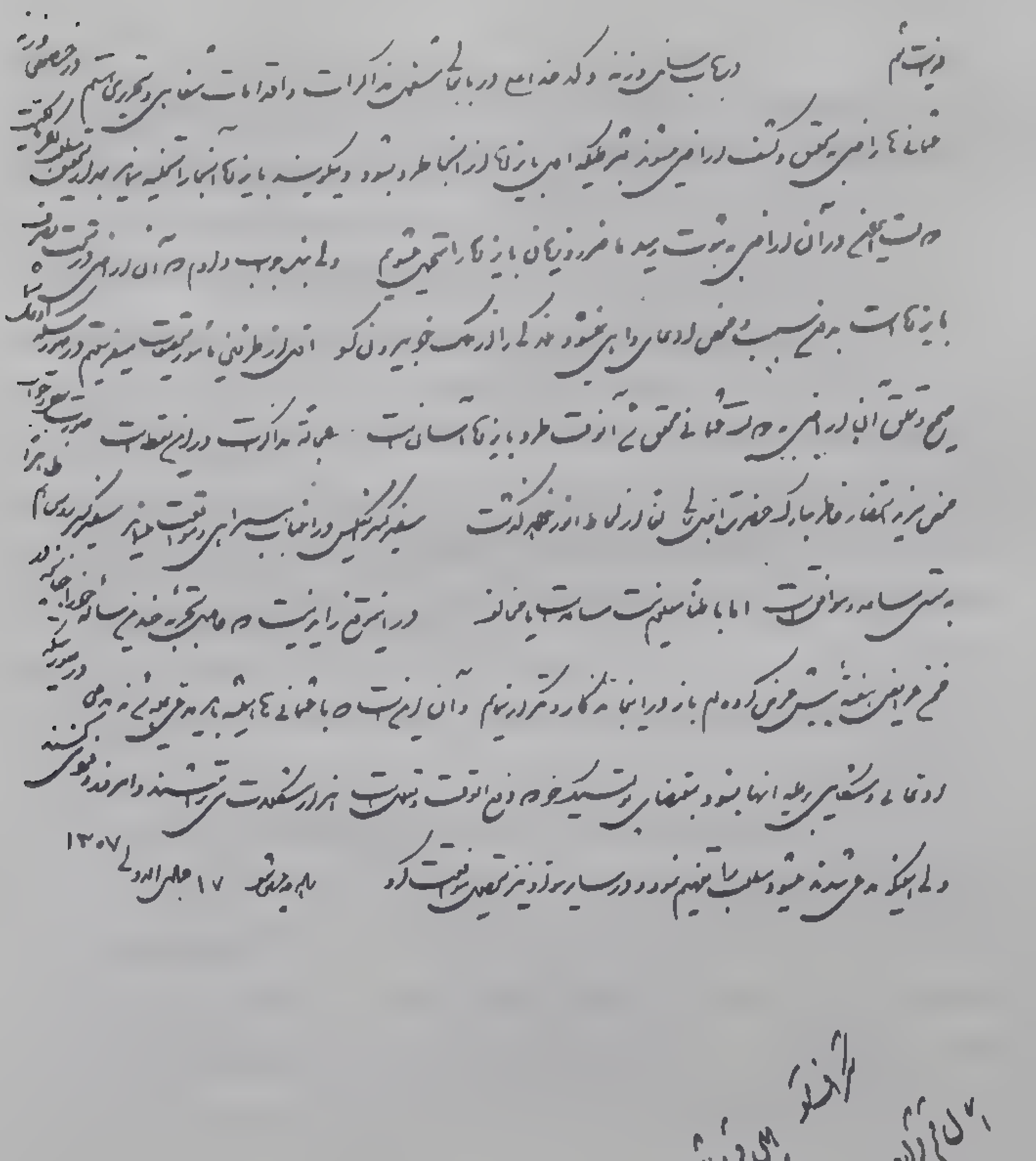
نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

فدایت شوم، در باب مسائل وزنه و کدخداعلی در باب‌عالی مشغول مذاکرات و اقدامات شفاهی و تحریری هستم، در خصوص وزنهٔ عثمانی‌ها راضی به تحقیق و کشف اراضی می‌شوند به شرطی که اول بایزآقا از آنجا طرد بشود و می‌گویند بایزآقا آنجا را تخلیه نماید بعد از تحقیق مطلب اگر مالکیّت دولت ایران در آن اراضی به ثبوت رسید ما ضرر و زیان بایزآقا را متحمل می‌شویم.

ولی بنده جواب دادم که آن اراضی در تحت تصرف بایزآقاست، بدون سبب و محض ادعای واهی نمی‌شود ملاّکی را از ملک خود بیرون کرد، اول از طرفین مأمور تحقیقات می‌فرستیم در صورتی که ادعای شما صحیح و تعلق آن اراضی به دولت عثمانی محقق شد آن وقت طرد بایزآقا آسان است. عجالتاً مذاکرات در این نقطه است، صورت سؤال و جواب محض مزید استحضار خاطر مبارک حضرت اجلّ عالی لفاً از لحاظ انور خواهد گذشت. سفیرکبیر انگلیس در این باب همراهی و موافقت می‌نماید. سفیرکبیر روس هم ظاهراً به سستی مساعد و موافق است، اما باطناً معلوم نیست مساعد است یا مخالف. در این موقع زاید نیست که حاصل تجربهٔ چندین سالهٔ خود را چنانچه در ضمن عرایض هفتهٔ پیش عرض کرده‌ام باز در اینجا تذکار و تکرار نمایم و آن این است که با عثمانی‌ها همیشه باید مدّعی‌علیه شد نه مدعی. در صورتی که ادّعایی و شکایتی برعلیه آنها بشود به مقتضای پولتیک خود که دفع‌الوقت و تعلل است هزار مشکلات می‌تراشند و امروز و فردا می‌کنند ولی همین که مدعی شدند، می‌شود مطلب را تفهیم نمود و در سایر مواد نیز تحصیل موافقت کرد. زیاده چه عرض شود. ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۰۷

[حاشیه:]

تلگراف شود، همین قسم که شما جواب دادید ما هم در اینجا جواب دادیم همان قسم قرار بدهید که نبـاید تخلیه از دست بایزقا کرد، امّا مأمور روانه شود رسیدگی نمایند.



شمارهٔ سند: ۲۰۹
موضوع: تخلیهٔ وزنه ـــ سرحدی
تاریخ: ۹ رمضان ۱۳۰۷ هـ.ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

سواد رقعهٔ دوستانهٔ وزارت خارجه در جواب سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه نوشته شده

از مضمون رقعهٔ محترمهٔ مودّت مقرون جناب جلالت‌مآب عالی که اشعار فرموده بودید باب‌عالی تنظیم مقاوله‌نامه را برای تخلیهٔ وزنه لازم نمی‌داند و اظهار می‌دارد که در عقب تخلیهٔ وزنه بدون فوت وقت مأمورین طرفین برای تحقیق بروند اطلاع حاصل نموده با کمال احترام جواباً زحمت‌افزا می‌شود که بر خاطر نکته‌سنج اصول‌شناس آن‌جناب جلالت‌مآب واضح است که چون تخلیهٔ هیچ مکان متصرّفی مشروعهٔ قدیمه یک دولتی قبل از ظهور و ثبوت تعلق آن به دولت دیگر به واسطهٔ دول واسطه و مأمورین طرفین در هیچ محکمه عدالت و در قانون حقوق دول تجویز نمی‌شود، اولیای دولت علیهٔ ایران حاضرند که بدون تخلیه فوراً برای تحقیق حاضر شوند، ولی چون از طرف باب‌عالی تکلیف تخلیهٔ آنجا می‌شود که محض اعلای درجهٔ مساعدت تخلیه شود، مبادلهٔ مقاوله‌نامه بالطبیعه لازم خواهد بود و امیدوارم که انصاف و دقیقه‌شناسی باب‌عالی و آن جناب جلالت‌مآب دوستدار را بلااشکال تصدیق خواهند فرمود زیاد زحمت‌افزا شد.

[حاشیه:] سواد کاغذی است که دیروز مقرر فرموده بودند بدهم.

[شرح پشت پاکت نامه:] مراسلهٔ سفیرکبیر عثمانی که سابقاً به عرض لحاظ نظر مبارک همایون روحنافداه رسیده و امر و مقرر شده بود که صورت مراسله شهر رمضان ۱۳۰۷ به خاک‌پای مبارک تقدیم شود آن صورت را حاضر کرده در این ضمن تقدیم می‌نماید، از شرف ملاحظهٔ نظر انور اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فدا بگذرد.

[شرح دستخط ناصرالدین شاه در پشت پاکت نامه:] **چون در مراسلهٔ وزارت**

خارجهٔ ایران تخلیهٔ وزنه مشروط به صدور مقاوله‌نامه بوده است و آن مقاوله‌نامه از طرفین ردّ و بدل نشده است پس استناد به آن مراسله برای تخلیه وزنه به هیچ‌وجه حق ندارند و باید جواب نوشته بشود و راجع به بازدید مأمورین دول روس و انگلیس باید بشود.

ملاحظه شد تابه در جواب ... بگیرا ... علیه فخامت نصاب

تحریراً ۴ رمضان ۱۳۰۷

از مضمون رقعه محترمه که دوست مکرم جناب جلالتمآب عالی در اعتراض به تعریفه بالا تنظیم ... مرقوم داشته‌اند

نمره ۲۱۰

که تخلیه ورثه لازم نمی‌دارند والحاله در عقب تخلیه ورثه بوده و ثبوت رفع ... طرفین

که تحقیق بر اطلاع حاصل نموده با کمال احترام جواب زحمت افزا شده بر خاطر محترمه ... صحیح نیست

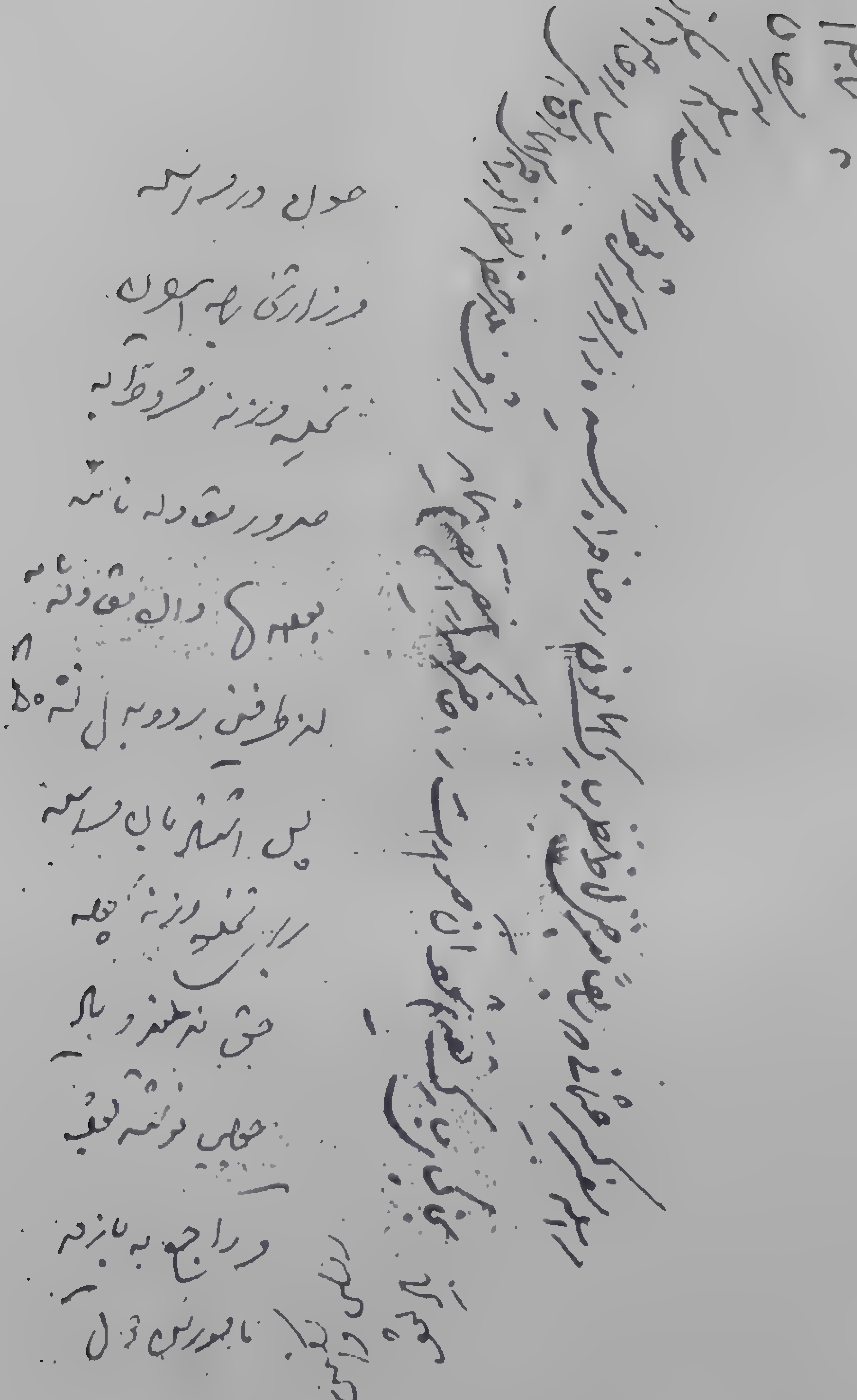
آن جناب جلالتمآب واضح است چون تخلیه هیچ مکان متصرفه ... یک ... قبل از ... دو ...

و ثبوت تعلق آن به دولت دیگر به واسطه ... و ... طرفین در هیچ محکمه مدلل است

در این صورت حق ... تحریر ... اولیای ... دولت علیه ... حاضر ... تخلیه ... تحقیق حاضر نبوده

ولی چون از طرف ... بالی تکلیف تخلیه ... شده ... مساعدت تخلیه ... سالانه ...





شمارهٔ سند: ۲۱۰
موضوع: سرحدی ـــ وزنه
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۷ هـ.ق)
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

ارسال آرتیکل روزنامهٔ اقدام از اسلامبول به وزارت خارجه

ترجمهٔ آرتیکلی است که روزنامه اقدام نوشته است.

ناحیه‌های موسوم به وزنه و پشدر را که در روی حدود ایران واقع می‌باشد و به تحت اطاعت درآورده شده است. بنا به قرار مادهٔ شورای دولتی و مجلس خاص وکلا ارادهٔ حضرت پادشاهی صادر شده که یکی نموده و به معمورة‌الحمید توسیم نمایند.

[حاشیه: دستخط ناصرالدین شاه به شرح:] وزیرامورخارجه درباب وزنه که سرحد میانهٔ ما و دولت عثمانی است البته مواظب باشید که حرفی در نیاید و اگر مطلب شد مطلع باشید که وزنه خاک ماست البته تفصیل وزنه را از اشخاصی که بااطلاع هستند در وزارت خارجه سؤال بکنید که مسبوق باشید.

ترجمه از سطری است که در روزنامه اقدام نوشته است

ناحیه که موسوم به (وزنه) و (پشدر) را که اراضی معتبر ایران واقع [illegible] است

طاعت در آمده است به قرار داد دولتی و مجلس مخصوص وکلا اراده حضرت

پادشاهی [illegible] (معموره الحمید) [illegible]

توسیم — حدود ایرانیه اوزرنده واقع اولوب
تحت اطاعته النمش اولان (وزنه) ایله (پشدر)
نام ناحیه‌لرك برلشدیریله‌رك (معمورة الحمید)
نامیله توسیمی خصوصنه شورای دولت ومجلس
مخصوص وکلا قراریله بالاستیذان ارادهٔ سنیهٔ
حضرت پادشاهی شرفتعلق بیورلمشدر .

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۱

موضوع: سرحدی قطور

تاریخ: ۱۳۱۳ هـ.ق

کارتن: ۲۵

پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ درویش‌پاشا

صاحب اقتدارا مرحمت شعارا آقای من

محال قطور کلاً و طراً مع‌توابعات آن از ملک محمودی شدن شکی و شبهه ندارد و در این خصوص در کتب کتابخانهٔ محکمه علیهٔ عثمانیه نظر کرده شده و ارکان دولت همه تحقیق نموده‌اند که قریهٔ مزبوره مع‌توابعات آن از ملک و سرحدات وان است. علاوه بر این در سجلات محکمهٔ کتاب وان صراحتاً نوشته‌اند که قطور و محمودی و توابعات آن همه ملک مختص حدود بلدهٔ وان است. نظر بر اینکه این مطلب صحیح بود مرا مأمور کردند که در هر سرحدّ سنور علامتی بنا کنم تا معلوم باشد بناء علی هذا آدم فرستادم که در داغماچی داشی و در قریهٔ استران و قریهٔ پی‌نلو و قاشقه‌بلاغ از توابعات قطور است و امامعلی بیگ یاور را از این مطلب حالی نمودم.

محل مهر محمدرحیم که نوشته بود سواد کاغذ درویش‌پاشا است.

برادر کاغذ در دست باشد

صاحب اختیارا امیر حشمت سالارا آقای من

محال قطور، کلاو، طراز مع توابعات آن از ملک محمدی شیران کیست و شبهه ندارد قطور بخصوص

در کتب کتابخانه محکمه علیه عثمانیه نظر کرده شده و ارکان دولت همه تحقیق نموده اند قریه مزبوره

مع توابعات آن از ملک و رعایات دولت ایران است علاوه و برای این در سجلات محکمه کتب

دولتین جهت نوشته اند قطور و محمدی و توابعات آن همه ملک محمدی حدود دولت ایران است

لطف زیاد که امین مطلب صحیح بود مرا مأمور کرده اند در هر جا که بنوید علاوه بر این هم ما معلوم نمی

بنائی به ذالقدر سالم در دو اماکن داشت و در قریه آستران و قریه ... و فانقه بلد

از توابعات قطور است و اما سعی یا در سوار از مطلب حالی معلوم

محمد ... ادام الله

کاغذ در دست ...

شمارهٔ سند: ۲۱۲
موضوع: اقدامات نابجای درویش‌پاشا در قطور
تاریخ: ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نوشتهٔ جناب نسلرود وزیر دول خارجه دولت بهیهٔ روسیه است که به جناب پرنس دوالغروکی وزیرمختار دولت بهیهٔ مزبوره مقیمی دارالخلافهٔ طهران نوشته است

شرحی که به تاریخ ۲۱ آوریل نوشته بودید رسید، اینکه اظهار داشته بودید درویش‌پاشا نام مأمور دولت علیهٔ آل‌عثمان در مقام بی‌نظامی برآمده مرتکب حرکات رکیکه گردیده است و قبل از آنکه مأمورین دول روسیه و انگلیس و ایران حاضر شوند در مرور از شهر وان برخی دهات و اراضی حول و حوش قُوتور را که محل ادعای دو دولت ایران و آل‌عثمان بوده است تصاحب نموده است، بلی همین که موسیو تی‌تف در اسلامبول از حرکات ناهنجار درویش‌پاشا مطلع شد به اتفاق سراسترات فورت کانیک وزیرمختار دولت بهیهٔ انگلیس بلا تأمل به دولت آل‌عثمان از مشارالیه شکایت سخت نمودند که البته تفصیل سؤال و جواب و نتایج آن را مشارالیه از اسلامبول به خود شما نوشته است و مطلع شده‌اید، امیدوارم که انشاءالله در سنهٔ آتیه دیگر از مأمور دولت آل‌عثمان چنین حرکات ناهنجار سرنخواهد زد.

و اینکه دولت علیه ایران حرکت درویش‌پاشا ردّ و پُرُتست نمودند البته بجا و سزا بوده است و دولت ایران استحقاق این معنی را داشته است، زیرا که به ملاحظهٔ مضامین مندرجه در فصل سیم از فصول معاهدهٔ منعقده در ارزنة‌الروم دولت آل‌عثمان حق نداشته است که مرتکب چنین حرکتی شود، کوشش و سعی موسیو تی‌تف در ثبوت حقیقت دولت ایران و مخالفت مأمور آل‌عثمان بسیار بجا بوده است و ما هم پسندیدیم.

اگرچه مأمورین این دولت بهیه در عمل توسط غفلت نکرده‌اند و لازم است که اظهار دارند که همواره در توسط خود قایم هستند و جدّ و جهد دارند که عمل صحیحی در توسط ابراز شود و که انشاءالله امورات واقعه فی‌مابین دولتین ایران و آل‌عثمان بخوبی و خوشی صورت بگیرد و فقره تعیین سرحد نیز در کمال خوبی و موافق عدل و انصاف

انجام‌پذیر گردد ولی به دولت علیهٔ ایران نیز لازم است که متوجه شوند و سعی نمایند که امری باعث نشود و کاری اتفاق نیفتد که دولت آل‌عثمان آن را بهانهٔ حود قرار دهند و بگویند خلاف معاهدهٔ ارزنة‌الروم از دولت ایران واقع شده است.

دولت ایران تا حال که حرکتی به خلاف عهدنامه و به خلاف قاعده نکرده است و بسیار خوب رفتار نموده است، شما نیز حتی‌المقدور مواظب باشید که غفلت نشود و امری به خلاف معاهدهٔ مزبور از جانب دولت ایران حادث نگردد که موهم نقض عهد باشد. در ۱۷ ماه ژوئن در شهر ورشا (ورشو) تحریر شد.

ترجمهٔ نوشتهٔ جناب [illegible] سفیر [illegible] دولت بهیهٔ انگلیس [illegible]
بجناب [illegible] وزیر [illegible]

شرحی که بتاریخ ۲۱ [illegible] نوشته بودید [illegible] ایلچی [illegible] دولت علیهٔ ایران [illegible]
در مقام [illegible] برای حرکت [illegible] انگلیس [illegible]
در [illegible] شهر [illegible] دولت [illegible]
[illegible] اسلامبول [illegible]
[illegible] دولت بهیهٔ انگلیس [illegible]
[illegible] اسلامبول [illegible]
[illegible] ان شاء الله [illegible]
چنین [illegible] دولت علیهٔ ایران حرکت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] زیرا که [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
چون [illegible] دولت ایران [illegible]
آل عثمان [illegible] اگرچه [illegible] دولت بهیه [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible]
صورت [illegible]
بدولت علیهٔ ایران [illegible]
[illegible] که دولت آل عثمان [illegible]
[illegible] دولت [illegible] عهدنامه [illegible]
[illegible]
[illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] در ۱۷ ماه [illegible] تحریر شد.

شمارهٔ سند: ۲۱۳
موضوع: تخطی شرف‌بیگ از سرحد عثمانی
تاریخ: ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

صورت تلگراف غیررمز و استخراج تلگراف رمز از تبریز

ولیعهد (مظرالدین میرزا) به صدراعظم (میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان)

غیر رمز

به جناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم. تلگرافی از منتظم‌الملک نایب‌الحکومهٔ خوی امروز رسید که عیناً برای اطلاع جناب مستطاب شما درج می‌شود (الآن یک ساعت به غروب سه‌شنبه مانده راپورتی از محمد زمان‌خان نایب‌الحکومهٔ قطور رسید. که مجدداً شرف‌بیگ قایم‌مقام سوارهٔ حمیدی با چهارصد نفر سوار و جمعیت از سرحد عثمانی تخطی کرده و حرفشان این است چهار نفر ارمنی که از متعارف ارامنهٔ قطور هستند و اسامی آنها عرض شد باید به دست ما بسپارید ببریم کشیش ارامنه قطور کیوکدخدا گریگور عاسو نایب‌الحکومه هم علاوه بر سوار سابق از چاکر سوار و استعداد خواسته بود چاکر هم هرقدر ممکن شد فردا روانه خواهد کرد و تفصیل اطلاعاً جسارت شد. محمدتقی

با اینکه جناب مستطاب شما تلگرافاً اطلاع داده که با سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانی مذاکره و او هم با جاهای لازم اظهار داشته و در منع تخطی حدودیهٔ عشایر دولت علیهٔ عثمانیه از جاهای لازم تأکید شده است این حرکت شرف‌بیک و تخطی با این وضع منافی عهود و شروط مقدسهٔ دولتین علتین است و با این حالت خودسری شرف‌بیک لازم است که اقدام سریعانه به عمل آید و البته جناب مستطاب شما به هر طوری که صلاح دانید با سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانی و جاهای لازم به مقام مذاکره برمی‌آیید و اگر سریعاً در جلوگیری آنها اقدامی نشود باعث مفاسد کلی در حدود خواهد بود.

استخراج رمز

البته در نظر جناب مستطاب شما هست که برای بودن استعدادی در خوی با

ملاحظه اطراف سابقاً نوشته بودم و از قرار دستخط جهان‌مطاع مبارک همایونی روحنا فداه که شرف‌صدور یافته بود و رمزاً مخابره نموده بودید، اجازه فرموده بودند و حالا با این حالت که هر دقیقه از عشایر عثمانی بروز و ظهور می‌کند باز بالضروره می‌نویسم نباید یکدفعه مطمئن شد و این حرکت خود یک نوع اسباب هیجان عشایر داخله دولت علیه و بی‌نظمی حدود و بالمال موجب تصدیع اولیای دولت خواهد بود. اگرچه حاضر نمودن استعداد و قشونی در خوی اسباب ضرر و خرج دولت می‌شود، ولی برای حفظ نظم داخله و ملاحظهٔ عواقب کار بسیار نتایج خیریه را مستوجب است و این حرکات خود می‌نماید که مقصود اصلی عثمانی‌ها بر این است که سرحد را بی‌نظم و بالطبع عشایر این دولت علیه هم بر مقام بعضی حرکات وحشیانه نسبت به ارامنه برآیند و اولیای دولت علیه هم دچار به این حادثه ناگواری که برای آنها پیش آمده است بشوند به طوری که تلگرافاً اطلاع داده‌ام میرزا علی‌خان ناظم‌العلوم را خواسته‌ام بیاید اوامر و فرمایشات مقدسهٔ اعلی‌حضرت همایونی روحنافداه را به او ابلاغ داشته و با تعلیمات صحیحه به سرحد روانه نمایم.

ولی برای حفظ نظم داخله و ملاحظات دیگر که کلیتاً در تلگراف سابق رمزاً اظهار داشته‌ام بودن استعدادی در خوی از سواره و پیاده ضرورتی دارد، البته مراتب را به عرض خاک‌پای اقدس همایونی روحنا فداه رسانیده به هر طور که خاطر دریامقاطر همایونی اِقتضا فرموده و مقرر فرمایند اطاعت شود.

ولیعهد ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳

[حاشیه: دستخط ناصرالدین شاه:] این تعرض تازهٔ شرف‌بیک را با سفیرکبیر حرف بزنید و به اسلامبول هم تلگراف بکنند. استعداد هم هرقدر لازم است ولیعهد به خوی بفرستند، این چند نفر کشیش و ارمنی را هم که به اسم خواسته‌اند خوب است آنها را به خوی و سلماس بلکه به تبریز بفرستید که محفوظ بمانند.

صورت تلگراف رمز و استخراج تلگراف رمز از تبریز

جواب رمز

بجناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم   تلگرافات مشعر [illegible] نسبت به اکراد عمر [illegible]

امروز رسید و [illegible] برای اطلاع جناب مستطاب شما درج می‌شود (از آن یکیات [illegible] تبریز [illegible])

[illegible] را با [illegible] نسبت به اکراد [illegible] رسید [illegible] قیام [illegible] کرده [illegible] جاف

سه نفر سوار [illegible] سرحد عثمانی تعاقب کرده [illegible] این است چهار نفر [illegible] به استعداد [illegible] از [illegible]

[illegible] آنها [illegible] به [illegible] بسیار [illegible] کشیش [illegible] اکراد [illegible]

[illegible] اکراد [illegible] سوار [illegible] سواره و [illegible] استعداد خواسته بود [illegible] هرچند [illegible] فردا

روانه خواهد کرد و تفصیل [illegible] عبارت [illegible] محمد تقی [illegible] جناب مستطاب شما

تلگرافاً اطلاع داده‌ام به سفارت کبرای دولت علیه عثمانی [illegible] بعضی [illegible] لازم [illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] لازم [illegible] این حرکت [illegible]

[illegible] این وضع [illegible] سرحد [illegible] اینکه خودسری [illegible]

[illegible] است [illegible] جناب مستطاب شما [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] لازم [illegible] اکراد [illegible] اگر [illegible]

باعث [illegible] در سرحد [illegible] خواهد بود

استخراج رمز

البته [illegible] جناب مستطاب شما [illegible] استعدادی در [illegible] اطراف

[illegible] اطلاع مبارک [illegible] شاهزاده [illegible]

[illegible] این حالت [illegible] عشایر [illegible]

[illegible] و این حرکت خودسری

[illegible] عشایر [illegible] دولت علیه [illegible] سرحد [illegible]

دولت [illegible] استعداد [illegible] اسباب [illegible] دولت

[illegible] حفظ نظم [illegible] خطر [illegible] بسیار [illegible]

و حرکات خودسری [illegible] همه [illegible] این است [illegible] سرحد را [illegible] نظم [illegible] عشایر این

دولت علیه هم [illegible] بعضی حرکات [illegible] نسبت [illegible]

[illegible] هم [illegible] این [illegible] تلگرافاً اطلاع

داده‌ام میرزا [illegible] خان ناظم العلوم را [illegible] تبلیغات [illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible] اطلاع [illegible] روانه نمایم و [illegible]

حفظ نظم [illegible] تلگراف سابق رمز [illegible] استدعا

استعدادی [illegible] البته [illegible]

[illegible] شاهزاده [illegible] استعداد [illegible]

فرمایند اطلاع حاصل شود   ولیعهد   ۱۶ جمادی الثانیه ۱۳۱۲

این سه فقره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

استعداد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خوب ۱۱ [illegible]

[illegible]

بتبریز بزنید

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش دوم

اسناد سرحدی کردستان و لرستان

شمارهٔ سند: ۲۱٤
موضوع: خیال تصرف باغسایی توسط عثمانی
تاریخ: صفر ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ امامقلی میرزا در حکومت کرمانشاهان به وزارت خارجه نوشته‌اند

فرمایشاتی که با تلگراف دربارهٔ امر پشتکوه و تکلیف حسین‌قلی‌خان والی شده بود همگی را فوراً به شماها میرزا موسی ابلاغ نمود و تأکید و تخدیر زیاد نمود که مرتکب امری که منجر فساد و نزاع بشود نشوند، امیدواریم که نوشتجات زود به آنها برسد و امری واقع نشود، سه چهار روز قبل از وصول حکم تلگرافی نوشتجاتی از مقرب‌الخاقان آقامیرزا محبعلی ناظم و کارپرداز بغداد رسیده بود که پاشا عسکری به طرف باغسایی فرستاده و خیال تصرف باغسایی را دارد و مقرب‌الخاقان میرزا محبعلی محرمانه بالصراحه نوشته بود که به حسین‌قلی‌خان نوشته شود که جمعیت خود را حاضر بکند و اگر عساکر عثمانی خیال تصرف باغسایی وبیات و ده‌لران را داشته باشد مدافعه بکنند، سهل است اعرابی را که عثمانی‌ها متعرض هستند و در خاک خارج می‌باشند تحریک نمایید که در صفحات جسان و بادرایی و مندلیچ از تخریب و تحریق کوتاهی نکنند چون تلگراف در آن اوقات کار نمی‌کرد و به ملاحظه احکام سابقه هم که مکرر مرقوم شده است از هر یک وجب خاک دولت اگر هزار نفس به کشتن برود نباید مضایقه کرد و باغسایی تا ایوان کرخه را

که ملک طلق این دولت محسوب فرموده بودند و تأکیدات زیاد در حفظ آنها شده بود این بنده درگاه هم از برای عالی‌جاه میرزا موسی محرمانه دستورالعملی مطابق نوشتهٔ مقرب‌الخاقان آقامیرزا محبعلی فرستاده ولیکن تأکید زیاد به او نمود که تا ممکن است متعرض فتنه و فساد نشوند و استعداد و جمعیت خود را حاضر کنند به فتح‌الله خان سرتیپ هم نوشت که از ابواب‌جمعی خود جمعیتی برای آنها بفرستد شاید به همین قدر که از طرف حاضر شد و استعدادی موجود آمد عثمانی اقدام داخل شدن در باغسایی و ده‌بیات و ده‌لران نکنند و به حسین‌قلی خان هم نوشت هر وقت که عالی‌جاه میرزا موسی نوشته به تو داد که حالا وقت مدافعه است از هیچ نوع مدافعه مضایقه مکن بعد که احکام تلگرافی آن‌جناب جلالت‌مآب رسد ناسخ آنها را به تعجیل نوشته برای عالی‌جاه میرزا موسی فرستاد و همان تلگراف را هم روانه کرد که مستحضر شوند و والی را هم اطلاع بدهند که به هیچ وجه اقدام به معارضه و مدافعه نکنند تا حکم مجدد برسد. انشاءالله امیدوارم که تا وصول نوشتجات و تلگراف امری واقع نشده باشد و هر وقت خبر تازه برسد با تلگراف اگر حاضر باشد یا با چاپار مخصوص عرض خواهد کرد ولی اجمالاً اینقدر عرض می‌کند که از جواب و سؤال با اسلامبول کاری از پیش نمی رود عثمانی همین‌قدر که اقدام به این نوع امور نمود و از پیش‌برد دور نیست که طمع به جاهای دیگر بکنند و در زهاب و سایر حدود هم همین طریقه را پیش بگیرند استعداد آنها موجود و حاضر و فوراً از قشلها و سربازخانه‌ها افواج خود را حرکت می دهند و سه‌روزه به سرحد ما می رسند و از این طرف هر فوجی را که بخواهیم حاضر کنیم اقلاً دو ماه طول دارد، که تدارک او را ببینم اولیای دولت ابدمدت قاهره مزید اهتمامی در این امور لازم است که بفرمایند اگرچه آنچه مصلحت دولت است بر خاطر اولیای دولت قاهره مخفی نبود و عرض این عرایض هم خلاف ادب و کمال جسارت بوده ولکن البته به اینقدرها معذور خواهم بود. شهر صفر ۱۲۸۷

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۵
موضوع: اشتراک اراضی ملخطاوی و حاصلات آن
تاریخ: ۲۹ صفر ۱۲۷۸ هـ.ق
کارتن: ۹ (نوشته‌های قدیم)
پرونده:

ترجمهٔ مکتوبی است که از طرف احمد توفیق‌پاشا مشیر اردوی عراق و والی اسبق بغداد به کارپردازخانه نوشته

از قرار مفاد مضبطهٔ که از قائم‌مقامی بنی‌لام رسیده است، خمس حاصلات اراضی ملخطاوی را که در سه ساعتی زُرباطیه و در تحت قائم‌مقامی مذکور واقع می‌باشد و مابین دولت علیهٔ عثمانی و دولت علیهٔ ایران مشترک است. عشیرت ملخطاوی زارعین ارضی مزبوره را بایست بر وفق میعاد سابق نصف کرده، نصف به عشیرت‌الطعان که تابع دیرهِ البومحمد است بدهند. والی برخلاف سابق همهٔ حاصلات آنجا را برداشته در قریهٔ مذکور انبار نموده و غیر از این اموال و حیواناتی که سابقاً از اهالی قرای بدره و زرباطیه به غصب و غارت برده بودند، حسین‌قلی‌خان والی لرستان ممانعت از استردادش می‌نماید و احمدآقا نام سرکردهٔ سواره را که بر معتاد سابق جهت تقسیم حاصلات مذکوره نزد خان مومی‌الیه رفته بوده حیوانی را که راکب بوده در آنجا سرقت نموده‌اند و بعد از ده روز یک حیوان دیگری بدل حیوان مسروقهٔ او داده و جواب داده است که حاصلات را تقسیم نخواهم نمود. چون این گونه حرکات خان مومی‌الیه مقایر سلم و صفوت جاریه و موجوده بین دولتین علیتین می‌باشد، بدیهی است که ذات نصفت‌شعار شما هم این گونه معاکسات خان مومی‌الیه و جواب دادن او را به مأموری که نزد او فرستاده شده را تجویز نخواهید داشت. لهذا کیفیت را به هر کدام از حکام ایران که لازم می‌دانید موکداً اشعار دارید که رفع این گونه حالات او را نموده و نتیجه را هم طرف اخلاص‌مند بیان دارید.

محل مهر و امضا احمد توفیق مشیر اردوی عراق و والی بغداد

٥

بغداد والیسی احمد توفیق پاشا طرفندن ایران وزارت خارجیه‌سنه یازیلان تذکره‌نک صورتیدر

جنابلو مهربانم خان جنابلری

بنیلام قائمقاملغی داخلنده لیله زوبالیه قریه‌سنه اوچ ساعت مسافه‌ده واقع قلعه‌سی دولت علیه ایله دولت بهیه بیننده مشترک اولدیغی ... مقدار سابق وجهله عائد اولدیغی حملاتک نقض کنندری العبد ... دیگری ابومحمد دیره‌سنه تابع الطعالیه عشیرتنه دریدی لوزملر ابکه حملاتک حجز سنی قلعه ... قریه مذکوره‌ده درابنه ایتدکلری و بوندن شقرلسنده والیسی حسبه قولجانک مقدما بدره ... بالیه اهالیسندن نهب و غصب ایتدکلری اغنام و حیوانات سائره‌نک استردادی ... و ... مذکوره‌نک برمقدار قدیم تقسیمی ... موظف بلوکباشیدن احمد آغا خانه مطالبه‌یله کوندریلسه‌ده اولدیغی حالده ... اولدیغی حیوانات سرقت ایتدیریلدیکی ... صکره یرینه ... ورجید و حملات مذکوره‌نک تسلیم ... جوابنی اعطا ایدیلدیکی مطالبه‌نک اعاده ایدلدیکی بابنده اجابتک اجراسی خصوصی بنیلام قائمقاملغندن بامضبطه اشعار اولنمش و زمینه مذکور حملاتنک مقدار سابق وجهله تقسیمی و مواد منهوبه مذکوره‌نک استردادی ... و ... حاوی اولدیغی ... اجابنه‌ده اولدیغی حالده خانه ... بوصورتله معاکسه ایتمی ... ماقوره جواب ... تعرضات ... تجویز اولنمیوب ... مجالسنه اولنمله کیفیتک طرف والالرندن ایجاب ایدنلره ... ارائه ... استعداد ... حرر ... ایجابنک اجراسیله کیفیتک ... خصوصنه همت بیوریلمسی سیاقنده تذکره مخلصی ترقیم ابتدار قلندی

فی ۹ محرم ۳۲۸

سنه ... والی بغداد
احمد توفیق

شمارهٔ سند: ۲۱٦
موضوع: تصرف نهر مزارع اهالی ملخطاوی و صیفی توسط اهالی زرباطیه تابع عثمانی
تاریخ: سلخ رمضان ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۳۷

خداوندگارا، به واسطهٔ کار پردازخانهٔ بغداد تلغراف‌نامه سامی از مقام جلیل وزارت امور خارجه در پانزدهم ماه شباط رومی که روز بیستم ماه مبارک رمضان باشد زیارت گردید. در خصوص نهر مزارع اهالی ملخطاوی و صیفی از توابع پشتکوه لرستان امر و مقرر فرموده بودند که اهالی زرباطیه نهر مزبور را به مقام تصرف آمده و به زراعت خودشان جاری می‌سازند و حال آنکه منبع نهر مزبور در ممالک محروسهٔ ایران واقع است و از قدیم‌الایام علی‌الدوام آب زراعت اهالی ملخطاوی و صیفی بوده و تصرف آنها مغایر حقانیت است در این باب با وکلای دولت عثمانی گفتگو و مذاکره نموده حکمی به عهدهٔ والی بغداد اصدار و ارسال دارد که ا هالی زرباطیه را ازین تصرف غیرحقه منع نمایند بعد از استحضار از مضامین مندرجهٔ تلغراف‌نامه سامی تقریری به جناب عالی‌پاشا نوشت و مذاکرهٔ لازمه را هم نمود چون به جهت بودن ماه مبارک رمضان و نزدیکی روز عید در خانه مثل تعطیل بود، دسترس نشد که مکتوب سامی مطلوبه را ازین پوستا بفرستد انشاءالله بعد از عید مکتوب سامی به عهدهٔ والی بغداد اصدار و نزد مقرب‌الخاقان میرزا زمان‌خان انفاد خواهم داشت که حکمی به عهدهٔ مأمورین زرباطیه گرفته بفرستد که اهالی زرباطیه دست از تصرف نهر مزبور بردارند، مراتب جهت استحضار عرض شد.

محل مهر: نریمان

[illegible] به [illegible] خانه برادر [illegible] از [illegible] شد

که روز بیستم ماه مبارک رمضان [illegible] زیارت کعبه [illegible] نهر [illegible] از اهالی [illegible] برای [illegible]

امر بتقریر زحمت بنده که اهالی زرآبادیه نهر [illegible] به تصرف آمده [illegible] جاری [illegible]

منبع نهر زرآباد در ممالک محروسه ایران واقع است و از قدیم الایام [illegible] اهالی [illegible]

به تصرف [illegible] در جواب [illegible] دولت عثمانی [illegible]

اظهار [illegible] که اهالی زرآبادیه را از تصرف [illegible] منع نمایند [illegible]

[illegible] در باب [illegible] شد [illegible]

رمضان [illegible] روز عید [illegible] مکتوب [illegible]

نوشته [illegible] مکتوب [illegible] زرآباد [illegible]

[illegible] نوشته که اهالی زرآبادیه [illegible] به تصرف [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۷
موضوع: تعلق اراضی صیفی و ملخطاوی به ایران
تاریخ: ۲۲ ذیقعده ۱۲۸۰ هـ. ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

از سفارت اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۴۹

خداوندگارا، در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخهٔ بیستم شعبان که به افتخاری فدوی صادر شده بود، مرقوم فرموده بودند که اراضی ملخطاوی و صیفی که در سرحد لرستان و پشتکوه واقع است و از جمله امکنهٔ مختصهٔ دولت علیهٔ ایران می باشد و همیشه در تصرف ولات پشتکوه بوده و طوایف پشتکوه در آنجاها زراعت کرده و می‌کنند و همه‌ساله هم ولات پشتکوه مالیات نقدی و جنسی از اراضی مزبوره دریافت نموده و حال هم می‌گیرند و تعلق و اختصاص آن به دولت علیهٔ ایران به طوری واضح است که به هیچ‌وجه محل شبه نمی‌تواند شد و ولات پشتکوه در آنجاها از سابق و لاحق بناها و قلعجات عدیده احداث کرده‌اند و در فصل زمستان غالباً در آن اراضی قلعه‌جات به‌سر می برند و علاوه بر این ملخطاوی و صیفی هر دو اسم یک طایفه از عشایر لرستان و پشتکوه است و این اراضی به اسم آن دو طایفه نامیده شده است و همچنین چندین دلایل واضحه و مثبته در آن ضمن درج فرموده بودند، فدوی عین همان تعلیقه را به جناب عالی پاشا نشان داده آنچه لازمهٔ گفتگو و اقامهٔ دلایل بود به عمل آورد و مکرر میرزا احمد را نزد جناب عالی پاشا فرستاده و پیغام دادم که با وجود این دلایل و شهادتهای طبیعی که مجرای رودخانهٔ کنجان‌چم باشد و سرچشمه آن هم در وسط پشتکوه واقع گردد و از تنگهٔ کنجان‌چم بیرون شده از پهلوی خطی که مأمورین تشخیص سرحدات دولتین برای سرحد طبیعی معین و مفروز کرده‌اند دیگر در این فقره چگونه محل شبه و تردید می تواند بشود. اگر وکلای دولت عثمانی بخواهند چشم از این حقوق بین دولت علیهٔ ایران بپوشند و کار را به طول مذاکره بگذرانند در این بین هرگاه غایله و فسادی ظهور نماید برعهدهٔ کارگزاران دولت عثمانی خواهد بود، جناب عالی پاشا بعد از مطالعهٔ تعلیقهٔ رفیعه و پس از استماع

بیانات سفارت سنیه جواب دادند که قرار این نوع امورات که در حقیقه دایر به امر سرحدات است گفتگو کرده است و باید تحقیقات بشود در موقع خود بشود زیرا که من استحضار درستی از این نوع کارها نمی‌توانم حاصل نمایم پیش از آنکه درین باب به مقام سؤال و جواب برآیم و بتوانم قراری در کار بدهم لازم است که در این باب استحضار لازمه از موقع و مکان و حالت آنجا بهم برسانم و این هم از برای من ممکن نخواهد شد مگر اینکه در این باب استعلام از بغداد نموده باشم، لهذا با همین پوسته استعلام از جناب نامق پاشا خواهم کرد که تحقیقات لازمه را به عمل آورده استحضار تمام بدهد که آنجاها چگونه ملک بوده و سابق بر این چه بوده و حالا چه طور است تا آن وقت بتوانم از روی بصیرت به سفارت جواب بدهم وانگهی این نوع کارها باید در محل خود صورت انجام یابد و احتمال کلی دارد که پس از وصول تحریرات من نامق پاشا با کارپرداز شما در آنجا بدون هیچ اشکال بعد از عمل آوردن تحقیقات خود به خوشی بگذرانند ولیکن حالا به غیر از این که این کار را رجوع به نامق پاشا نمایم که در محلش تحقیقات لازمه را نماید هیچ چاره ندارم و ممکن نیست که کاری بتوانم بکنم فدوی پس از شنیدن این جواب و نمودن تعلیقه بندگان عالی که در صورت ظهور غایله در این بین بر عهدهٔ کارگزاران دولت عثمانی وامی داشت. در تکرار مطلب سعی نمودم که لامحاله استعلام مزبور بزودی نوشته ارسال شود و صورت همان استعلام را خواهش کردم که از برای مقرب الخاقان حاجی میرزا زمان خان بفرستم که از کیفیت درست مطلع شده با نامق پاشا مذاکره کرده با دلایل واضحه به نامق پاشا حالی و ثابت نماید که اراضی مذکوره ملک طلق دولت علیهٔ ایران است و رودخانهٔ مزبور تعلق به طایفه مزبوره دارد و امر را بگذراند و اگر ممکن نشود حاصل گفتگوی خود را با آنچه که دانسته و فهمیده است به جهت اطلاع سفارت سنیه نوشته بفرستد که بعد از رسیدن جواب استعلام از نامق پاشا تحریرات کارپردازخانه در دست سفارت سنیه در مقابل تحریرات نامق پاشا شده باشد، سواد استعلام مزبور را با تحریرات سفارت سنیه در ۲۲ شهر شوال ارسال بغداد شده است. امیدوارم که عنقریب این امر به طوری که حق دولت علیه است صورت پذیر بشود. خاصه حالا که جناب وزیرمختار عازم بغداد شده‌اند و در بین این تحقیقات وارد خواهند شد خیلی آسان است که این امر به طور دلخواه بدون ظهور اشکال جدید بگذرد زیرا که جناب وزیرمختار اسباب هر نوع تحقیقات لازمه را در محلش

می‌تواند فراهم بیاورد و امر را به سهولت با نامق‌پاشا بگذرانند مراتب محض استحضار خاطر بندگان جناب‌عالی جسارت به عرض رفت. امرکم العالی مطاع مورخه ۲۲ شهر ذیقعده سنه ۱۲۸۰

[حاشیه:] مقابله شد.

ضمیمه

نمره ۱۴۹

خداوندگارا در تعلیقه رفیعه مورخه پنجم شعبان که با فخار فدوی صادر شده بود مرقوم فرموده
بودند که اراضی طلمنا و بیت صفیر که در سر حد لرستان و پشتکوه واقع است و از جمله املاک
مختصه دولت علیه ایران می‌باشد و همیشه در تصرف والی پشتکوه بوده و طوایف پشتکوه در آنجاها
زراعت کرده و می‌کنند و همه ساله هم والی پشتکوه مالیات نقدی و جنسی از زارعین اراضی مزبوره دریافت نموده
و مالیات را می‌گیرند و تعلق و اختصاص آن بدولت علیه ایران بطوری واضح است که هیچ محل شبهه نمی‌تواند شد
و والی پشتکوه در آنجاها از سابق و لاحق بناها و قلعه‌جات عدیده احداث کرده‌اند و در نقشه‌های لرستان
غالب در آن اراضی قلعه‌جات ثبت نموده‌اند و علاوه برای طلمنا و بیت صفیر در اسم یک طایفه از عشایر
لرستان و پشتکوه است و این اراضی باسم آن طایفه نامیده شده است و همچنین چند دلایل واضحه
و ثبته در آن ضمن درج فرموده بودند فدوی عین همان تعلیقه را بجناب پاشا نشان دادم آنچه لازمه
گفتگو و اقامه دلایل بود بعمل آورد و دیگر میرزا احمدخان را بجناب عالی پاشا فرستاده پیغام دادم
که با وجود این دلایل و شهادتهای طبیعی که مجرای رودخانه کنجان چم باشد و سرچشمه آن هم در
پشتکوه واقع گردد و از تنگه کنجان چم بیرون شده از پهلوی جبلی که مأمورین تشخیص سرحدات دولتین
برای سرحد طبیعی معین و منظور کرده‌اند دیگر در این فقره چگونه محل شبهه و تردید میتواند بشود

اگر وکلای دولت عثمانیه بخواهند چشم ازین حقوق بیّن دولت علیّهٔ ایران بپوشند و کار را بطول مذاکره
بگذرانند درین بین هرگاه غائله و فسادی ظهور نماید بر عهدهٔ کارگذاران دولت عثمانیه خواهد بود

جناب ایلچی پاشا بعد از مطالعهٔ تعلیقهٔ رفیعه و پس از استماع بیانات سفارت سنیّه جواب داده‌اند
قرار این نوع امورات که در حقیقه دایر بامر سرحد است مشکل‌ترین کارها است و باید تحقیقات اینها
در موقع خود بشود زیرا من استحضار درستی ازین نوع کارها نمیتوانم حاصل نمایم پیش از آنکه
درین باب بمقام سؤال و جواب برآیم و بتوانم قراری در کار بدهم لازم است که در این باب
استحضار لازمه از موقع و مکان و حالت آنجاها هم برسانم و این هم از برای من ممکن نخواهد شد مگر اینکه
در اینباب استعلام از بغداد نموده باشم لهذا با همین پوسته استعلام از جناب نامق پاشا خواهم کرد
هر تحقیقات لازمه را بعمل آورده استحضار تمام بدهد که آنجاها چگونه ملک بوده و سابق براین چه بوده.
و حالا چه طور است تا آنوقت بتوانم از روی بصیرت بسفارت جواب بدهم و انگهی این نوع
کارها باید در محل خود صورت انجام یابد و احتمال کلی دارد که پس از وصول تحریرات من نامق پاشا
با کارپرداز شما در آنجا بدون هیچ اشکال ابداً زحمت داده بدون تحقیقات خود بخودی بگذرانند و لیکن حالا
بغیر ازین که این کار را رجوع بنامق پاشا نمایم و در محلش تحقیقات لازمه را نماید هیچ چاره ندارم
و ممکن نیست که کاری بتوانم بکنم خودی پس از شنیدن این جواب و نمودن تعلیقه مبارکه کاملاً در صورت

مذاکره شد با والی و انجمن [illegible]

ظهور رعایه در این بین برخورده کارگذاران دولت عثمانی واهمه داشت در تکرار مطلب سعی نمودم
در لف مراسله استعلام مزبور بوده ولی نوشته ارسال نشد و صورت همان استعلام را خواهش کردم
و از برای مقرب الخاقان حاجی میرزا رضاخان بفرستم که از کیفیت درست مطلع شده با نامق پاشا
و ثابت نماید که اراضی مذکوره ملک طلق دولت علیه ایران است و رودخانه مزبور تعلق
بطایفه مزبوره دارد و امر را بگذرانند و اگر ممکن نشود حاصل گفتگوی خود را با آنچه که دانسته
و فهمیده است بجهة اطلاع سفارت سنیه نوشته بفرستد که بعد از رسیدن جواب استعلام
از نامق پاشا تحریرات کارپردازخانه در دست سفارت سنیه در مقابل تحریرات نامق پاشا بوده باشد
سواد استعلام مزبور را با تحریرات سفارت سنیه در ۲۲ شهر شوال ارسال بغداد شده است
امید دارم که عنقریب این امر بطوری که حق دولت علیه است صورت پذیر شود خاصه حالا
که جناب وزیر مختار عازم بغداد شده اند و در بین این تحقیقات وارد خواهند شد خیلی امیدوارم
در این امر بطور دلخواه بدون ظهور اشکال جدید بگذرد زیرا که جناب وزیر مختار اسباب از هر نوع
تحقیقات لازمه را در محلش میتوانند فراهم بیاورند و امر را بسهولت با نامق پاشا بگذرانند
محض استحضار خاطر بندگان جناب عالی جسارت بعرض رفت امر کم العالی مطاع مورخه ۲۲
شهر ذی قعده سنه ۱۲۸۰

شمارهٔ سند: ۲۱۸
موضوع: امور سرحدی زهاب، صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ عمادالدوله (میرزا زمان‌خان) کارپرداز بغداد به وزارت امور خارجه

نمره: ۵۷

جناب جلالت‌مآب مکرم دوستا، مراسلات شریفه مصحوب چاپار به تاریخ بیست و ششم شهر رجب‌المرجب شرف وصول ارزانی داشت از استقامت مزاج شریف مطلع و مسرور شد انشاءالله همیشه در ظل عواطف اعلی حضرت شاهنشاه جم‌جاه روحنا فداه قرین مفاخرت و صحت باشند تفضیلی که در باب امور سرحدیه مرقوم داشته بودند موجب استحضار آمد اولاً در زهاب امر معادن نمک به همان طور که مرقوم شده بود و سابقاً هم دستورالعمل داده شده است از طرفین تصرفی در آنها نمی‌شود و همیشه هم مراقب می‌باشد که برخلاف قاعده از طرف عثمانی تصرفی نشود. خاصه در این اوقات که جمیع عشایر صفحهٔ پشت‌کوه در آنجا و حوالی آنجا هستند از رعایای عثمانی کسی قدرت تصرف در آنجا نخواهد داشت. اما در باب اراضی صیفی و ملخطایی تفضیل همان است که هم عالی‌جاه میرزا نصرالله مهندس عرض کرده است و هم خود مکرر عرض نموده است از اینکه این اراضی همیشه در تصرف ولات پشتکوه بوده و طوایف صیفی و ملخطایی در آنجا زراعت می‌کرده‌اند و مالیات خود و به هرچه زراعت خود را به ولات پشتکوه می‌داده‌اند جای حرف نیست بعضی بناها و قلعه‌جات هم از ولات پشتکوه در آنجا احداث شده است در این چند سال که قدری اغتشاش در امور صفحهٔ پشتکوه پیدا شد و طوایف متعلقه به حیدرخان متفرق شدند در آن اراضی مقدورشان نبوده که درست زراعتی نمایند، پارسال مجدداً زراعتی در آنجا نموده بودند اهالی زرباطیه مانع شده و آب او را خشکانده و مزروعات آنجا را تلف نموده بودند این فقره هم مکرر به عرض اولیای دولت قاهره رسیده است و در این اوقات هم که طوایف صیفی و ملخطایی بازخواسته‌اند در آنجا زراعت کنند از طرف کارگزاران عثمانی ممانعت شدید شده است،

لهذا به ملاحظهٔ اینکه مفسده واقع نشود این بنده درگاه به حسین‌قلی خان نوشت که این قدر دست نگاه ندارد که مراتب را به عرض اولیای دولت قاهره برساند اینکه مقرر شده بود که اگر کار به سختی منجر شود مراتب را عرض کند بدیهی است با این ممانعتی که از آن طرف می شود اگر ایلات پشتکوه بخواهند اقدام زراعت در آن اراضی بکنند البته کار به منازعه خواهد کشید، اگرچه اهالی صفحهٔ پشتکوه از عهدهٔ این طور هرزگی همسایه های خودبخوبی برمی آیند ولیکن چون پای دولت در میان است البته بی اذن اولیای دولت نمی توان اقدام به امری نمود و اگر هم باید آن اراضی مثل معادن نمک از تصرف طرفین خارج باشد موقوف به حکم اولیای دولت ابدمدت قاهره خواهد بود والا در اینکه همیشه در تصرف ولات پشتکوه بوده است، جای حرفی نیست. در باب کرم‌الله خان وسیدجواد خان والی‌زاده‌های پشتکوه که در حبس بغداد هستند. و در باب میره‌بیک سنجابی که یک سال است در حبس بغداد است. و در باب بعضی از طوایف کویک که داخل فوج قلعه زنجیر هستند و محمدبیک جاف نزد خود برده است و بعضی از عشیرهٔ میره‌بیک سنجابی را هم این روزها دلالت کرده نزد خود برده مکرر در این باب و امور به مقرب‌الخاقان کارپرداز بغداد تأکید نوشته است و مشارالیه هم در این باب با پاشای بغداد مکرر گفتگو کرده و ثمری نبخشیده است در نوشتجات سابقه که انفاد خدمت شده بود این فقرات و بعضی فقرات دیگر عرض شده بود ولیکن در جوابی که مرقوم شده است اقتصار به همان امر معادن نمک و اراضی صیفی و ملخطایی نموده بود اگر رجوع به نوشتجات سابقه بفرمایند مطالب معروضه معلوم خواهد شد و اگر جوابی دارند مرقوم خواهند فرمود، زیاده زحمتی ندارد. ایام اقبال و اجلال مستدام باد.

محل مهر: محمد ابن علی علی

[حاشیه:] خلاصه شد

•

[دستخط ناصرالدین شاه:]

این کاغذ را الآن بدهد وزیرمختار ملاحظه کند و گفت را به او حالی کند و از او شور کند که چه باید کرد هر قسم مصلحت بداند امروز به عرض رساند و همان‌طور به عمادالدوله جواب نوشته شود. معتمدالدوله هم کمال استحضار را دارد از او هم سؤال

بکن، اطلاع او را هم به اطلاع وزیرمختار برسان.

[حاشیه:] در عهد کارپردازی حاجی میرزا زمان‌خان

١٢٨٠

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۱۹
موضوع: قطع آب اراضی صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت امور خارجهٔ ایران به سفارت ایران در اسلامبول

نمره: ٤٤

سواد تعلیقه وزارت جلیله خارجه به سفارت سنیه اسلامبول

جناب فخامت نصابا، در باب اراضی صیفی و ملخطاوی نواب والا تبار عمادالدوله جواب کاغذ مرا که در طبق اظهارات آن‌جناب نوشته بودم قلمی و از قراری که اظهار داشته‌اند اراضی مزبوره سابقاً و حالاً در دست سرحدداران این طرف و اهالی آنجا که رعایای دولت علیه هستند بوده و می باشد و زراعت از صیفی و شتوی در آنجا کرده‌اند. تصرفی در آن اراضی از جانب سرحدداران عثمانی نبوده و نیست ولی چیزی را که می‌کنند این است که آب اراضی مزبوره را که عبارت از رودخانهٔ کنجان‌چم بوده باشد، قطع کرده به زرباطیه می برند و مزروعات آن بی‌آب می ماند و نوشته‌اند عالی جاه حسین‌قلی خان اگرچه می‌تواند از عهدهٔ اهالی زرباطیه برآمده نگذارد آب را قطع نمایند اما نواب معزی‌الیه احتیاط از این کرده‌اند که مبادا بعد از آنکه عالی جاه مشارالیه به این مقام آمد، سرحدداران عثمانی به کمک و تقویت اهالی زرباطیه برخیزند و ماده غلیظتر بشود بی این جهت بی رضایت سنی الجوانب اقدس همایون اعلی روحنا فداه اجازه داده شد که عالی جاه مشارالیه علی العجالتاً قهراً اقدام به آوردن آب ننماید، مقرر فرمودند به شما بنویسم که در اسلامبول گفتگو و طوری نمایید که معجلا اعلام بشود جناب نامق‌پاشا قدغن نماید آب قسمت زراعت اراضی مزبوره را قطع نکنند که مثل پارسال زراعت آنها بخشکد و مبالغ خطیر به رعیت و دولت ضرر برسد اگر از شما شنیده مانع آب اراضی مزبوره که بالاصاله تعلق به این دولت داشته و دارد نشدند فبها امر بی غایله خواهد گذشت والا نواب معزی‌الیه هم قدغن نمایند آب مندلیج را که از خاک کرمانشاهان می رود و کمال احتیاج را اهالی مندلیج به آن دارند، قطع کنند تا به

فرمایش اقدس همایونی سن‌بالسن والجروح قصاص شده باشد. به مقرب‌الخاقان حاجی میرزا زمان‌خان به این تفضیل نوشتم البته او به جناب نامق‌پاشا اظهار خواهد کرد، شما هم در اسلامبول گفتگو و انشاءالله طوری نمایید که کار به اینجاها منجر نگردد و اگر شد اولیای دولت عثمانی گله و اظهار ملالت از این فقره ننمایند که بعد از آنکه حرف حسابی دولت علیه به گوش طرف مقابل نرفت تکلیف به جز آن نخواهد بود که رسم معاملهٔ متقابله را مجری داشته و چاره به کار خود بکند. و بی طرف ماندن اراضی مزبوره هم که نوشته بودید از این مقوله خارج است و محتاج به گفتگو در این ماده نیست که اراضی مزبوره خود در تصرف سرحدداران و رعیت دولت علیه بوده و هست چه داعی شده است که ملک متصرفی دولت علیه حالت بی‌طرفی حاصل نماید. گفتگو در باب آب است و قرار آن به جهتی است که به آن جناب نوشته شد، البته زودتر حسب‌المقرر عمل کرده جواب قلمی خواهید داشت. زیاده چه نگارد. نیمهٔ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۱

سواد تعلیقه ... [illegible] ... ۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۱

[illegible] ... در باب [illegible] ... مراسله [illegible] ... جواب ... [illegible]

[illegible] ... دولت ... [illegible] ... شده ... [illegible]

[illegible] ... قطع کرده ... [illegible]

[illegible] ... از عهده ... [illegible] ... قطع نمایند ... [illegible]

[illegible] ... مقام ... [illegible] ... رابطه ... [illegible]

[illegible] ... اجازه داده شده ... [illegible] ... آب ... [illegible]

[illegible] ... جناب ... [illegible] ... قطع کنند ... [illegible]

[illegible] ... دولت ... [illegible] ... آب ... [illegible]

[illegible] ... آب ... [illegible] ... قطع کنند

[illegible] ... [illegible] ... اظهار خواهد کرد

[illegible] ... [illegible] ... دولت ... [illegible]

دولت ... [illegible] ... تکلیف ... [illegible]

[illegible] ... دولت ... [illegible]

[illegible] ... در باب آب ... [illegible]

... [illegible] ... جواب ... خواهید داشت ... [illegible] ... شهر ربیع الثانی ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۲۲۰
موضوع: قطع آب اراضی صیفی و ملحظاوی توسط عثمانی ها
تاریخ: ۲ جمادی‌الاول ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۶۵

از سفارت اسلامبول به وزارت امور خارجه

فدایت شوم. در تعلیقهٔ رفیعه مورخهٔ ۱۵ شهر ربیع الاول مرقوم فرموده اید که درخصوص اراضی صیفی و ملخطاوی نواب والا عمادالدوله در جواب به شما اظهار داشته‌اند اراضی مزبوره سابقاً و لاحقاً در دست تصرف کارگزاران دولت علیهٔ ایران بوده و اهالی آنجا که رعایای دولت علیه هستند زراعت می‌کرده‌اند و عثمانی ها را هم حرفی نبوده است کاری که می‌کنند قسمت آب اراضی مزبوره را که از رودخانهٔ کنجان‌چم است منع نموده، وزراعت آنجا را بی آب می‌گذارند. و از قرار نوشته نواب معزی الیه حسین‌قلی‌خان مقتدر به آوردن آب و مقاومت با اهالی زرباطیه بوده است ولی نواب معزی الیه از بابت اینکه شاید سرحدداران عثمانی به معاونت اهالی زرباطیه برآیند و ماده غلیظ شود، سکوت کرده‌اند. بالاخره مرقوم شده بود که با وکلای عثمانی مذاکره نمایم به نامق‌پاشا بنویسند آب زراعت اراضی مزبوره را ممانعت ننمایند والا از طرف کارگزاران دولت علیه هم آب رودخانهٔ مندلیج که از خاک کرمانشاهان می‌گذرد و اهالی مندلیج کمال احتیاج به آن آب دارند، قطع خواهد شد. مراتب را به طوری که مرقوم فرموده بودید در کمال قوت به جناب عالی‌پاشا اظهار کردم و گفتم که اگر جواب این فقره از طرف من به طور دلخواه به حضور اولیای دولت علیه نرود یقین بدانید که آب مندلیج را کلاً قطع خواهند فرمود و موجب ضرر و خسارت بزرگ شما خواهد گردید و هیچ راه گله هم به جهت شما باقی نخواهد ماند.

عالی‌پاشا در جواب به من گفت چند روزی به من مهلت بدهید که فی‌مابین خودم و نامق‌پاشا به توسط تلغراف مخابره نمایم و ببینم به چه دلیل و جهت آب حقهٔ اراضی مزبوره را قطع می نماید اگر به طوری که شما اظهار می دارید اراضی مزبوره ملک

ایران و در تصرف شما می‌باشد و حقابه معینی از رودخانهٔ مزبوره داشته است، حکم صریح خواهم فرستاد که متعرض نشده و کمافی‌السابق حقابهٔ آنها را بدهد و اگر حرف و دلیل دیگری مقرون به قاعده داشته باشد آن وقت با شما مذاکره خواهم نمود. من در جواب گفتم که البته نامق‌پاشا یک دلیل غیرموجهی به جهت استخلاص خود پیدا نموده به شما خواهد نوشت و اگر شما بخواهید به جواب و ادلّهٔ او گوش بدهید نتیجهٔ عمل قطع آب مندلیج خواهد گردید. در جواب گفت اگر دلیل او در نظر وکلای دولت غیرموجه آمد مسموع نخواهد شد و در آن صورت امر قطعی خواهم فرستاد در هر صورت تا با نامق‌پاشا مخابره ننمایم جواب صریح نمی‌توانم داد. به فاصلهٔ سه روز باز میرزا احمد را نزد مشارالیه فرستاده و مطالبهٔ جواب نمودم گفته بود آنچه من باید به نامق‌پاشا بنویسم به توسل تلغراف اطلاع دادم ولی جواب مشارالیه هنوز نرسیده است شاید امروز و فردا برسد ازآن روز عالی‌پاشا به باب‌عالی نیامده وناخوش شده است، میرزااحمدهم نتوانسته است او را دیده که جواب کافی و آخری را خدمت بندگان عالی توانم عرض نمود چون چاپار انگلیس روانه بود همین قدر را به جهت اطلاع سامی واجب‌العرض دیدم ولیکن تحریرات مورخهٔ ٤ ربیع‌الثانی میرزا زمان‌خان دیروز رسید و جوابی که نامق‌پاشا در تاریخ ۲۵ شهر ربیع‌الاول در این فقره به مشارالیه نوشته اراضی مزبوره را ملک عثمانی و زارعین آنجا را تبعهٔ خودشان معدود کرده است سواد او را به جهت من فرستاده بود، یقین همین جواب را به وکلای دولت متبوعهٔ خودش نیز خواهد نوشت.

بهتر این است که بندگان‌عالی از حالا به نواب والا عمادالدوله اطلاع بدهید که تدارک تلافی و مقابله به مثل این کاغذ را از قطع آب رودخانه مندلیج حاضر سازند که اگر خدای نکرده منظور و مقصود ما از وکلای دولت عثمانی حاصل نشد فی‌الفور به تکلیف خودشان عمل نمایند خدا کند که در چند فقره این طور تلافی‌ها به عمل آید تا طرف مقابل هم قدری حساب خود را نموده و حوصله و سکوت ما را حمل بر ضعف و عدم قدرت ننمایند و یک مرتبه هم والی بغداد مصدر ضرر شده و به آه و ناله درآید. در آخر تعلیقه مرقوم فرموده‌اید که بی‌طرف ماندن اراضی مزبوره را هم چنانچه تو نوشته بودی ازین مقوله خارج است و محتاج به گفتگو نیست. این فرمایش مثل این می‌ماند که گویا این بنده خدمت اولیای دولت علیه تکلیف کرده باشم که اراضی مزبوره بی‌طرف بماند و حال آنکه در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخهٔ شهر شعبان ۱۲۸۰ که در غیاب من به

نریمان‌خان در این فقره مرقوم فرموده‌اید مخصوصاً دستورالعمل د ده شده است که اگر فقرهٔ این اراضی به طور منظور ما به عمل نیامد اقلاً کاری بکنید که بی طرف بمانند. و فدوی در عرایض مورخهٔ ۱۲ محرم‌الحرام ۱۲۸۱ خود که از سامره ارسال نموده‌ام صراحتاً عرض کرده‌ام پس از آنکه حسین‌قلی‌خان و کارگزاران نواب والا عمادالدوله مدعی بر این هستند که می‌توانند اراضی مزبوره را زراعت کرد و آب آنها را آورد چه لازم کرده است که بی‌طرفی املاک متصرفهٔ دولت علیه راضی بشوم.

و خود فدوی از بغداد به حسینقلی‌خان نوشتم که اگر بتوانی اراضی مزبوره را هم زراعت کن و هم حقّابه آن را از نهر کنجان‌چم بیاور، و خدمت سامی عرض شده بود که اگر دیدیم گفته‌های مأمورین خودمان لاف و گزاف است و مصداق خارجی به هم نخواهد رسانید آن وقت راضی به بی‌طرفی که سابقاً تکلیف شده بود می‌توان گردید والا فلا زیاده بر این عجالتاً عرضی نیست همین که عالی‌پاشا بهتر شد و به باب‌عالی آمد دقیقه وقت را فوت نکرده و جواب آخری این دولت را تحصیل و خدمت ملازمان عالی عرضه خواهم داشت. معروضه دویم شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۱

[پی نوشت:]

ـــ مقابله شد.

در دفتر اسناد دولتی وزارت [illegible]

[illegible]

نمره ۶۵

فدایت شوم در تعلیقه رفیعه مورخه ۱۵ شهر ربیع الثانی مرقوم فرموده اید که در خصوص اراضی مسیفی و ملحقات و
نواب والا عمادالدوله در جواب بنده اظهار رد داشته اند که اراضی مزبوره سابقاً و لاحقاً در تصرف کارگذاران
دولت علیه ایران بوده است اما اهالی آنجا که رعایای دولت علیه هستند زراعت میکرده اند و عثمانیها را هم حرفی نبوده است
کارگذاران عثمانی قسمت آب اراضی مزبوره را که از رودخانه گنجان جم است منع نموده و زراعت آنجا را بی آب گذارده اند
و از قرار نوشته نواب معزی الیه حسینقلی خان متعدی به آوردن آب و مقاومت با اهالی زرباطیه بوده است
ولی نواب معزی الیه از بابت اینکه شاید سرحدداران عثمانی بمعاونت اهالی زرباطیه برآیند و باعث [illegible]
شود سکوت کرده اند تا الآخره مرقوم شده بود که با وکلای عثمانی مذاکره نمایم که باشا [illegible] بنویسند که از زراعت
اراضی مزبوره را ممانعت ننمایند والا از طرف کارگذاران دولت علیه هم آب رودخانه مندلیج را که از آنجا
گرمابان میگذرد و اهالی مندلیج کمال احتیاج بآن آب دارند قطع خواهد شد مراتب را بطوری که مرقوم
فرموده بودید در کمال قوت بجناب عالی پاشا اظهار کردم و گفتم که اگر جواب این فقره از طرف [illegible] کلا
بطور دلخواه ~~بحضور اولیای دولت متبوعه~~ بحضور اولیای دولت علیه نرسد یقین بدانید که آب مندلیج را بند
قطع خواهند فرمود و موجب ضرر و خسارت بزرگ شما خواهد گردید و هیچ راه گله بجهت شما باقی نخواهد

عالی پاشا در جواب من گفت چند روزی بمن مهلت بدهید و فیمابین خودم و نامق پاشا بتوسط تلغراف
مخابره نمائیم و ببینیم بچه دلیل وجهت آب حقه را از اراضی مزبوره را قطع مینمایند اگر بطوری که شما اظهار
میدارید اراضی مزبوره ملک ایران و در تصرف شما میباشد و حقابه معینی[20] مزبوره داشته است حکم
صریح خواهم فرستاد متعرض نشده و کما فی السابق حقابه آنها را بدهند و اگر حرف و دلیل دیگری
مقرون بقاعده داشته باشد آنوقت با شما مذاکره خواهم نمود من در جواب گفتم البته نامق پاشا
یک دلیل غیر موجهی بجهت استخلاص خود پیدا نموده بشما خواهد نوشت اگر شما بخواهید بجواب و ادله او گوش بدهید
نتیجه عمل قطع آب مندلیج خواهد گردید در جواب گفت اگر دلیل او در نظر وکلای دولت غیر موجه آمد مسموع
نخواهد بود و در آنصورت امر قطعی خواهم فرستاد در هر صورت تا با نامق پاشا مخابره ننمایم جواب صریح نمیتوانم داد
بفاصله سه روز باز میرزا احمد را نزد ایشان فرستاده و مطالبه جواب نمودم گفته بود آنچه من باید بنامق پاشا
بنویسم بتوسط تلغراف اطلاع داده‌ام ولی جواب ایشان را هنوز نرسیده است شاید امروز و فردا برسد
از آن روز عالی پاشا بباب عالی نیامده و ناخوش شده است میرزا احمد هم نتوانسته است او را دیده و
جواب کافی و آخری را خدمت بندگان عالی توانم عرض نمود حین چاپار انگلیس روانه بود همین قدر را بجهة اطلاع
سامی واجب العرض دیدم ولیکن تحریرات مورخه ۲ ربیع الثانی میرزا زمان خان دیروز رسید و جوابی که
نامق پاشا در تاریخ ۲۵ شهر ربیع الاول در این فقره بایشان نوشته اراضی مزبوره را ملک عثمانی

و از عین آنجا را تبعهٔ خودشان معدود کرده است سواد او را که به من فرستاده بود و یقین همین

جواب را به وکلای دولت متبوعهٔ خودش نیز خواهد نوشت بهتر این است که بنده کاغذی از جانب

نواب والا اعتضادالدوله اطلاع بدهید مدارک فقره و مقابله مثبت این کاغذ را از قطع آب

رود خانهٔ شدلیج حاضر سازند که اگر خدای نکرده منظور و مقصود ما از وکلای دولت عثمانی حاصل نشد

فی الفور تکلیف خودشان عمل نمایند خدا نکرده در چند فقره این طور تلف شد فیمابعد آید تا طرف

مقابل بسم قدری حساب خود را نموده و حوصله و سکوت ما را حمل بر ضعف و عدم قدرت ننمایند

دیگر مرتبه هم والی بغداد مصدر ضرر شده و آه و ناله در آید در آخر تعلیقه مرقوم فرموده اید

بیطرف ماندن اراضی مزبوره را هم چنانچه تو نوشته بودی از این مقوله خارج است و محتاج بگفتگو

نیست این فرمایش مثل این میماند که گویا این بنده خدمت اولیای دولت علیه تکلیف کرده باشم

و اراضی مزبوره بیطرف بماند و حال آنکه در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخهٔ شهر شعبان ۱۲۸۰ در جواب من

به نریمان خان در این فقره مرقوم فرموده اید مخصوص دستورالعمل داده شده است که اگر

فقرهٔ این اراضی بطور منظور ما انجام نیابد اقلاً کاری بکنید در بیطرف بمانند و قدری در عراق عرب

مورخهٔ ۱۲ محرم الحرام ۱۲۸۱ خود از سامره ارسال نموده ام صراحتاً عرض کرده ام پس از آنکه
حسینقلی خان و کارگذاران نواب والا علاءالدوله مدعی بر این هستند می‌توانند اراضی
مزبوره را زراعت کرده و آب انهار را آورده چه لازم کرده است در سطر فی الملک متصرفه
دولت علیه راضی بشوم و خود فدوی از بغداد به حسینقلی خان نوشتم اگر بتوانی اراضی مزبوره را
هم زراعت کن و اسم حقابه آزاد از نهر سرکنجان هم بیاور و مدت سالی می‌گذرد نشده بود
و اگر دیدم گفته‌های مأمورین خودمان لاف و گزاف است و مصداق خارجی به حکم نرسید
آن وقت راضی به سطر فی الملک شده بود می‌توان کرد و الله خلد ریبه بر این عجاله
عرضی نیست بهتر هر جا باشد بهتر شد و بابا بعالی آمد دقیقه وقت را فوت نکرده جواب
آخوی اینده دولت را تکلیف و مدت ملازمان عالی عرضه خواستم شد معروضه در ۱۰ جمادی الاولی ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۲۲۱
موضوع: حق آب اراضی صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ۱۷ ذیقعده ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

ترجمهٔ تحریرات رسمیه‌ای است که در ۱۷ شهر ذی‌قعده‌الحرام سنهٔ ۱۲۸۱ از جانب باب‌عالی به سفارت سنیه نوشته شده.

در ممالک دولت فخیمهٔ سرکار آبی که به مزروعات اراضی صیفی و ملخطاوی جاری می شود اگر از طرف اهالی زرباطیه از قطع آن آب فراغت نشود نهری که به مندلیج جاری می شود به طریق مقابله باالمثل قطع خواهد شد و تقریر والای سفیرانهٔ سرکار که در تاریخ ۲ شهر جمادی‌الاخر سنه ۱۲۸۱ در این خصوص و مشعر به فقرات دیگر بود رسیده قرار بر این شد که کیفیت را بی طرفانه در محل او تحقیق و تدقیق نموده سریعاً اشعار دادند، لهذا مکتوبی متضمن به این فقره نوشته به حضرت دولت‌مآب والی بغداد نوشته شده این دفعه تحریراتی که در جواب مکتوب مزبور وارد گردیده این است که اراضی شهر به ملحظاوی و صیفی به اسم اراضی سیدحسن معروف و مشهورند و جاهایی که در حین استاتوقو مانده شانزده ساعت در این طرف واقع شده از قدیم‌الایام در تحت تصرف عالی دولت علیه و از مصافات قائم‌مقامی مندلیج و از زمان متکاثره محل زراعت عشیرت بنی‌لام‌الطعات و قبایل حمیس که تابع سلطنت سنیه می باشند بوده است و از تبعهٔ ایران و از قبایل ملخطاوی و صیفی به قدر شصت خانوار در نزد متصرفین اراضی مذکوره مثل سایر فلاّحان تبعهٔ دولت علیه اجیر و مرابع می باشند به جهت اینکه به باغ و باغچه های اهالی زرباطیه و بدره و جسان آب کفایت نکرده و خشکیده خراب می شود محض در ایام تابستان زراعت کردنشان در تحت ممنوعیت بوده است، نهری که از مندلجین جریان می نماید به اضافهٔ اینکه مجرای قدیمش تحویل به جای دیگر خواهد شد از طرف مأمورین ایران در هر سالی از طرف اهالی زرباطیه تحقیق گشته که مبلغ پانصد تومان گرفته می شود در نزد والای سفیرانهٔ سرکار آزاده از تعریف و چنانچه در تقریری که

از جانب سفارت در تاریخ ۲۸ شهر ذی‌قعده سنهٔ ۱۲۶۳ بیان گشته بود نهری از یک منبعی که جریان می‌نماید خواه به دریا و خواه به انهار سایره ملحق شود از ممالک دول متعدده می‌تواند عبور نماید به این جهت نه منبع نهر مذکور که در مملکت دولتی واقع شود و نه مال آن دولتی که از ممالک او جریان می‌نماید نخواهد شد و از مسلمات است که هیچیک از دیگری نمی‌تواند حق جریان مطالبه نماید و نه می‌تواند تبدیل مجرا کند، لهذا پول گرفتن مأمورین مومی الیهم از طرف اهالی مرقومه نه موافق قاعدهٔ مرعیه دولّیهٔ و نه به حقانیت و انصاف دولت فخیمهٔ ایرانیه توافق خواهد کرد، در این خصوص از طرف سلطنت سنیه در هیچ وقت ممکن نیست که به نظر لاقیدی و خوشنودی نگاه کرده شود و الی حال هر قدر مبالغی که از طرف اهالی مرقومه گرفته شده کاملاً اعاده کرده و بعد از این نیز نظر به روابط حسن همجواری قدغن نمایند که این گونه حالات مغایر وقوع نیابد.

ترجمه تحریرات سفارت سنیه است مورخه ۱۷ شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۲۸۱
که از جانب دولت بهیه بسفارت سنیه نوشته شده

در مملکت محروسه ممالک آنچه هر یک مزروعات اراضی زهاب و مندلی جاری میشود اگر از طرف اهالی زهاب از قطع آن آب ممانعت نشود مندلیجه به منبع جاری میشود بلکه
مندلیجه بالکلیه قطع خواهد شد و تقریر والی سیوزانه نگاه مرور تاریخ ۲ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۱ در این مسئله اهالی و شهر بغداد دیگر به وسیله قرار این شد که کیفیت را مع
در محل او تحقیق و تدقیق نموده سرحدی استشهاد داده لهذا مکتوب متضمن این فقره نوشته بحضرت وزارت جناب والی بغداد نوشته شد این دفعه تحریراتیکه در جواب کمی
و الحال که به ایشان هر اراضی باشد به مندلی و زهاب به اسم ابنای سیدحسن معروف و مشهورند و جاهائی هر جای آنها نوشته حاصل شش نوده ساعت در اطراف
انقسیم الدوم در تحت تصرف مامورین جدید و از ملکات قوم مقابل منبع و از زمان گذشته متصرف جسیرت بزرگ الملک و مقابر مدفن هر
سلطنت سنیه بوده است و از زمره اهالی و از قبائل مندلی و زهاب تبعه دولت و مانند از زمره ارامنه اراضی مذکوره مثل سایر متصرفات تبعه دولت علیه ایران
چنانچه بجهت آنکه بباغ و باغچه‌های اهالی زهاب و جوی آب کفایت نکند و تنگی آب میشود مخصوص در ایام تابستان زراعات آنها در تحت
بوده است نهر مندلیجه جریان نماید به اضافه آنکه برای تحقیق تحریری که دیگر خواهد شد از طرف مامورین ایلخانی هر دو دولت از طرف اهالی زهاب و مندلیجه
هر یک با نصف آن گرفته میشود در نظر والی سیوزانه نگاه آزاده از توقیف و چنانچه در تقریر قرار از جانب سفارت در تاریخ ۲۸ شهر ذیقعده سنه ۱۲۵۲ ساری گردیده
نهری از یک سمت جریان نماید حالا به دریا و حالا به انهار سابق همین که از آنکه حاصل شده میتوان عبور نمود بجهت آن منبع نهر مذکور در وقت ممکنه آب نه
و زمین آنجا و زمین هر زراعت که او جریان نماید نخواهد شد و از سمت سنیه هر یک از دیگری نمیتوان حق جریان مطالبه نماید و نه میتوان جلوگیری کرد
لهذا پس از کوشش مامورین سرحدی ایشان از طرف اهالی مرقومه زیرا که موافق قاعده مرعیه دولتیه و منسوبات ولایت از طرف دولت فخیمه ایرانیه اتفاق حاصله گردیده هیچیک
سلطنت سنیه در هیچ وقت ممکن نیست هر نظر احتیاطی و مخصوص نگاه که کرده والاصاحب قدر بابی جاری از طرف اهالی مرقومه گرفته شد کما هو المطلوب
و ملاحظه این نیز نظر بروابط حسن همجواری دولتین نباشد هرگونه حالات مغایر وقوع یابد

شمارهٔ سند: ۲۲۲
موضوع: آبیاری اراضی صیفی و ملخطاوی از نهر کنجان‌چم
تاریخ: ۲۳ ذی‌قعده ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

جواب باب‌عالی است که در ۲۳ شهر ذی‌قعده الحرام از جانب سفارت سنیه نوشته شده

مزارع اراضی صیفی و ملخطاوی که تابع پشتکوه لرستان و از ممالک محروسهٔ ایران می باشد از قدیم‌الایام از نهر کنجان‌جم آبیاری شده و چون منبع نهر مذکور نیز در ممالک ایران است در سنهٔ سابقه به جهت اینکه اهالی زرباطیه بالکلیه آب نهر مذکور را به مزروعات خود برده بودند، زراعتهای اراضی صیفی و ملخطاوی به تمامها خراب و اهالی آنجا مورد خسارت کلی شده بودند. لهذا در ۲ شهر جمادی‌الاخر سنهٔ ۱۲۸۱ تقریری از جانب سفارت سنیه داده شد، اگر در جریان آب نهر مذکور به مزارع مزبوره ممانعت شود از طرف مأمورین کرمانشاهان معامله بالمثل شده نهری که جاری به مندلیج می شود او را نیز قطع خواهند نمود، این دفعه از مآل نوشتجات اصابت پیرای اعزاز علیه جناب نظارت پناهی که مورخهٔ ۱۷ شهر ذی‌قعده الحرام سنهٔ ۱۲۸۱ نوشته بودند رهین اطلاع مخلص گردید در حضور معارف نشورداوری سرکار حاجت به اقامهٔ دلایل نمی باشد که اراضی مذکوره از ممالک صحیحهٔ ایرانیه و از توابع پشتکوه است و همیشهٔ اوقات از طرف مأمورین ایران اداره شده و می شود و از ازمنهٔ قدیمه از نهر مذکور آبیاری می شوند و در هیچ عهد و زمان نسبت بر این مسئله که موجب شکایت باشد وقوع نیافته با همهٔ اینها برگردانیدن اهالی زرباطیه نهر مذکور را و تحریک کردن حکومت بغداد اهالی مرقومه را و تصدیق کردن حرکت آنها را براستی که موجب تعجب گردید و یکی اینکه در نزد داور افخمی سرکار از مسلمات است که [...] و بیانات حکومت بغداد در این باب نسبت به این طرف اصولاً و خفاً حجت نخواهد شد. اینکه از محلی که منبع یک نهر است به دریا و به انهار سایره ملحق شود از ممالک هر چند دولت بگذرد منبع نهر مذکور که در ممالک یک دولتی است و نه از ممالکی که می‌گذرد مال آن دولتها نخواهد بود و تبدیل مجرا هم نمی توانند کرد اگر اصول مشروحه به قواعد عمومیه موافق است و در

صورتی که مسلم باشد منبع نهر مذکور در ممالک ایرانیه است و اهالی زرباطیه خلاف این اصول حرکت کرد جرئت به تبدیل مجرا نموده و سبب وقوع این قدر خسارت شده‌اند. همین بیانات علیه سرکار محق بودن این طرف را تصدیق می‌نماید و اگر به اراضی مذکوره از طرف اهالی زرباطیه و یا از طرف اهالی مواقع سایره در صورت جبریه دست مداخله دراز نمایند به نظر تخطی به خاک دولت علیهٔ ایرانیه نگاه کردن لازم است و چون این معنی در نزد اولیای دولت علیه ایرانیه قرین تجویز نمی‌باشد به طوری که در تقریر سابق عاجزی بیان گشته نهری که از صد و دویست سال جریان می‌نماید ملتمس است که تنبیهات قویه به محال مقتضیه اشعار فرمایند که احدی در جریان آب نهر مذکور به اراضی مرقومه ممانعت ننماید.

جواب یادداشت مورخه ۲۳ شهر ذی‌قعده الحرام [illegible]

سفارت بهیه [illegible]

[illegible] اراضی [illegible] در منابع [illegible] ترکستان [illegible] از قدیم الایام از نهر [illegible] آبیاری شده و چون منبع نهر مذکور [illegible]

[illegible] آب نهر مذکور را [illegible] اراضی [illegible] خراب [illegible]

[illegible] سنه ۱۲۹۱ [illegible] از جانب سفارت بهیه [illegible] آب نهر مذکور [illegible]

[illegible] منبع [illegible] اعزاز [illegible] جناب [illegible] مورخه ۱۷ شهر ذی‌قعده الحرام سنه ۱۲۹۱

[illegible] اطلاع [illegible] اراضی مذکوره [illegible] دولتین [illegible]

[illegible] از اطراف [illegible] از نهر مذکور آبیاری میشوند [illegible]

[illegible] نهر مذکور را [illegible] حکومت [illegible]

[illegible] حکومت [illegible] بالاطراف [illegible]

[illegible] منبع نهر مذکور [illegible]

[illegible] منبع نهر مذکور [illegible] دولت ایران [illegible]

[illegible] علیه [illegible]

[illegible] اهالی [illegible] علیه ایران [illegible]

[illegible] سابق [illegible] نهر [illegible]

[illegible] آب نهر مذکور [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۲۳
موضوع: قطع آب اراضی صیفی و ملخطاوی موجب قطع آب مندلی خواهد شد
تاریخ: ۱۲ ذیحجه ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۵/۱۹۸

فدایت شوم، در ۲ شهر جمادی‌الثانی گذشته شرحی در خصوص اراضی صیفی و ملخطاوی از روی تعلیقه‌جات عالی به نظارت امور خارجهٔ عثمانی نگاشته و سواد او را در جوف عرایض قبل خدمت جناب‌عالی فرستاده بودم، پس از آنکه سواد مراسلهٔ رسمیهٔ سفارت را به جهت والی بغداد فرستاده و او را از خیال اولیای دولت علیهٔ ایران اطلاع داده‌اند که اگر آب اراضی مزبوره را اهالی زرباطیه قطع نمایند ایالت کرمانشاه هم آب مندلیج را قطع خواهند نمود در ۱۷ شهر ذی‌قعده جواب مراسله مزبوره از نظارت امور خارجه رسید و معلوم شد نامق‌پاشای والی بغداد باز همان اجوبهٔ که سابقا به کارپردازخانه بغداد داده بوده است مع‌شیء زاید به باب‌عالی نگاشته است و اراضی مزبوره را ملک خودشان معدود سهل است سرحد اسطاطسکویی را پانزده ساعت آن طرف اراضی مزبوره تصور کرده است بعد از اطلاع از مضمون مراسله در ۲۳ همان ماه جوابی به نظارت امور خارجهٔ عثمانی نگاشته ادله و اجوبه آنها را ردّ نموده و همان جواب آنها را دلیل بر حقیّت خودمان آورده و نوشته‌ام که اگر جزئی مداخله از طرف عثمانی‌ها در اراضی مزبوره بشود جواب او را مثل اینکه تخطی و تجاوز به خاک دولت علیهٔ ایران نموده باشند، خواهند داد. سواد او را هم لفا می‌فرستم مقرر فرمایند ترجمه نموده و از مضمون هر دو اطلاع حاصل فرمایند در مراسلهٔ مورخهٔ ۱۷ ذی‌قعده جناب عالی‌پاشا در مادهٔ نهرهای بزرگ یا کوچک که از خاک دولتی به دولت دیگر عبور می‌نماید قواعد عمومیه را نگاشته و از مراسلهٔ مورخهٔ ۲۸ ذی‌قعده ۱۲۶۳ نظارت امور خارجه که به سفارت سنیه نوشته‌اند ذکری نموده بود چون در سنهٔ مزبوره مرحوم محمدخان در سفارت سنیه ریاست داشته است و تحریرات او به هیچ‌وجه در سفارت نیست مجبور شدم که سواد

مراسله مزبوره را به جهت اطلاع از باب‌عالی بخواهم سوادی نوشته دادند که به عینها در جوف به جهت استحضار خاطر عالی می فرستم از ترجمه او تصور بفرمایند که سبک تحریرات آن وقت نظارت امور خارجه با سفارت سنیه و عدم اعتنایی به ماها به چه درجه بوده است بعد از وصول عریضه و استحضار از مکاتبه جدید فی مابین باب‌عالی و سفارت بدانچه مصلحت دولت علیه را در او تصور می فرمایند تعلیمات لازمه را به نواب عمادالدوله خواهند نگاشت و اگر مناسب بدانید از رأی و افکار خودتان در این ماده فدوی را مطلع فرمایند. زیاد عرضی ندارد.

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

[پی نوشت:]

این اراضی الان در تصرف والی پشتکوه است و زراعت می نماید چگونه این حرف را عثمانی ها می توانند بگویند جواب سخت بدهد و مرفوع‌الطمع نماید. والسلام
خلاصه شد.

نمره ۱۹۸

۱۵

خلاصه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۲٤
موضوع: ساختن استحکامات در سرحد سلیمانیه
تاریخ: ٦ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه
نمره: ۱

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما

معلوم آن جناب جلالت‌مدار می دارد که موافق احکام و اوامر صادره از جانب اولیای دولت ایران مدتی است که مأمورین ایرانیه در سرحد سلیمانیه برخلاف اصول جاریهٔ مقررهٔ اسطاطوقو رفتار کرده به ساختن قلعه و استحکامات در محل اورامان و مریوان که داخل اراضی اسطاطوقو می باشد اشتغال دارند و لهذا دوستدار لازم دانست که به واسطهٔ این تقریر رسمی مراتب را مشهود آن جناب جلالت‌مآب داشته اظهار نماید که چون بنای قلعه مرقوم و احداث استحکامات مزبوره در محل مذکور رعایت نکردن به قاعدهٔ اسطاطوقو می باشد دولت ایران حکمی محکم به کارگزاران و سرحدداران خود در تخریب و انهدام ابنیهٔ جدیدهٔ محدثه صادر و جاری داده که اگر چنانچه امنای ایرانیه بر وفق این اظهار رفتار نفرموده در انهدام و تخریب ابنیه مرقومه مسامحه و مساهله نمایند هرچند بر آن مترتب گردد مسئولیت آن در عهدهٔ دولت ایران خواهد بود. زیاده زحمت‌افزای خاطر عاطر آن جناب جلالت‌مآب نمی شود. فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۸۲
محل مهر: اسماعیل زهدی

[حاشیه:] خلاصه شد.

جناب جلالت‌مآب [illegible]

سوابق مکاتبات [illegible] در باب احکام و اوامر صادره در باب اولیای دولت علیه [illegible]

ایرانیه [illegible] عثمانیه بر خلاف معاهده جاریه مذکوره سابقاً رفتار کرده [illegible]

در حقیقت اولیای دولت [illegible] در اراضی [illegible] و عتبات [illegible] داشته‌اند و لهذا [illegible]

محض حفظ این تقریر رسمی [illegible] آنجناب جلالت‌مآب [illegible]

زوار [illegible] رعایت نکردن به قاعده [illegible] عتبات دولت ایران حکم [illegible]

در خصوص انهدام ابنیه جدیده [illegible] صادر و جاری ساخته [illegible]

نموده [illegible] انهدام و تخریب ابنیه [illegible] مسامحه و مساهله [illegible]

[illegible] در عهده دولت ایران خواهد بود زیاده زحمت افزای خاطر [illegible]

فی غره شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۲

شمارهٔ سند: ۲۲۵
موضوع: داخل نبودن اورامان مریوان و لاهیجان تحت اسطاطسکو
تاریخ: ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت امور خارجه به سفارت عثمانی در طهران

هو

نمره: دویم

در جواب اسمعیل افندی

مراسلات آن‌جناب مورخهٔ ٦ و ٨ شهر ربیع‌الثانی ملاحظه و مایهٔ حصول کمال تعجب و تأسف اولیای دولت علیه ایران شد زیرا که مریوان و اورامان و لاهیجان املاک متصرف فیهای صحیحهٔ صریحهٔ این دولت را حدود سلیمانیه و رواندز فرض و داخل تحت اسطاطسکو تصور کرده‌اند و حال آنکه مواقع مزبوره تا امروز وقتاً من الاوقات از جانب دولت عثمانی محل گفتگو نبوده و نمی‌تواند بود و به هیچ‌وجه من‌الوجوه داخل مسئله که آن جناب در مراسلات مورخهٔ مسطوره خود قید کرده‌اند معدود نشده و نخواهد شد و اگر دولت ایران در آن نقاط خیال احداث قراولخانه و بنایی داشته باشد محض برای انتظام داخله و اصلاح احوال بعضی از رعایای بدعادت خود خواهد بود و بس بی‌آنکه مطلقاً ربطی به مسائل سرحدیه و فقرات مبحوث عنهای مابین دولتین اسلامیتین داشته باشد، مثل اینکه دولت عثمانی برای نظم داخلهٔ خود در مواقع مهمه بدون ربط به مسائل سرحدیه اقدام به نظایر امور مزبوره نماید چنانکه همین افکار را در داخله بایزید و وان و امثال آنها دارد پس آن جناب از روی حق و قاعده نمی‌توانند ایرادی را که تصور کرده‌اند وارد آورند مگر در صورتی که حق بین به دست اولیای دولت علیه داده باشند که هر نوع اقدامات دولت عثمانی را در صفحات سرحدیهٔ بایزید وان و غیره به نظر پورتست نگاه کرده نتیجهٔ آن را بر عهدهٔ دولت مشارالیها گذارند اما در خصوص مسائل سرحدیه و مواقعی که حقاً در تحت اسطاطسکو باشند از اولیای دولت ایران امری جز تصدیق ملاحظه نخواهند کرد. زیاده زحمت نداد. تحریراً فی ۲۲ شهرربیع‌الثانی ۱۲۸۲

[حاشیه:] صحیح است

خلاصه شد.

در جواب [illegible] افندی

مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ ۱۴ و ۱۸ شهر ربیع الثانی ملاحظه و مایهٔ حیرت کمال تعجب اولیای دولت علیه [illegible] شد

فرض

زیرا که مریوان و اورامان و [illegible] اند که تصرف فعلی صحیحهٔ صریحهٔ این دولت راجع [illegible] سلطانیه [illegible]

و از حین تحت ضبط و تصرف کرده اند و حال آنکه مراتع مرزبوره تا امروز وقتی [illegible] ادعای ارباب دولت عثمانی

محل گفتگو بوده و نبوده اند بعد و به هیچ وجه من الوجوه داخل مسئلهٔ آن جناب در [illegible] خود قید کرده اند

معهود نبوده و نخواهد بود [illegible] دولت علیه در آن نقاط خیال احداث قراولخانه و بنا داشته باشد

محض [illegible] داخله و اصلاح احوال بعضی از رعایای به عادت خود خواهد بود و بس [illegible] تعلق [illegible] نظم

بنای سرحدیه ندارد است بجهت [illegible] داشته [illegible] دولت عثمانی [illegible]

داخله خود در مراتع [illegible] ربطی [illegible] سرحدیه [illegible] امور [illegible] جانب [illegible]

و دوان [illegible] آن جناب از روی حق و قاعده نتوانسته ایرادی [illegible] دارد

مگر در صورتی که حق [illegible] دولت علیه [illegible] دولت [illegible]

[illegible] و دوان [illegible] نظر [illegible] دولت [illegible]

[illegible] سرحدیه [illegible] تحت [illegible] دولت [illegible]

[illegible] ۲۳ [illegible]
۱۲۹۴

شمارهٔ سند: ۲۲۶
موضوع: در باب محال مریوان و اورامان
تاریخ: ۲٤ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت امور خارجه

به وزرای مختار روس و انگلیس نوشته می‌شود

جناب اسمعیل افندی شارژ دفر دولت عثمانی در باب محال مریوان و اورامان و لاهیجان که از املاک صحیحهٔ دولت علیه ایران و متصرف فیهای این دولت است دو مراسله به تاریخ ٦ و ۸ شهر ربیع‌الثانی به وزارت امور خارجه نوشته بودند جوابی که حقاً و عهداً لازم بشود به جناب مشارالیه قلمی و ارسال گردید و اینک سواد مراسلات دایره مابین وزارت خارجه و جناب مشارالیه را برای اطلاع آن جناب جلالت‌مآب می‌فرستد که از مضامین آنها استحضار حاصل فرمایند. زیاده زحمت‌افزا نمی‌شود. تحریراً ٢٤ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۲

[حاشیه:] صحیح است.

بوزرای مختار روس و انگلیس گفته شود

جناب ایلچی افخم سفارت کبرای دولت عثمانی در باب حالی مرزبان داراب و ولایات

و از املاک مخصوصه دولت علیه ایران و در تصرف رعایای این دولت است در تاریخ

عدد ۵ شهر ربیع الثانی بوزارت امور خارجه نوشته بودند جوابی در حق عهد الله نوشته

بجناب سفارت آن دولت قسمی فرستاده داده شد و آنچه در اصلاحات و اداره‌ها این وزارت خارجه

و جناب سفارت برای اطلاع آنجناب جلالتمآب می‌نویسند که از ...

آنها ... تحریراً ۱۳ شهر ربیع الثانی

شمارهٔ سند: ۲۲۷
موضوع: ادعای عثمانی مبنی بر ساختن قلعه و استحکامات در مریوان توسط ایران
تاریخ: ۸ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

ایضاً سواد کاغذ اسماعیل افندی مشارالیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چنانچه در رسیلهٔ رسمیهٔ مورخه ٦ شهر حال اظهار و اشعار شد اکنون نیز تاییداً و تاکیداً نگارش می‌دهد که چنانچه چند سال قبل از این در محال قازلی کول و غیره که نزدیک اواجیق و از اراضی صحیحهٔ دولت علیهٔ عثمانی و اکنون در تحت اسطاطسکو می‌باشند مأمورین ایرانیه آمده تصرفی کردند. در این اوقات نیز بعضی از حکام و ولات دولت ایران سیصد نفر سرباز و معدودی سوار به محال اورامان و مریوان فرستاده به انشای قلعه و استحکامات مباشرت دارند. و همچنین از طرف تبریز، آلات و ادوات لازمه با معمار و عمله به موقع لاهیجان که از حدود رواندوز است روانه شده که به ساختن ابنیه در موقع مزبور مشغول باشند. لهذا دوستدار لازم دانست که به واسطهٔ این دو مراسله مراتب را معلوم آن جناب جلالت‌مآب داشته پروتست نماید و به جنابان سفرای دول متوسطه که مقیم طهران‌اند نیز اعلام دهد که محال اورامان و مریوان و لاهیجان متنازع‌فیها و در تحت اسطاطسکو می‌باشند و می‌باید دولت ایران امر و مقرر دارد که قلاع جدیده و ابنیه محدثه را خراب و منهدم ساخته آن اراضی را به حالت اصلیهٔ خود بازگردانند که کاری مخالف معاهدهٔ فی مابین دولتین علیتین به ظهور نیامده و هرگاه برخلاف این اظهار امری صادر شود مسئولیت آن در عهدهٔ دولت ایران خواهد بود. زیاده زحمت نداد.

موضوع: ساختن قلعه‌جات در اراضی مریوان توسط ایران
تاریخ: ۲٤ رجب ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

سواد عریضه‌ای است که از سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است

نمره: ۱۵۱

در عریضهٔ مورخهٔ ۱۷ شهر جمادی‌الثانی نمرهٔ ۱۳۱ تفصیل مذاکرات جنرال اغناتیف وزیرمختار روس را دربارهٔ اراضی مریوان و قلعه‌جاتی که اولیای دولت علیه در آن موقع خیال انشا دارند به عرض رسانیده‌ام. پس از او دو مرتبهٔ جنرال مشارالیه تجدید مذاکره نمود که از روی راپورت مسیوغرس به وزارت امور خارجهٔ امپراطوری به من اطلاع داده‌اند که امر مزبور فی‌مابین جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجه و خیرالله افندی به طور دوستی صورت گرفته و خیرالله افندی سند مکتوبی داده است که دولت عثمانی ادعایی در اراضی مزبوره ندارد و اولیای دولت علیهٔ ایران هر نوع مداخله در آن اماکن را مختار می‌باشند و بیان می‌کرد که این تفصیل را به جهت عالی‌پاشا بیان کردم در جواب گفت که خیرالله افندی سفارت نکرده و از قواعد اطلاع ندارد و اگر چنین نوشتهٔ سپرده باشد، من تکذیب او را نموده قبول نخواهم کرد. از طرز بیانات مشارالیه استنباط نمودم که اگر اظهاری به عالی‌پاشا نموده است به طوری که این قسم جواب را دعوت تواند نمود بیان کرده است بنده گفتم دولت ایران از برای اثبات حقیقت خود و اراضی مزبوره به هیچ‌وجه احتیاج به نوشته و تصدیق سفیر عثمانی ندارد اراضی مزبوره در داخلهٔ مملکت ایران است و از مواقع مختلف فیها نیست و در هر قسم تصرف مختار می‌باشند و به میل خاطر خودشان رفتار خواهند فرمود عالی‌پاشا اگر بخواهد تکذیب یا تصدیق سفیر خودشان را نماید مختار خواهد بود. دو روز قبل از این با عالی‌پاشا ملاقات نمودم و به او گفتم که جنرال اغناتیف این قسم می‌گوید از وزارت جلیلهٔ امور خارجه چیزی به من مرقوم نفرموده‌اند خیرالله افندی به شما چه نوشته است و شما چه جواب داده‌اید گفت در این مسئله تا امروز نه از سفارت ما در طهران و نه از ایالت بغداد به هیچ‌وجه تحریراتی

نرسیده است و من هم تعلیماتی نفرستاده‌ام و مسموعات من در این فقره انحصار به بیانات جنرال اغناتیف دارد. چون خیرالله افندی چیزی ننوشته است و از اصل مسئله و موقع آن اراضی مطلع نیستم حق تکذیب یا تصدیق عمل خیرالله افندی را عجالتاً ندارم و از سکوت خیرالله افندی و نامق‌پاشا هم چه فهمیده می‌شود که اراضی مزبوره در مواقع متنازع فیها نیست تا بعد چه ظهور نماید. پس از این مذاکره به جنرال اغناتیف گفتم جواب عالی‌پاشا به من برعکس روایتی است که شما از او می‌کردید می‌گوید به من تحریراتی در این ماده نرسیده است تصدیق و تکذیبی هم نکرده‌ام می‌گفت بیانات مزبوره را به لارد لاینز ایلچی کبیر انگلیس هم نموده است ولکن به جهت بنده وقت نشد که از لارد مشارالیه استفسار نمایم مذاکرات مزبوره محض اطلاع عالی عرض شد دیگر نمی‌دانم خیرالله افندی چنین نوشته و سندی به وزارت جلیلهٔ امور خارجه داده است یا او هم اصل ندارد. اگر صلاح بدانید از حقیقت عمل بنده را مستحضر سازید. والسلام

موضوع: ساختن قلعه و استحکامات سرحدی
تاریخ: ۱۲ جمادی‌الاول ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

سواد یک فقره از تعلیقهٔ وزارت جلیلهٔ امور خارجه مورخهٔ ۱۲ جمادی‌الاول ۱۲۸۲ که به سفارت سنیه رسیده است.

دولت علیه در دو موقع قراولخانه و حصاری لازم دید که برای حفظ رعیت از تطاول رعایای سرحدنشین بسازد نامق‌پاشا زحمت کشیده به اسماعیل افندی تلغراف کرد و نوشت و او نیز به دردلها افتاده کاغذ رسمی به آنها و وزارت خارجه نوشت که دولت ایران در سرحد و جاهای متنازع‌فیه برخلاف اسطاطسکو قلعه و استحکامات می‌سازد. سفرای واسطه از اضطراب شارژ دافر دولت عثمانی مضطرب شدند به وزارت خارجه اظهار کردند دلایل به هر یک از سفرا آورده که اعتراض بی‌وجهی است دخلی به مطلب ندارد جوابی هم به شارژ دافر نوشتم کاغذ مختصری به هر یک از سفرا نوشته شد. و سوادی از جواب اسمعیل افندی لفاً ارسال گردید از قراری که محرمانه خبر رسید در نزد سفرا جواب و دلایل ما موجه افتاده مریوان و لاهیجان را به هیچ‌وجه محل متنازع‌فیه و آن مسئله که نامق‌پاشا به میان آورده است نسبت نمی‌دهد سواد سؤال و جواب را برای آن جناب فرستادم که عجالتاً مطلع باشند تفضیل مجدد نیز انشاءالله تعالی می‌نویسم با جناب خیرالله افندی هم در مجلس بازدید به میل خود ایلچی مختصری مذاکره شد من گفتم شما رجوع به فصل دویم و سیم و هشتم قرارنامهٔ ارزنة‌الروم و جوابی که من مقارن ورود شما به اسماعیل افندی نوشته‌ام نمایید مطلب در نظر شما قدری سابقه به هم رساند آن وقت یک مجلس بی‌حاجت ثالث شما را متقاعد می‌کنم که نامق‌پاشا بی‌خبرانه حرف زده است از حالت سفیر عثمانی حدس می‌کنم که منصف و عاقل باشند و متقاعد شود آن جناب رشته را در دست داشته باشند که اگر اظهاری از وکلا شد جواب مسکت بدهند انشاءالله تعالی.

ایضاً سواد مراسله ... به سفارت ... به وزارت جلیله امور خارجه مورخه ۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۲

چنانچه در جواب مراسله مورخه ... اظهار داشته شده اکنون نیز تکرار می‌نماید که [illegible] ... در محال قراداغ [illegible]

و [illegible] اراضی ... دولت علیه [illegible] ... ارامنه ایرانیه [illegible] نیز بعضی

از ... دولت ایران [illegible] ... ارامنه ... [illegible]

از طرف [illegible] ... روانه شده [illegible]

[illegible]

[illegible] ... ارامنه ... دولت ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] ... دولت ایران [illegible]

سواد عریضه‌ایست که در سفارت بندگان جناب امور خارجه عرض و ارسال شده است مورخه شهر رجب ۱۲۸۱ نمره ۱۵۱

در عریضه نمره ۱۲ شهر جمادی‌الثانی اظهار کرده بودم حکایت جنرال [illegible] در خصوص [illegible] درباره اراضی [illegible] و [illegible]
در [illegible] خیال [illegible] را عرض [illegible] پس از [illegible] جنرال [illegible] نموده [illegible] به [illegible] اظهارات [illegible]
[illegible] مسموع [illegible] جناب [illegible] امور خارجه [illegible] جنرال [illegible] صورت [illegible] جنرال [illegible]
[illegible] دولت [illegible] اراضی [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] کرده [illegible] جناب [illegible] بیان کردم در جواب [illegible] خواهد [illegible] مسموع [illegible]
[illegible] نخواهم کرد [illegible] اگر [illegible] جواب [illegible]
[illegible] کرده است [illegible] دولت ایران [illegible] خود اراضی [illegible]
اراضی [illegible] مملکت ایران است [illegible] [illegible] خودشان [illegible]
و [illegible] اگر [illegible] خودشان [illegible] نموده [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۲۸
موضوع: ادعای عثمانی مبنی بر ساختن قلعه و استحکامات در مریوان توسط ایران
تاریخ: ۱۵ جمادی‌الاخر ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمرهٔ ۱۳۱

هوالله تعالی شانه

سواد عریضه‌ای است که از طرف سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است

جنرال اغناتیف وزیرمختار روس تحریراتی از مسیوغرس وزیرمختار آن دولت در دربار دولت علیه ابراز نمود مشتمل بر سواد و ترجمهٔ دو قطعه تحریرات اسماعیل افندی شارژ دافر دولت عثمانی که در مقام پروتست از بابت بنای قلعه و استحکامات در مریوان کردستان خدمت سامی عرض نموده است. و بعد سواد تحریرات مزبوره را به سفرای دولتین انگلیس و روس مقیمین دارالخلافه فرستاده است. مسیوغرس نوشته بود، دولت ایران که در هیچ جای سرحدات خود قلعه و استحکام ندارد و در تدارک اسباب دفاع از دشمن عنداللزوم برنیامده است، چگونه می‌توان گفت که حالا رفته و در خاک دولت عثمانی بنای ساختن قلعه و استحکام گذارده باشند. و جنرال مشارالیه از من استفسار تفصیل مطلب مزبوره را می‌کرد بنده به مصلحته گفتم سواد نوشتجات مزبوره از وزارت جلیلهٔ امور خارجه به جهت اطلاع سفارت فرستاده شده است ولکن اظهارات شارژ دافر عثمانی به قدری برخلاف واقع است که عالی پاشا تا این ساعت ابراز مذاکره این عمل را با من نکرده است زیرا که اولاً معلوم و معین نیست که در مریوان به طوری که اسماعیل افندی نوشته است قرار بنای قلعه و استحکامات حربیه داشته باشند بر فرض هم که چنین خیالی را از قوه به فعل بیاورند مریوان در داخلهٔ مملکت و مسافت بعیده از او باز بالا تر در تصرف ایران است و موقع مزبوره هیچ‌وقت داخل اسطاطسکو نبوده است و دولت عثمانی را در آنجا ادعا و سخنی نیست و ایجاد ادعا از طرف دولت عثمانی در

آنجا به قدری خلاف واقع است که اگر ز طرف نظارت امور خارجه مکتوباً یا ملفوظاً مخابره با من بشود بجز آنکه یکی از خریطه‌های مطبعه در فرنگستان را در عوض جواب به جهت ایشان بفرستم کار دیگری نخواهم کرد. جنرال مشارالیه گفت خریطهٔ بزرگ حدود را که مأمورین روس و انگلیس کشیده‌اند یک صورت کوچک از او احتیاطاً از وزارت امور خارجهٔ امپراطوری به جهت من فرستاده‌اند که لدی‌الحاجه رجوع به او نمایم، من هم از طرف خود به نقشهٔ مزبوره مراجعت نموده و از افکار مأمورین دول واسطه شما را مطلع خواهم ساخت مراتب به جهت اطلاع عالی عرض شد.

فدایت شوم، بعد از عرض عریضهٔ شاه محمدخان وارد و سواد سه طغرا مراسله که فی‌مابین سفارت عثمانی و وزارت جلیلهٔ امور خارجه مبادله شده است، رسانید بعد از چند روز که با عالی‌پاشا ملاقات اتفاق افتاد مذکور داشتند که از قرار اخطار جنرال اغناتیف گویا در سرحدات از طرف دولت علیهٔ ایران پارهٔ استحکامات ساخته می‌شود و سفارت ما بعد از مذاکره با وزارت امور خارجه به سفرای دولتین واسطه اطلاع داده است و جنرال اغناتیف به من تکلیف کرده بود که اگر میل دارم قومسیونی تشکیل و از برای تحقیق امر که محل اختلاف است فرستاده شود و عالی‌پاشا می‌گفت من در جواب پیغام فرستادم که تا خریطهٔ سرحدات تمام نگردد این اختلاف از میان ماها برداشته نمی‌شود گاهی از طرف دولت ایران دربارهٔ ما و گاهی از طرف ما دربارهٔ دولت ایران از این شکایات به وقوع می‌رسد و فی‌مابین خودمان تمام می‌کنیم و ضرور به تعیین قومسیون نیست و بیان می‌کرد که از طرف سفارت ما هنوز به هیچ وجه اطلاعی داده نشده است و از اطلاعاتی که من دارم استفسار می‌نمود در جواب گفتم استعمال لفظ استحکامات در این ماده به هیچ‌وجه جایز نیست بلکه محض انتظام امور داخله و منع پارهٔ نهب و غارتی که از اکراد تبعه خودمان به بعضی از قرا واقع می‌شد دولت علیهٔ ایران بنای قراول‌خانه در آن موقع که داخلهٔ مملکت است مناسب دیده‌اند و این حرکت را اسماعیل افندی در آخر مأموریت خودش وسیلهٔ اخذ نموده و مکاتبه با وزارت جلیلهٔ خارجه باز نموده و به همین قدر اکتفا نکرده به سفرای دولتین روس و انگلیس مراجعت کرده و مداخلهٔ آنها را دعوت نموده است چنین می‌دانم که خیرالله افندی پس از ورود و دریافت مطلب تصدیق نماید که اسماعیل افندی با تمکین و وقار که لازمهٔ چنین مأموریتها است رفتار نکرده باشد گفت من چنین می‌فهمم که خیرالله افندی از بابت اینکه مسئله به میان نیاید و

گرفتار زحمت مکاتبه و مذاکره نگردد به سکوت گذرانیده به طوری که به هیچ‌وجه به نظارت امور خارجه اطلاع نداده است، گفتم جنرال اغناتیف که این فقره را به شما اطلاع داد آیا این فقره را نیز گفت که مسیوغرس وزیرمختار آن دولت نوشته بود که بنای استحکامات مقرون به صدق نیست یا خیر گفت، این فقره را بیان نکردند. فردای آن روز سواد مکاتبات دایر به این فقره را که فی‌مابین سفارت عثمانی و بندگان عالی مبادله شده بود به توسط میرزا احمد نزد مشارالیه فرستادم که ملاحظه نماید و از حرکت اسماعیل افندی که در اول امر رجوع به سفرای دول واسطه نموده است شکایت کرده و گفتم در همین فقره می‌توانید استنباط کرد که فرق فی‌مابین ما و شما چه قدر است در مدت هفت سال که در اسلامبول می‌باشم و اختلافات عمده فی‌مابین واقع شده است هنوز رسماً یک کاری را رجوع به سفرای واسطه نکرده و مداخله رسمانه آنها را دعوت ننموده‌ام و از برای یک عمل جزئی بی‌اصل و بی‌مأخذ سفارت شما اینقدر های‌هوی کرده است عالی‌پاشا گفته بود اصل عمل را هنوز نمی‌توانم گفت که سفارت ما در مکاتبهٔ با وزارت خارجه محق بوده است یا خیر ولکن مراجعت به سفرا را من هم تصدیق ندارم. والسلام

هو الله

سواد مراسله ایست [illegible] به [illegible] جناب [illegible] در [illegible] نموده و [illegible] ۱۳۱۱

جنرال [illegible] وزیر مختار روس تحریراً از سفیر روس در [illegible] دولت علیه [illegible] در باب [illegible]

دولت عثمانیه [illegible] از جانب [illegible] قلعه [illegible] در [illegible] عرض نموده [illegible]

در روس [illegible] دولت [illegible] سفیر روس نوشته بود دولت ایران [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] دولت عثمانیه [illegible] قلعه [illegible] جنرال [illegible]

مطلب [illegible] سفارت [illegible] امور خارجه [illegible] اطلاع سفارت [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] چنین [illegible]

[illegible] دولت عثمانیه [illegible]

[illegible] امور خارجه [illegible]

[illegible] امور خارجه [illegible]

[illegible] مراجعت [illegible]

[illegible] سفارت عثمانیه [illegible] امور خارجه [illegible]

[illegible] جنرال [illegible] دولت علیه ایران [illegible] سفارت [illegible]

امور خارجه [illegible] جنرال [illegible]

[illegible] در جواب [illegible] تمام [illegible]

[illegible] درباره دولت [illegible]

[illegible] سفارت [illegible] در جواب [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] امور خارجه [illegible]

[illegible] جنرال [illegible]

[illegible]

باید

بنا به ذکر فقره زحمت مکاتبه ننماید اگر کرده باشد که زیر نظر است هیچ چه بنظارت آمده و هرچه اطلاع دارد است گفتم فرمان اخبار شفت

در این فقره را بنا اطلاع ما آیا این فقره را برگشت در سیم خوش فرمودند و نوشته بود که بنا بر تکالیف سعود پاسخ پس بگویید

گفت بیضا را پیدا کرده فردای آن روز نواب مکاتبات ما را به این فقره راه و ماجرا به سفارت عثمانی دیگر کاغذ سیاه مانده به نوید بزرگ ما تقدیم

نوشت رادیه فرستادم در جواب خود نانه ولی حرکت اسماعیل افندی در رد اقدام از مرجع بغداد را در رابطه ننموده است شکایت کرده و گفتم این

فقره را به سبب آن کرده فرق فیمابین ما و شما چه فقره است در این صورت باعث ملک در رد چه چنان در خانه شما چه فقره واقع

شده است هنوز نوشته یک کاری مرجع بغداد را رابطه کرده در جواب رسانده آنها را دعوت نموده ام در این باب که بعد از این با مهر ورقه نقاشت

تا بغداد اجرا کرده است ... که به ... گفت سفارت ما در مکاتبه به وزارت خارجه حمل بوده است باز

دیگر زحمت بغداد را فرم تصدیق دارم

شمارهٔ سند: ۲۲۹
موضوع: ساختن استحکامات سرحدی در مریوان
تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۱۹۵

سواد تعلیقهٔ وزارت جلیلهٔ امور خارجه به سفارت سنیه (سفارت ایران در اسلامبول)

گفتگوی خودتان را با جناب جنرال اغناتیف و پس از آن با جناب عالی پاشا در خصوص ابنیهٔ جزئیه که در مریوان از جانب دولت علیه بنا می شود مشروحاً قلمی داشته بودید و همهٔ مذاکرات آن‌جناب بسیار بقاعده و حسابی بود. جناب مسیوغرس وزیرمختار روس هم که نوشته بوده‌اند دولت علیهٔ ایران استحکامی در سرحدات خود برای حفظ سرحدیه و مدافعه با دشمن نساخته درست نوشته‌اند آنچه که حال ساخته می شود محض برای نظم داخله سرحد و در جایی است که مطلقاً از اراضی متنازع‌فیها و در تحت حکم اسطاطسکو محسوب نمی شود، اگر اولیای دولت علیه خود می دانستند که این عمل به مسائل سرحدیه که در میان دو دولت اسلام دایر است ربط دارد و اقدام به آن جهات جایز نیست البته نمی‌کردند جمیع اطراف کار را به دقت ملاحظه نموده پس از تحقیقات کامله و حصول اطمینان از اینکه احداث ابنیه از قبیل قراولخانه و سربازخانه در آنجاها خلاف حکم اسطاطسکو نمی باشد و به مسائل سرحدیه مطلقاً خللی نمی رساند اجازه به کارگزاران دیوانی دادند. اسماعیل افندی محض به خیال خود گفتگو به میان آورده خواست ماده را غلیظتر کرده باشد رجوع به سفرای دول واسطه نمود و من به هردو سفیر دولت روس و انگلیس واضح نمودم که این فقره موقع هیچ گونه گفتگو و ایراد از جانب سفارت عثمانی نباید باشد با جناب خیرالله افندی وزیرمختار عثمانی هم بعد از آنکه وارد شد این مطلب را به میان آوردم از طرز گفتگو و جوابهای او چنان فهمیدم که به او نیز معلوم شد که مبادرت اسماعیل افندی به اعتراض در امر مزبور بی جا و بی موقع بوده و البته مراتب را به نظارت خارجهٔ دولت متبوعهٔ خود نوشته است اولیای دولت عثمانی چنان نیست که به حالت اراضی سرحدیه بصیر نبوده باشد اگر اقدامات آنها در

نفس بایزید و در نفس خانقین محل حرف از این طرف بوده باشد ساختن قراولخانه و سربازخانه در مریوان نیز جای ایراد خواهد بود.

موضوع: ساختن قراولخانه و سربازخانه در مریوان و لاهیجان توسط ایران
تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۲۰۳

ایضاً سواد تعلیقه وزارت جلیلهٔ امور خارجه به سفارت سنیه (سفارت ایران در اسلامبول)

جناب جنرال اغناتیف شروحی از مکالمات خود با جناب عالی پاشا در باب احداث ابنیه از دولت علیه در مریوان و لاهیجان به جناب مسیوغرس وزیرمختار دولت روس مقیم دربار همایون نوشته بود و جناب مشارالیه از مضمون آنها مرا مطلع نمود حاصل اظهارات جناب جنرال اغناطیف این است که نوشته بود جناب عالی پاشا آن اراضی را متنازع فیها فرض کرده می‌گوید دولت عثمانی هرگز راضی نمی شود که در اراضی متنازع‌فیها بنایی ساخته شود چارهٔ قطع این گفتگوها را منوط به این می نمایند که خریطه‌های سرحدیه را به اسلامبول ارسال دارند و رفتار جناب خیرالله افندی را هم در این خصوص تحسین نکرده بوده است از این قرار که جنرال اغناتیف قلمی داشته‌اند جناب مشارالیه گویا هنوز به حقیقت مطلب ملتفت نشده و اعتقاد ایشان این است که بناهای مزبور در اراضی متنازع‌فیها احداث می شود و حال آنکه دولت علیهٔ ایران بالاصاله ملک متنازع‌فیه در سرحدات متصرفی خود با دولت عثمانی ندارد جاهای که در تحت حکم اسطاطسکو باید بوده باشد به موجب قرارنامهٔ ارزنة‌الروم معین و منحصر به محمره و زهاب و سلیمانیه است در این صورت البته ساختن قراولخانه و سربازخانه در لاهیجان و مریوان نباید محل ایراد و گفتگو از آن طرف بوده باشد و علاوه جایی که ابنیهٔ مزبوره ساخته می شود در داخلهٔ ملک و سرحد دولت علیهٔ ایران است به هیچ اسم و جهت نمی‌توان گفت که این اراضی متنازع‌فیها و داخل حکم اسطاطسکو است نظایر آن در خاک آن دولت از قبیل نفس قصبه حاجی قره و بایزید و وان و حکاری زیاد است که هر روز انواع تصرفات و احداثات را می نمایند و اولیای دولت علیه ایران به مقام اعتراضی نمی آیند اگر ساختن ابنیهٔ مزبوره در مریوان و لاهیجان خلاف حکم اسطاطسکو

بوده باشد البته ابنیه مستحدثهٔ آن دولت هم در آن مکانها محل اعتراض ازین طرف خواهد بود. اولیای آن دولت نفس بایزید و غیره را داخل تحت اسطاطسکو محسوب داشته، اعمار و احداث ابنیه را در آنجاها موقوف نمایند. اولیای دولت علیه مضایقه نخواهند کرد که با نبودن هیچ گونه مانع حسابی در میان از صرافت ساختن ابنیهٔ مزبوره در مریوان و لاهیجان بیفتند نه اینکه آنها مسلم در احداث ابنیه و غیره در جاهای مزبور بوده باشند دولت علیهٔ ایران نتواند در داخلهٔ سرحد و ملک خود به قدر ضرورت نظم سرحدات قراولخانه و سربازخانه بسازد. و عجب است که مثل جناب عالی پاشا با نداشتن هیچ گونه جای گفتگو در این خصوص اظهار امتناع و عدم تمکین به ساختن ابنیهٔ مزبوره نموده رفتار اسماعیل افندی را تصدیق و حرکت جناب خیرالله افندی را تکذیب می‌کنند. در نزد اولیای دولت قاعده‌دانی و حق‌بینی ایشان زیاده بر اینها است که خواسته باشند این مسئله بی سبب اسباب گفتگو در میان گردد. و همچنین از ایشان هیچ‌وقت متوقع نخواهند بود با کمال حسن نیت که دارند دستورالعمل مأمور آن دولت در دربار همایون سوای درستکاری و رفتار از روی نصفت و مودّت بوده باشد و اطوار مخالف این معنی در نظر ایشان موقع استحسان بیابد. مثل حرکت اسماعیل افندی در باب ابنیهٔ مزبوره آن جناب حقیقت امر را کماینبغی به جناب معزی‌الیه خاطر نشان سازند البته ایشان خود انصاف خواهند داد که قرار اولیای دولت علیه در ساختن ابنیهٔ مزبوره مطلقاً منافی حکم اسطاطسکو نبوده و امری نیست که حقاً محل تأمل در نزد اولیای دولت عثمانی بوده باشد، اولیای دولت خود در حفظ شرایط اسطاطسکو زیاده بر آنچه ایشان تصور نمودهٔ باشند مبالغه و اهتمام می‌نمایند چگونه می‌شود به امری اقدام کنند که خلاف رویهٔ همجواری و منافی حکم اسطاطسکو بوده باشد. ۲۴ شعبان ۱۲۸۲

سواد تلگراف وزارت جلیله امور خارجه به سفارت سنیه مورخه ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ نمره ۱۹۵

تلگرافی که خاقانی [illegible] به جناب جنرال هنتیقف والی ایروان به جناب عالی [illegible] در خصوص اجامره [illegible] در ایروان از جانب دولت علیه [illegible] نوشته [illegible]
در مذاکرات آن جناب [illegible] جناب مسیو [illegible] وزیر مختار روس هم [illegible] دولت علیه ایران [illegible] در [illegible] خود [illegible]
[illegible] ضرورت نوشته اند [illegible] نظم [illegible] در [illegible] وزارت [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible] سیاسی [illegible] دولت [illegible] جانب [illegible]
[illegible] اطراف [illegible] تحقیقات [illegible] از اول [illegible]
[illegible] ولایات [illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت روس [illegible] نموده [illegible]
به جناب جنرال [illegible] وزیر مختار [illegible] شد [illegible]
[illegible] دولت [illegible] نوشته [illegible] دولت [illegible]
در [illegible] از اطراف [illegible]

[illegible]

ایضاً سواد تلگراف وزارت جلیله امور خارجه به سفارت سنیه مورخه ۲۲ شعبان ۱۲۸۲ نمره ۲۰۳

جناب جنرال هنتیقف [illegible] خود به جناب عالی [illegible] در باب [illegible] از دولت علیه در ایروان [illegible] جناب مسیو [illegible] وزیر مختار
دولت روس [illegible] نوشته بود [illegible] جناب جنرال هنتیقف [illegible]
جناب عالی [illegible] دولت [illegible]
[illegible] جناب جنرال [illegible]
[illegible] جناب [illegible]

۷

اعلام میشود ... که دولت علیه ایران با وجود معاهده ملت متحابه فیه و در بعضی مواد سرحدی خود با دولت ثالثه ندارد و ما باید در تحت حکم اصلاحکو باشد

بوجب قول نامه ... مجمره و زاب و ... است در ... اینکه ساختن ... در ... و ... بیاید ...

از طرف ... و ... جا باید ... ساخته میشود و ... دولت علیه ایران ... نمیتوان گفت ...

و ... اصلاحکو است ... از قبیل ... و ... است و ... از انواع تصرفات ...

... دولت علیه ایران بمقام اعتراض بر آمده ... ساختن ابنیه ... در ... و ... خلاف حکم اصلاحکو بوده باشد البته ابنیه ساخته شده ...

... اعتراض از این طرف ... اولیای این دولت ... اصلاحکو ... اعمال ...

... اولیای دولت علیه مضایقه نخواهند کرد ... مانع ... در میان ... ساختن ابنیه ... در ... و ...

... ابنیه ... نبوده باشد دولت علیه ایران ... و ... نظم ...

... جناب ... گفتگو ... اظهار ... عدم ... ساختن ابنیه ...

... جناب ... در نظر اولیای دولت ... ایشان ... باشد

این مسئله ... اسباب گفتگو در میان گردد ... از ایشان ... خواهد ... و ...

... در ... باشد ... مخالف ... در نظر ایشان ...

جناب ابنیه ... حقیقت ... باشند البته ایشان ... خواهد داد ...

در ... ابنیه ... مطلق ... حکم اصلاحکو ... اولیای دولت ... بوده باشد اولیای دولت ...

اصلاحکو ... ایشان ... باشد ... میشود ... بر خلاف ... حکم اصلاحکو ...

۲۲ شعبان ۱۲۹۲

شمارهٔ سند: ۲۳۰
موضوع: ابنیهٔ سرحدیه
تاریخ: ۹ شوال ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۲۰۷

سواد تعلیقهٔ وزارت جلیهٔ امور خارجه که به سفارت سنیه رسیده (سفارت ایران در اسلامبول)

تفصیل مجددی از گفتگوی جنرال اغناتیف با جناب عالی‌پاشا و همچنین از مذاکرهٔ خودتان با جنرال و جناب مشارالیهما قلمی داشته بودید دایر بودند به فقرهٔ ابنیهٔ سرحدیه، تحریرات جنرال اغناتیف هم که در این خصوص به سفارت روس مقیم دربار همایون رسیده بود و از مضمون آن به صحابت چاپار قبل آن جناب را مطلع نموده‌ام بر اهمیت این فقره در نزد جناب عالی‌پاشا بود از این قرار می‌بایست جناب مشارالیه در اسلامبول با آن جناب و همچنین سفیر آن دولت در اینجا با اولیای دولت علیه به طور اعتنا گفتگوی این فقره را داشته باشند ولی تا حال چیزی بتازگی از سفیر دولت مشارالیهما ظهور نکرده است، جناب عالی‌پاشا هم در گفتگو با خود آن جناب اظهار سختی در این کار ننموده با این همه دور نیست که با جنرال اغناتیف همان‌طورها حرف زده باشد که او به آن جناب بیان کرده و به سفارت دارالخلافه نوشته است در هر حال اولیای دولت علیه در فقرهٔ احداث ابنیهٔ جزئیه در خاک مریوان و لاهیجان به عمل خلاف قاعده و منافی اسطاطسکو مبادرت نکرده‌اند هر دولت به تصرفات مالکانه در اراضی مختصه داخله خود مقتدر است به حرف محض که این مواضع از اراضی متنازع‌فیها است حق ملکی و داخلی خود را متزلزل نخواهد کرد و مطلب به سفرای مقیمین دارالخلافه واضح شده و آن جناب هم در اسلامبول به هر جا که لازم بود البته کیفیت را اظهار و حالی نموده‌اند و بالقطع انشاءالله تعالی این همه دلایل برای اسکات اولیای دولت عثمانی کافی خواهد بود. اگر بالفرض باز تردیدی و اعتراض در اصل عمل داشته باشند اولیای دولت علیه به هر وسیلهٔ مقتضیه به اثبات حق خود حاضرند اما این خبر که به اطلاع جناب عالی‌پاشا رسیده است که خیرالله افندی به موجب مراسلهٔ رسمیه تصدیق و

اذعان به حقیّت دولت علیه در این باب کرده است مقرون به صحت نیست اولیای دولت علیه از او تصدیق‌نامه نخواسته‌اند و او هم کاغذی مشعر به این معنی نداده است شاید سکوت و الزام او را در مقابل دلایل اولیای دولت علیه تأویل به تصدیق کتبی نموده‌اند. و هرگاه چنان نوشته و کاغذی به اولیای دولت علیه هم می‌داد جای استبعاد و تعجب نبود مسئلهٔ واضح و حقیّت دولت علیهٔ ایران در این ماده خالی از تردید است، اگر سفیر دولت عثمانی در همچو ماده رسماً اذعان و تصدیق به حق ثابت دولت علیهٔ ایران نموده باشد چه غرابت خواهد داشت عجب این است که جناب عالی‌پاشا بنا به اظهار جنرال اغناتیف به صرافت تکذیب وزیرمختار مشارالیه بوده‌اند. والسلام

سواد تعلیقه وزارت جلیله امور خارجه به سفارت ... روسیه مورخه ۹ شهر شعبان ۱۲۹۲ نمره ۲۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۱
موضوع: رفع اختلاف ایران و عثمانی در خصوص ساختن ابنیهٔ سرحدی مریوان و لاهیجان از طرف ایران
تاریخ: ۱۲ شوال ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۱۹۱

سواد عریضه‌ای است که از سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است (سفارت ایران در اسلامبول)

عالی پاشا می‌گفت که مسیو کرس وزیرمختار روس راپورتی به دولت متبوعهٔ خودش نوشته بوده است اختلافی که فی‌مابین ایران و عثمانی در خصوص ابنیه که در مریوان و لاهیجان از طرف دولت ایران ساخته می شود برطرف شده، خیرالله افندی سفیر دولت عثمانی قبول نموده است که آن اراضی ازجمله امکنه متنازع‌فیها نیست و تعلق به دولت عثمانی دارد وزارت امور خارجهٔ روسیه هم سواد راپورت مزبور را برای استحضار بارون برونوف سفیرکبیر روس در لندن فرستاده‌اند و مومی الیه هم سوادی از آن راپورت به وزارت امور خارجهٔ انگلیس داده است و از لندن نزد مستر الیسون فرستاده و نوشته‌اند ابتدای اختلاف و واقعه را که اطلاع داده‌اید چرا از اتمام او وزارت امور خارجه ملکه را مستحضر نساخته‌اید مستر الیسون نیز صورت راپورت مسیو کرس را در جوف مراسله رسمیه به عنوان خیرالله افندی فرستاده و استفسار نموده است که چرا از اتمام امر و رفع اختلاف او را مطلع نداشته‌اید خیرالله افندی چون از مضمون راپورت مسیو کرس بی اطلاع بوده است مضطرب شده عصمت‌بیک را به چاپاری به باب‌عالی فرستاده و تعلیمات خواسته است. چنانچه سابقاً شما مانع ابنیهٔ جدید در مواقع متنازع‌فیها از طرف ما شدید حالا من هم از شما همان خواهش را دارم که در آن مواقع ابنیهٔ جدیدی احداث نکرده و به حالت سابقه باقی بگذارید تا گفتگوی تعیین حدود از طرفین صورت اتمام یابد. در جواب گفتم چنانچه اولیای دولت علیهٔ ایران به وجه من الوجوه تجویز نخواهند فرمود که در مواقع متنازع‌فیها از طرف دولت عثمانی احداث ابنیه و استحکامی بشود از جانب خودشان نیز

خیالی ندارند که تغییری به حالت حالیه موقعی که محل اختلاف باشد بدهند. در این فقره شما را اطمینان کامل می دهم ولکن این نیت خوب طرفین دلیل نمی تواند شد که اگر یکی از جانبین در داخله مملکت خود بخوهند احداث بنایی نمایند طرف مقابل حق مداخله و مذاکره در او را داشته باشد مثلاً اگر شما خیال بنای جدیدی در وان و ارزنة الروم و بغداد داشته باشید و از طرف من ایراد و اعتراضی بشود چه جواب خواهید داد من هم دربارهٔ این قراولخانه که در لاهیجان و مریوان به جهت امنیت داخله ساخته شده است، خواهم داد زیرا که به قدری حقیّت شما در وان و ارزنة الروم محل بحث نیست به همان درجه مواقع مزبوره به جهت ما محل بحث نمی تواند شد و تفضیل این فقره چندمرتبه شفاهاً با شما مذاکره نموده‌ام حتی یک وقتی جنرال اغناتیف از شما روایت می‌کرد که گویا تصدیق خیرالله افندی را در ملکیت دولت علیهٔ ایران در مواقع مزبوره می خواسته‌اید تکذیب نمایید و از شما سؤال نمودم در جواب گفتید که چنین عبارتی به جنرال مشارالیه نگفته‌اید و از اصل مطلب اطلاع کامل ندارید، گفت حالا هم باز می‌گویم که چنین عبارتی به وزیرمختار روس نگفته‌ام ولکن اطلاع نداشتم حالا که خیرالله افندی نوشته است بایست رجوع به نقشه و تحریرات درویش‌پاشا که در حین معاینهٔ سرحدات نوشته است نمایم. اگر مواقع مزبوره را متنازع‌فیها قلمداد کرده باشد آن وقت با شما مکاتبهٔ رسمی خواهم نمود در جواب گفتم اگر تحریرات درویش‌پاشا و نقشهٔ او را می خواهید مأخذ تحقیقات خودتان قرار بدهید او مضایقه ندارد که همدان را هم نیز متنازع‌فیها تصور نموده باشد، در آن صورت دولت علیهٔ ایران نیز مجبور خواهد بود که رجوع به تحریرات مرحوم مشیرالدوله نماید و احتمال می رود مرحوم مشارالیه بغداد را در نوشتجات خود به موقع متنازع‌فیها گذارده باشد و هر وقت شما میل مکاتبه در این ماده داشته باشید جوابهای من همین است که سابق گفته‌ام و امروز هم تجدید می‌نمایم و جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجه دام مجده‌العالی نیز با چاپاری که چند روز قبل وارد شد شرحی در این فقره مرقوم فرموده بودند عالی‌پاشا گفت ممکن می شود از مضمون تعلیقهٔ جناب معظم الیه مرا مستحضر دارید چون مضمون تعلیقهٔ رفیعه خالی از عیب بود وعده نمودم که به جهت ایشان قرائت کنم، بعد مشارالیه بیان نمود بهتر این است قبل از شروع به مکاتبه با شما اول تحقیقات لازمه را به عمل آورده معلوم نمایم که مواقع مزبوره داخل امکنهٔ متنازع‌فیها است یا خیر گفتم اگر واقعاً از روی

بی‌غرضی تحقیق نمایید از برای شما مثل ما شبهه باقی نخواهد ماند که مواقع مزبوره در داخلهٔ مملکت ایران واقع است و برای احدی به جز اعلی‌حضرت اقدس ولی‌نعمت همایون من حق ملکیت در آنجاها جایز نخواهد بود. از طرز بیانات عالی پاشا چنین فهمیدم که می‌خواهد همین عصمت‌بیک را به مواقع مزبوره بفرستد و منتظر راپورت او به جهت دریافت تکلیف خود بماند، چون دو ساعت قبل از این مذاکره فی‌مابین بنده و عالی پاشا واقع شد از بابت اینکه سهو نسیانی در ادعای عبارات مذکوره واقع نشود با عجله این عریضه را عرض می‌نمایم و تا عزیمت چاپار اگر مذاکره مجددی در این فقره بشود در عریضهٔ علی‌حده به عرض جناب‌عالی خواهم رسانید. والسلام

موضوع: در باب اراضی مریوان و لاهیجان
تاریخ: ۱۲ شوال ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

نمره: ۲۱٤

سواد عریضه‌ای است که از سفارت سنیه به وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض و فرستاده شده است (سفارت ایران در اسلامبول)

مذاکرات مجلس سابقی که در باب اراضی مریوان و لاهیجان فی‌مابین بنده و جناب عالی‌پاشا واقع شده بود در عریضهٔ جداگانه به اطلاع سامی رسانیده‌ام. و امروز مجدداً تعلیقه‌جات رفیعهٔ مورخهٔ ۲۲ شعبان نمرهٔ ۱۹۵ و نمرهٔ ۲۰۳ که دایر به این مطلب بود به جهت مشارالیه قرائت کردم و آنچه لازم بود نیز شفاهاً گفتم. در جواب گفت که حقیقتاً اراضی مطلب و موقع اراضی مزبوره به طوری که از روی یقین محاجه توانم نمود، استحضار کامل ندارم و در امری که درست استحضار ندارم اصرار نمی‌توانم کرد. به طوری که سابق گفتم مصطفی عصمت‌بیک وابسته نظامی سعادت را از راه بغداد و کردستان معاودت خواهم داد که به مواقع مزبوره رسیدگی نموده و راپورت نماید اگر از روی راپورت او معلوم شد که مواقع مزبوره از جمله اراضی مختلف‌فیها است آن وقت داخل مذاکره و مکاتبه خواهیم شد والا فلا و از طرف من خدمت جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجهٔ دام مجده‌العالی بنویسید که لازمه سفارش و تأکید به عصمت افندی خواهم نمود که از روی کمال دقت و بی‌غرضی تحقیق مطلب نماید و اگر به طوری که جناب ایشان می‌نویسند در داخله مملکت و خارج از مواقع متنازع‌فیها است به هیچ‌وجه اظهاری نخواهم نمود زیرا آن قدر کار بر سر من ریخته که به هیچ‌وجه وقت از برای معارضهٔ بلاثمر ندارم. در جواب گفتم پیغام شما را به جهت جناب معظم‌الیه در عرایض خود خواهم نوشت ولکن به شما از حال می‌گویم که اگر عصمت‌بیک اراضی مزبوره را از جمله مواقع متنازع‌فیها معدود نماید به هیچ‌وجه اسباب اقناع و اسکات وزارت جلیلهٔ امور خارجه و سفارت سنیه نمی‌تواند بشود بعد جناب مشارالیه گفتند از قرار تحریراتی که

خیرالله افندی به من نوشته و در جواب مراسلهٔ رسمیه مستر الیسون نگاشته و سواد او را به جهت اطلاع من فرستاده است، به هیچ‌وجه اعتراف حقیّتی در اراضی مزبوره به دولت علیهٔ ایران مکتوباً و یا ملفوظاً نکرده است و اگر هم کرده و نوشته هم داده بود باز من تکذیب او را نمی‌کردم و مشارالیه را مخطی و مقصر نمی‌دانستم زیرا پس از آنکه مثل جناب وزیر امور خارجه شخصی به او بگوید که مواقع مزبوره در داخلهٔ مملکت و از جمله متنازع‌فیها نیست، اگر من خود در جای او سفیر بودم مثل مشارالیه تصدیق و اعتراف می‌کردم و هیچ نمی‌توانم خود را راضی نمود که نسبت خبط و خطا به سفیر اعلی‌حضرت سلطان داد بلکه در چنین موقعی می‌توانم گفت که او را از بابت اطمینانی که به اقوال طرف مقابل داشته است به شبهه انداخته‌اند، در این موقع می‌خواهم جسارت نموده و خدمت بندگان عالی عرض نمایم که وقایه عُظم و اعتیاز [اعتیاض] سفیر در انظار خارجه این قسم بهتر است. یا معاملهٔ که در مادهٔ قرارنامهٔ تلغراف بغداد دربارهٔ من شد و بدون جهت بندهٔ بی گناه را به سرزبان یک ملتی که از سابقه و لاحقه و اصل عمل مطلع نبودند، انداختند و حال آنکه در قرارنامهٔ مزبوره به قدر ذرّه خبط و خطایی نشده سهل است منافع آتیهٔ دولت علیه در نهایت خوبی حفظ گردیده بود، وحق ادعای دولت را در نفس حاجی قرا ثابت و به مهر نامق‌پاشا سند گرفته بودم. و همچنین ادعای دولت عثمانی را باز به مهر و امضای نامق‌پاشا منحصر تا قلعه شامل نموده بودم در صورتی که ادعای عثمانی ها بنا به نوشتجات سابقه و لاحقه تا کرند شامل بود و خطاب من در این فقره به جناب‌عالی نیست زیرا که از حق نمی‌توان گذشت بندگان‌عالی در نوشتجات به قدر امکان رعایت حفظ‌الغیب و وقایه اعتبار سفیر پادشاهی را فرمودید بلکه اعتراض بنده راجع به اشخاصی است که در ابتدای کار بدون جهت القای شبهه به خاطر اولیای دولت علیه نمودند و چون به اهتمام جنابعالی مراحم خسروانه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تطبیب خاطر این بنده بی‌مقدار را به طور اکمل فرمود زیاده بر این در این زمینه مصدع خاطر عالی نمی‌شوم. و از قرار تقریر عصمت افندی که به سفارت سنیه آمده بود گویا تا سه ماه دیگر در اسلامبول توقف نموده و بعد از راه بغداد عازم خواهد شد. والسلام

۸

سواد عریضه‌ایست که از سفارت سنیه به وزارت جلیله امور خارجه عرض و فرستاده شده است مورخه ۱۲ ذی الحجه ۱۲۸۲ نمره ۱۹۱

جلالتمآبا کیفیت مسیو گرس وزیر مختار روس را که بدولت متبوعه خویش نوشته بوده است حالا فرد بفرد به ایلچی دولت عثمانی در خصوص
مرور ایلات و اسبهای آن طرف دولت علیه ساخته شده بر طرف شده خیرالله افندی سفیر دولت عثمانی فهمیده است و در آن روز جزو اخبار
اگر مشایخ قبایل متعلق به دولت عثمانی وارد وزارت امور خارجه روسیه هم که در آن روز به وزارت جلیله استحضار یابند بر وفق تغییر
که به روس در آنها فرستاده و ده روز امیدوار هم بودیم زیاد شایسته بود که وزارت امور خارجه انگلیس خیال است در آنها هم مسیو لیسون فرستاده و درج نموده
بنای خلاف واقعه بود و اطلاع داده اید چرا از آن تاریخ وزارت امور خارجه مکرر آن مستر خواسته اید مستر الیسون حضرت بارون مسیو گرس
در حرف از اینجا بیمه به عنوان خیرالله افندی فرستاده و تصنیف نموده است و چرا از آنها هم در رفع جلد از اقطع بر نشسته اید خیرالله افندی
چنین از مضمون مراسلات مسیو گرس به اطلاع داده است مضطرب شده عصمت بیک را که یازی ساباتی فرستاده و تلگرافات مواسلات
چنانچه سابقاً هم اینجانب در مراتع مشایخ قبایل از طرف ایشان حالا هم از تمامی خلاف آنها دارم که در این مراتع جسارت احداثات
کرده و برکات سابقه گذارده صورت اتمام یابد در جواب گفتم چنانچه از دولت علیه ایران برجسته تحریر
تحریر نخواسته فرموده در مراتع مشایخ قبایل از طرف دولت عثمانی احداثات جسته و هنگامی بشود از جانب خودشان بر خیال تعمیر
بحالت حالیه برخلاف مدلول خلاف شده است در این فقره تمام اسباب کار هم و مکنون طرفین دلیل نمی‌دانند و اگر
چنین در داخله مملکت خود بخواهند احداثات بنمائیم از طرف مقابل حق مراسله و مذاکره در آن داشته باشند مثلاً اگر ما خیال بنای جدیدی
در دولت وزارت الدم و بنیاد داشته باشیم دار طرف فرنگ و اعتراض بشود چه جواب خواهید داد هم درباره این فرمایش فانه در اسلامبول
و مرزی بجهت جهت دو خود ساخته شده است خلاف ما زیرا به تعدی حقیقت شما در دول دارد الدم مدت بحث نیست بنا ...
بجهت مدت بحث نمی‌دانند و تفصیل بعد چند مرتبه شفاهاً با ایشان مذاکره نموده‌ام حتی یکروز جنرال ... روایت می‌کرد
که ... خیرالله افندی بولد ملکیت دولت علیه ایران در مراتع بر ... نوشته اید که ... در جواب گفته چنین
جنرال ... گفته اید ... مطلب را اطلاع کامل ... گفت مادام ... در چنین عبارت به وزیر مختار روس گفته‌ام و لکن اطلاع
ندارم مادام خیرالله افندی نوشته است بایست رجوع بنقشه و تحریرات ... در حق ... نوشته است ایام ...

هر دو را اشتباه راجع به فیصله او کرده‌اند آن وقت با اینکه به هیچ خواهم نمود در جواب گفتم اگر تحریرات [illegible] و نقشه را [illegible] تحقیقات [illegible]

حقانیت قرار [illegible] راجع به فیصله [illegible] در اینصورت دولت علیه ایران مجبور خواهد بود در رجوع [illegible]

مرحوم [illegible] مرحوم [illegible] رد به خود [illegible] راجع به فیصله [illegible] در این باده [illegible]

جوابهای [illegible] است [illegible] گفته‌ام و امروز هم [illegible] به جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه [illegible]

[illegible] جناب [illegible] خدا [illegible] نموده [illegible]

قرائت کنم [illegible] تحقیقات [illegible] راجع [illegible]

گفتم اگر واقعاً [illegible] راجع [illegible] واقع است [illegible]

[illegible] جناب [illegible] راجع [illegible]

[illegible] واقع [illegible]

هرگز واقع نشود [illegible] خواهم [illegible]

سواد عریضه ایست که از سفارت بهیه لندن به جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه فرستاده شده است مورخه ۱۳ شهر شوال ۱۲۸۲ نمره ۱۴ ۲

[illegible] در باب [illegible] جناب [illegible] واقع شده بود در عریضه [illegible]

[illegible] شعبان [illegible] قرائت کردم [illegible] در جواب [illegible]

[illegible]

[illegible] راجع [illegible]

[illegible] آن وقت [illegible] خواهم [illegible] در خدمت جناب جلالت [illegible] وزیر امور خارجه [illegible]

[illegible]

و هر روز به نوایب دیگر به موجب اتفاق خواهم بود و در روز دیگر وقت بنویسی تفحص مطلب باید و اگر نظری به جناب بیاید این رشته در دولت شکست

و خارج از برنامه مشارع فیهات بسیج چه اظهاری نخواهم نمود زیرا اعتقاد کار در رفع نکته به بسیج و وقت از رای مجازات [illegible] در جواب که نمایم باید

به جناب معظم الیه در عرایض خود خواهم نوشت و لکن تا بار فلان گریه اگر عصمت یک از رای برنمیدارد که برای تشریع فیها نموده باید بسیج

اسباب تشریع ممالک وزارت جلیله امور خارجه و سفارت سنیه می‌رساند که به جناب شاهزاده که از قرار بعد دست و هرچند فقر در نوشته و در جواب

راپورتی که تلگراف دیروز داده با نکته اصلاح فرستاده است بسیج چه اعتراف حقیقی در او رای نوشته به دولت علیه ایران متوجه و ملفوظ نموده است

و اگر هم کرده و نوشته هم مطلوب با نکته نیست و دولت که ایراد را تعلیق و تفصیل ندانم زیرا ایشان نکته به جناب وزیر امور خارجه که اعتنا نکرده و ایراد

بوده و در ورقه ملک وزارت جلیله مشارع فیهات اگر من خود در جای او بودم شک باید که تا اعتراف کرده وزرای ترک در نوشته ... نمود

و تنبیه خطا و خطاب بنفسه مشارالیه در حقیقت مطلب اینکه در حقیقت برخی در نوشته کنسول داده از جانب اطمینان ... قول طرف ... شبهه ندارد

در این هم که تمام جسارت نموده و نه شک به نکته که عرض بیایم در وقایع نظم را تا ... بنفسه در نظر خارجه تقسیم است بالکلیه در ماده قرار نامه تعرف بنماید

نمی‌توان جسارت بنمایم که در آن بیان که محقق در باب نمره دو هزار چهار هزار وصول تقطیع نماید که نوشته ... اگر در قرار نامه به نوبه تقریر ... خلاف نوشته

سهو است ... دولت علیه در نوشته خود حفظ کرده بود و حق اظهار دولت را در نفس جای قرار داد و بنده این نکته را گفته بودم و اهم حفظ اعتماد

دولت ... را نیز به هر حال از این باب متوجه ... می‌نمودم و در صورتی که از حق ... باید بر ثبات بیاید ... که شاید ... جناب ... نموده

به ملاحظه زیاد و رفق می‌توان گذشت ... رعایت خلاف ... از ... بلکه ... نموده

را جع به کار است ... در این ... جهت ... شبهه ... دولت علیه نمایند و جناب ... را ... خدمت ... ایشان ... فقط

تعلیق ... به مقرر ... قراری بوده ... قرار تقریر عصمت ... سفارت سنیه ... نماید که ...

در این باب توقف نمایند ... زیاد ... مخلص ...

شمارهٔ سند: ۲۳۲
موضوع: ایجاد قراول خانه در سرحد کردستان
تاریخ: ٦ شوال ۱۲۸۹ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده: ۵/ح

نمره: ٦٤

نامهٔ کارپردازی ایران در بغداد به وزارت خارجه

به حضور وزارت جلیلهٔ خارجه

در فقرهٔ قراول خانهٔ احداثی در سرحدات و محال مخصوص که در سه جا محل گفتگو شده است تعلیمات مقاوله و قرار مرقوم فرموده بودید آنچه در سرحد کردستان احداث کرده بودند و سرحدداران دولت علیه خراب نموده بودند، مقرب الخاقان علی خان سرتیپ را که به امور تحقیق نموده بودید مأمور عثمانی هم از این طرف با عالی جاه جنرال قونسل انگلیس در آن نقطه حاضر شده با مشارالیه ملاقات و مذاکره نمودند سرتیپ به حضور عالی و قونسل به بغداد برگشت البته او تفضیل ملاقات و گفتگوی خودشان را مشروحاً معروض داشته است در اینجا که با جنرال قونسل ملاقات و استفسار نمودم علی الظاهر از تقریرات او این طور مستفاد می شود که هنوز حق به طرفی نداده است ولی چنین مناسب دیده است که در دست مأمورین عثمانی باشد و گویا تجدید بنا نیز نموده‌اند و درین ضمن ترضیه هم به عمل آید تا در بهار رؤیت دوباره شود و به هر نوع معلوم گردد حق به طرف محق داده آید، البته سرتیپ مشروحتر عرض نموده است درین باب صدارت عظمی هم با تلغراب استفسار فرموده بودند اجمالاً با تلغراف و مفصلاً با تحریر جواب عرض کرده‌ام ظاهر است که استحضار حاصل خواهند فرمود و آنچه متعلق به میل سیداحمد ورود شیر است قرار شد که مقرب الحضرة العلیه میرزا عباس خان در معاودت خود با مأمور عثمانی رؤیت نموده هرچه معلوم گردد بنویسند امر نامه از ایالت گرفته به او داد دیگر به کارپردازخانه اطلاع از مآل آن نداده عبور نموده است. استدعا دارم مقرر فرمایند تحقیق به عمل آورده معلومات او و کیفیت رؤیت و متعلقات آن را به کارپردازخانه اعلام دارند که بصیرت از مآل آن حاصل و به آن درستی با ایالت

مذاکره نماید سواد فصل دویم و سیم و چهارم قرارنامهٔ جدید را در مواد سرحدیه فرستاده بودید نزد کمترین نیز آن سواد هست و غفلت در مذاکره از ملایمات آن نمی نماید استحضار از امور واقعه لازم است که سرحدداران سریعاً بدهند و در چاره و رفع وقعات اهتمام به عمل آورد. زیاده جسارت است. فی شهر شوال ۸۹

محل مهر: عبده اسحاق الصدقی

بجناب وزارت جلیله خارجه

نمره ۶۲

در فقره قرارنامه‌ای که در سرحدات محال مخصوص که در سه جا محل کشمکش شده است تحقیقات دولتین قرار مرقوم فرموده بودند.

در سرحد کردستان اهمالات کرده بودند و سرحدداران دولت علیه خراب نموده بودند مقرب الخاقان علی خان [illegible]

در سرحد عثمانی هم از طرف [illegible] جنرال قونسول انگلیس در آن نقطه حاضر شده با مشارالیه ملاقات و مذاکره نموده [illegible]

برگشت [illegible] عسکری خودشان را [illegible] سرحد داشته است [illegible] که جنرال قونسول ملاقات [illegible]

از تقریرات ایشان [illegible] که [illegible] حق بطرفی داده است [illegible] که در [illegible]

نیز نموده اند و در ضمن [illegible] هم [illegible] دوباره [illegible] حق بطرف [illegible]

عرض نموده است در باب [illegible] تلگراف [illegible] اجمالا با تلگراف مفصلا [illegible] جواب [illegible]

انحصار [illegible] که مقرب الخاقان [illegible] عباس [illegible]

عثمانی [illegible] اطلاع [illegible]

دارد [illegible] تحقیق [illegible]

و ایلات [illegible] اگر [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۳
موضوع: تجاوز فیضی پاشا به اراضی ایران
تاریخ: ۲۹ ربیع الثانی ۱۲۹۰ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده:

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

در جواب مراسلهٔ جوابیه آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۶ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰ مراسلهٔ وزارت امور خارجه مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع الثانی که اظهار خوشوقتی از احکام تلغرافی امنای دولت علیهٔ ایران به سرحدداران خود در منع ظهور حرکت مغایر مودت کاملهٔ دولتین نموده از برای عقب کشیدن عالی جاه رفعت‌پناه فیضی پاشا قشون آن طرف را از اراضی صیفی و ملخطاوی و باغسایی و غیره ملک صحیح دولت ایران از وزارت امور خارجه اطمینان از مراجعت قشون این طرف خواهش نموده بودند با کمال احترام زحمت اظهار می دهد که وزارت امور خارجه از بدو ظهور تجاوز فیضی پاشا به املاک مختصهٔ دولت ایران با اینکه در این مواقع تکلیف سرحدداران هر دو دولت غیر از دفاع نیست محض تشیید قواعد و حفظ اساس دوستی دولتین علیتین اسلامیتین ایران و عثمانی به هیچ‌وجه خود را از اقدامات مجدانه و اتخاذ تدابیر فوریه مؤثره در رفع ظهور امری که مباین این منظور باشد معاف نداشته و آسوده نمانده‌اند تا اطمینان از این فقره حاصل ننمایند و امیدوار است که موافقت و معاضدت این وزارت جلیله و آن سفارت سنیه که آگاه از قیمت گوهر گرانبهای دوستی دو دولت اسلام می باشند همواره واسطهٔ تأسیس بنیان مودت و مانع هر نوع مباینات این نیت باشند و دوستدار با منتهای خوشحالی از صفای نیت و انصاف کامل آن جناب در موافقت با عقیدهٔ وزارت امور خارجه برای مراجعت قشون و مأمور طرفین از آنجا و ابقای آن املاک قدیمهٔ صحیحهٔ دولت علیهٔ ایران در حالت قبل از تجاوز عالی جاه رفعت پناه فیضی پاشا اطمینان صریح کامل می دهد که به محض مراجعت قشون آن طرف اردوی این طرف هم که به‌قصد مسالمت فقط برای حفظ حقوق خود حاضر شده بودند، مراجعت کرده آنجا را بدون هیچ گونه تغییر به همان حالت بگذارند که قبل از تجاوز قشون آن طرف نموده است و به هیچ‌وجه من الوجوه بدون

تجاوزی از آن طرف قشون و مأمور لشکری از این طرف ابعاث نشود تا قمسیون سمت اختتام پذیرفته قرار کار به مذاکرات دیپلوماتیک داده نشود اولیای دولت علیه در این باب از کمال حق‌شناسی و نیات حسنهٔ باب‌عالی و آن جناب اظهار خشنودی کامل می‌نماید و خواهشمند هستند، در باب زراعت رعایای دولت علیهٔ ایران هم که به واسطهٔ فیضی‌پاشا تفریط شده قرار محقانه بدهند که رعایای این طرف در معرض خسارت واقع نشوند و البته انصاف مسلم اولیای فخام دولت علیه هم راضی به خسارت رعایای این طرف نشده حقاً قرار احقاق حق آنها را عادلانه خواهند داد. زیاده زحمت نداد. فی ۲۹ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۰

به سفارت روس قلمی شد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳٤
موضوع: دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۸ ذیقعده ۱۲۹۸ هـ.ق
کارتن: ۱٦
پرونده: ۵/ح

نمره: ۸۷

از وزارت امور خارجه به سفیرکبیر دولت عثمانی نوشته شده است

از مضمون مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۳ ذی‌قعده نمرهٔ ۱۷٤ بدقت تمام آگاهی حاصل آمد، مرقوم داشته‌اند که ایالت بغداد بر طبق اظهار آن جناب جلالت‌مآب در خصوص دورهٔ نظرعلی بیگ تحقیق صحیح نموده نوشته شده است (که اراضی مذکوره از قدیم‌الایام در تصرف دولت علیه عثمانیه بوده از آنجا تا به خانقین یک ساعت مسافت است و شش سال قبل به قاعدهٔ تاپو در ضمن اراضی مختصّه سلطنت سنیهٔ فروخته شده کسی حقاً ایراد و اشکالی نمی‌تواند وارد آورد.)

لهذا جواباً زحمت اظهار می‌دهد که البته آن جناب جلالت‌مآب به اقتضای انصاف سفیرانهٔ خود بخوبی ملتفت خواهند بود که یک ساعت مسافت داشتن دورهٔ نظرعلی بیک به خانقین دلیل این نمی‌تواند بود که از ملحقات خانقین معدود شود چنانکه جبل باغچه که زیاده از نیم ساعت مسافتی به خانقین ندارد بالفعل در تصرف دولت علیهٔ ایران و از ممالک مسلمهٔ این دولت است. تا چه رسد به دورهٔ نظرعلی که از جبل مزبور هم به فاصلهٔ زیاد به سمت داخلهٔ ایران است. همچنین ادعایی که ایالت بغداد جدیداً در حق آنجا پیشنهاد نموده، نوشته است من‌القدیم در تصرف دولت عثمانیه بوده است. چون نقیض اعتراف سابق ایشان است که در ضمن مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۷ رجب نمرهٔ ۱۲۷ مندرج و تصریح است به اینکه محل مزبور سابقاً در تصرف عشیرت سنجابی و مرتع مخصوص آنها بوده است، بدین جهت جز اینکه ادعای بلادلیل و از مقولهٔ ثم‌التدارک محدود شود حکمی برای آن متصور نمی‌تواند شد. زیرا تصرف همچو محلی یا باید به عنوان زراعت و فلاحت بوده باشد که خود معترف احداثی شش‌ساله بودن بنا و زراعت و فلاحت آنجاست یا باید به‌عنوان مرتع و علف‌چرانی بوده

باشد که خود اعتراف کرده است، سابقاً مرتع عشایر سنجابی یعنی در تصرف دولت علیه ایران بوده است و شق ثالثی هم متصور نمی تواند شد که به استناد آن ایالت بغداد بتواند بگوید من القدیم در تصرف عثمانیه بوده است. همچنین شش سال به عنوان تاپوفروختن ایالت بغداد و احداث بنا و زراعت و فلاحت نمودن نسیم یهودی در آنجا خود اصل موضوع بحث است که ایالت بغداد کانهٔ دلیل ادعای آنجا قرار داده است. نتیجه و حاصل این تفاصیل که لُبّ تحقیقات تازهٔ ایالت بغداد است، چنین می شود که دورهٔ نظرعلی من القدیم مرتعی بوده است، در تصرف عشایر سنجابی تبعهٔ دولت علیهٔ ایران و از شش سال به این طرف ایالت بغداد هم به خلاف رعایت حقوق ملکیّت و تصرفات مسلّمه دولت علیهٔ ایران در حق آنجا، و هم به خلاف قرار استاتوقو دورهٔ مزبوره را به نسیم‌نام یهودی فروخته، آن هم به خلاف حقوق ملکیت مسلمهٔ ایران و به خلاف قرار استاتوقو احداث تازه از پنج شش سال به این طرف در آنجا شروع کرده است. و همین نتیجهٔ واضحه از هر جهت مصدق تازه و مؤید قوی است به حقیقت اظهارات وزارت جلیلهٔ امور خارجه که در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ ۲۲ رجب ۹۸ و یادداشت ۹ شوال ۹۸ به آن جناب جلالت‌مآب قلمی و به حق ابطال هرگونه اقدامات نسیم یهودی را در آنجا و به حالت سابقه واگذار شدن آنجا را به تصرف عشایر این طرف درخواست نموده است.

علی هذا محض ملاحظه اینکه مسئلهٔ به این واضحی که قابل هیچ گونه اهمیتی نبوده و نیست و تنها به علت مسامحه و مضایقهٔ ایالت بغداد من غیر حق این همه طول و تفضیل را به‌هم رسانیده، سهل است به قراری که استماع می شود نسیم یهودی روز به روز به تزیید اقدامات و تصرفات غاصبانهٔ خود در آنجا می افزاید. کمال تأسف پروتستو نموده تکالیف سابقهٔ خود را در خصوص ابطال اقدامات مزبوره و اعادهٔ آنجا به حالت سابقهٔ خود تکراراً اخطار و در خواست می نماید، زیاده زحمت نمی دهد. ۸ ذیقعده ۱۲۹۸

وزارت امور خارجه
مورخه ... شهر ...
سنه ۱۳۰

نمره ۶

از وزارت امور خارجه به تاریخ ... [illegible] ... نوشته شده است

از مضمون مرسوله جناب مستطاب ... مورخه ... ۱۷ ... آقای ... مرقوم داشته اند [illegible] اظهار ... جناب

در خصوص ... [illegible] ... تحقیق صحیح نموده نوشته است ... اراضی ... از قدیم الایام در تصرف ... [illegible]

[illegible] ... سالیان ... مملکت ... [illegible]

[illegible] ... اظهار ... جناب مستطاب ... [illegible]

[illegible] ... در ... [illegible]

[illegible] ... در تصرف دولت علیه ... [illegible]

[illegible] ... ایران است ... [illegible]

[illegible] ... از قدیم الایام در تصرف ... [illegible]

[illegible] ... ۱۷ ... [illegible] ... در تصرف ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... در تصرف ... [illegible]

[illegible] ... از قدیم الایام ... در تصرف ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... در تصرف ... دولت علیه ... [illegible]

[illegible] ... حقوق مملکت ... دولت علیه ... [illegible]

[illegible] ... حقوق ملت ... ایران ... [illegible]

[illegible]

کیفیت ... وزارت جلیله امور خارجه ... ۲۲ ... ۹ ... ۹۸ ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... ۱۲۹۸

شمارهٔ سند: ۲۳۵
موضوع: اراضی دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۱۳ ذی‌قعده ۱۲۹۸ هـ.ق
کارتن: ۱٦
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۸۱

نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از مضمون مراسلهٔ جوابیهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۸ ذی‌قعده الحرام ۹۸ نمرهٔ ۸۷ در خصوص اراضی کانی بز که از ایام قدیمه تا حال همواره در تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بوده آن جناب جلالت‌مآب این را نقیض اعتراف سابق جناب جلالت‌مآب والی ولایت جلیلهٔ بغداد دانسته مستند به مراسلهٔ دوستدار مورخهٔ ۱۷ شهر رجب ۹۸ به نمرهٔ ۱۲۷ شده صریحاً نوشته‌اند که در مراسلهٔ مزبوره مندرج و تصریح است به اینکه محل مزبور سابقاً در تصرف عشیرت سنجابی و مرتع مخصوص آنها بوده است سفارت کبری را استحضار حاصل گردیده قویاً موجب تعجّب شد. زیرا که عبارت دوستدار در مراسلهٔ مورخه ۱۷ رجب ۹۸ به نمرهٔ ۱۲۷ از روی کاغذ بغداد این است. (مدلّل و مثبت است که اراضی مزبوره از ملحقات خانقین می‌باشد و به خریطهٔ حدود مابین عثمانی و ایران نیز رجوع کرده این اراضی چند ساعت هم در داخلهٔ خاک عثمانی واقع است و اسم اصلی آنها کانی بز است و اینکه دورهٔ نظرعلی بیک نامیده‌اند. اوقاتی بوده است که عشایر طرفین دوستانه به خاک یکدیگر ییلاق و قشلاق می‌کرده‌اند و عشیرت سنجابی که به خاک عثمانی می‌رفته‌اند چون نام حقیقی آنجاها را نمی‌دانسته‌اند جای چادر خودشان را که موقت زده بودند به نام خودشان یا رؤسای خودشان می‌نامیده‌اند) آیا کدام جزو این عبارت دلالت دارد که اراضی مزبوره در تصرف دولت علیهٔ ایران بوده است مگر آنکه رفتن عشایر طرفین به خاک یکدیگر در تمام خط سرحد به ییلاق و قشلاق قبل از انعقاد قرارنامه مابین دولتین علیتین در منع عشایر جانبین به خاک یکدیگر حق تملک

اتخاذ شود، و حال آنکه، هیچ طرفی چنین ادعایی نمی‌تواند بکند و اگر فرضاً کسی به لسان آورد به درجهٔ بدیهی البطلان خواهد بود که محتاج جواب نیست و به همین جهت اعترافی که در مراسلهٔ وزارت جلیلهٔ امورخارجه مورخهٔ ۸ ذی‌قعده‌الحرام به نمرهٔ ۸۷ مستند به آن شده‌اند که دوستدار در مراسلهٔ مزبوره خود تصریح به آن کرده است می‌توان گفت صرف افتراست و دوستدار محقّ است که از پروتستی که در ذیل مراسلهٔ مذکوره شده است در این موقع اظهار کمال تأسف کند و بلکه از چنین اظهارات و دلایل بلا مأخذ پروتستو نماید، زیاده چه زحمت دهم. فی ۱۳ شهر ذیقعدة‌الحرام ۹۸

اثر مهر فخری بیگ سفیر عثمانی

جناب [illegible] دام [illegible]

در خصوص مراسله جوابیه جناب [illegible] مورخه [illegible] فی [illegible] ۹۸ نمره ۸۷ [illegible]

نقض [illegible] جناب [illegible] والا [illegible] مورخه ۱۲ [illegible] ۹۸ نمره [illegible]

مندرج و تصریح است [illegible]

زیرا [illegible] مورخه ۱۲ رجب ۹۸ نمره [illegible]

[illegible] دولت ایران نیز رجوع [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مورخه [illegible] نمره ۸۲ [illegible] خود تصریح [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۶
موضوع: اراضی دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۲۲ ذی‌قعده ۱۲۹۸ هـ.ق)
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزارت خارجه به سفارت ایران در اسلامبول

به جناب معین‌الملک سفیرکبیر دولت ایران در اسلامبول

جناب جلالت‌مآبا

در خصوص دورهٔ نظرعلی بیک تفصیلی به تاریخ پانزدهم شهر ذی‌قعده به آن جناب جلالت‌مآب نوشته، به انضمام سواد مکاتباتی که مابین وزارت امور خارجه و سفارت کبرای عثمانیه تا ۹ ذی‌قعده تعاطی شده بود جهت اطلاع آن جناب فرستاده‌ام. بعد از آن باز مراسلهٔ[ای] از سفارت کبرا به تاریخ سیزدهم ذی‌قعده به وزارت جلیلهٔ امور خارجه رسیده جوابی هم از وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۹ ذی‌قعده قلمی شده بود.

اینک سواد هر دو را لفاً جهت اطلاع آن جناب جلالت‌مآب ارسال می‌دارم که از روی بصیرت کامله اقدامات لازمه را در آن باب به عمل آورند. زیاده زحمت ندارد.

مورخه ۲۲ ذیقعده سنه ۱۲۹۸

وزارت امور خارجه
نمره ... نمره
سنه ۱۳..

جناب معین الملک سفیر کبیر دولت ایران در اسلامبول

۲۲ ... ۹۰

جناب جلالتمآبا [illegible] در خصوص ... ترتیب تفصیل تاریخ ... در اردوی ... بجناب جلالتمآب ... نوشته

[illegible] وزارت امور خارجه ... کمیسیونی ... اردوی ... مجد الملک ... نوشته

... [illegible] ... وزارت جلیله ... [illegible]

تاریخ اردوی ... آنکه سواد ... جناب ... ارسال ... [illegible]

۱۲۹۸

... [illegible] ... زیاده زحمت ... غره ذی‌القعده

شمارهٔ سند: ۲۳۷
موضوع: گزارشات مختلف و اوضاع عثمانی
تاریخ: ۲۱ شعبان ۱۳۰۳ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۵/ح نمرهٔ ۳۵

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هوالله

فدایت شوم، شرحی که در باب مسئلهٔ صیفی و ملخطاوی و تحدید حدود قطور مرقوم فرموده بودند زیارت شد، همان روز با سفیرکبیر انگلیس و شارژ دافر روس ملاقات و مذاکره نمودم هر دو وعدهٔ اقدام و اصرار کردند، مع‌هذا شرحی هم رسماً به سفرا می‌نویسم روز گذشته هم با جناب سعدپاشا وزیر امور خارجه مفصلاً گفتگو کردم قرار شد در هر دو فقره شرحی رسماً بنویسم که دست‌آویز نموده بسرای عرض و استدعای صدور اراده کنند زیرا که سعیدپاشای صدر سابق مسئله را برای اسکات بنده و سفرای دولتین واسطه به عرض و صدور ارادهٔ سلطانی فرستاده ضمناً اخلال کرده بود و مسئله در سرای معطّل مانده بود و هر وقت از طرف بنده و سفرای واسطه اظهار و اصرار می‌شد می‌گفت (کار از ما گذشته است در مجلس مذاکره و مضبطهٔ آن را متفقاً امضا کرده به حضور سلطان فرستادیم که به تصدیق ایشان رسیده ارادهٔ اجرای آن صادر شود آنجا معطّل شده است ما نمی‌توانیم به پادشاه حکم و اصرار کنیم) بالجمله امیدوارم انشاءالله با هیئت حاضره کار به سهولت بگذرد و نتیجه هرچه باشد تلغرافاً و تحریراً عرض خواهد شد.

در باب منع تجاوز جاف مکرّر به اعلی حضرت سلطان و باب‌عالی در ضمن سؤال و جوابها که در باب اخبار اراجیف تدارکات عسکریه در حدود از طرف دولت علیه می‌شد عرض و اظهار کردم به ایالت بغداد در این باب مخابره می‌کنند هنوز جواب صریحی داده نشده است ولی دنبالهٔ مطلب را دارم و هر روز اقدامات شفاهیه و تحریریه می‌شود همین که نتیجه حاصل شد عرض خواهم کرد.

در باب استرداد پسر والی پشتکوه هم به ایالت بغداد در مخابره هستنده بنده هم قویاً مطالبه می‌کنم امیدوارم نتیجهٔ مطلوبه حاصل شود. در باب تعمیرات نجف اشرف و

اجازهٔ آمد و شد کشتی موسوم به شوش اقدامات لازمه شده است و می‌شود ولی چنانکه در طیّ عرایض سابقه عرض کرده‌ام و البته به لحاظ انور حضرت اشرف عالی رسیده است حضرات این اوقات نهایت اهمیت را به پیس‌بندی روش و ترقی پولتیک و مناسبات ما در عراق عرب می‌دهند. والی حاضر به واسطهٔ تعصب و عداوتی که نسبت به شیعه دارد خاطر وکلای دولت عثمانی خصوصاً اعلی‌حضرت سلطان را مشوب و بیدار کرده است و چنان خاطرنشان نموده است که دو ثلث مردم عراق عرب شیعه هستند و روز به روز تشیع بیشتر می‌شود اگر جلو کار گرفته نشود و به قدر مقدور به کسر نفوذ و تقلیل مناسبات دولت ایران همت نشود ولایت از دست می‌رود، بالجمله حقیقت مطلب به طوری است که عرض می‌شود. اگر چه در بادی نظر هر دو فقره بسیار جزئی می‌نماید ولی در نظر حضرات خیلی اهمیت دارد. مع هذا آسوده نیستم در خصوص تعمیرات استعلام و تشخیص درجهٔ لزوم و تخمین مخارج آن را خواسته‌اند. در باب کشتی به مجلس گذاشته به قول خودشان کار در دست مذاکره است. همین روزها جواب قطعی استحصال خواهد شد. در باب سامره و حرکات نالایق مفتی و رئیس بلدیهٔ آنجا کارپرداز بغداد تلغراف کرده بود همان روز به باب‌عالی شکایت و ترمیم این خطا را به تنبیه و تبعید مرتکبین قویاً مطالبه کردم به والی تلغراف کردند روز گذشته هم رسماً در کمال شدّت تحریراً مطالبه کردم دیروز هم بعد از وصول تلغرام حضرت اشرف عالی مراتب را به توسط ترجمان اوّل به سرای پیغام کردم که به حضور سلطان عرض کنند تا حال که هنگام عزیمت پست است، جواب نرسیده اگر قبل از حرکت پست رسید جداگانه عرض می‌شود والاّ با تلغراف به عرض می‌رسانم انشاءالله به طوری که باید ترضیه حاصل خواهد شد. جریان مسئلهٔ یونان هم جداگانه عرض شده است و البته به واسطهٔ تلغرافهای عمومی روز به روز به عرض می‌رسد، اگرچه در این دو سه روز پیش‌قراولان طرفین مشغول زدوخورد بودند و از قرار اخباری که در افواه مردم است تلفات زیاد از طرفین شده است ولی امرقطعی از دولتین به سرداران دو لشکر رفته که یکدیگر را ملاقات کرده طوری قرار دهند که این حرکات تکرّر پیدا نکند و ترک اسلحهٔ دولت یونان هم مقرر است عجالتاً این دفعه هم کار به اصلاح می‌گذرد، تا کی تجدید مطلع شود، ولی دو نکتهٔ مهم پولتیکی در مسئله هست که مردمان خارج از مطلب مشکل کشف می‌کنند یکی نیت باطنی انگلیس و یونان است آنکه دولت انگلیس است محقق می‌داند

که دوام و بقای دولت عثمانی در اروپا و اسلامبول محال است و چون به بعضی از نقاط مهمهٔ بحریهٔ عثمانی که از آن جمله جزیرهٔ کرت است چشم طمع دوخته است و تا در تصرف عثمانی است مطمئن و از تطاول و تصرف دیگران مصون است و همین که به تصرف یونان که مالک بالاستحقاق آنجاست و در علوم و امور بحریه کمال مهارت و ید طولا دارد و میدان قوّت و ترقی استقبالش وسیع و راه کمال استقلالش باز است درآید، دندان طمع را باید بکَند. این بود که به مجرد ملاحظهٔ روش پولتیک یونان بی‌مقدمه نمایش بحری را برای حفظ صلح عمومی عنوان و به دول معاهد تکلیف نمود و حال آنکه همیشه طرفدار دولت یونان بود و عوض نمایش قوهٔ بحریهٔ عظیمی در حوالی کریت حاضر نمود مقصودش این بود که اگر کار به محاربه بکشد دستی به روی کریت بیندازد و اگر به اصلاح گذشت دولت یونان را از خیال تصرف آنجا بکلی بازدارد. امّا یونان آنها هم از بقای عثمانی مأیوس هستند و آنچه از یونانستان قدیم در تصرف دولت عثمانی است حق خود می‌دانند و یقین دارند که هر وقت باشد مال ایشان خواهد بود ولی همین که عصیان بلغارستان و غلبهٔ ایشان را به صربستان دیدند متوحّش شدند، دیدند که اگر بلغارستان استقلال پیدا کند روم ایلی را به خود الحاق کرده عنقریب مثل رومانی و صربستان دولت مستقل خواهد شد و دولت قوی اسلاو به یاری روسیه تشکیل خواهد شد که قائم‌مقام عثمانی خواهد بود و او هم باید دندان طمع را کَندِه از تصرف مستملکات قدیم خود مأیوس شده زبون اسلاوها بشود، لهذا به تسلیح ملت و تدارکات عظیمهٔ جنگ پرداخته تن به این همه ضرر و خسارت درداده و نمی‌دانست که دول اروپا جدّاً به مقام منع برخواهند آمد بلکه یقین داشت که آنچه از اپیر و تسالی مانده است حق‌السکوت خواهد گرفت غافل از اینکه دولت انگلیس چشم و گوشش باز است، اینکه دول سائره هم به انگلیس همراهی کردند نه برای این بود که از مافی‌الضمیر انگلیسها خبر نداشتند بلکه چون مسئله به منافع آنها برنمی‌خورد سهل است مایهٔ رفع اَسباب برهم‌زدگی صلح عمومی که عجالتاً همگی طالب اندمی‌شد. لهذا همه موافقت و همراهی کردند. در مسئلهٔ اولتیماتوم که دول خمسه به دولت یونان دادند سبب حقیقیش این بود که پرنس بسمارک نتوانست به خود هموار کند که نصایح دولت فرانسه مسموع و مؤثر شده. این موفقیت نصیب دیپلوماسی فرانسه باشد والاّ اگر اکتفا به همان اظهارات رسمیهٔ دولت یونان کرده بودند (که به موجب نصایح دولت فرانسه ترک اسلحه را قبول کردیم) بیست روز قبل کار

گذشته و حالا ترک سلاح از طرفین به عمل آمده بود بالجمله عجالتاً بساط شطرنج پولتیک عمومی در اسلامبول گسترده است و تدابیر و تشبثاتی که هر یک در پیش بردن بازی خود به کار می برد درخور تماشا و عبرت است. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد. زیاده امر جناب مستطاب اشرف امجد عالی مطاع است. فی ۲۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۰۳

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

هو

در این کاغذ آنچه که به باب کارهای خودتان نوشته است از قبیل کشتی و تعمیر نجف اشرف... را که وعده داده است معلوم نشد آخر به کجا رسیده است البته به تلگراف مختصری مطالبهٔ جواب بکنید.

هو

فدایت شوم عریضه جات بنده ضعیف و مطالبی که بمرحوم قطب برادرم بمصحوب زوار ارسال شده بود آن روز با تعجیل گرفتار تفصیلش را فرامو[ش]

روش عنایات وعده اگر به تصمیم جزئی وعده اقدام و اصرار کرده بودند شاید اثری هم برای بغداد می‌بود روز گذشته هم جناب سفیر پاشا وزیر امور خارجه به مضمونی بازگو کردم

قرار نامه در حدود مقاصد اثری برای بغداد بدهیم دولت آورده نه تنها برای مخصوص و ملاقات معتمد ارامنه که گفته شده زیرا که سفیر پاشا صدراعظم شد به امر الهی ... بنده و بغداد

والتیمس رابطه صرفی معتمد ارامنه تهیه فرستاده ضمن احوال که بوده شده بود و مطالبی به آنها نوشته بودم در هر وقت از طرف بنده وسعی در کار ایشان آمد

مشت سنگین سایه تا مدت شده است و همین طور که مضمون از استنطاق بود که حضرت سلطان فرستادم و تصدیق ایشان به جهت ارامنه ...

آنجا معتقد شده است که گفته ام بیاورید و حکم و اصرار کرده‌اند با همه امیدواری نشد زیرا با نیت وزیر و کار سهولت نکردند و همه به شرافت و کمال گرامی

خصوص جناب شیخ تجار و رجاء کمتر به حضرت سلطان و پاره‌ای در خصوص زوار و جوابها که در باب اجبار و لذا جهت کارگزارات مکرر ... در وجه

در طرف دولت علیه شیخ مخصوص و اظهار کرده‌ام با ایالت بغداد و در این باب جوابی که گفته‌اند هنوز جواب صحیحی از آنها نرسیده است و لازم بنا گذاشتن مطلب دارم

وهر روز اوقات شغلی هم وتکرار میشود همین که تنها وصی شده صحیح خواهم کرد در باب زوار و مرواری ... هم با ایالت بغداد در چاره بسته بنده هم

قرار نمی‌گذارند هم امیدوارم هیچ که مطلبی صحیح شود و جناب تصمیمات کنند از طرف دولت تا آخر زمان کلی تمام فرمایش اقدامات الله ... بیش

دیگر ولی چه کنند در این طور تغییر بعض سابقه عرض کرده‌ام در این باب جواب از حضرت اشرف عالی رسیده است حضرت این اوقات نهایت ... است ...

بنده روش و رفتار تعزیت ... و زیارات ما در عراق عرب مثل منازل حاضر روز به تعصب و عداوت و بدبخت شیعه داده‌اند ... نمودی ...

حضرت اعلیحضرت سلطان را با شوب و مهمانی که به است و چنان حاضران ... است در وقت بمیم عراق عرب شیعه است و در زیارت ...

اگر چه کار گرفته نشود و بلکه رقعه در تکرار نشود و تحقیقات و سیاسات دولت ایلچی همت نشود و دولت از دست بدهد با همه حاجت مطلب ... آدم

اگر چه در باب نظر وجوه عنایت بسیار مرز ... ولی در نظر حضرت خیلی اهمیت دارد و شاید ما این نشستم در خصوص تصریحات اسلام و تعیین در خصوص

و حل خارج از آن خواسته‌اند عنایات شیخ تجسس گذشته تقرر حال نمودیشان کار در دست نیامد که است اهل مدیر و با جواب ... تعادل ... شمیه

عنایات سامی و مرحمت ملاحظه در پیش طریقه آنجا کار بدارند بغداد تصرف کرده بود اما زنده باقی ماند است و در ترتیب این خط ... را

و تتمه مرقومه تلگرافی را مطالعه کردم برای معرفت کرده روز گذشته هم رفتار در حال شده است تقریراً مطالعه کردم و دیروز هم به اداره محترم خارجه حضرت

اشرف عالی مراتب را مرتبط به جریان امور برای پیغام کردم که کمتر سلطان عرض کردند تمامی و انگلیس هم نیست بسته است جواب رسیده اگر

تغییر در حرکت بست رسیده به کار معظم رسیده باشد با معرفت به عرض عریض برسانم انشاءالله به بلاد دیگر هم رفته و مسکن حقیقتی جریان مسئله یونان هم مرا اطلاع

عرض شده است و البته در رابطه نمرههای عمومی روز به روز به عرض میرسد اگرچه مدتی هم هر روز بیش قرار داده طرفین مشغول زد و خورد و جنگ و دار قرار با خارجی

که در دفعات مهم است تفاوت زیاد از طرفین شده است ولی هر قطعی از دو لشکر مرزبندان در لشکر رفته و کمتر راه کارات اگر طوری واقع شده هم

که به حرکات کرده بیم آنکه در ترک مسئولیت یونان هم مقرر است چونکه این دفعه هم کار را مصالحه میکند و تا کی که به مطیع نمود بیان مهم

و لیکن در مسئله مهمه هم گمان خارج از مطلب که کشف میکنند یا نیست با مبانی انگلیس و یونان است لکن دولت انگلیس است که حقیقی میداند

که دوام و بقای دولت عثمانی در اروپا و در اسلامبول محال است و چون بعضی از نقاط مهمه جزیره عثمانی در اراده جزیره کریت است چنانچه مطیع هم مرادی عموم آن

و تا در تصرف عثمانی است سلطنت در تعادل و تصرف دیگران ممنوع است و انگلیس تصرف یونان هم در آنجا باید تحقق یابد دولت دارد

بحریه کمال مهارت و به علاوه دارد و میدان قوت و ترقی استقلالش وسیع و با کمال استقلالش بار است در آن زمان مطیع را باید کند آن

که بجز در حفظ روش و رنگ یونان بعقیده بنده بیش بحر را باید حفظ مع عموم جزایر و در دل سواحل تکلیف نمود چنانکه همه طرفدار یونان است

بوده و عرض بیش قوه بحریه عظیمی در حوالی کریت جز نمو مقصودش این بوده که اگر کار به جنبه دیگر بکشد آن ترکیب هم بیندازد و اگر با مصالحه گذشت

دولت یونان را از خیال تصرف آنجا منع بازدارد اما یونان انهدام ارتقای عثمانی ما در این هیئت و آنچه از یونانستان قدیم در تصرف

دولت عثمانی است حق خود میدانند و یقین دارند هر وقت بشود ایشان خلع بود و با اینکه عصیان نجارستان در فتنه سابق بوده

بلغارستان و غیره متفرق شدند و بعد از اگر نجارستان استقلال پیدا کند روم ایلی را نیز به چه الحاق کرده عنقریب شرقی روم ایلی را در تصرف

دولت مستقل خواهند داشت که مسلمانی با روسیه تنگی خواهند کرد تا مقام عثمانی خلع بود و اولاد هم چه زمان مطیع را گرفته است

متعلقات قدیم خود مایوس شده زبون است و با بوده استیلا ملت و اطراف حفظه جنگ بود جهت هر جا بیاید هم از کرانه اولات

در باب وینه است همه را بود به جز آن بتقدیم منع رفت ظاهر لکه بیقین داشت هر چه از هر ولایت و لایت ما نده است حالا ما

خطر گرفت و منع از اینکه دولت انگلیس چشم دوخته بار است با کمال اساس هم با انگلیس همراهی کرده و به طور این دیوار را به

انگلیسها خبره نشده بلکه چنین شده بنفع آنها برنخورد سهل است باید رفع اسباب را هم [illegible] لهذا امروز فرصت

دارم اگر [illegible] دولت یونانی [illegible] حقیقتش این بوده [illegible]

فرانسه [illegible] اگر [illegible] اظهارات [illegible] دولت یونان [illegible]

دولت فرانسه [illegible] روز قبل که گذشته [illegible]

[illegible]

[illegible] رمضان المعظم ۱۳۰۳

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۳۸
موضوع: غربیه و بکسائی
تاریخ: ۸ ذیحجه ۱۳۰۳ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۵/ح

نمره: ۵۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هوالله تعالی

فدایت شوم، در باب صیفی و ملخطاوی که مذاکرات آن در میان است مرقوم فرموده بودند که در این ضمن فقرهٔ غربیه و بکسائی را نیز از نظر دور نکرده داخل عنوان مذاکره نموده و در خارج نگذاریم.

فقرهٔ غربیه و بکسائی که در زمان سفارت سپهسالار مرحوم و صدارت عالی پاشا از جانب مدحت‌پاشا والی بغداد به میان آمده و سؤال و جواب زیاد در این فقرات در میان سفارت و باب‌عالی شده است نتیجهٔ مخابرات منتهی به این گردیده است که طرفین متفقاً قرار داده‌اند غربیه و بکسائی تا زمان تحدید حدود بی طرف بماند و طرفین مداخله به آنجاها نکنند و ثبت همهٔ نوشتجات در دفترخانه وزارت جلیله هست که به اقتضای این قرارداد این دو محل حکم منازع فیهی دارد برخلاف صیفی و ملخطاوی که این یکی را ما از مسائل مستحدثه و محال غیر متنازع فیها دانسته و تا حال به همین زمینه در این باب مذاکره کرده‌ایم، در این صورت هرگاه آن دو محل را در این موقع داخل مذاکرات نماییم حالت صیفی و ملخطاوی را هم سست می‌کند و باعث این می شود که اینجا هم داخل اراضی متنازع‌فیها بشود. علی هذا به اعتقاد کمترین نباید فقرهٔ بکسایی و غربیه داخل مذاکرات این مطلب بشود. عجب است جناب ناظم‌الملک که در این فقرات از همه بصیرتر و از همه نکات مطلع است تفصیل مطلب را به حضور جناب مستطاب اشرف امجد اظهار نکرده‌اند، در هر حال این روزها کومسیونی قرار داده شده است در این باب تشکیل و اقدام به مذاکرات بعضی امور سرحدیه که محل گفتگو است کرده شود، زیاده چه عرض نماید. تحریراً فی ۸ شهر ذیحجة الحرام ۱۳۰۳

در ثانی عرض می‌شود، شرحی که در خصوص صیفی و ملخطاوی علاوه بر اقدامات مکرّره شفاهیه از جانب سفارت کبری به سفرای کبار دولتین واسطه نوشته شده و با عریضهٔ نمرهٔ ٤٤ وعدهٔ ارسال صورت آن داده شده بود انفاد حضور جناب مستطاب اجل اشرف عالی گردید از ملاحظهٔ آن هم معلوم بندگان جناب مستطاب اجل اشرف عالی خواهد شد که مسئلهٔ صیفی و ملخطاوی در غربیه و بکسائی مجری است زیاده چه عرض شود. فی التاریخ

شماره
۵۱

هو الله تعالی

فقره سوم   باب صغیر و منحط دیگری که اقرارات آن در میان است مرقوم داشته بودند در زمین نقاط غربیه بکیه را

نیز در نظر دارد که مرا دخلی مخصوص نماید که معهود در خارج کنیم نقاط غربیه و بکیه را در زمان سفارت سابق از جهت رسم و رسومات ولایات ارجاع

مرحمت باشد و باید چند در میان آمده و در اول وجوب نماید در این صورت در میان سفارت و دیوانیان است به جهت عبارت که مرا کرده بود

متفق قرار دادند که غربیه و بکیه تا زمان تحریر عهدنامه به طرف باشد و طرفین در جمله جا باشند و ثبت هم بنمایند در دفاتر دولت دولتین

جلیله است و بر تقاضای این قرارداد این دو حکم منازع فیه دارد در خلاف صغیر و منحط و جزو این ملک را ما از سرحد مشخصه در کنار خارج نهاد

و چون بعضی زمینه در باب مذاکره کرده‌ایم در این صورت هرگاه آن دو حکم را در تحت موقع دخلی مذاکرات نمایم حالت صغیر و منحط در آن

میکند و باعث این میشود که اینجا هم دخلی از دولتی خارج نهاد بشود علیحده اعتبار کرده نباید نقاط بکیه و غربیه دخلی مذاکرات این مطلب شود جناب

جناب قلم الله و در این صورت که به بصیرت و دلیل که نکات مطلب است تفصیل مطلب را به حضور جناب مستطاب اشرف امجد ارفع اظهار کرده ام

در هر حال این روزها که سیونه قرار داده شده است در این باب تعلیق و اقدام که ذکر است بعضی امور جدیده و دیگر گفتگو است اراده شود هم عرض داده

تحریراً فی هشتم شهر محرم ۱۳۰۲

در حاشیه عرض میشود   در حکایه در خصوص صغیر و منحط و علامات و اقدامات که مرقوم نموده بودند لهذا از جانب سفارت کبری انگلیس

و بواسطه نوشته شده و با عریضه نمره ۳۰۴ و مدت از این صورت آن ملاحظه شد و در نقاط حضور جناب مستطاب اجل اشرف عالی ارسال گردید

در ملاحظه آن هم معلوم میشود که جناب مستطاب اجل اشرف عالی خواهش در مسئله صغیر و منحط و بکیه و غربیه تا به حال مرقوم است اقدام فرمایند عرض شد

تا حال

شمارهٔ سند: ۲۳۹
موضوع: اختلاف ایران و عثمانی در مالکیت اراضی کانی بز
تاریخ: ۱۸ محرم ۱۳۰٤ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۱

تفصیل حالت محل موسوم به دورهٔ نظرعلی بیگ یعنی یورت نظرعلی بک

جناب فخامت و نبالت نصاب آقای ناظم الملک به وزارت جلیلهٔ امور خارجه قلمی و نگاشته اند

دورهٔ نظرعلی بک مرتعی است از مراتع کرمانشاهان مخصوص به یک فرقه عشیرت سنجابی من عشایر کرمانشاهان تقریباً به فاصلهٔ سه فرسخ از قصرشیرین به سمت جنوب مغرب و از خانقین تقریباً دو فرسخ به سمت جنوب مشرق نزدیک به یسار رود الوند که از سر پل و قصرشیرین به خانقین می‌گذرد، واقع است.

چون من القدیم به قشلاق عشیرت سنجابی و به یورت نظرعلی بیگ نام سنجابی مخصوص بوده است بدین جهت به اسم او مسمی و به همان اسم معروف شده. چشمهٔ آب باریکی هم در آنجا هست که کانی بز گفته می شود.

تا اوایل سنهٔ یکهزار و دویست و نود هجری بنای فلاحت و زراعتی در آنجا نبوده و مثل سایر اراضی سرحدیهٔ کرمانشاهان که مخصوص قشلاق عشایر آنجا می باشد به همه جهت خالی از آبادی و تنها مرتعی بوده است از مراتع آنجا.

در ایام گردش وکلای دول اربعه در سرحد نیز فقط مرتعی و یورتی بوده است به اسم دورهٔ نظرعلی بیگ که در خریطه های رسمیه دولتین واسطه نیز به همین اسم در جزو مراتع عشایر کرمانشاهان ثبت و ترسیم شده است.

به قراری که از نوشتجات متبادلهٔ طرفین مفهوم می شود تقریباً در اوایل سنه نود هجری نسیم نام معلم یهودی که گویا در قرانتین خانقین خدمت مخصوص داشته است به مناسبت قرب و جوار و دسترس بودن محل مزبور به رودخانهٔ الوند بنای زراعت مختصری در آنجا گذاشته و سرحدداران علیهٔ ایران و حکومت کرمانشاهان آنقدر اعتنا و اهمیتی

برای آن قرار نداده‌اند که از اول مانع مداخلهٔ او بشوند. بعید نیست ابتدائاً به خود همان سنجابی‌ها چیزی هم به عنوان حق‌الارض می‌داده است که وسیلهٔ تطمیع آنها شده به مقام ممانعت برنیامده‌اند. مومی‌الیه چون منعی ندیده متدرجاً روز به روز به مداخله و تصرفات خود در آنجا افزوده بنای آبادی هم می‌گذارد.

عشیرت مزبوره ملتفت تزاید تصرفات او شده به مقام ممانعت شخصی می‌آیند، او مخلوع نشده لابد به حکمرانی کرمانشاهان که گویا ایام حکمرانی مرحوم حسام‌السلطنه بوده است اطلاع می‌دهند برحسب اشاره و اجازت حکمرانی عشیرت مزبوره خودشان بنا و آبادی و زراعت او را در محل مزبور تخریب و ابطال کرده کمافی‌السابق به حالت مرتعی اعاده می‌نمایند.

بعد از چندی که محاربهٔ روس و عثمانی شروع کرده و تأکیدات علیه همایونی روح‌العالمین فداه محض ملاحظهٔ حسن همجواری و لازمهٔ بی‌طرفی و رعایت مناسبات جامعهٔ اسلامیت. به عهدهٔ سرحدداران دولت علیهٔ شرف صدور می‌یافت که در سرحد امر تازه و اسباب اختلافی احداث نکنند. نسیم مزبور از یک طرف این گونه تأکیدات دولت علیه را در رعایت جانب عثمانیه. و از طرف دیگر تجدد حکمرانی کرمانشاهان را که از مرحوم حسام‌السلطنه اخذ و به دیگری محول شده بوده است. وسیلهٔ مغتنمه اتخاذ کرده مجدداً به مداخلهٔ آنجا آغاز و باز احداث بنا و زراعتی در آنجا می‌نماید.

و به قراری که از نوشتجات عثمانیه معلوم می‌شود، شاید برای اینکه پای ایالت بغداد را هم به میان آورده حامی خود قرار بدهد گویا محل مزبور را در جزو تاپو قلمداد و به نحوی که در خاک عثمانیه به عنوان تاپو متداول است از ایالت بغداد با امتنان کامل ایالت بوجه نازلی ابتیاع می‌نماید و قلعه[ای] هم در آنجا ساخته قراول عثمانی به آنجا می‌آورد که مستحفظ محل مزبور بشود.

پس از صدور این تفاصیل در اواخر سنهٔ ۱۲۹۸ اطلاعات سرحدیه به وزارت خارجه و کارپردازی بغداد مشعر بر کیفیت مسئله رسیده برای اینکه حتی‌الامکان هم حقوق مالکانهٔ دولت علیه در حق آنجا وقایهٔ و منظور شود و هم ابتدائاً امری پیشنهاد شود که مؤدی به بعض محظورات دولتی گردد. برحسب ارادهٔ علیهٔ همایونی خلدالله ملکه وسلطانه کارپردازی دولت علیه در بغداد و وزارت خارجه در طهران به ایالت بغداد و سفارت کبرای عثمانی شروع به مکاتبه کرده چندین مکاتیب به قرار تفصیل ذیل مابین

وزارت خارجه و سفارت کبرای عثمانیه مقیم طهران تعاطی و پروتستو شده و سواد آنها سوألاً و جواباً بتدریج به جناب معین‌الملک سفیرکبیر دولت علیه مقیم اسلامبول ارسال و به معزی‌الیه تعلیمات داده شد که تفصل را به باب‌عالی اظهار و احکام اکیده برای ابطال تصرفات نسیم مزبور و واگذار ساختن محل مزبور به دولت ایران و ارجاع آنجا به حالت استاتوقوی ایام گردش وکلای دول اربعه در سرحد اصدار و ارسال نماید.

از آن تاریخ به بعد نه فدوی، به علت غیاب خود از آستانهٔ علیه اطلاعاتی در این باب دارد و نه از دفتر وزارت خارجه چیزی دستگیر می‌شود که معلوم شود خاتمهٔ کار به کجا رسیده است و نسیم مزبور که چندی قبل ادعای افلاس می‌نموده است آنجا را به طلبکار خود داده، یا چطور شده است.

ولی حالا از بعض نوشتجات سرحدیه چنین مستفاد می‌شود که در این سالهای گذشته نیز عثمانیه مداخله در آنجا داشته و زراعتی می‌نموده‌اند. سهل است نسیم مزبور قلعه[ای] هم در آنجا ساخته و به ایالت بغداد واگذاشته. و اکنون به اسم خالصهٔ پادشاهی صدخانواری در آنجا اسکان و پنجاه نفر ضبطیه هم به عنوان مستحفظ در آنجا مقرر نموده‌اند و قریب به بذر پنجاه جفت زمین فاریاب و به قدر کفایت یکصد خانوار مرتع دارد. به اعتقاد فدوی محل مزبور قابل گنجایش این همه زراعت و مرتع نمی‌تواند شد، مگر اینکه علاوه بر اراضی دورهٔ نظرعلی بیگ از حوالی کانی بز و سایر قشلاقات عشایر کرمانشاهان نیز که در سمت جنوب آن تا چند فرسخ امتداد دارد ضمیمه کرده باشند.

مکاتبات وزارت امور خارجه:

به سفارت عثمانی مقیم طهران: مراسلهٔ ۲۳ رجب ۱۲۹۸ نمرهٔ ۵۴، یادداشت ۹ شوال ۹۸، مراسلهٔ ۸ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۸۷، مراسلهٔ ۲۱ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمره ۸۹.

به جناب معین‌الملک: تلغراف ۹شوال ۹۸، مراسلهٔ ۱۵ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۵۲، مراسلهٔ ۲۳ ذی‌قعدهٔ ۹۸

مراسله و تحریرات سفارت کبرای عثمانیه به وزارت امور خارجه: مراسلهٔ ۱۷ رجب ۹۸ نمرهٔ ۱۲۷، مورخهٔ ٤ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۱۷٤، مورخهٔ ۱۳ ذی‌قعدهٔ ۹۸ نمرهٔ ۱۸۱.

[illegible]

[illegible] ۱۸ محرم ۱۳۰۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس از مسئله در این تفاصیل در اواخر سنه ۱۲۹۸ اطلاعات مسموعه وزارت خارجه که از ایلچی فرانسه و شهر کیفیت مسموع رسید ایلچی انگلیس قنسول ایمکان هم
حقوق تکالیف دولت علیه در حق آنها و قانونیه منظور بوده هم ابتدا از این مسئله زده و بعضی تظلمات حالی کرده در حسب الامر مبارک
خلدالله ملکه و سلطانه که از طرف دولت علیه در قبله و وزارت خارجه در طهران با ایلچی فراده سفارت کبرای عثمانی شروع بمذاکره کرده
چندین مکاتبات بقرار تفصیل ذیل مابین دو وزارت خارجه و سفارت کبرای عثمانیه مقیم طهران تا حال در این خصوص رد و بدل شده و در اواخر کار قرار داده
بتدریج کتاب ... دولت علیه مقیم ... در ایل ... دلایل ... بعضی سوالات اظهار رد حکم اکید بر
ابطال تصرفات تسلیم نموده و اگر از بعضی ... دولت عثمانی ... اثبات ... کرده ... در به
در سنه ... در ایل ...

از آن تاریخ ... بلکه ... در آستانه علیه اطلاعات در جانب ... وزارت خارجه ... معلوم شود
... تسلیم نموده ... اثبات ... رحوه ... شده است

ولی ... از بعضی ... در این سالهای گذشته ... در آنجا ... نموده اند
... تسلیم ... در آنجا ... ایالت ... و اکنون ... در آنجا ...
... فارسی ... زمین ... زراعت ...
بعضی ... زراعت ... اراضی ... از ... کاند.
... ضمیمه کرده باشند

مکاتبات وزارت امور خارجه

سفارت عثمانی مقیم طهران		کتابچه ...	
مراسله ۲۲ رجب ۱۲۹۸ نمره ۵۳	... ۹ شوال ۹۸	... ۹ شوال ۹۸	مراسله ۱۵ ذیحجه ۹۸ نمره ۵۲
مراسله ۸ ذیقعده ۹۸ نمره ۸۷	مراسله ۱۶ ذیقعده ۹۸ نمره ۸۹	مراسله ۲۲ ذیقعده ۹۸	

مراسلات سفارت کبرای عثمانیه بوزارت امور خارجه

مراسله ۱۷ رجب ۹۸ نمره ۱۲۷	... ۲۴ ذیقعده ۹۸ نمره ۱۷۴	... ۱۳ ذیحجه ۹۸ نمره ۱۸۱

شمارهٔ سند: ۲٤۰
موضوع: تجاوز به اراضی صیفی و ملخطاوی ــ سیدحسن
تاریخ: ۱۲ شعبان ۱۳۰۵ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۵/ع

نمره: خصوصی ۳۹ عمومی ۷۹۸

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از قراری که به اطلاع ولایت جلیلهٔ بغداد رسیده است، حسین‌قلی خان والی پشت‌کوه رعایت به قاعدهٔ اسطاطوقو نکرده باز تجاوز به اراضی سیدحسن کرده است و زُرّاع فرستاده که آنجا را زراعت کنند و در این صورت یقین است، که مشیری اردوی ششم برحسب تکلیف ناچار است که در مقام منع و طرد حسین‌قلی خان و زارعین برآید و سفارت کبری چون اطلاع وزارت جلیلهٔ امور خارجه را از این فقره لازم می‌دانست در مقام ترقیم این مراسله برآمده این را هم ذیلاً اظهار می‌دارد، جای تأسف است که حسین‌قلی خان سالها است در آن حدود مرتکب این حرکات خودسرانه است و هنوز کارگزاران دولت علیهٔ ایران او را ممنوع نداشته‌اند، زیاد زحمت چه زحمت دهد. فی ۱۲ شعبان سنه ۱۳۰۵

با مهر ــ خلیل خالد سفیرکبیر عثمانی

[نوشتهٔ پشت نامه، دستخط ناصرالدین شاه:]

جواب بدهید حاکم آنجاها تازه رفته است و دستورالعملهای لازمهٔ در این موارد به او داده شده است و جواب را هم سربسته بنویسید تصریح نکنید که در باب اراضی نوشته کرده، و جوابش این است. به امین‌السلطان هم بگویید که رضایت می‌دهد آن نیز لازم است آماده باشد.

نمره ۷۹۰
مورخه ۲۶

جناب جلالتمآب اجل اکرم ... [illegible]

از قراریکه با اطلاع ... جمعیه ... رسیده که ... حقیقتی واما ... رعایت ... [illegible]

اسامی ... نمره باز ... [illegible]

نمره ۴۰

... و در این صورت ... [illegible] ... در اتفاق نشانه بود

حقیقتی و ... [illegible] ... لازم نقد

لازم میدانست در مقام ترمیم ... بر آمده ... [illegible]

جناب ... حقیقتی ... در آن ... [illegible]

اورا

خود ... است و هنوز ... [illegible]

۱۳۰

... [illegible] ... ۱۳۲

[illegible]

... [illegible] ...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲٤۱
موضوع: اراضی کانی بز (دورهٔ نظرعلی بیگ)
تاریخ: ۲٤ صفر ۱۳۰٦ هـ.ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

نمره: ۵

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

فدایت شوم، تلغرافهای متوالیهٔ بندگان جناب مستطاب اجل عالی در باب دورهٔ نظرعلی زیارت و جواب هر یک تلغرافاً و متدرجاً عرض شده است، در این خصوص بدون افاتهٔ وقت در باب‌عالی به اقدامات قویه پرداخته با صدراعظم و وزیر خارجه در مجالس متعدد مذاکرات لازمه نموده و می‌کنم. حسب‌الفرمایش به سفرای کبار دولتین واسطه مراجعت و تکلیف اتفاق با بنده و مداخلهٔ دوستانه در این کار نموده‌ام. سفیرکبیر انگلیس کمال همراهی را دارد، سفیرکبیر روس هم ظاهراً روی موافقت می‌نماید. قبل از زیارت فرمایشات تلغرافی بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تقریری به این مضمون به باب‌عالی نوشته بودم که (چون اراضی دورهٔ نظرعلی ملک طلق ما و در داخلهٔ خاک ایران است، مأمورین دولت عثمانی به هیچ‌وجه حق مداخله و صلاحیّت انشای ابنیه و غیره در آنجا ندارند. و با وجود اینکه تعلق آن اراضی به دولت علیه ایران مستغنی از تصریح و تحقیق است، مع‌هذا اگر اولیای دولت عثمانی حرفی و ایرادی در مقابل دارند، از آنجایی که حلّ و فصل مسائل سرحدیه و مشکلات حدودیّه از اول به معرفت وحکمیّت‌دولتین انگلیس و روس شده است این نیز باید به اطلاع آنها و در حضور مأمورین دول اربعه تسویه بشود نه اینکه مأمورین عثمانی خودسر بنای تجاوز و انشائات بگذارند. لهذا باید قومسیونی مرکب از مأمورین دول اربعه تشکیل یافته در اسلامبول و یا در همان محل متنازع‌فیه به تحقیق و تحدید این مسئله پردازد و اولیای دولتین علیتین نیز باید متقبل شوند که از قرارداد قومسیون مزبور تخلف ننموده آن را قرار قطعی قبول نمایند. ولی تا تشکیل قومسیون و تعیین قرار قطعی باب‌عالی باید امر تلغرافی بفرستد که مأمورین عثمانی از مداخله و تعرض به اراضی دورهٔ نظرعلی کف ید نموده آنجا را به حالت

ستاتوکو باقی بگذارند و الّا کارگزاران دولت علیهٔ ایران به هر نحو است مانع اقدامات تجاوزانهٔ مأمورین عثمانی خواهند شد و مسئولیت مشکلات و عوائل ناگواری که از این رو محتمل الوقوع است به عهدهٔ اولیای دولت عثمانی خواهد بود.) بعد از نوشتن این تقریر صدراعظم و وزیر امور خارجه را با ادلّه مُقنعه و بیانات مؤثره واداشتم امر تلغرافی مطلوب را فرستادند.

ولی بنده رشتهٔ مطلب را از دست نداده، اصرار در تشکیل قومسیون دارم. اولیای دولت عثمانی هم چند روز است در مجلس خاص وکلا و مجالس دیگر در این باب گفتگو می نمایند. امیدوارم انشاءالله تشکیل قومسیون مقرر گردد و در آن صورت هم محققاً اکثریت حقیّت ما را تصدیق خواهند نمود. نتیجهٔ مذاکرات ایشان و اقدامات بنده به هر چه منتهی شد معروض خواهد گردید. زیاده چه عرض شود. ۲٤ صفر المظفر ۱۳۰٦

[حاشیه:] جواب این کاغذ را باید فوراً تلگراف رمز کنید که اگر مسئله تشکیل قومسیون سر بگیرد.

مهر عبده محسن ابن کاظم

سفارت کبرای اعلیحضرت شاهنشاه ایران
در اسلامبول
شماره
۵

فدایت شوم   تلگراف مراسلهٔ بندگان جناب مستطاب اجل عالی در باب مسئله نظرعلی سفارت و جواب مرسله
ملفوفه رجاء عرض میشود   در این خصوص هر قدر اظهار دقت در باب اقدامات قویه بر وجه با صدراعظم و دولت خارجه
در مجالس متعدده مذاکرات لازمه نموده و مینمایم   حسب الفرمایش سفرای کبار دولتین واسطه مراجعت و تکلیف شوق
باینده و اخطاره دوستانه در اینکار نموده‌ام سفیر کبیر انگلیس خیال مساعدت را دارد و سفیر کبیر روس هم اظهار آزادی
موافقت مینماید   قبل از زیارت فرمایشات مرقومه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تلگرافی
همین مضمون را بجانب عالی نوشته بودم   چون از اینجا نظرعلی ملک ما در داخله خاک ایران است مأمورین
دولت عثمانی بهیچ‌وجه حق مداخله و مساعدت با اشرار نداشته و در اینجا هم اظهار نمودند با وجود اینکه حقیقت آن از رجال تصدیق شده
مستغنی از تصریح و تحقیق است معهذا اگر اولیای دولت عثمانی حرفی داشته باشند در مقام جواب برآیند از اینجا که
حدود مسائل سرحدیه و مشکلات محدوده از این معرفت و حکمت دولتین انگلیس و روس است این امر
هم با اطلاع آنها و در حضور مأمورین دولتین تسویه بشود نه اینکه مأمورین عثمانی خودسر بنای تجاوز گذارند
لهذا از قونسول ماموریت را به تنگی انداخته و در سلماس و ارومیه ما در همان حالت تحقیق کرده
این مسئله برود و داد دولتین دولتین قرار قونسولی قرار کنند آن قرار
قطعی قبول نمایند   ولی تا تکلیف قونسولی بقرار قطعی نوشته مأمورین عثمانی از مداخله
در نظرعلی منصرف نموده انجام ساختن بگذارند   و الا کار از دست رفته است
مانع اقدامات تجاوزانه مأمورین عثمانی خواهد بود   و مسئولیت مشکلات و عواقب کار را باید متوجه
معهود اولیای دولت عثمانی خواهد)   بعد از روشنی این تقریر جواب وزیر امور خارجه را بالفعل

در جواب مراسله مورخه دادم اظهارات مطلوب را فرستادند و ما بنده به تشکیل شعب را از وزارت خارجه جهت تشکیل

کمیسیون وارد، اولیای دولت عثمانی هم چند روز است در مجلس خاص دیگر و مجلس کبیر در اینجا کمیسیون مخصوص به ولایات

انشاءالله تشکیل کمیسیون منظور بشود و در آن صورت هم معلوم است جهت ما را اطلاع خواهند داد نتیجه مذاکرات آن را

واقعات بعد به هر چه منتهی شد معروض خواهد گردید الامر مطاع ۲۳ صفر ۱۳۰۶

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲٤۲
موضوع: ادعای عثمانیها در مورد اراضی صیفی و ملخطاوی
تاریخ: ٤ شعبان ۱۳۰۷ هـ.ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تصدقت شوم، عثمانی‌ها همیشه ادّعا نموده‌اند که اراضی صیفی و ملخطاوی از اراضی متنازع‌فیها و تحت استاتوسکو است. و مدعی اند که باید تا تحدید حدود، لم‌یزرع و مسکوت‌عنه بماند و این مسئله از قدیم‌الایام مابین وزارت جلیلهٔ خارجه و وکلای عثمانی محل گفتگو بوده است که خاطر مبارک عالی البته از تفصیل آن اطلاع کامل دارند. سنوات ماضیه گاهی عمدة‌الامراء العظام حسین‌قلی‌خان والی پشت‌کوه در این اراضی زراعت می‌نمود و والی بغداد به باب‌عالی اطلاع می‌داد و به حکم باب‌عالی جمعی سوار فرستاده زراعت آنجا را آتش می‌زدند. فدوی هم چون از مخابرهٔ والی بغداد با باب‌عالی و نیّت آنها اطلاع داشت مراتب را در موقع به عرض ملازمان وزارت جلیله می‌رسانید، از جانب وزارت جلیله هم به توسط سفارت کبرای مقیم اسلامبول با باب‌عالی مخابرات لازمه می‌شد، چند سال بود که والی پشتکوه در این اراضی زراعت نمی‌کرد. امسال از قراری که خبر رسید زراعت زیادی کرده است، فدوی احتمال قوی می‌دهد که باز ایالت بغداد مراتب را به باب‌عالی اطلاع بدهد و یک دو ماه دیگر که وقت حصاد* است سوار برای آتش‌زدن زراعت آنجا بفرستد و آتش بزنند. لازم دانست قبل از وقت مراتب را به عرض حضور مبارک عالی برساند که تا وقت و مجال هست به هر قسم که رأی صواب‌نمای مبارک عالی اقتضا فرماید امر و مقرر فرمایند جناب غفران‌مآب مرحوم مغفور میرزا سعیدخان وزیر طاب‌ثراه و رحمة‌الله علیه اراضی صیفی و ملخطاوی را ملک طلق بلامنازع دولت قوی‌شوکت علیه می‌دانستند و تنها اراضی غربیه و

* به معنی درون کردن، و نیز به معنی هنگام درو.

باغسائی را متنازع‌فیها و تحت استاتوسکو محسوب می‌فرمودند. ولی عثمانی ها بعکس اراضی غربیه و باغسائی را ملک طلق خودشان و اراضی صیفی و ملخطاوی را متنازع‌فیها ادّعا می‌کنند. البته خاطر مبارک عالی از تفصیل مخابرات جاریهٔ سابقه در باب اراضی اربعه به اطرافها قرین استحضار است.

در باب زراعت امسالهٔ والی پشتکوه در این اراضی صیفی و ملخطاوی هر طور صلاح دانند امر و مقرر خواهند فرمود. محض 'ستحضار خاطر مبارک جسارت به عرض نمود. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع. معروضه چهارم شهر شعبان‌المعظم ۱۳۰۷

با مهر محمود

قربانت شوم

عثمانیها چه ادعا نموده‌اند و در این [illegible]

[illegible] و سکوت [illegible] و این مسئله [illegible]

[illegible] عرض کرده بود [illegible] خاطر مبارک [illegible] البته از تفصیل آن اطلاع دارند [illegible]

حسینقلی خان والی پشتکوه در این [illegible] رعیت [illegible] والی بغداد با بابعالی اطلاع [illegible]

[illegible] رعیت آنها آتش [illegible] والی بغداد با بابعالی [illegible]

اطلاع داده است [illegible] به عرض [illegible] برسانید از جانب وزارت جلیله

[illegible] سفارت کبری مقیم [illegible] با بابعالی [illegible] لازم [illegible] والی پشتکوه

در این [illegible] رعیت [illegible] خبر رسید [illegible] کرده است [illegible]

[illegible] والی بغداد [illegible] بابعالی اطلاع [illegible]

[illegible] آتش زدن [illegible] رعیت آنها [illegible] آتش زنند لازم است [illegible]

مراتب را بعرض حضور مبارک [illegible]

مبارک [illegible] امر مقرر فرمایند جناب [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۳

موضوع: اراضی کانی بز

تاریخ: ۲۱ جمادی الاخر ۱۳۰۸ هـ.ق

کارتن: ۲۱

پرونده: ۵/ح

نمرهٔ عمومی ۲۱۷۸ نمرهٔ خصوصی ۸

نامهٔ سفارت کبرای عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از مضمون مراسلهٔ جوابیه آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۰ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۸ نمرهٔ ۳ در باب کانی بز دوستدار را اطلاع حاصل آمده با کمال احترام زحمت افزا می شود، که محل مزبور از اراضی داخلهٔ خانقین و از املاک میریّه می باشد. چنانچه در دفاتر خاقانی مسطور و ضبط است و مدتی در اجارهٔ مُعلم نسیم یهودی بوده و هرگز مورد نزاع نشده. والّا در سال اوّل انعقاد مقاوله‌نامه به جهت نگذشتن عشایر طرفین به خاک یکدیگر چرا این حرف گفته نشد و حال آنکه برای عشیرت سنجابی امنای عظام دولت علیهٔ ایران از وکلای فخام دولت علیهٔ عثمانیه مُهلت خواسته گفتند که چون هنوز دولت علیهٔ ایران مرتعی مخصوص سنجابی تدارک نکرده، اگر امسال موافق مقاولهٔ منعقده ممنوع شوند نفوس و حیوانات آنها تلف خواهد شد و دولت علیهٔ متبوعهٔ دوستدار هم بنا به مسلک مسالمت و موافقتی که همواره با دولتی دوست هم دین همجوار اتخاذ کرده آن سال را مساعده نمود.

و در این صورت کانی بز از املاک مختصّه بلانزاع دولت علیهٔ عثمانیه است و اگر از جانب مأمورین کرمانشاهان به آنجا حرکتی سربزند کارکنان ولایت بغداد آن را تجاوز علنی دانسته و برحسب تکلیف همان‌طور که در مراسلهٔ سفارت کبرای مورخهٔ ۱۶ جمادی الاخر ۱۳۰۸ نمرهٔ ٦ مذکور است در مقام ممانعت و مدافعه خواهند برآمد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۲۱ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۸

مهر خلیل خالد، سفیرکبیر عثمانی در طهران

[حاشیه]: جواب نوشته شد

۴۶ [illegible]
۲۱۲۸
[illegible]
۸

جناب جلالت‌مآب [illegible] دولت [illegible] رئیس [illegible] [illegible]

[illegible] مورخه [illegible] ۱۳۰۸ [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

در جواب تعلیقه [illegible] مورخه ۱۶ [illegible] ۱۳۰۸ [illegible] ۱۳۰۸

[illegible] ۱۲ [illegible]

شمارهٔ سند: ٢٤٤
موضوع: اراضی دورهٔ نظرعلی بیک
تاریخ: ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

مراسلهٔ جوابیه وزارت خارجه به سفارت عثمانی

در جواب مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۱ شهر جمادی‌الآخره ۱۳۰۸ نمرهٔ ۸ با کمال احترام زحمت‌افزا می‌شود که چنانکه در ضمن مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ بیستم جمادی‌الآخره ۱۳۰۸ نمرهٔ ۳ اظهار شد، هرگاه مقصود از کانی بز دورهٔ نظرعلی بیک است آن محل از املاک صحیحهٔ قدیمهٔ دولت علیهٔ ایران است و تسمیهٔ آن به دورهٔ نظرعلی بیک که اسم یکی از کدخدایان طوایف سنجابی و از قبیل تسمیهٔ محل به اسم حال است دلالت می‌کند که آنجا از مراتع طایفهٔ سنجابی و خاک کرمانشاهان می باشد و اینکه آن جناب مرقوم داشته‌اند که در اجارهٔ معلم نسیم یهودی بوده و هرگز محل مزبور مورد نزاع نشده، اگر به مراسلاتی که در این باب از وزارت امور خارجه به سفارت کبرای آن دولت علیه نگاشته شده، رجوع فرمایند و همچنین از مکاتبات فی‌مابین سفارت کبرای این دولت علیه و باب‌عالی و کار پرداز بغداد و ایالت آنجا تحصیل مزید اطلاع نمایند، تصدیق خواهند فرمود که این مطلب امر مستحدثی نیست که تازه به میان آمده باشد هر وقت از طرف مأمورین سرحدّیه آن دولت اقدام به آبادی و زراعتی در آنجا شده چون برخلاف قواعد اسطاطوقو بوده از این طرف حقّاً ممانعت شده حتی اوقاتی هم که نسیم یهودی به حیله بنای قشله در آنجا گذاشته بود از طرف ایالت کرمانشاهان در صدد منع و خرابی آن برآمده‌اند و بعد از این هم هر اقدامی از آن طرف بشود، از جانب کارگزاران سرحدّیهٔ ایران معذوراً ممانعت خواهد شد.

این هم که مرقوم داشته‌اند (در سال اول انعقاد مقاوله‌نامه چرا این حرف گفته نشد و حال آنکه برای عشیرت سنجابی اولیای دولت علیه از وکلای آن دولت علیه مهلت خواستند که چون هنوز دولت ایران مرتعی مخصوص برای سنجابی تدارک نکرده، اگر ممنوع شوند نفوس و حیوانات آنها تلف می‌شود) اگر تمام این فقرات را مسلّم هم بدانیم

دلیل نمی تواند شد که دورهٔ نظرعلی بیک خاک کرمانشاهان نباشد و نگفتن این حرف که دورهٔ مزبور مرتع سنجابی است با اینکه هیچ لزومی هم نداشت خللی متعلق ملک آنجا*

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

جناب وزیرخارجه؛ در این فقره در جواب آخر هرچه مختصر نوشته بشود بهتر است و این طور به نظر آمد بنویسند.

کاغذ مورخهٔ فلان شما در جواب ما در فقرهٔ کانی بز که اسم گذاشته اید و ما دورهٔ نظرعلی بیک می دانیم رسید. همین قدر می نویسیم که این حرف و سؤال و جواب چیز تازه نیست که حالا محتاج به این قدر سؤال و جواب مابین وزارت خارجه و سفارت کبرای شما باشد.

همان قدر که رجوع به دفاتر سفارت بکنید خواهید دانست که این مسئله از چندی قبل مطرح گفتگوی طرفین بوده است، حتی در میانه سفرای این دولت مقیم اسلامبول با باب عالی به دفعات سؤال و جواب و گفتگو شده است. و حالا هم همان است که مکرر به آن جناب در جواب مراسلات در این فقره نوشته شده است بازهم هر قدر شما در این فقره بنویسید و ایراد نمایید ما همان جوابها را تکرار خواهیم کرد.

* انتهای سند اصلی چند خط افتاده و ناقص است.

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۵
موضوع: اراضی کانی بـز (دورهٔ نظرعلی بیگ)
تاریخ: جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۹

نامهٔ ناظم‌الدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی به وزارت خارجه

هو

قربانت شوم، در بـاب دورهٔ نظرعلی این بـنده در مذاکره و گـفتگو بود و هیچ گونه جواب شافی نـمـی دادند در خیال بـودم کـه عریضه به حضـور اعلی‌حضرت سلطان نوشتـه انجام این فقـره را استدعا نمـایم درین بین تـلغراف حضرت‌عالـی رسید مرقوم فرموده بودند که با جناب خالدبیگ سفیر عثمانی قرارداده‌بوده‌اند که حقیّت طرفین برگردد و انجام این فقره بسته به تشکیل کومسیون بـاشد. بـعد سفیر مشارالیـه به موجب تلغراف بـاب‌عالی از قول خود نکول کرده نوشته است که تشکیل کومسیون جایز نیست درین باب حسب‌الامر مقرر شده بود که مراتب را با سفرای دول واسطه گفتگو کرده قرار اجرای قرارداد سفیر عثمانی را بدهنـد. لهذا این بـنده یادداشـتی در زبان فـرانسه نوشته و تفصیل مـذاکرات اینـجا و طهران را مـندرج کـرده به سـفرای دول واسطه و صـدراعظم دادم و اظـهار کـرده، اگـرچه موافق دستـورالـعمل خودم بایـد مراتب را به اتفـاق دول واسطه به شما اظـهار نمایم، لـکن چون دوست می‌دارم اختلافات طرفین بی‌مداخلهٔ غیر تمام شود این است بعد از مذاکرات زیاد با وزارت خارجه حالا مطلـب را به جناب اشرف شما می‌گویم، اگر صدارت عظمی هم قـراری نداد تـفصیل را بـه اعلـی‌حضـرت سلطـان عرض خواهـم نمـود. بعد تـکلـیف علی‌حده خواهـد شد. صدراعظم سه روز مـهلت خواستـه وعدهٔ صریح داد که معجلاً قرار انجام این فقـره را بدهد سفرای دول واسطه هم این سبـک و سیاق را صواب دیده تصدیق نـمودند و منتظر بـودند اگر به وسایل مزبـوره فوق نیل مقصود حاصـل نشود رسماً مداخله در مذاکرات کرده قرار تشکیل کومسیون را بدهند، آن بود تلغراف موکّد به خالدبیگ کرده از صحـت قرارداد سؤال کردند، آیا راست است با اولیای دولت عـلیهٔ ایران قرار داده است

که در باب دورهٔ نظرعلی که آنها کانی بز می‌گویند، کومسیون تشکیل بشود یا نه. و در این فقره قرارداد خالدبیگ اعلی حضرت سلطان و باب‌عالی در اعلی درجه متغیّر بودند، کار به اینجا رسیده بود حسب‌الامر تلغرافی مقرر شد که بنده درین مسئله سکوت نماید. بلکه خالدبیگ آنجا قراری بدهد. دو روز بعد از سفیر عثمانی تلغراف رسید که این فقره را ذات مقدس ملوکانهٔ خودشان تمام کردند. از این تلغراف حضرات بسیار مشعوف شدند. مخصوصاً جناب سعیدپاشا وزیر امور خارجه اظهار خوشوقتی می‌کرد، دیگر نمی‌دانم چگونه و چه قسم تمام شده همین قدر عرض می‌نماید که کار به جای خوب رسیده بود و حکماً یک طرفی می‌شد، اگر خالدبیک جواب طفره‌آمیز داده و نوشتجات رسمی خود را پس گرفته، دیگر انجام این فقره از محالات است. عثمانی‌ها محال است اعتراف به متنازع‌فیه بودن دورهٔ نظرعلی بکنند و قراری در این باب بدهند، حتی اگر مقتضی باشد با قوهٔ جبریه حرف خودشان را از پیش خواهند برد، آنچه مذاکرات آتیه در این باب اسباب برودت، بلکه باعث ظهور خصومت خواهد شد. آنچه اطلاع حاصل کرده بود به عرض رساند. زیاده عرضی ندارد. شهر جمادی‌الاولی ۱۳۰۹

مهر ناظم‌الدوله

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

هم به ناظم‌الدوله بنویسید که در طهران هیچ قراری با سفیرکبیر در این خصوص داده نشده است بغیر از همان نوشتجاتی که ردّ و بدل شد و بالاخره سفیرکبیر قبول کرد که در فقره دورهٔ نظرعلی تحقیق بشود و از طرفین کمسیون برود به همین حالت باقی مانده است.

درباب شم ... درباب ورود نظر ... درباره ... حکومت [illegible]

نمره ۱۹

سفیر [illegible] در خیال ... عریضه که حضور اعلیحضرت سلطان نوشته امام جمعه را ... دارد در این باب
حضرت عالی رسید مرقوم فرموده بودند و جواب ... سفیر عثمانی قرار داده بودند حقیقت مطلب این که
دولت علیه ... تشکیل کمیسیون ... سفیر ... تعریف ... ولی در قول خود
کمال ... نوشته است که تشکیل کمیسیون ضرور نیست در این باب حسب الامر ... شود
وزارت را ... کرده قرار ... قرار داده سفیر عثمانی را ... لهذا این
اداره ... فرانسه نوشته ... مذاکرات ... صریح که ... دولتی
دولت و صدراعظم دارم ... [illegible] ... دولت
... [illegible] ... خدمت ... غیرت ... است
مذاکرات زیاد ... وزارت خارجه ... مطلب ... می‌کنم
اگر صدارت عظمی هم قراری ... اعلیحضرت سلطان ... خواهم نمود ... تعقیب
... صدراعظم ... جواب صریح داده ... قرار امام جمعه را
... دولت هم این ... تصدیق نخواهد ... منظور
بود اگر ... فرق ... مقصود حاصل ... مذاکرات که قرار
تشکیل کمیسیون ... آن ... گذاشته ... [illegible]

آیا راست است اولیای دولت علیه در این قرارداده است که در باب خود نظام
که آنها کانی نیز می‌گرفته کرسیول تکفیر نبود باید و در این بعضی قرارداد خالد بیک عصمت
سلطان را بالای درایع درجه تغییر بدهد کار را به جایی رسید که حسب الامر تغیرات که فرموده
و بعد در همیشه سکوت نماید بلکه خالد بیک اقراری ... و روز بعد از تغییر عثمانی
ملتزم ... رسید و بعضی را دادات ... ملوکانه خوش تمام کنند و از این تغییرات خیرات
باید مشعوف شدند مخصوصاً جناب سعید پاشا وزیر امور خارجه اظهار خوشوقتی می‌کرد
دیگر نمی‌دانم چگونه و چه قسم تمام شد همینقدر مسموع شد که کارها خوب رسیده بود و حالا
مستحضر نمی‌شود اگر خالد بیک جواب ظفرآمیز داده و کارش ... خواهد گرفته
دیگر اما بعضی در محل دست است عثمانیها محال است اعتراف بشود ...
دوره لطف ... کننده و قراری در این باب ... حتی ... بعضی باشد ...
خوشی را از دست خواهد داد ... اگر ... در این باب اسباب بدوت بلکه
... ظهور حضرت ... اگر اطلاع حاصل کرده بود ...

... بر ... هر حال ... ۱۳۰۹

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲٤٦
موضوع: تعلق اراضی سیدحسن از محال صیفی و ملخطاوی به عثمانی
تاریخ: ۸ شوال ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ۵/ح

نمرهٔ عمومی ۱۲۲ نمرهٔ خصوصی ۳۷

نامهٔ سفارت کبرای عثمانی به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

با اینکه در دفتر سفارت کبرا رسایل عدیده متضمن دلایل متقنه بر اینکه اراضی سیدحسن از املاک صحیحهٔ متصرفهٔ دولت علیهٔ عثمانی می باشد موجود است، دوستدار مضمون مراسلهٔ محترمه جناب مستطاب اشرف عالی مورخهٔ ۱۱ شعبان ۱۳۱۳ نمرهٔ ۱۳۱ را به ولایت جلیلهٔ بغداد نوشته ولایت مشارالیها هم تکرار می‌کند که من القدیم اراضی مزبوره در داخله و از املاک مختصّهٔ دولت علیه بوده و حالا هم هست و همه وقت هم بعضی خواسته‌اند تجاوز نمایند. مأمورین عثمانیه آنها را منع کرده‌اند و از رجوع به اوراق موجوده در این خصوص کشف مطلب محقق و مثبت است. همواره احترامات فایقه دوستدار را جناب مستطاب اشرف ارفع عالی در حق خود برقرار و استوار دانند. فی ۸ شهر شوال ۱۳۱۳

دو مراسلهٔ سفیرعثمانی است از عرض خاکپای اقدس همایونی خواهد گذشت.

[دستخط ناصرالدین شاه در پشت پاکت نامه:]

هو

این همان مطالب قدیم است در باب اراضی صیفی و ملخطاوی می نویسند که از اراضی صحیحهٔ سنیهٔ دولت ایران است و مکرّر هم در این باب سابق اظهار کردند و جواب آن داده شده است که ابداً ربط به دولت عثمانی ندارد حالا هم از روی همان کاغذها که سابق جواب داده شده است، جواب این مراسله را هم بدهید و صریحاً رد کنید.

دولت علیهٔ عثمانیه

نمرهٔ عمومی
۱۲۲

نمرهٔ خصوصی
۳۷

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۱ [illegible] ۱۱ [illegible] ۱۳۱۳۵ [illegible]

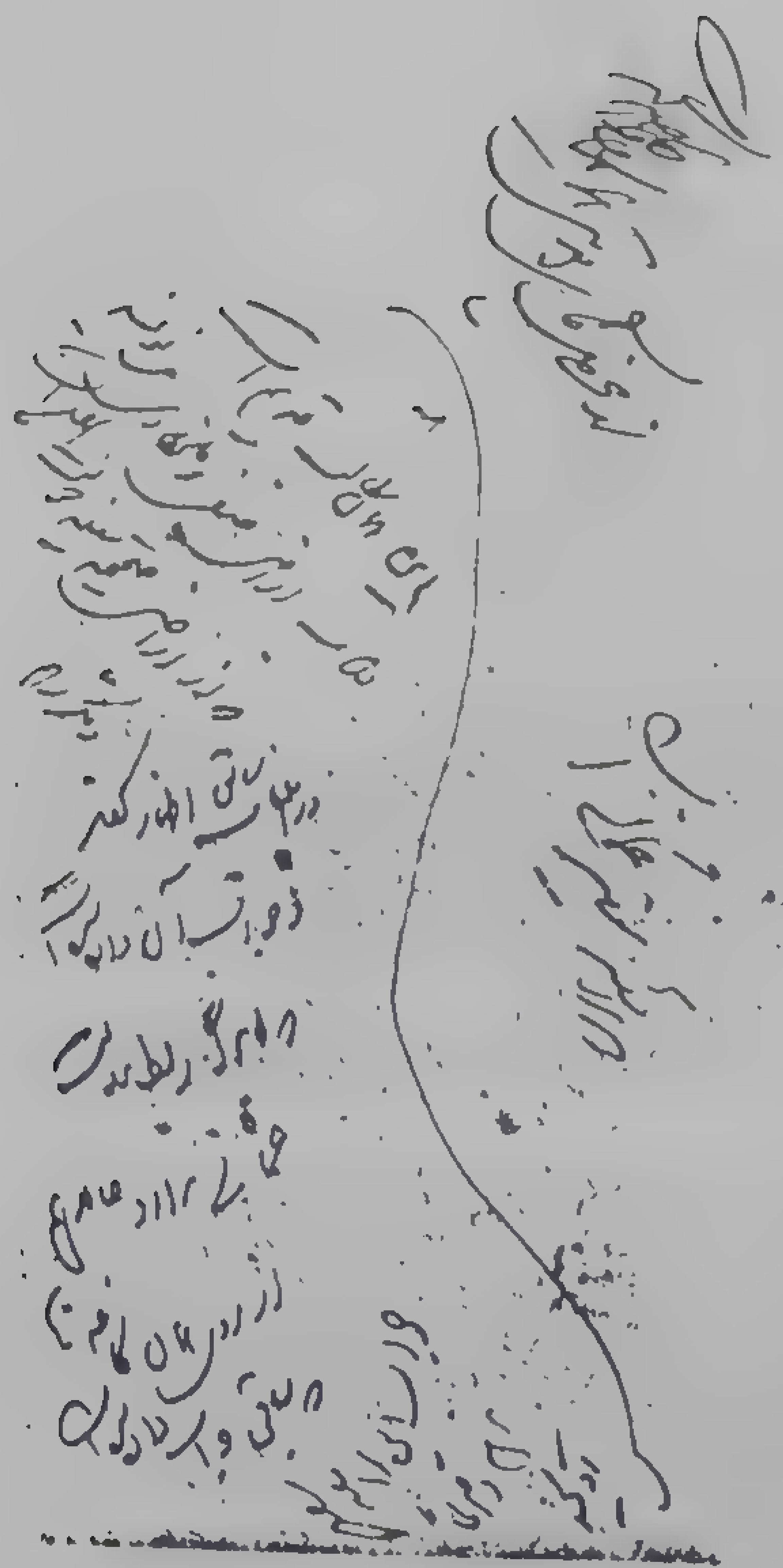
[illegible]

[illegible]

۱۳۱۳ [illegible]

[illegible] 2 [illegible]

[illegible]



Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش سوّم

اسناد سرحدی خوزستان

شمارهٔ سند: ۲۴۷
موضوع: تخریب استحکامات جزیره الخضر
تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم [میرزاآقاخان]

هو

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

به مسئلهٔ تخریب استحکامات جزیرهٔ الخضر و جزیرهٔ المحله الان آن جناب اشرف امجد قراری ندادند دوستدار هر دقیقه منتظر اجوبهٔ صریحه مسئلهٔ مذکوره است، البته آن جناب اشرف امجد زحمت کشیده درین خصوص نیت دولت خود را بیان خواهند فرمود، چون دوستدار امور مأمورهٔ خودش را به عمل آورده و از مسئولیت رها شده منتظر جواب سریع آن می باشد. ۳ ربیع الاول ۱۲۷۳

محل مهر: السیدحیدر

جناب اشرف اکرم ارفع عالی آقای سپهسالار معظم

بسته محترمات التفات جریده الحضر و جریده المجله الهلال ارسال فرموده بودند

و آوازه ... در سته هر دقیقه منتظر اخبار به صرحه نشسته گردیده است

الله الحمد اخبار اشرف اقدس زحمت کشیده در خصوص ... خود نوشته بودید

خواهند فرمود چون در آن اخبار تازه خوش را ببینم

آرزو دارم ... مظفر ... ان شاء الله ...

۲۳ ... ۱۳۲۰

شمارهٔ سند: ۲٤۸
موضوع: تخریب استحکامات جزیرهٔ الخضر
تاریخ: ۹ ربیع الاول ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم [میرزا آقاخان]

هو

جناب اشرف امجد ارفع محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

در باب تخریب استحکامات جزیرهٔ الخضر و جزیرهٔ المحمره و مصالح سایرهٔ رقعه که دوستدار نوشته به خدمت آن جناب اشرف امجد فرستاده بود در جوابش فرموده بودند که با جواب قطعی آخری مقرب‌الحضرت العلیه میرزاعباس‌خان را پس‌فردا به سفارت سنیه فرستاده مصالح مذکوره را می‌گذرانند تا حال نه جواب و نه خان مومی الیه آمده است، دوستدار که معطل است درین خصوص بسیار عجله دارد چون که سر وعدهٔ آن جناب گذشته است الان جواب رسمی و قطعی نرسیده است که دوستدار چاپاری بفرستد البته آن جناب زحمت کشیده به تسویهٔ مصالح مذکوره همّت بفرمایند چون لازم بود، تصدیع نمود. حرر فی ۹ شهر ربیع الاول ۱۲۷۳

محل مهر: السید حیدر

هو

جناب اشرف امجد ارفع عالی ... مستظهر را ... معطل

در باب تحریکات خارجه که خبر داده بودید البته ...

سابق رقعه که درست از زبان ... اتابک اعظم ... داده بود

در جواب فرموده بودید که جواب قطعی ... اکبر ...

هر روز این کار را ... فردا ... نداده ... گردیده

میگویند ... جواب ... داده است

درست ... که معطل است در تخفیف ... دارد ...

هر روز ... جواب ... قطعی

... است که درست ... البته ...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۴۹
موضوع: منع سیر سفاین جنگی در شط العرب
تاریخ: ۱۵ جمادی الاخر ۱۲۷۳ هـ.ق
کارتن: ۸
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به صدراعظم [میرزاآقاخان]

هو

جناب امجد ارفع اشرف محبان استظهارا مشفقا مکرما معظما

کاغذی که حاوی به منع گشت وگذار سفاین حربیه و غیرحربیه در شط العرب نوشته بودند رسید. چون محمره و جزیرة الخضر و جزیرة المحله در نظر معالی منظر سلطنت سنیه زیاد از محالات معتنابه می باشد از این جهت منع آمد شد سُفن مختلفه هم به جهت منافع و حقوق دولت علیه عثمانیه و هم برای تجارت موجب عُسرت است. بناء علیه دولت ایرانیه محال مذکوره را نبایست مثل جاهای دیگر نظر نموده قیام به حرب و تسلط و استحکام بکنند اگرچه آن جناب امجد اشرف این خصوص را شفاهاً به دوستدار وعد فرموده بودند ولی چون مصلحت اهم مهم و واجب الاعتنا است از این جهت وعد مذکور را تجدید و تحریر بفرمایند چون بیان این مطلب بادی تأمینات احترامات آن جناب امجد اشرف بود زحمت داد. حرر فی ۱۵ شهر جمادی الاخری ۱۲۷۳

محل مهر: السید حیدر

جناب اجل ارفع اشرف امجد ... سفارت ...

کاغذی که در ماده ... و گذار سفاین حربیه و غیرحربیه در شط العرب نوشته بودید رسید چون محمره

و جزیرهٔ خضر و جزیرهٔ محمره در نظر معالی منظر سلطنت سنیه زیاده از حد لازم معین نشده

از اینجهت منع آمد و شد کشتیهای مختلفه ام تجاریه ساخته و حقوق دولت علیه عثمانیه و اهم برای تجارت

موجب غدر است بنا بر علیه دولت ایرانیه محال مذکوره سوای ... کشتیهای جاهای

دیگر نظر نموده قیام بجرت و تسلط و استحکام کنند اگرچه آنجناب اجل اشرف تحریص ...

شفاها بدرستداری وعده فرموده بودند ولی چون مصلحت اهم مهم و واجب الابلاغ است

از این جهت وعده مذکوره را تجدید و تحریر نمایید چون بیان این مطلب لازم بود

تأمینات احترامات آنجناب اجل اشرف تجدید زحمت داد مورخه ۱۵ شهر جمادی الاول ۱۲۶۳

شمارهٔ سند: ۲۵۰

موضوع: تخلیهٔ جزیرهٔ محله

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۷۳ هـ.ق)

کارتن: ۸

پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیر خارجه (میرزا علی‌خان) به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای همایونت گردم، از خاکپای مبارک که مرخصی حاصل کرد وزرای مختار دو طغرا کاغذ مثل هم به فدوی جان‌نثار در باب جزیرهٔ محله نوشته‌اند یک نسخه از آن را فرستاد که از لحاظ اقدس بگذرد دولت عثمانی چشم این را دارد که جزیرهٔ محله را صاحب شود اما برای دولت علیه ضرر کلی دارد و انشاءالله مثل سابق در تصرف اولیای این دولت خواهد بود و به همین طور که نوشته‌ایم جزیره محله به حالت امروزه بماند باید جواب به وزرای مختار نوشت نه اینکه از قشون و حاکم امروزه تخلیه شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

هرگز حکم به تخلیهٔ جزیرهٔ محله نخواهیم فرمود، زیرا که آن خاک را ملک طلق می دانیم. البته همین‌طور جواب بنویس.

[illegible]

و آن خاک پای روش کهنه. در جنگ با ... بحرین حاضر بود

[illegible]

وزرای مختار دول خارجه هم نشسته بعد و جای شاه در باب جزیره

نوشته اند که نسخه ایرانی ... از قرار ... عثمانی

خصم این ها دارند که جزیره ... را صاحب شوند اما کمتر ... علیه

ضرر کلی دارد و ... در تصرف ... خواهد بود

و ... جزیره ... امروز ... هم حوا ...

هر آنکه ... امروز ... انشاءالله ...

شمارهٔ سند: ۲۵۱
موضوع: دستگیری و تبعید یکی از مشایخ عشیره البومحمد
تاریخ: ۲۵ ذی‌حجه ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

برادر فیصل منشد نام شخصی که از مشایخ عشیرهٔ البومحمد است و در قائم‌مقامی عماره سکنی داشت چندین سال است که لوای عصیان برافراشته به طرف حویزه گذشته و به هر سال هنگام طغیان نهر دجله بعضی اشرار مسلح از اهالی حویزه بر سر خود جمع کرده در داخلهٔ قائم‌مقامی مذکور مشغول اخلال آسایش حال اهالی آنجا می‌باشد چنان که امسال هم از سوارهٔ اشرار عشایر حویزه جمعیت فراهم آورده به حورهائی که در داخلهٔ قائم مقامی مذکور است آمده و شیخ معزول محل مذکور را هم جلب نموده و با خود همدست و متفق ساخته به تعدی اهالی که در تحت اطاعت دولت متبوعهٔ خودشان هستند برآمده با فساد بلده جسارت می‌نمود. لهذا جناب جلالت‌مآب مشیر اردوی ششم و والی بغداد عسکر بر سر آنها سوق نموده اگرچه جمعیت آنها را متفرق کرده‌اند ولی باز به حویزه رفته‌اند چون از خیلی وقت تا به حال با اقوام و اقارب خودش فراراً به حویزه رفته و حاکم حویزه او را التفات و محبت نموده حتی به جهت زراعت و فلاحت جا هم به او داده است و هر یک چندی اقوام و اقارب خود را در آنجا گذاشته خودش با جمعی از اشرار عشایر حویزه در داخلهٔ خاک دولت علیه به اخلال آسایش مردم و فتنه و فساد و دزدی و راهزنی مشغول می‌شود همین که جمعیتی به اخذ و تنبیه او مأمور می‌گردد باز به حویزه می‌رود و الان هم در حویزه می‌باشد هر وقت از جانب جناب پاشای معزی‌الیه او را مطالبه می‌کنند جواب می‌دهند که در حورهای خاک دولت علیه فراری و متواری است و حال اینکه بودن او در حویزه به درجهٔ ثبوت رسیده است و چون شیخ مرقوم از قبیل مقصرین و فراریان است و موافق مدلول عهدنامهٔ مبارکه این گونه اشخاص را که همیشه مصدر هرزگی و افساد هستند می‌باید مأمورین آن دولت گرفته به

مأمورین دولت علیه تسلیم نمایند و در صورتی که واقعاً پنهان باشد و به دست نیاید. مثل اینکه دولت علیه اشخاصی را که دولت ایران سوء ظن دربارهٔ آنها داشت محض اتحاد دولتین علیتین و جهت جامعهٔ اسلامیه و حسن همجواری از حدود تبعید نموده به طرف بلاد دوردست مثل شام و مصر و بورسا روانه داشت خواهش دارد که دولت ایران هم مفسد و شریر این دولت را از حدود تبعید نموده به جاهای دیگر سکنی بدهند که مایهٔ آسودگی طرفین و اصلاح حال اهالی این طرف باشد و دوستدار منتظر اعلام تبعید شیخ مرقوم از حدود و یا تسلیم او به مأورین دولت علیه خواهد بود. زیاده بر این حاجت به زحمت آن جناب نیست. حرر فی ۲۵ شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۷۹

مهر السید حیدر

جناب جلالت و نبالت همراه فخامت و مناعت نصاب دوستان مهربان مشفقا

برادر فقیدش [illegible] نام شخصی که از مشایخ عشیره آلبو [illegible] است و در نواحی [illegible] دولت چندین سال است که از [illegible]
برافراشته بطرف جزیره گذشته و بعد از طغیان [illegible] از رسیدن [illegible] اهالی جزیره [illegible]
و تعدی مذکور نزول [illegible] آسایش حال اهالی آنجا [illegible] جمعیت [illegible]
بکر بهانه که [illegible] مذکور است آمده و شیخ مزبور [illegible] نموده و [illegible] بجهت [illegible]
بعضی اهالی که در تحت اطاعت دولت متبوعه خودشان هستند برآمده با فساد [illegible] لهذا
جناب جلالتمآب [illegible] و والی بغداد [illegible] بر آنها سوق نموده اگرچه جمعیت آنها را متفرق کرده‌اند
ولی باز بجزیره رفته‌اند چون از چند وقت تا حال با اقوام و اقارب خودش فرار بجزیره رفته و حاکم جزیره او را
التفات و محبت نموده حتی بجهه زراعت و فلاحت جا هم باو داده است و هر یک جنسی اقوام و اقارب خود را
در آنجا که [illegible] خودش با جمعی از اشرار جزیره در داخله خاک دولت علیه باخلال آسایش مردم
و فتنه و فساد و دزدی و راهزنی مشغول میشود هنگامیکه جمعیتی بدفع او مأمور میگردد باز بجزیره میرود [illegible] هم
در جزیره [illegible] هر وقت از جانب جناب پاشا [illegible] سؤال [illegible] جواب [illegible] که در جزایر
خاک دولت علیه فراری و متواری است و حال آنکه بودن او در جزیره بدرجه ثبوت رسیده است و چون
شیخ مرقوم از قبیل مقصرین و فراریان است و بر آن [illegible] اینگونه اشخاص را که [illegible]
هر زمان [illegible] فساد [illegible] مأمورین [illegible] با مأمورین دولت علیه تسلیم نمایند و در صورتیکه
واقعا پنهان باشد [illegible] دولت علیه انجام [illegible] که دولت ایران [illegible] درباره
دولت [illegible] ولیکن [illegible] جامعه اسلامیه [illegible] از جزیره تبعید نموده بطرف
بلاد دوردست مثل شام و مصر و [illegible] روانه دارند [illegible] خواهش دارد که دولت ایران هم [illegible]
[illegible] دولت [illegible] از جزیره تبعید نموده بجای دیگر [illegible]
اما [illegible] دوستدار [illegible] تبعید شیخ مرقوم از جزیره و یا تسلیم او بمأمورین دولت علیه
خواهد بود زیاده براین [illegible] زحمت [illegible] فی ۲۵ شهر ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۲۷۹

شمارهٔ سند: ۲۵۲
موضوع: جزیرهٔ متصله به جزیرة‌الخضر
تاریخ: ۲۱ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی مقیم طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرّما مهربانا

دوستدار مضمون مراسلهٔ جناب مستطاب اشرف را مورخهٔ ۱۳ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳ درخصوص جزیرهٔ[ای] که موافق مندرج در مراسلهٔ مزبوره متصل به جزیرة‌الخضر است به ولایت بصره تلغراف کرده، جواب رسید که جزیرهٔ مزبوره در زمان والی گری جناب دولت‌مآب مدحت‌پاشا پیدا شده، از آن وقت تا حال در تصرف دولت علیهٔ عثمانیه بوده، مأمورین دولت علیهٔ ایران هم حرفی نداشته‌اند. و لهذا جزیرهٔ مزبوره تعلّق صحیح به دولت علیهٔ عثمانی داشته و دارد و همین‌طور هم از ولایت مزبوره به تلغراف باب‌عالی جواب داده شده تفصیل هم با چاپار از جانب جناب ناصر پاشا خواهد رسید و به اطلاع جناب مستطاب اشرف دوستدار خواهد رسانید. زیاده زحمت نمی‌دهد. فی ۲۱ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳

مهر محمدطاهر منیف

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع وزیر امور خارجه [illegible]

نوشته از مضمون نوشته جناب مستطاب اشرف مورخه ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳ در خصوص جزیره

و شرایطی که مندرج در نوشته مزبوره متعلق بجزیره [illegible] است جداً [illegible]

جواب رسمی که جزیره مزبوره در زمان [illegible] خاقان [illegible] دولت [illegible] باشد

پیوسته از آن وقت تا حال در تصرف دولت علیه شاهنشاهی [illegible]

حرف ننوشته اند و [illegible] جزیره مزبوره [illegible] صحیح دولت علیه شاهنشاهی [illegible]

از [illegible] مزبوره [illegible] جواب داده شد [illegible] تفصیلات [illegible]

ناصر [illegible] جناب مستطاب اشرف [illegible] ۲۱ محرم ۱۲۹۳

شمارهٔ سند: ۲۵۳
موضوع: جزیرهٔ متصله به جزیرة‌الخضر
تاریخ: ۲۳ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نمرهٔ ۷۵

جواب سفارت دولت عثمانی

از مضمون مراسلهٔ جوابیهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۱ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳ که در باب جزیرهٔ حادثهٔ متصله به جزیرة‌الخضر ملک صریح مصدّق بلانزاع دولت علیهٔ ایران و اقدامات غاصبانه و متجاوزانه جناب ناصر پاشا در آنجا به جای آنکه او را از این خیالات و اقدامات مغایرانه ممنوع فرمایند اظهار فرموده‌اند (به ولایت بصره تلگراف کرده‌اند جواب رسیده که جزیرهٔ مزبوره در زمان والی گری جناب دولت‌مآب مدحت‌پاشا پیدا شده، از آن وقت تا حال در تصرف دولت علیه عثمانیه بوده.) استحضار حاصل گردیده با کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است که رجوع به این مضمون فصل دویم عهدنامهٔ ارزنة‌الروم منعقده در سنهٔ ۱۲۶۳ فرمایند که می‌نویسد (و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد می‌کند که شهر و بندر محمره و جزیرة‌الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط‌العرب را که در تصرف عشایر متعلّقهٔ معروفهٔ ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد.) جزیرهٔ مزبوره که متّصل به جزیرة‌الخضر و جزو آن و به مدلول صریح عهدنامهٔ مبارکه در میان دو دولت اسلام مصدق و محکوم به ملکیت دولت ایران است و جای هیچ گونه تردید و شبهه از برای هیچ دولت عهددار نیست، چگونه به محض جواب تلگراف ایالت بصره یا تصرف قولی بلکه فعلی کارگزاران عراق عرب هم ملکیت آن به دولت ایران متزلزل می تواند شد.

اولاً احدی از کارگزاران عراق عرب در آنجا تصرفی نداشته‌اند و جناب ناصر پاشا به جهت عدم بصیرت به عهود مقدسه به این خیال حرکت کرده و در صورتی که قبل از این هم بالفرض قولاً یا فعلاً چنین اقدامی از کارگزاران عراق عرب ظهور یافته باشد، به حکم صریح عهدنامهٔ مقدسه تجاوز و تخطی و حرکت غاصبانهٔ صرف بوده حقاً و قویاً منع و تنبیه مرتکبین بر عهدهٔ تدابیر سفیرانهٔ آن جناب جلالت‌مآب که بصیرت کامله

در امور دارید لازم خواهد بود و اولیای دولت علیهٔ ایران منتظرند که بلاتعویق از فرط مودّت زحمت کشیده منع سریع قوی در این باب از جناب ناصر پاشا و هر کس به این خیال باشد فرموده وزارت خارجه را مستحضر و مسرور فرمایند، والّا جنانچه در مراسلهٔ سابقه زحمت داده شده، هرگاه جناب ناصر پاشا منع پذیر نشده سرحدداران ایران را به اقدامات جبریه دعوت نماید، هر غائله احداث شود بر عهدهٔ او است که متجاوز است و برخلاف عهود مقدسه متجاوزاً ایجاد غایله کرده است. همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. ۲٤ شهر محرم ۱۲۹۳

[حاشیه:] نوشته شود.

جواب نوشته دولت عثمانی

از مضمون مراسله‌ای که جواب [illegible] جناب [illegible] مورخه ۱۱ شهر محرم الحرام ۱۲۶۳ در باب جزیره و قلعه محمره و جزیره خضر [illegible]

صریح مضمون [illegible] دولت علیه ایران و دولت [illegible] [illegible] ادعای [illegible]

و ادعات [illegible] [illegible] جزیره [illegible]

و اگر [illegible] در تصرف دولت علیه [illegible]

حاصل [illegible] ۱۲۶۳ [illegible]

[illegible] دولت [illegible] جزیره [illegible] دولت [illegible]

[illegible] در تصرف [illegible] دولت [illegible]

جزیره [illegible] جزیره [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

عراق عرب [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۴
موضوع: جزیرهٔ شلحه
تاریخ: ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیرمختار انگلیس به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت می دهد

در باب تلگراف نواب مستطاب اشرف والاحشمة الدوله که ارسال فرموده بودید، چون امروز شغل بسیار دارم جواب را بعد به اطلاع آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع می رسانم. ولی این فقره را به خاطر آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع می آورم، که چند روز قبل در حین ملاقات اظهار نمودم، که کارگزاران دولت علیه در آنجا مشغول ساختن سنگر می باشند و از آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهش نمودم که به نواب معزی الیه تلگرافی صادر شود، که مرتکب حرکتی که باعث کدورت طرف مقابل باشد نشوند، خاصه نیّت گرفتن جزیرهٔ شلهه [شلحه] را به توسط قوهٔ جبریه، بفرمایند تا از جانب اولیای دولت علیه اجازه داده شود، آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع اظهار فرمودند، فرمودند که از ساختن سنگر اطلاع ندارند و چنین حکمی هم نداده‌اند. فی ۱۲ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۹۴

[حاشیه:] با کمال احترام مصرانه خواهش قبل را تجدید می‌نمایم زیاده زحمت نداده. فی ۱۲ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۹۴

مهر: ولیم طیلورطامس

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع والا زید مجده

[illegible]

درباب تلگراف که [illegible] مستطاب اشرف والا حشمت الدوله ارسال فرموده بودند [illegible] امروز مشغول [illegible] بسیار داریم

[illegible]

آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع میرسانیم [illegible]

[illegible] قبل در چنین ملاحظات [illegible] که دولت علیه [illegible] ساختن [illegible]

مستطاب اشرف امجد ارفع [illegible] مسئول [illegible]

که در طرف مقابل باشند [illegible] گرفتن جزیره [illegible]

[illegible] از جانب دولت [illegible] علیه [illegible] آنجناب مستطاب اشرف

[illegible]

[illegible] ۱۲۹۴

شمارهٔ سند: ۲۵۵
موضوع: جزیرهٔ شلحه
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۲۹٤ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

یادداشت وزیرمختار انگلیس به وزارت خارجه

در اعتراف وصول دو یادداشتی که جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجهٔ دولت ایران در روز شنبه ۲٦ شهر حال به سفارت‌خانه ارسال داشته‌اند مربوط به جزیرهٔ شلحه جناب مستطاب معزی‌الیه را احتراماً مستحضر می‌سازد که برحسب اظهاری که در روز ۲٤ از ایشان رسید به این مضمون که دولت ایران قبول کرده است آن تکلیفاتی که در اسلامبول دولت عثمانی متقبل شدّه است چنانچه از جانب سفارت اظهار شده بود و به نظر اولیای دولت انگلیس هم شایسته و محق افتاده بود بدین جهت ایشان تکلیف به قبول آن نموده بودند. روز ۲۵ به اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده شد. که در صورتی که دولت عثمانی ترک مداخله در جزیرهٔ مزبور بنماید دولت ایران تعهد کرده است که مادامی که قرار این مسئله مابعدها داده شود در آن جا نه زراعت بنماید و نه جایی احداث کند و نه عسکر ایرانی بگذارد. فی ۲۸ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۹٤

مهر ولیم طیلور طامس

یادداشت

در اعتراف وصول یادداشتی جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه

دولت ایران در روز شنبه ۲ شهر حال بسفارتخانه انگلیس یادداشته نمره بیکار بر

شیخه جناب مستطاب معزی الیه سواد آنرا مشهور بنمره بجهت ملاحظه در روز ۲۴

از ایشان رسید با مضمون دولت ایران قبول کرده است آن تکلیفاتی را که ابدا مبدول

دولت عثمانی متقبل شده است چنانچه از جانب سفارت اظهار شده بود بنظر

اولیای دولت انگلیس هم شایسته محقق لقاء بود بر این جهة ایشان تکلیف بقبول آن

نموده بودند روز ۲۵ با اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده شد

و در صورتیکه دولت عثمانی ترک مداخله در جزیره مزبوره بنماید دولت ایران تعهد کرده است

که ابدا احدی از این سفینه با بحر داده شود در آنجا نه زراعت نماید و نه بنائی احداث کند

نوشته عسکر ایران بغداد فی ۲۸ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۴

شمارهٔ سند: ۲۵۶
موضوع: جزیرهٔ شلحه
تاریخ: ۷ رمضان ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

یادداشت وزارت امور خارجه به وزیرمختار انگلیس

یادداشت

پس از وصول مراسلهٔ رسمی جناب جلالت‌مآب وزیرمختار و ایلچی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان مورخهٔ ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۴ که اطمینان صریح در تخلیهٔ ید غصب مأمورین عثمانیه از جزیرهٔ شلحه ملک صحیح دولت علیهٔ ایران را متضمن بود وزارت امور خارجه هرگز قیاس نمی‌کرد که کارگزاران عثمانیه خلاف قرارداد رسمی که به توسط آن سفارت فخیمه شده است نموده تجدید در غصب آنجا نمایند، از قرار تلگراف مقرب الخاقان حاجی جابرخان حاکم محمره که اصل آن را لفاً ملاحظه می فرمایند مجدداً بر خلاف آن قرارهای رسمی به تصرف غصب اقدام نموده‌اند وزارت امور خارجه زاید می داند اظهار دارد، که این اقدام کارگزاران عثمانی به چه درجه منافی اطمینان رسمی جناب جلالت‌مآب معزی الیه و مباین قرارداد رسمی است با کمال احترام مصراً خواهشمند است از فرط نهایت خیرخواهی جناب جلالت‌مآب معزی الیه که نماینده دولت بزرگ واسطه می باشند هر تدبیر سریعی را برای تخلیهٔ جزیرهٔ مزبوره اتخاذ خواهند فرمود، وزارت خارجه را قرین مسرت و استحضار دارند، عدم رعایت قول و قرار از جانب کارگزاران دولت عثمانی منفرداً در نظر وزارت امور خارجه چندان غرابت ندارد، چیزی که باعث تعجب وزارت امور خارجه در این فقره شده این است که با وجود دخالت و توسط جناب جلالت‌مآب وزیرمختار و ایلچی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان در این مسئله باز رعایت حفظ آن را نکرده این طور تجدید غصب نموده‌اند. زیاده زحمت افزا نشده. **۷ شهر رمضان ۱۲۹۴**

پس از وصول مراسلهٔ رسمی جناب جلالتمآب وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت ملکهٔ انگلستان مورخهٔ ۱۴ شهر
رجب ۱۲۹۴ که اطمینان صریح در تخلیه و رفع غصب مأمورین عثمانیه از جزیرهٔ شلحه ملک صحیح دولت علیه ایران
متضمن بود وزارت امور خارجه هرگز قیاس نمی‌کرد که کارگزاران عثمانیه خلاف قرارداد
رسمی را بتوسط سفارت فخیمهٔ دولت متبوعه تجدید در غصب آن نمایند از قرار تلگراف معتمدالدوله
حاجی جابرخان حاکم محمره که صورت اصلش انزالاً ملاحظه می‌فرمایند مجدداً برخلاف آن قرارهای
رسمی تصرف غصب اقدام نموده‌اند وزارت امور خارجه ناچار می‌داند اظهار دارد که این اقدام کارگزاران
عثمانی بچه درجه منافی اطمینان رسمی جناب جلالتمآب معزی الیه و مباین قرارداد رسمی است
با کمال احترام مصراً خواهشمند است از فرط نهایت خیرخواهی جناب جلالتمآب معزی الیه
که نمایندهٔ دولت بزرگ واسطه می‌باشند هر تدبیر سریعی را برای تخلیهٔ جزیرهٔ مزبوره اتخاذ
خواهند فرمود وزارت خارجه را قرین مسرت و امتنان خواهند داشت عدم رعایت حقوق و قرارداد [illegible]
کارگزاران دولت عثمانی در نظر وزارت امور خارجه چندان غرابت ندارد چرا که [illegible]
زیاده بر این چیزی که باعث تعجب وزارت امور خارجه در این فقره شده این است که با [illegible]
~~قرار تخلیهٔ جزیرهٔ شلحه بتوسط جناب جلالتمآب وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت [illegible] ۱۵~~
۱۲۹۴ [illegible] رعایت حفظ [illegible] تدبیر [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۷
موضوع: تصرف جزیرهٔ شلحه به وسیلهٔ عثمانی ها
تاریخ: ۱۵ رمضان ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

یادداشت ویلیام طیلور طامس وزیرمختار انگلیس به وزیر خارجه

یادداشت

جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه را در جواب یادداشت ایشان مورخهٔ ۷ شهرحال احتراماً مستحضر می سازد، که از قرار اخباری که از بالیوزگری بغداد به جناب جلالت‌مآب ایلچی کبیر اعلی حضرت پادشاه انگلستان مقیم باب‌عالی تلگراف شده و جناب معزی‌الیه به سفارت اعلی احضرت پادشاه انگلستان ارسال داشته‌اند معلوم می شود که راپرتی که مقرب‌الخاقان شیخ جابرخان در طی تلگراف خود به تاریخ سلخ شهر شعبان به اولیای دولت ایران نموده که کارگزاران عثمانی مجدداً جزیرهٔ شلحه را متصرف شده‌اند، مقرون به صحت نبوده است. فی ۱۵ شهر رمضان‌المبارک سنه ۱۲۹۴

مهر ولیم طیلور طامس

یادداشت

جناب مستطاب اشرف ارفع وزیر امور خارجه را در جواب یادداشت ثانی مورخه

۱۷ شهر حال احتراماً متضمن نموده که از قرار اخباری که از بالیوزگری بغداد و لحاظ جلالتمآب

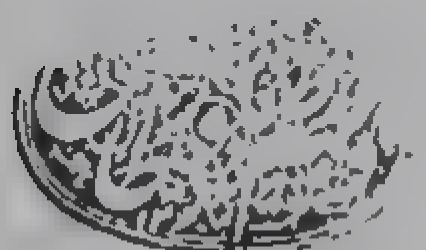
ایلچی کبیر اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم باب عالی تلگراف شده جناب معزی الیه سفارت

اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داشته‌اند معلوم میشود که از راپرت متصرف الحاق ن

شیخ جابر خان در طی تلگراف خود تبعه شیخ شهر شعبان با والی دولت علیه عثمانی معه کارگزاران علیه

عثمانی عهد و اجزاء جزیره شیعه را متصرف شده‌اند مقرر فرمایند تفحص نموده است

۱۵ شهر رمضان المبارک
۱۲۹۲



شمارهٔ سند: ۲۵۸
موضوع: جزیرهٔ شلحه
تاریخ: ندارد احتمالاً ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ ناصرالدین شاه به وزیر خارجه

جناب وزیرخارجه

البته امین الدوله نوشتجات ظل السلطان را در فقرهٔ جزیرهٔ شلحه در سط العرب را پیش شما فرستاده که عثمانی ها خیال تصرف دارند. این فقره البته مسبوق شماست که کاری است گذشته و عثمانی حق تصرفی در آنجا ندارد. مراحل این فقره را از ثبتهای وزارت خارجه اطلاع میرزا نصرالله خان بیرون آورده فردا خود آورده به نظر رسانید. میرزا نصرالله خان را هم که اطلاع از این کار دارد صبح به حضور بیاورید، دستورالعمل ظل السلطان و تلگراف معین الملک را هم حاضر کرده، زودتر بفرستید.

جناب وزیر خارجه

اگر امین الدوله وزیر تجارت ظل السلطان

در فقره [illegible] [illegible] سلطان الدوله [illegible]

خیال تصرف دارند الی فقره [illegible] [illegible]

در کار [illegible] گذشته [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] اله فقره [illegible] نوشت

با [illegible] [illegible] ظل السلطان

روز [illegible] و [illegible]

[illegible] ظل السلطان [illegible]

[illegible] [illegible] ۱۵ [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۵۹
موضوع: تحدید حدود ایران و عثمانی طبق قرارداد ارزروم
تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۰۰
کارتن: ۲۱
پرونده:

نامهٔ وزیر خارجه ایران (میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک)

به میرزا محسن خان معین‌الملک (مشیرالدوله) سفیرکبیر ایران در عثمانی

جناب جلالت‌مآبا

مطلبی است از افکار عالیهٔ همایونی که از الفاظ دربار مبارک بعد از ملاحظهٔ نکات و تمامی اطراف آن به من امر و مقرر فرموده‌اند که به آن جناب بنویسم و از مکنونات علیهٔ مقدسهٔ همایونی آن جناب را مطلع نمایم که موقع را مغتنم دانسته اقدامات لازمه را به اقتضای حسن کفایت و دولت‌خواهی در انجام و اجرای آن به عمل آورد ولیکن که انشاءالله تعالی همان طور که به خاطر الهام مظاهر اقدس همایون رسیده است این خدمت عمده و مهم به دست آن جناب سمت انجام یابد مسئلهٔ تحدید حدود مابین دولت علیه و دولت عثمانی سالهای سال است که بعد از انعقاد عهدنامهٔ آخری ارزنة‌الروم اسباب گفتگو و زحمت طرفین بوده با وجود اقداماتی که از طرفین به توسط دولتین واسطه شده نقشه و خریطه کشیده، کتابها نوشته‌اند، هنوز کماکان در عهدهٔ تعویق است و به این واسطهٔ آن حسن اتفاق و ائتلافی که منظور دولتین علیتین اسلام بوده و حالا نظر به میل صمیمی هر دو پادشاه تاجدار اسلام این منظور عالی در کار است درجهٔ بالا گرفته انشاءالله تعالی مؤدّی به تحصیل نتیجهٔ مطلوبه باشد بین‌الدولتین به حصول نرسیده است و هرچه هم معوق بماند چنانکه بود باز یک مانع بزرگی برای حصول مقصود خواهد بود و اگر یک اقدام همیمانه شایقانه از طرفین در تسهیل این کار و رفع بعضی وهمیات که مایه تزاید اشکالات است نشود بالضروره باز باید دو دولت هم‌دین اسلام به عوض اینکه قدم به قدم خود را به یکدیگر نزدیک و پای خارجه را از میان خود خارج نمایند، دولتین واسطه را دخالت داده آنها را اولی به نفس خود قرار بدهند و این خود برخلاف جهت مطلوبه حرکت کردن است در این صورت چه مانع است که دولتین علیتین

اسلام در عین دوستی و مسالمت اقدام صادقانه کرده خود را از این انتظار و زحمت فارغ و سرحدات خودشان را معین و منظم نموده همّت خود را به جای اینکه صرف این افکار غیرلازمه نمایند به ازدیاد روابط دوستی و رفع خلاف و اختلاف از مابین سرحدداران مصروف و اساس یک رنگی و تحصیل مقاصد عالیه را مستحکم سازند، بعد از انعقاد عهدنامهٔ اخیرهٔ ارزنة الروم فقرهٔ تحدید حدود مابین دولتین به یک اساس معینی قرار گرفته بود و در آن اثنا کیفیت قطور و غصبت آنجا از طرف سرحدداران دولت عثمانی بغتتاً برخلاف حکم اسطاطسکو به وقوع رسید و هرچه بود قرار آن در کنگرهٔ برلین از طرف دول واسطه و غیره داده شد بعضی را به دولت علیهٔ ایران رد و تسلیم کردند باقی را هم باید مسترد نمایند، چنان که آن جناب خود اطلاع به وزارت جلیلهٔ خارجه داده بود که مأمورین دول واسطه برای انجام این کار حاضرند مأمور دولت علیه نیز حاضر باشد و مقرب الخاقان میرزا محب‌علی خان ناظم‌الملک معین و وزارت خارجه منتظر اعلام از طرف آن جناب است که زمان حرکت مأمورین دول ثلثه و محل اجتماع آنها را اطلاع بدهند تا مقرب الخاقان معزی‌الیه نیز مقارن ورود آنها به محل اجتماع در همان محل حضور به هم رساند و این مسئله حتماً به طوری که مقرر است، خواهد گذشت، چیزی که باقی می‌ماند مسئلهٔ زهاب و سمت محمره و شط العرب و جزیرة‌الخضر است که قرار آنها هم در ضمن معاهدهٔ مزبوره معین است در باب زهاب می‌نویسند که دولت ایران اراضی بسیطه را به دولت عثمانی و دولت عثمانی اراضی جبالیه را به دولت ایران ترک خواهد کرد. دولت ایران هیچ مضایقه ندارد که متابعت به مدلول عهدنامه نماید، ولی ممکن نیست بعد از وضع بلوکات اربعهٔ خانقین و دکه و قله وبکوره که همه از جمله آبادی‌های معتبرهٔ زهاب و در تصرف عثمانیه است به هیچ وجه که باقی محوطهٔ زهاب تماماً از مصداق اراضی جبالیه خارج باشد، حتی چنان که همه جا به طوری که در سفر موکب همایون به عتبات عالیات به رأی‌العین مشاهده شد تا قزل رباط هم اراضی بسیطه به هم نمی‌رسد همه از قبیل اراضی جبالیه است نه بسیطه که عهداً و حقاً جزوی از آن به دولت عثمانی ترک شود اگر شبهه را قوی کنیم منتها این خواهد بود که به تصدیق و رأی مأمورین دولتین واسطه واگذاریم در آن صورت هم اگر جزوی از زهاب حالیه به دولت عثمانی ترک شود لابد بلوک شپیران را باید دولت عثمانی از آن قرار به دولت ایران مستردنماید و گمان نمی رود که در این صورت نیز دولت عثمانی از گرفتن جزوی

از زهاب و تسلیم بلوک دیر شپیران به دولت ایران صرفه برد و در تحدید حدود جانب شط العرب هم موافق منطوق صریح عهدنامه و نقشه‌هایی که حاضر است جای گرفت و گیر باقی نخواهد بود که حاجت به دخالت اجنبی به هم برسد، بنا به مراتب مزبوره خیلی مناسب و نزدیک به صلاح حالی و مآلی دولتین اسلام چنان به نظر می‌آید که آن جناب مراتب را به حضور اعلی حضرت سلطان عرض و به وکلای دولت عثمانی اظهار نمایید که اگر ایشان هم رأی موافقت با دولت علیهٔ ایران داشته باشند از طرفین اقدام صادقانه در نهایت دوستی و صفا بدون حاجتی به دخالت خارجه و اجنبی این امر را به انجام رسانند و حدود دولتین علیتین اسلام را به همین حالتی که هست در سمت زهاب و از روی مدلول عهدنامه در جانب شط العرب و جزیرة‌الخضر به انجام رسانده طرفین به یکدیگر اسناد و مواثیقی که لازم است رد و بدل نمایند و این امر به مبارکی و میمنت در عین صفا و مودت سمت اختتام یابد و اگر دولت علیهٔ عثمانی به همن رأی جازم شدند دولت علیهٔ ایران هم می‌تواند که در باب قطور به همان قدری که قصبهٔ قطور و آنچه را که تا حال مسترد و تسلیم شده است از معابر شمال و مغرب و جنوب تأمین نماید.

اکتفا کرده از مابقی که امروز حق ثابت دولت است و وسیلهٔ موجوده در استرداد آن دارد مساعدتاً صرف نظر نماید، البته آن جناب هر اقدامی که در این باب لازم و مقتضی داند بزودی کرده حاصل را معجلاً قلمی دارند که به عرض حضور مراحم ظهور اقدس همایون برسد و باید در باقی حدود به طول سرحدات دولتین قاعدهٔ اسطاطسکو یعنی در حین انعقاد عهدنامهٔ ارزنة‌الروم هر خاکی که در تصرف هر یک از دولتین بود به احوال خود اگر هم تغییری به هم رسیده باشد عود کند و از آن قرار خط سرحد به دست مأمورین منصف و عاقل هر دو دولت سمت استقرار یابد. حرر فی ۱۹ شهر محرم ۱۳۰۰

مهر: وزارت امور دول خارجه ایران میرزاسعیدخان

جناب صدراعظما مطلبی که از افکار عالیه همایونی در الفاظ دربار است بعد از ملاحظه نکات و مبانی اطراف آن امر و شرح فرموده اند

در آن جناب نوشتم و از مکنونات علیه مقدسه همایونی آن جناب را مطلع نمایم و موقع را مغتنم دانسته اقدامات لازمه را با اقتضای حسن کفایت و درستکاری در انجام و اجرای آن

مبذول دارند و ممکن است ان شاء الله تعالی همایون در نظر اعلیحضرت سلطان اقدس همایون برسد که این خدمت عمده و مهم به دست آن جناب به انجام برسد که چون در

این حالت میان دولت علیه و دولت عثمانی سالهای سال است و بعد از انعقاد عهدنامه آخری ارزنة الروم اسباب گفتگو و زحمت طرفین بوده با وجود اقدامات بی‌اندازه از طرفین برای رفع این کشمکش از

نقطه و خطه کشیده که تا به حال نوشته اند هنوز کارها در عهده تعویق است و با وجود رابطه حسن اتفاق و اتحادی که منظور اعلیحضرت سلطان عثمانی اسلام بود و حال نظر

بسی صمیمیت پادشاه و اتحاد اسلام این منظور عالی در کار است در حالی که ان شاء الله تعالی به تخصیص فتح سطوت باشد بین این دو دولت ثابت

و هرچه هم موقع با وجود آنچه بود بازیکسانی بزرگی برای تحصیل مقصود خواهد بود دولت اسلام یگانه شایسته از طرفین در نهایت این کار در رفع بعضی مبهمات در بازار

اتفاق است و البته نحوه بالضروره با این دولت همیشه اسلام عوض آنکه قدم تقدم خود را بگذارند برای خارجه را از مسائل خود خارج باشند چون دولت عثمانی را

و حالت فعلیه آنها را اولی غیر خود قرار بدهند و این خود بر خلاف جهت سطوت و حرکت کامل است در این صورت چه مانع است که دولتین علیتین اسلام عمل نمایند

و سیاست اقوام صادقانه که خود را از این انتظار در جهت فارغ و مراوده خود شان را حسن و نظم نموده به جهت خود با آنکه صرف این کار فرمایند و به جهت دولت

و برای رفع خلاف و اختلاف از مابین سرحدات ایران نصرت و اساس بزرگی تحصیل مقاصد عالیه را استحکام ساختند بعد از انعقاد عهدنامه که ارزنة الروم فیما بین مقرر شده بود

ماده تحدید آن اساس متین قرار گرفته بود و در آن اثنا کیفیت نظر و غضب آنها از طرف سرحدداران دولت عثمانی بر خلاف حکم انطاکیه بوقوع رسیده و اجرا نشده

و در این دفعه که رئیس از طرف دول واسطه و غیره و هم بعضی را به دولت علیه ایران تحویل تسلیم کرده باقی را هم با مشورت و مباحثه چنانکه آن جناب خود اطلاع دارند ماند

و البته به ماموریت دول واسطه برای انجام این کار حاضر نیستند ماموران دولت علیه نیز حاضر باشند و منتظر آقایان سفیر امپراطور حاضر شدند که بعد از قرارداد ملاحظه از طرف

آن جناب است و زمان حرکت مامورین دول شده و مدتی اجتماع آنها را طول داده به نحو ماموریت آقایان سفرای انگلیس نیز سفارت خود آنها را مجتمع در اسلامبول حاضر باشند

[illegible]



Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ۳

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

کمیسیونهای سرحدی و دول واسطه

شمارهٔ سند: ۲۶۰
موضوع: وساطت فرانسه در امورات فی‌مابین ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

هو

سواد تقریری است که مقرب‌الخاقان حاجی میرزا احمدخان به نظارت خارجهٔ دولت عثمانی نوشته است

بعدالالقاب به نحوی که معلوم شریف آن جناب جلالت‌مآب است، در امورات دایره فی‌مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی دولتین فخیمتین انگلیس و روس واسطه بودند و سفرای دولتین مشارالیهما در امورات سرحدیه و غیره مدخلیّت دارند. از آنجا که دولت بهیهٔ فرانسه با دولتین علیتین اسلام‌دوست و معاهد است، صلاح طرفین درین ملاحظه می‌شود که دولت بهیهٔ فرانسه هم من‌بعد مدخلیّت در کارهای دایره فی‌مابین دولتین اسلام حالاً و مالاً داشته باشد. لهذا، حسب‌المأموریه با کمال احترام به تحریر این مراسلهٔ رسمیّه به آن جناب جلالت‌مآب زحمت‌افزا است که من‌بعد دولت بهیهٔ فرانسه و مأمورین دولت مشارالیها در کارهای مابین دو دولت اسلام توسط و مداخله داشته باشند در این باب هر طور قرار خواهند داد دوستدار را از مراتب آن قرین استحضار سازند زیاده

زحمت‌افزا نمی‌شود. فی ۲٦ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

سواد مراسله‌ای است که مقرب‌الخاقان حاجی میرزا احمدخان به ایلچی دولت فرانسه مقیم دربار عثمانی نوشته است

بعدالالقاب از آنجا که دولت بهیهٔ فرانسه با دولتین اسلام‌دوست و هم‌عهد می‌باشد، مناسبت کلی دارد که دولت بهیهٔ فرانسه هم من‌بعد مدخلیّت در کارهای دایره فی‌مابین دولتین اسلام حالاً و مالاً داشته باشند. لهذا حسب‌المأموریه با کمال توقیر و احترام به تحریر این مراسلهٔ رسمیه پرداخته، به آن جناب جلالت‌مآب زحمت‌افزا می‌شود و در ضمن خواهش می‌نماید که مأمورین دولت بهیهٔ فرانسه من‌بعد در کارهای بین‌الدولتین اسلام توسط و مداخله نمایند و بعد از استحضار از مراتب مسطوره، چگونگی را جهت اطلاع دوستدار اعلام فرمایند زیاده چه زحمت دهد. فی ۲٦ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

سواد تقریری است که سفیر کبیر ایلخانان حاجی میرزا احمد خان به سفارت فرانسه
دولت عثمانی نوشته است ۲۶ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

بعد الالقاب بنحوی که معلوم شریف آنجناب جلالتمآب است در باب امورات دائره فیمابین دولتین علیتین ایران و عثمانی دولتین فخیمتین انگلیس و روس واسطه بوده و جزئی
دولتین مشار الیهما در امورات سرحدیه وغیره مداخلت دارند از آنجائی که دولت بهیه فرانسه با دولتین علیتین اسلام دوست و معاهد است صلح فیمابین دولتین خدمه میشود
که دولت بهیه فرانسه هم نیز به مداخلت در کارهای دائره فیمابین دولتین اسلام حالاً و مآلاً داشته باشد لهذا حسب المأموریه با کمال احترام تحریر این مراسله رسمیه
با آنجناب جلالتمآب زحمت افزا است که نیز به دولت بهیه فرانسه و مأمورین دولت مشار الیهما در کارهای فیمابین دو دولت اسلام توسط و مداخله داشته باشند
در این باب هر طور قرار خواهند داد دوستدار را از مراتب آن قرین استحضار سازند زیاده زحمت نمیدهد فی ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

سواد مراسله ایست که سفیر ایلخانان حاجی میرزا احمد خان به ایلچی دولت فرانسه
مقیم دارالخلافه نوشته است فی ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

بعد الالقاب از آنجائی که دولت بهیه فرانسه با دولتین اسلام دوست و معاهد میباشد مناسبت کلی دارد که دولت بهیه فرانسه هم نیز به مداخلت در کارهای
دائره فیمابین دولتین اسلام حالاً و مآلاً داشته باشد لهذا حسب المأموریه با کمال توقیر و احترام تحریر این مراسله رسمیه پرداخته با آنجناب جلالتمآب زحمت افزا میشود
و در ضمن خواهش مینماید که مأمورین دولت بهیه فرانسه نیز به کارهای بین الدولتین اسلام توسط و مداخله نمایند و دوستدار را از تفصیل مراتب مسطوره چگونگی اطلاع

جهت اطلاع دوستدار اعلام فرمایند زیاده چه زحمت دهد ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

شمارهٔ سند: ۲۶۱
موضوع: وساطت دولت فرانسه بین ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

سواد شرحی است که مقرب‌الخاقان حاجی میرزا احمدخان به وزارت امور خارجه نوشته است

بعدالالقاب، حسب‌الامر به موجب دستورالعمل اولیای دولت علیهٔ قاهره در خصوص امر توسط و مداخلهٔ دولت بهیهٔ فرانسه و سفرای دولت مشارالیها به امورات دایره فی‌مابین دولت علیه ایران و دولت عثمانی، تحریرات رسمیّه یکی را به جناب ایلچی دولت بهیهٔ فرانسه نوشته، خواهش مراتب مزبور را نمود ویکی را به باب‌عالی نوشته اظهار مراتب کرد که سواد هر دو نوشته رسمانهٔ کمترین اینک ملفوف عریضه است، ان‌شاءالله از نظر مبارک خواهد گذشت و هنوز جواب از ایشان به کمترین نرسیده است بعد از رسیدن جواب از آنها کیفیت را به عرض خواهد رسانید زیاده چه جسارت رود. فی ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲

سواد عرضی است که مقرب الخاقان حاجی میرزا احمدخان نواب به امور
خارجه نوشته است فی ۲۸ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۲

جهت مد القاب   حسب الامر بموجب دستورالعمل اولیای دولت علیه قاهره در خصوص امر توسط و مرافعه دولت بهیه فرانسه در دعوای دولت
شارالیها با امورات دائره فیمابین دولت علیه ایران و دولت عثمانی تحریرات رسمیه یکی با جناب ایلچی دولت بهیه فرانسه نوشته خواهش
مراتب مزبوره را نمود و یکی را با جناب عالی نوشته اظهار مطلب کرد. سواد هر دو نوشته رسما کمترین اینک ملفوف عریضه است انشاءالله
از نظر مبارک خواهد گذشت و هنوز جواب از ایشان بکمترین نرسیده است بعد از رسیدن جواب از آنها کیفیت را بعرض خواهد رسانید

زیاده چه جسارت رود فی ۲۸ ربیع الثانی ۱۲۷۲

شمارهٔ سند: ۲٦۲
موضوع: وساطت ایلچی فرانسه در امورات فی‌مابین ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳ جمادی‌الاول ۱۲۷۲ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

سواد شرحی است که مقرب‌الخاقان حاجی میرزا احمدخان به وزارت امور خارجه نوشته است

اینکه مقرر گشته بود در مواد واقعهٔ متعلق به سفارت سنیه پای جناب سفیر دولت بهیهٔ فرانسه را به میان آورد و حین گفتگو و مذاکره با وکلای دولت عثمانی بخصوص مطالب این سفارت سنیه او را نیز قرین استحضار سازد، و روابط دوستی و مخادنت را با جناب ایلچی دولت بهیهٔ فرانسه ممهّد گرداند، از همهٔ تفصیل فرمایشات اطلاع کامل حاصل نمود. حال که لله‌الحمد فی‌مابین سفارت سنیه ایران و سفارت دولت بهیهٔ فرانسه کمال دوستی و مراوده هست و حسب‌الامر مراسلهٔ رسمیّه نوشته به سفارت دولت مشارالیها داده شده است که در امورات واقعهٔ دایره فی‌مابین دولت علیهٔ ایران و عثمانی مدخلیت داشته باشند و سواد همان مراسله را از پوستهٔ قبل ارسال دربار شوکت‌مدار همایون نموده است و ان‌شاءالله حسب‌الامر اولیای شوکت سنیه امورات اتفاقیهٔ لازمه را که در اجرای آن از جانب وکلای عثمانی اهمال و کوتاهی ملاحظه شود من‌بعد ایلچی فرانسه را هم مطلع خواهد ساخت و آنچه لازمهٔ سعی و جهد است موافق قاعده به عمل خواهد آورد، بلکه ان‌شاءالله از فضل خداوند یگانه و یمن توجه و التفات وکلای سلطنت سنیه امورات را بر وفق مرام اجرا دارد. خداوند ان‌شاءالله به طرف مقابل انصاف بدهد زیاده از این چه عرض نماید. امرکم‌العالی مطاع. فی ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۲۷۲

سواد شرحی است که در جواب [illegible] نوشته است
نوشته شد فی ۱۳ شهر جمادی الاولی ۱۲۷۲

آنچه مرقوم گشته بود در سواد واقعه متعلق بسفارت سنیه ای جناب سفیر دولت بهیه فرانسه را بمیان آورده و ضمن گفتگو و مذاکره با وکلای دولت عثمانی

بخصوص مطالب این سفارت سنیه را نیز قرین استحضار ساخته و در روابط دوستی و مخالفت را با جناب ایلچی دولت بهیه فرانسه ممهد کرده اند از همه

تفصیل فرمایشات اطلاع کامل حاصل نمود و حال در مکالمه فیمابین سفارت سنیه ایران و سفارت جلیله بهیه فرانسه که لازم دوستی و مراوده است و حسب الامر

مراسله رسمیه نوشته بسفارت دولت مشارالیها داده شده است در امورات واقعه دائره فیمابین دولت علیه ایران و عثمانی [illegible] داشته باشند

و سواد آن مراسله را از پیوسته [illegible] همایون نموده است ان شاء الله حسب الامر اولیای شوکت سنیه امورات اتفاقیه

لازمه را در اجرای آن از جانب وکلای عثمانی اهمال و کوتاهی ملاحظه [illegible] ایلچی فرانسه را مطلع خواهم ساخت و آنچه لازمه سعی و اهتمام است

موافق قاعده معمول خواهم آورد [illegible] ان شاء الله از فضل خداوند یگانه و [illegible] توجهات [illegible] سلطنت سنیه امورات [illegible] بر وفق مرام اجرا

دارد و خداوند ان شاء الله [illegible] الامر الاعلی مطاع
فی ۱۳ جمادی الاولی ۱۲۷۲

شمارهٔ سند: ۲٦۳
موضوع: خسارات محمره و کربلای معلی و ردّ قطور
تاریخ: ۱۸ صفر ۱۲۷۵ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ۵

سواد مراسله‌ای است که از جانب فرخ‌خان امین‌الدوله به سفرای ثلثه انگلیس و فرانسه و روس مقیمین دربار عثمانی نوشته شده

در نزد آن‌جناب مستغنی از تعریف و بیان است که در باب مطالب معوقهٔ دولت علیهٔ ایران که فی‌مابین دوستدار و وکلای دولت عثمانی گفتگو و مذاکره می‌شد، همه وقت حتی‌المقدور زحمت اظهار و اطلاع به آن‌جناب می‌داد از آنجا که دولت بهیهٔ متبوعهٔ آن‌جناب فی‌مابین دولتین اسلام توسط خالصانه دارد، و حالا که وقت عزیمت دوستدار از این دربار مقتضی شد،

لازم است که به جهت تکمیل استحضار آن‌جناب سواد همهٔ تحریرات رسمی خود را با سواد جوابهای رسمی باب‌عالی که تاکنون به‌رجال آن دولت ارسال و مرسول شده، نزد آن‌جناب ارسال دارد که هنگام فراغت رجوع به آنها نمایند.

و حسب‌اللزوم اولیای دولت بهیهٔ متبوعهٔ خود را استحضار بدهند و اینک کلاً در جوف همین مراسله انفاذ گردید. اگرچه بعضی از فقرات مبحوثه سمت استقرار یافته است، ولیکن عمدهٔ مسائل دولت علیهٔ ایران که خسارات محمره و کربلای معلی و رد قطور ملک دولت علیه ایران و سایر مطالب دیگر است که از رجوع به سواد تحریرات طرفین استحضار حاصل خواهند نمود هنوز صورت انجام نگرفته و اتمام آنها را به آینده وعده داده‌اند.

لهذا زحمت‌افزا می‌شود که چون دولت علیه ایران به هیچ‌وجه از مطالبهٔ مطالب معوقهٔ خود نمی‌تواند صرف‌نظر نماید، از آن جناب متوقّع است که هنگام مطالبه مأموران دولت علیهٔ ایران مطالب مذکوره را از باب‌عالی کمافی‌السابق مضایقه از اقدامات متوسطانه و منصفانهٔ سفیرانهٔ خود نخواهند کرد زیاده چه زحمت اظهار دارد. فی ۱۸ صفر ۱۲۷۵

سواد مراسله ایست که از جانب جناب فرخ خان امین الدوله بسفرای دولتین
انگلیس و فرانسه و روس مقیم دربار عثمانی نوشته شده ۱۸ صفر ۱۲۷۵

در نزد آنجناب مستغنی از تعریف و بیان است که درباب مطالب سرحدیه دولت علیه ایران که فیمابین و متنازع دو دولت ایران و دولت عثمانی گفتگو و مذاکره میشد اگرچه موافق
حق المقدور در صحت اظهار و اطلاع بآنجناب سپرده از آنجائی که دولت بهیه متبوعه آنجناب فیمابین دولتین اسلام توسط و میانه داری و [illegible]
در این مراتب تفصیل شده لازم است که بجهت تکمیل استحضار آنجناب سواد همه تحریرات رسمی خود را [illegible] که اکنون بر [illegible] اولیای دولت ایران معلوم و مدلول
شده نزد آنجناب ارسال دارد که هنگام فرصت رجوع بآنها نماید و حسب الفرمان اولیای دولت بهیه متبوعه خود [illegible] ملاحظه و [illegible]
مراسله افتخار اگرچه بعضی از فقرات صحیحه مدت انقراض یافته است ولکن عمده مسایل دولت علیه ایران در خصوص [illegible] فعلاً که دولت علیه ایران
و سایر مطالب دیگر است که از رجوع بسواد تحریرات مزبور استحضار حاصل خواهد نمود [illegible] لهذا [illegible]
میشود و چون دولت علیه ایران بهیچ وجه از مطالبه مطالب سرحدیه خود دست نتواند صرف نظر نماید از آنجناب متوقع است که انجام مطالب مأموران دولت علیه
ایران مطالب مذکوره را [illegible] زیاده زحمت اظهار ندهد ۱۸ صفر ۱۲۷۵

شمارهٔ سند: ۲٦٤
موضوع: نقشهٔ سرحدی و مأموریت درویش‌پاشا
تاریخ: ۱۳ ربیع‌الاول ۱۲۷۷ هـ.ق
کارتن: ۹
پرونده: ۵/ح

نامهٔ مشیرالدوله به وزیر خارجه میرزا سعیدخان

هو

مخدوم مهربانا، البته خبر دارید که جناب درویش‌پاشا از جانب دولت عثمانی سفیر پطربورغ است. در جزو از کسی شنیدم که قِلاصْکُوت مهندس دولت انگلیس که در سرحد با ما بود، برای اتمام نقشهٔ سرحد دولت عثمانی و روس به پطربورغ مأمور شده و در باطن دستورالعمل دارد که نقشهٔ سرحد ایران و عثمانی را هم به اطلاع درویش‌پاشا در آنجا تمام نماید. اگر این خبر صحیح باشد، موجب ضرر کلی و دردسر اولیای دولت علیهٔ ایران خواهد شد زیرا که بدنفسی و خام‌طمعی و بلندپروازی درویش‌پاشا مسلم است. این مقوله امر معظم که به دستیاری او و بی‌اطلاع مأمور آگاه این دولت صورت اختتام یابد نتیجهٔ سوء آن واضح است که به چه درجه خواهد بود. ۱۳ ربیع‌الاول قلمی شد ۷۷

محل مهر: مشیرالدوله

محرمانه جناب‌ا البته خبر دارید که جناب درویش پاشا از جانب دولت عثمانی

سفیر پطربورغ است در جزو ارکسی شنیده‌ام که [illegible] مهندس دولت انگلیس

که در سرحد با بودن او تمام نقشهٔ سرحد دولت عثمانی و روسیه پطربورغ

مأمور شده‌اند و در باطن دستورالعمل داده که نقشهٔ سرحد ایران و عثمانی را

هم با اطلاع درویش پاشا در آنجا تمام نماید اگر این خبر صحیح باشد

موجب ضرر کلی و در دسرا برای دولت علیه ایران خواهد شد

زیرا که بدنفسی و خام طمعی و لجبازی درویش پاشا

مسلم است همقوله هر مطلب که بدون بودن او و بی اطلاع مأمور آگاه

این دولت صورت انجام یابد نتیجهٔ سوء آن واضح است که بعد در عهده خواهد بود

۱۳ ربیع‌الاول ۱۲۷۰

شمارهٔ سند: ۲۶۵
موضوع: تعیین حدود ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۱ ذیقعدهٔ ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱۸۰

خلاصه شد

فدایت شوم، چنانچه مختصراً در ضمن تلغراف نامهٔ مورخهٔ ۳ ذیقعده به عرض عالی رسانیده‌ام، در ۱۶ ماه مارس فرنگی گذشته، لارد روکلیف ایلچی سابق انگلیس در اسلامبول از لارد رسل وزیر امور خارجهٔ انگلیس در مجلس پارلمنت سؤال نموده است که فقرهٔ تعیین حدود دولتین ایران و عثمانی چرا تا به حال تأخیر نموده است و کی تمام خواهد شد؟ لارد رسل جواب داده است که خریطهٔ حدود دولتین اسلام تا آخر همان ماه مارس تمام می شود، و بعد از او در میان دولتین مزبوره و مأمورین دولتین واسطه به موقع مذاکره و اجرا گذارده خواهد شد و ذکر نموده است که دولت انگلیس پنجاه و هفت هزار لیره از برای اتمام خریطهٔ مزبوره مصارف کرده است و می‌گفته است که دولتین روس و انگلیس بجز در ایام محاربهٔ سابقه در مادهٔ تعیین حدود دولتین اسلام تا به حال متفق‌الرأی بوده‌اند این فقره را روزنامهٔ چاپ لندن طبع نموده و از روی آنها روزنامجات اسلامبول نیز نوشته بودند چنانچه نسخه از او در جوف به جهت استحضار عالی می‌فرستم، چون در تعلیقه‌جات سابقه اشاره شده بود که اگر ممکن است اتمام امر مزبور را تأخیر بیندازم، لهذا به مقرب‌الخاقان محمدعلی خان، شارژ دافر لندن نوشتم که از لارد رسل تحقیقات لازمه را به شخصه نموده و سفارت سنیه را اطلاع بدهد؛ شاید به وسیله انجام فرمایش سابقه جناب‌عالی را توانم داد. سواد شرحی که به مشارالیه نوشته‌ام، لفاً ارسال حضور عالی می شود و در بین صحبت جناب عالی‌پاشا نیز اظهار این مذاکرات لارد روکلیف و لارد رسل را در مجلس پارلمنت نمود، فدوی جویا شدم که سوای آنچه در روزنامجات نوشته‌اند ابلاغ رسمی هم از سفارت انگلیس به باب‌عالی شده است یا

خیر، در جواب گفت هنوز ابلاغی نشده است اما ایلچی عثمانی در لندن مذاکرات مرقومه را به توسط تلغراف به ما اطلاع داده بود؛ پس از آنکه جواب از محمدعلی خان رسید و درجهٔ عمل معلوم شد، به قدری که بازد ست در فراهم آوردن اسباب و تعجیل کار سعی خواهم نمود. مورخه دوشنبه ۲۱ شهر ذیقعده ۱۲۸۱

محل مهر: عبده الراجی حسین محمد

در باب ترجمه [illegible] چنانچه مفصلاً در ضمن عریضه نمره [illegible] عرض [illegible] رسانیده‌ام [illegible]

[illegible] تفلیس [illegible] تفلیس [illegible] است [illegible]

حالا [illegible] است [illegible] جواب [illegible] است که [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] تفلیس [illegible] است [illegible]

[illegible] است که [illegible] تفلیس [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] جات [illegible] چنانچه [illegible] جات [illegible]

[illegible] جات [illegible]

[illegible] جناب [illegible]

اظهار [illegible] است [illegible] جات [illegible]

تفلیس [illegible] است [illegible] جواب [illegible] است [illegible]

پس [illegible] جواب [illegible] که لازم است [illegible] اسباب [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۶۶
موضوع: تعیین حدود ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۱ ذیقعده ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

متعلق به نمره ۱۸۰

هو

سواد یک فقره از مراسلهٔ مورخهٔ ۹ شهر ذیقعدةالحرام ۱۲۸۱ دایر به مقدمهٔ خریطهٔ سرحد دولتین علیتین ایران و عثمانی از سفارت سنیه به مقرب‌الخاقان محمدعلی خان شارژ دافر لندن نوشته شده است.

از قراری که روزنامجات فرنگستان درج نموده بودند، و از روی آنها روزنامه‌های اسلامبول انتشار داده‌اند، لارد ردکلیف ایلچی سابق انگلیس در اسلامبول از لارد رسل وزیر امور خارجه در مجلس پارلمنت سؤال نموده است که تعیین حدود مابین ایران و عثمانی که به واسطهٔ انگلیس و روس بایست تمام شود، چرا آنقدر تأخیر کرده است؛ و لارد رسل جواب داده است که خریطهٔ سرحد، مابین مهندسین انگلیس و روس مذاکره شده و اتفاق رأی حاصل نموده تمام گردیده است و در ظرف یک ماه دیگر مابین دولتین ایران و عثمانی و مأمورین انگلیس و روس به موقع مذاکره و مباحثه گذارده خواهد شد. لهذا لازم شد شما را زحمت بدهم که اگر مناسب می‌دانید، مجلس ملاقاتی از لارد رسل خواسته تحقیق این مطلب را درست نمایید که آیا واقعاً خریطهٔ مزبوره تمام شده و در ظرف یک ماه به موقع اجرا و مذاکره گذارده خواهد شد یا هنوز طولی دارد زیرا که اطلاع اولیای دولت علیه و این سفارت از حقیقت این فقره خیلی لازم است و هر قدر زودتر و مفصلتر از این مقدمه مطلع شوند، منافع خودشان را به همان درجه بهتر می‌توانند محافظه نمود. یقین دارم که به قدر امکان در تحقیق این فقره و اطلاع دادن به این‌جانب مضایقه نخواهید کرد.

والسلام

۱۰۱
۲۱ ذیقعده [illegible]

سواد کاغذ نمره [illegible] از اسلامبول مورخه ۹ شهر ذی‌الحجة الحرام ۱۲۸۱ [illegible]

از قراری که [illegible] جناب [illegible] روزنامه‌ها [illegible] کابینه [illegible] انگلیس

در اسلامبول [illegible] در مجلس [illegible] انگلیس [illegible]

تمام [illegible] انگلیس [illegible]

تمام [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] مجلس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] والسلام

شمارهٔ سند: ۲٦۷
موضوع: تهیهٔ نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۲۸۳ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۹٤

خلاصه شد

فدایت شوم، به واسطهٔ تلغراف به خط رمز، وصول نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی را از پطربورغ به جهت ابلاغ به باب‌عالی معروض داشته‌ام. به فاصلهٔ یک هفته نقشهٔ انگلیسی‌ها نیز رسید و به سفرای روس و انگلیس تعلیمات داده‌اند که یک نسخه از نقشهٔ مزبوره را متفقاً امضا نموده به باب‌عالی بدهند و نسخهٔ دیگر را نزد خود نگاه بدارند. و همچنین در دارالخلافه نسخه[ای] به وزارت جلیلهٔ امور خارجه داده و نسخه[ای] در نزد خود داشته باشند و اتمام عمل را به دولتین ایران و عثمانی واگذار نموده در هر نقطه که اختلاف فی مابین دولتین واقع شد، رجوع به مأمورین دولتین واسطه نموده و تصدیق آنها را بخواهند عجالتاً سفرای مشارالیهما هر یک مأموری از اتباع سفارتخانهٔ خود به جهت مقابلهٔ دو نسخهٔ نقشه معین نموده‌اند؛ پس از آنکه مقابلهٔ آنها تمام شد و اختلافی ملاحظه نکردند، یکی از نسخه‌ها را امضا نموده به باب‌عالی خواهند داد. و چاپار انگلیس که حامل این عریضه است نقشهٔ سرحدات را به جهت جناب مستر الیسون می‌آورد و البته به سفارت روس هم رسیده است وصول نقشه‌ها از جانب مشارالیهما به جناب عالی پاشا شفاهاً اعلام شده است. منظور اولیای دولت علیه هرگاه تأخیر یا تعجیل در اتمام این عمل باشد، سفارت سنیه اعلی حضرت شاهنشاهی به هر یک از شقین مقتدر است و منتظر اشارهٔ جناب‌عالی می‌باشد که لوازم منظور و مقصود اولیای دولت علیه را فراهم تواند آورد. چون مرقوم فرموده‌اید که من بعد عریضه‌جات به قدر امکان مختصر نوشته شود، به همین قدر جسارت رفت. زیاده عرضی ندارم. ۲۱ شهر جمادی‌الثانی ۱۲۸۳

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

قربانت شوم به واسطه تعارف به کار روز صورت نقشه سرحدات ایران و عثمانی را از نظر مبارک [illegible] عرض داشته‌ام

نقشه‌ای که یک نسخه نقشه انگلیسی‌ها [illegible] روس و انگلیس [illegible] یک نسخه از نقشه [illegible] نسخه دیگر را

نقشه خود نگاه بدارند [illegible] دولت [illegible] ایران و عثمانی [illegible] گذارده

در هر نقطه اختلاف [illegible] رجوع [illegible] واسطه [illegible]

[illegible] نسخه نقشه [illegible] پس از آنکه مقابله [illegible] اختلاف ملاحظه [illegible] یک نسخه [illegible]

انگلیس [illegible] نقشه سرحدات را [illegible] جناب [illegible] آورد [illegible] سفارت روس [illegible]

به جناب [illegible] اعلام [illegible] سفارت [illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۱ شهر [illegible] ۱۲۹۳

شمارهٔ سند: ۲۶۸
موضوع: تهیهٔ نقشه سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ۵ رجب ۱۲۸۳ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۲/۱۰۸

خلاصه شد

فدایت شوم، از قراری که معلوم می‌شود خریطهٔ سرحدات ایران و عثمانی را مأمورین دولتین واسطه به طوری کشیده‌اند که به هیچ‌وجه تعلق ارضی و امکنه را به احدی از طرفین معلوم نکرده‌اند. فرقی که این خریطه با سایر نقشه‌هایی که در فرنگستان کشیده‌اند دارد، این است که خریطهٔ مزبور را بزرگ کشیده و جمیع نقاط و جزویات سرحدیه را نشان داده‌اند و می‌گویند اتمام عمل منوط به مذاکرهٔ فی‌مابین دولتین است و در هر نقطه که اختلاف فی‌مابین ایران و عثمانی واقع شد، رجوع به سفرای دولتین واسطه نموده و مشارالیهما نیز از روی راپورت مأمورین خودشان که در قومسیون ملاحظهٔ سرحدات بوده‌اند، تصدیق یکی از طرفین را نماید. چون یک نسخه از خریطهٔ مزبور را باید خدمت سرکار بدهند و از ملاحظهٔ او درک خواهید فرمود احتیاج به اطناب ندارد. چنانچه عرض شده است هنوز مقابلهٔ خریطهٔ انگلیس و روس صورت اتمام نیافته است که یکی از نسختین را امضا نموده به نظارت امور خارجه عثمانی بفرستند من‌بعد هرچه دایر به این فقره واقع شود معروض خواهم داشت. معروضهٔ ۵ شهر رجب‌المرجب ۱۲۸۳

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] جواب این فقره همان است که آن روز **شفاهاً فرمودیم، باید همان‌طور مفصلاً به وزیرمختار بنویسید.**

نمره ۱۰۸

ملاحظه شد

و بعد شهر — از قراری که معلوم میشود خریطهٔ سرحدات ایران و عثمانی را ایلچیان دولتین روس و انگلیس کشیده‌اند و از روی ... نقش

[illegible]

و این دو که بابد از نظر فنی معلوم کرده‌اند فرق این خریطه با سایر نقشه‌ها که در انگلستان کشیده‌اند دارد و این است که خریطه را زرد

بزرگ کشیده‌اند و جمیع نقاط و جزئیات سرحد را نشان داده‌اند و دیگر اینکه تمام علامات نقاط سرحد را بدرستی نشان داده‌اند و خود نقطه‌ها

فیمابین ... واقع است جمیع ... رابطه ... را نیز از روی ... است ... خود شان ... مشخص

سرحدات ... یا از روی ... چون یک نسخه از خریطه ... بخدمت ... او

و دیگر ... مصلحت نیست چنانچه ... هر ... خریطهٔ انگلیس ... صورت اتمام یافته است

۱۲۶۳

و ... مورخه ... شهر ...

شمارهٔ سند: ۲۶۹
موضوع: تهیهٔ نقشه سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ٦ رمضان ۱۲۸۳ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

نمره: ۳/۱۲۲

خلاصه شد

فدایت شوم، خریطهٔ سرحدات دولتین ایران و عثمانی که وصول آنها را به سفارت روس و انگلیس معروض داشته‌ام، پس از آنکه مأمورین آن دو سفارت به مقابلهٔ او پرداختند، دو خریطه را با یکدیگر متفق و متحد نیافتند. به اعتقاد لارد لاینز و جنرال اغناتیف اگر هم مطابق یکدیگر بودند، دو نسخه کفایت این کار را نمی‌کرد و به جهت اتمام تعیین حدود طرفین اقلاً هشت نسخه لازم است که دو نسخهٔ او را به دولت علیه ایران و دو نسخهٔ دیگر به دولت عثمانی بدهند. و دو نسخهٔ دیگر در سفارت روس و انگلیس و دو نسخهٔ دیگر در وزارت امور خارجهٔ لندن و پطربورغ باید موجود باشد که در ظهور اختلاف فی مابین مأمور ایران و عثمانی همینکه رجوع به دولتین واسطه و سفرای آنها شد، از روی بصیرت بتواند رأی خود را بیان کرد. عجالتاً لارد لاینز و جنرال اغناتیف از قراری که عرض شد، مراتب را هر یک به دولت متبوعهٔ خود نوشتند و اگر به آنچه مشارالیهما نوشته‌اند از دولتین انگلیس و روس تصدیق نمایند، اتمام هشت نسخه از آنها سالها طول خواهد کشید. مراتب به جهت اطلاع سامی عرض شد و هر جوابی که از لندن و پطربورغ برسد بدون تأخیر به عرض و استحضار خدمت عالی مبادرت خواهم ورزید. در این اوقات دولت عثمانی که گرفتاری‌های متعدد دارد به هیچ‌وجه میلی به مباشرت اتمام عمل تعیین سرحد دولت ایران ندارد و از تأخیر و تعویق او باطناً ممنون و خوشحال می‌باشند. کیفیت محض اطلاع خاطر جناب عالی عرض شد. زیاده عرضی ندارم. **معروضه ٦ شهر رمضان‌المبارک ۱۲۸۳**

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

در باب نقشه   مرقومه سرحدات و نقشه‌ای که در روز دوشنبه ابتدا به سفارت روس و انگلیس موسوم داشتم که از آنکه در همان روز به سفارت

بفرستادند و در خریطه را با یکدیگر تطبیق داده نیافت به جناب لارد رالانیز و جنرال ... اگرچه مطابق ... نسخه کفایت این کار را نمی‌کرد

و لیکن اتمام تعیین سرحد طرفین اطلاعات نقشه لازم است در نسخه اولی دولت علیه ایران و در نسخه دیگر دولت عثمانی بسته و در نسخه دیگر سفارت

روس و انگلیس و در نسخه دیگر در وزارت امور خارجه لندن و پطرزبورغ باید موجود باشد در نظر اختلاف فیمابین مأمورین و مقاصد هنگامه‌جویی دولتین

و اطلاع و نقاط آنجا از روی بصیرت ترجمه رأی خود را بیان کرد جناب لارد رالانیز و جنرال ... از قرار مذکور عرض نمودند که ترتیب لارد ... دولت

ترجمه خود نوشته و لکن در این چند وقت الی‌الآن نوشته‌اند از جانب انگلیس و روس تصدیق نمایند اتمام نقشه از جهات کلی ملاحظه شده

بجهت اطلاع خاطر همایون عرض شد که در جلد به وزارت لندن و پطرزبورغ ... بدون تأخیر تعریض و انگلیس زحمت عالی مباشرت خواهم ورزید

اوقات دولت عثمانی که فعلاً زیادی مقصود دارد هیچ یک مسئله به مباشرت اتمام تعیین سرحد دولت ایران ندارد و از تأخیر و تعویق

باطناً ممنون و خوشحال می‌باشند کیفیت محض اطلاع خاطر جناب جلالت عرض شد زیاده عرضی ندارد سه‌شنبه ... شهر رمضان المبارک ۱۲۸۳

شمارهٔ سند: ۲۷۰
موضوع: تهیهٔ نقشهٔ میانهٔ سرحد ایران و عثمانی
تاریخ: ۲۲ اکتبر ۱۸۶۹ (۱۲۸۵ هـ.ق)
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ سواد مراسلهٔ ایلچی کبیر انگلیس به جناب عالی‌پاشا به انضمام نقشهٔ سرحدیه دولتین ایران و عثمانی (از طرف سفارت ایران)

نمره: ۸۸

امضاکننده به اطاعت به حکم دولت خود مفتخر است از اینکه یک نقشهٔ سرحدیه عثمانی و ایران که از روی دستورالعمل متفقانهٔ دول متوسط (واسطه) به جهت تعیین سرحد میانهٔ ممالک عثمانی و ایران درست شده بود، برای جناب صدراعظم بفرسد. اولیای دولت انگلیس امیدوارند که اهتمامات آنها معاً با مساعی دولت اعلی حضرت امپراطور روس به جهت رفع سبب اشتباهی که از جهت معین نبودن سرحد میانه مملکتین اسلام پیدا می شد، به واسطهٔ این نقشه که تقدیم باب‌عالی می شود کاملاً مکلل به اکلیل حاصل مرادی بشود. یک (سواد از آن) نقشه نیز برای دولت ایران فرستاده شد با امید (از طرف دول متوسط) اینکه خط سرحد میانهٔ ممالک متعلقه به اعلی حضرت سلطان و اعلی حضرت شاه، میانهٔ حدودی که روی نقشه نشان شده است پیدا بشود. و که خود اولیای دولت آنها آن خط را معین نمایند. لکن در صورت وقوع اختلاف و منازعه میانه آنها (دو دولت) در خصوص مکان مخصوصی آن نقاط متنازع‌فیه از روی عهدنامهٔ ازرنة‌الروم باید رجوع به دول انگلیس و روس بشود. چون برای دولت عثمانی و دولت ایران هر کدام دو نقشه فرستاده شده است؛ یک نقشه را خود دولت نگاه‌داشته، نقشهٔ دیگر را به هر مأموری که به جهت تعیین خط سرحد میانهٔ این دو مملکت خواهند فرستاد، خواهند داد.

محل امضای: ایلیوت

ترجمهٔ خانزاد دولت جاوید آیت علی اکبر الحسینی

ترجمه مراسله سفارت انگلیس به باب عالی با نقشه سرحدیه ایران و عثمانی

اسلامبول ۲۲ اکتوبر ۱۸۹۹ — نمره و — نمره ۱۸۱ [illegible] ۸۳

امضاکننده با اطاعت حکم دولت خود افتخار دارد که یک نقشه سرحدیه عثمانی و ایران را که در [illegible] دستور [illegible]

دول متوسطه (واسطه) بجهت تعیین سرحد مابین ممالک عثمانی و ایران درست شده بود برای جناب صدر اعظم بفرستد دولت

انگلیس امید دارد که استعلامات آتیه معاً با سعی دولت اعلیحضرت امپراطور روس بجهت رفع اشتباهات از جهة

تعیین خط سرحد مابین مملکتین اسلام [illegible] بوده بوسیله این نقشه که تقدیم باب عالی میشود کاملاً معلوم [illegible]

یک (بعینه [illegible]) نقشه نیز برای دولت ایران فرستاده شده باشد (از طرف دول متوسطه) که خط سرحد مابین ممالک

متعلقه اعلیحضرت سلطان و اعلیحضرت شاه مابین حدود دیگر روی نقشه نشان داده شده است [illegible] که از آن جهات

آن خط را معین نماید لکن در صورت وقوع اختلاف و منازعه مابین آنها (دولتین) در خصوص مکان مخصوص

آن نقاط متنازع فیه از روی عهدنامه ارزنةالروم باید رجوع به دول انگلیس و روس نمود چون که دولت عثمانی

و دولت ایران هر کدام یک نقشه فرستاده شده است یک نقشه را خودشان نگاه داشته نقشه دیگر را به مأمورین که بجهة تعیین خط

سرحد مابین این دو مملکت خواهند فرستاد خواهند داد

مهر [illegible]

ترجمه مطابق اصل است [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۱
موضوع: منطقهٔ قازلی کل
تاریخ: ۱۲ محرم ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد ترجمه شده به عبارت فرانسوی به سفرای دولتین واسطه نوشته می‌شود

تفصیلی که از طرف دولت عثمانیه به عنوان نسخهٔ مکاتبات متبادله در حق قازلی کل، ملک طلق بلانزاع دولت ایران به عبارت فرانسه در اسلامبول به سفرای دول واسطه تحریر و تبلیغ شده است، بدقت ملاحظه شد. بدیهی است که در میان دو دولت دوست خاصه همجوار، هرگونه ادعایی که مربوط به اجازت معاهده نبوده باشد صلاحیت آن را نخواهد داشت که از هیچ طرف پیشنهاد و وسیلهٔ اختلاف بین الدولتین اتخاذ شود.

چون مأمورین دول واسطه و وکلای طرفین سالها در مجالس ارزنة الروم زحمت کشیده به دعاوی و دلایل طرفین رسیدگی کرده، آخر منتهی به عقد معاهدهٔ اخیر مورخهٔ سنهٔ ۱۲۶۳ هجری گردیده و به موجب فصل دویم آن قرار معینی که در خصوص محمره و ذهاب و سلیمانیه مقرر و به جهت رفع همین طور اختلافات واقعه در حق سایر اراضی به موجب فصل سیم از طرفین به ترک دعاوی قویاً تعهد شده است. و به همین جهت وکلای دول واسطه در مجالس طراحی حدود محمره یعنی در مجلس دویم آن از تجدید دعاوی گذشته و استنادات سالفه اعتذار نمودند. و به همین جهت دولت ایران در این مسئلهٔ حاضره و امثال آن همیشه دولت عثمانیه را به رعایت معاهده دعوت نموده و از بابت دهات و بلوکات متکاثرهٔ ایران که به موجب فصل سیم معاهده در تصرف عثمانیه مانده است، هیچ گونه تجدید ادعایی پیشنهاد نکرده. فقط در حق درهٔ قتور و درهٔ دیری و درهٔ بارژکه و غیره و غیره که از خاک ایران پس از معاهده از طرف عثمانیه تخطی و غصباً تصرف شده است، پروتستو نموده و هنوز منتظر حقانیت دولت عثمانیه و مواعید منصفانهٔ دولتین واسطه است.

بنابراین دولت عثمانیه که در ابتدای مذکره مزبوره، اسناد عتیقه و استناد دفاتر قدیمهٔ خودشان را اساس ادعای قازلی کل برای خود قرار داده است، قطع نظر از

اینکه دولت ایران برای ردّ آن و اثبات حقوق قدیمهٔ خود در حق آنجا به اقامهٔ دلایل قویه قادر است. چون تا هر درجه که راجع به ایام قبل از انعقاد معاهده بوده باشد، قویاً از قبیل تجدید دعاوی گذشته و منافی فصل سیم معاهده است البته خارج از صلاحیت رجوع خواهد بود تا چه رسد به اینکه اساس ادعای تازه قرار داده شود. آمدیم به حالت ایّام انعقاد معاهدهٔ اخیره و بعد از آن از اینکه محل مزبور بلاشبهه سالها قبل از معاهده و بعد از آن تا حال مستمراً در تصرف حق ایران بوده و این معنی در ایام گردش حدود، شهوداً معلوم وکلای دول واسطه گردیده است. گویا هیچ گونه احتیاجی به اقامهٔ دلایل سایره باقی نبوده باشد. ومع هذا در صورت اقتضا از اثبات آن و اقامهٔ هر نوع ادلهٔ قویه و ردّ دلایل عثمانیه نیز عهداً و شرطاً مضایقه نخواهد شد. اگر واقعاً قدر این مقولهٔ حسن عهدداری و این همه سکوت ایران در باب اراضی و بلوکات و محالات کثیرهٔ خود که بعد از معاهده به خلاف معاهده از طرف عثمانیه غصب و متدرجاً از این طرف پروتستو شده است، در نظر انصاف دولت عثمانیه مجمل مانده، به تابع این مقوله دعاوی غیرمسبوق که چندسالی است به خلاف مدلول عهدنامه پیشنهاد شده است، در صدد زیاده‌طلبی و استدلالات خارج از اجازت معاهده بوده باشند جای افسوس و دلیل تجدید دعاوی متروکه و تخلف از شروط مقدسهٔ عهدنامهٔ مبارکه خواهد بود. اینکه در مذکرهٔ مزبوره و زراعت اهالی ایران و تعمیرات آنها در قازلی کل شکایتی مسطور و چنین اشعار گردیده که گویا (از طرف دولت ایران تأمینات رسمیه برای تخلیهٔ قازلی گل و تخریب تعمیرات آنجا داده شده و بعد نکول گشته و همچنین قرار به تعیین مأمورین جانبین و تحمیق حالت تعمیرات آنجا داده و باز مسامحه و دفع الوقت می نماید) اولاً: در حق همچو محلی که عهداً و شرطاً همیشه در تصرف ایران بوده و هست فرضاً اگر از طرف اهالی و سکنهٔ آنجا که رعیت ایران هستند، زراعت و عمارت تازه هم واقع شود، حقاً محل ایراد نمی تواند شد. مع‌مافیه و با وجود آنکه مباشرت اهالی آنجا و به زراعت و تعمیر تازه هنوز محقق نشده است، در صورتی که زراعت و تعمیرات تازهٔ اهالی قازلی کل در ملک طلق متصرف‌فیه چندین سالهٔ خود محل اشتکاء و ایراد بوده باشد، البته زراعت و تعمیرات و احداثات تازهٔ تبعهٔ عثمانیه در اراضی و بلوکات ملک طلق ایران از قبیل قتور و شرف‌خانه و آخورک و اماقه و غیره و غیره که بعد از معاهده غصب و تصرف نموده و هر روزه مشغول احداثات تازه در آنجا هستند، به طریق اولی محل ایراد و قابل شکایت و ممانعت حقهٔ ایران خواهد بود.

ثانیاً ابداً از طرف دولت ایران هیچ گونه سند رسمی و غیررسمی که موهم تخلیهٔ قازلی کل و صرف نظر از حقوق ظاهره و ثابته و قدیمهٔ این دولت در حق آنجا بوده باشد، به عثمانیه داده نشده است. اگر سندی در این باب دارند ابراز نمایند. گویا استناد عثمانیه به همچو امر موهومی هم از قبیل مشتبهاتی خواهد بود که سرحدداران عثمانیه به دولت متبوعهٔ خود برای تردید حقوق ایران در قازلی کل القا نموده‌اند.

ثالثاً، در باب تعیین مأمور از طرفین به موجب نوشتجاتی که از جانبین در این باب مکاتبه شده. سفارت ایران مقیم اسلامبول به اقتضای اصول انصاف و حقوق عمومی دول، از اول مذاکره به قید تخمین احداثات طرفین در اراضی مجاور یکدیگر از قتور تا قازلی کل تعیین مأموریت را تثبیت و قبول نموده و سند این معنی حاضر است که برای اقامهٔ دلیل ابراز شود. ولیکن عدم موافقت عثمانیه و میل ایشان به اینکه مأموریت مأمورین تنها منحصر به استکشافات راجعه به قازلی کل بوده برای کشف احداثات و تصرفات تازه عثمانیه در اراضی مجاور آنکه همگی غصب عثمانیه از ایران است، رجوع و موافقتی نشود، موجب تعویق امر گردیده است. بنابراین واضح می شود که دفع الوقت از کدام طرف و حق شکایت با کدام یکی است. و خلاصه اسناد تجاوز حدود که در ضمن تذکره مزبوره به پاشاخان داده شده، از روی حقیقت بدین قرار است: که اکراد جلالی ایران به شراکت و اتفاق بعض عشایر عثمانیه که موهم تحریک سرحدداران عثمانیه بود جسارت به تخریب بعض دهات ایران واقعه در قازلی کل و غیره نمودند و در آن بین مأمورین عثمانیه عوض اینکه اقلاً به منع عشایر خود بپردازند، سه دفعه با توپ و قشون نظامی تخطی حدود نموده داخل خاک قازلی کل شدند. دولت ایران ازین بابت شکایتی به دولت عثمانیه نموده. سرحدداران عثمانیه به جهت خلط مبحث و توسیع مسئولیت محتمله، اسناد تجاوز حدود به پاشاخان داده‌اند که گویا از قازلی کل به خاک عثمانی تجاوز نموده است و دلیلی برای اثبات آن اقامه نشد. از اینکه در مذکرهٔ مزبوره فقط اشاره به عزل پاشاخان شده است، بخوبی استناد می توان نمود که در حق سرحدداران عثمانیه که ثابتاً تجاوز به خاک ایران نموده‌اند، هنوز هیچ گونه مجازات و مکافاتی مجری و رعایتی به ترمیم شکایت ایران نشده است و همین دهات معینه است که دولت عثمانیه ابتدائاً به موجب مخابرهٔ تلغرافی به ایالت ارزروم و به واسطهٔ سفیر خود در طهران به ترمیم خرابی های واردهٔ به آنها اظهار موافقت نموده و بعد مجدداً به هر خیالی است بدون

اینکه منع احداثات را از حقوق متساویهٔ طرفین قرار دهند، مثل آنکه یکی از حقوق مختصه و امتیازیه عثمانیه است، در صدد منع ارجاع آنها به حالت سابقهٔ خود می باشند. نتیجهٔ کلام پس از همهٔ این تفاصیل و دلایل چنین می شود که قازلی کل عهداً و شرطاً ملک طلق ایران است و همیشه در تصرف بلانزاع ایران بوده و هست. سکنهٔ آنجا که اهل ایرانیه حق هرگونه زراعت و عمارت را دارند تا چه رسد به اینکه خرابی های واردهٔ بر خود را اعمار و به حالت اولی ارجاع نمایند. ممانعت و تعرض عثمانیه به این طور حق فاحش ایران، خاصه به تعمیر خرابی هایی که تازه به آنها وارد آمده است، مطابق دلایل عهدیه و شرطیه نمی تواند بود خصوصاً در حالتی که نظیر همین تکلیف در اراضی مغضوبهٔ خود منظور نمی دارد؛ چه آنها که عهد دولت عثمانی به دولت ایران ترک ادعا نموده و چه آنها که به خلاف معاهده غصباً پس از معاهده تخطی وتصرف نموده و در تحت پروتستو است. پس دولت ایران با داشتن این همه دلایل واضحه بر ثبوت حقیت خود در تعلق و اختصاص بلاریب قازلی کل به خودش و ظهور آن طور اعمال غیر مجوزه از سرحدداران دولت عثمانی که دلیل الغای شروط عهدنامه و تجاوزات غاصبانه در املاک سایرهٔ ایران مثل قطور و اماقه و محمودی و حوقلو و غیره می باشد، از قوه امکان خود خارج می داند. که تمکین به چنان ادعای کارگزاران دولت عثمانی نسبت به قازلی کل نماید این است که ابتدا رجوع به انصاف دولتین واسطه کرده مترصد ظهور نتیجهٔ منصفانه در رفع این غائلات می شود و اگر خدانکرده این آرزو به حصول نرسید و مأمورین آن دولت در مداومت مسلک و طریقهٔ مستحدثه خود که من غیرحق پیشنهاد کرده اند باقی ماندند، آن وقت اول تکلیف دولت علیهٔ ایران برای محافظت حقوق مقدسهٔ خود، مقابلتاً رعایت همان رفتار خواهد بود که از آن طرف پیشنهاد خود نموده اند. تمنی آنکه، زحمت کشیده سواد همین نوشته را به محال لازمه ابلاغ و از سفارت دولت متبوعهٔ خود مقیم اسلامبول خواهش نمایند که نسخه هم اطلاعاً به باب‌عالی تسلیم شود. ۱۲ شهر محرم ۱۲۸۶

[پی نوشت:] به اطلاع جناب مشیرالدوله به فرانسه ترجمه و در ضمن یادداشت جداگانهٔ مورخهٔ ۱۲ شهر محرم ۱۲۸۶ به سفارتهای ذیل ارسال شد.

موضوع: نقل قرانتینه به قازلی گل
تاریخ: ۲۷ محرم ۱۲۷۶ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

نمره: ۵۲

فدایت شوم، نواب محمد رحیم میرزا حکمران خوی نوشته بودند که کارگزاران عثمانی باز قرانتین را می‌خواهند به قازلی گل نقل نمایند و همچنین نوشته بودند که در اباقه می‌خواهند قرانتین بنا نموده از هر چادری یک امپریال و هرآدمی شش عباسی تنخواه دریافت نمایند. در این فقره با جناب فواد پاشا اولاً مکالمهٔ شفاهی نموده و خلاف بودن این دو حرکت را به ادله و براهین بیان نموده و ملک طلق دولت عیه بودن اباقه و قازلی کل را به جهات چند اظهار داشتم. در جواب گفت مراتب را از درویش پاشا که مأمور ما در تعیین سرحد بود سؤال نموده بعد به شما جواب می دهم. گفتم که هرگاه جواب من موقوف به تصدیق درویس پاشا بشود، گویا مشارالیه اباقه و قازلی گل و همهٔ آذربایجان که سهل است بندر بوشهر را هم هنوز تصدیق ندارد که مال ایران است. به طور صریح به شما می‌گویم که به کارگزاران خود هر قدر زودتر ممکن است که از این دو خیال صرف نظر نموده و الا هر نتیجه که حاصل شود به عهده و ذمهٔ کارگزاران عثمانی خواهد بود. وعده داد که مؤکداً بنویسند ترک این دو خیال را نمایند به نواب شاهزاده معزی الیه عرض نمودم و به بندگان عالی هم عرضه می دارم که مرقوم دارند در کمال سختی از این دو فقره ممانعت نموده و هرگاه چنین خیالی که کارگزاران قرانتین در اماقه و آوردن قرانتین به قازلی کل گول از طرف آنها صورت ببندد منع صریح نمایند اگرچه به زور اسلحه باشد در این فقره قبل از وقت تقریر رسمی هم بعد از مکالمه شفاهی به فواد پاشا ناظر خارجه نگاشته و تکلیف را از خود برداشته‌ام محض اطلاع خاطر بندگان عالی عرض شد. معروضه ۲۷ محرم‌الحرام ۱۲۷۶

موضوع: محل قرنتینه
تاریخ: ٤ ربیع الاول ۱۲۷۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت جلیلهٔ امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

در خصوص نقول قرنتینه به قازلی گول اولیای دولت علیه ایرانیه شرحی به تاریخ هشتم ذیقعده به سفارت سنیه نوشتند و ضمناً شکایتی از مأمورین قرنتینه کرده بودند. چون مدت اقامهٔ قرنتینه در محل مذکور مقتضی گردیده، به جای قدیم خود نقل شده است که تابستان آینده چنان که عادت معموله بود باز به همان قازلی گول آورده شود و تا آن وقت قویاً مأمول است که به اهتمام وکلای دولتین مسئلهٔ حدود به سرحد اتمام رسید عجالتاً جای گفتگو در این خصوص نخواهد بود لیکن این فقره را خاطرگذار آن جناب می نماید که علی خان حاکم ماکو همچنانکه همیشه تجاوز و تخطی به ممالک محروسهٔ دولت علیه می‌کند و سفارت سنیه و مأمورین دولت علیه را به شکایت می آورد وقتی که قرنتینه را به قازلی گل آورده بودند، از جانب خان مومی الیه به طوری حرکات خلاف ناشایست نسبت به مأمورین دولت علیه به ظهور رسیده است که خارج از مأموریت او است. فرض می‌کنیم خان مومی الیه با اذن و اجازهٔ اولیای دولت متبوعهٔ خود مداخله به آن صفحات خواسته بود اگر اعتراضی از مأمورین دولت علیه می دید شکایت به دولت خودش می‌کرد نه معاملهٔ غیرمترقبهٔ سفارت سنیه خواهش می نماید که قطعاً در این باب به خان مومی الیه احکام صادر شود که هیچ‌وقت مداخله به امورات سرحدیه نکند و با مأورین حدود دولت علیه حسن حرکت و رفتار نموده اگر شکایتی از مأمورین این طرف داشته باشند، مراتب را به اولیای متبوعهٔ خودش عرض نماید که اولیای دولت مشارالیها بالذّات گفتگو با وکلای فخام سلطنت سنیه و سفارت او نمایند. در خصوص یارم‌قیا و طانبات خاک دولت علیه که مأمورین ایالت ارزروم از حرکات خان مومی الیه خالی از شکایت نیستند در ضمن این مراسله زحمت‌افزای آن جناب می شود که تا قرار قطعی دولتین داده شود، خان مومی الیه وجهاً من الوجوه مداخله به آن صفحات ننماید. دولت علیه بنا بر کمال

دوستی و مضافاتی که نسبت به آن دولت دارد دور نیست تا قراراتی از تصرف حقیقی ملک طلق خود موقتاً صرف نظر نموده باشد اما در صورتی که خان مومی لیه لاینقطع بنای احلال استاتوقوی محال مرقومه را گذارد، بدیهی است که مأمورین سلطنت سنیه معامله متقابله را به عمل خواهند آورد. زیاده زحمت نمی دهد. حرر فی ٤ شهر ربیع الاول ۱۲۷۵ (محمد توفیق)

موضوع: تجاوز و تخطی به قازلی گل
تاریخ: ۲۴ جمادی‌الاول ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

چنانچه از ولایت ارزروم به باب‌عالی در اسلامبول اشعار شده، سفارت سنیه را با تلغرافات به ابلاغ آن اعلام کرده‌اند و از جاهای دیگر هم معلومات کافیه به دوستدار رسیده است. ناشی از ماده و حادثهٔ [ای] که مابین عشیرت جلالی تابع ماکو و حاکم اواجیق پاشاخان اتفاق افتاده بوده است موافق تقویم دارالسعاده صبح پنجشنبه نهم جمادی‌الاولی، پاشاخان با سیصد نفر سوار و مقداری سرباز مسلحانه از تخطی و تجاوز از قازلی گول ملک صحیح سلطنت سنیه همچنان متجاسرانه می‌رود به قدر بیست دقیقه مساف تا به آن طرف کدوک خزینه و قایم‌مقام بایزید پس از استحضار از این حرکات متجاوزانه آدمی به نزد خان مومی الیه فرستاده از موجبات صدور چنان تخطی و تجاوز علنی از مأمور دولتی در خاک دولت دوست در حالتی که همهٔ مساعی کارگزاران و اولیای طرفین به ازدیاد اتفاق و اتحاد جانبین مصروف است، پرسیده خان مومی الیه جسورانه و بی‌ادبانه جواب داده است که از جانب دولت علیه ایران به اجرای بعضی مصالح مأموریم و قبل از آنکه به مأموریت خود نایل بشویم، معاودت نخواهیم نمود و علاوه بر این سخنهای غلیظ درشت هم می‌گوید. در ثانی عمدة العظماء الفخام قایم‌مقام بایزید مراسله به خان مومی الیه نوشته از آن حرکت تجاوز بعینه پروتستو می‌کند و می‌نویسد که اگر برای شما مصلحت دولتی می‌بود می‌بایستی به مأمورین دولت علیه اعلام کنید نه اینکه با این همه جسارت به تجاوز حدود مبادرت نمایند و آن مراسله را به واسطهٔ ضابط مخصوص به اتفاق حمدی افندی قایم‌مقام و بادین می‌فرستد که خان مومی الیه را ملاقات کرده برسانند ولی وقتی که افندی مومی الیه و ضابط مرقوم آنجا رسیده بودند، می‌بینند که پاشاخان با سوار و سربازی که به همراه داشته معاودت کرده

است. و اکنون موافق انتظار و مأمول و مظنون وکلای فخام دولت علیه که این طور تخطی و تجاوز می ورزد که به صحت و یقین مقرون است و حقاً نمی توان به بعضی مسائل مشکوکهٔ غیرصحیحه مثل مسئلهٔ سعادتمآب شمسی پاشا مقایسه نمود. ولی دولت علیه ایران متجاوزین و متجاسرین معهودهٔ مرقومه را شدیداً و علناً تنبیه و تأدیب فرمایند که هم مقتضای شیمه و صفوت دولتین علیتین باشد و هم لایق و مناسب وقایه و حفظ ناموس و شأن سلطنت سنیه. زیاده زحمت ندارد. ایام مودت مستدام باد. مورخه ۲۴ شهر **جمادی‌الاولی ۱۲۸۵ (یوسف رضا)**

موضوع: برداشتن ستون و سیم تلگراف از اراضی قازلی گل
تاریخ: ۲۷ جمادی‌الاول ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصاباً فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

در باب رفع و دفع ستون و سیم تلغراف که مأمورین دولت علیه در اراضی قازلی گول ملک طلق صحیح صریح سلطنت سنیه را و نصب کرده از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت اقدس پادشاهی و اولیای دولت علیه ایران به دوستدار در بدو ورود به طهران ابلاغ و اظهار شد. بنابرآنکه امنای دولت علیه ایران قازلی گول را از اراضی متنازع فیهما و واقعه تحت اسطاطسکو دانسته بودند، چنانچه جناب مشیرالدوله هم در اسلامبول وانمود کرده بودند و گذراندن سیم تلغراف مزبور را تا مرفوع شدن مسئلهٔ حاضره اسطاطسکو از مابین دولتین علیتین به طرف دیگر از خاک دولت علیه خواسته بودند، دوستدار مساعی مصلحانهٔ خود را مصروف داشته محض تحصیل رضایت و خشنودی خاطر بیضا مظاهر همایون و تکمیل امنیت و اطمینان دولت علیه ایران از نیات خیرخواهانهٔ خود اول به واسطهٔ تلغراف و در ثانی به موجب ذریعه‌جات مراتب را به وکلای فخام دولت متبوعهٔ معظمه خود چنانچه مشهود آن جناب جلالت‌مآب است، معروض و معلوم داشته وکلای معزی الیهم نیز به جهت اینکه افکار وقایه کارانه سلطنت سنیه را در این خصوص هم اظهار نمایند از والی ولایت ارزروم تسهیل حصول این مقصد موقتی را استفسار و استعلام کرده پس از استحصال جواب موافق مقرر داشتند که سیم مزبور را از سایر اراضی دولت علیه یعنی از محل موسوم برجیس بگذرانند. ولی قویاً اظهار می دارند که اگر بنا بر زعم کارگزاران دولت علیه ایران قازلی گل از اراضی متنازع فیهما و واقعه در تحت اسطاطسکو است، چرا برخلاف اصول و منافی قاعدهٔ اسطاطسکو در اراضی مزبوره مأمورین ایرانیه احداث قراء و قلاع می‌کنند و موجب تعجب و تأسف این طرف شده از باب‌عالی پروتستو گردیده است. و لهذا برعهدهٔ امنا و کارگزاران دولت علیه

ایران با وجود چنین حرکت وقیحه که از جانب سلطنت سنیه همه گر مقتضی معامله متقابله هم باشد، واجب و لازم است که سریعاً و مؤکداً به مأمورین لازمه صدور فرمایند که قلاع و قرای محدثه موصوفه را خراب و منهدم ساخته آن اراضی را به حالت اصلیه خود معاودت دهند و البته آن جناب جلالت‌مآب این اظهار باب عالی را به سمع قبول اصغا فرموده در اجرای آن اقدام و مبادرت خواهند فرمود. زیاده زحمت ندارد.

۲۷ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸۵ (یوسف رضا)

موضوع: قازلی گل ملک طلق ایران
تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد مراسله وزارت خارجه به جناب رضابیک سفیر عثمانی

آن جناب در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۸٤ محل قازلی گل ملک طلق متصرف‌فیه استمراری دولت علیه ایران را از اراضی متنازع فیهما و محل واقعه در تحت اسطاطسکو تصور نموده ترک امر از سیم تلغراف دولت عثمانیه را از آنجا به رعایت این معنی تفسیر و چنین وانمود کرده بودند که گویا اولیای دولت ایران نیز به همین مظنّه و عقیده‌اند. بدین‌واسطه به استناد اینکه احداثات بعضی قلاع و قرا در آنجا از طرف ایران شده است، رجوع آن به حالت اولی مطالبه نموده بودند. لزوماً آن جناب را ملتفت این معنی می‌نماید که اولاً محل قازلی گل که همیشه در تصرف سرحدداران این طرف و از ممالک طلق دولت علیهٔ ایران بوده است، هیچ وقتی تملک حق این دولت در آنجا در نظر اولیای دولت علیه محل تردید و داخل اراضی واقع در تحت اسطاطسکو معدود نشده است و بدین جهت مظنّهٔ آن جناب را در حق عقاید این دولت که گویا آنجا داخل اراضی واقعه در تحت اسطاطسکو بوده باشد تصدیق و تصویب نمی‌توان نمود بنابراین، حالت تکلیفی که به عنوان این عقیده در حق آنجا به وزارت امور خارجه نموده معلوم آن جناب و مستغنی از اسباب جواب خواهد بود. در بعضی مواقع که در وزارت امور خارجه و یا مأمورین جزء از دولت علیه متبوعه با آن جناب متمنی رعایت اسطاطسکو در حق اراضی مزبوره شده‌اند، من باب تزلزل الزامی و قطع راه عذر مأمورین دولت علیه عثمانیه بوده است که فرضاً اگر آنجا را از محال واقعه در تحت اسطاطسکو هم تصور کنند باز به هیچ‌وجه حق مداخله و تعرّضی در حق آنجا نداشته باشند و البته آن جناب به ذکاوت و انصاف سفیرانهٔ خود تصدیق و اذعان خواهند نمود که به این وضع تغییرات الزامیه دلیل اعتراف و اذعان این طرف به عقاید مزبوره نخواهد بود. ثانیاً با وجود این تفاصیل و با اینکه قازلی گل عبارت از یک دره‌ای است که از دره‌های بلوک اواجیق نزدیک به قُلّه گردنه بلوک مزبور مشرف داخله ایران زیاده از یک فرسخ و کسری طول و

خمس فرسخ عرض ندارد و زمین آن غیر نی و روی آب و عمرفی نیز آبادی است و هرگز قبیلهٔ آن را نه رد قدیماً و مستحدثاً نیز همه آبادی که آن جنب و مأمورین عثمانیه در حق آنجا دعوی می نمایند صورت مکان داشته باشد باز وزارت خارجه محض اظهار حسن همراهی مضایقه از این ندارد که اگر دولت عثمانیه تصرفات و احداثات مستحدثه خود را در حق دقه و آخورک و غیره ملک ضمن این دولت علیه غصبی مأمورین عثمانیه و سایر اراضی واقعه در تحت اسطاطسکو که بعد از انعقاد معاهدهٔ اخیره ارزنة الروم بسکه اغلبی را بعد از عبور وکلای دول اربعه از آن حدود از تصرف حق این طرف انتزاع و غاصبانه به ایجاد احداثات تازه و ابنیهٔ جدیده در آنجاها مباشرت نموده‌اند به حالت اولی راجع و عاید ساخته قرار اسطاطسکو را در حق آنجاها منظور بدارند دولت علیه نیز در حق قازلی کی با وجود اینکه طرف نسبت محل مزبوره نمی تواند شد همین قرار را اگر احداثات تازه داشته باشد محض اسکات آن جناب و قطع راه گفتگو منظور و مجری بدارد. **شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۸۵**

[illegible] ۱۲۸۵ [illegible]

مواد ترجمه شده بعبارت فرانسه سفرای دولتین واسطه نوشته میشود

نتیجه که از طرف دولت عثمانیه بعنوان نسخه مکاتبات متبادله در حق قرار یک خط حد نزاع دولت ایران بعبارت فرانسه در سه سفرای دول واسطه تحریر و تسلیم شده است بقرار چند فقره چنین است که در میان دو دولت دست خاصه مجاور هر گونه ادعائی که مربوط بامورات مساحه بوده باشد صحت از انحصار داشته که در هیچ طرف مشهود و بسیار اختلاف بین الدولتین اتفاق نبود چونکه امورات دول واسطه که بطرفین سالها در مجلس ارزنة الروم زحمت کشیده بادعای موجود در طرفین رسیدگی کرده آخر عهدنامه مساحه جزو مورخه سنه ۱۲۶۳ هجری گردید که بموجب فصل دوم آن قرار مستقره در خصوص محمره و زهاب و سلیمانیه مستقر و بجهة رفع همه اختلافات دایمه در حق سایر اراضی بموجب فصل سیم از طرفین ترک ادعا در حق آنها نموده است و بهمین جهة که در دول واسطه در مجلس طرح حدود محمره بین دو مجلس دوم آن از تجدید ادعای گذشته سکوت داشته بالغه امتناع نمودند و بهمین جهة دولت ایران در انگیزه حاضره بمثل آن همیشه دولت عثمانیه نیز رعایت مساحه را موجب نموده و در زهاب و دهات و ملکات که تازه ایران موجب فصل سیم مساحه در تصرف عثمانیه مانده است هیچگونه تجدید ادعائی نکرده فقط در حق ذره قوره و دره دیری و دره بازرگ بغیره و جزو از خاک ایران پس از مساحه از طرف عثمانی

تحمل و غصب و تصرف شده است بیشتر بوده و هنوز منظور حقانیت دولت عثمانیه در مواجهه سفارتین
واسطه است بنابراین دولت عثمانیه در ابتدا ارضی که از روی اسناد عتیقه و اسناد و دفاتر قدیمه خودشان را
اساس ادعای خاک مملکتی برای خود قرار داده است قطع نظر از اینکه دولت ایران برای رد آن
و اثبات حقوق قدیمه خود در حق آنجا باقی مانده و مدعی قرار داده است چون تا هر درجه راجع
با اراضی قبل از انعقاد معاهده بود حالیا از قبیل تجدید دعاوی گذشته و منافی نص صریح معاهدات است البته
خارج از صحت و حیث رجوع خواهد بود تا چه رسد باینکه مایه ادعای تازه قرار داده شود آنچه را که
بعد از انعقاد معاهده اخیره و بعد از آن از اینکه متصرف بوده بعد از معاهده سابق از معاهده و بعد از آن
تا حال متصرفا در تصرف حق ایران بوده و همچنین در ایام گردش حدود مشهود اسلام یکدیگر دول واسطه
کرده است که باینکه جمیع آنها به مدعی سایره باقی بوده باشند در صورت قبول از اثبات
آن و اقامه هر نوع ادله قویه در رد مدعی عثمانیه نیز جهت دیگر ملاحظه نخواهد شد اگر دولت
قدر این قوله حسن عهد داری را بنیه سکوت ایران در باب اراضی و ولایات و معاهدات که جزو
معاهده است بعد از معاهده از طرف عثمانیه غصب شده رجا از طرف پیوسته شده است
در نظر انصاف دولت عثمانیه مجهول است باقی امور این قوله دعاوی غیر مسبوق و هیچ یک از آنها تا بعد
مرتبت مهتاز درجه و زیاده طلبی داشته ممکن است خارج از اعتبارات معاهده

۳

بوده باشند حالیه ترس خواهد بود اینکه در نه گره مزبوره زراعت اهالی ایران و تعمیرات آنها در زنگلک
شکایت سفارت چنین شمارگردیده که گویا از طرف دولت ایران تعلیمات رسمیه برای تخلیهٔ زنگلک
و تخریب تعمیرات آنجا داده شده و به کمک گشته و همچنین قرار بعین ا و ریزجا بنی تحقیق حالت تعمیرات
آنجا داده و با مسامحه در وضع اوقات بیاید) آنچه در حق همه متعلقه ... همیشه در تصرف
ایران بوده و هست فرضا اگر از طرف اهالی سکنه آنجا رعیت ایران همه زراعت و عمارت
تازه هم وجود و حتی مطالبه ایراد نتوانند شد مع فیه و با وجود آنکه با اثبات اهالی آنجا در زراعت و تعمیر
تازه هنوز تحقق نیافته است در صورتیکه زراعت و تعمیرات تازه اهالی قازانلیک در ملک ملک
متصرف فیه چه بیاد خود مدعی شکایتی ایراد بوده باشد البته زراعت و تعمیرات و احداثات تازه
تبعه عثمانیه در اراضی و دهکات ملک ملکیت ایران از قبیل قوتور و شرفخانه و اخورک و امثال آن و غیره
و غیره و ... از ساحه غصب و تصرف نموده و هر روز مشغول احداثات تازه در آنجا تبعه
مطابق ادعای ایراد و تمام شکایت و مداخلت حقه ایران خواهد بود تا آنکه اینها از طرف دولت
ایران اینگونه اشاره رسمی و غیر رسمی در موم تخلیه قازانلیک و صرف نظر از حقوق ثابته و ثابته
و قدیمه اینه دولت در حق آنجا بوده و بوده بتبعه عثمانیه داده نشده است اگر نه در این باب و داده
ابروز نماید گویا استناد عثمانیه هیچ ... از قبیل شبهات خواهد بود مرحمه داران عثمانیه بیت

[illegible]

دولت متبوعه خود برای تردید حقوق ایران در قازلی‌گل اقامه نموده‌اند. آنچه در باب تعیین [illegible]

بموجب نوشتجاتی که از جانبین در این باب نگاشته شد، سفارت ایران بتمام اسباب قطعی حصول التفات

و حقوق عمومیه دول را ثابت نمود که بعلت تحقیق احداثات طرفین در اراضی مجادله کرده‌اند قطور

قازلی‌گل تعیین مأموریت از جانب دولت قبول نموده، و نه همین حاضر است که برای اقامه دلایل ارائه شود

دیگر هم دولت عثمانیه دعاوی ایشان بیک مأموریت، و همچنین شاهنشاه مختصر بامضای مکتوبات راجع

بقازلی‌گل بوده، برای کشف احداثات و تصرفات تازه عثمانیه در اراضی مجادله، اگرچه مأمورین عثمانیه

از ایرانیست، رجوع بمأمورین نموده، موجب تصدیق ادعای دیگر است. تا بعین دعاوی هر دو رفع اتفاق از

کدام طرف حق تملک با کدام است. در خصوص اسناد تجاوز مأمورین عثمانیه در ضمن نگارش

پاشا فرمان داده شد از روی حقیقت بتغییر داده است که اگر اهالی ایران اشتراک در تعدی بعض

عشایر عثمانیه هم در تحریک سرحدداران عثمانیه بوده جسارت تخریب بعض دهات ایران که در

قازلی‌گل و غیره نمودند، و سرحدداران عثمانیه عوض اینکه اشرار عشایر را جلوگیری نمایند سرحد

با توپ و قشون نظامی تخطی نموده داخل ملک قازلی‌گل شدند. دولت ایران از این باب شکایت

بدولت عثمانیه نمود، سرحدداران عثمانیه بجهت غلط بحث و ترویج شرارت مخدوم اسناد تجاوز

پاشا فرمان داده‌اند که گویا ده قازلی‌گل ملک عثمانی تجاوز نموده است و دلیل برای اثبات این

۵

اما مسئلهٔ ذهاب که در تذکرهٔ مزبوره فقط اشاره به تنزل پاشاخان شده است مجبوراً باستحضار جنابعالی می‌نمود
که در حق سرحدداران عثمانیه که بنا تجاوز به خاک ایران نموده‌اند هنوز هیچ گونه مجازات و یک معاقبه
مجری و رعایتی به ترتیب شکایت ایران نشده است و همین دلائل تشنیه است که دولت عثمانیه ابتداءً
بموجب مخابره تلگرافی ایالت ارضروم و به واسطه سفیر خود در طهران ترتیب فرمایش وارده را بیان
اظهار رضایت نموده و حیثیت بعد از آن خیال است بدون اینکه منع اعمالات را در حقوق
متساویه طرفین قرار دهند شکایتی که از حقوق مختصه دولت علیه عثمانیه است در صدد منع آن برآیند
اهالی سلطنت سابقه خود چنانچه نتیجه کلام پس از همه این تفاصیل و دلایل چنین می‌شود که از طرف کمال جهد
و شرکا که ملک طلق ایران است و همیشه در تصرف جدّ زراع ایرانی بوده است و نکته اینجاست که اهالی ایرانیه
حق هرگونه زراعت و عمارت را دارند تا چه رسد به اینکه خرابی وارده بر خود را اعمار
و مجالست اهالی را در وضع خانسیه ممانعت و تعرض عثمانیه بنظر حق فاحش ایران قاصر است که تعمیر
خرابی‌های تازه با آنها وارد آمده است ممانعت و دلایل عهدیه که شرطیه نمی‌تواند بوده حق خود را
در حالتیکه نظیر همین تکلیف را در اراضی متعلقه به خود منظور می‌دارد چه آنکه عهده دولت عثمانی تحمل تعرض
به دولت ایران ترک ادعا نموده و چه آنکه به تصرف ساعر غصباً پس از ساعر
نموده و در تحت پرتست است پس دولت ایران با داشتن اینهمه دلایل واضحه بر اثبات
حقیت خود در تحقیق خصائص به جدید کمال کوشش دارد به انتظار اعمال غیرمجوزه

[illegible]

از سرحدداران دولت عثمانیه در بین اینکار شروع شده است و نامه دیگر وزارت خارجه در این که بعضی از ... ایران

شیر قطور و ... محمودی و حوالی قطور و غیره چاپیده از قوه اهالی خود خارج ساخته اند با وجود تمکین بجانب اولیای ... کارگزاران

دولت عثمانیه نسبت به تبعه ایران ... این ... رجوع بخلاف ... واسطه کرده متعرض ... طور

نتیجه منصفانه در رفع این غائله حاصل نمی‌شود و اگر ... این آثار مجهول ... آن دولت در

مداومت سلوک طریقه ستمگرانه خود ... پیش ... کرده باقی ماند از وقت اول تکلیف

دولت علیه ایران برای محافظت حقوق سلطنت خود ... رعایت ... رفتار خواهد نمود از طرف

پیش نهاد خود نموده ... تمنی اینکه زحمت کشیده سواد همین نوشته را با مجال ... دولت

دولت متبوعه خود ... نامه ... باب عالی تقدیم شود ۱۲ ... محرم ۱۲۸

نمره ۵

... نواب محمدرحیم میرزا ... نوشته بودند که کارگزاران عثمانی ... تذکره ...

... نوشته بودند ... تذکره ... از ... ایران

... دریافت ... جناب ... پاشا ... مشغول ...

... حرکت ... دولت علیه ... ایران

... در جواب ... پاشا ...

... جواب ... درویش پاشا ...

۷

گویا شما را به اباقه و تازه لک گول ... آذربایجان متهم است بنده به شما را هم هنوز تصدیق نکرده

بلکه صریح با شما میگویم که هیچ کارگذاران خود هرقدر زور شما ممکن است که از اینها چنین صرف نظر نموده

واقعه ای قصه که حاصل شود ببینید و نه کارگذاران عثمانی خواهد بود و ... دیگر اگر ... بیشتر از که

این دو خیال را از ما نیسته جواب شما را ... اینکه مشغول بودیم و جنابکا فلایم ... واقع دارد

در کمال سختی از اینها رفته ملامت نمود. و هرگاه چنین خیال ... گذاردن قراولخانه در اینجا قرار دادن

قراولخانه بتازه لک گول از طرف آنها صورت بنده و نه صریح نامیده اگرچه بنده اسلحه شما ... در این نفقه

قبل از وقت تیر ... از یک ... نخواهد باشد نظر به گذاشته ... تکلیف رد

از خود برداشته الحمد ... خاطر بنه کافیل ... شده به رضه ۱۷ محرم الحرام ۱۲۷۶

سواد مراسله سفارت عثمانی به وزارت جلیله امور خارجه

جناب جلالت و نبالت نصاب با بهجت و فخامت انتساب مجد ... استظهار دوستان مشفقا مکرما

در خصوص نزول قراولخانه بتازه لک گول اولیای دولت علیه ایرانیه شرحی به تاریخ هشتم ذیقعده به سفارت سنیه

نوشته و ... از ... قراولخانه کرده بودند چون مدت اقامت قراولخانه در محل مذکور مشخص نکرده

بجای قدیم خود نوشته شده است ... آینه چنانکه عادت همه ساله بود ... تازه لک گول

آورده بوده و تا آن وقت ... است که با اهتمام ملکداری ... شده ...

منافات حالی کنسولگری درخصوص نخواهد بود لکن ... در خاطر که از آن جناب ... حاکم

هیچ که همیشه ... به ممالک محروسه دولت علیه ... به سفارت سنیه مامورین دولت علیه ...

۸

بشکایت بیاورد و قسمیکه فرقه رو بقتال کمک آورده و بعد از جانب خان خیوه اینطور حرکات خودسرانه
ناشایسته نسبت باولیای دولت علیه بطور رسمیت و خارج از دایره رسمیت ادب فرض بکنیم چون
خان خیوه با اذن و اجازه اولیای دولت متبوعه خود مرتکب آن حرکات خواسته بود اگر اعتراض
از اولیای دولت علیه بهیه بشکایت بدولت خودش میکرد نه ساده غیرمترقبه بسفارت سنیه خود
سنایه مرقومه در این باب بخان خیوه احکام صادر شود و هیچوقت مرتکب اینطور جسارات
نکند و با اولیای دولت علیه حسن حرکت و رفتار نموده اگر شکایتی از اولیای این طرف
داشته باشد مراتب را باولیای متبوعه خودش عرض نماید و اولیای دولت شما با نامه
بدربار فخامت مدار سلطنت سنیه بسفارت ارسال نمایند در خصوص ایام قیام طابات خان
دولت علیه اولیای ایالت ... از حرکات خان خیوه فی الحقیقه شکایت مینمایند
درخصوص این مسئله زحمت افزای آن جناب میشود تا قرار قطعی دولتین داده شود خان خیوه
دخانه ... مرتکب آن حرکات نشود و دولت علیه با کمال دوستی و یگانگی که نسبت بآن
دولت دارد و در نیت تا قرار راد ... حقیقی ملک ملت خود رفع صرف نظر
نموده بیند اما در صورتیکه خان خیوه لاینقطع بنای اغتشاش ... بر قومه ... گذارد
بدیهی است که اولیای سلطنت سنیه ساده مقاصد را ملتفت خواهند آمد زیاده زحمت نمی دهد

... شهر ربیع الاول ۱۲۷۵ محمد رفیق

۹

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا، فخامت و مناعت انتسابا، دوستان استظهارا، مشفقا مهربانا

چنانچه از ولایت ارضروم به باب عالی در این سبب اشاره شده سفارت سنیه را به تلگراف ابلاغ

آن اعلام کرده است از جای دیگر هم معلومات کافیه به دست در این باب آمده تأثیر زیاده

و حادثه‌ای که عشیرت جلالی تبعه [illegible] حاکم اوجیق پاشاخان اتفاق افتاده بوده است

در وقت تقدیم در ایام [illegible] پنجشنبه نهم [illegible] پاشاخان با سعید [illegible] برادر [illegible]

از تحمل و تجاوز از قانون کل ملک [illegible] سلطنت سنیه همچنان [illegible] برادر [illegible] دقیقه

تأسف با نظر به اینکه خزینه در قایم مقام [illegible] از استحضار از این حرکات [illegible]

آدمی نزد خان موی‌الیه فرستاده [illegible] چون تحمل و تجاوز [illegible] از این امور [illegible]

در ملک دولت دوست در حالتی که همه ساعی کارگذاران دولتین طرفین بازدیاد اتفاق

و اتحاد جانبین مصروف است بریه [illegible] خان موی‌الیه [illegible] جواب داده است

از جانب دولت علیه ایران با جرای بعضی مصالح [illegible] بعد از آنکه [illegible]

نائل [illegible] مساعدت نخواهیم نمود و علاوه بر این سخنان غلیظ و درشت هم [illegible] در زبانی

[illegible] قایم مقام [illegible] مراسله [illegible] موی‌الیه نوشته از آن حرکت [illegible] چنانچه

[illegible] اگر برای [illegible] مصلحت [illegible] دولت علیه اعلام کنید

نه [illegible] جارت [illegible] وزارت خارجه [illegible] مراسله را [illegible] ضابطه مخصوص

با [illegible] قایم مقام [illegible] خان موی‌الیه را [illegible] کرده [illegible]

[illegible] موی‌الیه [illegible] پاشاخان با برادر [illegible]

[illegible]

و همراه داشته سفارت کرده است دیگر فرقت موافق نشد و در حصول مطلوب کمال منع از دولت علیه عثمانیه ظاهر

تحمل و تجاوزی و زیاده از صحبت یقین سفیر است و حقانیت ازان بنفس ... که غیر صحیح بودن مسئله

سعادت مآب شیخ پاشا ... اولیای دولت علیه ایران ... و از ... بعرض رسیده شده

و عثمانیه ... به مقتضی رسم و صفت دوستی علیتین ... ادامت دوستی و تقه

و حفظ ... دوستان سلطنت سنیه ... رحمت ... بتاریخ ... شهر ربیع الاول ۱۲۸۵

(در بیت خط)

سواد مراسله سفارت عثمانیه بوزارت امور خارجه

جناب جلالت ... فخامت ... دوستان مهربانا

در باب رفع و دفع ... سیم تلگراف ... دولت علیه در اراضی قازلی گول ملک ...

... سلطنت سنیه را ... کرده از جانب ... اعلیحضرت اقدس پادشاهی و اولیای دولت علیه

ایران ... در ... بنا براینکه ... دولت علیه ایران قازلی گول

از اراضی ... تحت استیلای دانسته بودند چنانچه جناب ... در ... ول

... کرده ... تلگراف ... تا رفع شدن ... استیلا ... دولتین

علیتین ... از ... دولت علیه خواسته بودند ... خود را ... دانسته

تجدید ... بعضی ... دیگر ... و اولیای دولت علیه ایران از

... خود ... تلگراف ... بموجب ... بود ... دولت

... خود چنانچه ... جناب ... داشته ... الیه نیز ... اینکه

اظهار داشته که کارگزاران سلطنت سنیه را در این خصوص هم اخطار نمایند از دولت علیه در خصوص این احوال
این مسئله موقوف بر اتخاذ راهی رسیدیم که پس از استحصال جواب موافق منتظر داشته شده ایم و لزوم دارد در
سایر اراضی دولت علیه نیز از حقوق موسوم برجستگی نمایند مدتی است اظهار رسیده است که اگر خانه بر زنند
کارگزاران دولت علیه ایران تازه یکی از اراضی متنازع فیها واقعه در تحت اطلاعات
چرا بر خلاف اصول و قانون قاعده اطلاعات در اراضی مزبوره اموزیر ایرانیه احداث قراء
و قلاع نکنند موجب تعجب و تحت اعتراف شده از باب عالی پرسیده که دیدیت و لهذا
بر عهده این کارگزاران دولت علیه ایران با وجود چنین حرکات وقایه کاران
از جانب سلطنت سنیه هم اگر مقتضی مساعدت به هم شود واجب و لازم است در ترتیب ادارات که
با موزیر لازم صادر فرمایند که قطع و قراء محدثه را صرف نظر و خراب به نهایت ساخته ایران اراضی را
بحالت اصلیه خود مساعدت نمایند و البته اجناب جلالتمآب این اظهار را باب عالی را درست قبول
جهت فرموده در اجراء آن اقدام و مبادرت خواهند فرمود بنده زحمت افزا ... ۱۲۸۵
(... رضا)

سواد مراسله وزارت خارجه به جناب رضا بیگ ...

آنجناب در ضمن مراسله خود مورخه ... جمادی الاولی ... قاینات ... ملک ... تصرف ...
اجزای دولت علیه ایران را از اراضی متنازع فیها و ... واقعه در تحت اطلاعات ... نموده
ترکیب ... حالت عثمانیه را از آنجناب بر عایت ... چنین ... کرده بودم
که گویا اولیای دولت ایران نیز بهمین ملاحظه و عقیده ... باشند و اینکه احداثات
...

۱۲

بعضی قشلاق و قراء در آنجا از طرف ایران شده است رجوع آن ایالات را مطالبه نموده بنظر نزد
آنجناب رو قلمنت نمیشود ... ماده تمتد تا زمانیکه همیشه در تصرف سرحدداران آنطرف و از
ممالک طرف دولت علیه ایران بوده است هیچوقت تملک حق این دولت در آنجا در نظر اولیای دولت علیه
تحریر نیافته و داخل در اراضی واقعه در تحت استیلای ... نشده است و بهمین جهة بنظر این جناب بود در حق
عقاید این دولت که کیا آنجا داخل در اراضی واقعه در تحت استیلا ... نبوده ... تصویب نمودن
نموده بنابرین حالت تکلیف ... این عقیده در حق آنجا در وزارت امور خارجه نموده ...
بستن ... جواب خواهد بود و ... مراجعه در وزارت امور خارجه و یا مأمورین جنرال
از دولت علیه متوجه با آنجناب ... رعایت ... در حق اراضی مزبور شده ... تزلزل
الزامی و قطع راه ... مأمورین دولت علیه عثمانیه بوده است و ... اگر ... از محال واقعه
در تحت ... تصور کنند ... بهیچوجه حق ... و تعرض در حق آنجا نداشته باشند و
آنجناب ... خواهند نمود ... تقریرات
الزامیه دلیل اعتراف و اذعان ... بعقاید مزبوره نخواهد بود ثانیاً با وجود این ...
و با اینکه ... از یک ... دولت ... اوجیق ... از یک ... کرده
... مزبور شرف ... ایران ... از یک فرسخ ... طول و ... فرسخ عرض ندارد
آن ... و ... آب و غیره ... هرگز قابلیت ... ندارد ...
آبادی ... مأمورین عثمانیه در حق آنجا ادعا ... صورت ... داشته باشد
باز در وزارت خارجه ... همراهی ... ندارد ... اگر دولت عثمانیه ...

۱۳

و احداثات سنجیدهٔ خود را در حق آباقه و آخورکه و غیره ممکت ضبط اینه دولت علیه عضبی با وجود این
عثمانیه و سایر اراضی واقعه در تحت اسلامبول که بعد از نفعت و ساحره اخیره در زمینه اقوام بحکم
اعلی را بعد از عبور وکلای دول اربعه از انجمن و از تفرقت حق بخلاف انزاع فاصله
بایجاد احداثات تازه و ابنیه جدیده در آنجا مباشرت نموده با کمالت اقله راجع و عائد
ساخته قرار اسلامبول را در حق آنجا منظور نداده دولت علیه نیز در حق تا زمانی که ادعا بکند
طرف نسبت محل مزبور نمی تواند شد همین قرار بود اگر احداثات تازه داشته باشد نفعی
الکات اختیار دقیق را که شکو منظور و مجری میدارد شهر جمادی ثانیه ۱۲۸۵

شمارهٔ سند: ۲۷۲
موضوع: نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: جمادی‌الاخر ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱۰/۵۱

فدایت شوم، دو روز قبل جناب عالی‌پاشا می‌گفتند از قرار اخباری که به ما رسیده است، حریطهٔ سرحدات دولتین که به توسط دولت روس و انگلیس کشیده می‌شد، تمام شده است و عن‌قریب تبلیغ خواهند نمود و از این غائلهٔ سرحدیه که بر سبیل استمرار موجب مرارت و زحمت طرفین است، آسوده و فارغ خواهیم شد. بنده گفتم چندان وعدهٔ راحت و آسودگی به خودتان ندهید که اگر امروز خریطه[ای] را تسلیم نمایند باز چهار سال طول خواهد کشید تا امر تمام شود به جهت اینکه هنوز ایران و عثمانی اطلاع ندارند که دولتین واسطه خریطه را به چه قسم کشیده‌اند و در چه صورت اماکن متنازع‌فیها را تشخیص داده‌اند لابد باید مدتی شما در اسلامبول و ما در طهران به توسط قومسیونی که هر یک مشخص خواهد نمود خریطه را ملاحظه و مطالعه و دقت نمایند بعد اگر کار باید در اسلامبول مذاکره و تمام شود و دولت ایران بخواهد این خدمت را به من رجوع فرماید، تا من خود یک مرتبه به طهران نرفته و با اولیای دولت علیه شفاهاً مذاکره نکرده و خیالات و افکار ایشان را درست نفهمم زیر بار چنین خدمتی ابداً نخواهم رفت و بعد از آنکه مذاکرات فی‌مابین ما تمام شد و قرار امکنهٔ متنازع‌فیها داده شد، باز لازم می‌شود که قومسیونی از طرفین به سرحدات رفته و جمیع نقاط را از بایزید الی بصره معاینه نموده زکر [ذکر] علامت نمایند البته اینها چهار سال خواهد کشید و به مقرب‌الخاقان حاجی محسن‌خان نوشتم که جناب عالی‌پاشا چنین می‌گفتند ولکن صلاح حال ما در تأخر مباشرت به این امر است (بالارد کلارندون) مذاکره نموده اولاً درست اطلاع حاصل نماید که خریطهٔ مزبوره واقعاً چند وقت دیگر تمام می‌شود و ثانیاً بدون اینکه به وزارت امور خارجه انگلیس بگوید یا بفهماند که از

طرف ما چندان میل و عجله در این کار نیست به قدری که می‌تواند سعی در تأخیر نماید هنوز جوابی از مشارالیه نرسیده است مراتب به جهت اطلاع عالی عرض شد و هر قدر در قوه دارم سعی در تأخیرِ شروع در این مقدمه خواهم نمود. زیاده عرض ندارم. حرر فی شهر جمادی‌الاخر ۱۲۸۶

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۳
موضوع: تهیهٔ نقشه سرحدی ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۹ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۵/۷۳

فدایت شوم، از قراری که سفرای کبار روس و انگلیس به این بنده اخبار نمودند خریطهٔ سرحدات دولتین ایران و عثمانی که به توسط دولتین مشارالیهما کشیده می شد، صورت اتمام یافته و هر یک دو نسخه به سفارت خودشان فرستاده‌اند که هر کدام یکی از آنها را به باب‌عالی بدهند و یک نسخهٔ دیگر را نزد خود نگاه دارند. باب‌عالی دارای دو نسخه خواهد بود که یکی را از سفارت روس و دیگری را از سفارت انگلیس دریافت نموده است و به همین قسم دو نسخه در ایران به توسط وزرای مختار انگلیس و روس به وزارت جلیلهٔ خارجه خواهد رسید. ایلچی کبیر انگلیس می‌گفت خریطه هایی که باید به ایران فرستاده شود با چاپار سابق خودشان ارسال کرده‌اند، البته تا وصول این عریضه تقدیم خدمت عالی نموده‌اند و نسخه‌هایی که به نظارت خارجهٔ عثمانی باید بدهند، در ضمن مراسله به یک مضمون خواهند فرستاد چون هنوز از بابت ورود امپراطریس و مشغلهٔ باب‌عالی مباشرت این کار نکرده‌اند همین که فرستادند سوادی از مراسلهٔ مزبوره تحصیل نموده خدمت جناب‌عالی خواهم فرستاد.

جناب عالی پاشا که وصول خریطه ها را استماع نموده بود، از بنده سؤال می‌کردند که چه باید کرد، در جواب گفتم بعد از آنکه خریطه ها را دولتین واسطه تبلیغ نمودند، شما و ما باید درست مطالعه نماییم که آیا بر طبق واقع کشیده‌اند و سهوی اتفاق نیفتاده است، آن وقت که طرفین مطمئن از صحت خریطه ها شدیم، داخل مذاکره شده قراری که موجب تسهیل امر تواند شد خواهیم داد که طرفین از این مقوله مذاکرات آسوده شده و به منافع خیلی عمده‌تر از اینها که موجب اطمینان ارتقا و قدرت و قوت اسلام تواند شد بپردازیم بعد هرچه به وقوع برسد، معروض خواهم داشت. معروضه ۱۹ شهر رجب ۱۲۸۶

فدایت شوم، بعد از آنچه در متن عرض شده است، دیروز سفرای کبار دولتین مشارالیهما هر یک نسخه[ای] از خریطهٔ وارده از دول متنوعهٔ خودشان را با مراسلهٔ رسمیه به نظارت خارجهٔ عثمانی فرستادند. سوادی از مراسلهٔ سفیرکبیر روس و انگلیس که هر دو متحد و در یک معنی می‌باشند لکن یکی به زبان فرانسه و دیگری به زبان انگلیسی نوشته‌اند تحصیل نموده در جوف ارسال خدمت عالی نموده کاغذ را خوب نوشته‌اند و به کار ما خواهد آمد بفرمایید نظر آقا به دقت ترجمه نموده و به ملاحظهٔ سامی برساند خیلی که در کتابچه به خط خودتان مرقوم فرموده‌اید، بسیار متین و درست است جواب را با آنچه به عقل ناقص بنده می‌رسد محرمانه با چاپار مخصوص سفارت معروض **خواهم داشت. زیاده عرضی نیست.**

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

سواد

[illegible] سفارت انگلیس [illegible]

صورت [illegible] یک نسخه به سفارت [illegible] فرستاده‌اند [illegible] نسخه [illegible]

بالای [illegible] سفارت [illegible] سفارت انگلیس [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] سفارت [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] سفارت [illegible]

[illegible] سفارت [illegible]

[illegible]

[illegible] سفارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۹ رجب ۱۲۸۹

[illegible — marginal note written diagonally]

شمارهٔ سند: ۲۷٤
موضوع: نقشهٔ سرحدات ایران و عثمانی
تاریخ: ٦ شوال ۱۲۸٦ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱۲/۱۱۲

فدایت شوم، از روزی که خریطهٔ سرحد دولتین ایران و عثمانی به توسط سفرای دولتین روس و انگلیس به باب‌عالی تبلیغ شده است، نسخه از خریطه مزبوره به باب سرعسکریه فرستاده‌اند و قومسیونی مرکب از مهندسین عسکریه به ریاست درویش‌پاشا تشکیل نموده‌اند که بدقت رسیدگی نموده ببینند مطابق واقع است یا اختلافی دارد.

از قراری که جناب عالی‌پاشا می‌گفتند در ظرف یک ماه دیگر قومسیون مزبور مأموریت خود را تمام خواهد نمود و می‌گفتند تا به حال با نقشه[ای] که درویش‌پاشا در حین معاینه سرحدات کشیده است، مطابقت تامه داشته است. نمی‌دانم مشیرالدولهٔ مرحوم در حین معاینهٔ سرحدات نقشه برداشته است یا خیر، و نمی‌دانم بعد از آنکه سفرای دولتین واسطه در دارالخلافه خریطهٔ سرحدات را تسلیم اولیای دولت علیه نموده‌اند، تشبث به امری فرموده‌اند یا به همان قسم مسکوت‌عنه گذارده‌اند. اگرچه تا به حال از جانب وزارت جلیله خارجه ابلاغ خریطهٔ مزبوره را خدمت اولیای دولت ابدمدت به سفارت سنیه اخبار نفرموده‌اند. همین قدر جسارت ورزید و عرضه می‌دارم که وکلای دولت عثمانی مشغول تکلیف خود هستند و از وظیفهٔ خودشان غفلت ندارند طوری نشود که خدانکرده ماها غافل بمانیم و بالاخره مجبوراً قبول خسارت نماییم مستدعی می‌باشم که آنچه تا به حال از مساعی جمیله در این ماده مبذول فرموده و آنچه در صدد اخذ تدابیر لازمه می‌باشید اگر صلاح بدانید بنده را مطلع سازید. معروضه ٦ شوال المکرم ۱۲۸٦

محل مهر: عبده‌الراجی حسین محمد

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] آنچه لازم باشد در این فقره اجرا بشود و اقدام

شود البته باید ملاحظه کرده و دقت نموده لازمه تکلیف را به عرض برسانید.

۱۱۲

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۵
موضوع: نقشهٔ سرحدی ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۱ شوال ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزیرمختار انگلیس در طهران به وزارت خارجه

ترجمه

برحسب دستورالعملی که از اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان به دوستدار رسیده، به مقام تصدیع برآمده نسخه را از نقشهٔ سرحد دولتین ایران و عثمانی که به سعی صاحب‌منصبان انگلیس و روس کشیده‌شده، اینک نزد آن جناب ارسال می دارد. اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان معتقد می باشند که خط آیندهٔ سرحد فی مابین ممالک اعلی حضرت اقدس شهریاری و اعلی حضرت سلطان جزو حدودی است که در نقشهٔ مذکوره تحدید شده و که دولتین اسلام خود باید آن خط را معین و مشخص نمایند و در صورتی که در خصوص مکان مخصوصی فی مابین دولتین مزبور اختلافی به میان بیاید، مسئلهٔ اختلافیه را به دولتین انگلیس و روس رجوع و واگذار نمایند.

اولیای دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان امیدوارند که دولتین ایران و عثمانی بلادرنگ اقدامات لازمه به عمل خواهند آورد که بالاتفاق برحسب آنچه در نقشهٔ مذکوره کشیده شده قرار خط سرحدیه مابین دو دولت را بدهند و زیاد متأسف می شوند اگر جمیع زحمات و مخارجی که در این امر وارد آمده برای تسهیل گذراندن گفتگوی سرحدیه فی مابین دولتین ایران و عثمانی بی حاصل گردد و بدین‌واسطه رفع مایهٔ اختلاف بی ثمر مابین آنها نشود.

از اینکه دولتین ایران و عثمانی دو نسخه از نقشه را دارند قادر خواهند بود که یکی را در پایتخت نگاه‌دارند و دیگری را به مأمورینی بدهند که برای تعین حدود مابین دو دولت اسلام به سرحد فرستاده می شوند. فی ۱۱ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۶

رونالد تامسن

ترجمه

برحسب دستورالعملی که از اولیای دولت علیهٔ انگلستان رسیده

بمقام تصدیع بر آمده نسخه‌ای از نقشهٔ سرحدیهٔ ایران و عثمانی را که بسعی صاحب‌منصبان انگلیس و روس

کشیده شده لفّاً خدمت آنجناب ارسال میدارد اولیای دولت علیهٔ انگلستان معتقد هستند

که خط آینده سرحدیه فیمابین ممالک اعلیحضرت اقدس شهریاری و اعلیحضرت سلطان در حدود

در نقشهٔ مذکوره که کشیده شده دو دولت اسلام خودشان باید آن خط را معین و مشخص نمایند

و در صورتیکه در خصوص مکان مخصوصی فیمابین دو دولت مزبور اختلافی بهم رسد باید

Tehran
January 10th 187[illegible]

Sir

In obedience to instructions received from Her Majesty's government, I have the honour to forward herewith to Your Excellency a copy of the Map of the Turco-Persian Boundary which has been compiled by British and Russian officers.

Her Majesty's Government are of opinion that the future line of Boundary between the respective dominions of His Majesty the Shah and His Majesty the Sultan is to be found within the limits traced on the Map that the two Mahomedan governments should themselves mark out that line and that in the event of any difference arising between them in regard to any particular locality, the points in dispute should be referred to the decision of the Governments of

His Excellency
Mirza Saeed Khan.

of England and Russia

Her Majesty's Government trust that the Governments of Persia and Turkey will immediately take measures for jointly settling the frontier line between the two countries in conformity with what is laid down on the above-mentioned Map and they would much regret if all the labour and cost incurred in this matter should fail to facilitate the settlement of the boundary question between Persia and Turkey and thus to remove a futile source of disagreement between them.

The possession of two copies of this Map by the Persian and Turkish Governments will enable them to retain one at the capital and to entrust the other to any

Commission

مسئله اختلافیه را به دولتین انگلیس و روس رجوع و واگذار نمایند

دولت علیه اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است دولتین ایران و عثمانیه

بدون درنگ اقدامات لازمه به عمل خواهند آورد با اتفاق بر حسب آنکه در نقشه

مذکوره کشیده شده قرار خط سرحدیه مابین دو دولت را بدهند و در کمال تأسف خواهد بود

که جمیع زحمات و مخارجی که در این امر وارد آمده برای تسهیل قرار دادن گفتگوی سرحدیه

فیمابین دولتین ایران و عثمانیه بی‌نتیجه بماند و بدین واسطه رفع یک منبع اختلاف بیهوده نشود

از اینکه در تعیین ایلات و طوایف و نتیجه از نقشه سرحد لازم است خارج خواهد بود

دیگر را در پایتخت نگاه دارند بعد از رسیدن مأمورین منصوبه برای تعیین سرحد دو

دولت اسلام سرحد قرار داده شود فی ۱۱ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۸

commission sent to the Frontier to mark out the boundary between the two Mahommedan States.

I have the honour to be,

Sir,

Your Excellency's

Most obedient servant

Ronald Thomson

شمارهٔ سند: ۲۷۶
موضوع: نقشهٔ سرحدی دولتین ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳ شوال ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزیرمختار روس در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۱

ترجمهٔ شرحی که جناب پیکر ایلچی مخصوص و وزیرمختار دولت روس به جناب میرزا سعیدخان وزیر مهام دول خارجهٔ دولت ایران نوشته‌اند وضع دستخط ایلچی مخصوص و وزیرمختار اعلی حضرت ایمپراطوری مقیم در نزد اعلی حضرت سهریار ایران حسب‌الاشارهٔ امناء دولت متبوعهٔ خود یک طغرا خریطه[ای] را که به اهتمام دولتین متوسطین از برای تعیین سرحد دولتین اسلام کشیده شده است، با کمال احترام به جناب جلالت‌مآب میرزا سعیدخان وزیرمهام دول خارجهٔ دولت ایران می‌رسانند. امنای اعلی حضرت ایمپراطوری امید دارند مساعی دایمی که به مشارکت امنای علیاحضرت پادشاه انگلیس از برای رفع مخالفتی که فی‌مابین دولتین همجوار به جهت عدم تعیین حدود جانبین حادث شده بود مصروف گشته است افادهٔ کلی خواهد نمود. چون یک طغرا نقشهٔ مسطور به جناب میرزا سعیدخان درین‌وقت تسلیم می‌شود و یک طغرای دیگر هم به امنای دولت عثمانی داده شده است واضع دستخط تشکیکی ندارد که دولتین فخیمتین اسلام در آن محوطه[ای] که در نقشهٔ مزبوره کشیده شده است یک خطی که حدود سرحد ایشان را کاملاً مشخّص نماید خواهند کشید و همین در صورتی که برخلاف مأمول چنین اتفاقی رخ ننماید وزارت امور خارجهٔ دولت روس و وزارت امور خارجهٔ دولت انگلیس به موجب مدلول عهدنامهٔ ارزنة‌الروم توسط دوستانهٔ خود را مضایقه نخواهند نمود. چون به هر یک از امنای دول ایران و روم به واسطهٔ سفرای دول روس و انگلیس مقیمین طهران و اسلامبول دو طغرا از همین قسم خریطهٔ سرحدیه سپرده می‌شود، امنای دولتین معظم الیهما می‌توانند یک طغرای از آن نقشه را برای خود نگاه بدارند و یک طغرای دیگر را به دست مأمور خود که از برای تعیین سرحد می‌فرستند بدهند واضع

دستخط ضمناً اظهار احترامات آن‌جناب را می‌نماید. به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنه ۱۲۸۶ مطابق ٤ شهر یانور سنه ۱۸۷۰

ترجمه مطابق اصل است

محل مهر: عبده‌الراجی سوربوکین

[illegible]

زحمت به سرحد [illegible] جناب [illegible] ... [illegible] دولتین [illegible]

واضح است که [illegible] وزیر مختار اعلیحضرت امپراطور [illegible] مقیم دربار اعلیحضرت پادشاه ایران

[illegible] دولت متبوعه خود [illegible] که [illegible] مأمورین دولتین

تعیین سرحد دولتین اسلام کشیده شده است با کمال احترام بجناب جلالتمآب

وزیر امور خارجه دولت ایران [illegible] اعلیحضرت امپراطور امید دارند

مساعی دوستانه که مشارکت [illegible] اعلیحضرت پادشاه انگلیس [illegible] رفع کلیه [illegible]

فیمابین دولتین همجوار از جهة عدم تعیین سرحد فیمابین حادث شده [illegible]

زائل کلی خواهد نمود چون [illegible] مسطور بجناب [illegible] خان [illegible]

و [illegible] دولت [illegible] شده است [illegible]

دولتین فخیمتین اسلام [illegible] که در نقشه [illegible] شده است [illegible]

ایشان را [illegible] مشخص [illegible] ماه [illegible]

[illegible] وزارت امور خارجه دولت روس [illegible] وزارت امور خارجه دولت [illegible]

[illegible] شد [illegible]

هر یک [illegible] دولت ایران [illegible] سفارت [illegible] تعیین [illegible]

[illegible] سرحد [illegible] میشود [illegible] تعیین [illegible]

می توانند یک [illegible] از آن نقشه [illegible]

مأمور [illegible] که از برای تعیین سرحد [illegible] احترامات [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۷۷
موضوع: نقشهٔ سرحدی ایران و عثمانی
تاریخ: ۱٤ شوال ۱۲۸٦ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیرمختار روسیه در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت اکتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما مفخما

چون خریطهٔ سرحد دولتین ایران و روم را که دوستدار به آن جناب جلالت‌مآب می رسانیده آن مشفق مکرم هم البته تاکنون به نظر انور اقدس شهریاری رسانیده‌اند وزارت مهام دول خارجه دولت روس و امنای دولت انگلیس به مهندسین مقیمین پطرزبورغ رجوع نموده الحق آنها نیز کمال مداقه را نموده بسیار خوب از عهده برآمده‌اند. وزارت معزی الیها خواهش دارد که از جانب اعلی حضرت شهریاری نشان شیروخورشید به افتخار و درجات هر یک که اسامی ایشان از قرار تفصیل جداگانه است عنایت و مرحمت شود که موجب مزید امیدواری ایشان گردد و علاوه بر این در حق اشخاصی هم که اسامی ایشان به موجب تفصیل جداگانه دیگر ملفوف همین رسیله مرسوله است به درجاتهم دوستدار خواهشمند است نشانهای شیروخورشید از جانب اعلی حضرت شهریاری عنایت شود. حرر فی ١٤ شهر شوال المکرم من شهور سنه ١٢٨٦

محل مهر: ایلچی مخصوص و وزیرمختار روس الکساندر پیگر



جناب جلالت و نبالت نصاب فخامت و مناعت اکتساب امجدا اسپهسالارا مشفقا مهربانا

مشفقا مکرما

نقشه خط سرحد دولتین ایران و روم را که دستدار بآنجناب جلالتمآب ارسال میشد

البته تاکنون بنظر انور اقدس شهریاری رسیده‌اند وزارت جلیله امور خارجه دولتین [illegible] ابراز نمایند

دولت ایشان [illegible] معینه [illegible] ملاحظه نموده رجوع نموده‌اند حق آنها نیز کمال [illegible] نموده

بسیار خوب از عهده برآمده‌اند وزارت معظم‌الیها خواهش دارد که از جانب اعلیحضرت شهریاری

نشان شیر و خورشید با [illegible] در درجات هر یک که اسامی ایشان از وزارت

تخصیص [illegible] عنایت و مرحمت شود که موجب مزید امیدواری ایشان گردد و [illegible]

در حق اشخاصی هم که اسامی ایشان موجب [illegible] دیگر ملفوف

همین رسیده مرسول است [illegible] هم [illegible] خود هوشمندی ایشان

[illegible] از جانب اعلیحضرت شهریاری عنایت شود [illegible] ۲۳ [illegible] الملک [illegible] ۱۲۸۶

شمارهٔ سند: ۲۷۸
موضوع: مشخص نمودن خط سرحدات ایران و عثمانی توسط نقشه
تاریخ: ۹ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ شارژ دافر انگلیس در طهران به وزارت خارجه

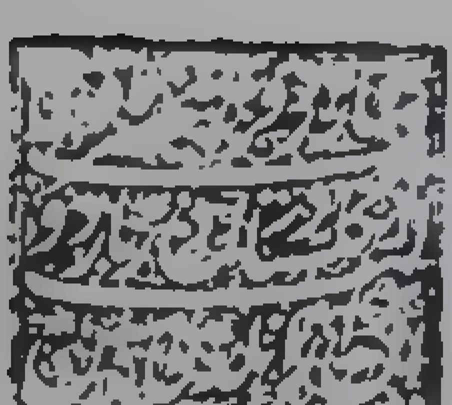
جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

گویا همراه بودن آن جناب با موکب همایون در سفر گیلان مانع از آن شده که تا به حال جواب مراسلهٔ دوستدار را به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنهٔ ۱۲۸۶ قلمی فرمایند که به توسط آن نسخه‌ا[ای] از نقشهٔ سرحد دولتین ایران و عثمانی ارسال شده بود.

چون دوستدار ساعی می‌باشد که به هر زودی که ممکن شود قسمی را که اولیای دولت علیه در خصوص نقشهٔ مذکوره خیال دارند رفتار نمایند به اولیای دولت متبوعهٔ خود اطلاع بدهد.

لهذا، حال را به مقام زحمت برآمده خواهش دارد که آن جناب، دوستدار را مستحضر فرمایند که اولیای دولت ایران در مشخص نمودن خط سرحدیهٔ فی‌مابین آن دو دولت چه اقدامات را به نظر آورده‌اند که به مقام اجرا بگذارند. زیاده زحمتی ندارم. فی نهم محرم‌الحرام سنه ۱۲۸۷

محل مهر: شارژ دافر اعلی حضرت پادشاه انگلستان در دربار دولت ایران
رانلد طامسن



بسبب جلالت و نبالت شأن، و قربت و نسبتی که با دولتین، شاهنشاهی را شعفی پیدا گردید بهره

در باب مسترد بودن نخجوان به دولت عثمانی و شنیدن نوع اراده به آن دولت

جواب مراسله که به مستشار الدوله به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنه ۱۲۸۸ قلمی فرموده‌اند به سرحدات نوشته شد

نسخه از نقشه سرحدی که دولتین ایران و عثمانی ارسال شده بود به جهت مستشار الدوله فرستاده شد

هرگونه خطوط که ممیزین و نقشه‌نویسان اولیای دولتین علیه در تصحیح نقشه مزبوره اختلاف دارند قرار داده شده باشد

دولت متبوعه خود اطلاع بدهند لهذا حال بالاستعجال جهت برادران جواب مبسوط داده باشند به سرعت

و مستدعی شود که مشخص فرمایند که اولیای دولت ایران در مشخص نمودن خطوط سرحدیه آن دولت

چه اقدامات در نظر آورده‌اند و مقام اجرا گذارده‌اند. تحریر فی ۹ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۲۷۹
موضوع: تجاوزات عثمانی به ایران
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۸۸ هـ.ق)
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

سواد تلگراف طهران از صاحبقرانیه (از اتابک اعظم به شاهزاده امامقلی میرزا حاکم ارومی)

نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده امامقلی میرزا امیرنویان* دام اقباله امروز با حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما مشغول مذاکره فرستادن استعداد به ارومیه هستیم تعهدات فرموده‌اند که عن‌قریب فرستاده می‌شود،خودشان البته تفصیل را به سرکار والا تلگراف کرده‌اند. زکی‌پاشای رئیس کمسیون عثمانی روز پنجشنبه گذشته از راه باشقلعه برای مرگور حرکت کرده است. کمسیون خودمان هم از موصل حرکت کرده عن‌قریب می‌رسند. ان‌شاءالله رفع تمام تجاوزات و تلافی مافات خواهد شد، البته کمال اطمینان را داشته باشید و به تمام اهالی ارومی و آقایان علمای عظام سلمهم‌الله تعالی و خوانین گرام و تجّار ذوی‌الاحترام بگویید به فضل خداوند متعال اطمینان را داشته باشند که در ادای وظایف خدمت وطن عزیز ذرّه‌ای کوتاهی نخواهم کرد. اتابک اعظم

[حاشیه:] سواد دستخط مبارک مطابق اصل است ــ اثر مهر امامقلی

* به معنی شاهزاده، امیر، فرمانده سپاه [مأخوذ از مغولی]

سواد تلگراف طهران از صاحبقرانیه

نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده [illegible] میرزا امیر نویان دام اقباله امروز
با حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما مشغول مذاکره در کار استعداد
با روسیه هستیم تعهدات فرموده اند که عنقریب فرستاده میشود قشون
البته تفصیل را ابرکار والا تلگراف کرده اند زکی پاشای ریس کمیسیون
عثمانی روز پنجشنبه گذشته از راه باشقلعه برای مرکور حرکت کرده است
کمیسیون خودمان هم از [illegible] حرکت کرده عنقریب میرسند انشاءالله
رفع تمام تجاوزات و تعدیات خواهد شد البته کمال اطمینان
را داشته باشید و تمام اهالی ارومی و آقایان علمای اعلام سلمهم الله تعالی
و خوانین کرام و تجار ذوی الاحترام بگوئید بفضل خداوند متعال
اطمینان را داشته باشند که در ادای وظایف خدمت و حفظ آن عزیز
ذره کوتاهی نخواهم کرد اتابک اعظم

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۸۰
موضوع: سرکوبی اشرار و اکراد محال دشت
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۸۸ هـ.ق)
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نامهٔ میرزا صادق خان پیشکار آذربایجان به امامقلی میرزا حاکم ارومی

هو

برادرا مهربانا، اگرچه چند روز قبل از این از خارج شنیده بودم که اکراد محال دشت اجماع کرده و بنای شرارت و هرزگی گذاشته‌اند و این فقره را چون خبری از شما نرسیده بود، حمل بر صحّت نمی‌کردم، تا آنکه کاغذی از خود شما دیدم که به عالی‌جاه نورچشمی بیوک‌خان سرهنگ نوشته بودید معلوم شد که اصل دارد و شما هم بعد از اطلاع این خبر توپ و سرباز برداشته و رفته‌اید. امّا تاریخ کاغذ شما تا آن روزی که من شنیده بودم هشت روز بود و تعجّب نمودم که چرا در این هشت روز شما این کیفیّت را به من ننوشته و اظهار نکرده‌اید. باری حال که رفته‌اید امیدوارم که ان‌شاء‌الله تعالی به وجه احسن و بر وفق دلخواه کار را مضبوط نموده و انتظام تمام در امور آن صفحات داده باشید. و اینکه تا حال درین باب چیزی ننوشته‌اید، قطعاً برای همین بوده که بعد از اتمام کار به تفصیل بنویسید در صورتی که دو دسته سرباز از بخت بلند پادشاه جمجاه روح‌العالمین فداه پانصد نفر آدم جنگی را شکست بدهد و جمعی از آنها را مقتول و زخمدار بکند و قلعه را مضبوط و محکم نگاه دارد و به دست غیر ندهد بعد از آنکه شما خودتان با توپ و سرباز و استعداد تمام بروید معلوم است که به یاری خدا و از حُسن مراقبت و کفایتی که دارید مفسدین را مقهور و مقصرین را دستگیر کرده تنبیه کامل نموده‌اید که بعدالحال احدی در آن صفحات، بلکه در هیچیک از سرحدات قدرت و یارای این نوع جسارت و حرکت را نداشته باشد. خلاصه منتظرم که بزودی تفصیل این فقره را برای من بنویسید و اطمینان بدهید که زیاد نگرانی دارم و در انتظار هستم البته کوتاهی نکنید، باقی والسلام.

با مهر عبده محمدصادق

برادر مهربانا   اگرچه چند روز قبل از این از خارج شنیده بودم که اکراد محال دشت

اجماع کرده و بنای شرارت و اشرار[ی] که گذاشته اند و این فقره را هم خبری از شما نرسیده بود

حملی بر صحت میکردم تا آنکه کاغذی از خود شما دیدم که نوشته بودید جمعی بر گیلان [illegible] گذشته

بود دیدم معلوم[ی] که چه حدی دارد و شما هم بعد از اطلاع این خبر توپ و سرباز برده اید نوشته دیده

اما تاریخ کاغذ شما تا آنروزی که من شنیده بودم هشت روز بود و تعجب نمودم که چرا

در این هشت روز شما این کیفیت را ننوشته و اظهار نکرده اید باری حالا که رفته اید

امیدوارم که انشاءالله تعالی بوجه احسن و بر وفق دلخواه کار [illegible]

تمام و در امور انضباطات داده باشید و آنکه تا حال در این باب بی خبری

قطعاً برای همین بوده که بعد از اتمام کار تفصیل بنویسید در صورتیکه [illegible]

سرباز از بخت بلند پادشاه جمجاه روح العالمین فداه با پانصد نفر آدم جنگی را

شکست داده و جمعی از آنها را مقتول و زخمدار بکنند و قلعه را ضبط و محکم نگاه دارد

و دیگر غیر از این بعد از آنکه شما خودتان با توپ و سرباز و استعداد تمام

برده اید معلوم است که بیاری خدا و از حسن مراقبت و کفایتی که دارید این مفسدین را

مقهور و مقتول نموده دستگیر کرده تنبیه کامل نموده اید که عبرت اهل [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۸۱
موضوع: اختلاف سرحدی ایران و عثمانی
تاریخ: ذیحجهٔ ۱۲۹۰ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده:

هو

از وزارت جلیلهٔ امور خارجه به جناب شانسیله پرنس غرچکوف صدراعظم دولت روس و به جناب لاردکرانویل وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس به یک مضمون به اندک تغییر روابط و القاب قلمی شده است.

از آنجایی که دولت علیهٔ ایران در جمیع مواد مهمه منافع و مضرات خود را از دولت بهیهٔ آن اعلی حضرت امپراطوری جدا نمی داند و در وقوع مشکلات امیدش به معاونت قادرانهٔ آن دولت بهیه است در این موقع که مجلس قمسیون مختلط از برای حل مسائل تحدید حدود دولتین ایران و عثمانی و متفرعات او در اسلامبول منعقد می شود، لازم دانستم که افکار خودم را قبل از وقت محرمانه به اطلاع آن جناب اشرف برسانم و چه قدر مایهٔ شرف و افتخار من خواهد گردید هرگاه آن جناب اشرف را مصدق و مقوی خیالات خود در این ماده توانم دید. اولاً آن جناب اشرف را اطمینان قوی می دهم که جمیع سعی خالصانهٔ من در حفظ و ابقای صلح و مصافات با دولت عثمانی است و تا در قوه دارم و خللی به منافع مستقیمهٔ دولت علیه متبوعهٔ من وارد نیاید از این خیال انصراف نخواهم ورزید و از برای اثبات ادعا و محض توهم اینکه در مسئلهٔ تحدید حدود امری برخلاف این مقصود به ظهور نرسد، قبل از وقت به تصدیع خاطر آن جناب اشرف می پردازم و مختصری از حقوق دولت علیهٔ متبوعهٔ خود را اظهار نموده و خیالات حسنه و منصفانهٔ شما را بر تمهید حسن اختتام مسئلهٔ سرحدیه دعوت می نمایم بعد از آنکه سی و دو سال قبل از این اختلافات سرحدیه و ادعای خسارات مختلفه فی مابین دولتین ایران و عثمانی مطرح گفتگو شد و نزدیک بود امر به نقار کلی منجر شود، به سعی و اهتمام مصلحانه دولتین روس و انگلیس مجلس مرکب از مأمورین دول اربعه ایران و روس و انگلیس و عثمانی در ارزروم منعقد گردید و مدت چهار سال مذاکرات آنها طول کشید.

بالاخره در ۱۶ شهر جمادی الثانیهٔ ۱۲۶۳ عهدنامهٔ مشتمل بر نه فصل که حاوی رفع اختلافات سرحدیه و خسارتیه طرفین بود، منعقد گردید. فصل دویم عهدنامه مزبوره ولایت زهاب را فی ما بین طرفین قسمت می نماید و ترک ادعای ایران را از سلیمانیه و ترک ادعای عثمانی را از بندر و شهر محمره و لنگرگاه و جزیرة الخضر و اراضی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر معروفهٔ ایران است، تصریح می‌کند و فصل سیم می‌گوید دولتین معاهدتین تعهد می‌کنند که به این معاهدهٔ حاضره، سایر ادعاهاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلاتأخیر مهندسین و مأمورین را تعیین نموده برای آنکه مطابق مادهٔ سابقه حدود دولتین را قطع نماید از این فصل اخیره به طور وضوح معلوم است که بعد از آنچه در فصل دویم ذکر شده است تصرفات آن وقته هر یک از طرفین به طور ملکیت تعلق به آنها دارد و دیگری حق ادعا یا تجاوز نخواهد داشت و حال آنکه دولت عثمانی به عهدنامه که خود تازه امضا نموده و به تصدیق اعلی حضرت سلطان رسیده بود، وقع و عظمی قرار نداده در پس ختم جنرال چریکوف و جنرال ولیامز، اولاً قطور ملک متصرفی چندین سالهٔ دولت علیه ایران را بزور غصب و تصرف کرده و بعد متدرجاً اباقه و محمودی و اخورک و چپوقلو و درهٔ بارژکه و درهٔ خرنیا را در سرحد آذربایجان در صورتی که در تصرف ایران بوده‌اند و راپورت مأمورین دولتین واسطهٔ مصدق این ادعای من می باشد، غصباً متصرف شده‌اند و در حدود لرستان غُربید و باغسائی را از شدت سوق عسکر و تهدیدات متوالیه سنواتی در حالت بی طرفی از جانبین اعلان نموده‌اند و حالا که مجلس مختلط به جهت تعیین قطعی سرحدات منعقد می شود بر دولت عثمانی لازم است که اولاً آنچه برخلاف فصل سیم عهدنامه از اراضی و املاک متصرفی دولت ایران غصباً متصرف شده است، رد نماید و تخلیهٔ ید کند آن وقت اگر حرفی در مدلول فصل دویم عهدنامه داشته باشد اظهار نماید و اگر بخواهد تصرفات غصبیه که در املاک ایران نموده است مسکوت‌عنه بماند و مدلول فصل دویم معاهده را ادعا کند نه دولت ایران می تواند تمکین نمود و نه البته دولتین واسطه راضی به این قبیل بی انصافی می توانند شد و حال آنکه از مدلول فصل دویم عهدنامه هم عثمانی ها صرفه در آتیه نمی توانند برد زیرا سلیمانیه را دولت علیه ایران به آنها ترک نموده است محمره و توابع آن را ایران متصرف است و اکثر اراضی جبالیه زهاب که به مدلول همان فصل تعلق به ایران دارد، به اعتقاد ما در تصرف عثمانی مانده است. از ملاحظهٔ آنچه نوشته‌ام

معلوم جناب اشرف شما می‌تواند شد که در مسئله سرحدیه با عثمانی‌ها دولت ایران در هر نقطه مغبون و مظلوم واقع شده است. با وجود همهٔ اینها. چون دولت ایران از روی حقیقت و صمیم قلب طالب بقای صلح و ازدیاد مودت با دولتهای همجوار خود می باشد و از برودت و نقار و خدای نکرده سفک دماء نهایت اجتناب و احتراز را دارد و شخص جناب شما را نیز خیرخواه واقعی خود می داند لهذا حاضر است که اگر به نظر جناب اشرف شما تکلیفی که موجب سرعت انجام امر تعیین سرحد و خلاف شأن دولت نباشد به ظهور آید، فوراً قبول نموده استماع نصیحت مشفقانهٔ شما را که بالأخره نتایج نافعهٔ بزرگ به جهت او خواهد داشت بر پارهٔ منافع ظاهره ترجیح بدهد. زیاده چه زحمت دهد.

حرر فی شهر ذیحجة الحرام ۱۲۹۰

از وزارت جلیله امور خارجه بجناب السفیر پرنس غرچکوف صدر اعظم دولت روس ارسال
داشته که نوشتن وزیر امور خارجه دولت انگلیس بیک مکتوب با ترک تغییر روابط و انقلاب قلمی شده است
بتاریخ شهر ذیحجه ۱۲۹۰

از آنجائیکه دولت علیه ایران در جمیع مواد مهمه منافع و مضرات خود را از دولت بهیه آن
اعلیحضرت امپراطوری جدا نمیداند و در وقوع مشکلات امیدش بمعاونت قادرانه
آن دولت بهیه است در این موقع که مجلس کمیسیون مختلط از برای حل مسائل تحدید حدود
دولتین ایران و عثمانی در متنازعات و در اسلامبول منعقد میشود لازم دانستیم افکار
خودمان را قبل از وقت محرمانه باطلاع آنجناب اشرف برسانیم و چه قدر مایه شرف
و افتخار میخواهیم که بعد هرگاه آنجناب اشرف را مصدق و مقوی خیالات خود در این باب
توانیم دید اولاً آنجناب اشرف را اطمینان قوی میدهیم که جمیع سعی خالصانه ما در حفظ
و ابقای صلح و مصافات با دولت عثمانی است و ما در حق دارم و خلل بمنافع مستقیمه
دولت علیه متصور میدارد نباید از این خیال انصراف نخواهیم ورزید و از برای اثبات
ادعا و محض توهم آنکه در مسئله تحدید حدود امری برخلاف این مقصود بظهور رسد

قبل از وقت تصدیع خاطر آنجناب اشرف میپردازم و مختصری از حقوق دولت
علیه متبوعه خود را اظهار نموده و خیالات حسنه بی‌غرضانه شما را بر تمهید حسن اختتام مسئله
سرحدیه دعوت مینمایم . بعد از آنکه سی و چند سال قبل از این اختلافات سرحدیه و ادعاهای
خسارات مختلفه فیمابین دولتین ایران و عثمانی بسطح کشمکش و نزدیک بود منجر به جنگ
شود بسعی و اهتمام مصلحانه دولتین روس و انگلیس مجلسی مرکب از مامورین دول اربعه
ایران و روس و انگلیس و عثمانی در ارزروم منعقد گردید و مدت چهار سال مذاکرات
آنها طول کشید بالاخره در ۱۶ شهر جمادی الثانیه ۱۲۶۳ عهدنامه مشتمل بر ۹ فصل حاوی رفع
اختلافات سرحدیه و خساراتیه طرفین بامضا رسید فصل دوم عهدنامه مزبور ولایت زهاب را
فیمابین طرفین قسمت مینماید و ترک ادعای ایران را از سلیمانیه و ترک ادعای عثمانی را از بندر
و شهر محمره و لنگرگاه و جزیره خضر و اراضی جانب یسار شط العرب را که در تصرف
عشایر معروفه ایران است تصریح میکند و فصل سیم دولتین متعاهدتین تعهد میکنند
که با این معاهده حاضره سایر ادعاهاشان را از حق اراضی ترک کرده از هر جانب بلا تأخیر
مهندسین و مامورین را تعیین نمایند برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود دولتین را قطع نمایند

ازین فصل خامسه بطور وضوح معلوم است که بعد آنچه در فصل دوم ذکر شده است
تصرفات آنوقت هریک از طرفین بطور کلیت تعلق بآنها دارد و دیگری حق ادعا یا تجاوز
نخواهد داشت و حال اگر دولت عثمانی بعهدنامه که خود تازه بامضا نموده و بتصدیق اعلیحضرت
سلطان رسیده بعد وقوع دعوی قریب هزار ساله در پیش چشم جنرال چریکوف و جنرال ویلیامز
اولاً قطور یک تصرف چندین ساله دولت علیه ایران را بزور غصب و تصرف که
و بعد سنه رجا اباقه و محمودی و داخورک و چهریق و دره بازرگه و دره خزینار را در سرحد
آذربایجان در صورتیکه در تصرف ایران بوده‌اند در اوایل مأموریت دولتین واسطه مصدق
این ادعا می‌باشند غصباً تصرف شده‌اند و در حدود لرستان عربیه و باغ سائی
از سه سال سوق عسکر و تهدیدات متوالیه سنواتی در حالات بطرفی از جانبین
اعلان نموده‌اند و حالا که مجلس مختلط بجهة تعیین قطعی سرحدات منعقد میشود بر دولت
عثمانی لازم است که اولاً آنچه برخلاف فصل سیم عهدنامه از اراضی و املاک متصرفی
دولت ایران غصباً تصرف شده است رد نماید و تخلیه بکند آنوقت اگر
حرفی در مراد اول فصل دوم عهدنامه داشته باشد اظهار نماید و اگر بخواهد

تصرفات غاصبه که در املاک ایران نموده است ساکت نخواهند ماند و در اول فصل دوم
معاهده که قرارداد کرده‌اند نه دولت ایران می‌تواند تمکین نماید و نه البته دولتین واسطه راضی
به این قسم بی‌انصافی می‌توانند شد و حال آنکه از مراد اول فصل دوم عهدنامه هم عثمانیها
صرفه در آتیه نمی‌توانند برد زیرا سلیمانیه را دولت علیه ایران به آنها ترک نموده است
محمره و توابع آن از ایران تصرف است و اگر اراضی جانب زهاب که بموجب اول همان
فصل تعلق به ایران دارد باعتقاد ما در تصرف عثمانی مانده است از ملاحظه آنچه نوشته‌ام
معلوم جناب اشرف شما می‌تواند شد که در مسئله سرحدیه با عثمانیها دولت ایران در هر نقطه
مغبون و مظلوم واقع شده است با وجود اینها چون دولت ایران از روی حقیقت
و صمیم قلب طالب بقای صلح و دوام مودت با دولتهای همجوار خود می‌باشد و از بروز
ونقار و خدای نکرده سفک دماء نهایت اجتناب و احتراز را دارد و شخص جناب
شما را نیز خیرخواه واقعی خود میداند لهذا حاضر است که اگر نظر جناب اشرف شما
تکلیفی که موجب سرعت انجام امر تعیین سرحد و خلاف شأن دولت نباشد بظهور
آید فوراً قبول نموده استماع نصیحت مشفقانه شما را که بالاخره نتایج نافعه

بزرگی که به او خواهد داشت بر باره منافع خاصه و ترجیح دهد راه صحبت ده حرره
فی شهر محرم الحرام ۱۲۹۰

شمارهٔ سند: ۲۸۲
موضوع: خلع میرزا حسین‌خان مشیرالدوله از مقام سپهسالاری و وزارت خارجه
تاریخ: ۸ شوال ۱۲۹۷ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۶/د

نامهٔ وزارت خارجه به سفارتهای دول در طهران

هو

به سفرای دول متحابه

برحسب ارادهٔ علیهٔ سرکار اعلی حضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه جناب جلالت‌مآب اشرف حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به ملاحظهٔ مقتضیات چند از منصب سپهسالاری و وزارت جلیلهٔ امور خارجه خلع گردید و حسب‌الامر الاقدس الاعلی بندهٔ درگاه که صدیق‌الملک رئیس دفاتر وزارت جلیله امور خارجه هستم، عجالتاً برای انجام اظهارات و رجوعات سفارت محترمه دولت علیه متبوعهٔ آن جناب جلالت‌مآب حاضر می‌باشم تا قرار دیگر که لازم است به اقتضای رأی جهان‌آرای همایون اقدس صاحبقرانی داده شود. برای استحضار خاطر شریف آن جناب جلالت‌مآب زحمت‌افزا شد. **یوم سه‌شنبه ۸ شهر شوال‌المکرم ۱۲۹۷**

به سفرای دول متحابه

برحسب اراده علیه ارکان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه جناب جلالتمآب

حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله به ملاحظه مقتضیات چند از منصب سپهسالاری و وزارت جلیله [illegible]

خلع گردید و حسب الامر الاقدس الاعلی بنده در کمال صدق [illegible] ریاست دفاتر

وزارت جلیله امور خارجه به دستور العمل [illegible] انجام اظهارات و رجوعات سفارات محترمه

دولت علیه متبوعه آن جناب حاضر میباشم تا قرار دیگر که لازم است

با تصویب رای جهان آرای همایون اقدس صاحبقرانی داده شود برای تذکار خاطر

شریف آن جناب جلالتمآب زحمت افزا گردید بیست و سیم شهر شوال المکرم

1297

شمارهٔ سند: ۲۸۳
موضوع: ابقای میرزا حسین‌خان مشیرالدوله (سپهسالار) به وزارت خارجه
تاریخ: ذیقعده ۱۲۹۷ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۶/د

به سفرای دولت علیه ایران مقیم دربار دول متحابه

اگرچه اختصاراً در ضمن تلگراف مورخ ٤ شهر ذیقعده ۱۲۹۷ مدارج مراحم علیه اقدس همایون اعلی حضرت قوی‌شوکت شاهنشاهی روحنا فداه را که مجدداً مرا به خدمت عمده و مأموریت نبیلهٔ وزارت جلیله امور خارجه قرین افتخار و سرافرازی فرموده‌اند به شما استحضار داده‌ام و من هم فوراً برحسب اقتضای تکلیف چاکری اطاعت و مفتخراً شروع به تکالیف خدمت مزبوره نمودم. اکنون تحریراً اظهار می دارم که منظور خیریت ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه از این تغییر مخصوصاً تطبیق مصالح و پولتیک دولت علیهٔ ایران با دول دوست هم‌عهد است که کاملاً این مقصود به ظهور و شهود رسد و مرا به واسطهٔ اثر ترتیبهای آستان همایون برای اجرای این ارادهٔ مطاعه انتخاب و خلاصه دستورالعملی که به من مرحمت فرموده‌اند مبنی بر اعلی درجهٔ اهتمام در ازدیاد مودت و اتحاد صمیمی و حقیقی و مطابقهٔ پولتیک این دولت علیه با دول معظمهٔ دوست هم‌عهد و همجوار و حفظ احترام جنابان سفرای دول معظمه مقیم دربار گیتی‌مدار و اعطای حقوق حقهٔ آنها موافق عهود مقدسه و استیفای حقوق حقهٔ دولت علیه نیز در طبق عهود مقدسه است و ایفای مراسم رعایت متفرعات این اساس نیز فریضهٔ ذمه این جانب خواهد بود. لهذا شما را اطمینان قوی می دهم که تا در قوه دارم جهد نموده مساعی کاملهٔ مقدورهٔ خود را مصروف خواهم داشت که به قدر ذره از این دایرهٔ تعلیمات همایونی خارج نشده کاملاً نیات حسنهٔ مبارکه ملوکانه روحنافداه را اجری دارم و امید دارم که جناب جلالت‌مآب... وزیر امور خارجهٔ دولت... از فرط محاسن نیّت و احاطه و بصیرت به حسن مراتب مزبوره و میل و رغبتی که به حصول این مقاصد در همه حال دارند، بهترین معاضد و بالاترین مقوی و کاملترین موافق با من بوده شرکت و معاونت لازمه را در این مقامات دریغ ندارند شما مأمورید که مدلول این مراسله را به الفاظ و عبارات مستحسنه به

جناب جلالت‌مآب معزی‌الیه اظهار دارید و صورت مخلص مذکوره خودتان را برای اطلاع
من سریعاً بنگارید. زیاده زحمت ندارد. شهر ذیقعده‌الحرام سنه ۱۲۹۷

محل امضا

سفارت دولت علیه ایران مقیم دربار پاریس

تلگرافی که در ضمن تلگراف مورخ ۴ شهر ذیقعده ۱۲۹۲ مراتب مراحم علیه اعلیحضرت اقدس [illegible]

و همچنین مراتبی که [illegible] ماموریت [illegible] وزارت جلیله امور خارجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

با دول [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه با دول معظمه [illegible]

سفرای دول معظمه مقیم دربار [illegible] حقوق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

به جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه دولت [illegible]

[illegible]

[illegible]

به الفاظ و عبارات مستحسنه [illegible]

[illegible] فی شهر ذی القعده الحرام سنه ۱۲۹۲

شمارهٔ سند: ۲۸٤
موضوع: فرستادن مأمور دیگری به جای معتمدالسلطان به قطور
تاریخ: ۱۳ شعبان ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

یادداشت سفارت انگلیس در طهران به وزارت خارجه

نمره: ٤۵

یادداشت

در باب مراسلهٔ محترم آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ پانزدهم شهر رجب المرجب راجع به مأموریت معتمدالسلطان میرزا محبعلی خان ناظم الملک به جهت تعیین حدود اراضی قطور احتراماً زحمت افزا می شود که دوستدار مأموریت معتمدالسلطان معزی الیه را به طوری که مرقوم فرموده بودند به اطلاع دولت رسانید که تا اول رمضان می توان مطمئن بود که معزی الیه در سرحد حاضر خواهد شد. حال از قراری که دوستدار استماع نموده است معزی الیه به واسطهٔ درد چشم تا به حال نتوانسته اند عزیمت به مقصد نمایند و هیجده روز دیگر بیشتر به موعد رسیدن به سرحد نمانده است و چون حالا وقت نیست به طوری که مشارالیه بتواند خود را از طهران در روز موعود به سرحد برساند. به نظر بهتر می آید که آن جناب جلالت‌مآب قراری بدهند که به توسط تلگراف از تبریز عوض معتمدالسلطان معزی الیه کسی دیگر را معین نمایند که سروعده[ای] که رسماً به دوستدار اطلاع داده‌اند و دوستدار هم به دولت اخبار نموده به سرحد برسد که مأمورین دول دیگر که در آنجا حاضر می شوند، اسباب معطلی برای آنها فراهم نیاید. فی ۱۳ شعبان ۱۳۰۰

محل مهر: رانلد طامسن

یادداشت

در باب مراسلهٔ محترمهٔ آن جناب جلالتمآب مورخهٔ پانزدهم شهر رجب المرجب راجع به مأموریت سفارت سنیهٔ سلطنت سنیه در سرحدات [illegible] نظام‌الملک [illegible] تعیین شده [illegible] از [illegible] سرحدات

اراضی قطور [illegible] مأمورین دولت [illegible] به مأموریت سفارت سنیهٔ سلطانی [illegible] بطوری که در مراسلهٔ [illegible] اطلاع [illegible] رسیده [illegible]

[illegible] سرحدات [illegible] اراضی [illegible] مأمورین [illegible] اطلاع [illegible]

بمقصد [illegible] سرحدات [illegible] تعدی [illegible] [illegible]

[illegible] سرحدات [illegible] آن جناب جلالتمآب [illegible] عوض سفارت سنیهٔ سلطانی [illegible]

که [illegible] اطلاع داده‌اند [illegible] سرحدات [illegible] مأمورین [illegible] ۱۳۲۰ [illegible]

نمره ۴۵

یادداشت سفارت [illegible] در باب [illegible] دولت
ناظم‌الملک بقصور در موقع صدور [illegible] را
از تبریز [illegible] مأمور [illegible]

شمارهٔ سند: ۲۸۵
موضوع: اختلاف دو هیئت کمیسیون در قطور
تاریخ: ۱۰ ذیقعده ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ٢٦

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

در باب قطور، آنی غفلت نشده است از روی اقدامات قویهٔ پریروز مجلس کرده به جهت اختلاف بزرگی که فی‌مابین خط مقرر مأمورین دول و منظور باب‌عالی است به سفارتها دیروز جواب صریح دادند که فصل گذشته تا حصول اتفاق مذاکره لازم است بماند سال آینده تفصیل با چاپار سفرا به دولت خودشان نوشتند. سفیرکبیر دولت علیه ایران دو روزه وارد می‌شوند. علی اکبرخان سالماً و آمناً بعد از سه روز توقف با واپور آخری که مخصوصاً به خواهش سفارت کبری منتظر بود روانه شد. در تلغراف جناب مستطاب اجل اکرم افخم فقرهٔ رشیدبیک درست مفهوم نشد. منتظر مرحمت و التفات جناب‌عالی است. ۱۰ شهر ذیقعده ۱۳۰۰

جواد

هو

استخراج تلگراف رمز از [illegible]

در باب قطور آنچه غفلت نشده است از روی اقدامات قویه پریروز مجلس کرده

بجهت اختلاف بزرگی که در قضایای خط مقرر مأمورین دول منظور با جنابعالی است

سفارتها دیروز جواب صریح داده‌اند در فصل گذشته تا حصول اتفاق مذاکره

لازم است مانده سال آینده و تفصیل با چاپار سفرا به دولت خودشان

نوشتند سفیر کبیر دولت علیه ایران دیروز وارد شدند علی اکبرخان

سالماً و امناً بعد از سه روز توقف با واپور آخری مخصوصاً بخواهش

سفارت کبری منتظر بود روانه شد در تلگراف جناب مستطاب اجل

اکرم افخم فقره رشیه یک درست مفهوم نشد منتظر مرحمت و

التفات جنابعالی است نمره ۲۶ [illegible] ۱۰ شهر ذیقعده ۱۳۰۰

شمارهٔ سند: ۲۸۶
موضوع: کمسیون تحدید حدود قطور
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۰ هـ.ق)
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

هو

فهرست عرض وزارت خارجه (به ناصرالدینشاه)

در باب قمسیون تحدید حدود قطور، معین‌الملک نوشته بود که قرار شده است قمسیون مزبور در اسلامبول تشکیل شود. جاکر فدوی به تلگراف از او استعلاء نموده‌ام که این قمسیون چه وقت تشکیل می‌شود عثمانی‌ها چه خیال دارند سواد تلگراف مزبور لفاً از عرض خاکپای جواهرآسای مبارک ملوکانه روحنا فداه می‌گذرد هنوز جواب نرسیده به مجرد وصول جواب به عرض حضور مهرظهور مبارک خواهد رساند. میرزا محبعلی را هم جاکر فدوی نوشته‌ام به طهران می‌آید که اگر باید برود دستورالعمل مجدد حضوری بگیرد. برود و البته حضوراً تعلیمات مجدد به او داده شود بهتر و مفیدتر است. **الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.**

غلام‌خانه‌زاد: حسین

فهرست عرض وزارت خارجه

در باب کمیسیون که بجهت حد قطعه معین املاک روسیه بوده قرار شد کمیسیون مزبور در استرآباد منعقد

تشکیل شود چاکر فدوی با تلگراف از اولیای دولت استعلام نمودم که در این کمیسیون چه وقت تشکیل شود و اعضا و نمایندگان

چه حالت دارد بتلگراف مزبور الفاً عرض شد که جواب آن را بابت ملوکانه زیاد داده می کرده

هنوز جواب نرسیده بمجرد وصول جواب بعرض حضور مهر ظهور مبارک خواهد رسید میرزا محمد علیم

چاکر فدوی نوشته که از طهران به آن کارگزار پرنده تعلیمات جدید حضوری می دهد و البته حضور التعلیمات مجدد

باوجود اینکه بهتر و مفید است الامر الاقدس الاعلی مطاع

علی ساعی

شمارهٔ سند: ۲۸۷
موضوع: حدود قطور و عهدنامه برلن
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۰ هـ.ق)
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

دستخط ناصرالدین شاه

جناب وزیر خارجه

تلگرافها را دیدم، از تلگراف مشیرالدوله حقیقتاً تعجب کردم، دستورالعملی که ما بر خلاف عهد و شرط به علی‌مردان خان داده باشیم کدام است. البته شما بهتر می دانید که همچه چیزی هست یا نه و همچنین سایر ایرادها که همه در مقابل آن همه موافقتهای ما بسیار سست و بی‌معنی است. جواب که شما نوشته بودید به مشیرالدوله بسیار خوب است البته زود بزنید. تلگرافی هم من مسوده کرده این را هم البته بزنید هر دو مفید است و زود بفرستد و جواب بخواهید.

و به مشیرالدوله تلگراف دیگری بکنید که به امپراطور بگوید قطور را شما بنا به دوستی که با ایران داشتید در عهدنامهٔ برلن به ایران رد نمودید اما دولت عثمانی حدود اصلی قطور را معین نمی‌کند و مأمورش را به اتفاق مأمورین دول واسطه نمی‌فرستد به حدود قطور. در این فقره خواهش داریم که اولیای آن دولت را مجبور به فرستادن مأمور خودشان بکنند که زودتر این کار بگذرد.

تلگراف ملکم‌خان را خاندم [خواندم] بسار بسیار مایه خورسندی [خرسندی] شد خیلی خیلی تمجید از کاردانی او بکنید با تلگراف و تأکید بکنید که اصل کاغذ وزارت خارجه را به وسیلهٔ خاطرجمع و محکم به حضور بفرستد. رشتهٔ امتداد این کار را هم البته البته باید محکم گرفت و خیلی تدابیر به کار برد. همین‌طور تلگراف بکنید.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... [illegible] از شیراز

مشیرالدوله [illegible]

[illegible] برطرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

موافقت [illegible]

[illegible] الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible].

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۸۸
موضوع: تعیین حدود قطور
تاریخ: ۱۷ می ۱۸۸۳ میلادی (۱۳۰۰ هـ.ق)
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

نامهٔ وزیرمختار انگلیس و شارژ دافر روس به وزارت خارجه

جناب مستطاب عالی. واضعین این دستخط وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت بهیهٔ انگلیس و شارژ دافر دولت بهیهٔ روس هر یک از دولت متبوعهٔ خود محکوم می باشند که اصل پرتکل و نقشهٔ دایر به قرارداد قطعی مأمورین دولتین علیتین که واسطه می باشند در باب تعیین حدود اراضی قطور موافق شروط فصل شصتم عهدنامهٔ منعقده در برلن را به جناب عالی ابلاغ دارند و چون که قمسیون مرکب از مأمورین مخصوصین دول اربعه برای شروع به ترسیم مفصل خط سرحد که در پرتکل اشاره شده، عنقریب باید در آنجا منعقد شود و زمان مناسب برای این عمل منحصر است به ماههای میانهٔ ماه مای و نومبر می باشد که به عبارةالاخری میانهٔ ماه رجب و محرم است، از آن جناب مستطاب خواهش می رود که لطف نموده از تعیین اولیای دولت اعلی حضرت شهریاری مأمور خود را و همچنین از وقتی که بتواند مأمور در آن صفحات حاضر بشود واضعین دستخط را مستحضر نمایند. و نیز واضعین دستخط تکلیف خود می دانند که آن جناب مستطاب را مستحضر دارند که برحسب اظهار متفقانهٔ سفرای دولتین بهیتین انگلیس و روس در اسلامبول، باب‌عالی از تشخیص مأمور خود برای تعیین خط سرحد خبر داده است. واضعین دستخط در این موقع احترامات فایقه خود را به آن جناب مستطاب عالی اظهار می نمایند.

محل مهرهای: وزیرمختار و ایلچی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان رانلو طامسن و ارغیروپولو شارژ دافر دولت روس

Téhéran
le 5/17 Mai 1883

جناب مستطاب عالی واضعین این دستخط وزیر مختار
و ایلچی مخصوص دولت بهیه انگلیس و شارژ دافر دولت
بهیه روس هر یک از دولت متبوعه خود مأمور شده‌اند
که اصل پرتکل و نقشه را که قرار داد قطعی مأمورین
دولتین متوسطتین که واسطه شده‌اند در باب تعیین حدود
اراضی قطور موافق شروط فصل شصتم عهدنامه
منعقده در برلن را بجناب عالی ابلاغ داریم
و چون که قمیسیون مرکب از مأمورین مخصوص دول اربعه

Monsieur le Ministre,

Les soussignés, Ministre de la grande Bretagne et Chargé d'Affaires de Russie, ont reçu l'ordre de leurs Gouvernements de transmettre à Votre Excellence en original le Protocole et la carte contenant la décision définitive des Commissaires des deux Hautes Puissances médiatrices sur la délimitation du territoire de Khotour, conformément aux dispositions de l'Article 60 du Traité de Berlin.

Une commission mixte composée des Commissaires spéciaux des quatre Puissances devant

Son Excellence
Mirza Saïd Khan
etc. etc. etc.

prochainement procéder sur place au tracé détaillé de la ligne frontière indiquée dans le Protocole, et la saison favorable à ce travail se limitant entre les mois de Mai et de Novembre, Votre Excellence est priée de vouloir bien informer les soussignés de la désignation qui sera faite par le Gouvernement de Sa Majesté le Schah de son Commissaire, ainsi que de la date précise à laquelle ce dernier pourra se trouver sur les lieux

Les soussignés croient devoir également porter à la connaissance de Votre Excellence

برای شروع به ترسیم مفصل خط سرحد
که در پرتکل اشاره شده عنقریب مبادرت
منعقد شود و از آنجا که مناسب برای اینعمل منحصر است
بماههای میانه ماه مای و نوامبر فرنگی که مطابق
الاخری میانه ماه رجب و محرم است از آنجناب مستطاب
خواهشمندیم که لطفاً ما را از تعیین کمیسر دولت
اعلیحضرت شهریاری مسبوق و همچنین از روز دقیقی که
معظمله مأمور در آن صفحات حاضر شود واضعین دستخط را
مستحضر نمایند و نیز واضعین دستخط تکلیف خود
میدانند که آنجناب مستطاب را مستحضر دارند

که برحسب اظهار متفقانه سفرای دولتین بهیتین
انگلیس و روس در اسلامبول جناب باب عالی از تعیین
مامور خود برای تعیین خط سرحد خبر داده است
و اینجانبان در این موقع احترامات فائقه
خود را بانجناب مستطاب عالی اظهار مینمایند

qu'à la suite d'une démarche analogue des Représentants de l'Angleterre et de la Russie à Constantinople, la Sublime Porte les a déjà informés de la nomination de son Commissaire pour la délimitation.

Ils ont l'honneur d'offrir en même temps à Votre Excellence l'assurance de leur haute considération.

Ronald F. Thomson

Téhéran,
le 5/17 Mai 1883

Monsieur le Ministre,

Les Soussignés, Ministre de la Grande Bretagne et Chargé d'Affaires de Russie ont reçu l'ordre de leurs Gouvernements de transmettre à Votre Excellence en original le Protocole et la Carte contenant la décision définitive des Commissaires des deux Hautes Puissances médiatrices sur la délimitation du territoire de Khotour, conformément aux dispositions de l'Article 60 du Traité de ...

A Son Excellence
Mirza Saïd Khan
...

جناب مستطاب عالی داعی ضعیف این دستخط
وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه انگلیس و شارژ دفر
دولت بهیه روس ... از دولت متبوعه خود محکوم
میباشند در ارسال ... ونقشه ... قطعی مأمورین
دولتین علیتین واسطه میباشند در باب تعیین حدود
... قطور ... فصل شصتم عهدنامه منعقده
در برلن را بجناب عالی اطلاع دارند و چونکه مسیو ... ترکت

de Berlin

Une Commission mixte composée des Commissaires spéciaux des quatre Puissances devant prochainement procéder sur place au tracé détaillé de la ligne frontière indiquée dans le Protocole, et la saison favorable à ce travail se limitant entre les mois de Mai et de Novembre, Votre Excellence est priée de vouloir bien informer les Soussignés de la désignation qui sera faite par le Gouvernement de Sa Majesté le Schah de son Commissaire, ainsi

que

از مأمورین مخصوص دول اربعه عالی شروع بترسیم مفصّل
خط سرحد در نقطه اشاره شده عنقریب باید در آنجا منعقد
شود و زمان مناسب برای این عمل منحصر است بما بین ماه‌های
میانه ماه‌های می و نومبر که مطابق است بعباره الاخری میانه
ماه رجب و محرم است از آنجناب مستطاب خواهش میشود
بلطف مخصوص از تعیین اولیای دولت اعلیحضرت شهریاری
مأمور خود را و همچنین از وقتی که بتواند مأمور در آن نقطه
حاضر بشود و تعیین و دستخط را مستحضر بدارید و نیز تعیین

دستخط تکلیف خود میدانند در انجناب مستطاب را مستحضر دارند

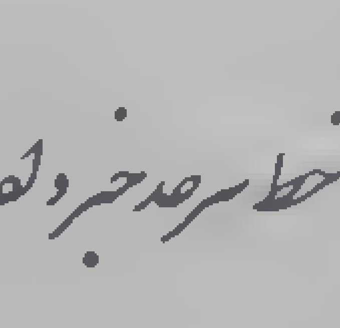
در حسب اظهار متفقانه سفرای دولتین بهیتین انگلیس و روس

در اسلامبول باب عالی از تشخیص مأمور خود برای تعیین

خط سرحد خبر داده است واضعین دستخط

در این موقع احترامات فائقه خود را بانجناب

مستطاب عالی اظهار مینمایند



que de la date précise à laquelle le dernier pourra se trouver sur les lieux.

Les soussignés croient devoir également porter à la connaissance de Votre Excellence qu'à la suite d'une démarche analogue des Représentants de l'Angleterre et de la Russie à Constantinople, la Sublime Porte les a déjà informés de la nomination de son Commissaire pour la délimitation.

Ils ont l'honneur d'offrir en même temps à Votre Excellence l'assurance de leur haute considération.

Ronald F. Thomson

شمارهٔ سند: ۲۸۹
موضوع: مسافرت لرد کرزن به‌خلیج فارس و اهمیت عربستان
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۰۵ هـ.ق)
کارتن: ۱۹
پرونده: ۲۳

مسافرت لورد گورزن [لرد کُرزن] فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس

بسمه تبارک و تعالی شانه العزیز

روزنامجات آلمان مسافرت فرمانفرمای هندوستان را به خلیج فارس بیشتر از روزنامجات روس مطرح مذاکره ساخته، چه هزارگونه تعبیرات از برای جهت مسافرت و ملاحظات سیاسیهٔ آن تاکنون نموده‌اند. در حالی که دولت روس جهت مسافرت را فقط ازدیاد نفوذ تجارتی انگلیس در حدود جنوبی ایران می داند تا آنکه تلافی نفوذ تجارتی روسها در حدود شمالی شده باشد. روزنامجات آلمان از برای شبه‌جزیرهٔ عربستان که جزء خاک عثمانی است، احتمالات زیاد می دهند. چه این شبه‌جزیره به واسطهٔ وسعت زیاد خاکش و انقلاباتی که هر روزه در آنجا پیدا می شود، خیلی مورد طمع و مطمح نظر می‌گردد. خصوصاً به لحاظ اینکه رابطه و اتصالش به خاک عثمانی خیلی کم است دستورالعمل مسافرت فرمانفرما بیشتر راجع به بنادر و نقاطی است که از برای تهیه و استعداد و استحکامات نظامی مناسبت دارد لورد گورزن که از برای پیشرفت خیالاتش شغل روزنامه‌نگاری و سیاحی را قبول کرده، به چیزهای ایران میل طبیعی مفرطی دارد. و پس از آنجا که مراجعت کرد رساله آورده که در آن شرح رقابتی را که روس و انگلیس در آسیای مرکزی دارند خوب مسطور داشته و عمده مقاصد و کماکیف خیالات و زحماتشان را در آن مندرج ساخته و گویا بیشتر جهت مسافرتش این بوده که درجهٔ نفوذ روس را در ایران ملاحظه نموده در صدد تکافی و جلوگیری آن برآید بحر پیمایی در این سواحل که از زمان اسکندر کبیر تاکنون بدین‌ترتیب اتفاق نیفتاده، ظاهراً محض حفظ هیمنه و اقتدار دولت متبوعهٔ انگلیس می باشد و نیز محض تسهیل امورات تجارتی آن دولت است که تاکنون به واسطهٔ رقابت روسها پیشرفت و ترقی پیدا ننموده. از آنجایی که امپراطوری روس قانع به نفوذ از طرف خشکی نیست، به کمپانی های بحری و به

عمده و مأمورین کشتی‌های جنگی کمال همراهی را نموده تا آنکه مسافت طویلی را بپیمایند و راهی به نواحی ایران پیدا کنند. مقاصد مذکوره هر اندازه که اهمیت داشته باشد، مانع طرح ریزی و پیش بینی امر دیگر نمی شود چنانکه قراین کار گواهی بر این مطلب می دهد. مثلا ضعف و سستی که این اوقات در کار عثمانی پیدا شده بر کسی پوشیده و مستور نیست که در عربستان، سلطان و خلافتش را امر موهومی می دانند چه، رقیبی که در آنجا دارد بیشتر محل وثوق و اعتماد علما و مجتهدین اسلام می باشد. امروز خاک عربستان از برای جماعت مسلمانان حکم ارض مقدس را پیدا نموده یعنی همان‌طوری که عیسویان عصر وَسَط به جهت تصرف ارض مقدس جهاد کرده و همان‌طوری که عیسویان امروز به زیارت ارض مقدس می روند، جماعت مسلمانان به ارض عربستان شوق و دلبستگی زیادی دارند و وثوق آنها نه فقط به واسطهٔ آثار محمدیه و نیکنامی‌ها و افتخارات اسلام است. بلکه به واسطهٔ ارادت قلبی و عقیدت مذهبی است که به مکهٔ معظمه و به مدینهٔ طیبه دارند از آنجایی که دول مغرب‌زمین هر کدام کرورها رعیت مسلمان دارند و از آنجایی که هر کدام نفوذ خود را در جماعت مسلمانان بیشتر می دانند، شبه‌جزیرهٔ عربستان از هر جهت مطرح مذاکره خواهد شد و این مذاکرات نه فقط به واسطهٔ بنادر عدیده و معادن ذغال‌سنگی است که در آن حدود پیدا می شود. بلکه به واسطهٔ آن است که هر کدام از دول متبوعه حفظ اقتدار و نفوذ روحانی خود را در جذب قلوب جماعت مسلمانان هندوستان و الجزایر لازم می دانند. لورد گورزن که خیلی مایل به شئونات و جلال سلطنتی است به تجملات اهل شرق میل زیادی دارد. و در این اوان مترصد است که عازم بصره گردد و از آنجا به بغداد آمده جشنی بر پا کند که مایهٔ فراموشی آثار هارون‌الرشید گردد. خلاصه سرگذشت جناب لورد خیلی شباهت به سرگذشت الف‌لیله دارد. از برای اینکه لورد گورزن اجرای مقاصد خود را بنماید، اشکالات زیادی در پیش است ولی مع‌ذالک هنرمندی و تردستی او به اندازه‌ایست که سیاسی دانهایی که از اهمیت اراضی مذکوره بی‌خبر نیستند، همه سربلند نموده و اهمیت آن اراضی به واسطهٔ آن بود که سابقاً مهد تمدن بوده و امروزه مرکز ثروتها و آثار قدیمه است.

خبر تلگرافی از قسطنطنیه بیست و ششم نوامبر

باب‌عالی پس از یک ماه مسامحه جواب اظهارات دولتین اطریش و روس را در

خصوص تغییرات اوضاع مقدونیه داد اما جواب او چندان شافی و کافی نبود زیرا که دو مسئلهٔ اولیه[ای] را که یکی راجع به گماشتن دو نفر مباشر روسی و اطریشی در مقدونیه و دیگری فرمانفرمایی کل ادارهٔ نظمیه در عهدهٔ فرنگی ها بوده هنوز دولت عثمانی قبول ننموده است. ولی انتخاب مفتشین را در عهدهٔ دولتین روس و اطریش گذاشته و از قبول این امر مضایقه ننموده است عمده مقصود سلطان عثمانی این است که تغییرات مختلفه که در اوضاع حکومتی مقدونیه داده می شود، دست به ترکیب حقوق سلطنتی ایشان نزند.

آثار جوّی

در این اوقات در اروپا پاره‌سنگهای جوّی به زمین باریده، از جمله در یکی از عمارات پاریس پاره‌سنگی به وزن هفت لبور (معادل یک من و کسری) سقوط نموده است.

اختراع جدید

تاکنون به جهت ساختن بطری و شیشه‌آلات میلهای آهنی مجُوّفی به کار می بردند که پس از آنکه مادهٔ ذوب‌شده را از کوره بیرون می آوردند به واسطهٔ میلها و دمیدن باد از دهان، آن مادهٔ مذاب را بزرگ و مُجوّف نموده به اشکال مختلف شیشه‌آلات تشکیل می دادند، اطبا ملتفت شدند که شیشه‌سازی به این ترتیب و با این آلت آهنی، مورثِ بعضی امراض ریوی از قبیل سل می‌گردید. لهذا بتازگی اختراع ماشینی نموده‌اند که به واسطهٔ آن شیشه می سازند و عمله‌جات شیشه‌گرخانه را از خطر این گونه امراض مستخلص کرده‌اند. ترجمهٔ خانزاد [خانه‌زاد] سیدحسن خان کتبه‌الحقیر الفقیر رفیع نواده مرحوم نصیرالملک علی‌آبادی.

مسافرت لورد کورزن فرمانفرمای هندوستان به خلیج فارس

بسمه تبارک و تعالی شأنه العزیز

روزنامجات آلمان مسافرت فرمانفرمای هندوستان را به خلیج فارس بیشتر از روزنامجات روس مطرح مذاکره ساخته هر گونه تعبیرات از برای جهت مسافرت و ملاحظات سیاسیه آن تاکنون نموده اند در حالیکه دولت روس جهت مسافرت را فقط ازدیاد نفوذ تجارتی انگلیس در حدود جنوبی ایران میداند تا آنکه تلافی نفوذ تجارتی روسها در شمالی شده باشد روزنامجات آلمان از برای شبه جزیره عربستان که خاک عثمانی است احتمالات زیاد میدهند چه این شبه جزیره بواسطه وسعت زیاد خاکش و انقلاباتیکه هر روزه در آنجا پدید میشود خیلی مورد طمع و مطمح نظر میگردد خصوصا بلحاظ اینکه رابطه و اتصالش بخاک عثمانی خیلی کم است دستور العمل مسافرت فرمانفرما بیشتر راجع به بنادر و نقاطی است که از برای تهیه و استعداد استحکامات نظامی مناسبت دارد لورد کورزن که از برای پیشرفت خیالاتش شغل روزنامه نگاری و سیاحی را قبول کرده به چیزهای ایران میل طبیعی مفرطی دارد و پس از آنجا که مراجعت کرده رساله آورده که در آن

شرح رقابتی را که روس و انگلیس در آسیای مرکزی دارند خوب مسطور
داشته و عمده مقاصد و کما کیف خیالات و زحماتشان را در آن مندرج
ساخته و گویا بیشتر جهت مسافرتش این بوده که درجه نفوذ روس را در ایران
ملاحظه نموده در صدد تکافی و جلوگیری آن برآید بحرپیمائی در این سواحل که از
زمان اسکندر کبیر تاکنون بدین ترتیب اتفاق نیفتاده ظاهراً محض حفظ
هیمنه و اقتدار دولت متبوعه انگلیس میباشد و بنیه محض تسهیل امورات
تجارتی آن دولت است که تاکنون بواسطه رقابتها رو به پیشرفت و ترقی پیدا نموده
از آنجائیکه امپراطوری روس قانع به نفوذ از طرف خشکی نیست یکباره پنهانی

بحری و به عمله و مأمورین کشتیهای جنگی کمال همراهی را نموده تا آنکه
مسافت طویلی را بپیمایند و راهی به نواحی ایران پیدا کنند مقاصد مذکوره
هر اندازه که اهمیت داشته باشد مانع طرح ریزی و پیش بینی امر دیگر نمیشود
چنانکه قرائن کار گواهی بر این مطلب میدهد مثلاً ضعف و سستی که این اوقات
در کار عثمانی پیدا شده بر کسی پوشیده و مستور نیست که در عربستان سلطان
خلافتش را امر موهومی میدانند چه رقبائیکه در آنجا دارد بیشتر محل
وثوق و اعتماد علما و مجتهدین اسلام میباشد امروز خاک عربستان
از برای جماعت مسلمانان حکم ارض مقدس را پیدا نموده یعنی همانطوریکه

عیسویان عصر وسط بجهت تصرف ارض مقدس جهاد کرده و بهمانطوریکه
عیسویان امروز بزیارت ارض مقدس میروند جماعت مسلمانان ارض
عربستان شوق و دلبستگی زیادی دارند و وثوق آنها نه فقط بواسطه
آثار محمدیه و نیکنامیها و افتخارات اسلام است بلکه بواسطه ارادت قلبی
و عقیدت مذهبی است که بمکه معظمه و مدینه طیبه دارند از آنجائیکه دول
مغرب زمین هر کدام کرورها رعیت مسلمان دارند و از آنجائیکه هر کدام
نفوذ خود را در جماعت مسلمانان بیشتر میدانند شبه جزیره عربستان از
هر جهت مطرح مذاکره خواهد شد و این مذاکرات نه فقط بواسطه بنادر عدیده

(و معادن)

و معادن زغال سنگی است که در آن حدود پیدا میشود بلکه بواسطه
آنستکه هر کدام از دول متبوعه حفظ اقتدار و نفوذ روحانی خود را
در جذب قلوب جماعت مسلمانان هندوستان و الجزایر لازم میدانند
لورد کورزن که خیلی مایل بشئونات سلطنتی است به تجملات اهل شرق میل زیادی
دارد و در این اوان مترصد است که عازم بصره گردد و از آنجا به بغداد
آمده جشنی برپا کند که مایه فراموشی آثار هارون الرشید گردد
خلاصه سرگذشت جناب لورد خیلی شباهت بسرگذشت الف لیله دارد
از برای اینکه لورد کورزن اجرای مقاصد خود را بنماید اشکالات زیادی

درپیش است ولی معذالک هنرمندی و تردستی او باندازه ایست
که سیاسیون اهالی که از اهمیت اراضی مذکوره بیخبر نیستند همه بلند نموده
واهمیت آن اراضی بواسطه آن بود که سابقاً مهد تمدن بوده وامروزه
مرکز ثروتها و آثار قدیمه است

خبر تلگرافی از قسطنطنیه بیست وششم نوامبر :

باب عالی پس از یک ماه مسامحه جواب اظهارات دولتین اطریش
و روس را در خصوص تغییرات اوضاع مقدونیه داد اما جواب او
چندان شافی و کافی نبود زیرا که دو مسئله اولیه را که یکی راجع بگماشتن

دو نفر

دو نفر مباشر روسی و اطریشی در مقدونیه و دیگری فرمانفرمائی
کل اداره نظمیه در عهده فرنگیها بوده هنوز دولت عثمانی قبول
ننموده است ولی انتخاب مفتشین را در عهده دولتین روس
و اطریش گذاشته و از قبول این امر مضایقه ننموده است
عمده مقصود سلطان عثمانی این است که تغییرات مختلفه که در
اوضاع حکومتی مقدونیه داده میشود دست به ترکیب حقوق
سلطنتی ایشان نزند

آثار جوی

در این اوقات در اروپا پاره سنگهای جوی بزمین باریده از جمله در یکی

اخبارات پاریس پاره سنگی بوزن هفت لیور (معادل یکمن و کسری
سقوط نموده است)

اختراع جدید

تاکنون بجهت ساختن بطری و شیشه آلات میل های آهنی مجوف
بکار میبردند که پس از آنکه ماده ذوب شده را از کوره بیرون
می آوردند بواسطه میل ها و دمیدن باد از دهان آن ماده مذاب را
بزرگ و مجوف نموده باشکال مختلفه شیشه آلات تشکیل میدادند اطبا
ملتفت شدند که شیشه سازی باین ترتیب و با این آلت آهنی
مورث بعضی امراض ریوی از قبیل سل میگردید لهذا بتازگی

اختراع

اختراع ماشینی نموده اند که بواسطه آن شیشه میسازند و عمله جات
شیشه گرخانه را از خطر اینگونه امراض مستخلص کرده اند

ترجمه خانزاد میرزا سید حسن خان

کتبه الحقیر الفقیر رفیع نواده
مرحوم نصیر الملک علی
آبادی

شمارهٔ سند: ۲۹۰
موضوع: تسویهٔ دعاوی سرحدیه
تاریخ: ۱۲ محرم ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۱

هو

قربانت شوم، از روزی که از جانب دولت جاوید آیت مأمورین برای تسویه دعاوی سرحدیه مأمور شده، هیچ گونه اطلاعی به بنده داده نشده. نمی دانم مأمورین کی ها هستند چه دستورالعمل دارند، در کجا می باشند، چه می‌کنند، تا اینکه این چند روزه تقریری یعنی مراسله رسمی از باب‌عالی رسید، نوشته بودند مأمورین عثمانی مدتی است در الباق جمع و منتظر مأمورین ایران هستند که حضور به‌هم نمی رسانند چون بودن مأمورین در کشمکش موجب تعطیل و تعویق کارها است. لهذا از سفارت خواهش کرده بودند تلغرافاً به مأمورین خودمان اطلاع بدهم که زودتر در محل مزبورحاضرشوند چون نمی توانستم به باب‌عالی بگویم که سفارت از مأمورین اطلاع ندارد و نمی داند کجا هستند، گفتم دور نیست، چون به جهت محل اجتماع کومسیون شما الباق را معین کرده‌اید و آنجا محل متنازع‌فیه است حضور مأمورین ایران برحسب دعوت مأمورین شما در محل متنازع‌فیه خالی از اشکال نیست. لهذا مأمورین ایران از حضور در آنجا ابا و امتناع می نمایند، جناب سعیدپاشا گفت حالا مسئلهٔ الباق را میان آوردن موجب عطلت مأمورین طرفین می شود خوب است این مسئله را عجالتاً مسکوت‌عنها بگذاریم برای اجتماع کومسیون محل دیگر معین بکنیم در بایزید یا جای دیگر اجتماع کنند، گفتم بسیار خوب من مراتب را خدمت اولیای دولت علیه تلغرافاً عرض کرده به شما جواب می نویسم. آن بود که تلغرافی معروض شد منتظر جوابم تا علت تأخیر مأمورین خودمان را فهمیده به باب‌عالی جواب بنویسم امیدوارم زودتر موانع را رفع فرموده مقرر دارند که کومسیون در محل لازم و مناسب اجتماع نموده به تسویهٔ کارها مشغول شوند. زیاده

عرضی ندارد.

محل مهر: ناظم الدوله

قربانت شوم — از روزی که از جانب دولت علیه دولت [illegible] آمده‌ایم

[illegible] دعاوی سرحدیه ، گزارش هیچگونه اطلاعی به بنده داده نشده نمیدانم [illegible]

کمیسیون [illegible] چه دستورالعملی [illegible] در کار باشند چه میکنند [illegible]

تحریری یعنی مراسله رسمی از باب عالی رسیده نوشته‌اند با ایران [illegible]

در باب جمع [illegible] با ایران [illegible] حضور [illegible] چون.

[illegible] در کشمکش زحمت تعطیل و تعویق کارها هست [illegible] از سفارت

خواهش کرده بودند [illegible] با [illegible] جلسه [illegible] در [illegible]

نمودند چون نمی‌توانستم به باب عالی بگویم سفارت [illegible] جلسه قرار داده و [illegible]

[illegible] گفتم [illegible] چون [illegible] اجتماع کمیسیون

الحاق [illegible] که [illegible] مشارٌالیه [illegible] حضور [illegible] ایران

رجب دعوت [illegible] مشارٌالیه [illegible] حالی [illegible] آینت

لهذا مأمورین ایران از حضور در بغداد و اطفای مخاصمه

جواب سفیر ایشان گفت حالا دستخط ایلچی را باید

آوردن موجب عطلت مأمورین طرفین میشود جواب

این مسئله را حالیه مسکوت عنها بگذاریم بعد از اجتماع

کمیسیون بهمدیگر سپس میکنیم در باره زیر بار یکدیگر اجتماع

گذشته گفتم با رجوع به مراتب را صحبت لدی

دولت علیه ملتزماً عرض کرده بود جواب میدهیم آن که

تعرانه معروضه منتظر جوابم تا تقلب تأخیر مأمورین

خیال رفعیده به باب عالی جواب بدهیم همه دارند ادعای

مراتب را رفع وجه معتبر دارند هر کمیسیون در بهمن

و مناسب اجتماع کمیسیون مشترکه کارها مشغول شوند راه عرض دارد

۱۲ محرم ۱۳۰۱

شمارهٔ سند: ۲۹۱
موضوع: تسویهٔ امور عشایر سرحدی دولتین
تاریخ: ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجه عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

هو

نمره: ۵۰

ترجمهٔ تقریر باب‌عالی به سفارت کبری

معلوم عالی سفارت پناهی است که در رأس حدود مابین عشایر عثمانی از قبیل طایفهٔ پیران و زوری و دنکمه‌دان و بوی‌آکین باعشایر دولت ایران از بابت منازعات و تجاوزات که واقع شده برای تسویهٔ امور آنها با ذات عالی سفارت پناهی قرار داده شد که بدون مداخلهٔ دول واسطه در آتیه از طرفین مأموری تعیین شود که تحقیقات مشترکه به عمل بیاورند از طرف حکومت سنیه از اردوی چهارم یک نفر از ارکان حرب منتخب و به محل معین مأمور شده و با ارادهٔ سنیهٔ جناب تاجداری مراتب به حضرت سرعسکری با تذکرهٔ سامیه اظهار و اعلان گردید. و از طرف سفارت پناهی نیز به دولت متبوعهٔ خودتان در عزیمت یک نفر مأمور به محل معین و روانه شدن او را اطلاع بدهید و بدین وسیله حسنه تجدید تأمینات احترامیه خود را به سفارت پناهی بیان می‌نماید. ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ و ۱۹ ایلول ناظر خارجه (سعید)

[حاشیه:] هو، جناب امین‌السلطان، این همان تلگرافی بود که ولیعهد کرده بود که آجودان‌باشی را به لاهیجان مأمور کردم او رسیده ولی هنوز مأمورین عثمانی نرسیده و نیامده‌اند این بود که گفتم با سفارت عثمانی حرف بزنید حالا هم تلگراف مختصری بکنید که مأمورین ما رفته و آنجا رسیده‌اند مأمورین عثمانی هنوز نیامده‌اند.

ترجمهٔ تقریر باب عالی بسفارت کبری بهیه

معلوم عالی سفارت بهیه است که در این صفحات بعضی رعایای [illegible] طایفه
هرکی و زرزاوی و دوگمه‌دان و [illegible] جانب دولت ایران ارتکاب
منازعات و تجاوزات واقع شده که بعضی تسویه امور آنها با ذات عالی
سفارت بهیه قرار داده شده و بدون مداخله دول دیگر در آتیه از طرفین
مأمورین تعیین شوند که تحقیقات مشترکه بعمل آورند از طرف دولت علیه
[illegible] یک نفر از ارکان حرب منتخب و بسمت معین مأمور
شده و با اراده سنیه [illegible] سرعسکری [illegible]
سابقه لطفاً روا اعلان گردید و از طرف سفارت بهیه نیز [illegible]
خودشان در عزیمت کیفیت مأموریت معین در [illegible] ادراک [illegible]
و به این وسیله خجسته تجدید تأمینات احترامیه خود را بسفارت بهیه [illegible] ۱۳۱۰

۱۹ ایلول [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۹۲
موضوع: تسویهٔ تجاوزات عشایر سرحدی دولتین
تاریخ: ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ نامهٔ وزارت خارجه عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

هو

ترجمهٔ تقریر باب‌عالی به سفارت کبری

در تاریخ دهم شهر ربیع‌الاول ۱۳۱۰ به موجب یک قطعه مذکره التماس رفته بود که در خصوص تسویهٔ تجاوزات و منازعتی که فی‌مابین بعضی از عشایر طرفین که در حدود ساکن می‌باشند به وقوع می‌رسد به طریق استثنا و به شرط اینکه از برای آتیه سرمشق باشد و به دول متوسطه هم راه مداخله داده نشود تحقیقاتی به توسط مأمورین طرفین به عمل آید. مخصوصاً به جهت این کار موجب ارادهٔ سنیهٔ پادشاهی از جانب حکومت یک نفر ضابط از ارکان حرب اردوی چهارم منتخب و معین شده که به محل مزبور فرستاده شود از جانب دولت متبوعهٔ آن جناب جلالت‌مآب نیز مأموری معین گردد که عازم آنجا شود و به طرف و آلای سرعسکری هم اظهار شده است که مأموری که باید از اردوی همایون معین شود به لاهیجان باید عازم گردد و تحقیقاتی که به اشتراک اجرا خواهد شد عبارت از این خواهد بود که در میانهٔ عشایر مامیش و بلباس مصادمه که به وقوع رسیده است، کدام یکی سبب شده است و متجاوز و متعرض کدام بوده‌اند. خواهش دارم مأموری که از طرف دولت متبوعهٔ ایشان معین خواهد بود مقرر شود که به لاهیجان عزیمت نماید. فی ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۰

ترجمه تقریر بابلی سفارت کبری

در تاریخ دهم شهر ربیع الثانی ۱۳۱۰ بموجب تعلیقه که از ... رفته بود در خصوص تسویه
تجاوزات و منازعاتیکه مابین بعضی از عشایر طرفین در حدود ساکن میباشند بوقوع میرسید
نظریات سفارت را بشرط آنکه از برای آتیه سرمشق نشود و دولتین متوسطتین هم راه اصلاح
نموده بود تحقیقاتی توسط مأمورین طرفین بعمل آید مخصوصاً که اختیار رجوع باراده سنیه
پادشاهی از جانب حکومت کبیره ضابط از ارکان حرب اردوی همایون
منتخب و تعیین شده در محل مزبور فرستاده شود از جانب دولت متبوعه
اینجانب بجهت تحقیقات نیز مأموری تعیین کنم در عالم اتحاد و ملاطفت و اعتدال
سرعسکری ... اظهار شده است که مأموریکه باید از اردوی همایون معین شود
به لاهیجان باید عازم گردد و تحقیقاتیکه باشتراک اجرا خواهند شد عبارت
از این خواهد بود که در میانه عشایر ناشی و قتل و مصادمه که وقوع یافته است
کدام یک سبب بوده است و تجاوز و تعرض کدام یک بوده خواهش دارم
مأموری که از طرف دولت متبوعه اینجانب معین خواهد بود بتعیین شود
به لاهیجان عزیمت نماید ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۱۰

شمارهٔ سند: ۲۹۳
موضوع: تسویهٔ امور عشایر دولتین
تاریخ: ۲۰ ربیع الاول ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۳۶

هو

در باب فقرهٔ تجاوز عشایر عثمانی به خاک دولت علیه و وقوع منازعهٔ فی‌مابین آنها عرض کرده بوده در گفتگو می‌بشم که مأمور مخصوص بی‌غرض معین شده با مأمور ایران رفته متفقاً و مشترکاً تحقیقات لازمه به عمل آورده امورات آنها را تسویه نمایند. چون محتمل بود در این ضمن بعضی مسائل خاکی به میان بیاورند. لهذا مراسلهٔ رسمی از باب‌عالی گرفتم که ترجمهٔ آن لفاً فرستاده می‌شود در آنجا صریحاً نوشته‌اند تکلیف مأمورین طرفین رسیدگی به منازعات و تجاوزات واقعه فی‌مابین عشایر طرفین است در این صورت حالا گفتگوی دیگر به میان آوردن گویا صلاح نباشد اگر بالفرض هم مأمور عثمانی مسئلهٔ خاکی میان آورده بخواهد مذاکره نماید مأمور دولت علیه بگوید که در این باب مأموریتی و دستورالعملی ندارد، مأموریت او فقط به رسیدگی فقرهٔ منازعه و تجاوزات است و گمان ندارم مأمور عثمانی هم مسئلهٔ دیگر ایجاد نماید ولکن دولت عثمانی به قرار مراسله[ای] که نوشته لاهیجان را که محل وقوع حادثه است، محل اجتماع مأمورین می‌خواهد قرار دهد لهذا تلغراف کردم اگر محل مزبور مناسب نیست، جای دیگر تعیین فرموده اطلاع بدهند که مأمورین در آنجا اجتماع کرده به اجرای تکالیف و مأموریت خودشان مشغول باشند. منتظر وصول جواب است همین که از منظور اولیای دولت علیه اطلاع به هم رساند اقدامات لازمه در این باب خواهد نمود زیاده عرضی ندارد. ۲۰ شهر ربیع الاول ۱۳۱۰

محل مهر: ناظم الدوله

نمره ۳۶ در باب فقره تجاوزات رعیت عثمانی به خاک دولت علیه و وقوع
منازعه فیمابین آنها عرض کرده بودم در کاغذ پیشتر هم، امور جزئی منظور
نیست شد . . . امور درباره رفته رفته منتج و منتهی بگاه اتفاقات لازمه مهمی وارد
امورات آنها را تسویه نمایند خوبی محمد بود دانستم بعضی مسائل خارجه
بنای بیاورید لهذا مراسله رسمی از بابعالی گرفتم در ترجمه آن لفا ارسال
شد. در آن جا صریحا نوشته‌اند که تحقیق امر از این طرفین رسیده که منازعات
و تجاوزات واقعه فیمابین رعیت طرفین است در این صورت و لابد دیگری
مگر بنای آوردن که اصلح باشد اگر بالفرض هم امور عثمانی مسئله
خارجه بنای آوردن بخواهند مذاکره نمایند امور دولت علیه تمکین
در این باب امر ترتیبی جوهر تصور جمیع ندارد . امورات او فقط رسیده که
فقط منازعه و تجاوزات است رجای مردم ، امور عثمانی هم مسئله
مگر ایجاد نماید دیگر دولت عثمانی بقرار مراسله در رشته ایمنی با
هیچ وقوع حادثه است مهم اجتماع امری میخواهد قرار ده

آنچه تلغراف کردم اگر مجلس در ورود مناسب نیست
جای دیگر تعیین فرموده اطلاع بدهند که ما ورود در آنجا
اجتماع کنیم اجرای تکالیف را به ترتیب حقوق ثابت مشخص شده
منظور و مقصود حاصل است همینکه در منظور وزرای دولت علیه
اطلاع بهم رساند اقدامات لازمه در اینباب آگاه کنید
نیابت عظمی ... ۲۰ ربیع ۱۳۱۰



شمارهٔ سند: ۲۹٤
موضوع: دستورالعمل کمیسیون ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

مسودهٔ دستورالعمل قومسیون مختلط و مشترکی است که در سرحدات ممالک محروسهٔ دولتین علیتین ایران و عثمانی منعقد خواهد شد.

فصل اول: برای قطع و فصل و تحقیق هر نوع دعاوی و منازعاتی که در حدود ممالک متصلهٔ دولت علیه ایران به ایالت جلیلهٔ بغداد و ارزروم اتفاق می افتد، یک قومسیون دایمی مرکب از دو نفر اجزا که هر یک از طرف یک دولت معین شده باشند، تشکیل خواهد شد.

فصل دویم: اگرچه مرکز این قومسیون در حدود مذکورهٔ فوق در یک محل مناسبی مقرر و معین خواهد شد، لکن برای تحقیق مواد مهمه در محل وقوع آن مواد قومسیون مزبور حسب الاقتضاء متحرک خواهد بود.

فصل سیم: قومسیون مزبور مصالح مهمهٔ راجعه به دولتین را تحقیق کرده صورت تحقیق را با هر چیزی که برای اصلاح آن ماده برای خودشان مناسب دانسته باشند با مضبطه مشترکی نوشته به دولت متبوعهٔ خود تقدیم خواهد نمود و لازم نیست که این گونه مواد دایماً از جانب دولتین حواله شود بلکه خود قومسیون نیز فقط به اجرای تحقیقات لازمهٔ مأذون خواهد بود تا صورت تحقیقات به اولیای دولتین معلوم شده قرار اجرای مواد لازمه داده شود.

فصل چهارم: برای انجام دادن دعاوی تبعهٔ طرفین یعنی دعاوی متعلقه به افراد اهالی کسانی که کاری و رجوعی دارند بلاواسطه به قومسیون مراجعه خواهند نمود و قومسیون هم حتی الامکان رسیدگی و قطع و فصل خواهد کرد.

فصل پنجم: در صورت وقوع اختلاف آرای فی مابین اجزای قومسیون اگر آن مسئله مختلفه‌فیها از مواد مهمه و متعلقهٔ به دولتین باشد طرفین رأی واقعی خود را با دلایل و موجبات آن با مضبطه مشترکه به دولتهای خودشان عرض و اظهار خواهند کرد و اگر امر

جزیی و متعلق به افراد بوده باشد به واسطهٔ شخص ثالثی که حَکَم باشد، به قطع و فصل دعوی بپردازند.

فصل ششم: این شخص ثالث معتمد و منتخب طرفین باید باشد و اگر در انتخاب آن اتفاق حاصل نشود، هر یک یکی را انتخاب کرده به اسم آنها قرعه بکشند و به اسم هر کدام برآمد، به قبول او مجبور باشند. و مقرر است که آن شخص ثالث باید یکی از دو رأی مأمورین قومسیون را انتخاب نماید نه اینکه رأی دیگری از خود اظهار کند.

فصل هفتم: خواه برای تحقیق و انجاه مواد متعلقه به دولتین و خواه متعلق به افراد تبعه، کسانی را که از تبعهٔ دولتین لازم خواهد شد قومسیون بدون تأخیر احضار خواهد نمود و در این باب از جانب دولتین احکام لازمه به حکام و مأمورین خود صادر خواهد شد.

فصل هشتم: حکم و قراری که در حق افراد تبعه صادر می شود قومسیون خودش همان ساعت باید اجرا نماید و اگر ممکن نشود به توسط حکومت محلیه، آن حکم را در حق مقصرین جاری خواهد کرد.

فصل نهم: اگر در باب جنحه و جنایات مثل قاتل و سارق به خیال استخلاص از جزای تقصیری که کرده‌اند از ممالک دولتین به یکدیگر فرار نمایند ابدا از طرفین تصاحب نکرده به قومسیون تسلیم خواهد شد و چنانچه به توسط قومسیون در آنجا محاکمه‌اش انجام نپذیرد، به محل وقوع جنایت فرستاده خواهد شد.

فصل دهم: قومیسیون همیشه به امنیت و آسایش سرحدات هم مواظبت کرده و در گرفتن جلو کارهای ناشایسته و بعد از وقوع در رفع و اصلاح آنها اسباب لازمه فراهم خواهد آورد.

[illegible]

فصل اول

[illegible]

فصل دوم

[illegible]

فصل سیم

[illegible]

فصل چهارم

[illegible]

فصل پنجم

[illegible]

فصل ششم

[illegible]

فصل هفتم

[illegible]

فصل هشتم

[illegible]

فصل نهم

[illegible]

فصل دهم

[illegible]

شمارهٔ سند: ۲۹۵
موضوع: محل اقامت کمیسیون ایران وعثمانی
تاریخ: ۱۱ کانون اول ۱۳۰۹ (مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ هـ. ق)
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ رئیس کومیسیون عثمانی به رئیس کومیسیون ایران

ترجمه:

برحسب استعار سابق از آمدن اعضای هیئت محترمهٔ ذات‌عالی به قزلدیزج چنین استدلال و استنباط گردید که ذات‌عالی نیز به قریهٔ مذکوره که محل اجتماع قومیسیون است خواهند آمد و منتظر بوده مضامین محررات عتبهٔ مورخهٔ ۲۹ جمادی‌الاولی و ۳ جمادی‌الاخر ذات‌عالی که متعاقب همدیگر واصل ایدی اعزاز گردید خلاف مأمول ظهور نموده است. چون که در رأس حدود محلی که برای اقامت هیئت کومیسیون دولت علیه عثمانیه دسترس باشد نیست و علاوه بر این کوهها به برف مستور است و قریهٔ کلبران که در مراسلهٔ ذات‌عالی بیان شده است، در یک محل کنار از راه واقع است و حال آنکه قرار بدو و شروع مسئلهٔ حیدرانلو در بایزید از جملهٔ مقررات کومیسیون بوده و امری که این قرار را تغییر بدهد شرف ظهور نیافته و در قومیسیون هم قرار دیگری داده نشده است بنابراین، عدم اصرار ذات‌عالی در نقل قومیسیون به قریهٔ کلبران از مسلمیات بوده و مصالح عایده به قومیسیون که متجاوز از یک سال است در حیطهٔ تذبذب و کشمکش مانده است بعد از این هم تأخیر آن منتج مسئولیت هر دو هیئت در نزد اولیای دولت خودشان خواهد بود. به موجب ودّ و مصافاتی که فی‌مابین دولتین علیتین اسلام برقرار است، تا به حال از طرف ما کمال موافقت در محافظهٔ حقوق تبعهٔ طرفین شده و با نهایت حقانیت از جان و دل ساعی بوده. در صورتی که قزل‌دیزج به حدود نزدیک است بنا به عدم رغبت ذات‌عالی به عزیمت اینجا هیئت کومیسیون دولت علیه عثمانیه بعد از این نیز در آرزوی ارائهٔ تسهیلات بوده محض باقی نماندن محل برای مخابرات طولانی و قطع این بهانه و سهولت در جلب عشایر هیئت قومیسیون عثمانی به قریهٔ تپه‌ریز که در جوار باخیه ابافه واقع است، نقل و عزیمت ذات‌عالی را نیز به قریهٔ مذکوره یا به قریه پیله‌صور که

نزدیک تپه‌ریز است و موافقت ذات عالی در انعقاد مجلس قومسیون روزی در تپه‌ریز و روز دیگر در پیله‌صور متمنی بوده و در این خصوص به وصول جواب قطعی ذات‌عالی منتظرم.

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولتعلیه‌سی و مشیر پاشای جانبندن وارده

سعادتلو افندم حضرتلری

مسبوق اشعار اوزرینه هیئت محرره‌لری اعضاسنک قزلدیزه کلمش
اولملریندن استدلال و استنباط اولندیغنه کوره ذات عالیلرینک دخی
قومسیونک نقطهٔ اجتماعی اولان قزلدیزه مواصلتلرینه انتظار ایلمکده ایکن
بربرینی متعاقب واصل اولان ذی‌عزالریدن ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۱۱ و ۳ جمادی الآخره
تاریخلو محررات علیه‌لری مضامیننی خلاف مأمول ظهور ایتمش ایسه ده چونکه حدوده
اقامته الویرشلی محل بولنمدیغی کبی طاغلر قار ایله مستور و بیان بیورلدیغی
کلبران قریه‌سی خرابه‌یان و صایه‌ر خلده کائن بولنمشدر حالبوکه حیدرانلو
مسئله‌سنه اوّل باوّل بایزیدده قرار ویرلمسی قومسیونک جمله مقرراتندن
اولوب بو قرارک تغییر ایدلمه‌جکی نه یه امر شرطلنمش ایمش و بنده ده قومسیونجه
دیکر بر قرار ویرلمدکه بناءً علیه قومسیونک مذکور کلبران قریه‌سنه نقلی
خصوصنده اصرار بیورلمه‌جغی مسلّم ایدن و برسه دخی بو یله‌جه حال
تذبذب و کشمکشده براغلمش اولان قومسیون مانند مصالحات بوندن بویله ده
تأخره براغلمسی تأخره هر ایکی هیئتک دولتلرنجه مسئول طوتلملرینی منتج
اوله‌جغی بدیهیاتدن ایلمسنه و دولتین علیتین مابیننده موجود اولان وداد و صفانک
ایجابنجه شمدییه قدر طرفیندن کمال موافقتله تبعهٔ طرفینک حقوقنک حقانیتنه
توفیقاً محافظه‌سنه ایرجان و دل عالیتمقده بولندیغی کبی قزلدیزه موقعی
حدوده قریب بر محل ایکن بورایه عزیمته رغبت بیورلمامسنه قاریشو دخی اتفاق
مودعه‌نک سرعت تسویه‌سی ضمننده هیئتمزیجک مادعی ارائه ایتمشلردن
کرد طوبرقلری اراضیده خالصنده بولنمسنه مبنی بو بابده اوردن اوزرادهم
مجاوره‌یه محل قالمامش و بو مجاوره‌یی دخی قطع ایتمک و عشایرک جلبنجه بر دانه‌دن
سهولتی موجب اولمق اوزره هیئتمزده ها ایلروده کائن و ایقا ناحیه‌سنه حوالی

دیمك اولان بیته میزه قریه سنه نقل ایده جكلرندن ذات عالیلرینك دخی

قریه مذكوره یه ویاخود اوراده جوار بلده صوق قریه سنه عزیمت بیورمه لری

و بر كون بیته میزه و بر كون بیله صوق دره اقامت قرمیش ایچون موافقت بیورمه لری

امیدنده بولندیغمی بیان وافاده دا اولبابده جواب قطعی عالیلرینه انتظار

ایلرم اولبابده اراده افندم حضرتلرینكدر فی ۱۹ كانون اول ۱۳۰۹

رئیس فرقه هیون

سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۲۹۶
موضوع: کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی در آذربایجان
تاریخ: ۲۵ جمادی‌الاخر ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

یادداشت حاجی محمود پاشای صدیق الدوله حاکم ماکو در یارم‌قیه

مأمور عثمانی می‌نویسد پیله‌صور ایران

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

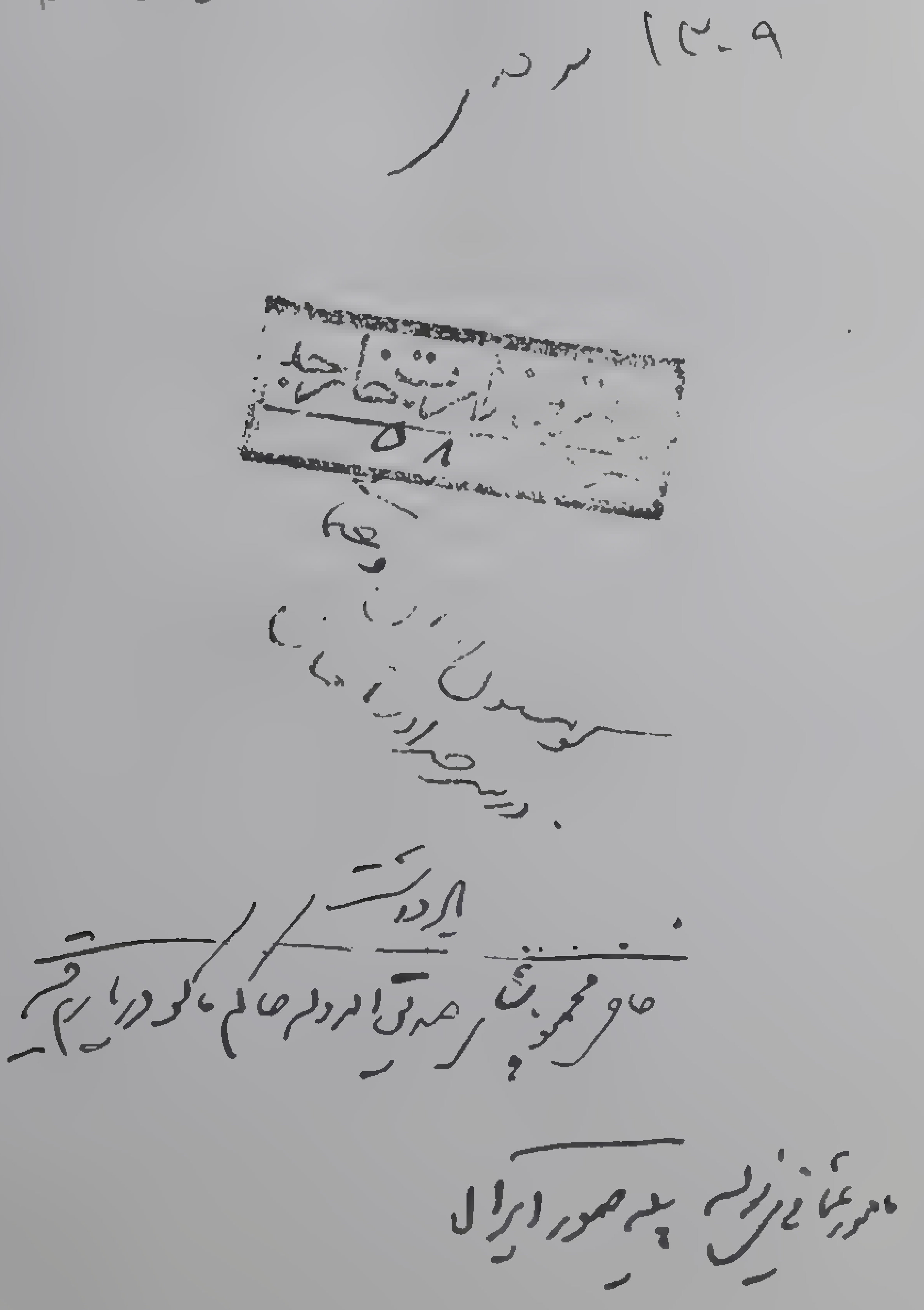
سعادتلو افندم حضرتلری

از قرار اظهار سفارت کبرای دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول به ذات‌عالی حکم تلگرافی از صدارت عظمای دولت علیه عثمانیه فرموده‌اند که به جمیع دعاوی راجعه به عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی در مجلس کومیسیون که به رعایت رسم مألوف و تسهیل و تسریع تسویهٔ دعاوی تبعهٔ طرفین در رأس حدود در محل متساوی‌المسافه ان‌شاءالله تعالی تشکیل خواهد یافت، بدقت و بیطرفانه وارسی و به حقانیت متساویاً یعنی یک فقره از دعاوی تبعهٔ دولت علیهٔ ایران و یک فقره از دعاوی تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه تسویه شود. در ضمن مراسلات اخلاص شعار به استحضار خاطر مودت مظاهر سامی رسانید که برای تشکیل مجلس کومیسیون خاصه در این موسم از قریهٔ بازرگان ماکو و قریهٔ کلبران بایزید انسب جایی به نظر بیطرفانهٔ ارادتمند نمی‌آید اگر رأی سامی هم تصویب استصواب مخلص را می‌نماید، ان‌شاءالله زودتر تشریف بیاورید که به مبارکی و میمنت متفقاً و متعاضداً شروع به تحقیق و تسویهٔ دعاوی تبعهٔ طرفین بشود. والا طور دیگر که به جهت تحصیل مقصود و انجام خدمت دولتین اسلامیتین بهتر باشد به نظر بیاورند معجلاً به ارادتمند اطلاع بدهند تاکنون جوابی در این باب از ذات‌عالی شرف وصول نبخشید و معلوم نشد که در اقامت قزلدیزج که از سرحد ماکو دور و احضار مدعی و مظنون از تبعهٔ دولت متبوعهٔ معظمه ارادتمند علی‌الخصوص در این زمستان سخت به آنجا قریب‌المحال است چه مصلحتی اندیشیده‌اند با کمال توقیر و احترام از التفات سامی متوقع ترقیم جواب و کشف مافی‌الضمیر در باب محل تشکیل کومیسیون و اجتماع

هیئتین می‌باشد. و امیدوار است که ان‌شاءالله تعالی به ملاحظهٔ جواب این مراسله از تعیین تکلیف قرین امتنان آید. مورخهٔ ۲۵ شهر جمادی‌الاخر ۱۳۱۱
رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: اعتمادالوزاره

[پی‌نوشت:] سواد پنج طغری مراسله که با کمیسیون دولت عثمانی مخابره شده مطابق اصل است.

محل مهر: معصوم‌الانصاری



جواب [illegible] ریاست کمیسیون دولتیه عثمانیه.

سعادتلو افندم حضرتلری

از قرار اظهار سفارت کبرای دولتیه ایران مقیم اسلامبول به اولیای [illegible] که اخیراً از صدارت عظمای
دولت علیه عثمانیه فرموده‌اند به جمیع دعاوی راجعه به رعیتین دولتین علیتین ایران و عثمانی
در مجلس کمیسیون که به ریاست [illegible] تسریع تسویه دعاوی تبعه طرفین در این سرحد
در مدت [illegible] افادات آن ریاست جلیله [illegible] خواهد یافت [illegible] طرفانه دارای [illegible]
است و آن یکی یک فقره از دعاوی تبعه دولت علیه ایران و یک فقره از دعاوی تبعه
دولت علیه عثمانیه تسویه شود. در ضمن مراسلات مخصوص [illegible]
[illegible] که برای تشکیل مجلس کمیسیون خاصه در این موسم از قریه [illegible]
و قریه کلبران [illegible] جای نظر بطرفانه [illegible]
تصویب استصواب [illegible] تشریف بیاورند [illegible]
متفقاً و متعاضداً شروع به تحقیق و تسویه دعاوی تبعه طرفین شود [illegible]
و انجام خدمت دولتین [illegible] بهترین نظر بیاورند [illegible].
تاکنون جواباً در این باب از ذات عالی شرف وصول نبخشیده و معلوم نشده در
اقامت قولدیزج و در سرحد ماکو [illegible] تبعه [illegible]
[illegible] علی‌الخصوص در این زمستان سخت [illegible] قریب المحال است
چه مصلحتی اندیشیده‌اند. با کمال توقیر و احترام از الطاف سامی متوقع رقیمه
جواب و کشف ما فی الضمیر در باب محل تشکیل کمیسیون و اجتماع هیئتین [illegible]
[illegible] البته [illegible] ملاحظه جواب [illegible] از تعیین [illegible]
[illegible] شب پنجم شهر جمادی الآخر ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون [illegible]
اعتلاء الوزاره

شمارهٔ سند: ۲۹۷
موضوع: کمیسیون سرحدی عشایر دولتین ایران و عثمانی
تاریخ: ۵ رجب ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

جواب به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۹ کانون اول ۱۳۰۹ ذات‌عالی واصل ایادی اعزاز گردید و از فقرات مندرجه آن مستحضر و قرین کمال تأسف آمد. چرا که بعد از یک سال و نیم اقامت کومیسیون دولت علیهٔ ایران با تحمل صدمات روحانیه و جسمانیه در بایزید و قزلدیزج و موافقت اختیاری در نهایت درجه با کومیسیون محترم دولت علیه عثمانیه باز سامی تأخیر تسویهٔ دعاوی تبعه و عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی را عطف به کومیسیون دولت متبوعهٔ معظمهٔ دوستدار می‌فرمایید اگر مقصود کومیسیون دولت علیه ایران با کمال مجاهدت و معاضدت تسویهٔ دعاوی تبعهٔ طرفین نمی‌بود به چه ملاحظه متحمل زحمات اقامت بایزید و قزل‌دیزج در این مدت می‌بود. و اینکه مرقوم فرموده‌اید قرار قطع و فصل مسئلهٔ حیدرانلو و جلالی در بایزید از جملهٔ مقررات کومیسیون است اگر کومیسیون چنین قراری به شرط داده بود به آن شرط نیز از طرف کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه وفا نشده و صدق این معنی از ملاحظهٔ مراسلات رسمانهٔ سامی مشهود است، پس به هیچ‌وجه من‌الوجوه از روزی که شرف ملاقات دست داده هیچ‌گونه علایم ضدیت و مخالفت از طرف کومیسیون دولت علیه ایران ظاهر نشده و باز ان‌شاءالله تعالی نخواهد شد. در باب تشکیل کومیسیون در تپه‌ریز و بیله‌صور هم مضایقه از قبول خواهش سامی نمی‌رفت. اگر راه جلالی‌ها تا آنجا اقلا چهارده فرسنگ دور نمی‌شد فی‌الواقع اگر تسویهٔ منازعات عشیرتین جلالی و حیدرانلو حتماً باید مقدم به تصفیهٔ سایر دعاوی باشد التفات فرموده به کلبران تشریف بیاورید که اینجا چنانکه در ضمن مراسلات سابقه معلوم خاطرخلت مظاهر سامی نموده است واقعاً به جهت تشکیل مجلس بسیار مناسبتر است و چنانچه به اطلاع سامی رسانده‌اند کلبران از راه و سرحد دور نیست به سرحد ماکو بسیار نزدیک و

به این قریهٔ دزرگان که بنده نشسته و در کمال ناشکیبایی منتظر قدوم محمدت لزوم ذات عالی است، یک ساعت کمتر فاصله دارد. ده آبادی است که پنجاه خانوار سکنه و جای نشیمن برای کومیسیون محترم دولت علیه عثمانیه دارد. چند سال قبل که به این آبادی هم نبوده است مرحوم حاجی محمود پاشای صدیق الدوله حاکم ماکو در قریهٔ بازرقیه و عمی کامل پاشا متصرف بایزید در قریهٔ کمبرن با جمعیت زیاد متوقف و تسویه دعاوی رعایای طرفین را نموده‌اند البته حالا اقامت هیئتین در قریتین مزبورتین با کمال خوبی ممکن خواهد بود. معهذا اگر ذات عالی در تشریف آوردن این سمت محذوری به نظر بیاورند و آن محذور در نظر بیغرضانهٔ بنده مصدق باشد و مقامی بهتر از این برای تشکیل کومیسیون ارائه فرمایند بدون هیچ تأملی موافقت خواهد نمود. ان‌شاءالله تعالی منتظر جواب است. فی پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران اعتمادالوزاره

جواب   مکتوب واردهٔ ریاست کمیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۹ کانون اول ۱۳۲۱ از دائرهٔ جلیله ابراز گردید و از مضمون آن
مستحضر و قرین کمال تأسف آمد چرا که بواسطهٔ عدم اقامت کمیسیون دولت علیهٔ ایران
با تحمل صدمات روحانیه و جسمانیه در بایزید و قزلدزه دو هفته بیکاری در انتظار
درجه با کمیسیون محترم دولت علیهٔ عثمانیه بازرسی تا خط قطوریه و دعاوی بمعیت ردیف لیتن
علیتین ایران و عثمانی را عطف بکمیسیون دولت متبوعهٔ مخلصه دوستانه رجوع نماید اگر
مقصود کمیسیون دولت علیهٔ ایران با کمال مجاهدت و مساعدت تسویهٔ دعاوی متقابله
طرفین میشود بچه ملاحظه تحمل زحمات اقامت بایزید و قزل درج در این مدت نمود
و اینکه مرقوم فرموده‌اید قرار قطع و فصل مسئلهٔ حدود قطور و حوالی در بایزید از جملهٔ قرارات
کمیسیون است لکن کمیسیون چنین قراری بشرط داده بود با شرط نیز از طرف
کمیسیون دولت علیهٔ عثمانیه وفا نشد و صدق این فقره از ملاحظهٔ مراسلات ریاست
سامی مشهود است پس بهیچوجه من الوجوه ارزوئی و شرف مذاکرات دست داد
هیچگونه عدم ضدیت و مخالفت از طرف کمیسیون دولت علیهٔ ایران ظاهر نشده

و بعد از آن انشاءالله تعالی بخواهند در باب تشکیل کمیسیون در تبریز و سید حمزه را

مضایقه از قبول خواهش سامی نفرموده اگر راه جلدلیان تا آنجا اقلاً چهارده فرسنگ

در زمستان فی الواقع اگر تو رفتن زحمت عبور بین جلدیان و سید حمزه را حتماً باید بمقدم

بتصفیه رفاه دوستی التفات فرموده بکلبران تشریف بیاورید امیدوارم.

چنانکه در ضمن مراسلات سابقه معلوم خاطر جناب سفارت مآب سامی نموده است

واقعاً بجهة تشکیل مجلس بسیار مناسبتر است و چنانچه بالطبع سامی برسد نزد آنها

کلبران از راه و سرحد حاجی نسبت به سرحدها که بسیار نزدیک و مابین قریه‌ها ارکان

که بنده نشسته و با کمال انگیزه منظور قدوم مبارک است لازم و ابتدائی است که مسافت

کمتر فاصله دارد و ده آبادی است پناهگاه خان سکنه و جای نشستن برای کمیسیون

محترم دولت علیه عثمانیه دارد چند سال قبل در این آبادی هم بوده است

مرحوم حاجی محمود پاشای صدیق الدوله حاکم که در قریه یارم قیه دو ماه کامل با

مستغرف بودند در قریه کلبران با جمعیت زیاد توقف و تبریه عامی غیر از این

نموده اند البته حالا اقامت ایشان در قریتین مزبورتین با کمال خوبی ممکن خواهد بود.

مهذا اگر دولتعالی در تشریف آوردن این سمت مانعی منظور بدارند والا مجدداً در

در نظر فخامت بنده مصداق بشود مقامی بهتر از این برای تشکیل کمیسیون ارائه فرمایند

بدون هیچ تأمل موافقت خواهم نمود انشاءالله تعالی منتظر جواب است

۴ پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۲۱

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

اعتلاءالوزاره

شمارهٔ سند: ۲۹۸
موضوع: کمیسیون سرحدی عشایر ایران و عثمانی
تاریخ: ٦ رجب ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

پس از حصول استحضار از مضمون مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ بیست و ششم کانون اول ۱۳۰۹ ذات‌عالی با کمال تعجیل به ایراد جواب مبادرت و با نهایت توقیر و احترام به مقام استفسار می‌آید که مقصود ذات‌عالی از تشکیل مجلس کومیسیون روزی در قریهٔ تپه‌ریز عثمانی و روز دیگر در پیله‌صور ایران چه چیز است. اگر استنطاق دعاوی تبعه و عشایر دولتین علیتین ایران و عثمانی سکّان بایزید و اواجق و من‌تبع آنها است، که ارادتمند بدون افاتهٔ وقت ان‌شاءالله تعالی فیض ملاقاتِ سامی را دریابد. و اگر موافق قرارداد سفارت کبرای دولت متبوعهٔ محترمه اخلاص شعار مقیم اسلامبول و نظارت خارجهٔ دولت علیه عثمانیه مجدداً استنطاق دعاوی عشیرتین جلالی و حیدرانلو است، از خود ذات‌عالی انصاف می‌خواهد در این فصل زمستان چگونه به جلالی‌ها عدلاً می‌توان به آمدن پیله‌صور از آق‌کل که قشلاق آنها و چهارده فرسخ مسافه دارد تکلیف نمود. در صورتی که هیئتین تقدّم تسویهٔ دعاوی عشیرتین مزبورتین را به تصفیهٔ دعاوی تبعه و عشایر سایرهٔ دولتین اسلامیتین واجب شمارند در رأس حدود جایی که برای تشکیل مجلس کومیسیون از قریتین بازرگان و کلبران انسب و متساوی‌المسافه باشد معین و به عون‌الله تعالی هرچه زودتر اقدام به ادای وظایف این مأموریت میمونه بشود. فی ششم شهر رجب ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: اعتمادالوزاره

جواب دومی ریاست کمیسیون تحدید عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

پس از حصول استحضار از مضمون مراسله جوابیه مورخه بیست و ششم کانون اول (۲۶) ذاتعالی
بکمال محبت بارادهٔ جواب مبادرت و با نهایت توقیر و احترام بمقام استفسار برآمده
که مقصود ذاتعالی از تشکیل مجلس کمیسیون روزی در قطعهٔ اراضی عثمانی و روز دیگر در
بله‌صورات ایران چه چیز است اگر استنطاق دعاوی تبعه و عشایر ولایتین عثمانی و ایران
و عشایر ساکنان بایزید و داجق و منضمات آنها است که اراده شده بدون فائده
وقت اتلاف شده تا کی فیصل مداقات ... دریابد و اگر برای قرارداد سرحدات
کبرای دولتین ستوده محترمه اخذ حقوق ریعیم [؟] ملاحظات خارجه تحدید عثمانیه بگوید
استنطاق دعاوی عشیرتین جلالی و حیدرانلو است از خود ذاتعالی انصاف میخواهد در
این فصل زمستان چگونه بجهت لیها عدد قلیل حیوان ... آمدن بله‌صورات ... نمود

قشلاق آنها و چهار ده فرسخ مسافه دارد و تکلیف نمود در جمهوریکه مبین
تعدد تسویه دعاوی عشیرتین مزبورتین را مقتضیه دعاوی تبعه و عشایر سایره چنین
اسلامبین واجب نموده در اینصورت حاجت بر برای تشکیل مجلس کمیسیون از
قرنیتین بازرگان و کلبرانا است و تا در این باب ... جواب بعین الله تعالی هرچه
زودتر اقدام بادای وظایف این مأموریت میسر نشود یوم ششم شهر رجب ۱۲
رئیس کمیسیون تحدیدیه ایران

اعتلاءالوزاره

شمارهٔ سند: ۲۹۹
موضوع: کمیسیون سرحدی عشایر ایران و عثمانی
تاریخ: ۳ کانون ثانی ۱۳۰۹ (مطابق ۸ رجب ۱۳۱۱هـ.ق)
کارتن: ۲۱
پرونده: ۵/ح

نامهٔ رئیس هیئت کومیسیون عثمانی به رئیس هیئت کومیسیون ایران

ترجمه:

تحریرات جوابیه مورخهٔ پنجم رجب ذات‌تعالی مطالعه‌گزار مخلص گردید. تأخّرات قومسیون در ظرف این یک سال و نیم که از کدام طرف بوده است با اوراق و مراسلات موجوده یک کیفیت معلومی است و به تکرار آن لزوم نمی‌بینم. اکنون قریب یک ماه نیم است که در خصوص معاملات قومیسیون اوامر علیه شرف ورود یافته و از طرف قومسیون دولت علیه عثمانیه هرگونه ارائهٔ تسهیلات می‌شود کار باز به مخابرات و تعلّلات انداخته می‌شود. قریهٔ کلبران نهایت در مسافت شش هفت ساعت به قریهٔ تپه‌ریز واقع و بنا بر اِشعار ذات‌عالی چهارده ساعت فرض شده و نه ساعت، مسافت که از اباقه به تپه‌ریز است اگر علاوه بشود گفته می‌شود که حیدرانلو بیست چهار ساعت مسافت قطع نموده نزد جلالی‌ها بیایند. در این صورت عدم حصول معاملهٔ متقابله و متساویه در کار است. و اهالی قریتین پیله‌سور و تپه‌ریز به جلالی منسوب نبوده درمحل وسطی واقع است و اقامت قومسیون در چنین محلی که بیطرف و متوسط است از واجبات امور است. در ضمن تسویهٔ امورات که مقصود دولتین علیتین است نهایت اگر پنج روز دیگر تشریف نفرمایند مجبوریت خود را به عرض کیفیت به مراجع عالیه خود با کمال اخلاص و تأسف بیان می‌نمایم. فی ۸ رجب ۱۳۱۱ و ۳ کانون ثانی ۱۳۰۹

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه‌سی قومیسیونی ریاستی جانب والاسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

فی ٥ رجب سنه ١٣١١ تاریخلی تحریرات جوابیه والالری مطالعه گذار مخلصی اولدی قومیسیونک برنجی سنه دنبرو تأخراتی فنی طرفدن اولدیغی درة قلعه معلوم بر کیفیت ایدوکندن تکرارینه لزوم گورمم ایشته برنجی ماهه قریب قومیسیونک معاملاتی حقنده اوامر علیه شرفصدور ایتمش ایکن وطرفکزدن هر درلو تسهیلات ارائه ایدلدیکی میدانده ایکن ایشبو تعللات ومخابراتله دوشربیلر کلبران پته‌یه قریه سنه نهایت آلتی یدی ساعت مسافه‌ده واقع واشعار والالری وجهله اون درت ساعت فرض اولنمش ایسه‌ده پته‌یه طوغری ساعت اولان مسافه علاوه ایدلسه دخی اولورکه حیدرانلو مکری دیرسانه قطعه‌سیله جلالیلر زدینه کلنجکلری ودوایسه معامله مقابله ومشاوره حاصل اوله‌میه‌جغی درکار وپته‌یه دین ودیکه صحیح اما ایلک حیدرانلو وجلالی‌یه منتسب اولمیه‌رق وسطه بر محله دخی ایتمش و قومیسیونک بو بله بیطرف وسط بر محلده بولنمسی ایجابات اموردن ایکن پیدا ایتمش اولدیغندن بو اثناده دولتین علیتین مرضی خاطرلرینه توفیقا حسن نیته ایدلمک اوزره نهایت بش کونه قدر تشریف بیورلمدیغی حالده مالعذرتی مرجع عالیلرینه عرض مجبوریت حاصل اوله‌جغنی کمال اخلاص ومناسبتله بیانه مبادرت ایدرم فی ٨ رجب ١٣١١ و ٣٠ کانون ثانی ١٣٠٩

رئیس قومیسیون

سید احمد حمدی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بخش دوم

مذاکرات کمیسیون سرحدی آذربایجان
به ریاست میرزا موسی خان

شمارهٔ سند: ۳۰۰

موضوع: تشکیل کمیسیون برای تحقیق در مورد لاهیجان و وزنه

تاریخ: ٤ رجب ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ٢٤

پرونده: ۳/ت

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۷٤۸ عمومی ۱۹۶ خصوصی

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

خاطر محترم جناب مستطاب اشرف عالی استحضار دارند که در اسلامبول میان نظارت جلیلهٔ امور خارجه و سفارت کبرای دولت علیه ایران برای تحقق محال لاهیجان و نواحی وزنه و میرگان قرار شد که از مأمورین طرفین تشکیل قمسیون شود و در اربیل باهم اجتماع نمایند و مأمورین از جانب دولت علیه عثمانیه معلوم گردیده و به سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول اطلاع داده شده باب‌عالی منتظر است که مأمورین از طرف دولت علیه ایران هم معلوم شود و اسامی ایشان و زمان حرکت آنها و وقت وصول به اربیل هم معین گردد و لهذا سفارت سنیه در مقام ترقیم این مراسله به مقام جلیل صدارت‌عظمی برآمده منتظر است که جناب مستطاب اشرف عالی مأمورین دولت علیه ایران را برای تشکیل قمسیون مذکور معین و اسامی ایشان و زمان حرکت و تاریخ وصول آنها را در صورت قطعی مرقوم فرمایند تا سفارت سنیه باب‌عالی را مستحضر دارد. همواره

احترامات فایقه دوستدار را جنـاب مستطاب اشرف عالی در حق خود برقرار دانند. فی ٤ شهر رجب المرجب ١٣١٢

محل مهر: السید حسین حسیب

[حاشیه:] جواب نوشته بشود.

سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه

نمره ۱۱ عمومی

۱۹۶ خصوصی

جناب مستطاب اشرف والا [illegible]

دوست محترم مهربانا جناب مستطاب اشرف والا استحضار دارند که در [illegible] سفارت جلیله [illegible] سفارت کبرای دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

معلوم [illegible] سفارت کبرای دولت علیه ایران [illegible]

در ۵۰ ولایت [illegible] سفارت سنیه [illegible]

به جناب مستطاب اشرف والا [illegible] ۱۵ [illegible]

در مدت [illegible] سفارت سنیه [illegible]

[illegible] رجب ۱۳۱۲

شمارهٔ سند: ۳۰۱
موضوع: تشکیل کمسیون برای تحقیق لاهیجان و وزنه
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۲ هـ.ق)
کارتن: ۲٤
پرونده: ۳/ت

به سفارت عثمانی نوشته می شود [نامهٔ وزارت خارجه]

وصول مراسلهٔ آن جناب مجدت و فخامت همراه مورخهٔ چهارم شهر رجب المرجب ۱۳۱۲ نمره ۱۹۶ در خصوص کمسیون وزنه مایهٔ کمال تعجب شد زیرا دولت علیه عثمانیه در تصرفات قدیمه و فعلیه دولت علیه ایران در اراضی لاهیجان و غیره هیچ وقت تردید و شبهه نداشته و اگر آن جناب مجدت و فخامت همراه به دفاتر مراسلات صادره و وارده سفارت کبرا مراجعه فرمایند معلوم خواهند داشت که همه وقت کارگزاران عثمانی محال لاهیجان و غیره را از اراضی متصرف فیهای دولت علیه ایران دانسته و می دانند و اینکه در باب گفتگوی وزنه از کارگزاران دولت علیه ایران مساعدت به رسید گی شده است محض این است که چون کارگزاران دولت علیه عثمانیه فقط در تصرفات قدیمه دولت علیه ایران در نفس وزنه شبهه داشته و اظهار می نمودند که از چند سال قبل به این طرف عشایر ایرانیه آنجا را تصرف کرده اند برای رفع این اختلاف و مکاشفه واقع امر، اولیای دولت علیه ایران به تشکیل یک کمسیون و اجرای تحقیقات رضا دادند و اکنون عمدة الامراء العظام میرزا علی خان با سه نفر دیگر برای انعقاد کمسیون ایرانیه در سرحد مدتی است در تبریز مصمم حرکت و منتظر اعلام اند که هر وقت مأمورین کمسیون عثمانیه عازم سرحد شده و به اولیای دولت علیه ایران اخبار شد به آنها هم اعلام شود که بدون فوت وقت عازم سرحد شده و مأمورین آن دولت را در نقطهٔ اربیل ملاقات و اقدام به اجرای تحقیقات خواهند نمود. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می نماید. زیاده زحمت نمی دهد.

امضا

سفارت عثمانی نوشته بود

اصل مراسله جناب ... [illegible] مورخه چهاردهم رجب ... [illegible]

و ... عثمانیه در تصرفات قریه ... دولت علیه ایران در اراضی ... و غیره ... [illegible]

... سفارت کبرای ... [illegible]

کارگزاران عثمانی ... و غیره در اراضی متصرفی ... دولت علیه ایران ... [illegible]

... از کارگزاران دولت علیه ایران ... شده است ... [illegible]

... عثمانیه فقط در تصرفات قریه ... ایران در ... [illegible]

قبل ... عشایر ایرانیه آنجا را تصرف کرده‌اند برای رفع این اختلاف ... [illegible]

اولیای دولت ایران ... کمیسیون و اجرای تحقیقات رضا داده‌اند و اکنون ... [illegible]

... برای انعقاد کمیسیون ایرانیه ... است ... [illegible]

... هر وقت مأمورین کمیسیون عثمانیه عازم ... شده ... [illegible]

... اعلام ... وقت عازم ... شده ... [illegible]

در نقطه ... ملاقات و اقدام با اجرای تحقیقات خواهند ... [illegible]

فرصت را ... احترامات ... [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۰۲
موضوع: صورت اسامی دهات لایجان
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۱۲ هـ.ق)
کارتن: ۲٤
پرونده: ۳/ت

صورت دهات لایجان مسکن طوایف ایل بلباس و تعداد خانه‌وار آنها از قرار تفصیل ذیل

طایفهٔ مامش	طایفهٔ پیران	طایفهٔ زودی	طایفهٔ منکور و کورک
صوفیان ۵۰	کلب‌حسن ۲۰	ابخورده ۵	شختان ۱۵
جلدیان ۱۰۰	دریمکه ۱۵	خواجه‌علی ۸	باب‌والا ۲۰
کلیج ۱۵	ژوکه ۱۰۰	کاسه‌کران ۱۵	کاپر ۲۰
سروکانی ۳۰	ماشکان ۲۵	جمع ۲۸	خرآقلان ۳۰
اندیزه ۱۰۰	سیلوه ٤۰		نعلین ۱۵۰
کردک شانه ۲۵	کردکوران ۱۵		نالوس ۳۰
کیله ٦	دنداور ۱۵		باراس ۵۰
اشنوزنگ ۵۰	بیکس ۱۵		عثمان‌آباد ۲۰
کندره ۵۰	عثمان‌آباد ۱۰		ربط ۱۵
پسوه ۱۰۰	جمع ۲۵۵		جمع ۳۵۰
شاهوله ٤۰			
خورنج ۱۵۰			
کیله‌سیپان ۱۵			
قروچای ۲۵			
شلیم‌چاره ۵۰			
زنگ‌آباد ۳۰			
کنه‌دار ۳۰			
بردکمران ۲۰			
جمع ۸۸٦			

صورت دهات آباد لاهیجان است اگر دهات مامش است که کلاً آباد است.
طایفهٔ پیران که رفته‌اند چند پارچه از دهات [illegible] که در آنجا نوشته شده از طایفهٔ مامش آباد کرده نشسته‌اند زراعت می‌کند طایفهٔ مذکور و زودی هم دهاتشان در دست خودشان است، اگر به عقل ناقص این بنده می‌رسد، می باید به هر قسم است طایفهٔ پیران را امیدوار کرد و آورد با دولت قبل در لاهیجان بوده و خدمت می‌کردند نمی دانم با مرحوم شجاع الدوله چه واقع شد که یک مرتبه روگردان شدند.

استمالت پیران و زودی خیلی واجب است به هر طور مصلحت داند قرار اعاده آنها را بدهد.

صورت دهات لاهیجان مسکن طوایف ایل بلباس و تعداد خانه وار آنها

از قرار تفصیل ذیل

طایفه مامش

سوفیان	۵۰
جلدیان	۱۰۰
گلیج	۱۵
سردکانی	۳۰
اندیزه	۱۰۰
گردک شانه	۲۵
کیله	۶
اشنوزنگ	۵۰
کندره	۵۰
پسوه	۱۰۰
شاهوله	۴۰
خورنج	۱۵۰
کیله سیبان	۱۵
قره‌چای	۲۵
شلیم‌جاره	۵۰
زنگ‌آباد	۳۰
کهنه‌داره	۳۰
بردکران	۲۰
جمع	۸۸۶

طایفه پیران

کهل حسن	۲۰
دربکه	۱۵
زنوکه	۱۰۰
ماشکان	۲۵
سیوه	۲۰
گردکوران	۱۵
دنداور	۱۵
بیکس	۱۵
عثمان‌آباد	۱۰
جمع	۲۵۵

طایفه زودی

آغجوزده	۵
خواجه علی	۸
کاسه‌گران	۱۵
	۲۸

طایفه منگور و گورک

شیخان	۱۵
بابلا	۲۰
کانیه	۲۰
خوانقلان	۳۰
نعلین	۱۵۰
نالوس	۳۰
بابلس	۵۰
عثمان‌آباد	۲۰
رابط	۱۵
	۳۵۰

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۰۳
موضوع: تجاوز عشیرت عروسانلو به عشیرتهای عثمانی
تاریخ: ۵ مایس رومی ۱۳۱۱ (۲۱ ذیقعده ۱۳۱۲ هـ.ق)
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع۶

به جناب والای ریاست کومیسیون دولت علیه ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

ترجمه

از قرار نامه‌هایی که به حکومت محلیه داده شده است عشیرت عروسانلو ساکنین الند جمعیت نموده هیجده رأس گاو عشیرت میلان تبعهٔ دولت علیه عثمانیه را در نزدیکی قریهٔ رازی با برهای آنها غصب و باز از عشیرت مذکوره بیست و پنج نفر اشخاص مسلحه دیشب به قریهٔ خرابصوریک آمده و به آسیاب رفعت‌مآب قلی خان آقا بیک باشی الای حمیدیه هجوم نموده و چند بار آرد غصب و غارت نموده‌اند. و از عشیرت حیدرانلو ساکنین قراعینی هفده نفر مسلحاً به عشیرت یزیدی هجوم و ناخرهای* آنها را غصب و یک نفر را قتل و سه نفر را جرح کرده‌اند و باز از عشیرت مذکوره چهل نفر به قریهٔ نوشار هجوم و متجاوز از دویست رأس گاو و گاومیش آنها را غصب نموده‌اند. این مقدمه زیاد قبیح بوده و بیان استرداد اموال مغصوبه و اجرای معاملات لازمه در حق فاعلین این عمل و به جهت اینکه این فقره سرایت به سایرین نکند، در اول امر اعزام یک نفر مأمور از طرف هیئت محترمهٔ دولت علیه ایران و دیگری از جانب هیئت محترمه دولت علیه عثمانیه برای کشف مقتول و مجروح برای تأکید موالات وسیلهٔ حسنه اتخاذ می‌شود. فی ۵ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون سیداحمد حمدی

* به معنی: گله‌های گوسفند

ایران دولت علیه‌سی قومسیونی ریاستی جانبندن وارده

سعادتلو افندم حضرتلری

الده داخلنده مردسانلو عشیرتندن برطاقم اشقیا تجمع ایله ایرانی یاننده شقاوته دن تعلیله

و میلان عشیرتندن ایکی مکاری اوکوزلری کلرایله غصب و دونکی کیجه بونه عربانلو

عشیرتندن بکر بوش نفر اشخاص مسلحاً عزالدین پاشا قریه‌سنه کلن حمیدیه بیکباشیسی

رفعتلو قلیجان آغانک ذکرمانه هجوم ایله برقاچ چوال دقیق غصب و غارت

و فرار ایتدکده بولنان حمیدیه الای عشیرتندن اون یدی نفر مسلح اشخاص بیکده عشیرتنه هجوم

و نامزدلری غصب و بر نفر قتل و اوچ نفری جرح و جریحه مذکوره دن فرار ایتمش

اشخاص مشار قریه‌سنه بالهجوم ایکی بوغرن متجاوز اوکوز و اینک غصب ایلدکلری

بنا حکومت محلیه‌یه کلدن تحریرنا للرد ان اکلاشلسنه و بو معتدیلک جزاکین دوشدکنه

ایله اموال مغصوبه‌نک همان استرداد و فاعللرینک حقنده معاملات قانونیه‌نک عاجلاً اجرا

وایش مرتبه ایتماملرنه آلی آمرده منقول و مجرد جلالتکلری ضمننده حیثیت .

محترمه لرینک بو وقعه دن بر بیلگی و تحریکله حکمنه بیانی تأکید مرامندر

وسیلهٔ حسنه اتخاذ ایلرم فی ۵ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون
عبدالاحد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۰۴
موضوع: تجاوزات عشیرت عروسانلو و حیدرانلو
تاریخ: ۷ مایس ۱۳۱۱ مطابق با ۲۳ ذیقعده ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جناب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانی
سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات رسمیهٔ مورخهٔ ۵ مایس ماه رومی ۱۳۱۱، امروز که روز یکشنبه هفتم شهر مزبور و ساعت هشت است، به توسط رزقی زاده ضبطیه پیاده مطالعه گردید. در باب وقوعاتی که از طرف عشیرت عروسانلو و حیدرانلو ادعا می شود، تحقیقات لازمه به عمل آورده و در صورت اثبات، اجرای معاملهٔ آن با سرعت ممکنه خواهد شد و برای کشف مقتول و مجروح نیز یک نفر از طرف هیئت کومیسیون روانه خواهد گردید. مورخه ۷ مایس ۱۳۱۱ مطابق با ۲۳ شهر ذیقعده ۱۳۱۲

رئیس کومسیون دولت علیهٔ ایران، موسی

بجناب والای ریاست کمیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات رسمیهٔ مورخه ۵ مایس ۱۳۳۰ رومی را که در روز یکشنبه هشتم شهر مزبور در ساعت شش بعد از ظهر

مرتبط بزد و خورد ضبطیه با ... مطالعه کردید در این باب اطلاعاتی که از طرف عشیرت

و حیدرانلو واصل میشود تحقیقات مدرسه بعمل آورده و در صورت اثبات جزای

مقابلهٔ آن با سرعت ممکنه خواهد شد و برای کشف مقتول و مجروح نیز یک نفر از اعضای

هیئت کمیسیون روانه خواهم کرد. مورخه ۷ مایس ۱۳۳۰ مطابق ۲۰ شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۲

رئیس کمیسیون دولت علیهٔ ایران

امضا

شمارهٔ سند: ۳۰۵
موضوع: تجاوزات عشایر جلالی به قریهٔ نوشار
تاریخ: ۲ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق مطابق ۱۵ مایس ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ٦٠

به جناب ولای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

چنانچه سابقاً زبانی عرض کرده و خواهش نموده است، کمال امیدواری را دارد که ان شاءالله اجزای هر دو هیئت محترمهٔ کومیسیون اسلام دولتین عیتین و سلاطین قوی شوکتین را از همدیگر تفریق نکرده و تسعهٔ طرفین را در حکم واحد خواهند شمرد. در جواب مراسلهٔ مورخهٔ پنجم مایس ۱۳۱۱ به نمرهٔ ۱ جواب نوشته بود که به‌الند مأمور مخصوص برای تحقیقات فرستاده است دیروز مراجعت کرده و عالی جاه مجدت همراه حسن آقا نایب الحکومهٔ آنجا شرحی نوشته است که در فقرهٔ نوشار چنین شنیده است که طایفهٔ مصر کانلو از قبیلهٔ جلالی که الان در معیت مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ است از قریهٔ نوشار قدری گوسفند غصب نموده و اهالی قریهٔ مزبوره تعاقب کرده اغنام مذکوره را از آنها گرفته و سه نفر نیز از آنها را قتل نموده‌اند. عدم ظهور وقوعات را از طرف عشیرت عروسانلو حسن آقای مشارالیه که پسرعم قلی خان‌آقا است در مکتوب خود می نویسد زیرا اگر این فقرات اصل می داشت، قلی خان آقای مرقوم به حب قرابتی که با حسن‌آقا دارد البته به پیش او رفته و مبـشرت به بیان کیفیت می‌کرد در ضمن اجرای تحقیقات وافیه و کشف سه نفر مقتول از طایفهٔ مصرکانلو سریعاً اعزام یک نفر از هیئت محترمه ذات‌عالی مرجو و متمنی است. چنانچه شفاهاً هنگام ملاقات با ذات‌عالی عرض کرده است، باز به تکرار آن مبادرت می شود که شرف‌آقا رئیس عشیرت مرزکی و عمرآقا ملازم ساکن قریه رازی از ابراز افعال سینهٔ خودشان خودداری نکرده و هر روز به یک نوع بی ادبی مباشـرت می نمایند، اگر از طرف ذات‌عالی به افعال شنیعهٔ این دو نفر ممانعت نشود اضطراراً حاکم قطور به معاملهٔ متقابله مجبور و مکلف خواهد بود.

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

[illegible] جواب [...] ریاست کمیسیون [...]

سعادتلو افندم حضرتلری

چنانچه سابقاً شفاهاً عرض کرده و خواهش نموده است که قبل از [...] آمدن
اجزای هیئت محترمه کمیسیون باهم [...] و مسایل [...]
مفروق کرده و نتیجه طرفین را در کمیسیون [...] نمود [...] جواب مراسله نمره [...]
[...] جواب نوشته بودند [...] در خصوص این تحقیقات فرستاده است [...]
مراجعت کرده [...] عبارت مراسله حسن آقا نایب [...] نوشته است [...]
[...] چنین نوشته است [...] مقصر کاکا [...] در قتل [...]
[...] است [...] وقتی که [...] غضب [...]
[...] کرده افندم [...] سه نفر [...]
[...] قلیان [...]

در کتاب خود نوشته [...] قلیان آقای [...]
[...] حسن آقا [...] جهان کیفیت [...]
در ضمن اجرای تحقیقات [...] سه نفر متهم [...] مقصر کاکا [...]
از هیئت محترمه [...] چنانچه [...]
کرده است [...] رئیس عشیرت [...]
[...] خود داری نکرده [...]
[...] طرف [...]
[...]

[...] سنه [...] رئیس کمیسیون دولت علیه [...]

شمارهٔ سند: ۳۰۶
موضوع: رد مغصوبات قریهٔ نوشار
تاریخ: ۱۸ مایس ۱۳۱۱ (۵ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق)
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جناب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

ترجمه

تحریرات مورخهٔ ۱۵ مایس ۱۳۱۱ والا مطالعه گردید. در تحریرات مورخهٔ پنجم مایس مخلص سرقت شدن چیزی از رفعت‌مآب قلی خان آقا گفته نشده، تنها هجوم بردن به آسیاب او نوشته شده است. فقرهٔ غصب حیوانات نوشار ظاهر و نمایان و در آن وقت به تعقیب آنها کسی نرفته است که مقابله بشود. معهذا ریش‌سفیدان نوشار پریروز به پیش مقرب‌الخاقان طاهرخان سرتیپ رفته و حیوانات مغصوبه را گرفته تنها هیجده رأس از آنها داده نشده است. اگر چنین مادهٔ قتلی در میانه وقوع می‌داشت البته حیوانات آنها را پس نمی‌داد. اشعار ذات والا در خصوص کشف سه نفر مقتول به مقصد نفرستادن مأموری که برای کشف یزیدی‌ها که از طرف حیدرانلوهای تبعهٔ دولت علیه ایران مقتول شده‌اند طلب گشته واعزام او در تحریرات سابقه ذات والا وعده شده بود مبنی بوده و یااینکه جهتش چیست ندانست بنابراین استحصال بقیهٔ حیوانات مغصوبه و فقرهٔ دیگر که به عزت‌مآب شرف‌بک عاید و در تحریرات والا محرز است. در صورتی که مومی الیه از قایم‌مقامات حمیدیه و عمرآقانیز ملازم و از اصحاب رتبه هستند و جرمی هم برای آنها ثابت نیست به واسطهٔ یک قول مجرد عبارت (بی ادبی) در حق آنها مخالف اصول دیپلوماتیه و مغایر حقوق دولتیّه بوده واپس گرفتن این عبارت و اشعار افعال این دو نفر را موضحاً برای تأکید مبانی مودت وسیله حسنه اتخاذ می‌نماید. فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

جواب

ایران دولت علیه‌سی قومیسر رئیسی جناب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

۱۵ مایس سنه ۱۳۱۱ تاریخلو تحریرات دولتلری مطالعه قلندی فی ۵ مایس تاریخلو تحریرات شاکرانه‌ده بر صورتله قلنمش اتانک بر شیئی کندیکی دینلمیور. بالکز ذکر اولنان هجوم ایدلدیکی یازلمشدر. نوشار ناحیه‌سنده مقیم جیرانلری طاهرخان یاپدیغی تعقیبه او وقت برکیمسه کتمامش که مقاتله اولسون مع مافیه نوشار اهالیسی اولکی کون بالذات سرتیپ معروف الحاقانی طاهرخان یانینه کیدرک جیرانلری الدیلر

بالکز اون سکز عددی ویرلمامش دیو بلکه ارده بر قاچ ماده‌سی ویلسه‌یدی اشبو جیرانلری کیروی ویرلمه حکم طبیعی بر شیئدر. آرتق اوچ شخصک کشفی حقنده کی اشعار دولتلری ایران حدودی طرفندن قتل اولنان بر بدبختک کشفی ایچون طلب اولنان واعزام اولنه جق تحریرات سابقه دولتلرینه بیلدیریلدی مأمورلرک کوندرلمامسی مقصدینه مبنی می ویاخود ندر بیلنمه‌مشدر بناءً علیه اموال مغصوبه بقیه‌سنکده استحصالی تحریرات دولتلرنده محرر دیگر فقره که عزتلو شرف بک عائددر مرحله حمیدیه قائم مقاملریندن اولدیغی وعمرانا دخی ملازم اولوب اصحاب ثروتدن اولدقلری ویرجیلری مثبت اولدیغی حالده بر قول مجرد اوزرینه حقلرنده اولکبزلک تعبیری اصول دیپلوماتیه‌یه مخالف وحقوق دولت مقابلنده کیدنلرک بو فقره کیری الفرق بونلرینه کبی وقوعاته اشتباه اولدقلرینک مرضیاً اشعار بیورلمسی بیانی تأکید مبانی مودته وسیله حسنه اتخاذ ایلدم فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون

سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۰۷

موضوع: هجوم عشیرت جلالی به اهالی نوشار

تاریخ: ۱۰ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۷

به جناب والای ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ ذات والا مطالعه گردید، آشکار و بدیهی بودن مسئلهٔ نوشار را اشعار و مقتول نشدن جلالی هایی را که در تحت ادارهٔ مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ هستند اظهار فرموده‌اند. اولاً در مراسلهٔ رسمیه چیزی که به ذات‌عالی در این باب نوشته است این است که از قرار تحقیقاتی که از عالی جاه محدث همراه حسن آقا نایب الحکومه البند شده است چنین نوشته است هجوم کردن جلالی های مذکور به اهالی نوشار و مقتول گشتن سه نفر از آنها را شنیده است نه اینکه هجوم جلالی ها به اهالی نوشار و یا مقتول شدن سه نفر از طرفین را محقق کرده باشد. و چون اساس ماده هنوز به ثبوت نرسیده است در فروعات آن مباحثه کردن جز تضییع اوقات ثمری ندارد. لهذا شرحی به طاهرخان سرتیپ نوشته و منتظر جواب است که از روی بصیرت مبادرت به تسویه کار بشود. در خصوص شرف آقای مرزکی و عمر آقای شمسکی تفصیلی که مرقوم فرموده‌اند مایهٔ تعجب گردید سیئات افعال این دو نفر مستغنی از این است که کسی بتواند انکار نمود و ان‌شاءالله تعالی اعمال سابقه و لاحقه آنها را در ضمن دفاتر دعاوی به ذات‌عالی تقدیم خواهد نمود. مورخه ۱۰ شهر ذیحجه ۱۳۱۲

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

جواب نمره ۷   به جناب والای ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسله جوابیه مورخه ۱۸ نیسان ماه رومی ۱۳۱۱ دولت والا ملاحظه کردید آنچه را در جواب نوشته بودند

مسئله نوشتن را اشعار و مقتول نشدن جلالیها را، که در تحت اداره مقرب الخاقان
ظهیر خاقان مرتب شده اظهار فرموده‌اند. آنچه در مراسله رسمیه جنرال قونسول در این باب
نوشته است این است که از روی تحقیقاتی که از جالیها جمعیت همراه حسن آقا بیگ انگلیسی
الله شده است چنین نوشته است هجوم کردن جلالیهای مذکور با ایل رشوار و مقتول کشتن
سه نفر از آنها را شنیده است نه اینکه هجوم جلالیها با ایل رشوار و یا مقتول شدن سه نفر
از طرفین را محقق کرده باشد. و چون اساس ماده هنوز به ثبوت نرسیده است
در فروعات آن مباحثه کردن جز تضییع اوقات ثمری ندارد. لهذا اشرح مقرب الخاقان
مرتب نوشته و منتظر جواب است که از روی بصیرت مبادرت به اجرای کار بشود. در خصوص
شرف آقای مرزکی و عمر آقای شمکی تفصیلی مرقوم فرموده‌اند مایه تعجب گردید. حیثیت
افعال این دو نفر مستغنی از بیان است که محتاج به انکار نمود و انشاء الله تعالی اعمال
سابقه و لاحقه آنها را در ضمن دفاتر دعاوی مجرا تقدیم خواهم نمود. مورخه ۱۰ شهر محرم ۱۳۱۲

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

توقیع

شمارهٔ سند: ۳۰۸
موضوع: تجاوز عشیرت جلالی و حیدرانلو به ناحیهٔ تاقوری
تاریخ: ۱۸ مایس ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جناب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

پریروز قریب چهل نفر اشخاص مسلحه از طایفهٔ جلالی و حیدرانلو تبعهٔ دولت علیهٔ ایران ساکنین قراعینی به ناحیهٔ تاقوری من توابع قضای محمودی هجوم و مواشی کثیره غصب و سه رأس اسب قتل و دو نفر را مجروح نموده‌اند و صحت این فقره از تحقیقات واقعه و کشف مأمور پولیس که رفته بود معلوم می‌شود بنابرآن تشبث فرمودن ذات‌عالی را به تدابیر لازمه در خصوص استرداد اموال مغصوبه و صورت دادن به این کارها را برای تأکید موالات وسیلهٔ مخصوصه عد° می‌نماید. فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱
رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

° به معنی شمردن، به شمارآوردن

ایران دولت علیه‌سی مصلحتگذاری جانب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

متبوعهٔ دولتعلیه‌لری ایرانیه قرابنده بولنان حیدرانلو و جلالیلردن فرقه قدر اشخاص
مسلحه اولکی کون محمودی قضاسنه تابع ناقوری ناحیه‌سنه بالهجوم برچوق
مواشی غصب و اوچ اسب قتل و ایکی نفر مجروح ایتدکلری کبی پولیس
مأمورینک کشفندن و تحقیقاتندن واقعه‌دن اکلاشلمشدر بو حالده نهابت ویرلمسی
و اموال مغصوبه‌نک استردادی حقنده که تدابیر لازمه‌یه تشبث بیورلمسنک بابنی
تأکید موادینه وسیله مخصوصه عد ایدرم فی ۱۰ مایس سنه ۱۳۱۱ رئیس وکیلی
سید احمد حمدی

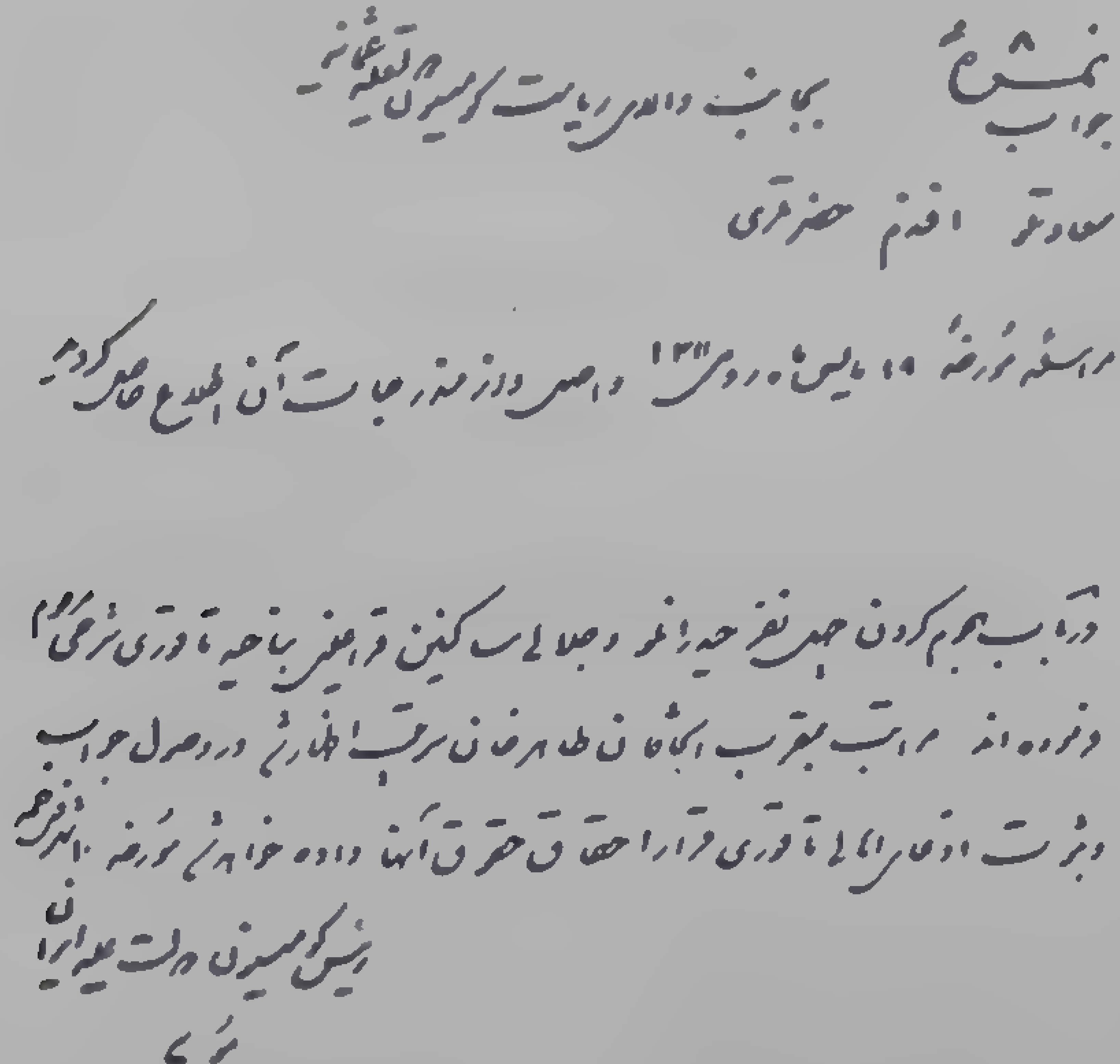
شمارهٔ سند: ۳۰۹
موضوع: هجوم نفرات حیدرانلو و جلالی به ناحیهٔ تاقوری
تاریخ: ۱۰ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

جواب نمره ۸

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ مورخه ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید. در باب هجوم کردن چهل نفر حیدرانلو و جلالی ساکنین قراعینی به ناحیهٔ تاقوری شرحی مرقوم فرموده‌اند. مراتب به مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ ظهار شد در وصول جواب و ثبوت ادعای اهالی تاقوری قرار احقاق حقوق آنها داده خواهد شد. مورخه ۱۰ شهر ذیحجه

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی


جواب نمره ۸ به جانب والای ریاست کمیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری
مراسلهٔ مورخهٔ ۱۸ مایس ماه رومی ۱۳۱۱ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید
در باب هجوم کردن چهل نفر حیدرانلو و جلالی ساکنین قراعینی به ناحیهٔ تاقوری شرحی مرقوم
فرموده اند مراتب به مقرب الخاقان طاهرخان سرتیپ اظهار شد در وصول جواب
و ثبوت ادعای اهالی تاقوری قرار احقاق حقوق آنها داده خواهد شد مورخه ۱۰ شهر ذیحجه
رئیس کمیسیون دولت علیه ایران
موسی

شمارهٔ سند: ۳۱۰
موضوع: غصب اموال اتباع عثمانی در سلماس
تاریخ: ۱۸ مایس ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

از تبعهٔ دولت علیه عثمانی و عشیرت یزیدی عمر نام با چهار نفر همراهان خود در حین عزیمت به طرف سلماس علی و جبار آدمان محمدصدیق پسر خلیفه کوسه ساکن قریه شیره کی من قرای سلماس آنها را گرفته شش عدد لیرای عثمانی و ده رأس گاو و دو لوله تفنگ آنها را غصب و خدیده نامی را هم از آنها گرفته نگاه داشته اند و گویا سبب این غصب و توقیف، مصادرهٔ مالهای محمدصدیق در گمرک وان بوده و محمدصدیق مرقوم در عوض آن غصب و توقیف نموده است در صورتی که معاملهٔ گمرک در تحت عهود است در مقابل آن غصب نمودن اموال این گونه اشخاص و توقیف یک نفر از آنها مغایر عهود یک قضیه بوده و این حالت سرایت به عشایر عثمانی نموده معاملهٔ متقابله ملحوظ خواهد گردید، به جهت اینکه به این فقره بحال ومیدانی نماند استرداد مواشی و اشیای مغصوبه و تخلیص خدیده و مراجعت و قطع و فصل دعاوی اهالی شیره کی در صورتی که ادعایی دارند به توسط کارپردازی اول و یا به توسط قومسیون برای تأکید مبانی مودت مبادرت می شود. فی ۱۸ مایس سنه ۱۳۱۱

ایران دولت علیه‌سی قونسولوسی جانب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه‌دن وریدی عشیرتندن عمر ودرویش نفر رضا بیگ کلماس جهتنه
عزیمت ایلدکلرنده متکاسلك شهری کی قره‌لی خلیفه کوسه نك محدومی محمد صدیق بگك
ادملری علی وجبار بونلری طوتوب آلتی لیرای عثمانی ویردن تا اسی اکن لری دری
وهیچ برده دیکری متوسل نعکلرینی غصب وایچلرندن خدیده نامنده بیوك
اوان نزدلرنده متوقف طوتلدیغی وبونك اسبابی ایسه کویا محمد صدیق بگك مالی
وان کمرکنده مصادره اولنمش ایدوکندن اکا بدل طوتلدقلری بیان اولنمشدر
کرك عمر ودرویشه کی بر معامله اولدیغی حالده اکا قارشو بویله ادملرك مالی
غصب ایتمسی ویربینك حالا موقوف طوتلمسی مغایر عدل بر قضیه ویر حال عشایرك
سزانیله معامله مقابله ایتمسی ملحوظ ایدکندن بو بابلرینه میدان قالماش اوزره

مواشی واشیای مغصوبه‌نك سردادی و خدیجه نك صالیویرلمسی وبونلرك
بر دعوالری وارایسه سرکار برینه واسطه سیله یاخود قونسولوس براحضله ایجابنك اجرا
ایتدیرلمسنك بیانی تأکید مبانی موده ابتدار اولنور. فی ۱۵ مایس سنه ۱۳۱۱

رئیس قونسولوس
عبد احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۱
موضوع: غصب اموال اهالی قریهٔ شیره‌کی از قریه سلماس
تاریخ: ۲۲ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق مطابق ٤ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۰

به جانب عالی ریاست کومسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

مراسلهٔ مورخهٔ ۱۸ مایس ذات‌عالی شرف وصول ارزانی و در خصوص شش لیرای عثمانی و ده رأس گاو و دو لوله تفنگ که اهالی قریهٔ شیره‌کی من‌قرای سلماس در عوض اموال مغصوبه خودشان از عمر و چهار نفر دیگر از عشیرت یزیدی گرفته نگاه داشته بودند، فوراً تفصیل را به فضیلت‌مآب خلیفه صدیق نوشته و جوابی که رسیده است، عیناً برای مزید استحضار ذات‌عالی اظهار می‌دارد. اینکه عمر و سایرین به ذات‌عالی معروض داشته‌اند که غصب شدن اموال اهالی قریهٔ شیره‌کی از بابت مصادرهٔ گمرک بوده است دروغ محض است چنانچه بعد از بردن نوشتهٔ مخلص به خلیفه صدیق اموال خودشان را تمام و کمال پس گرفته و سند سپرده‌اند که اموال مغصوبه اهالی قریه شیره‌کی را پانزده روزه به‌التمام ادا نمایند. لهذا محض مزید اطلاع ذات‌عالی زحمت‌افزا می‌شود که اموال یزیدی‌ها رسیده و متمنی است که قدغن فرمایند که آنها هم به موجب سندی که سپرده‌اند اموال مغصوبه اهالی قریهٔ شیره‌کی را کارسازی نموده و من‌بعد اهالی مزبوره را مجبور به گرفتن عوض نکنند. مورخه ۲۲ شهر ذی‌حجه ۱۳۱۲ مطابق ٤ خریران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیهٔ ایران: موسی

نمره ۴ بجناب عالی ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسله مورخه ۱۸ ماه پیش ذات عالی شرف وصول ارزانی داشت در خصوص شش رأس [illegible]
گاو و دو رأس تفنگ اهالی قریه‌شیه که [illegible] در عوض اموال منهوبه خودشان از
چهار نفر دیگر از عشیرت یزدی گرفته نگاه داشته بودند فوراً تفصیل را بمصدقیت آقای خلیفه صدیق
نوشته و جواب ایشان رسیده است عیناً برای مزید استحضار ذات عالی ارسال میدارد آنچه عرض
نموده بودند ذات عالی مسبوق داشته‌ام [illegible] اموال اهالی قریه‌شیه که از بابت تعدی
گمرک برده‌اند دروغ محض است [illegible] برادر ایشان نوشته [illegible] خلیفه صدیق اموال
خودشان را تمام و کمال پس گرفته و سند سپرده‌اند و اموال منهوبه اهالی قریه‌شیه که را
پانزده روز قبل تمام ادا نموده‌اند [illegible] اطلاع ذات عالی زحمت افزا میشود اموال
رعیه [illegible] است [illegible] آنها هم بموجب سند سپرده‌اند و اموال منهوبه
اهالی قریه‌شیه که را [illegible] اموال [illegible] عوض نکنند [illegible]

شهر رجب مطابق ۲۳ ماه حزیران سنه ۱۳۳۱ رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۱۲

موضوع: تهاجم دوازده نفر از عشیرت عروسانی به عشیرت شمسکی و قریه صلاخانه عثمانی

تاریخ: ۲۳ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

از عشیرت شمسکی و اهالی قریهٔ صلاخانه من توابع قضای حمیدیه نه نفر با هفده رأس گاو برای جلب و مبایعهٔ ذخیره به قریهٔ استران من قرای قطور عزیمت و ذخایر مذکورهٔ را ابتیاع و به گاوهای خودشان بار و در عودت در قریهٔ حبشی که در نزدیکی قطور واقع است یک شب بیتوته نموده‌اند یک ساعت به صبح مانده قریب دوازده نفر اشخاص مسلحه از عشیرت عروسانی ساکنین الند به سر آنها ریخته و به یک نفر از آنها گلوله اصابت و از پشت او خورده از طرف دیگر بیرون آمده و مجروح مرقوم در حالت بدی است و سه نفر دیگر نیز از آنها به ضرب کلوخ و سنگ مجروح شده‌اند و هفده رأس گاو آنها را با جُل و ریسمان برده‌اند و بیان کیفیت این فقرات از طرف هیئت مجلس قریهٔ مذکوره شده است. و در اینکه وجدان عالی ذات‌عالی به ظهور این گونه حرکات ناشایست وانگهی در قریهٔ[ای] که نزدیک محل اقامت ذات‌عالی است راضی وقایل نخواهد بود، شبهه نیست. و چون مباشرت طایفهٔ مرقومه به امثال این وقوعات که مغایر عهودات غیرجایز است در استرداد گاوهای مزبور باجل و شریط و اجرای مجازات اشخاص مرقومه که مبادرت به این جرئت نموده‌اند هُمم‌علیه مصروف خواهند فرمود و بیان این را برای تأکید مبانی مودت وسیلهٔ حسنه اتخاذ می‌نماید. فی ۳۱ مایس سنه ۱۳۱۱
رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه‌سی قومیسیونی ریاستی جانب والاسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

حمیدیه قضاسنك صلاخانه قریه‌سی اهالیسندن و شمکی عشیرتندن طقوز نفر زرده قریه‌سنده
اون یدی رأس اوکوز بولندیغی حالده ذخیره مبایعه و جلبی ضمننده قطور قضاسنه
اسپران قریه‌سنه عزیمتله مذکور ذخائری بالمبایعه اوکوزلرینه تحمیلا حین عودتلرنده
قطور جوارنده بولنان صیقش قریه‌سنده بر گیجه بیتوته ایتدکده ایکی صباحه برساعت قالهرق
اکنزلی و عوضانلی عشیرتندن اون ایکی نفر قدر اشخاص مسلحه اوزرلرینه هجوم ایله
بر نفرینك ایزه‌نه طرفندن قورشون اصابتیله دیکرینك طرفندن چقمش و مجروح اولهرق
قا حالده اولدیغی و اوچ نفرینده یوز پاره‌لرندن طاش پارچه‌سیله مجروح اولدقلری
کبی اون یدی رأس اوکوزلری اوزرلرنده بولنان چول و شریطلریله برابر کوتوروب کتدکلری
قریه مذکوره‌لر تحلیس صیقش طرفندن سرایه کله‌رك بیان کیفیت اولنمشدر ذات عالیلری
کریمانه‌لرینك اقامت و آرامسازی اولدیغی بر محل جوارنده‌کی قریه‌ده بو مثللو ادعا بعض ذواتلرینه
ظهورینه وجدان عالیلری راضی و قائل اولمیه‌جغنده اشتباه یوق ایسه ده
طائفه مرقومه بوکبی مغایر عمومی وقوعاته تصدی ایتملری غیر جائز بولندیغندن
مستندیملرله اون یدی رأس اوکوز و چوللریله برابر بالاسترداد متضرره برد
ایتمش اولان اشخاص مرقومه‌نك مجازاتلرینك اجراسنه همت علیه‌لرینك مصروف
بیورلمسنی تأکید مبانی مرقومه وسیله حسنه اتخاذ ایدرم فی ۲۱ مارس سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۳
موضوع: سرقت احشام از قریهٔ حبشی قطور
تاریخ: ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۹

به جانب والای ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

تذکرهٔ عالی مورخ ۳۱ مایس سنهٔ ۱۳۱۱ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل گردید. در باب هفده رأس گاو کاروان شمسکی که در قریهٔ حبشی قطور برده‌اند، تفصیل را اهالی شمسکی چنانچه به ذات‌عالی تقریر کرده‌اند، بدون کم و زیاد به مخلص هم گفته بودند فوراً به عالی‌جاه حسن‌آقا نایب‌الحکومه الند شرحی نوشته شد که اگر مرتکبین سرقت از اهالی الند باشد به مجازات رسیده و گاوها استرداد شود، با وصف این سعدون‌آقا مدیر ایل شمسکی سه روز قبل هیجده رأس گاوهای اهالی قریتین حبشی و کلت من‌قرای قطور را گِرو نگاه داشته و امروز هم هیجده رأس گاو و شش رأس الاغ و یک رأس اسب اهالی قریه شکریاری من قرای سلماس را گرفته نگاه داشته‌اند. و با وجود اینکه حکم صریح از اولیای دولت قوی‌شوکت علیهٔ ایران به حکومت قطور و سایر ولایات رسیده و به جهت قلّت ذخیره در ایران مبایعهٔ آن را به تبعهٔ خارجه قدغن صریح کرده‌اند محض رعایت همسایگی و حسن اتحاد هر روز جمع کثیری برای مبایعهٔ ذخایر به خوی و سلماس می‌روند و تاکنون ممانعتی نشده است در صورتی که اکراد اقدام به چنین خلاف و کار منافی پولتیک بکنند، من‌بعد تردد کاروان آنها برای مبایعهٔ ذخایر برحسب قدغن دولتی از جُمله محالات خواهد بود.

رئیس کومیسیون دولت علیهٔ ایران: موسی

جواب نمره ۶ بجانب والای ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

مرقومه عالی مورخه ۱۳ مارس ۱۳۲۲ را واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل کردید در باب ادعای رئیس
کاروانهای ... که در قریه حسینی قطور برده اند بعضی را ... چنانچه ... تقریر کرده اند
بدون کم و زیاد بعضی هم کشته بودند فوراً جناب جلالتمآب حسن آقا نایب الکونسول ... نوشته شده
که اگر مرتکبین سرقت از اهالی السنه باشند مجازات رسیده و کالاها استرداد شود و بحقیقت این
سعادتلو آقا میرزا ... سه روز قبل همه رئیس کاروانها را با قرینین خیلی دقت مینمایند قطور را
کرد کفانه ... و امروز هم همه رئیس کاروانها رئیس ... و کیل رئیس ... در ...
... اگرچه ... نوشته اند و با وجود اینکه حکم صریح از اولیای دولت قاهره
علیه ایران بحکومت قطور و سایر ولایات ... و جهت ... و غیره در ایران ...
جنبه خارجه قدغن صریح کرده اند محض رعایت همسایگی و حسن اتحاد هر روز جمع کردن
برای ... سرحدات ... تاکنون مانع نشده است در صورتیکه اگر ادعای
همچنین ... و کارها ... کنند ... کاروان آنها برای ...
برحسب قدغن ... از جمله ... مورخه ۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

مُهر

شمارهٔ سند: ۳۱٤
موضوع: دعاوی عشایر عروسانلو و امیلان
تاریخ: ۲۷ ذیحجه ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۱

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

برحسب وعد شفاهی که به ذات‌عالی شده بود برای رویت دعاوی عروسانلو و میلان جوابهای تحریرات از جناب امیرالامراء العظام اقبال‌السلطنه سردار رسید تمام عروسانلوها در تحت ادارهٔ مقرب‌الخاقان نعمت‌الله خان سرتیپ در الند حاضر شده و منتظر ورود مخلص به آنجا هستند که در اطراف قریهٔ مسکونه دوستدار سکنی گرفته و به تسویهٔ دعاوی آنها مباشرت شود، لهذا محض استحضار خاطر محبت ذخایر عالی زحمت‌افزا می‌شود که انشاءالله تعالی ۱٤ شهر محرم‌الحرام که روز سه‌شنبه خواهد بود، از اینجا حرکت و به طرف الند عزیمت خواهد شد. ذات‌عالی هم به اشخاص لازم‌الحضور خبر بدهند که بدون معطلی اقدام به رؤیت امور بشود جای اقامت و روز تشکیل کومسیون را از الند تعیین و به ذات‌عالی اطلاع خواهد داد.

رئیس کومیسیون دولت علیهٔ ایران: موسی

نمره ۱ — به جناب عالی راپورت کمیسیون تحدید عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

برحسب وعده شفاهی که به ذات عالی شده بود برای رؤیت دهات متنازع فیها و شنیدن جوابهای

تحریرات از جناب امیر الامراء العظام اقبال السلطنه سردار رسید تمام ...

در تحت اداره مقرب الخاقان نصرت الله خان سرتیپ در آنجا حاضر شده و منتظر ورود کمیسیون

بین‌المللی هستند که در اطراف قریه ... دسته‌ها را تشکیل کرده و بتوسط دعاوی آنها مباشرت شود

لهذا محض استحضار خاطر محبت ذخائر عالی زحمت افزا می‌شود که ... تاریخ ۱۴ شهر محرم الحرام

که روز سه‌شنبه خواهد بود از اینجا حرکت و بطرف آنجا عزیمت خواهیم داشت تا اینکه هم اشخاص

لازم الحضور حاضر باشند و بدون معطلی اقدام برؤیت امور بشود جای اقامت در ورود کمیسیون

کمیسیون را در آنجا تعیین و بذات عالی اطلاع خواهم داد — مورخه ۱۲ شهر محرم ۱۳۳۲

رئیس کمیسیون تحدید ایرانی

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۱۵

موضوع: محکومیت اسماعیل پسر قورو در کمیسیون

تاریخ: ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق مطابق ۹ حزیران ۱۳۱۱

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

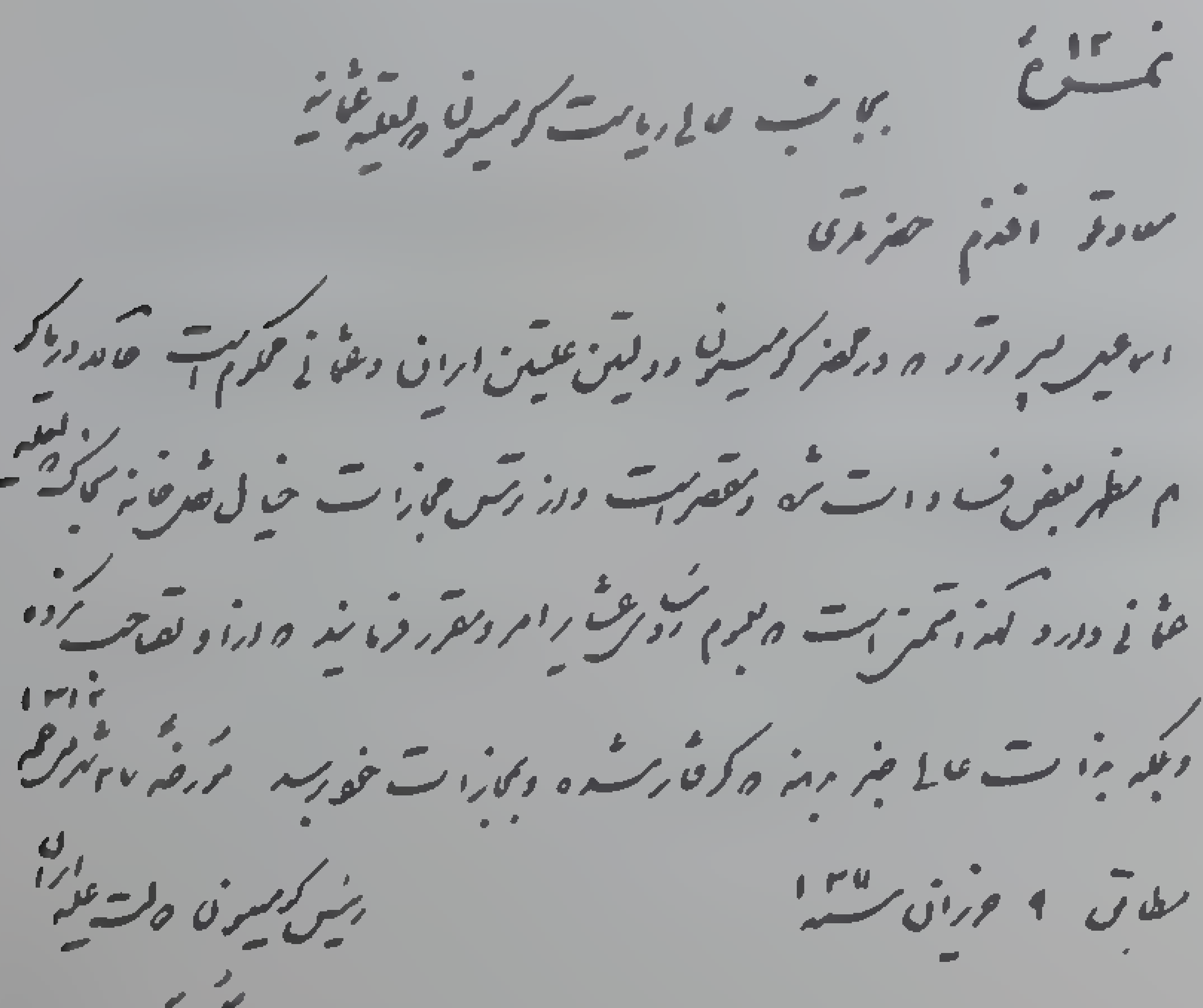
نمره: ۱۲

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه

سعادتلو افندم حضرتلری

اسماعیل پسر قورو که در محضر کومیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی محکوم است. حالا در ماکو هم‌مظهر بعض فسادات شده و مقصر است و از ترس مجازات خیال نقل خانه به خاک دولت علیه عثمانی دارد. لهذا متمنی است که به عموم رؤسای عشایر امر و مقرر فرمایند که از او تصاحب نکرده و بلکه به ذات‌عالی خبر بدهند که گرفتار شده و به مجازات خود برسد. مورخهٔ ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۱۲ مطابق با ۹ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی


نمره ۱۲
بجانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری
اسمعیل پسر قورو که در محضر کومیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی محکوم است حالا در ماکو
هم مظهر بعض فسادات شده و مقصر است و از ترس مجازات خیال نقل خانه بخاک دولت علیه
عثمانی دارد لهذا متمنی است که بعموم رؤسای عشایر امر و مقرر فرمایند که از او تصاحب نکرده
و بلکه بذات عالی خبر بدهند که گرفتار شده و بمجازات خود برسد مورخهٔ ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۱۲
مطابق ۹ حزیران سنه ۱۳۱۱
رئیس کومیسیون دولت علیه ایران
موسی

شمارهٔ سند: ۳۱۶

موضوع: نقل خانه نمودن اسماعیل عروسانی به خاک عثمانی

تاریخ: ۱۰ حزیران ۱۳۱۱ (۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۱۲ هـ.ق)

کارتن: ۲۷

پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران

سعادتلو افندم حضرتلری

در خصوص نقل خانه نمودن اسماعیل قورو نام عروسانی به این طرف برای گرفتاری او اعطای حکم به شخص منتسبه به مشیریت خمسه اردوی چهارم و ولایت جلیلهٔ وان با تلغراف عرض شده بود و این مسئله را در جواب تحریرات علیهٔ مورخه ۹ حزیران ذات عالی نوشته و به این وسیله تأکید مصافات مبادرت می نماید. فی ۱۰ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه‌سی قومیسیونی ریاست جانب عالیسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

قومیسیونمزه محکوم اولان عروسانلی اسماعیل قورونک بو طرفه نقلخانه ایتمسیله برابر درحال گرفتار اولنمسی ایچون اقتضا ایدنلره امر اعطاسی دردنجی اردوی همایون مشیریتی و وان ولایت جلیله‌لرینه تلغرافله عرض قلنمش اولدیغنی فی ۹ حزیران سنه ۱۳۱۱ تاریخلی تحریرات علیه‌لرینه جواباً بیان ایله و بو وسیله ایله تأکید مصافاته مبادرت ایلرم فی ۱۰ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون

سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۷
موضوع: دعاوی عشایر طرفین
تاریخ: ۳ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱٤ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۳

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

در این اوقات که هر دو هیئت محترمهٔ کومیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی برای انتظام این صفحات و تسویهٔ دعاوی عشایر طرفین در اینجاها اقامت دارند، مدیر ایل شمسکی سعدون‌آقا و کسان او هر روز و هر شب از هیچ گونه تعدیات و تجاوزات نسبت به تبعه و اراضی دولت علیه ایران مضایقه نکرده و حتی پریشب که ذات‌عالی در اینجا تشریف داشتند، به‌رأی‌العین‌مشاهده فرمودند که کسان شمسکی در اول شب اغنام قطور را کشیده و بردند و اهالی قطور تعاقب نموده و اغنام را آوردند اراضی قطور هم حد خاک شمسکی و مرزکی است و این هر دو طایفه باهم خویش و قوم بوده و به هیچ‌وجه در تعدیات و تجاوزات فروگذاری نمی‌کنند و مخلص برحسب مواعید شفاهیهٔ ذات‌عالی و رعایت همجواری و اتحاد دولتین علیتین تفصیل اعمال سیئهٔ این اشخاص را به مراجع عالی عرض نکرده و اهالی قطور را حتی‌الامکان از اقدام به معاملهٔ متقابله ممانعت می‌نماید. ولی تعدیات این دو طایفه از حد اعتدال گذشته و ممانعت اهالی قطور از حوزهٔ اقتدارم خارج شده است. دیروز که روز سه‌شنبه ۲ محرم بود، از ایل شمسکی و از اهل قریهٔ پانمریک سه پسر فندو نام هرتوشی و قامولد جهانگیر عموزاده سعدون‌آقا و عبدال و مصطوولدان علی وسیمو ولدحسو با شانزده نفر پیاده از کسان سعدون‌آقا سه ساعت به ظهر مانده به قریهٔ کرنویک من قرای قطور هجوم کرده و سی و دْو رأس گاو و گاومیش آنها را برده‌اند. از اهالی ده تعاقب کرده و موفق به استرداد حیوانات نشده‌اند. وقوع این گونه مسائل با وجود اقامت هر دو هیئت محترمهٔ کومیسیون در اینجاها از طرف اشرار اکراد منتهای قباحت را داشته و بالأخره منتهی به اشکالات کثیره و زحمات اولیای دولتین علیتین خواهد بود. لهذا زحمت‌افزا می‌شود که اگر تا فردا این وقت یعنی در ظرف بیست

چهار ساعت قراری در استرداد همهٔ اموال مغصوبه اهالی قطور و تنبیه اشرار داده نشود، مخلص خود را از مسئولیت برکنار دانسته و از ممانعت اهل قطور به معاملهٔ متقابله عاجز خواهد بود. مورخه ۳ شهر محرم‌الحرام ۱۳۱۳ مطابق ١٤ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

نمره ۱۳

جواب مطالبات کمیسیون پلتیکیه
سعادتلو افندی حضرتلری

در باب اوقات [illegible] هیئت محترمه کمیسیون دولتین علیتین ایران و عثمانی

انتظام این صفحات و تقویت [illegible] طرفین در اینجا اقامت دارند [illegible]
مشایخ سعدون آقا و کسان او هر روز و هر شب از هیچگونه تعدیات و تجاوزات نسبت
به دولتین علیتین ایران مضایقه نکرده و حتی امشب که دو ساعت از شب رفته
برای ایشان [illegible] کسان مشایخ در اول شب انتظام قطار کشیده و بر دو
[illegible] تعاقب نموده و [illegible] آورده در همین قطار [illegible] مشایخ و رؤسا
در این هر دو طایفه با هم خویش و قوم بوده و هر چه در تعدیات و تجاوزات فروگذاری
نکرده و محض رجحان ... شامیه دو ساعت در ... در نکات دولتین علیتین
مشتمل بر حال [illegible] این [illegible] عرض کرده [illegible] قطار [illegible]
در اقدام مسابقه تعاقب به جهت [illegible] این دو طایفه از حد
اعتدال گذشته و جمعیت [illegible] قطار [illegible] اقدام [illegible] شده است [illegible]
روز سه‌شنبه [illegible] دو فوج [illegible] متعلق به [illegible]
[illegible] جهانگیر میرزا [illegible] سعدون آقا و [illegible]
شده [illegible] کسان سعدون آقا سه ساعت [illegible] گرفته [illegible]
قطار هجوم کرده [illegible] را برده‌اند [illegible] تعاقب کرده
و [illegible] نشده‌اند [illegible] اقامت [illegible] هیئت
محترمه کمیسیون در [illegible] آسایش و راحت را داشته [illegible]

[illegible] دولتین علیتین خواهد بود [illegible]
که [illegible] این وقت [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] قطار [illegible] از مسئولیت برکنار دانسته
[illegible] قطار [illegible] خواهد بود تحریراً فی ۳ شهر [illegible] ۱۳۱۳
مطابق ۱۰ [illegible] ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون مقیم ایرانی
محل مهر

شمارهٔ سند: ۳۱۸
موضوع: اظهار کمیسون عثمانی مجهول بودن وقایع سرقت
تاریخ: ۱۴ حزیران ۱۳۱۱ (۳ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق)
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

جواب تحریرات علیهٔ شدیدهٔ مفصلهٔ مورخهٔ ۳ محرم ۱۳۱۳ ذات‌عالی است موادی که در تحریرات مذکوره مندرج است. در پیس ما مجهول و در اینکه در میان این دو عشیرت سبب فساد طایفهٔ عروسانی که متشبث به وقوعات اولـه بوده‌اند هستند امر واضحی است و در تحریرات امروزه در صورتی که در خصوص اینها ارائهٔ معامله شده بزرگ و معتنابه شمردن کار را به سهوالقلم حمل می‌نماید با وجود این مأمور مخصوص در نزد ادهم‌آقا که حامل تحریرات بود فرستاد و در صورت شدیده به سعدون بیک اشعار شد جوابی که گرفته و تحقیقاتی که به عمل آورده خواهد شد مسارعت به ایجاب حالی بدیهی است. فی ۱۴ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومسیون: سیداحمد حمدی

ایران دولت علیه‌سی قومسیونی ریاستی جانب عالیسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

۳ محرم تاریخله وارد جانب غازیانه‌دن اولان تحریرات علیه‌لری شایان مفصله‌لرینه جواباً تحریرات
مذکوره‌ده مندرج مواد برجه مجهول و بو ایکی عشیرت آره‌سنده سبب فساد اولان
وقوعاته متشبث اولان عربانلی و لدنجی امر واضح اولمشدر و بوکون بکلی تاریخله
مورخ تحریراتده بونلر حقنده‌کی معامله کوسترلمش ایکن ایشلر طام اعظام
اولنمش تشهیر قلندن ایلرو کلدیکنه حکم اولنمشدر مع ما فیه تحریراتک حاملی بولنان
ادهم آغا حضرتلرینه مکرم محضر نشان وصیت شد بنده سعدن بکه اشعار قلنمشدر
اللهجی حاجی وایدیله حلب تحقیقاتی اوزرینه ایجاب حالنه مسارعت قلنه جق
بدیهی ایدوکنک بیانی تاکید مبانی مودتی وسیله اتخاذ قلندی فی ۱۴
حزیران سنه ۱۳۲۸

رئیس قومسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۱۹
موضوع: سرقت احشام از قریه کرنویک قطور
تاریخ: ۵ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱۶ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۱۴

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

تحریرات علیهٔ جوابیهٔ مورخهٔ ۱۴ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ با کمال احترام مطالعه گردید و در باب سی و دو رأس گاو و گاومیش اهالی قریهٔ کرنویک من قرای قطور که به تحریک سعدون‌آقا و به طور جبر و زور اسلحه سرقت شده است. اظهارات مخلص را به واسطهٔ اینکه قرار معامله شفاهاً داده شده بود و مخلص در تحریرات امروز کار را قدری بزرگ و معتنابه شمرده است. حمل به سهوالقلم فرموده و مرقوم می‌فرمایند که سرقت این حیوانات به کومیسیون دولت علیهٔ عثمانی مجهول است. اولاً درمجهول بودن آن، جای‌شبهه و تردیدی نیست. زیرا سارق و مرتکب غصب و غارت هیچگاهی نمی‌تواند قبل از وقت سایرین را از خیال خود مستحضر بدارد و در صورت اطلاع غیر محقق است که از اجرای مکنون خاطر خود بازخواهد ماند. ثانیاً اهمیت و معتنا بودن این سرقت را که حمل به سهوالقلم فرموده‌اند، جای منتهای حیرت است. به جهت اینکه اگر قدری به نظر انصاف و حقانیت ملاحظه فرمایند، مخلص را حق خواهند داد که مذاکرهٔ شفاهی مخلص و ذات‌عالی به هیچ‌وجه من‌الوجوه دخلی به مسئلهٔ سرقت و جبر و غصب و غارت نداشته تنها در خصوص حیواناتی که از طرف شمسکی و اهالی قطور به طور رهن از همدیگر نگاه داشته شده است مذاکره و قرار ردّ و بدل آن شفاهاً داده شد. نه اینکه اهالی شمسکی سه ساعت به ظهر مانده علناً به قریهٔ کرنویک هجوم و گاو و گاومیش آنها را غصب و غارت و اهالی کرنویک به تعاقب آنها رفته و در نزدیکی قریه پانمریک اهالی قریهٔ مزبوره ذکوراً و اناثاً با تفنگ و شمشیر و سایر اسلحه و چوب به آنها حمله و از تعاقب و استرداد اموال خودشان ممانعت بکنند. اگر چنین چیزی در مذاکرهٔ شفاهیه مخلص و ذات‌عالی بوده است، بیان فرمایند. والا در صورتی که هنوز برحسب مذاکرهٔ

شفاهی ذات عالی در استرداد حیواناتی که به طور رهن نگاه داشته‌اند قراری نداده و علناً مرتکب سرقت می‌شوند نسبت سهوالقلم به تحریرات مخلص دادن را به کدام قانون دولتی حمل می‌توانند فرمود نمی‌داند. وانگهی باز اگر به نظر انصاف و حق‌بینی ملاحظه فرمایند، خواهند دانست که ذات‌عالی و مخلص که برای تسویه و تمیز کردن دعاوی سنواتی عشایر طرفین مأمور شده‌ایم، نمی‌توانیم راضی شد که دو نفر از اشرار اکراد در حضور این دو هیئت کومیسیون مظهر انواع فسادات و اغتشاشات شده و مملکت همجوار طرفین را به تصور واهی و اجرای خیالات خبیثهٔ خود از انتظام و آسایش و امنیت خالی نمایند. مورخه ۵ محرم‌الحرام سنه ۱۳۱۳ مطابق ۱٦ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

نمره [illegible]
جواب
بجناب جلالتمآب ریاست کمیسیون دولت علیه عثمانیه

سعادتلو [illegible] افندی حضرتلری

تحریرات عالیه جنابعالی مورخه ۲۴ [illegible] ۱۳۱۱ با کمال احترام رسید [illegible]

[illegible]

[illegible] سرقت شده است [illegible]

[illegible] بزرگ [illegible]

[illegible] که سرقت این حیوانات کمیسیون دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر چنین چیزی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کمیسیون [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۱۱ مطابق [illegible] ۱۳۱۲

رئیس کمیسیون دولت علیه ایران

شمارهٔ سند: ۳۲۰
موضوع: استرداد مواشی و اشیای مغصوبه اهالی صلاخانه
تاریخ: ۱٤ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

در خصوص مواشی که اهالی صلاخانه و قطور و حبشی از همدیگر به طور رهن گرفته نگاه‌داشته‌اند، بر حسب مذاکرهٔ شفاهیه که در قطور داده شد در مواصلت مخلص به سرای به سعدون‌بک رئیس عشیرت شمسکی نوشته شد و در تحریرات مومی الیه که جواباً وارد شده است اشعار نموده است که تا مواشی آنها استرداد و به سرای فرستاده نشود، مواشی اهالی قطور و حبشی به اصحاب آنها کارسازی نخواهد شد و خود سعدون‌بک به مناسبت و واسطهٔ جمعیت ولیمه که در این روزها در کار است جلب و احضار نمی‌تواند شد و بعدالولیمه احضار خواهد گردید. و برای اینکه بعد از این از طرفین به این گونه حرکات تصدی و مباشرت نشود، چنانچه در آنجا مذاکره شده است نوشتن یک حکم مضبطهٔ در خصوص استرداد مواشی و اشیای مغصوبه اهالی صلاخانه و مواشی که از طرفین به طریق رهن نگاه‌داشته‌اند لازم است. ولی چون اسامی غاصبین را که از عشیرت عروسانلو است نمی‌داند مضبطه را ننوشته و به موجب قراری که سابقاً داده شده است، تنظیم و ارسال مضبطه مزبوره را در آنجا برای دوام وداد و مخالصت وسیلهٔ حسنه اتخاذ می‌نماید. فی ۱٤ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس قومیسیون: سیداحمد حمدی

دورت یول قضاسی ارمنیه قومیسیونی ریاستی جانب عالیسنه

سعادتلو افندم حضرتلری

صلاخانه‌لر طرفندن ارمنیلردن وقطیری وحبشی لرلر آلنان مواشی حقنده
قطیره اولنان مذکره شفاهی اوزرینه سرایه مواصلت مخلصیده سرکومیسر
رئیسی سعدن بکه یازلمش وجواباً ورلدیکی تحریراتده کندیلرینک مواشیلری
بالاخذ سرایه کتیرلدکجه اهالی مرقومه نامنه اوله‌رق مدیریت اشعار قلنمقده
وبو مومی الیه سعدن بک ایله شرائط ویله جمعیت بنا سنبله جلب اولنه
دیرکار ومتعدد الیه جلب وتفهیم ایدیله جکیدن تعدادینک طرفیندن بو مثللو
حرکاته مصدق اینا ملک ایچون اثبات نجیل وحکمی الرشیته نظراً اوراده ایدیلان
مذاکره وجمله طرفینک کرا وطرهیتله آلنان مواشی وصلاخانه لرلره تعیین
مواشی واشیاسنک استردادی حقنده برحکم مضبطه‌سی یازلمش اولدیغی

فقط غاصب عرو سائلی لرلر اسمی یازلمدیغی جمله مضبطه‌سی یازلدیغندن کچیده
وبریلان قرار وجمله اوراده مضبطه‌نک تنظیمی اوزره سائل دوام وداد مخالصنه
وسیله حسنه اتخاذ ایدرم فی ١٤ حزیران ١٣١١

رئیس قومیسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۲۱
موضوع: غصب حیوانات قطور توسط اهالی شمسکی و عمل متقابل به آنها
تاریخ: ۵ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱۶ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

نمره: ۱۵

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

تذکرهٔ مورخ ۱۴ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ واصل ایادی تسهیل و تعظیم گردید. در باب حیوانات قطور که از طرف اهالی شمسکی به طور رهن غصب شده و از جانب اهالی قطور هم معاملهٔ متقابله مجری گشته است، مرقوم می‌فرمایند که سعدون‌آقا در جواب تحریرات ذات‌عالی اظهار داشته است که باید مواشی آنها به سرای فرستاده شود. و چون سعدون مومی الیه ولیمه دارد احضار او به سرای و تفهیم مطلب مشکل است. لهذا محض تسهیل کار یک حکم مضبطه لازم است و چون ذات‌عالی اسامی عروسانلوها را نمی‌دانند، تسویهٔ حکم مزبور را به عهدهٔ مخلص واگذاشته‌اند. اگرچه شفاهاً چنین قراری داده شده است و مخلص قرارداد شفاهی خود را معتبرتر از یک مضبطه که حاوی صد مهر شهود بوده باشد می‌داند. ولی اگر به نظر انصاف ملاحظه فرمایند، حق خواهند داد که حالا اجرای قرارداد شفاهی مزبور بکلی از حوزهٔ تکلیف مخلص خارج گردیده است. زیرا قرار مذکور منحصر به استرداد حیوانات مرهونه بود و در صورتی که مدیر شمسکی به این قرار متقاعد نشده و امور دولتی را به واسطهٔ جمعیت ولیمه و عشرت خود کان‌لم‌یکن محسوب داشته و به دعوت ذات‌عالی اجابت ننماید و از این طرف اهالی شمسکی علناً و به‌طور جبر و زور اسلحه مرتکب سرقت از اهالی قطور و مخل آسایش و امنیت اهالی مزبوره می‌شوند، در امضای حکم مضبطه وظیفه برای مخلص باقی نمی‌ماند. لهذا محض سهولت تسویهٔ کارها و ارائهٔ منتهای اتحاد و مرافقت با ذات‌عالی و رعایت حسن همجواری به امضای حکم مضبطه هم موافقت نموده و تسویهٔ آن را از ذات‌عالی تمنا می‌نماید و اسم غاصب حیوانات شمسکی به قول اهالی شمسکی که به مخلص تقریر کرده‌اند، نعمویت نام عروسانلو است. این فقره را هم محض استحضار

خاطر عالی زحمت می‌دهد که سه روز است قریب چهل نفر سواره و پیاده اهالی شمسکی و مرزکی را در اراضی مختلفه قطور دیده و خبر آورده‌اند و هنوز به واسطهٔ مواظبت و حراست اهالی قطور موفق به دستبرد نشده‌اند. مورخه ۵ محرم‌الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱۶ حزیران ماه رومی سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی

ضمیمه [illegible] جواب [illegible] کمیسیون [illegible]

سعادتلو افندم حضرتلری

تذکره مورخه ۱۰ حزیران ماه رومی ۱۳۱۱ را [illegible] تعجب و تعظیم کرده در باب حرکات

[illegible] [illegible] رئیس [illegible] [illegible] [illegible]

جاری گشته است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در جواب [illegible] [illegible]

داشته است [illegible] [illegible] [illegible] فرستاده شود و چون [illegible] [illegible] [illegible]

و برای [illegible] مطلب [illegible] است [illegible] [illegible] حکم [illegible] است [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شما [illegible] چنین قراری داده شده است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

که [illegible] [illegible] [illegible] باشد [illegible] [illegible] اگر بنظر انصاف ملاحظه فرمایند [illegible]

که [illegible] [illegible] قرار داده شما [illegible] [illegible] از حوزه تکلیف [illegible] خارج کرده است

زیرا [illegible] [illegible] [illegible] حرکات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] رابطه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] داشته [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حرکات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

کرده اند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رابطه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۱۳۱۲ مطابق ۱۰ حزیران ماه رومی سنه ۱۳۱۱

رئیس کمیسیون [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۲
موضوع: پرداخت دیت اهالی کرنویک به شمسکی
تاریخ: ۱۶ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیه ایران
سعادتلو افندم حضرتلری

در باب مسئلهٔ غصب گاوهای قریهٔ کرنویک فرستادن مأمور مخصوص را به نزد اهالی شمسکی در تحریرات سابق خود بیان نموده بود صادق‌آقا ضابطه که مأمور این کار بود، این دفعه عودت بنا به تقریر صادق آقا و خود شمسکی گاوهای مذکور به طریق جبر و غصب گرفته نشده بلکه در عوض دیت شرعیهٔ یک نفر از اهالی شمسکی که پارسال در قریهٔ کرنویک به قتل رسیده است، اهالی قریه مزبوره به رضا و رغبت خودشان داده‌اند و علاوه بر این بودن دو نفر مقتول دیگر را در قراتین مخین‌وزدی من قرای قطور و مطالبه دیت شرعیهٔ آنها را نیز بیان می‌کنند. لهذا مواجهه اهالی کرنویک با اهالی شمسکی لازم و برای اینکه مسئله مواشی که در این باب از عشایر طرفین به طریق رهن گرفته شده است با هرگونه دعاوی که فی‌مابین شمسکی‌ها و اهالی قطور است، قطع و فصل شده و قرار آن داده شود روزی را تخصیص فرموده و کدخدیان و ریش‌سفیدان قرای کرنویک و مخین‌وزری را نیز احضار بفرمایند و اشعار کیفیت را در ضمن احضار آنهایی که از اهالی شمسکی لازم است، برای تأکید مبانی مودت وسیله مخصوصه عد می‌نماید. فی ۱۶ حزیران ۱۳۱۱

رئیس قومسیون: نسیداحمد حمدی

دولت علیهٔ ایرانیه قونسولوس جنرالی جناب عالیلرینه

سعادتلو افندم حضرتلری

کرمود بکدن آلنان اوکوزلر مسئله سنک طرز تسویه سی نزدینه مأمور مخصوص کوندریلدیکی
اولدیغی کچن هفته کی تحریرات مخلصانه مده بیان ایتمشدم اولبابده مأمور اولان
ضابطه مأمورلری صادق آغا بو کره عودتله کندو منک وشمکیلرله افاده سنده
مذکور اوکوزلر جبر و غصب صورتیله آلنمیوب. بوندن برسنه اول شمکیدن
بر نفر کرمود بکده قتل اولنه رق اهالی طرفندن دیت شرعیه بدل کندن
مرضات ایله مذکور اوکوزلر ویرلدیکی وقطعیا تابع حکومت قاجاریه منک وزیری فرمیدن
دخی ابروجه ایکی مقتوللری اولنه رق انلرده دیت شرعیه لری طلب
ایتمکده و بو قتل ماده سی عموم قطعیلرک مقتولماری تحقیق اولندیغنده
علاوه بیان ایتمکده اولسنه بناء کرمود بکلر ایله شمکیلر مواجهه ایدلمک لزوم
کله جکندن بو بابده طرفینک عشایر جه کرادلانک مراسمی ایله بو مسئله نک حاصل
فصل ایله قطعیلر اره سنده نه دعوالرایسه کسدیرلمک وقراری اعطا
اولنمق ایچون مخصوص بریله ترق کرمود بکلر وحکومت قاجاریه لرینک محتارلری
واختیارلرینک بولندیرلمسی وشمکیدن ایجاب ایدنلرک احضارلری ضمننده
کیفیتک اشعاری تأکید مبانی مودت ایله مخصوصاً عرض اولنور فی ١٦ محرم ١٣١١

رئیس قومسیون
سید احمد حمدی

شمارهٔ سند: ۳۲۳
موضوع: غصب احشام قریهٔ کرنویک به وسیلهٔ اهالی شمسکی
تاریخ: ۷ محرم ۱۳۱۳ هـ.ق مطابق ۱۸ حزیران ۱۳۱۱
کارتن: ۲۷
پرونده: ۵/ع

جواب نمرهٔ ۱۷

به جانب عالی ریاست کومیسیون دولت علیهٔ عثمانیه
سعادتلو افندم حضرتلری

مراسهٔ مورخهٔ ۱۶ حزیران سنهٔ ۱۳۱۱ بـ کمال تکریم مطالعه گردید. و در باب اقدام اهالی شمسکی به غصب و غارت سی و دو رأس گاو و گاومیش اهالی کرنویک من توابع قطور که روز روشن به قوهٔ جبریه و زور اسلحه شده است، مرقوم فرموده‌اند که به تقریر صادق آقا مأمور ضابطه و اهالی شمسکی حیوانات مذکوره به طور غصب برده نشده و در عوض دیت شرعیه یک نفر از اهالی شمسکی که در قریه کرنویک به قتل رسیده بوده است، سکنهٔ کرنویک به رضا و رغبت خود حیوانات را داده‌اند. این فقره زیاده از حد مایه تعجب گردید که مسئله به این وضوح را به تقریر مدعی در این صورت بیان فرموده و باور کردن و اطمینان مخلص را هم ضمناً مایل هستند از خود ذات والا سؤال می نماید آیا دادن دیت شرعیه فرستادن بیست چهار نفر شمسکی که اسامی آنها در ضمن مراسلهٔ رسمی اولی مخلص مندرج است به قریهٔ کرنویک لازم و هجوم کردن تمام اهالی پانمریک به اهالی کرنویک و دعوا نمودن این دو طایفه با همدیگر از جمله ضروریات تحصیل دیت شرعیه بوده است. مخلص را تاکنون ضرورت این مسئله شرعاً و قانوناً مدلل نشده و از ذات والا استیضاح می نماید. وانگهی اگر حقیقتاً اهالی شمسکی ادعای خون مقتول از اهالی کرنویک و مخین‌وزری من قرای قطور داشته‌اند تحصیل دیت آنها مقتضی ابراز جبر و قوه حربیه نبوده است می توانستند به ذات والا که از طرف دولت علیهٔ عثمانیه مأمور تسویه امور عشایر هستند مراجعت نموده و احتاق حق خودشان را بخواهند. اینکه مرقوم فرموده‌اند که تخصیص یوم معینی شده و به این دعاوی رسیدگی گردد محض منتهای همراهی به اظهارات والا و اثبات کذب اقوال شمسکی ها بعد از دهم این ماه محرم هر روزی را قرار می دهند سعدون‌آقا مدیر شمسکی که مدعی این گونه اباطیل

است، در قطور در محضر والا حاضر بشود. کسان لازم هم از قریه کرنویک و مخین ورزی احضار خواهند شد که به اطلاع مخلص و والا رسیدگی گشته و قطع مایقال شود.
مورخه ۷ محرم‌الحرام ۱۳۱۳ مطابق ۱۸ حزیران سنه ۱۳۱۱

رئیس کومیسیون دولت علیه ایران: موسی
سواد مطابق اصل است ــ مهر موسی بن‌علی

نمره [illegible] جواب عالی ریاست کمیسیون تحقیقات

سعادتلو افندم حضرتلری

مراسله مورخه ۱۰ حزیران [illegible] را بکمال تکریم مطالعه کردیم [illegible]

[illegible]

[illegible] صادق آقا [illegible]

[illegible] دیت شرعیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دیت شرعیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

دیت شرعیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مورخه ۷ محرم الحرام ۱۳۳۱ مطابق ۱۹ حزیران [illegible] رئیس کمیسیون تحقیقات

[illegible]

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ۴

عشایر سرحدی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

شمارهٔ سند: ۳۲٤
موضوع: علی آقای شکاک و ریاست ایل
تاریخ: ۲۹ ذیقعده ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ع/۱۲

عالی جاها مجدت و نجدت همراها دوستا مکرما

در باب عالی جاه علی آقای شکاک تفصیلی با دوستدار گفتگو و مکالمه نمودید. الان صریح به شما می نویسم به هر طور که مصحت می دانید بنویسد و مشارالیه را مطمئن و خاطرجمع کنید سوار شده بیاید. از دوستدار ان شاء الله تعالی محبت خواهد دید. باز خلعت داده آقایی ایل شکاک را به مشارالیه خواهم داد چون پای آن دوست کرده در میان است، البته سوار شده بدون حالت معطّلی خواهد آمد. از دوستدار نسبت به خودش محبت مشاهده و ملاحظه خواهد نمود. چون در باب مشارالیه تفصیلی گفتگو نمودید، علی هذا به وجه اختصار در عالم دوستی نوشته زحمت داده البته راه اطمینان دادن او را که بیاید و دوستدار را ملاقات کند، آن دوست مهربان بهتر می دانند. زیاده زحمتی ندارد تحریراً فی بیست و نهم شهر ذیقعدهٔ ۱۲۷۱.

پشت نامه مهر، محمدصادق

جناب اجل امجد اکرم سپهسالار اعظم

درباب ملاحظه صبح آقای ... تفصیلی در سه از علی و مقاله سعیدالملک صریح نوشته مرقوم

بهر طوری مصلحت میدانید بنویسید و مشارالیه را مطمئن و خاطر جمع نمایید تا از شهر باید از کرمان آمده الی ... تحصیل خواهد

باز خلعت ... آقای ... مشارالیه خواستم ... کسوه و ... است

دوره ... برود حالت معطل خواهد ماند در دست ... خواهد

چون درباب مشارالیه تفصیلاً گفتگو ... نمود ... در عالم ... ۱۲۷۱

ادراه ... آن دست ... مشارالیه ... در جمله

شمارهٔ سند: ۳۲۵
موضوع: علی آقا شکاک سرحددار
تاریخ: ۲۹ ذیقعده ۱۲۷۱ هـ.ق
کارتن: ۷
پرونده: ع/۱۲

نامهٔ شهبندر عثمانی در تبریز به علی آقا شکاک

عالی جاها دوستا مهربانا، اگرچه دوستدار شما را ملاقاتی نکرده است ولیکن غایبانه محبت و میلی به شما دارم که همیشه مشتاق ملاقات آن عالی جاه است، از صداقت و کاردانی که در سرحد دولتین علیتین دارید، دوستدار را در خصوص شما حسن ظنی حاصل می باشد. علی هذا، می باید که اظهار رضامندی و ممنونیّت از شما به امنای دولتین علیتین بکند و چون این روزها مدعبهای شما تقریراً و تحریراً در خصوص شما خدمت جناب جلالت‌مآب آقای قائم‌مقام دام مجده‌العالی پاره[ای] حرفها گفته بودند که عالی جاه علی آقا نه به ارومی خواهد رفت و نه به تبریز خواهد آمد و مبلغی از مالیات باقی دارد و نخواهد داد به همین جهت این روزها عالی جاه احمدآقا محبوس بود و کاغذی در بیان احوال به دوستدار نوشت به محض ملاحظهٔ دوستی و محبت و میلی که به شما دارم، لازم دانستم که در این باب با جناب قائم‌مقام صحبتی بکنم الحق ایشان را در کمال التفات دربارهٔ شما دیدم با اینکه مدّعی ها پاره[ای] حرفها گفته بودند آخر قرار بر این شد و دوستدار را اطمینان دادند که عالی جاه علی آقا به تبریز آمده و جمیع مطالب خود را اظهار داشته موافق دلخواه شما و او همه را جابجا کرده قراری که باید گذاشته شود و مال و جان و همه چیز او در امان باشد.

دوستدار هم در عالم دوستی چنین مصلحت دانست که به شما زحمت بدهد و این دو کلمه را بنویسد، که اگر شما به بعضی طورها رفتار نمایید باعث اغتشاش سرحد خواهد شد. و اشقیای آن طرف جرئت بر بی حسابی خواهند کرد و در این صورت اول کسی که از شما شکایت می‌کند، مأمورین دولت علیه عثمانی است و باعث رنجش دوستدار خواهد گردید. علی هذا خواهش دوستدار از شما این است که به رسیدن کاغذ دوستدار با کمال اطمینان و خواطرجمعی سوار شده راه راست به تبریز و شهبندرخانه به

منزل دوستدار آمده، خودم جمیع مطالب شما را خدمت جناب قائم مقام زحمت اظهار داده موافق دلخواه شما جابجا کرده و چند روزی در اینجا بمانید قراری که خواهش شما در کار و بار شما گذاشته با کمال ممنونی و خوشحالی خلعت جناب جلالت‌مآب سرکار قایم‌مقام را می پوشید و به کمال سرافرازی می روید، این قدر بدانید که شما بعد از این هر طور که خواهش شما است حمایت کرده و حکام ارومی هم با شما کاری نخواهد داشت زیاده از این نوشتن را لازم نمی دانم و تأکید را ضرور نمی بینم که خودتان صلاحیت این فقره را خواهید دانست. فی ۲۹ ذیقعده ۱۲۷۱

مهر: السید احمد حلمی

همیشه

عالیجاها دوست مهربانا   گرچه همیشه از شما دوستانه [illegible] دوستی و یگانگی خیلی محبت و یکتائی شما دارم

[illegible] شده

مشتاق ملاقات آن عالیجاه هستم از مراتب دوستی که درباره [illegible] عقیده دارید [illegible] خصوص [illegible]

خصوص

[illegible] در مراتب [illegible] و ممنون [illegible] علیه [illegible] و چون این روزها [illegible] [illegible]

آمد

حضرت جناب جلالتمآب [illegible] مقام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] نوشت

[illegible] دارد [illegible] داد [illegible] این روزها [illegible] احتمالا مجبور [illegible] در بیان احوال

[illegible] دوستی و محبت [illegible] دارم [illegible] داشتم [illegible] جناب [illegible] مقام [illegible]

[illegible]

درکمال [illegible] درباره شما [illegible] [illegible] آخر [illegible] شده [illegible] اطمینان [illegible]

[illegible]

[illegible] تبریز [illegible] و جمیع [illegible] اظهار [illegible] [illegible] که [illegible]

[illegible] همه

[illegible] و همه [illegible] در [illegible] [illegible] در [illegible] [illegible] دانست [illegible] زحمت [illegible]

[illegible]

که اگر شما [illegible] رفتار نمایند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهند

[illegible]

[illegible] اول [illegible] از شما [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] تبریز

خواهش [illegible] از شما این است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خاطر جمعی [illegible] [illegible] که

به منزل [illegible] آمده [illegible] جمیع [illegible] را [illegible] جناب [illegible] مقام [illegible] اظهار [illegible] [illegible]

[illegible]

و چند روزی [illegible] [illegible] قراری [illegible] خواهش شما [illegible] [illegible] [illegible] ممنون [illegible]

[illegible]

جناب جلالتمآب [illegible] مقام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] 2 [illegible] 29 [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۶
موضوع: مراجعت طایفهٔ قراپاپاق به ماوای قدیمشان
تاریخ: غرهٔ ذیقعده ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

نامهٔ وزیرمختار عثمانی حیدر افندی به وزارت خارجه

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

معلوم‌المقدار خانهای طایفهٔ قراپاپاق که در محالات سلدوز اقامت دارند، چون طایفهٔ مذکوره پیش از این از خاک پاک ممالک محروسهٔ دولت علیه به این طرف موقتاً آمده بودند و پیش از چندی چند نفر از ریش‌سفیدان آنها به استانبول رفته قرار و استرحام مراجعت و نقل و مهاجرت به مأوای قدیمشان نموده، دولت متبوعهٔ معظمهٔ دوستدار هم اسعاف* التماس و استرحام آنها را قبول فرموده و حتی دوستدار را هم مأمور فرموده بودند که اگر مقتضی بشود از جانب دولت ایرانیه و از طرف سفارت سنیه مأمورها فرستاد طایفهٔ مذکوره را امناً و سالماً به آن حدود خاقانیه روانه دارد و در این خصوص با آن جناب جلالت‌مآب ملاقات و گفتگو نموده است. چون اعلی حضرت اقدس شهریاری در شکارگاه مسیله تشریف داشته بودند، آن جناب جلالت‌مآب جواب موافقت را در مادهٔ هجرت طایفهٔ مذکوره معوق به تشریف‌فرمایی اعلی حضرت شهریاری به شهر کرده بودند. واقعاً بعد از چند روزی اعلی حضرت شهریاری طهران را تشریف فرموده از جانب وزارت امور خارجه آن جناب جلالت‌مآب مقرب الحضرة العلیه میرزا اسداله منشی اول و خاصه را برای ابلاغ جواب اعلی حضرت پادشاهی به نزد دوستدار مأموراً فرستاده بودند که در جواب گفته بود که طایفهٔ قراپاپاق از اهل ایروان هستند بنابراین دولت ایرانیه به رجعت آنها رضا نداده و شما هم دست از این ادعا بردارید، دوستدار هم جواب داد که چون پیش از این شعبهٔ از طایفهٔ مرقومه در حوالی قارص سکنی داشتند هجرت آنها را دولت

* به معنی کارگشایی، برآوردن حاجت.

ایران از دولت علیه خواهش نموده و دولت عثمانیه هم به تبدیل مکان و به نقل و هجرت آنها به خاک ایران موافقت کرده تا به وجه امن و سالماً آورده تسلیم مأمورین ایرانیه نموده بودند. حالا چرا دولت ایرانیه موافقت به خواهش حقی دولت عثمانیه نمی‌نماید و به مقابله بالمثل رعایت نمی‌کنند بعد از این قرار بر این شده بود که دوستدار ماده را از سرنو به دولت متبوعهٔ خود نوشته منتظر جواب بشود و دولت ایرانیه هم تا به رسیدن جواب دوستدار اختیار سکوت فرماید. تا امروز آن جواب منتظر از جانب دولت متبوعهٔ دوستدار نیامده است ولی در این روزها به خلاف قرار و مکالمه به سمع دوستدار رسیده است که دولت ایرانیه مقرب الخاقان پاشاخان سرتیپ را مأمور نموده بر سر طایفهٔ مذکوره رفته، زن و بچه و برنا و پیرشان را زده و کشته و حبس نموده است و حتی آنها که به جهت قرار هجرت خودشان به استانبول رفته بودند، آنها را هم به زنجیر کرده‌اند و حال اینکه این گونه معاملهٔ بارده در حق یک طایفهٔ که تصمیم هجرت به خاک یک دولت قوی‌شوکت که دوست دولت ایرانیه باشد، نمایند به عمل بیاید موافق قواعد دولیه و محاذی مخادنت همجواریه نیست. بناء علیه دوستدار مسئولیت آتیه این خصوص یعنی تخریب طایفهٔ مذکوره را به عهدهٔ دولت ایرانیه گذاشته فریضهٔ ذمت خود را از حالا به جا می‌آورد. زیاده بر این زحمت ندارد. در فی غره شهر ذیقعده‌الحرام ۱۲۷۹

محل مهر: السید حیدر

جناب جلالت‌مآب اجل اکرم افخم دوستان مهربان مشفقان [illegible]

معلوم است که اغلب خانه‌های طایفهٔ قراپاپاق که در محالات سلدوز اقامت دارند چون طایفهٔ مذکوره پیش از این از اطراف [illegible]

بمحروسه دولت علیه بخلاف ترتیبات آمده بودند پیش از چندی چند نفر از ریش‌سفیدان آنها بسمت [illegible] رفته

و استرحام مراجعت و نقل و مهاجرت بمأوای قدیمشان نموده [illegible] مستدعی

التماس و استرحام آنها را قبول فرموده و حتی [illegible] را هم مأمور فرموده بودند که [illegible]

دولت ایرانیه و از طرف سفارت سنیه مأمورها فرستاده طایفهٔ مذکوره را اسناد و [illegible]

خاقانیه روانه دارد و در این خصوص با آنجناب جلالتمآب ملاقات و گفتگو نموده است چون اعلیحضرت

اقدس شهریاری [illegible] تشریف داشته بودند آنجناب جلالتمآب جواب موافقت را در مادهٔ هجرت

طایفهٔ مذکوره موقوف بتشریف فرمائی اعلیحضرت شهریاری [illegible] کرده بودند و اتفاقا بعد از چند روزی اعلیحضرت

شهریاری طهران را تشریف فرموده از جانب وزارت امور خارجه آنجناب جلالتمآب [illegible]

[illegible] اول و خاصه را برای ابلاغ جواب اعلیحضرت پادشاهی [illegible] مأمور

فرستاده بودند که در جواب گفته بود که طایفهٔ قراپاپاق از اهل ایروان هستند بنابراین دولت ایرانیه

بر جهت آنها رضا داده و شما هم دست از این ادعا بردارید [illegible] هم جواب داد که چون پیش از این

شعبه از طایفهٔ مزبوره در حوالی قارص سکنی داشته هجرت آنها را دولت ایران از روی [illegible]

نموده و دولت علیه هم [illegible] نقل و هجرت آنها بخاک ایران موافقت کرده

تا با وجود اسناد و [illegible] آورده تسلیم مأمورین ایرانیه نموده بودند حالا چرا دولت ایرانیه بر این موافقت

[illegible] دولت عثمانیه نمی‌خواهد و بمقابله با آنها رعایت نمی‌کند [illegible] قرار براین شده بود که

[illegible] ماده را از [illegible] خود نوشته [illegible] جواب [illegible] دولت ایرانیه هم

تا رسیدن جواب [illegible] اختیار سکوت فرماید تا امروز آنجناب [illegible]

[illegible] نیامده است ولی در این روزها بخلاف قرار و [illegible]

که دولت ایرانیه [illegible] را مأمور نموده بر سر طایفهٔ مذکوره [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۷
موضوع: عزیمت عشیرهٔ قراپاپاق به‌خاک‌عثمانی
تاریخ: ٤ ذیقعده ۱۲۷۹ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

هو

جواب کاغذ حیدر افندی وزیرمختار عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

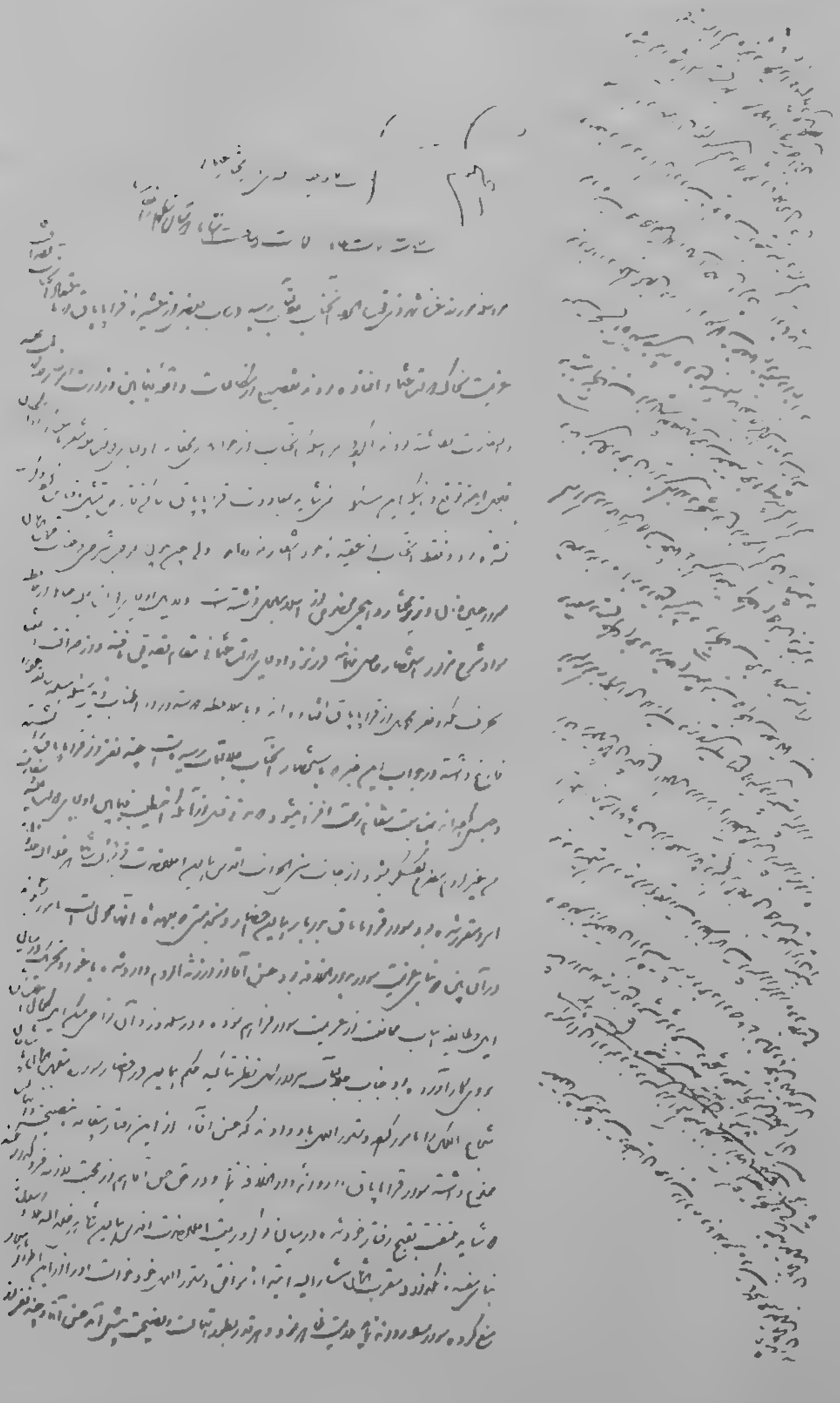
جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما

مراسلهٔ مورخهٔ غره شهر ذی‌قعده‌الحرام آن جناب جلالت‌مآب رسید. در باب بعضی از عشیرهٔ قراپاپاق که به اعتقادآن جناب به صرافت عزیمت به خاک دولت عثمانی افتاده بودند تفصیلی از مکالمات واقعهٔ فی مابین وزارت امور خارجه دولت علیه و آن سفارت نگاشته بودند اگرچه در مراسلهٔ آن جناب از جوابهای محقانه اولیای دولت علیه مشعر به اعتذار از امکان قبول این توقع و اینکه این مسئله را نمی‌شاید به معاودت قراپاپاق ساکن قارص تمثیل و قیاس کرد ذکری نشده بود، و فقط آن جناب از عقیدهٔ خود اشعار نموده‌اند. ولی چون، چون به موجب شرحی که جناب مقرب‌الخاقان میرزا حسین‌خان وزیرمختار و ایلچی مخصوص از اسلامبول نوشته است دلایل اولیای دولت علیه چنانکه از ملاحظهٔ سواد شرح مزبور استحضار حاصل می‌نمایید در نزد اولیای دولت عثمانی مقام تصدیق یافته و از صرافت اعتنا به حرف یک دو نفر مجهول از قراپاپاق افتاده‌اند و به این ملاحظه دوستدار از اطناب ذیل مسئله مسلمه سابقه خود را فارغ داشته در جواب این خبر که به استحضار آن جناب جلالت‌مآب رسیده است چند نفر از قراپاپاق را کشته و حبس کرده‌اند به مناسبت مقام زحمت‌افزا می‌شود که مدتی قبل از آنکه این مطلب فی مابین اولیای دولت علیه و سفارت من‌غیر لزوم مطرح گفتگو بشود از جانب سنی الجوانب اقدس همایون اعلی حضرت قوی‌شوکت شاهنشاهی خلداله ملکه و سلطانه امر و مقرر شده بود سوار قراپاپاق به دربار همایون احضار و به خدمتی که به عهدهٔ آنها محول است مأمور بشوند در آن بین که بنای عزیمت سوار به دارالخلافه بود، حسن آقا از ارزنة‌الروم وارد شده به اغوا و تحریک در میان ایل و طایفه اسباب ممانعت از عزیمت

سوار فراهم نموده و در سلدوز و آن نواحی مسکن ایل کمال اغتشاش به روی کار آورده بود. جناب جلالت‌مآب سردار کل نظر به تأکید حکم همایون در احضار سواره مقرب‌الخاقان پاشاخان شجاع‌الملک را مأمور کرده دستورالعمل به او دادند که حسن‌آقا را از این رفتار بی‌قاعده به نصیحت و استمالت ممنوع داشته سوار قراپاپاق را روانهٔ دارالخلافه نماید و در حق حسن‌آقا هم از محبت لازمه فروگذار نکند که شاید ملتفت به قبح رفتار خود شده در میان نوکر و رعیت اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه بنای مفسده نگذارد مقرب‌الخاقان مشارالیه ابتدائاً موافق دستورالعمل خودخواست او را ازاین اطوارناهنجار منع کرده سوار را روانه نماید ملایمت ظاهر نمود و هرقدر به طور استمالت و نصیحت پیش آمد حسن‌آقا و چند نفر از متعلقاتش به خشونت و طغیان جواب دادند و بالأخره دست به اسلحه حمله به مقرب‌الخاقان مشارالیه و همراهان* او نمودند و پس از آنکه چند نفر از آنها را کشته و مجروح ساختند، مقرب‌الخاقان مشارالیه لابد به دفع و تنبیه پرداخت و نتیجهٔ وخیمهٔ این حرکت حسن‌آقا مستلزم آن شد که دو نفر از متعلقان او کشته شدند و خود او که بانی فساد و باعث قتل نفوس بود، دستگیر گردید. در این صورت و نظر به حالت اشرار مزبوره و وضوح اینکه ایل قراپاپاق از جمله رعایا و نوکر مخصوص دولت علیه ایران هستند، رفتار مقرب‌الخاقان شجاع‌الملک در ازای آن طور حرکت اشرار مزبوره از هرگونه اعتراض دور است و بدیهی است هیچ دولتی در تنبیه اشرار و متمردین احکام خود در مقام مسئولیت که آن جناب جلالت‌مآب تصور نموده‌اند واقع نمی‌شود، و آن جناب خود بهتر می‌داند که اگر در ممالک دولت عثمانی کسی بر ضد احکام دولت برخیزد و بنای فساد و خون‌ریزی گذارد، به چه نوع از جزا گرفتار می‌شود، و نیز آن جناب از این تفصیل خوب معتقد خواهید شد که اگر نسبت به حسن‌آقا تعرضی شده دخلی به مسئلهٔ سابقه که به خاک آن دولت رفته بود ندارد بلکه محض در ازای حرکات خصمانه و متمردانهٔ او بوده است که دولت از اول از حبس و گرفتاری او ناچار و معذور بود و اگر او دست به این حرکات وخیمه نمی‌زد هرگز احدی از او سؤال هم نمی‌کرد که چرا به اسلامبول رفت و چه کرد چرا که این مقوله حرفها در دوستی دولتین شایسته مذاکره نبود. تحریراً فی ٤ شهر ذیقعدة‌الحرام ۱۲۷۹

* ابراهیم ولد اسماعیل، قاسم، سیدی، محمد ولد حسین، عمرآقا، رئیس‌آقا، محمودآقا

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:] صحیح است.



شمارهٔ سند: ۳۲۸
موضوع: منازعهٔ بین دو طایفه منکور و مامش
تاریخ: ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

جواب اسمعیل افندی، شارژ دافر عثمانی

تفصیلی که آن جناب از منازعهٔ عشایر منکور و مامش در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ چهارم شهر جمادی‌الاولی نگاشته بودند، به نظر دوستدار چنان آمد که نه به آن طورها بوده باشد که به اطلاع آن جناب رسیده است. زیرا که یقین دارد حکام و سرحدداران دولت علیه با عساکر دولتی هرگز تجاوز به خاک عثمانیه نمی‌نمایند و عشیرت مامش هم موافق آنچه دوستدار استحضار دارد یکی از عشایر مختصه دولت علیه ایران است. دور نیست به مقام طغیان و تمرد به حاکم ساوجبلاغ آمده مصدر شرارت و اغتشاش در سرحد شده باشند و او هم از خاک دولت متبوعه خود اقدام تنبیه آنها نموده باشد در هر حال دوستدار مراتب را معجلاً از جناب جلالت‌مآب سردار کل دام مجده استعلام کرد منتظر وصول خبر از ایشان است که جواب مراسلهٔ آن جناب را از روی بصیرت قلمی بدارد. زیاده چه زحمت دهد.

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] صحیح است.

جواب [illegible]

تفصیلی که آنجناب از منازعه [illegible] [illegible]

[illegible]

حکام [illegible]

نوشته [illegible] اظهار دارد [illegible]

با کمال [illegible]

[illegible] ۱۲۸۰ [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۲۹
موضوع: منازعهٔ بین دو طایفه منکور و مامش
تاریخ: ۱۹ جمادی‌الثانیه ۱۲۸۰ هـ.ق
کارتن: ۱۰
پرونده: ۱۲/ع

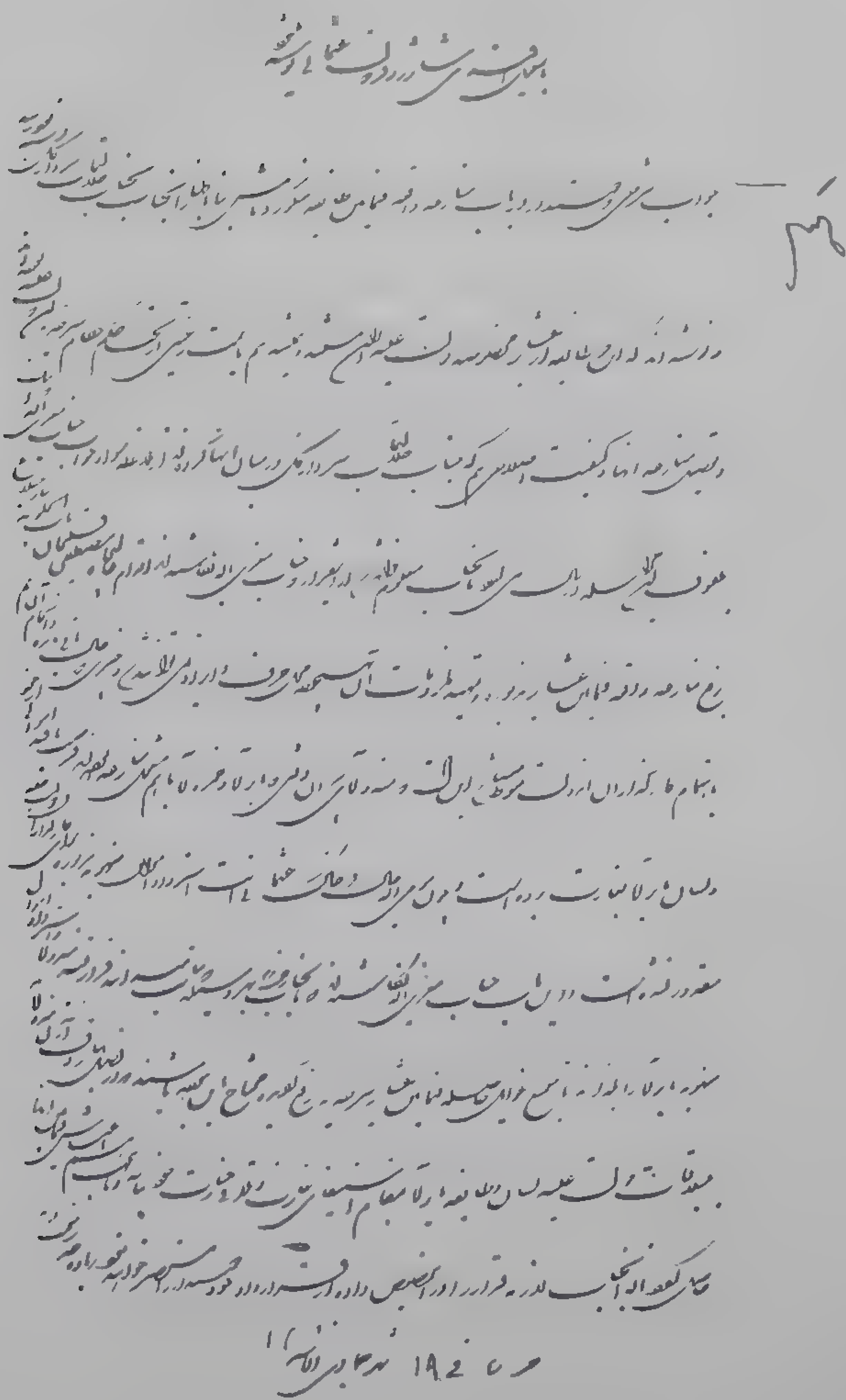
هو

به اسمعیل افندی شارژ دافر دولت عثمانی نوشته می‌شود

جواب شرحی که دوستدار در باب منازعه واقعه فی‌مابین طایفهٔ منکور و مامش بنا به اظهار آن جناب به جناب جلالت‌مآب سردار کل نوشته بود، رسید و نوشته‌اند که این دو طایفه از عشایر مخصوصهٔ دولت علیهٔ ایران هستند و همیشه هم یا سمت رعیتی در تحت حکم حکام سرحدیه این دولت علیه بوده‌اند و تفصیل منازعهٔ آنها و کیفیت اصلاحی هم که جناب جلالت‌مآب سردار کل در میان آنها کرده‌اند از ملاحظهٔ سواد جواب جناب معزی‌الیه که اینک ملفوف این مراسلهٔ ارسال می‌گردد به آن جناب معلوم خواهد شد. از این قرار که جناب معزی‌الیه نگاشته‌اند اقدام عالی‌جاه مصطفی قلی‌خان نایب‌الحکومه ساوجبلاغ به رفع منازعهٔ واقعه فی‌مابین عشایر مزبوره و تمهید ملزومات آن به هیچ‌وجه محل حرف و ایراد نمی‌تواند شد و چیزی که حال باقی‌مانده و انجام آن هم به اهتمام کارگزاران آن دولت منوط می‌باشد این است که مندو آقای پیران وقتی که مابرآقا و حمزه‌آقا باهم مشغول منازعه بوده‌اند، فرصت یافته اموالی از خود و کسان مابرآقا به غارت برده است و چون مومی‌الیه حال در خاک عثمانی است، استرداد اموال منهوبهٔ مزبوره برای کارگزاران دولت علیه مقدور نشده است و درین باب جناب معزی‌الیه نگاشته‌اند که به آن جناب زحمت ندهد به هر وسیله که مناسب می‌دانند قرار تنبیه مندوآقا و استرداد اموال منهوبهٔ مابرآقا را بگذراند تا جمیع غوایل حاصله فی‌مابین عشایر سرحدیه رفع گردیده محتاج به این نبوده باشند که در فصل بهار وقت آمدن مندوآقا به ییلاقات دولت علیه کسان و طایفه مابرآقا به مقام استیفای غارت و تلافی خسارت خود نیایند و به این جهت هم اغتشاش فی‌مابین آنها حاصل کرده‌اند آن جناب لازمهٔ قرار را در این خصوص داده از قرارداد خود دوستدار را مستحضر خواهند نمود. زیاده چه زحمت

دهد.

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] صحیح است.



شمارهٔ سند: ۳۳۰
موضوع: تجاوز و قتل غارت پسران احمدبیک در حدود سلیمانیه
تاریخ: ۲۵ ربیع‌الاول ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۶

هو

نامهٔ شارژ دافر عثمانی به وزارت امور خارجه

جناب جلالت‌مآب و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا محبان استظهارا مشفقا مکرما

در خصوص قتل و غارت و ضرر و خساراتی که به تحریک احمدبیک کنده سورلی پسران او در حدود سلیمانیه وارد آورده، در مراسلهٔ مورخهٔ ۲۱ شهر حال به آن جناب جلالت‌مآب نگارش یافت مجددا دوستدار اظهار می دارد که چون حرکات متجاسرانه احمدبیک و پسران او در ممالک عثمانیه از حد درگذشته ضرر بسیار بر اهالی آنجا وارد آورده‌اند، امنای دولت فخیمهٔ ایرانیه امر و مقرر دارند که یا از عهدهٔ خسارتهای مزبوره برآیند و یا چنانچه جناب مشیر اردوی سادس و والی ایالت بغداد به کار پردازخانهٔ ایران اظهار داشته‌اند، احمدبیک را به کارگزاران دولت علیهٔ عثمانیه بسپارند تا تسویهٔ امر مزبور داده آید. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۵ شهر ربیع‌الاول ۱۲۸۱

نمره ۱

جناب جلالت و نبالت نصاب فخامت و مناعت انتساب مجدت و نجدت شعار مستر ... نیکلسن

در خصوص قتل و غارت و ضرر و خسارتی که بتحریک احمد بیک کرد و سورولی بسرحدات ایران و در حدود دولت علیه عثمانیه وارد

آورده و در مراسله نمره ۱۲ نه محل بجناب جلالتمآب نگارش رفته بود و داد و ستد از اظهار

میدارد که چون حرکات متجاسرانه احمد بیک در ایران و در ممالک عثمانیه از حد درگذشته

ضرر بسیار بر اهالی سرحد وارد آورده اند امنای دولت فخیمه ایرانیه امروز منتظرند

که از عهده خسارتهای مزبوره برآیند و هرچند جناب مشیرالدوله سفیر اسلامبول دلایل بسیار داده

اولیای دولت علیه ایران اظهار داشته اند احمد بیک را اولیای دولت علیه عثمانیه

بسپارند تا تنبیه امر مزبور داده آید زیاده زحمتی ندارد فی ۲۵ شهر رجب المرجب ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۳۳۱
موضوع: تسلیم بنی اعمام احمدبیک که رعیت دولت علیهٔ ایران هستند
تاریخ: ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۸۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵/ح

نمره: ۷

به اسمعیل افندی شارژ دفر دولت عثمانی [نامهٔ وزارت امور خارجه]

در باب پسرهای احمدبیک کنده سوری به طوری که در ضمن مراسلهٔ جوابهٔ خود مورخه ۳ شهر ربیع الثانی با آن جناب قلمی داشته، به جناب جلالت‌مآب سردار کل دام مجده نوشته بود و ایشان جواب آن را این روزها قلمی و از قراری که اظهار کرده‌اند، سه نفر از بنی اعمام احمد بیک را رسول آقا ضابط شیوهٔ کل در نزد خود نگاه‌داشته و آن سه نفر به تقویت و ترغیب رسول آقا همیشه بر سر دهات و کسان احمدبیک آمده به غارت و حرقت دهات او اقدام می نمایند و پسران مشارالیه هم محض دفع شر آنها لابد از مدافعه و تلافی می شوند و با وجود این جناب معزی الیه به تفصیلی که نوشته اند و سواد آن برای آن جناب ارسال شد، مضایقه از رسیدگی مراتب و رفع اغتشاش سرحد بانه ندارند. ولی منوط به این است که از آن جانب نیز به طوری که ایشان نوشته اند اقدام درستی در این کار بشود و بنی اعمام احمدبیک را که رعیت دولت علیه هستند تسلیم سرحدداران این طرف نمایند تا در نزد جناب معزی الیه به جهت رسیدگی حقیقت امر و تنبیه مقصرین حاضر باشند. البته آن جناب مراتب را به طوری که دوستدار اظهار کرد و جناب معزی الیه نوشته اند به اطلاع جناب جلالت‌مآب والی بغداد خواهند رسانید. زیاده چه زحمت دهد. حرر فی ۱۸ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۱

[حاشیه:] صحیح است.

[illegible] دولت عثمانی

در باب [illegible] که [illegible] درضمن مراسله جوابیه خود [illegible] نجابت [illegible] نوشته

جناب [illegible] جواب آن [illegible]

[illegible] آقا [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] تجارت [illegible]

[illegible] محض دفع شر آنها [illegible] و [illegible] می شوند و با وجود این [illegible]

و [illegible] ارسال شده [illegible] رسیده [illegible] و رفع [illegible]

[illegible] از آن جانب نیز [illegible] نوشته [illegible]

[illegible]

[illegible] جناب [illegible] حقیقت امر [illegible] حاضر باشند [illegible]

[illegible] جناب [illegible] نوشته [illegible] باطلاع جناب [illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible] ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۳۳۲
موضوع: رد عشایر ممدی و کَردار به ایران
تاریخ: ذیقعده ۱۲۸۲ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱۲/ع

هو

به جناب خیراله افندی وزیرمختار دولت عثمانیه نوشته می‌شود (نامه وزارت خارجه)

از قراری که امیرالامراء العضام اسکندرخان سردار حاکم خوی نوشته است، دو تیرهٔ معروفه به مَمَدی و کَردار، از طوایف شکاک عشیرت خاصهٔ این دولت علیه که فراراً به خاک دولت علیه عثمانیه گذاشته‌اند. به دهات قرب حدود خوی و سلماس و ایلات جزو آنها تاخت و تاز و بی حسابی‌های زیاد نموده باعث اغتشاش آن حوالی و سلب امنیت متردین شده‌اند، اگرچه فقرهٔ فراریان عشایر سمت آذربایجان کلیتاً مابین طرفین مطرح گفتگو و رد آنها به اوطان اصلیهٔ خودشان از حسن همجواری و عهدداری آن دولت مؤکداً مأمول است ولی چون حالت اختلال امنیت حدود امری است که سریعاً و معجلاً باید به دفع آن مباشرت شود. علی هذا زحمت اظهار می دهد که آن جناب جلالت‌مآب عجالتاً به جاهای لازم قلمی و اظهار دارند که تا به موقع اجرا گذاشته شدن رد آنها به این طرف آنها را تنبیه و از مباشرت این مقوله حرکات وخیم العاقبه ممنوع دارند، و یا اینکه مأمورین این دولت را به تعاقب آنها مأذون سازند که خودشان به طور شایسته گوشمال به آنها داده حرکات خلاف آنها را زودتر دفع و رفع کنند. بعد از آنکه مباحثهٔ استرداد آنها منتهی به قرار آخر محقانه شد، البته مقتضای آن را نیز چنانکه مأمول اولیای این دولت است به موقع اجرا خواهند گذاشت. زیاده چه زحمت دهد. شهر ذیقعده ۱۲۸۲

[حاشیه:] به عرض پیشگاه همایون رسید. چون در ضمن مراسلهٔ مسطوره مورخه ۱۴ ذیحجه ۱۲۸۲ همین فقره درج شده بود، این مراسله فرستاده نشد علی هذا نمره و خلاصه لازم ندارد.

[دستخط ناصرالدین‌شاه:] صحیح است.

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت انگلیس

از قراری که امیرالامراء العظام سکندر خان سردار حاکم خوی نوشته در فقره مردود به محمدی

و کردها از طوایف ... که عشیرت ... از خاک دولت علیه عثمانیه که ... فرار ... خوی

سلماس و ایلات ... آنها تاخت و تاز و ... [illegible]

شده اند اگرچه فقره فرار ... [illegible] ... بین طرفین مطرح گفتگو و ... آنها

با ... [illegible] ... همواری ... ولی ... دولت

اختلال ... [illegible] ... مبادرت نمود علیهذا ... انتظار

که آن جناب جلالتمآب ... لازم ... [illegible] ... که تا بموقع اجرا ... آنها

اینطرف ... [illegible] ... حرکات ... ممنوع دارند و با آنکه مأمورین ...

به تعاقب آنها ... [illegible] ... حرکات خلاف آنها را

دفع و رفع کنند بعد از آنکه ... آنها ... آخر متعاقب نشده اند

... [illegible] ... بموقع اجرا خواهند ... [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳۳
موضوع: تجاوزات به صومای و برادوست
تاریخ: ۱۸ جمادی‌الاول ۱۲۸٤ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۱۱

سواد مراسله که به باش شهبندری دولت عثمانی نوشته شده

به طوری که از خوی به نواب مستطاب والا تبار معین‌الدوله نوشته‌اند، در چهاردهم همین ماه چهار طایفه از طرف هکاری هر یک با هفتصد نفر جمعیت به محال صومای و بردوست ریخته قرای ذیل را خراب و اموال سکنهٔ آنجا را نهب و غارت کرده‌اند و مبالغی خطیر از اغنام و اجناس اموال قریهٔ موسین ــ قریه مرتبه ــ قریه جوجی ــ قریه سیارک ــ قریه کبکچین ــ قریه سرو ــ قریهٔ حونی که آتش زده‌اند. رعیت شکاک و یک اوبه از طایفهٔ کاردار را به تاراج برده‌اند با اهتمامات اولیای دولتین علیتین به رفع غوایل و اختلالات سرحدیه و توجه طرفین به حفظ و امنیت سرحد و سرحدنشینان کمال تعجب از ارتکاب به این اعمال به غایت خلاف جمعیت مزبوره برای دوستدار حاصل است و واضح است اگر این عمل از مأمورین جزو سرحدداران آن دولت به ظهور رسیده باشد، مسئولیت آن در عهدهٔ مأمورین مزبوره و اگر طوایف و عشایر و ایلات سرحدیه آن دولت مرتکب به این اعمال شده باشند باز مسئولیت و بحث بر مأمورین جزو سرحدداران آن دولت وارد است که در حفظ و انتظام عشایر سرحدیه مراقبت به عمل نیاورده آنها را مطلق‌العنان ساخته‌اند. لزوماً زحمت داده از آن عالی جاهان دوستان استظهاری به کمال احترام توقع می‌نماید که سریعاً مراتب را به هر جا که لازم بدانند اظهار کرده قرار تنبیه جمعیت مزبوره و استرداد خسارتی که به اهالی قرای مزبوره و ایل شکاک و طایفهٔ کاردار وارد آمده است داده دوستدار را از قرارداد خود مستحضر بدارند و هرچه زودتر جواب قلمی بدارند که به نواب معزی‌الیه که مترصد وصول جواب از جانب دوستدار می‌باشد، از مراتب استحضار داده شود. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۸ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸٤

[حاشیه:] از این قرار سریعاً به سفارت عثمانی هم نوشته مطالبه احقاق حق شود.

متعلق نوشتهٔ میرزا ابراهیم خان نایب‌الوزاره مورخه ۱۸ جمادی‌الاولی سنه ۱۲۸۴

نمره ۱۱۱ $\frac{۲}{۱}$

[illegible]

مراسله در باب تنبیه [illegible] دولت عثمانیه [illegible]

بطوریکه از مضمون [illegible] مستطاب [illegible] رسیده [illegible] چهار روز [illegible] چهار طایفه [illegible] [illegible]

[illegible] از [illegible] ایل [illegible] که از [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

رعیت [illegible] طایفه [illegible] با اهتمامات [illegible] [illegible]

[illegible] سرحد [illegible] کمال تعجب [illegible] این عمل [illegible] [illegible]

[illegible] است اگر [illegible] از [illegible] سرحدداران آن دولت [illegible] [illegible]

و اگر طوایف و عشایر و ایلات سرحدیه آن دولت مرتکب این اعمال [illegible] [illegible]

جز و سرحدداران آن دولت [illegible] حفظ و انتظام عشایر سرحدیه [illegible] [illegible]

معلق [illegible] ساخته [illegible] [illegible] بکمال احترام [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳٤
موضوع: تجاوز چهار طایفهٔ هکاری به صومای و برادوست
تاریخ: ۱۸ جمادی‌الاول ۱۲۸٤ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱۲/٤

هو

سواد کاغذ علی‌آقا شکاک که به نواب معین‌الدوله نوشته است

قبل بر این عریضه به خدمت نواب اشرف امجد والا روحی فداه نوشتم که از طرف عثمانلو لشکر جمع‌آوری کرده بر سر ما آمده. امروز یوم شنبه ۱٤ جمادی‌الاولی چهار طایفه از طرف هکار هر یکی هفتصد نفر جمعیت از چهار منزلی و پنج منزلی مأمور شده بر سر محال صومای و برادوست ریخته هفت قریه بالمره خراب کرده‌اند به جز عیال ایشان چیزی باقی نمانده، از قرار تفصیل هورسین و مرسه و جوجی و سیارک و گنگچین و سرو و قریه فدوی که عبارت ارجونی باشد به هزار زحمت و مرارت آباد کرده بوده بالمره آتش زده‌اند. تصدقت شوم این قدر جمع‌آوری بدون حکم نمی‌شود از قریه‌های غارت‌شده مقدار پنجاه هزار تومان یا کم و زیاد از اغنام و اجناس مال رعیت و شکاک برده‌اند و یک او به از طایفه کاردار برده‌اند بعد از شنیدن این مقدمه از طرف باش‌قلعه خبر آمد که لشکر بی‌حساب از این طرف می‌آید خواستم خودم به طرف صومای و بردوست بروم بنا به شنیدن لشکر این طرف ناچار و لابد مانده فدوی‌زادگان با چند نفر سواره به طرف سومای و بردوست روانه کردم و خودم بر این طرف رفتم اگر سرکار نواب اشرف والا روحی فداه خودشان تشریف نیاورند، سرحد خراب شده بالمره و فدوی را قوهٔ جو و علف ندارم که لشکر جمع‌آوری نمایم و اگر قوه هم داشته باشم در وقت تشریف بردن به دارالسلطنه قدغن فرمودید به هیچ وجه حرکت نکرده می‌ترسم اگر حرکت نمایم باز مقصر شوم اگر نواب اشرف والا بزودی تشریف نیاورند ولایت بالمره به حقه پادشاه جمجاه قسم خراب می‌شود. استدعا آن است حامل عریضه از یک ساعت زیادتر در آنجا نمانده دستورالعمل از طرف نواب اشرف والا صادر شود. بلکه دو سه روزه به آن دستورالعمل خود و ولایت صاحب‌داری نمایم حقیقتاً اگر تشریف نیاورید ولایت خراب

شد واجب عرض بود.

[حاشیه:] علی آقا مبهم نوشته تفصیل اموال منهوبه را باید به حکم نواب معین‌الدوله دفتر کرده بفرستند و بزودی به اسلامبول هم نوشته شود که مشیرالدوله چارهٔ این تجاوزات را از آنجا نماید به کارپرداز ارزنة‌الروم هم بنویسند به تأکید تمام لیکن باید تفصیل این وقایع را کارگزاران آذربایجان از این بهتر و زبان‌دارتر معلوم کرده بنویسند که قابل نوشتن در نوشتجات رسمی باشد این‌قدرها کافی نیست.

متعلق نوشته میرزا ابراهیم‌خان نایب‌الوزاره مورخهٔ ۱۸ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۸۴ نمرهٔ ۱۱۱ $\frac{۲}{۲}$

[illegible]

سواد کاغذ [illegible] که به نواب [illegible] الدوله نوشته است

قبل از این عریضه به خدمت نواب اشرف [illegible] روحی فداه نوشتم و از طرف [illegible] شرح آنچه [illegible] آمده بود

یوم شنبه ۱۳ جمادی الاولی چهار طایفه از طرف [illegible] از چهار [illegible] و پنج [illegible] حاصل

[illegible] در [illegible] ریخته [illegible] قریه [illegible] که [illegible] باقی نمانده [illegible]

[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] است آمد

[illegible] آتش زده [illegible] جمع آوری بردن [illegible] از [illegible] غارت [illegible] از آن

[illegible] دینار از [illegible] بعد از [illegible] از طایفه [illegible] بعد از [illegible]

از طرف [illegible] قلعه خبر آمد که لشکر [illegible] از این طرف می‌آید خواستم [illegible] طرف [illegible] بروم

[illegible] لشکر این طرف [illegible] زاده‌ها [illegible] چند نفر سوار [illegible] طرف [illegible]

[illegible] به این طرف رفتم اگر [illegible] نواب اشرف والا روحی فداه [illegible] تشریف [illegible]

[illegible] لشکر جمع آوری [illegible] داشته باشم در وقت تشریف [illegible] دارالسلطنه

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳۵
موضوع: تجاوز چهار طایفهٔ هکاری به صومای و برادوست
تاریخ: ۲۹ جمادی‌الاول ۱۲۸٤ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۱۱

نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب‌الوزاره به وزارت خارجه

خداوندگارا، امروز از علی آقای شکاک کاغذی به عنوان نواب معین‌الدوله رسید مشتمل بر این است که چهار طایفه از طرف هکاری هر یک با هفتصد نفر جمعیت به محال صومای و بردوست ریخته قرای هوهسین وملونه و جوجی و سیارک و کبکچین و سرومو[ارجونی] را خراب و اموال سکنهٔ آنجا را با مبالغی خطیر از اغنام و اجناس اموال رعیت شکاک که به قدر پنجاه هزار تومان می شود* با یک اوبه طایفهٔ کاردار نهب و غارت کرده‌اند فدوی به محض وصول کاغذ علی آقا و استحضار بر مراتب مراسله به باش شهبندری عثمانی نوشته مطالبهٔ تنبیه مرتکبین و استرداد خسارتی را که به قرای مزبوره و ایل شکاک و طایفهٔ کاردار رسانیده‌اند، نمود سواد مراسلهٔ مزبوره را با سواد کاغذ علی آقا در این ضمن به جهت استحضار خاطر مبارک بندگان اجل امجد ارفع دام اجلاله ارسال می دارد و ان‌شاءالله تعالی بعد از رسیدن جواب از باش شهبندری عثمانی هم از مدلول آن خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت. زیاده چه جسارت نماید. الامر الاجل الارفع مطاع. ۲۹ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۸٤

محل مهر: العبد ابراهیم

[حاشیه:] دو متعلق دارد ـــ خلاصه شد.

* هنوز تحقیقاً معین نشده که چه به غارت رفته به نواب معین‌الدوله نوشته است که بدقت معین نموده بنویسد.

۶۱۱

فدایت گردم — امروز از صبح آقای [illegible] که فدوی عنوان لقب معین الدوله رسیده بسیار مشعوف است

و چهار روز بعد از صرف [illegible] یک [illegible] به حال [illegible] دولت [illegible]

[illegible] آنجا را با بانی [illegible] [illegible] که [illegible]

و [illegible] فدوی [illegible] که فدوی آقا [illegible] تحفه [illegible] مبارک

و [illegible] برادر [illegible] را با برادر کافه آقا [illegible] کفته [illegible]

[illegible] ۱۳ [illegible] ۱۹ [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۳٦
موضوع: خسارات وارده به اهالی چهریق
تاریخ: ٦ ذیقعده ۱۲۸٤ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده:

نامهٔ میرزا ابراهیم خان نایب‌الوزاره به وزارت خارجه

هو

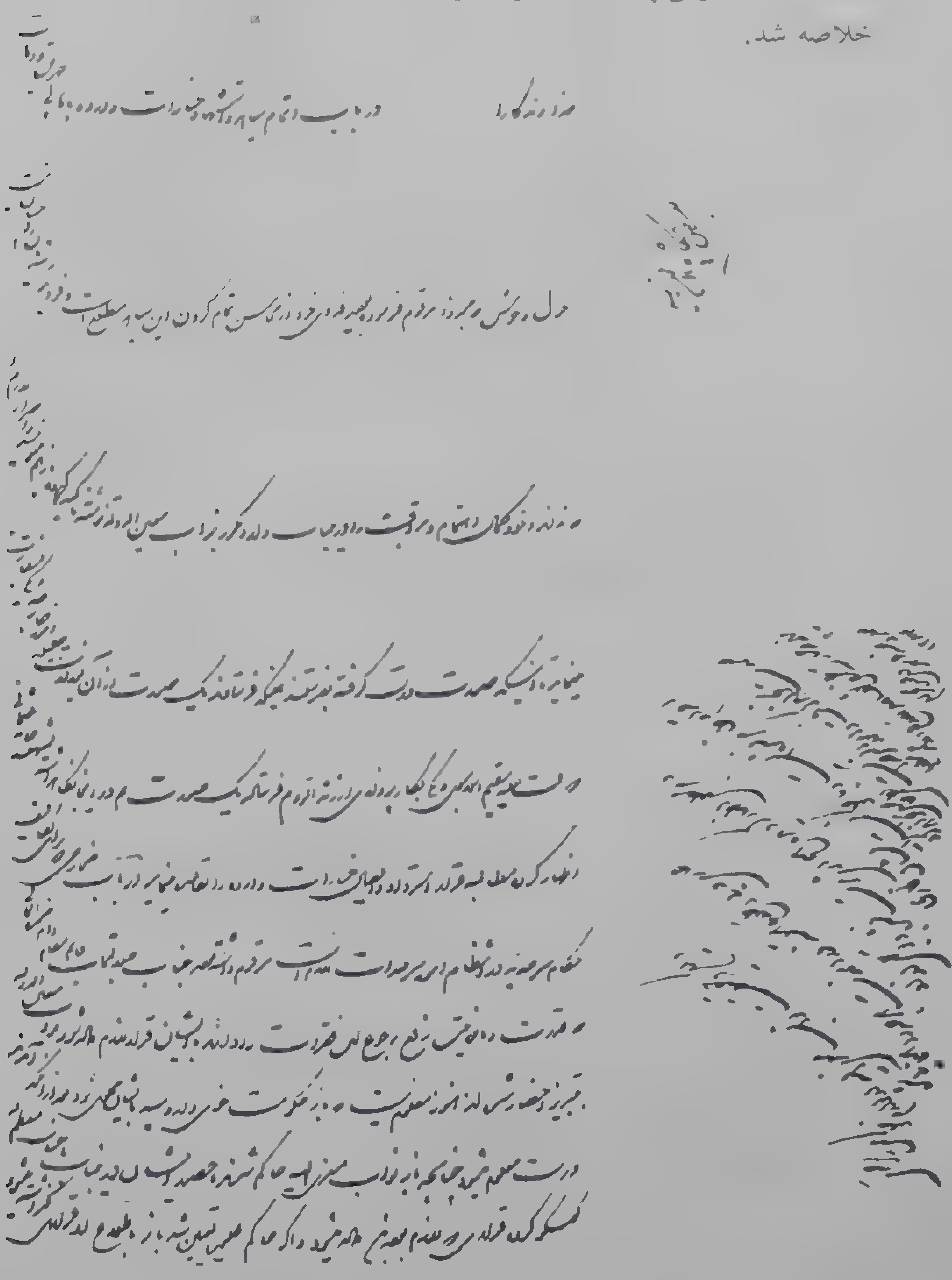
خداوندگارا، در باب اتمام سیاهه و استشهاد خسارات وارده به اهالی چهریق و دهات حول و حوش که مجدداً مرقوم فرموده بودید، فدوی خود از محاسن تمام کردن این سیاهه مطلع است و فواید مترتبه به آن را چنان نیست که نداند و خود کمال اهتمام و مراقبت را درین باب دارد. مکرر به نواب معین‌الدوله نوشته تأکید کرده باز هم می‌نویسد و اصرار لازم را می‌نماید تا اینکه صورت درست گرفته بفرستند همین که فرستادند یک صورت از آن به وزارت جلیلهٔ امور خارجه و یکی به سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و یکی به کارپردازی ارزنة‌الروم فرستاده یک صورت هم در اینجا نگاه‌داشته به شهبندر خانهٔ عثمانی اظهار کرده مطالبهٔ قرار استرداد و ایصال خسارات وارده را به قاعده می‌نماید. در باب مخارجی که برای تکالیف حکام سرحدیه در انتظام امور سرحدات لازم است، مرقوم داشته بودند جناب جلالت‌مآب قایم‌مقام دام مجده‌العالی که قدرت و مأذونیت رفع رجوع این فقرات را دارند، با ایشان قرار لازم داده شود. نواب معین‌الدوله به تبریز احضار شده‌اند هنوز معلوم نیست که باز حکومت خوی و ارومیه به ایشان محول شود. بعد از آنکه آمدند درست معلوم می‌شود چنانچه باز نواب معزی‌الیه حاکم شدند ما حضور ایشان درین باب با جناب معظم‌له گفتگو کرده قراری که لازم بوده باشد داده می‌شود و اگر حاکم علی‌حده تعیین شد، باز به اطلاع او قراری گذاشته می‌شود ولیکن در حقیقت نواب معزی‌الیه از لوازم حکومت سرحدی عاری و بی اطلاع هستند در این مدت هرچه راهنمایی شده و هر مطلبی اظهار گردیده هیچ اثری مرتب نشده و به وجهی از او اقدام ظاهر نشده است و با حکومت ایشان کاری صورت نخواهد گرفت و امور آن سرحدات نظمی حاصل نخواهد کرد زیاده چه جسارت عرض شود. الامر الارفع الامجد

مطاع. معروضه ۶ شهر ذیقعده‌الحرام ۱۲۸۴

محل مهر: عبده ابراهیم

[حاشیه:] به عرض پیشگاه همایون رسید.

خلاصه شد.



شمارهٔ سند: ۳۳۷
موضوع: خسارت درویش پاشا به قریهٔ دیلزی
تاریخ: ندارد احتمالاً ۱۲۸٤ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده:

نامهٔ حاکم ماکو به وزارت خارجه

هو

خداوندگارا، روز سه‌شنبه بیست سیم شوال که درویش‌پاشا از چهریق حرکت نمود با اردوی خود به محال شیران رفت در قریهٔ دیلزی منزل کرده بودند، آنچه بهاره‌کاری و صیفی رعیت قریهٔ مزبوره بود تمام و کمال تلف نموده خسارت زیاد زده‌اند و خانه‌های رعیت را خراب نموده چوبهای خانه‌ها برده سوزانده، و از زیرزمین پنرهای رعیت را درآورده برده‌اند و از دو هزار بند بیشتر یونجه و علف را به دواب و مالهای خودشان داده‌اند مضرت و خسارت کلی به رعیت رسانده‌اند، و دندان یک نفر زن را هم درآورده‌اند و همچنین عبدالهادی ابراهیم آقای کردیانی را آورده بود که شما نباید قباله‌ها و کاغذهای قدیم و کهنه که در باب دهات کردیان در دست دارید سی تومان نقد به شما می‌دهیم که آن کاغذهای کهنه را به من بدهید ببرم به درویش‌پاشا بدهم ابراهیم‌آقا قسم خورده است که در دست من کاغذ کهنه نیست بسیار اهتمام و دقت کرده بودند که بگیرند ولیکن مشارالیه نداده است چون به جهت استحضاری سرکار خداوندگاری لازم بود به عرض مراتب جسارت نمود. صاحب‌اختیار سرکار خداوندگاریست. باقی امرالعالی مطاع.

محل مهر: عبده‌الراجی تیمور

فندکی را روز شنبه ... بعد ... در ... در ... حرکت نمود ... بار دوم خوف ... بیان ...

در قریه ... کدخدا ... آنچه ... بهائی ... ذیحیات ... ... تماماً کشته ... ضبط نموده ...

دهقانهای ... را فراری ... چوبهای ... روز ... زیر ... ...

بعد از ... روز ... هزار ... پنجاه ... را ... حکم داده ...

بر ... پیاده از ... یک نفر زن را ... آمده ... ... آقای ...

القصه بعد که ... باید ... ... که ... دست ... ...

... که آن ... را ... بر ... آقا ... ...

... ... کدخدا ... ...

... بعد ... ...

شمارهٔ سند: ۳۳۸
موضوع: تعهد محمودبیک جاف مبنی بر اذیت و آزار نرساندن به اهالی مریوان
تاریخ: ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۸۵ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱۲/ع

نامهٔ محمودبیک جاف به وزارت خارجه

هو

بندهٔ درگاه، خلایق امیدگاه محمودبیک که خلف محمدبیک میرجاف هستم در حضور گماشتگان نواب مستطاب اشرف ارفع امجد اعظم شاهزاده والاتبار معتمدالدوله روحی فداه متعهد هستم بر اینکه در مراجعت ایل جاف ان‌شاءالله تعالی به هیچ‌وجه من‌الوجوه اذیت و آزاری به اهالی مریوان و حاصل و محصول آنها نرسد و نوشتهٔ رضامندی از عالی‌جاه میرزا عبداله ناظم مریوان گرفته خدمت نواب اشرف ارفع امجد والا روحی فداه بفرستم. تحریراً فی ۱۱ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۵

محل مهر: محمود

[پی‌نوشت:] از قراری که در متن نوشته شده از عالی‌جاه محمودبیک خلف محمدبیک میرجاف اقرار شنیدم

مهر: امین میرزا قایم‌مقام کردستان

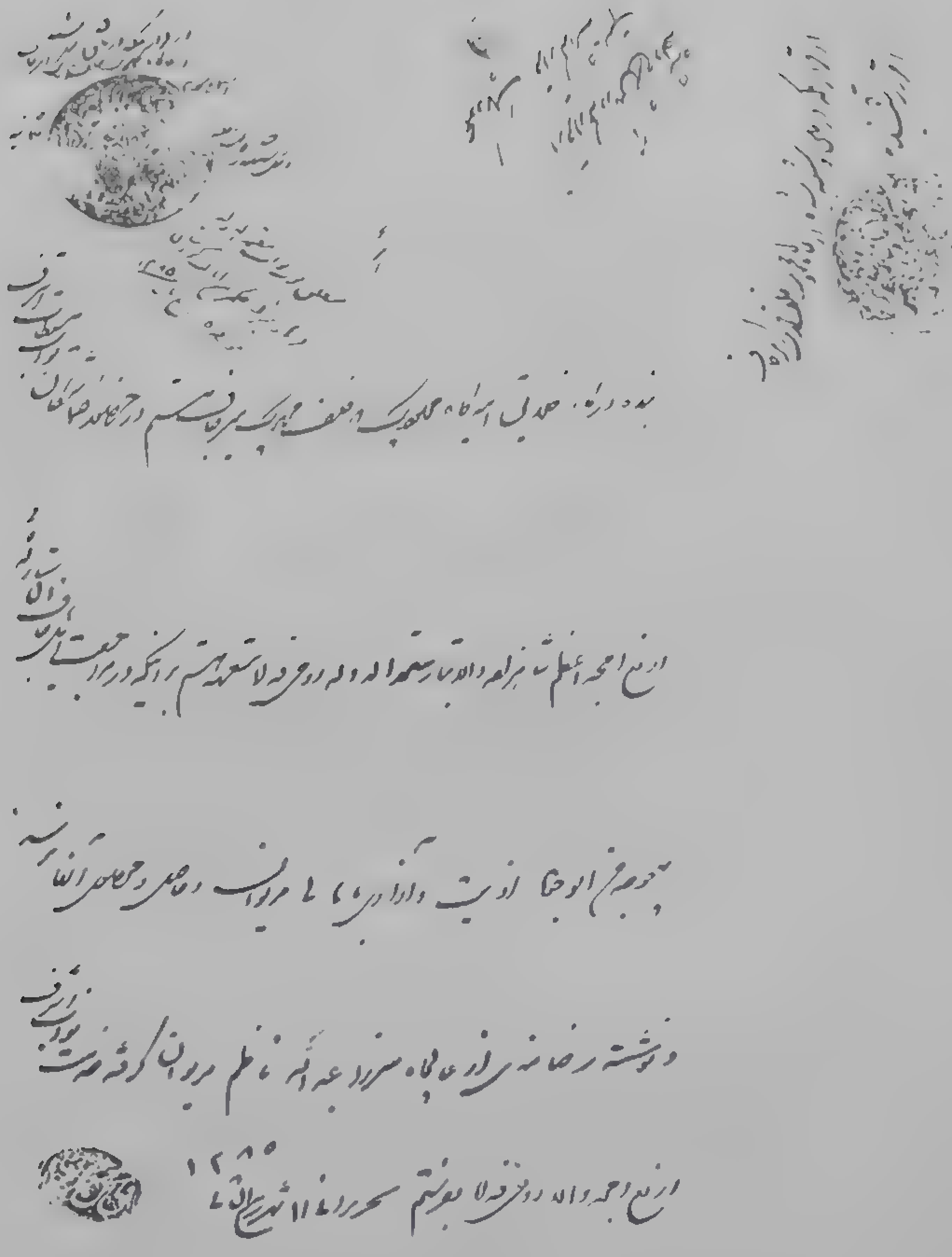
هو، از قراری که در متن شرح داده شده، محمودبیک قرار گذاشته است.

مهر: ناخوانا

متعلق نوشته نواب معتمدالدوله فرهاد میرزا حکمران ایالت کردستان مورخهٔ ۱۵ ربیع‌الثانی سنه ۱۲۸۵.

از قراری که در متن نوشته از عالی‌جاه محمودبیک خلف محمدبیک امیرجاف استماع نمودم. وکیل شهبندر دولت علیه عثمانیه.

مهر: وکیل شهبندر دولت علیه عثمانیه در کردستان



شمارهٔ سند: ۳۳۹
موضوع: سرقت اموال
تاریخ: صفر ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

به جناب ناظم افندی شارژ دافر دولت عثمانی نوشته می‌شود [نامهٔ وزارت خارجه]

در جواب مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ ۱۸ شهر شوال سنهٔ ۸۵ مربوط به فقره بیش‌نام که مذکور داشته است اموال او را در قصبه سردشت ده نفر از عشیرت سوسنی به سرقت برده‌اند، اظهار می دارد تفصیل کیفیت از مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان حاکم ساوجبلاغ تحقیق شد. از قراری که اظهار نمود یا در عهد حکومت مشارالیه واقع نشده یا به حکومت اظهار نکرده‌اند لزوماً در ضمن احکام صادره به عهده مقرب الخاقان مظفرالدوله مقرر و تأکید شد که تحقیقات لازمه را در این باب به عمل آورده اگر اسناد مزبور مقرون به حقیقت بوده باشد، اجرای لازمهٔ عدالت نماید آن جناب نیز به اشخاص لازمه اطلاع بدهند که تفصیل کیفیت و تاریخ وقوع و اسامی مرتکبین را به مقرب الخاقان مشارالیه حالی نمایند که از روی بصیرت تحقیقات لازمه را به عمل آورده اجرای مقتضای حقانیت نماید. زیاده چه زحمت دهد. تحریراً فی شهر صفرالمظفر ۱۲۸۶

[حاشیه:] صحیح است.

[illegible] عثمانی

در جواب مراسله جناب [illegible] مورخه [illegible] شهر شوال [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] اظهار [illegible] تفصیل [illegible] از طرف [illegible] عثمانی [illegible]

[illegible] واقع شده [illegible] حکومت اظهار [illegible] احکام صادره [illegible] عثمانی [illegible]

در جواب [illegible] تحقیقات [illegible] اطلاع [illegible]

و تاریخ وقوع [illegible] عثمانی [illegible] تحقیقات [illegible]

[illegible] بتاریخ ۷ شهر صفر المظفر ۱۲۸۶

شمارهٔ سند: ۳۴۰
موضوع: اعاده کردن اورامانی ها ــ عشایر
تاریخ: ۳ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

صورت ترجمه تلغراف که از بغداد به باب‌عالی فرستاده شده مورخهٔ سیم شهر رجب ۱۲۸۶

از برای اعاده کردن اورامانی ها نصیحت‌نامه به خود آنها نوشته و باز مأمور مخصوص فرستاده بودم تلغراف‌نامه که این دفعه از متصرف سلیمانیه وارد شده است، به عینها به اینجا نقل و درج می‌شود. روز سه‌شنبهٔ گذشته به محلی که موسوم به میوان است عازم شده اهالی اورامانی را به آنجا جلب و احضار نموده در حالتی که علی اکبر خان که از طرف والی سنه مأموراً آمده است حاضر بود اعلان‌نامهٔ جناب ولایت‌پناهی را در مواجههٔ عموم اهالی قرائت و مضمون عالی آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه به آنها تفهیم نمودم اهالی مرقومه اگرچه اظهار شکرگزاری کرده و فوراً حاضر و مهیا به عزیمت شدند، ولی مأمور مومی الیه در حضور آنها علناً بیان نمود که بعضی از این اشخاص اخذ و به بعضی محلهای دیگر نفی خواهند شد و پارهٔ اوراقی که دایر به این مأموریت خود داشت ابراز و نشان داد بناء علیهٔ این کیفیت مباین به تأميناتی که داده شده است می‌نمود و یکی هم الیوم عساکر ایرانیه در میان اورامان می‌باشند. لهذا اهالی مرقومه به این جهت نایل آرزوی تأميناتی که از آن طرف داده می‌شد نگردیده این حالت به عودت سریعهٔ آنها مانع آمد و مأمور مومی الیه به جهت برداشته شدن عساکر از اینجا و صدور عفو عمومی در حق آنها مراتب را به والی سنه بیان و در سلیمانیه اقامت کرده منتظر ورود جواب از والی سنه می‌باشند بر موجب اعلان‌نامه ولایت پناهی از آن طرف چگونه معامله واقع شود و اگر عساکر مرقومه را از آنجا بردارند، اهالی مرقومه حاضر و آماده می‌باشند که عزیمت نمایند و الحاصل عزیمت اورامانی‌ها بسته به تأمینات صحیحهٔ آن طرف می‌باشد از طرف ما هرگونه حرکات فداکارانه اجرا گردید در این باب هر طور که موافق رأی واردهٔ عالی بوده باشد از روی آن رفتار و حرکت خواهد گردید.

دائرۀ امور خارجیه

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۱
موضوع: فرار سعید سلطان و رستم سلطان
تاریخ: ۱۳ شوال ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۲۲

صورت تلغراف مورخهٔ ۱۳ شهر شوال ۱۲۸۶ باب‌عالی به ولایت بغداد است

از جانب سفارت ایران این دفعه شکایت واقع گردید که سعید سلطان که یکی از رؤسای عشیرت اورامان است با توابع خود فرار کرده است و این کیفیت به وقوع نمی‌توانست رسید، مگر محض اینکه اوامر صادرهٔ باب‌عالی را مأمورین آنجا در وقت و زمان خود به موقع اجرا نگذارند و از مساعدهٔ که از طرف مأمورین نسبت به آنها می‌شده است فرار آنها واقع گردید و به این حالت شبهه نمی‌رود که رستم سلطان نیز فرار خواهد نمود فی‌الحقیقه در پیش چشم حکومت این طور فرار کردن او با عیال و بند و اسباب بالطبع بر سوءنیت حمل می‌شود و او نمی‌تواند به طرف ایران برود و به احتمال اقرب است که حالا در خاک عثمانی در میان بعضی عشایر بوده باشد. لهذا او را فوراً در هر جا است پیدا کرده با رستم سلطان و من‌تبعهٔ او سریعاً به موقعی که در حق آنها تعیین شده است ارسال و نتیجهٔ اقدامات جدیده را با سبب و جهت فرار آنها به اینجا با تلغراف اشعار دارید.

۱۲۲

[illegible]

[illegible]

او زمانه عشیرت [illegible] سعید [illegible] بوکره [illegible] قرار ایدیکی و [illegible] اولنمه [illegible] اجرا اولنمه [illegible] بونوع

مساعده گوستریله‌جکنه [illegible] ایدیکی و بو حالده [illegible] قبیله [illegible] جانب سفارت [illegible] اولور [illegible]

حکومتجه [illegible] قبیله [illegible] یول [illegible] حل اولنه‌جغنه [illegible] هر حالده [illegible] عشایر [illegible]

اقرب احتمالاتدن [illegible] دیگر [illegible] نتیجه [illegible]

[illegible] استعلامی [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۲
موضوع: محمدبیگ جاف ــ عشایر
تاریخ: ندارد
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

سواد کاغذ میرزا عیسی خان

قربان خاک‌پای مبارک شوم، دیروز محمدبک جاف به سلیمانیه وارد شد منزلش را در عمارت پاشا معین کردند گویا خیال او در این است که اورامانی‌ها زودتر معاودت به خاک خود بکنند مفاد کلامش در نزد پاشا این بود محمد سعیدسلطان دروغگوی نمک به‌حرام به وعدهٔ سه‌روزه رفت که برگشته به اتفاق غلام و جمعی از رعایا به خاک‌پای مبارک بیاید سه روز پنج روز شد و از او خبری نشد.

سرود کاظم میرزا حسن خان

قربان جای مبارکت شوم

دیروز مهر کتاب سلیمانیه وارد شد

نیز نقشه را در عمارت باید معین کنند که کجا خیال دارید نصب است

که او را با اینها زودتر معاودت بنمایند که خرج کند معادلش در رکاب باشد

این بود. محمد سعید سلطان در دیلمکوی یک حجره گرفته بود جمعه سه روز با

رفت که برگشته با اتاق عدم وجمع روزها که جای مبارک

بیاید سه روز بیرون ورش دارد خیمه زند

شمارهٔ سند: ۳۴۳
موضوع: تجاوزات عشایر به اطراف خانقین
تاریخ: ۳ رجب ۱۲۸۶ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

یادداشت سفارت سنیه عثمانی به وزارت امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران

موافق تفاصیلی که این دفعه به سفارت سنیه رسیده است، قویاً معلوم می شود، که فقرهٔ تخطی قریب دویست سوار در اطراف خانقین و مصدر قتل و غارت شدن آنها و فقرهٔ دوازده نفر فیلی و شقاوت ایشان، چنانچه سابقاً از باب‌عالی و ولایت جلیلهٔ بغداد به واسطهٔ تلغراف اشعار شده بود، و نواب والا عمادالدوله فوراً هر دو فقره را به سبب ایقاع بعضی شبهات از کارکنان و سرحدداران آنجا و حُسن ظنّ به اظهارات ایشان، گویا دیگر در مقام تحقیق برنیامده شدیداً به قید قسم انکار فرموده‌اند. واقع و صحیح است. تفصیل فقره اولی شاهمرادخان رئیس عشیرت بی‌توی با برادر و عموزاده‌اش و رئیس عشیرت بتیاره‌وند شاه‌حسین نام با کورخضر و قدرمیر و یاسین نامان و جمعیت که از عشایر منسوبهٔ خودشان و سایر از سنجابی و احمدوند نزدیک به‌دویست سوار فراهم آورده بودند، شب جمعه ۱۸ شهرجمادی الاولی سنهٔ ۱۲۸۶ متجاوزاً در ناحیهٔ قزل رباط من توابع خانقین بر عشیرت ربیعه که در آنجا ساکن‌اند ناگاه و بی‌خبر حمله و هجوم برده یازده نفر از عشیرت مزبوره را می‌کشند و اموال و اشیای بسیار از آنها غارت می‌کنند و نظر به سابقهٔ خصومت که با زیدان‌نام شیخ آن عشیرت داشته‌اند، طفلی که در آغوش زوجه‌اش بوده است گرفته به آتش می‌سوزانند و زوجه او را هم به قید اسارت درمی‌آورند.

تفصیل فقرهٔ ثانیه دوازده نفر اشقیا از عشیرت فیلی به طرف شهربان که در قایم‌مقامی خراسان است تجاوز حدود نموده در کوهی که میانهٔ شهربان و قزل رُباط واقع است به راغب افندی یوزباشی و دو نفر ضبطیه که به بردن چند نفر محبوس مأمور بوده می‌رفته‌اند بر خورده تشهیر سلاح کرده‌اند و یوزباشی مشارالیه را مجروح نموده آن دو نفر دیگر را از اسب و اسلحه معزول می‌سازند. که خبر به مدیر قزل رباط رسیده فوراً به عقب آنها سواری فرستد. و چون اشقیای مرقومه می‌بینند که نمی‌توانند مقاومت نمود هر طوری

بوده است خود را به خاک ایران رسانیده محفوظ می‌مانند. و نیز از عشیرت منکساه که در خاک ایران سکونت گرفته‌اند، سی - سی و پنج سوار تجاوز حدود نموده در قریهٔ زردطه وارد شده بر سر رعایایی که در آنجا به کار و کسب خود مشغول بوده‌اند ریخته از قتل و غارت هرچه می‌توانسته‌اند به عمل رسانیده‌اند و همین که سوار به مدافعهٔ ایشان مأمور می‌شود خود را به حدود می‌رسانند و داخل خاک ایران می‌شوند، و ظاهر است که نمی‌توان این گونه حوادث را که صدق آنها از مشاهدهٔ همان اشخاص مجروحه و مقتوله و طفل محروق و اموال منهوبه واضح و ثابت است. از اخبار بی اصل فرض کرد. چگونه می‌شود که متعلقین جناب جلالت‌مآب مدحت پاشا والی و مشیری تا صدق و حقیقت این گونه حوادث را کماهُو حقّه معلوم ننمایند، در موقع مخابره گذارند و اینکه نواب مستطاب والا عمادالدوله در تعرفنامجات خودشان به وزارت امور خارجه اظهار داشته اند (که اصلاً چنین چیزی مسموع نشده است. این سوار کجایی هستند و در کجا این کار را کرده‌اند) (ابداً چنین حرفی شنیده نشده است) (و اصلا در این فقره در سرحدات خبری نشده است و از تبعهٔ این دولت هرگز تجاوز حدود واقع نشده است) از کجا می خواستند مسموع شود. این حوادث در خاک ایران واقع نشده بودند که از اهالی و مأمورین ایرانبه بشنوند. اشقیا و اشرار هم که خود مبادرت بعضی شقاوت و شرارت خود نمی‌کنند. در خاک عثمانی واقع شده بود مأمورین آنجا اظهار کردند و پس از آن تکلیف حکومت کرمانشاهان بود که فوراً انکار نکرده در مقام تحقیق برآیند و البته آن جناب جلالت‌مآب پس از ملاحظه و موازنهٔ این تفاصیل از نتیجهٔ اجرائات و اهتمامات کافهٔ خود در چنین حرکات غیرمجوّزهٔ متوالیهٔ عشایر مذکوره که بالوجوه مخلّ منافع طرفین و موجب اخلال آسایش و امنیت اهالی و سکنهٔ سرحدات و منافی افکار خالصانهٔ وکلا و مأمورین جانبین می‌باشند، سفارت سنیه را مستحضر داشته بعد از این هم باصدار و ارسال تعلیمات مقتضبه نگذارند چنین حال و حرکات نالایقه به ظهور آید و در رفع تکرار این گونه وقایع مساعی جمیلهٔ خود را ارائه فرموده مستلزم تأیید نیات حسنهٔ وکلای دولتین علیتین باشند. و چون از خبر تلغرافی که دیروز از ولایت جلیله بغداد رسیده است سفارت سنیه اطلاع وزارت امور خارجه را لازم می داند زحمت اظهار می دهد که باز از بستگان و آدمهای حسین‌قلی خان تجاوز حدود نموده زوّاری را که در حوالی مندلی بوده‌اند غارت کرده به خاک ایران معاودت نموده‌اند. زیاده زحمت ندارد. فی ۳ شهررجب المرجب ۱۲۸۶

در شرح غارت سفینه روسی در نواحی سرحدی ایران

از قرار تفاصیلی که راجع به غارت سفینه روسیه است [illegible] معلوم می‌شود [illegible] [illegible]

در صدد [illegible] غارت شدن آنها [illegible] تا در [illegible] واقعه [illegible] و تعدادت ایشان [illegible] [illegible]

ابتدا [illegible] اشتهار شده بود [illegible] حاکم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ارکان [illegible] درصدد [illegible] [illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] واقع [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] عشیرت [illegible]

[illegible] و [illegible] عشیرت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خودشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شب [illegible] ۱۸ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عشیرت [illegible]

ساکنین [illegible] [illegible] [illegible] عشیرت [illegible] [illegible]

غارت [illegible] [illegible] [illegible] آن عشیرت [illegible]

[illegible] گذشته [illegible] [illegible] [illegible] آورند

[illegible] [illegible] عشیرت [illegible] [illegible] [illegible]

تا در حدود [illegible] [illegible] [illegible] واقع است [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] عشیرت [illegible]

ایران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غارت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایران [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] ایران [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۴
موضوع: دستگیر محمد سعیدسلطان و یاراحمد جاف
تاریخ: ۱۵ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله در حکومت کردستان است (به وزارت خارجه نوشته اند)

منظور جناب عالی این بود که مأمور مخصوصی از دولت عثمانی برای کوچاندن اورامی و گرفتن محمد سعیدسلطان و خواستن یاراحمد جاف بیاید که محمدبیک ملعون ناچار بشود هنوز خبری نرسیده است و معلوم است که این پاشا هم همان حالت مظهر پاش را دارد و به علاوه وقدباهرت ثمانین سنته سلیمان آقا را با التفات و مواجب بفرستید که مایهٔ امیدواری اهل سرحد است و برای مشارالیه دیگر زیست در آن صفحات نیست اگر به دستشان بیفتد منفی خواهند کرد و محمد سعیدسلطان با عیال خود در دله‌مر است گاهی خودش را پنهان می‌کند یعنی حضرات می‌گویند که نیست، عیالش که هست خود عیال او را به شهر سلیمانیه نمی برند که مشارالیه بداند و ناچار بشود و پیدا بشود هرچه هست همه به دستورالعمل خودشان است. زیاده زحمت است. تحریراً فی پانزدهم محرم‌الحرام ۱۲۸۷

دوازدهم نوشته شد

ملاحظه کاغذ مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله
در حکومت کردستان است

مستظهر بحق الهی باشید که با حکم مخصوص از دولت عثمانی برای کوچاندن اورامی و کردهای محمد سعید سلطان و جوانرود
یار احمد جاف باید که محمد بیگ ملعون ناچار بشود هنوز خبری نرسیده است و معلوم است دولت
پادشاه هم همان حالت مظلمه شما را دارد و تعلیقه و رقعه هر دست تمام مثل نوشته سلیمان آقا الله
با التفات و مراجعت بفرستید که ما به مهیا داری این سرحد است و برای شما رابطه دیگری از اوراق دوست
نیست اگر بیگ شما نفعی بخشد نفعی خواهند کرد و محمد سعید سلطان با عیال خود وارد مریوان است
گاهی خودش را پنهان میکند یعنی حضرات میگویند که نیست عیالش که مدت حلال عیال اوراق
شهر سلیمانیه و تبریز که شما رابطه برابر و ناچار بشود و پیدا بشود هر چه است همه به سر الهی حفظ شما است
باالله رحمت الله تحریرا فی یازدهم محرم الحرام ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۳٤٥
موضوع: شرارت عشایر جاف و محمدبیگ
تاریخ: ۱۵ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

سواد کاغذ امامقلی میرزا در حکومت کرمانشاهان به وزارت خارجه نوشته اند

قریه مشیاه و شیدان از توابع شیلر است که با خاک خورخوره خاک و باد است و غالباً مکمن و مأمن یاراحمد جاف آنجا است و از آنجا یک شبه هرجا بخواهد به هرزگی می رود ابراهیم سلطان حاکم خورخوره مکرر نوشته است که اگر اذن بدهید یک گوشمالی به اهالی آن دو ده بدهم که یاراحمد را جا ندهند خیلی خوب است من هم به ملاحظهٔ حد و سد دولتین تمکین نکرده‌ام و دولت عثمانی هم ابداً از عهدهٔ یاراحمد برنمی آید و به محمدبیک هم نمی‌تواند حکم بکند و تمام فتنهٔ این صفحات خواه یاراحمد باشد یا رسول آقای شبوه کلی باشد یا احمد کنده‌سوری باشد یا اورامی باشد یا احمدوند باشد از شرارت محمدبیک است که همه به تدبیر و دستورالعمل او حرکت می‌کنند و اگر او به دَرک واصل شود مثل ساعتی که از کوک بیفتد تمام مفسدین این صفحات از حرکت خواهند افتاد و از اهالی کردستان چند نفری داوطلب دفع شریار احمد را شده‌اند و من هم سیصد تومان انعام و صد تومان مواجب وعده کرده‌ام تا تقدیر الهی چه باشد و اقبال بی‌زوال شاهنشاهی روحنافداه چطور اعانت نماید. به حق محمد(ص) و آله. ۱۵ محرم‌الحرام ۱۲۸۷

سواد کاغذ مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله

در صورت کردستان

قریه بیشاه و شیدان از توابع شیرک که با خاک خورخوره خاک و بارات [illegible]

عکس و معنی یاراحه جاف انجا است و از انجا یک شب هر جا بخواهد بهر زکی [illegible] ابراهیم سلطان

حاکم خورخوره مکرر نوشته است که اگر از آن [illegible] یک کوشوالی [illegible]

که یاراحه را جا [illegible] خیلی خوب [illegible] بجلد [illegible] در این تکلیف [illegible]

دولت عثمانی هم ابدا از عهده یاراحه بر نمی آید و محمد بیک هم [illegible] و تمام

فقیه این صنعت [illegible] یاراحه یا [illegible] باشد [illegible] یاراحه [illegible]

باشد یا دوراهی باشد یاراحه [illegible] از شرارت محمد بیک است که [illegible]

دستورالعمل او حرکت میکند و اگر او [illegible] [illegible] که از [illegible]

مفسدین این صنعت از حرکت خود [illegible] و از اهالی کردستان [illegible]

داد و طلب دفع شر یاراحه را [illegible] و [illegible] [illegible] رسیده [illegible]

وعده کرده ام تا تقدیر الهی چه شود و اقبال بی‌زوال اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible]

محل مهر، والسلام ۱۵ محرم الحرام ۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ٣٤٦
موضوع: استفسار احوال حمزه‌آقا
تاریخ: ۲۲ محرم ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

صورت خلاصهٔ مذاکرات مجلس چهارم قومسیون که روز شنبه ۲۲ محرم سنهٔ ۸۷ و ۱۱ نیسان سنهٔ ٨٦ در تلومبا باغچه‌سی بغداد منعقد شده است

صورت مجلس سبه قرائت و مطابقت آن با مذاکرات جاریه تصدیق و صورت فقرات متعلقه به مسئلهٔ سنجابی و حمزه‌آقا که اساس حرکات قومسیون را تعیین می‌نمود، از تعلیمات طرفین بیرون نویسی و به جهت مطالعه به یکدیگر تسلیم شده بعد از آن به استفسار احوال حمزه‌آقا مداومت گردید.

۱ س: وقت استماع احتراق سردشت چند روز از ورود تو به اردوی تقی‌پاشا می‌گذشت؟

ج: به اردوی تقی‌پاشا رسیدم و این خبر را شنیدم.

۲ س: آن وقت تو از کجا می‌آمدی؟

ج: از خانهٔ خودم.

۳ س: احتراق سردشت پیش از آنکه تقی‌پاشا ترا حبس بکند واقع شد یا بعد از آن؟

ج: پیش از محبوسی من بود.

٤ س: می‌گویی که وقت احتراق سردشت آنجا نبودم و حال آنکه آنها را که درین جمعیت بوده‌اند می‌دانی و مجلس گذشته اسم بردی.

ج: من در کرکوک حبس بودم، آدم من خبر آورد که آتش‌زنندگان سردشت آنها هستند.

۵ س: اسم آن آدمتان چیست؟

ج: محمود.

٦ س: این آدم حالا کجاست؟

ج: در خانهٔ من.

۷ س: در شردیت است؟

ج: خیر حالا خانهٔ من در قریهٔ موسوم به ژاراوی است او هم آنجاست.

۸ س: پیش از احتراق سردشت یا بعد از آن هیچ به سردشت رفته[ای]؟

ج: دو سال می شد که به سردشت نرفته بودم.

۹ س: این سوختن سردشت بعد از ریختن قراپاپاق به‌سرشما بود یا قبل از آن؟

ج: بعد از آن است.

۱۰ س: مابین تالان کردن لشکر شجاع الملک ترا و ریختن سواره قراپاپاق چند مدت می شود؟

ج: هفت ماه.

۱۱ س: عشیرت کوریک و کلوی چه موسمی شما را یغما نمودند؟

ج: به همراهی شجاع الملک.

۱۲ س: بعد از آنکه لشکر شجاع الملک شما را یغما نمودند تا ظهور مادهٔ سردشت به ساوجبلاغ رفتی یا نرفتی؟

ج: بلی رفتم دو برادر و یازده برادرزاده و سایر عیال و اطفالمان را شجاع الملک حبس کرده بود رفتم آنها را خلاص کنم.

س ۱۳: خلاص نمودی؟

ج: رفتم همهٔ اینها را خلاص کردم.

س ۱٤: چه طور خلاص نموده و چه کردی؟

ج: قادرآقا پسر عباس‌آقا به قریهٔ حاجی ماmیان آمده پسر و برادرش را در آنجا گذاشته به اتفاق او نزد شجاع الملک رفتیم او هم برادر و برادرزادگان و سایر عیال و اطفال ما را مرخص نمود برداشتیم برگشتیم.

س ۱۵: شجاع الملک اینها را چرا حبس کرده بود؟

ج: وقتی که من از بالای بالک به این طرف آمدم برادرم از شجاع الملک خاطرجمع بود به امید اینکه به اوچیزی نمی‌کند در آنجا مانده بود بعد شجاع الملک آنها را هم تالان و حبس نموده بود.

س ۱٦: این رفتن تو به ساوجبلاغ چند وقت پیش از مادهٔ سردشت بود؟

ج: هفت ماه.

س ۱۷: در این مدت هیچ به ساوجبلاغ دیگر نرفته[ای]؟

ج: خیر

س ۱۸: در یکی از افادات اولی گفتی مقدار اقرب و عشایرت من پانصد خانوار است و دفعهٔ دیگر یک هزار و پانصد خانوار گفتی عشرت منکور پانصد خانوار است یا یکهزار و پانصد؟

ج: عشیرت من الان موجود است از یکهزار و پانصد خانوار نیز متجاوز می تواند شد.

س ۱۹: در احراق سردشت همراه بودن ترا با آن جمعیت اکثر مردم می دانند و می‌گفته‌اند، ولی تو می‌گویی با آنها نبودم.

ج: خیر نبودم.

س ۲۰: وقتی که رفته بودی اقربای خود را که نزد شجاع‌الملک محبوس بودند خلاص نمایی در آنجا نسبت به قراپاپاقها اظهار تسلّطی نمودی یا نه؟

ج: خیر

س ۲۱: راست بگو حمزه‌آقا درین حمله به سر سردشت حاضر بوده[ای] یا نه؟

ج: خیر نبودم مال و دولت من رفت، حالا می خواهید مرا دروغگو هم بگویید.

س ۲۲: این حرفها که گفتی قسم می‌توانی بخوری که تماماً صدق است؟

ج: به نفس خود صدق بودن این منطوقات را قسم می خورم.

محل مهر مأمورین ایران و عثمانی

صورت خلاصه مذاکرات مجلس چهارم تحقیق که روز دوشنبه ۲۴ محرم ۱۳۳۸ و ۱۱ ... در نظمیه با حاجی ... متعلقه است

صورت مجلس سیم قرائت و مطابقت آن با مذاکرات جاریه تصدیق و صورت تعرفات متعلقه به مسئولیت جمعی آقا که اسامی ... و مسئول ... تعیین می‌نمود از ... طرفین ... و نظر به ... تسلیم شد بعد از آن ... احوال حمزه آقا ... گردید

۱ س وقت استماع احتراق سردشت چند روز از عید ...
بار ... نعش ... گذشت
ح بار ... نعش ... رسیدیم و این خبر را شنیدیم

۲ س آنوقت تو از کجا آمدی
ح از خانه خودم

۳ س احتراق سردشت پیش از آنکه نعش ... حبس کنند واقع شد یا بعد از آن
ح پیش از محبوسی من بود

۴ س میگویند که وقت احتراق سردشت آنجا بوده‌ای و ... آنها را که در جمعیت بودند اسم ببر
ح من در کوک حبس بودم آدم من خبر آورد که آتش زدند کاکان سردشت آنها هستند

۵ س اسم آن آدمتان چیست
ح محمود

۶ س این آدم حالا کجاست
ح در خانه من

۷ س در سردشت است
ح خیر حالا خانه من در قریه ... است
... آنجاست

۸ س پیش از احتراق سردشت یا بعد از آن هیچ
بسردشت رفته‌ای
ح ۵ سال میشه که بسردشت نرفته‌ام

س۹ این ... سردشت بعد از رفتن قراباغی بسردشت بود
یا قبل از آن
ح بعد از آنست

س۱۰ ما بین رفتن کوک لشکر شجاع الملک و رفتن دوباره قراباغی
چند مدت میشود
ح هفت ماه

س۱۱ عشیرت گورک و گلوی چه ... شما را یغما نمودند
ح بهمراهی شجاع الملک

س۱۲ بعد از آنکه لشکر شجاع الملک شما را یغما نمودند تا ظهور ...
سردشت با وجود ... رفتن از ...
ح با رفتم ... و ... شجاع الملک حبس کرده بود رفتم آنها را خلاص کنم

س۱۳ خلاص نمودی
ح رفتم همه اینها را خلاص کردم

س۱۴ چه طور خلاص نمودی و چه کردی
ح نادر آقا پسر عباس آقا بقریه حاجی ماسان آمده پسر ...
در آنجا که ... باتفاق او نزد شجاع الملک رفتیم ...
... کسان ... و اطفال ما را مرخص نمود
برداشتیم برگشتیم

س۱۵ شجاع الملک اینها را چرا حبس کرده بود

ج وقتی که میرزا ... باب با یک ... بطرف آمدم ملاقات کردم از شجاع الملک خاطر جمع بود با ... که او خبر ... میکند در اینجا مانده بود به شجاع الملک اینها هم تهران و حبس معهود بود

س ۱۶ این رفتن تو با ... و حلاج چه وقت پیش از ... سررشته بود

ج هفت ماه

س ۱۷ در این مدت هیچ با ... و حلاج کجا رفته

ج خیر

س ۱۸ در باب ... از افادات ... که گفتی مقداری ... عشرت می ... خانواده است و دفعه دیگر که ... دیدم خانواده گفتی عشرت ... خانواده ... با کجا ... رفته

ج عشرت من آن ... در ... خانواده هم ... نمیشد

س ۱۹ در اطراف سررشته همراه بودن ترا با آدل حقیقت اکثر مردم مردانه ... گفته اند ولی تو میگوئی با آنها نبودم

ج خیر نبودم

س ۲۰ وقتی که رفته بودی اقوام ... که شجاع الملک محبوس بود ... در آنجا نسبت به قرابت ... تلفنی ... بوده

ج خیر

س ۲۱ راست بگو ... آقا در این جمله سر بسر سررشته خبر نبوده ای

ج خیر نبودم ... رفت ... می خواهید مرا در ... بکشید

س ۲۲ این حرفها که گفتی قسم میتوانی بخوری که تماماً صدق است

ج بلی ... صدق بودن این مطالبات ... قسم میخورم

شمارهٔ سند: ۳۴۷
موضوع: فرار چند خانوار از ایل کرکوک عثمانی به اشنویه
تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۲۸۷ هـ . ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۶۳

نامهٔ ابراهیم خان نایب الوزاره به وزارت خارجه

هو

خداوندگارا، مقرب الخاقان شجاع الدوله شرحی نوشته اظهار کرده است خانواری چند از ایل کرکوک به واسطهٔ عدم تحمل به تکالیفی که از طرف عثمانی به آنها می شده است فراراً به اشنویه و مرگور آمده اند و استفسار از تکلیف در نگاهداری و ردّ آنها کرده بود. فدوی در جواب نوشت که عثمانی ها این قبیل فراریان را ملتجی پولتیکی می‌گویند و نگاهداری نموده رد نمی‌نمایند و اهالی اورمان را در ضمن جواب تمثیلاً ذکر نمود و اظهار داشت که آنها یاغی دولت بودند همین که فرار به آن طرف کردند پاشای سلیمانیه در نیم فرسخی سرحد آنها را نگاهداری نموده رد نکرد از این طرف هم به طور مقابله مثل تکلیف مقرب الخاقان مشارالیه نگاهداری خانواران مزبوره خواهد بود و حال آنکه اینها به مقام یاغی گری و معارضه با دولت عثمانی نیامده و مثل اهالی اورمان رفتار خلاف قاعده نکرده اند، بلکه محض اینکه تحمل تکالیف وارده را ننموده اند، فرار به این طرف نموده اند. منتهی این است به ملاحظهٔ شرایط دوستی و اتحاد دولتین لازم است این قبیل فراری ها در سرحد و در اماکن نزدیک سرحد نگاهداری نشوند و به مقرب الخاقان مشارالیه نوشت که خانواران مزبوره را در اشنویه سکنی نداده در خوالی ارومیه و در جاهایی که داخله ولایت محسوب می شود سکنی قرار داده آورده در آنجاها نگاه دارد اطلاع خاطر مبارک را از مراتب لازم دیده جسارت به عرض نموده اصل کاغذ مقرب الخاقان مشارالیه را برای مزید استحضار خاطر مبارک ارسال داشت زیاده چه جسارت عرض شود، الامر الارفع الامجد مطاع. معروضه ۲۷ شهر شعبان المعظم ۱۲۸۶

محل مهر: العبد ابراهیم

خداوندگارا سفیر [illegible] شجاع الدوله [illegible] نوشته‌اند که [illegible] است [illegible] دیگری [illegible]

برابطه عدم تمکین بعضی از طرف عثمانی [illegible] است فرقه [illegible] و مرکز [illegible] تصرف [illegible] در بغداد [illegible]

در رود [illegible] کرده [illegible] در جواب نوشته [illegible] در [illegible] قرار [illegible] پاسخ [illegible] نموده [illegible]

و [illegible] در جواب [illegible] نموده [illegible] داشته [illegible] آنها [illegible] از [illegible] نکند

[illegible] آنها [illegible] نموده [illegible] از طرف [illegible] بطور [illegible] الیه

[illegible] در حالیکه [illegible] عثمانی [illegible] الله

رفتار [illegible] از طرف [illegible] ایران [illegible]

[illegible] لازم است این [illegible] نزدیک [illegible] الیه

نوشته [illegible] گردد

[illegible] آورده [illegible] خاطر [illegible] ۱۲۹۸

[illegible] خاطر [illegible] نوشته [illegible] الاعظم

شمارهٔ سند: ۳۴۸
موضوع: حملهٔ عشایر شکاک به عشایر وان
تاریخ: ۲۰ ذیحجه ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

یادداشت سفارت عثمانی به وزارت خارجه

موافق اشعاری که از جانب ولایت ارزروم به سفارت سنیه شده است قبل از شهر رمضان بعضی از ایلات خوی به ریاست علی‌آقای شکاک که از فراریان دولت علیه است بر سر عشیرت شکفتی که از عشایر وان است حمله و هجوم آورده اموال ومواشی آنها را غصب کرده چند نفر را هم مجروح و مقتول نموده‌اند، این معنی از جانب حکومت وان به حکومت خوی اظهار شده، علاوه بر اینکه فایده نداد و موجب تسویه نشد جوابی هم داده نیامد و نیز بعضی نفرات عسکریهٔ وان که به خوی فرار کنند هر قدر از حاکم خوی مطالبه می شود، موقع اعتنا پیدا نمی‌کند، تا چه رسد به اینکه اعاده شوند. و همچنان مرقومین را حاکم مشارالیه حمایت و تصاحب کرده وقوع این حالات به جایی رسیده است که تحمل آن بر حکام و سرحدداران دولت علیه بسیار ناگوار است و دوستدار، در دوستی فریضهٔ ذمت آن جناب جلالت‌مآب می داند، که زودتر به هر وسیلهٔ ممکنه در مقام چاره و تسویهٔ فقرات مزبوره برآمده نوعی هم بفرمایند که در آینده این گونه اتفاقات کلیتاً به انتظام حدود مخالف است، روی ندهد. چنانچه شفاهاً هم به اطلاع آن جناب جلالت‌مآب رسانید. زیاده زحمتی ندارد. فی ۲۰ ذیحجه‌الحرام سنه ۱۲۸۷
اثر مهر احمد ناظم

یادداشت

مراتب اشعاری از جانب ولایت در فقره دوم فقرات تنبیهیه شرح داده که قضیه فرار اشرار عصیان
موضوع از ابتدا خبر یافت هیچ کاری نشد که از فرار یاغیان جلوگیری است
به عشیرت شکفتی که از عشایر ایران است حمله و هجوم آورده اموال و مواشی آنها را
غصب کرده چند نفر را مجروح و مقتول نموده‌اند این مسئله از جانب حکومت ایران
به حکومت عراق اظهار شده علاوه بر اینکه فایده نداده موجب تسویه نشده
جوابی هم داده نشده و نیز بعضی نفرات عشایر ایران که بعضی فرار کننده
هر قدر از حاکم نظامی قوی به مشهد موقع اجتماعیه انرژی که تا چه رسد با ایشان
اعاده شوند و همچنان ارتش در جای مأموریت عالیه حمایت و تعقیب کرده
وقوع این حادثه بی تأثیر نبوده است و تجاوز آنان بر حکام و کمیسرداران
دولت علیه بسیار ناگوار است و خواسته از دولت فخیمه دولت انگلیس
ملاحظات لازم دارد که ترتیبی به هر وسیله ممکنه در تنظیم حال و تسویه
قوای مرزی به آن نوع اقدامات که در آینده اینگونه
اتفاقات که کلیه با انتظام صحیح محفوظ باشد رفع شود

[illegible] در ۱۰ [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۴۹
موضوع: نزاع عشایر ایران در خاک عثمانی
تاریخ: ۲۸ ذیحجهٔ ۱۲۸۷ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۵/ح

یادداشت وزارت خارجه به سفارت عثمانی

از مفاد و مآل یادداشت سفارت مورخ به تاریخ بیستم شهر ذی‌الحجه‌الحرام ۱۲۸۷ مشعر به بعض اظهاراتی است که از جانب ولایت ارزنة‌الروم به سفارت نسبت به عالی‌جاه علی‌آقای شکاک رعیت دولت علیهٔ ایران و حکمرانی خوی شده است استحضار حاصل شد البته دولت علیهٔ ایران در کمال اهتمام نظمی که مقتضی و لازم است مابین دو عشیرهٔ شکفتی و شکاک رعایای خود خواهد داد که هرگونه دعاوی آنها با یکدیگر اجری و تسویه شود. ولی چون از فحوای یادداشت سفارت و اظهار ولایت ارزنة‌الروم چنین معلوم می‌شود که گویا نزاع عالی‌جاه علی‌آقا با بعضی از طایفهٔ شکفتی در خاک آن طرف واقع شده است و وزارت امور خارجه نیز هرگز راضی نخواهد شد که خلاف نظم از عشایر این طرف در خاک دولت علیه عثمانی ظهور یابد، احکام مؤکّدهٔ لازمه به حکومت خوی صادر نمود که پس از تحقیق و اثبات چیزی بر عهدهٔ علی‌آقا در کمال سرعت و اهتمام احقاق حق نموده و برای نظم آینده نوعی قرار محکم دهد که به هیچ‌وجه من‌الوجوه خلاف نظمی از آنها به ظهور نرسد، ان‌شاءالله به هر طور جواب رسید از حاصل اقدامات کامله خاطر سفارت را قرین اطلاع خواهد داشت. و همچنین در باب بعض نفرات که اظهار نموده بودید به طرف خوی فرار کرده‌اند مخصوصاً از حکومت خوی تحقیق و دستورالعمل اکید مرقوم شد، پس از وصول جواب با نهایت احترام به صوب سفارت سنیه اظهار خواهد شد و از روی بصیرت وزارت امور خارجه از هیچ‌گونه اقدامات مجدانه مضایقه نخواهد نمود. زیاده زحمت ندارد. ۲۸ شهر ذیحجه‌الحرام سنه ۱۲۸۷

یادداشت سفارت دولت عثمانی

از مفاد و مآل یادداشت سفارت مورخه بتاریخ سیم شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۹۷ استشعار بعض اخبار از اهالی ایران [illegible] حکمرانی خوی

ولایت ارزنة الروم سفارت نسبت به اولیای عظام این شکایات که جنبت دولت علیه ایران [illegible] عشیره

شده است اظهار [illegible] اینکه دولت علیه ایران در همه حال اهتمام تام [illegible] مقتضی [illegible] است

شکایت سکنه و رعایای خود خواهد داد [illegible] عادی آنها [illegible] و تسویه نموده [illegible] ایشان

سفارت و اظهار ولایت ارزنة الروم چنین معلوم شده [illegible] بعض از طایفه

در خاک این طرف قریب است و وزارت امور خارجه [illegible] حکمران [illegible] از

این طرف [illegible] دولت علیه عثمانی ظهور [illegible] بلکه حکومت خوی [illegible] پس از تحقیق [illegible]

جبران [illegible] استحقاق حتمیه و [illegible] نوعی قرار محکم [illegible]

حذف [illegible] از آنها بظهور رسانیده بهر طور جانب [illegible] از جانب اکراد [illegible] خاطر

سفارت را قرین اطلاع خواهد داشت. و همچنین در باب بعض [illegible] از

کرده‌اند مخصوصاً از حکومت خوی تحقیق خواهد شد [illegible] پس از حصول جواب [illegible]

بصوب سفارت سنیه اظهار خواهد شد و از روی بصیرت وزارت امور خارجه [illegible] اکراد

میدانیم [illegible] بتاریخ ۲۸ شهر ذی الحجه ۱۲۹۷

شمارهٔ سند: ۳۵۰
موضوع: تسلیم و یا تبعید رؤسای اشرار
تاریخ: ۱۰ ذیقعده ۱۲۸۸ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۳۸

هو

نامهٔ کارپردازی بغداد به وزارت جلیلهٔ خارجه

در فقرهٔ طغیان اورامانی ها و قرار طرد و تبعید آنها از سرحد و یا تسلیم آنها به سرحدداران دولت علیه تفصیلی مرقوم فرموده بودید که از روزنامهٔ زدرا چنین استنباط می شود رستم بیک را که از عمدهٔ اشرار و قاتل و منشاء فساد است، از دیار بکر مرخص کرده به سلیمانیه که سرحد است وارد شده است برزو بیک و پسرهای محمد سعیدسلطان هم چندی است در سرحد سلیمانیه مشغول قتل و غارت و احداث فتن می باشند امر به گفتگو با ایالت و اجرای قرار مقرر درین باب که رؤسای آنها در دیار بکر و سایر تبعیداز سرحد شوند و یا تسلیم سرحدداران ایران گردند سابقاً مذاکره به طورهایی که باید درین باب کرده سواد سؤال و جواب در ضمن عرایض سابقه انفاد حضور عالی شده است. پس از زیارت امر وزارت جلیله در خیال گفتگو هستم، لکن قطع دارم یا مثل جوابهای سابق جواب خواهند داد یا اینکه خواهند گفت که فقرهٔ رد فراریان و تبعید اشرار طرفین از سرحدات الان مطرح گفتگو است در ضمن قرار کلیهٔ این ماده قرار این فقره هم داده خواهد شد و این مسئله جای تردید و شبهه نیست اگر به کاغذ رسمی نمی‌گذارند شفاهاً بالصراحه ایالت می فرمایند که ما خودمان حسب المصلحه این طور کرده‌ایم و خواهیم کرد عرض احمدوند و فلان و بهمان چنانکه همیشه در مقام شکایات کار پرداز از عدم اجرای مطالب اظهاریه همین طورها گفته اند و این ماده پنج نفر احمدوند علت تعطیل قرار همهٔ امور شده است در هر صورت رفع کلیهٔ این مواد منوط به قرار کلیهٔ جانبین در رد و دفع تمامی اشرار و تسلیم فراریان سرحدیه هر دو جانب است که وکلای فخام هر دو دولت علیه از دردسر این گفتگوها خلاص شوند. و الا این گفتگوها و این درخواستها مفید فایده نخواهد شد و تقریری که در حقیقت پروتستو است در مادهٔ کسان سعید سلطان که در این

طرف نگاهداری کرده‌اند به حکومت نوشته‌ام و صریحاً اظهار داشته‌ام که هر خسارت و شرارت از اینها ناشی شود، مسئولیتش به عهدهٔ حکومت خواهد بود. اگر رجوع به سوادهای مرسوله شود معلوم خدام عالی خواهد بود که در اجرای تکلیف خود در موقعی قصور نکرده است حال هم حسب الاشاره العلیه در مادهٔ رستم بیک گفتگو شده و نتیجه به عرض خواهد رسید. ۱۰ ذیقعده ۱۲۸۸

محل مهر: عبده اسحق الصدوقی

نمره ۳۸

بوزارت جلیله خارجه

در فقرهٔ طغیان اورامانیها و قرار طرد و تبعیهٔ آنها از سرحد و یا تسلیم آنها به سرحدداران دولت علیه

فرموده بودید که از روزنامه روز را چنین استنباط میشود در سیم یک که از عمده اشرار و قتل

از دیاربکر مرخص کرده به سلیمانیه که سرحدات دار و شده است ... یک برای محمد سعید

در سرحد سلیمانیه مشغول قتل و غارت احداث فتن میباشند امر کفشگر با ایالت اعراقی

که زد آنها در دیاربکر و سایر تبعیه از سرحد شوند و یا تسلیم سرحدداران ایران کرده ...

در مناسب کرده سواد سؤال و جواب در ضمن عرایض به قد انفاذ حضور عالی شده است ...

وزارت جلیله در خیال کفشگر هستم لکن قطع دارم یا مثل جوابهای سابق جواب خواهد داد

گفت که فقره رد فراریان و تبعیه اشرار طرفین از سرحدات ... که مسئله است از حسن قرار

این ماده قرار این فقره هم داده خواهد شد و این مسئله جای تردید و شبهه نیست اگر یکباره

شفاها با تصراحه ایالت ... که ما خودمان حسب المصلحه اینطور کرده ایم و خواهیم کرد ...

چنانکه همیشه در تمام شکایات کرده اند از عدم اجرای مطالب اظهار به همینطور گفته اند ...

... احمد و ... تعطیل ... است در هر صورت رفع کلیه این مواد ...

در ... دفع تمامی اشرار و تسلیم فراریان سرحدیه هر دو ... است که ...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۱
موضوع: سرقت و جرح تبعهٔ عثمانی در برادوست
تاریخ: ٤ شعبان ۱۲۸۹ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده:

جواب جناب اشرف پاشا سفیر دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

به مجرد اطلاع از مضمون مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ نهم شهر رجب المرجب ۱۲۸۹ که اظهار داشته‌اند در محال برادوست گویا بعض سرقت و جرح و غیره نسبت به تبعهٔ دولت علیه عثمانی وقوع یافته است بدون فوت وقت احکاه مؤکده تلغرافی و تحریری به عمدة‌الامراء العظام شجاع‌الدوله حاکم خوی و ارومی صادر و ارسال شد که از روی کمال دقت تحقیقات و تفحصات لازمه را به عمل آورده غایة‌القصوای حقگزاری و اجرای حقانیت را معمول دارد زیرا که هرگز اولیای دولت علیه ایران راضی به ظهور جزیی چیزی که خلاف امنیت باشد خاصه نسبت به رعایای دولت علیه دوست همجوار اسلام که امید است به هر زودی که مقدور باشد اقدامات مجدانه را معمول و احقاق حق و ایفای حقگزاری را از روی تحقیقات کاملهٔ عاجله پیشنهاد و ضمیر مودت تخمیر آن جناب را قرین استحضار دارد. زیاده زحمت نداد. ٤ شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۲۸۹

[پی نوشت:] ناصرالدین شاه صحیح است.

بمجرد اطلاع از مضمون مراسله جناب [illegible] مورخه بیستم شهر رجب ۱۲۸۹ را ملاحظه [illegible] در جواب [illegible] نسبت به [illegible] اعلام نمایند

وقوع فقره [illegible] بدون [illegible] وقت [illegible] تحریر [illegible]

تحقیقات و تفحصات لازمه [illegible] زیاده [illegible]

و ملاحظه [illegible]

۱۲۸۹

و [illegible] تحقیقات [illegible] ۲۴ [illegible] العالم

شمارهٔ سند: ۳۵۲
موضوع: فرستادن مأمور برای تحقیق ماده ایل جلالی
تاریخ: ذیحجه ۱۲۸۹ هـ.ق
کارتن: ۱٤
پرونده: ۵/ح

هـو

جواب جناب ناظم افندی شارژ دافر دولت عثمانی (نامه وزارت خارجه)

در جواب مراسلهٔ آن‌جناب مورخهٔ ١٤ شهر ذی الحجه‌الحرام ۱۲۸۹ راجعه به ادعایی که از ایل جلالی رعیت این دولت علیه می شود با کمال احترام زحمت می دهد که هیچ دیوان عدالت بدون حضور متداعیین و ثبوت ادعای یکی از طرفین بر دیگری نمی تواند حکم بر حقیّت یکی از دو طرف نماید یا احدالطرفین را مجبور به قبول یک تکلیفی کند انصاف مسلم خود آن جناب نیز بلا تردید مصدق این مسئله واضحه خواهد بود لیکن چون اولیای دولت علیه ایران حتی المقدور مایل ارائهٔ همراهی و ایفای اقصی درجهٔ حسن همجواری می باشند. مضایقه از این ندارند که به موجب خواهش محترم آن جناب مأموری برای رفتن به سرحد و تحقیق مادهٔ به قدر مقدور با حضور مأموری از دولت علیه عثمانی معین و روانه دارند که بعد از تحقیقات صورت معلومات خود را به اطلاع اولیای دولت علیه برسانند که به اطلاع آن جناب هر طور اقتضای مراسم حقانیت باشد معمول افتد. زیاده زحمت ندارد. شهر ذیحجه سنه ۱۲۸۹

[پی نوشت، ناصرالدین شاه:] صحیح است.

جواب [illegible]

در جواب مراسله جناب [illegible]

که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۸۹

در باب [illegible] جناب [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۳
موضوع: تجاوزات به اراضی سیدحسن و بگسائی
تاریخ: ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۹۰ هـ.ق
کارتن: ۱۴
پرونده:

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

نمره: ۳۶

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا

از مضمون مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۰ در جواب رسیلهٔ دوستدار مورخهٔ ۲۰ شهر مزبور مشتمل به حرکات صادره از عالی جاه رفعت پناه حسین‌قلی‌خان و اتباع او استحضار حاصل شده زحمت اظهار می‌دهد که اولاً دوستدار را نهایت خشنودی از حسن‌نیت و نصفت مطلوبهٔ آن جناب در ارسال تلغراف به کرمانشاهان مقربهٔ تحقیق مراتب و تأکید مراسم دوستی هر دو دولت علیه اسلام حاصل گردیده تأثیر به حاصل آن را منتظر است و ثانیاً با کمال احترام قلمی می‌دارد که اظهارات دوستدار در خصوصیات مزبوره از روی تلغرافنامجات موصوله از بغداد و مشهودات عینیهٔ مأمورین دولت عثمانیه است نه از روی حدس و تخیل چنانچه در این گونه مواد و مسائل سؤالاً و جواباً مطلوب و ملتزم است. و اکنون از انصاف مسلم آن جناب سؤالی می‌شود که بنا به اظهار آن جناب یک فرسخ و نیم مسافت مابین فیضی پاشا و حسین‌قلی‌خان چه دلیل بر عدم وقوع حرکات مزبوره است و کدام عبارت تلغراف کرمانشاهان بر ضد تلغراف بغداد می‌تواند بود. ثالثاً در خصوص اینکه آن جناب اظهار داشته خواسته‌اند که جناب فیضی‌پاشا با اتباع خود از اراضی سیدحسن و غریبه و بکسائی املاک قدیمه متصرفه دولت عثمانیه موقتاً بیرون برود. دوستدار با نهایت خوشحالی و مسرت اظهار می‌دارد که باب‌عالی به قدر امکان همیشه در انجاح مقاصد دوستانهٔ دولت علیهٔ ایران با وجود صفوت کامله و جهت جامعهٔ اسلامیه مضایقه از مساعده

و همراهی نداشته و ندارد. چنانچه اکنون مساعدت مضایقه نمی‌کنند که جناب سعادت‌مآب فیضی پاشا را از اراضی سیدحسن و غریبه و بکسائی املاک صحیحهٔ متصرفه دولت علیه عثمانیه امر به مراجعت داده آید به شرطی که از جانب دولت ایران هم تأمینات قویه و اطمینان قطعی به سفارت سنیه داده شود که پس از معاودت پاشای مشارالیه هیچ گونه تجاوز و تصرف به هیچ وسیله و بهانه از این طرف چه از افراد اهالی ایران و چه از مأمورین و عشایر ایرانیه در اراضی مزبوره به ظهور نخواهد رسید و آن جناب صریحاً در جواب همین مراسله مرقوم فرمایند تا آنکه دوستدار اشعارات لازمه را در معاودت پاشای مشارالیه به عمل آورده و البته آن جناب هم این مساعدهٔ باب‌عالی را منظور نظر دوستی داشته و موجب مزید روابط اتحاد کامل خواهند داشت. زیاده زحمت نمی دهد. فی ۲٦ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰

محل مهر: محمدطاهر منیف

سفارت دولت علیهٔ عثمانیه

طهران

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵٤
موضوع: رد یا تبعید احمدبیک و پسرانش
تاریخ: ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۹۱ هـ.ق
کارتن: ١٤
پرونده: ۵/ح

نمره: ٦٦

به سفارت دولت عثمانی نوشته می‌شود [نامهٔ وزارت خارجه]

با اینکه آن جناب جلالت‌مآب در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ ۲۶ شهر ربیع‌الاول ۱۲۹۱ در نمره ۲۳۰ صریحاً وزارت امور خارجه را از عدم شرارت احمدبیک کنده‌سوری اطمینان داده به این مضمون درج نموده‌اید که (در سلیمانیه مؤدبانه نشسته است و مصدر هیچ‌گونه شقاوت و شرارتی نمی‌شود) باز موافق نوشتجات واصله از کردستان مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع‌الاول ۱۲۹۱ احمدبیک با پسران و همراهان خود و معاونت رسول‌آقای شیوه‌کلی و سیصدنفر تفنگچی از اهالی شلیر و قزلجه و غیره به خاک دولت علیه ایران تجاوز و تخطی نموده به قریه نرور سه فرسخی بانه هجوم آورده با عبداله بیک نروری از صبح تا نزدیک ظهر دعوا و جنگ کرده پنج نفر را به قتل و چند نفر را جراحات مهلکه رسانده آخرالامر عبداله‌بیک با پسرش فرار نموده احمدبیک تمام اموال او و اهل‌القریه را غارت و به بانه پیغام کرده که آنجا را هم تسلیم نمایید و الا غارت خواهم کرد. پس از فراغت از این قتل و جرح و غارت با همان جمعیت به قریهٔ کیله رفته آنجا را هم غارت نموده با قریهٔ نرور آتش زده و تا سه روز در قریهٔ کانی وزان خاک بانه که تا بانه سه فرسخ است توقف نموده انواع شرارت را معمول داشته به خاک عثمانی مراجعت کرده است دوستدار متحیر است که با این همه اهتمامات اولیای دولتین علیتین اسلامیتین در استحکام اساس نظم و امنیت حدود و تشیید مبانی حفظ مراسم حسن همجواری و مساعدتهای کامله کارگزاران سرحدیه این طرف چگونه اظهار اسف خود را از ظهور این حالات ناگوار و عدم اعتنای سرحدداران و کارگزاران عراق عرب به مدلول عهود مقدسه و اظهارات محترمه سفارت سنیه نماید. از حقانیت و مهام‌شناسی آن جناب جلالت‌مآب با کمال احترام حقاً و قویاً خواهشمند است قبول زحمت فرموده هر تدبیر سریعی را برای

تنبیه مرتکبین و ادای خسارات و دیت دم و جرحات رعایای دولت علیه ایران و رد یا تبعید احمدبیک و پسران و اعوان او ز سرحد که دسترس به این درجه شقاوتکاری ها نداشته باشد. پیشنهاد خواهند فرمود دوستدار را مستحضر و مسرور دارند و این مرحله فارغ از حاجت اظهار و بیان و بر خاطر عاطر آن جناب جلالت‌مآب واضح است که با وجود آن همه اصرار و اظهار وزارت امور خارجه در رد یا تبعید احمدبیک از سرحدات و آن درجه مضایقه و تسامح کارگزاران عراق عرب تدارک و مسئولیت این جسارت حاضرهٔ احمدبیک و هر نتیجه که در آتیه ظهور یابد حقاً و طبیعتاً بر عهدهٔ آنهایی است که مضایقه از رد یا تبعید او نموده‌اند لاغیر همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. ۱۱ شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۹۱

[حاشیه، دستخط ناصرالدین‌شاه:] صحیح است.

سفارت دولت بهیه روس

با کمال احترام جواب مراسله مورخه ... شهر ربیع الاول ۱۲۹۱ ... ۲ ... آن سفارت ... زحمت می دهد ... که ...

... در مسئله ... نوشته ... تحقیقات ... از ...

از ... ۱۴ شهر ربیع الاول ۱۲۹۱ ... با ... همراهان خود ...

در ... وقت ... تحقیق ... عبدالله بیک ...

پنج نفر ... عبدالله بیک ...

غارت ... غارت ...

... غارت ... قریه ...

...

...

...

...

...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۵
موضوع: تجاوزات احمدبیک کنده‌سوری
تاریخ: ۲۲ جمادی‌الاول ۱۲۹۱ هـ.ق
کارتن: ۱۴
پرونده: ۵/ح

نمره: ۹۸

جواب سفارت دولت عثمانی [به وزارت خارجه]

مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۱ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۹۱ که این همه جسارت و شرارت علنی و هجوم و تجاوز احمدبیک کنده‌سوری فراری این دولت علیه را به قتل نفوس و احراق بیوت و غارت اموال در قریتین نرور و کیله ملک دولت علیه ایران به استناد تحقیقات محلیه بی اصل اشعار فرموده بودند و اصل ایادی احترام و باعث تعجب شد و یقین حاصل است ذکاوت مسلمهٔ آن جناب جلالت‌مآب فوراً و کاملاً ملتفت شده است که تجهیز آن قدر سوار به معاونت رسول آقای شیوهٔ کلی از شلیر و قزلجه و اقدام آنها به قتل پنج نفر از اهل قریهٔ نرور و غارت دو قریهٔ مزبوره و آن درجه ارتکابات و شرارتهای فوق العاده که از احمدبیک موصوف به ظهور پیوسته است، چیزی نیست که بتواند مکتوم بماند یا آنکه به همین قدر انکار کارگزاران آنجاها در تحت سکوت ابقا شود یا مقدور باشد که به این اهمیت حادثه و غایله بالکلیه کذب و بی اصل بوده باشد دوستدار تکلیف عمدهٔ خود می داند که خاطر منصفانهٔ آن جناب را مصراً با نهایت احترام دعوت به اقدامات مجدانه در احقاق حقوق رعایای دولت علیه نموده قوت مراسله خود را مورخه ۱۱ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۱ نمرهٔ ٦٦ ابقا دارد و منتظر اقدامات سفیرانهٔ محقانه آن جناب گردد حتی هرگاه محتاج به تشکیل قمسیون برای تحقق این مطلب بدانید دوستدار موافقت کامل می نماید والا اگر تنها تکذیب کارگزاران محلی را در چنین مواقع عمده و ثابته در نزد ما جواب کافی می دانید این قسم جواب از این طرف هم در اظهارات سفارت سنیه می تواند داده شد. همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. زیاد زحمت افزا شد. ۲۲ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۹۱

[حاشیه: صحیح است]

دولت علیه عثمانی

مراسله آن جناب جلالتمآب مورخه ۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۱ در جواب مراسله وزارت خارجه [illegible] در باب [illegible] زوار ایرانی [illegible]

تعقیب نموده [illegible] رعیت و غارت [illegible] دولت علیه [illegible] تحقیقات [illegible] فرموده بودید

و [illegible] احترام و باعث تعجب [illegible] آن جناب جلالتمآب [illegible]

[illegible] قریه [illegible] و غارت [illegible] است

[illegible] است [illegible] اند

در [illegible] اتفاق [illegible] حادثه [illegible] تحقیق [illegible] داد

[illegible] آن جناب [illegible] با نهایت احترام و عزت [illegible] است

مراسله [illegible] مورخه ۲۱ شهر [illegible] ۱۲۹۱ [illegible] واصل و [illegible] آن جناب [illegible] نمودید

شمارهٔ سند: ۳۵۶
موضوع: ادعای عثمانی بر تبعیت طایفهٔ مامش
تاریخ: ۱۳ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۱۲/ع

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشراف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

موافق اشعاری که این دفعه از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیه شده است، از عشیرت مامیش تبعهٔ صحیحهٔ دولت علیهٔ عثمانیه که مدتی است به خاک ایران گذشته در این طرف مسکن دارند، اغلب اوقات یک نفر دو نفر تجاوز حدود نموده به قریهٔ راین رفته اغنام و مواشی آنها را نهب و غارت می‌کنند و سایر تعدیات و خسارات به اهالی آنجا می رسانند و این ناشی از مساعده و اعانتی است که از مأمورین ایرانیه هر وقت دیده و می بینند و هر قدر از جانب متصرفی شهر زور اظهار و اصرار می شود که عدم قبول این نوع عشایر در دو طرف و رد و اعادهٔ آنها مقتضای معاهدات موجوده است، فایده و اثری نبخشیده سهل است منتج آثار و استمرار این حالات مقدوحه می باشد و اکنون ولایت مشارالیها از حُسن عهدداری دولت علیهٔ ایران منتظر است که مقرر شود سرحدداران ایرانیه مواشی و اشیای منهوبه را تماماً رد و عشیرت مزبوره را اعاده نمایند که سبب مزید امنیت حدود و موجب ترقی مصافات و مسالمات مابین دولتین علیتین اسلام باشد. زیاده زحمت نمی دهم. فی ۱۳ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳

محل مهر: محمدطاهر منیف

جواب جناب جلالتمآب ... [illegible]

توقف اشخاصی که این دفعه از دولت جلیله ... [illegible] ... شده است از قرار ... [illegible]

... [illegible] ... گذشته ... دارند ... [illegible]

رفته اند ... آنها را ... [illegible]

... [illegible] ... ایرانیه ... [illegible]

... [illegible] ... در دو طرف ... [illegible]

موجود است ... [illegible]

... [illegible] ... دولت علیه ایران ... است ... [illegible]

... [illegible]

۱۲۹۳

... [illegible] ... ربیع ... [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۵۷
موضوع: رد ادعای عثمانی بر تبعیت طایفهٔ مامش
تاریخ: ۱۷ محرم ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۷٤

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

از مفاد مراسلهٔ آن‌جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۳ شهر محرم‌الحرام ۱۲۹۳ که اظهار فرموده‌اند از عشیرت مامش تبعهٔ صحیحهٔ دولت علیه عثمانیه که مدتی است به خاک ایران گذشته در این طرف مسکن دارند، به قریهٔ راین صدمه می رسانند و مواشی آنجا را غارت می‌کنند و در آخر مراسلهٔ مزبوره درج نموده‌اید «از حسن عهدداری دولت علیه ایران منتظر است که مقرر شود سرحدداران ایرانیه مواشی و اشیای منهوبه را تماماً رد و عشیرت مزبوره را اعاده نمایند.» استحضار حاصل نموده با کمال احترام زحمت‌افزا می شود که حکم مؤکد به جای لازم برای ردّ منهوبات در صورتی که حقیقت داشته باشد قلمی شد و نهایت اهتمام در این باب معمول خواهد شد ولی این مسئله بر خاطر آن جناب جلالت‌مآب به هیچ‌وجه من‌الوجوه مخفی و پوشیده نباشد که عشیرت مامش رعیت قدیمهٔ صحیحهٔ مستمرهٔ بلانزاع دولت علیه ایران است و وقتاً من‌الاوقات هیچ گونه سمت تبعیت و رعیتی به دولت علیهٔ عثمانیه نداشته و ندارند حتی در گردش وکلای دول اربعه این مسئله در نزد آنها مسلمی و رئیس طایفهٔ مزبوره بیروت‌آقا حاکم لاهیجان ملک دولت ایران بوده و صیفاً و شتاً در لاهیجان و پسوه ملک دولت ایران معاش می نماید و اصلاً محل تردید و شبهه نیست محض اطلاع خاطر آن جناب جلالت‌مآب زحمت داده همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند. زیاد زحمت‌افزا شد. ۱۷ شهر محرم سنه ۱۲۹۳

[حاشیه:] نوشته شود.

سواد مراسله وزارت خارجه

در جواب مراسله آن جناب جلالتمآب مورخه ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۲۹۳ زحمت افزا میشود در تغییر ساختن سکه نقره و طلا

که در ضرابخانه دولت علیه زده میشود نوشته بودند که از طرف سفارت دولت بهیه انگلیس شرحی نوشته و اظهار داشته‌اند که در خصوص

تغییر عیار مسکوکات ضرابخانه مرقوم داشته بودند که در صورت تغییر عیار آن از تجارت رعایای دولت بهیه اضرار حاصل خواهد شد

و علاوه بر این شرحی مرقوم داشته‌اند که تغییر عیار قبل از اطلاع دولت بهیه ممکن نیست و ماده آن از حکم قرارنامه تجارت دولتین بیرون است

تمنی و استدعا دارم که در این باب توضیحی بدهند که رفع اشتباه بشود و اولیای دولت علیه ایران منظور ندارند ملاحظه شد

در تغییر سکه موقوف نخواهد بود چنانکه در سنوات سابقه هم تغییر داده‌اند

در تغییر دولت علیه میل ندارد که از این حیث در کار تجارت و کسب و کار رعایای دولتین اسباب نقصانی حاصل شود

حاکم در مسکوکات ملک دولت ایران و مخصوص دولت ایران است و در مملکت دولت علیه هیچ دولتی حق مداخله ندارد

در تغییر سکه مختار است و این اظهار را لازم دانستم که آن جناب جلالتمآب مطلع باشند و تجدید احترامات فائقه را مینمایم

۱۷ شهر محرم ۱۲۹۳

شمارهٔ سند: ۳۵۸
موضوع: تجاوز حسین‌خان حیدرانلو به وان
تاریخ: ۸ شعبان ۱۲۹۳ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

از قراری که از ولایت جلیهٔ ارزروم به باب‌عالی و سفارت سنیه عرض و اشعار شده است، حسین‌خان حیدرانلو با دوازده سوار متجاوزاً به مزرعهٔ نعمان‌آقای رئیس مجلس بلدی وان رفته یک رأس از حیوانات میری و یک اسب از آقای مزبور را با هفده گاو غصب نموده است و از متعاقبین یکی را مقتول و پسر نعمان‌آقا را مجروح ساخته است، و نیز چهل سوار دیگر از خاک ایران به قریهٔ رازی از دهات عشیرت شمسکی هجوم برده تمام اغنام آنجا را با دو رأس اسب غارت و دو نفر را هم جراحت رسانیده‌اند، وفی‌الحقیقه تکرر این نوع تجاوزات و تعدیات و ایقاع انواع خسارت و شرارت از عشایر ایرانیه در سرحدات عثمانیه موجب تأسف دولت علیه گشته است و البته دولت علیهٔ ایران به این حرکات که کلیتاً مغایر حقوق همجواری است، راضی نبوده چنانچه مأمول است سریعاً اسباب تلافی و منع آن را فراهم فرموده نمی‌پسندد که عشایر و افراد اهالی آن طرف بالأخره مجبور به معاملهٔ متقابله شده اساس انتظام و آسایش آن حدود که می‌باید مطلوب و قوی طرفین باشد تزلزل و انهدام یابد و با کمال احترام دوستدار متوقع است که جناب اشرف از نتایج اقدامات حسنه دولت علیه متبوعهٔ خود در این خصوص دوستدار را مستحضر فرمایند که جواب باب‌عالی و ولایت ارزروم را بنویسد و دوستدار مطمئن است که مضایقه نخواهند فرمود زیاد زحمتی ندارد. فی ۸ شهر شعبان‌المعظم ۱۲۹۳

محل مهر: محمدطاهر منیف

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع والا [illegible]

از قراری که [illegible] در [illegible] و [illegible] شده است چنان [illegible]

[illegible] آقای [illegible] که [illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] را [illegible] و [illegible] آقای [illegible] است [illegible]

[illegible] عشیرت [illegible] تمام [illegible] آنجا [illegible]

[illegible] و [illegible] که [illegible] است و [illegible]

از [illegible] در [illegible] و [illegible] ایران [illegible]

[illegible] حقوق [illegible] است [illegible] و [illegible]

و [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] احترام [illegible]

[illegible] خود در [illegible] ۱۲۹۳

[illegible] شعبان المعظم

شمارهٔ سند: ۳۵۹
موضوع: تجاوز حسین خان حیدرانلو
تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۲۹۳ هـ. ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

از مضمون دو مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۸ شهر شعبان المعظم ۱۲۹۳ دایر به نسبتی که به حسین‌خان حیدرانلو و مامی نام پسر علی آقای شکاک داده‌اند، استحضار حاصل نموده با کمال احترام جواباً زحمت‌افزا می شود، که چون معلوماتی در این دو فقره به دوستدار نرسیده همین‌قدر می تواند زحمت داد که با اولین وسیله مراتب را به مأمورین مقتضیه اطلاع داد تأکید نمود که در تحقیقات کامله و احقاق حقوق و اقدامات مجدانه به هیچ‌وجه من‌الوجوه خودداری ننموده صورت واقع نفس‌الامری را قلمی دارند به مجرد وصول جواب خاطر آن جناب جلالت‌مآب را قرین استحضار می دارد و در هیچ موقع از لوازم حفظ امنیت که مقتضای حالت مدنیت است، خودداری نخواهد نمود و امیدوار است که از آن طرف نیز این شیوه مرعی گردیده از معاضدت و اتفاق مضایقه نشود، زیاده زحمت ندارد. ۲۲ شهر شعبان سنه ۱۲۹۳

[illegible]

از طرف [illegible] جناب [illegible] مورخه [illegible] شهر شعبان المعظم ۱۲۹۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۹۳

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۶۰
موضوع: نسبت تحریک عشایر اورامان به علی اکبرخان حاکم جوانرود توسط عثمانی
تاریخ: ۱۲ ذیقعده ۱۲۹۴ هـ.ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۳۱

جواب سفارت دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

در جواب مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ ۱۱ شهر ذیقعده ۱۲۹۴ با نهایت توقیر زحمت می دهد که در خصوص اظهار آن جناب دایر به نسبتی که به علی اکبر خان حاکم جوانرود به تحریک عشایر اورامان در تخطی به خاک عثمانی و غارت باره و دره‌شش و گلعنبر داده بودند، احکام لازمه به جای مقتضی صادر شده دوستدار منتظر وصول جواب و نتیجه است و محضاً للتأکید با همین چاپار که فردا عزیمت دارد حکم اکید در رسیدگی و احقاق حق روانه می دارد. به محض وصول جواب خاطر محترم آن جناب را قرین استحضار خواهد داشت و ضمناً آن جناب را کاملاً اطمینان می دهد که دوستدار یک ذره از مراسم مودت دولتین اسلام را غفلت نخواهد نمود. زیاده زحمت ندارد.

[حاشیه:] نوشته شود.

سواد دستخط [illegible] شاه

در جواب [illegible] ۱۲۹۲ [illegible] دارد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲۹۲
[illegible]
رجب
۱۱

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳٦۱
موضوع: تجاوزات اهالی حویزه و قطع سیم تلگراف
تاریخ: ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نمره: ۹۳۸

نامهٔ کارپردازخانهٔ عربستان و لرستان به وزارت خارجه

هو

قربانت شوم، جناب والی تشکی به کار پردازخانه نوشته است که اهالی حویزه تجاوز حدود نموده خطوط تلگرافهای میانهٔ عماره و قورنه را شکسته به حویزه برده، آشکار فروخته و به جای میخ قایقها استعمال کرده، خسارت به اهالی آن‌حوالی می رسانند. خواهش تنبیه مرتکبین و منع تجاوز و استرداد قیمت خطوط تلگراف و خسارت را کرده و به موجب شکایت متصرف عماره اظهار نموده است که این مراتب را به عرض حضور سرکار نواب مستطاب اشرف والا حکمران عربستان رسانده‌اند قراری داده نشده است. سواد تقریر ایالت را در لف عریضه فرستاد که از نظر مبارک گذشته به هر نوع قرار لازم باشد مقرر و قدغن فرمایند که مآل و نتیجهٔ آن را به کار پردازخانه اعلام دارند تا از آن قرار جواب ایالت نوشته شود. خود والی نیز انتظار جواب را قید کرده و خواهش کرده است که از کار پردازخانه به او برسد. معروضه ۲۱ شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۹۵

نمره ۶۲۱

هو

قربانت شوم — جناب ایلچی انگلیس بکارپردازخانه نوشته است که اهالی جزیره بحرین در حدود خطه

[illegible] آن [illegible] عماره و [illegible] نزدیک جزیره برده [illegible] رفته و بجای میخ قایقها استعمال کرده خسارت بالمره

خواهش نموده [illegible] بحرین [illegible] خطوط تلگراف خسارت را کرده بموجب [illegible] اظهار نموده است

که این مراتب را بعرض حضور مبارک رسانده [illegible] اشرف الاحکام [illegible] داده [illegible] بدهد

تقریر ایالت را [illegible] که از نظر مبارک گذشته [illegible] لازم است [illegible] که

[illegible] آنرا بکارپردازخانه اعلام دارند تا [illegible] جواب ایالت نوشته شود [illegible]

جواب را تهیه کرده و خواهش کرده است که از کارپردازخانه بدربار [illegible] ۱۲ شهر [illegible] ۱۲۹۵

شمارهٔ سند: ۳۶۲
موضوع: تجاوز عشایر حویزه و قطع سیم تلگراف
تاریخ: ۲ رجب ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت و نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا مکرما محترما مهربانا

از قرار شرحی که از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیه کبری رسیده است، از عشایر حویزه هرچند روز یک دفعه به خاک دولت علیهٔ عثمانیه در سمت عماره تجاوز و تخطی شده به اهالی آنجاها علی التوالی ضرر و خسارت وارد آورده‌اند و نیز خطوط تلغرافیهٔ مابین عماره و قورنه را که واسطهٔ مخابرهٔ عمومیه است بریده‌اند و آن سیمها را به حویزه برده‌اند و آشکارا فروخته در قایقها به‌جای میخ به کار می‌برند و هرچند از جانب کارگزاران عثمانیه به جهت منع تجاوزات مزبوره و رد خسارات مذکوره به حکمرانی عربستان و لرستان اظهار و اصرار شده اثر و ثمری بر آن مترتب نگردیده است. و شکی نیست که این حال و حرکات وحشیانه در نزد امنای عظام دولت علیهٔ ایران نیز ناپسند افتاده موافق اوامر سریعه اشقیای مرقومه را ا ز تجاوزات مزبوره قویاً ممانعت فرموده مخابرات خواهند داد و قیمت سیمهای بریده و برده را با خسارت وارده عیناً و یا عوضاً مسترد و عاید خواهند داشت که موجب استرضای مأمورین و تبعه عثمانیه و سبب مزید اطمینان ایشان به حقانیت کارگزاران دولت علیهٔ ایران باشد. زیاده زحمت نمی دهم. ایام مودت مستدام باد. فی ۲ شهر رجب ۱۲۹۵

مهر فخری بیگ

جواب جناب ... [illegible] ... در باب اشقیای اکراد [illegible]

از قراری که از ولایت [illegible] رسیده است [illegible] چند نفر [illegible] کرده‌اند

[illegible] دولت علیه عثمانیه در سمت [illegible] شده [illegible] آورده‌اند

و نیز خطوط تلگرافیه [illegible] را [illegible] بریده [illegible] اسبهای ایشان را برده‌اند

بر [illegible] را فروخته [illegible] و هرچه از جانب کارگزاران [illegible]

تجاوزات سرحدی [illegible] از این اشرار [illegible] روی داده است

ترتیب [illegible] نگردیده است [illegible] حالت [illegible] ایران [illegible]

بر [illegible] مراتب را [illegible] اشقیای مرقوم را از تجاوزات سرحدی [illegible] خواهند

خواهند [illegible] را با [illegible] و اهالی [illegible]

[illegible] و موجب [illegible] اطمینان [illegible]

۱۲۹۵

کارگزاران دولت علیه ایران [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۶۳
موضوع: تجاوز اهالی حویزه و قطع سیم تلگراف
تاریخ: ٤ رجب ۱۲۹۵ هـ.ق
کارتن: ۱۵
پرونده: ۵/ح

نمره: ١٤

به جناب فخری‌بیک سفیرکبیر دولت عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

از مضمون مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۲ شهر رجب ۱۲۹۵ که در طبق اظهار ولایت جلیلهٔ بغداد اظهار فرموده بودند، از عسایر حویزه به خاک دولت علیه عثمانی تجاوز می‌شود و سیم تلگراف را سرقت نموده‌اند، استحضار حاصل گردید دوستدار در رفع این گونه حالات و القای نظم در حدود و ایقاع انتظام در همجواری همواره ساعی و جاهدم بلکه اول تکلیف این فقره را می‌دانم به نوعی که لازم است به حکمرانی عربستان و لرستان مؤکداً می‌نویسم که از روی کمال دقت رسیدگی نموده به هیچ‌وجه من‌الوجوه از لوازم اجرای این مقاصد خودداری نفرمایند به محض وصول جواب به اطلاع آن جناب جلالت‌مآب خواهد رساند. زیاده زحمت‌افزا نشد. ٤ شهر رجب‌المرجب ۱۲۹۵

بجناب فخری بیک سفیر کبیر دولت عثمانی

از مضمون مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه ۲ شهر رجب ۱۲۹۵ در باب اظهار رضایت جنرال قنسول دولت علیه در بغداد از اهالی و ... بعمل آمده ...

دولت علیه عثمانی که از بایزید ... و ... را ... نموده اند استحضار حاصل کرده ... از ... مسرور گردید ...

والی ... در حدود ... وقایع ... که ... همه ... که ... تحقیق این فقره را ... لازم ...

عرض ... در ... بوده و ... وقت رسیده که ... لازم ... این مقصود.

۱۲۹۵

خود را ... جناب جلالتمآب ... تحریراً فی ۳ شهر رجب المرجب

قاهره حضور اقرار کلیه داده ختم عمل شود. مقرب‌الخاقان میرزا حسینعلی لشکرنویس‌باشی کرمانشاهان سان سرباز کلهر را هم در سر پل دیده، روز چهارشنبه ۱۶ رفت به بشیوه که سان فوج کرندی و سواره احمدوند و تهیوئی را ببیند شاهمرادخان احمدوند هم که حسب‌الامر با پنجاه سوار متوقف به قصر بود، روز پنجشنبه ۱۷ برای دادن سان با سواره ابوابجمعی خودش به بشیوه رفت.

غلات که حسب‌الامر اولیای دولت ابدمدت قاهره از بردن به خارج ممنوع است. احدی را قدرت حمل و نقل نیست اجناس در خاک عراق عرب و اماکن مشرفه کمافی‌السابق تسعیر دارد، به همین طور در قصر و نواحی زهاب از قرار سه من و سه من و نیم گندم و جو به مبلغ هزار دینار بیع و شری می‌شود.

امسال به اهل حاج در همه جا خوش گذشته خاصه در مکهٔ معظمه و مدینهٔ منوّره که نهایت حُسن سلوک را دیده و رضامندی داشتند مگر از جبل الی ورود به نجف‌اشرف که برای کمی شتر و طول زمان خیلی بد گذشته همه شکایت داشتند خاصه فقرا که بر آنها بد گذشته.

در خاک عراق عرب و اماکن متبرکه نسبت به زایرین و رعایای دولت ابدمدت علیه کمال خوش‌سلوکی را می‌نمایند آن سخت گیری‌ها که در گمرکخانه‌ها می‌شد، بخصوص در خانقین و دروازه بغداد و سایر جاها بکلی متروک داشته‌اند نهایت حسن سلوک را می‌نمایند. منازل عرض راه از خانقین الی بغداد هم چندان بی‌انتظامی ندارد همه جا سوار و مستحفظ دارند مگر گاهی دَله‌دزدی اتفاق بیفتد، بالفعل که امن است.

در میان عشایر عثمانی اغتشاش و اختلافات هست و رفع آن منوط به استقلال و پیشرفت اوامر و نواهی دولتی است. محمداسماعیل‌بیگ نایب خانقین نوشته بود که محمودبیگ پسر محمدپاشای مرادی و بعضی از رؤسای شاطری را کارگزاران عثمانی در خانقین حاضر نموده که رفع گفتگوی سنجابی‌ها را در باب دیات مقتولین بنمایند، بعد از ملاقات مقرب‌الخاقان میرزا نصرالله خان سرتیپ مهندس‌باشی با آلای‌بیگی البته قرار کلیه برای احقاق حقوق رعایای دولت جاویدمدت قاهره داده خواهد شد. ۱۸ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۶ از سرحد قصرشیرین جسارت به عرض ورزید.

سواد روزنامه سلطان‌خان سرحددار است.

صحیفه مسک

وقایع سرحدیه

بحمدالله تعالی طرق و شوارع در کمال آراستگی و نظم است زوار و عابرین در نهایت امنیت و رفاهیت عبور و مرور نموده مشغول دعاگوئی و بقای ذات ملکوتی صفات اقدس همایون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران روحی و روح العالمین فداه هستند اهالی زهاب و این صفحات آسوده و مرفه الحال با کمال شکر مشغول عمارت و عتیق هستند ایلات و عشایر دولت قوی شوکت قاهره بتدریج حرکت بسمت ییلاقات هستند اغلب در صحرای ذهاب و در بالای پشتکوه هستند در نقطه سرحد دیگر ایلی نمانده مگر ایل بهمن خان و دلهان خانوار بهمن خان در اغداق و تپه نقصر هستند ولی ایل دلهان هنوز در سر مراتع خود و تپه سرچشمه‌های نفت [illegible] چرانی مینمایند دو روز قبل از این آقای مقرب الحضره العلیه فرج الله خان سرهنگ رفته ایل دلهان را هم حرکت بدهد

این سنجابی‌ها [illegible] از سمت زهاب [illegible] و خاک کردن قلعه زنجیر به ییلاقات‌های [illegible] روند و همچنین [illegible] بسمت زهاب [illegible] چهار روز قبل از این رفتن بطرف کرند [illegible] موقوف داشته رو بسرحد [illegible] که حرکت کرده [illegible] تا بقیه از خاک کرند بگذرند

مقرب الخاقان میرزا [illegible] خان سرتیپ مهندس باشی در قصر توقف دارد و بتوسط نایب خان [illegible] مشغول استرداد اموال منهوبه طایفه جلالی از [illegible] مستدرجا هرچه تحصیل میشود در خانقین بصاحبان اموال تسلیم مینمایند در هفته [illegible] با آقای [illegible] بیک [illegible] قرار ملاقات داده شده که در نقطه سرحد یکدیگر را ملاقات نموده درباب دیات مقتولین و استرداد منهوبات و حقوق رعایای دولت قوی شوکت قاهره حضوراً قرار کلیه داده ختم عمل شود

مقرب الخاقان [illegible] کرمانشاهان [illegible] روز چهارشنبه ۱۶ [illegible]

شاهزادگان احمدوند هم که حسب الامر به نجف رفته بودند متوقف بقصر بودند سه‌شنبه برای آمدن ایران از آنجا حرکت خواهند نمود

غلات حسب الامر اولیای دولت ابدمدت قاهره از بردن به خارج ممنوع است اهالی قدرت حمل و نقل نیست جائی دیگر که اعراب و ...
مشرفه کلانی لوازم تغییر دارد بهمین طور در قصر و نواحی زاب زرد ... و ... گندم و جو پنج هزار دینار بیع و شری میشود

امسال با همه حاج در همه جا خوش گذشته خاصه در مکه معظمه و مدینه منوره به نهایت حسن سلوک را دیده و رضامندی داشته‌اند از حین
الی ورود به نجف اشرف برای کمی شتر و طول زمان حجیج به گذشته همه شکایت داشته خاصه فقرا را بی‌نهایت بد گذشته

در خاک عراق عرب و اماکن متبرکه نسبت به زائرین و رعایای دولت ابدمدت علیه کمال خوش‌رفتاری نمایند آن سخت‌گیریها که در کرکوک داشتند
بخصوص خانقین و دروازه بغداد و دیگر جاها که بیشتر دست داشتند نهایت حسن سلوک را مینمایند ساز عرض راه از خانقین الی بغداد
هم چنان بی‌نظمی ندارد همه جا سوار و مستحفظ دارند مگر گاهی دزدی اتفاق بیفتد بالفعل راه امن است

در میان عشایر عثمانی اغتشاش و مخالفت هست و رفع آن منوط به استقلال و پیشرفت اوامر و نواهی دولت است

محمد سعید بیگ نایب خانقین نوشته بود محمود بیگ پسر محمد پاشا ... و بعضی از رؤسای عشایر کارگذاران عثمانی در حال ... بخانقین حاضر شده
در رفع گفتگوی سنجابیها را در باب دیات تقصیر این نمایند بعد از مسلمات مقرب الخاقان میرزا رضا خان سرتیپ مهندس ...
بالاتی که به قرار کلیه برای احقاق حقوق رعایای دولت جاوید مدت قاهره داده خواهد شد ۱۸ شهر ... ۱۲۹۶

زیاده تقصیری جسارت بعرض رسانید

شماره سند: ۳۶۵
موضوع: تجاوز ایل شکاک
تاریخ: ۲۷ رجب ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفع دوستان استظهارا مشفقا معظما مکرما مهربانا

از قرار اشعار ولایت جلیلهٔ وان در شب سی ام نیسان ماه گذشته شصت هفتاد نفر از شکاکهای سکنهٔ ایران مُسلحتاً به قضای کوار تجاوز نموده به ناحیهٔ دیری بر سر قریهٔ پاصان هجوم آورده اغنام و اشیای اهالی آنجا را غارت کرده مراجعت می‌کرده‌اند که جهانگیرآقا در مقام دفع و تعاقب آنها برمی‌آید. در آن اثنا سه نفر آدمهای جهانگیرآقا مجروح و دو نفر از متجاوزین مقتول می‌شوند و مقداری از منهوبات مسترد شده دویست رأس اغنام باقی می‌ماند که داخل حدود شده آسوده می‌شوند. و این نوع شقاوت و شرارتها همیشه از علی‌آقای شکاک و اتباع او نسبت به خاک و تبعهٔ عثمانیه سرزده ولایت مشارالیها قویاً خواهش می‌کند که امنای عظام دولت علیه ایران چاره بفرمایند و باقی منهوبات مزبوره را مقرر دارند که مسترد و عاید شود. زیاده چه زحمت دهم. فی ۲۷ رجب ۱۲۹۶

مهر فخری

جواب مراسله ... از طرف ... در خصوص ... اشرار ...

از قرار اطلاع ... زد و خورد جدیدی که در شب سی ام شهر ... گذشته ... اتفاق افتاده ...

مستحفظین ... نواحی ... بسرحد ... هجوم آورده ...

این را اطلاع دارد که ... از ... در مقام دفع و تعاقب آنها برآمده ...

آدمهای ... آقا مجروح و دو نفر از ... مقتول میشوند و مقداری از ...

بانه ... و ... شده ... و این نوع تعدیات ...

و اتباع او ... بیک و تبعهٔ عثمانیه سرزده و ... فوراً ... که

حکومت ... ایران ... و ... مقرر دارند ...

شماره سند: ٣٦٦
موضوع: تجاوز ایل شکاک به خاک سلماس
تاریخ: ٤ ذیقعده ١٢٩٦ هـ.ق
کارتن: ١٦
پرونده: ٥/ح

نمره: ٥٢

به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه (نامهٔ وزارت خارجه)

این روزها نواب امرزادهٔ والا تبار عمیدالدوله حاکم خوی و سلماس به اطلاع اولیای دولت علیه رسانیده است بعض اشرار شکاک رعیت این دولت علیه که به خاک آن دولت علیه فراری هستند به هر وقت فرصت سواره و پیاده داخل خاک سلماس شده مصدر شرارت و نهب و غارت می شوند همین که سوارهای این دولت علیه خبردار شده آنها را تعاقب می نمایند بلادرنگ خود را به خاک آن دولت علیه کشانیده، سوارهای این دولت علیه به واسطهٔ رعایت شرایط لازمه و عدم مأذونیتی که دارند، از تعاقب آنها منصرف شده مراجعت می نمایند، سرحدداران آن طرف نیز این حرکات متجاسرانه را هیچ گونه ممانعت و جلوگیری نکرده، اشرار مرقومه را در این اطوار ناصواب غیرمسئول گذاشته اند علی هذا از آن جناب جلالت‌مآب با کمال احترام متوقع است، اولاً هرچه زودتر تأکیدات لازمه را برای رد آنها و سد شرارت اشرار مزبوره به جاهای مقتضیه را اصدار نمایند که من بعد نیز نظیر این گونه اطوار که منافی منظورات اتحاد صادقانه دولتین علیتین است در آن حدود واقع نشود، ثانیاً وصول و اخذ اموال منهوبه را تماماً در تحت نظر مودت اثر خواهند. گرفت که هرچه زودتر به اقتضای تکلیف از مرتکبین به حیطهٔ وصول رسیده عاید صاحبان اموال گردد بدیهی است که در رعایت حسن مسالمت و رفع این گونه اغتشاشات سرحدیه چنانکه کاملاً از این طرف رعایت می شود، از آن طرف نیز ملاحظات متمدانه را منظور خواهند داشت و دوستدار در کمال اطمینان منتظر اقدامات مؤثرانهٔ آن جناب جلالت‌مآب خواهد بود. در این موقع احترامات کامله را تجدید می نمایم. فی ٤ شهر ذیقعده ١٢٩٦

بسفارت کبرای دولت علیه عثمانی

چون بنده آفتاب ... داده تا رسیدن امنای حاکم خوی و سلماس اطلاع از دولت علیه ... بعض از اکراد سرحدی

این دولت علیه چنانکه امنای دولت علیه قراری بسته بهر وقت فرصت ... و باره دولت خارجه ... سرحد نمی‌دارند

در جنب دفارت ... که سرکرده‌های این دولت علیه ... ایشان را تعاقب می‌سازد ... خود با کمال امنیت در دولت علیه

که سرکرده‌های این دولت علیه بواسطه رعایت شرایط ... و عدم ... دوستی ... از تعاقب ایشان ... بند

مراجعت می‌سازند ... بعضی از طوایف ... حرکات ... ایشان را بهیچوجه مخالفت و جلوگیری نکرده اکراد مزبوره

در این اطوار ... صواب ... کذاشته‌اند ... از جانب جناب ... بکمال اهتمام ... امیر ... تأکیدات لازمه ...

تأکیدات لازمه ... و سرحدات ... مرتبه‌های ... اسدالله ... بنظیر

اینگونه اطوار ... سرحدات ... ممالک ... دولتین ... اگر ... واقع شود ... و ... اجرا

شهرت ... در تحت ... خواهد گرفت ... باقتضای ... ارتکاب ... جناب ... صادر

... کرده ... در رعایت ... و دفع اینگونه ... ایکه ... از ...

رعایت ... نیز ... منظور خواهد داشت در ... لازم ... ۱۲۹۰

... کاغذ ... ۲۷ ... ۲ ... ۴ ...

شمارهٔ سند: ۳٦۷
موضوع: تجاوزات
تاریخ: ۱۲ ذیقعده ۱۲۹٦ هـ.ق
کارتن: ۱٦
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۱۷

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

هو

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا متشفقا معظما مکرما مهربانا

از قرار شرحی که از ولایت وان به سفارت کبری در طهران رسیده است، از کسان علی‌آقای شکاک طایفهٔ خضری فراریان دولت علیه عثمانیه تخطی نموده به حیوانات بازرکه تابع ناحیهٔ دیری می ریزند و چوپان آنها را قید و بند کرده به طرفی می‌گذارند و پنجاه شصت رأس حیوانات مزبوره را یغما کرده می برند و تا مأمورین حدود مطلع می شوند داخل خاک ایران می‌کنند اکنون از انصاف و حق‌شناسی مسلم جناب مستطاب اشرف سؤال می شود که آیا نهایتی نباید به این حرکات داده رعایای بیچارهٔ سرحدنشین را آسوده داشت و البته جناب مستطاب اشرف هم مثل دوستدار از استماع این وقایع متوالیه متأسف خواهند شد و لهذا جداً دوستدار خواهشمند می باشد که شرح اکید در استرداد منهوبات مزبوره و جزای مرتکبین مذکوره و عدم تکرر حالات مرقومه به هرجا لازم داشته مرقوم فرمایند و اگر منکر باشند این فقره را هم مزید موادی فرمایند که به مقرب‌الخاقان قلی خان سرتیپ به تحقیق و تسویهٔ آنها مأمور است و کاش نگارش دهند که مقرب‌الخاقان مشارالیه در کجا خواهد بود که مأمور ولایت جلیلهٔ وان هم زودتر به او ملحق شود تا به اتفاق به تحقیق و تسویهٔ امور پردازند. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۲ ذیقعدة‌الحرام ۱۲۹٦

مهر فخری

۱۱۷

خدمت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۶۸
موضوع: تجاوز کسان علی آقا شکاک به وان
تاریخ: ۲۰ ذیقعده ۱۲۹۶ هـ.ق
کارتن: ۱۶
پرونده: ۵/ح

نمره: ۷۲

به سفارت کبرای دولت علیه عثمانی (نامه وزارت خارجه)

مراسلهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۲ شهر ذیقعده ۱۲۹۶ نمره ۱۱۷ که مشعر بر اظهار شکایت ولایت وان از کسان علی‌آقای شکاک رعیت قدیمی و مستمرهٔ دولت علیهٔ ایران و نسبت بردن پنجاه شصت رأس حیوانات از درهٔ باژرکه دیری ملک صحیح دولت علیهٔ ایران که حال در تصرف غصب مأمورین عثمانیه است واصل ایادی توقیر گردیده از آنجا ه دوستدار حتی المقدور اهتمامات کاملهٔ خود را مصروف حفظ احترام اظهارات آن جناب جلالت‌مآب می نماید مخصوصاً با تلگراف و تحریراً مراتب را از کارگزاران آذربایجان استفسار و تأکید کردم که به هیچ‌وجه من الوجوه از احقاق حقوق عبادالله خودداری نکرده هرگاه مابین آنها حقی مانده است جهد کامل مرعی دارند که معوق نماند. زیاده زحمت‌افزا شد. ایام مودت مستدام باد. ۲۰ شهر ذیقعده ۱۲۹۶

سفارت کبرای دولت علیه عثمانی

مراسله جناب جلالتمآب مورخه ۱۲ شهر ربیع ۱۲۹۰ نمره ۱۱ در خصوص اظهار تبعیت دولت ایران از رسول [illegible]

رعیت قدیمی و مستمره دولت علیه ایران و نسبت [illegible] حیوانات [illegible] دیگر [illegible]

دولت علیه ایران حالا در تصرف غصب [illegible] عثمانیه است و [illegible] دیگر [illegible]

استدعات که [illegible] مصروف حفظ احترام [illegible] جناب [illegible]

مراتب را [illegible] نمود [illegible] الوجود [illegible]

۱۲۹۰

مذاکره [illegible] شد [illegible] ۲۰ [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۶۹

موضوع: راجع به امور مرزی و حرکات ناشایست عشایر

تاریخ: (احتمالاً ۱۲۹۷ هـ.ق)

کارتن: ۲۱

پرونده: ۳۰۰

مسودهٔ مقاوله‌نامه‌ای است که مابین حضرت دولت‌مآب ابهت‌مآب مشیرالدوله حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه و سعادت‌مآب فخری بیگ افندی سفیرکبیر دولت علیه عثمانی، برای دوام استحصال آسایش در امتداد حدود و چاره و جلوگیری سوء نتایج عشایر و سایر اهالی داخله سرحدات دولتین علیتین ایران و عثمانی که در حین وقوع حرکات ناشایسته از آنها دولت متبوعهٔ به ترتیب و تأدیب آنها اقدام و یا به اخذ مالیات دیوانی از آنها قیام می‌نماید. از حدود تجاوز و خانهٔ خود را به طرف دیگر نقل کرده از مجازات و تکالیف فراغت حاصل می‌نمایند. و این حالت انواع سوء نتیجه خواهد بخشید. به نام دولتهای متبوعه خود به قرار آتیه منعقد خواهد شد.

مادهٔ اولی

یک نفر یا یک طایفه از هر نوع عشایر و اهالی متوطن در داخله ممالک یکی از دولتین در حالتی که برحسب لزوم باید تأدیب شوند یا تحصیل مالیات از آنها بشود، یا جسارت به قتل و غارت کرده باشند، منفرداً یا باعونه و طایفهٔ عشایر معاً ازحدود تجاوز و به ممالک دولت دیگر التجا و دخالت نمایند، هیچ نوع وسیله و اعتراض ظاهر ننموده آنها به مملکت هر دولت گذشته باشند، قطعاً قبول نشده با همان اموال و اشیا دستگیر شدن و تسلیم نمودن به‌حکومت محل اصلیه آنها[1] و در صورت دستگیر نشدن بالتعقیب اعاده دادن آنها را دولتین مشارالیه تعهد می‌نمایند.

مادهٔ ثانیه

چون اراضی و محالی که متنازع‌فیها معدود است تا حل مسئلهٔ حدود در ادارهٔ هر

۱. جمله که بالای آن با رقم یک خطی کشیده شده است و مشتمل بر اجازه تعاقب فراریان معصر در خاک یکدیگر به ظن این بنده معایب و مفاسدش بیشتر از محاسن است، خصوصاً در حق ایران زیادتر مایه غبن خواهد بود. چرا که عثمانی تعاقب را کاملاً اجرا و استفاده می‌کند. ولی ما تعاقب می‌کنیم و نه از تعاقب صرفه می‌بریم خصوصاً در صورتی که قطعاً عثمانیها هم باطناً با هزاران دسیسه اخلال هم می‌نمایند.

دولتی باشد اهالی که در آنجا هستند موقتاً تبعهٔ آن دولت معدودند چه به آنجا بیایند و چه بخواهند از آنجا هجرت نمایند[۲]، تمامی احکام این مقاوله در حق عشایر و اهالی آنجا اجرای خواهد شد. امّا ادعای دولتین مشارالیه را در حق اراضی و محال مذکوره و عشایر و اهالی آنجا قطعاً تغییر نخواهد داد.

مادهٔ ثالثه

از عشایر متوطن و یا خیمه‌نشین داخلهٔ ممالک دولتین علیتین مشارالیها جمله عشایری که در آن مملکت هست و تبعهٔ دولت هستند[۳] هرگاه طالب هجرت یافت شود از این مقوله اشخاص از احکام مادهٔ اولی مستثنی هستند. امّا آنها وقتی بخواهند بروند. در هر حال قبل از آنکه اول به حکومت محلیه خبر داده تحویل احوال شده، اگر مالیات دیوان بر عهدهٔ آنها باشد تأدیه و یا ادای آنها را تعهد نمایند و یا مثل قتل و غارت و تهمت اگر متهم باشند، اجرای مجازات قانونیه بشود قبول نخواهد شد.

مادهٔ رابعه[۴]

در حالتی که عشایر متوطن یا خیمه‌نشین دولتین که در مادهٔ ثالثه بیان شده از روی اصول و قاعده به مملکت یکدیگر هجرت نمایند آنها لااقل سی فرسخ در داخله توطن داده خواهند شد، و از آنها در امتداد حدود چه با مأموریت و در سایر صورتهای دیگر افسادی ظهور نخواهد یافت.

اگرچه کسانی که سابق هجرت کرده باشند و در امتداد حدود متوطن شده باشند، بالطبع از محل خود حرکت داده نمی‌شوند. ولیکن در میان آنها هر کس به

۲. جمله که بالای آن به رقم دو خط کشیده شده است به ظن من زاید و بی‌معنی است. اگر حکماً باید نوشته شود باید ایضاح شده هر چه مقصود است به مقتضای آن اگر مناسب شد نوشته شود.

۳. این جمله سیم افادهٔ معنی واضح نمی‌کند، توضیح لازم دارد که بی‌پرده معلوم شود، مقصود چیست.

مادهٔ ثالثه و رابعه به ظن بنده بکلی بی‌معنی و خلاف منافع خاصه ایران است که بر قسمتها داخل معاهدات نموده است. بلی اگر حکم این دو ماده تنها به عشایر منازع‌فیها که در ممالک یکدیگر هستند راجع بشود عیبی نخواهد داشت. در حق این مقوله عشایر هم پنجاه فرسخ تبعید نسبت به حالت ایران مناسب نیست چرا که در جاهایی که پنجاه فرسخ از سرحد دور باشند ما جای عشیرتی نداریم مگر اینکه از حدود غربیه به حدود شرقیه و حومه بعضی به جانب فارس و خراسان فرستیم آن هم متضمن عسر حرج است.

۴. اگر شرط ابعاد سی فرسخ و پنجاه فرسخ نبود، تحمل همین دو ماده سیم و چهارم هم خلاف صرفهٔ ایران نمی‌بود. ولی ابعاد مزبور هم غیرممکن است هم اگر ممکن هم بوده باشد، مقتضی است که متدرجاً تمامی حدود از عشیرت خالی و اغلبی که غیرقابل اسکان رعیّت محال دیگر است خالی از سکنه و بایر بماند.

متفاوت شهرت یافته و در حق او به دفعات شکایت حقه شده باشد، لااقل پنجاه فرسخ به داخله تبعید خواهند شد. و همچنین کسانی که مقدماً از خوف عشایر هجرت کرده در امتداد حدود به هیچ خدمت مستخدم نخواهند شد. و اگر مستخدمین هم باشند، تبدیل خواهد شد.

مادهٔ پنجم[۵]

هرگاه عشایر و اهالی دولتین یک نفر یا جمعیتی به تجاوز حدود و به امثال غصب و غارت و به تقصیرات کوچک مجاسرت نمایند، این موقوله‌ها که در دست می‌باشند. یا به تعیین مأمور از طرفین و یا به معرفت قمسیون که تدقیق داده شود، اجرای مجازات آنها را نظر به حالتی که تبین نموده در حکومت محلیه که به دست آمده‌اند و شرعاً و قانوناً معین خواهد شد و استرداد اموال مغصوبه گر باشد: کاملاً و استحصال چارهٔ عدم تجاوز عشایر را از حدود بلارخصت دولتین علیتین تعهد می‌نمایند.

مادهٔ ششم[۶]

تسلیم کردن عساکر فراری را هر جا باشد و به هر صفت و مأموریت دیده شود، به همان حکومت دولتی که منسوب به آن است دولتین علیتین متعهد هستند.

مادهٔ هفتم[۷]

فراری‌های پولتیک از احکام این مقاوله‌نامه مستثنی است.

مادهٔ هشتم[۸]

گذشتن عشایر دولتین به ممالک طرفین برای ییلاق و قشلاق و فرستادن هر نوع حیوانات آنها کماکان در تحت ممنوعیت خواهند بود.

۵. فقرهٔ عمده همین مادهٔ پنجم بود که حتی به تهیه و احتصار گذشته و تحقیقات لازمه را راجع به حکومت محلیه و شرع و قانون نموده‌است و حال آنکه همهٔ اشکالات در سر همین فقره است. رسیدگی رنگت و جرم و جنایت آنها و اثبات اموال مسروقه یا منهوبه یا در محضر قومیسیون مختلط حبس یا مقبولیت یا تسویه شهود آنها از هر طایفه و هر فرقه که بوده باشند، به قانون شریعت مطهره مجری شود، همیشه این منازعات رفع خواهد بود. یعنی از هر طرف یک ملایی در جزو قومیسیون باید بوده باشد. آنها به حکم شرع رسیدگی نمایند چنانکه میان ما و روسیه متداول است.

۶. به آخر این فقره علاوه شود، مگر در صورتی که عسکر مزبور از تبعهٔ اصلیه دولت مستخدم نبوده باشد.

۷. فراری پولتیک هم شرح و الفاضی [الفاظی] لازم دارد که سرحدداران عوام بفهمند.

۸. این جمله نیز کریه و متضاد است، یکی می‌گوید احکام معاهده را اخلال نخواهد کرد. حرا می‌گوید الی الابد مجری خواهد بود.

مادهٔ نهم[۹]

این مقاوله‌نامه احکام، هیچیک از معاهدات موجوده منعقده بین‌الدولتین و مقاولات مرعی‌الاجری را تغییر نخواهند داد. مرعی‌الاجری نمودن این مقاوله‌نامه را سه ماه بعد از تاریخ امضای آن و خلل نرسیدن به این مقاوله‌نامه را به هیچ سبب و وسیله دولتین مشارالیها تعهد می نمایند.

۹. این مقاوله باید موقت باشد در ختام وعدهٔ تراضی طرفین تجدید شود. یک نقص دیگر هم وارد این است که منازع‌فیه عشایر موقفین امروز در خاک دولتین معین نیست، تا معین نشود دایم اسباب نزاع خواهد بود، یک طایفه را طرفی منازع و طرفی دیگر قمضی [غمضی] معدود خواهند داشت.
حواشی ملاحظات اقل بندگان محبعلی است.

[illegible] و سعادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

رزانه قیام می‌نماید [illegible] خود را [illegible] فراغت [illegible]

چند خواهد بخشید تمام و دولتین متوجه خود قرار داده منعقد خواهد شد

ماده اولی

منظور [illegible] که هر نوع [illegible] اهالی ترکمن [illegible] دولتین [illegible]

[illegible] نوشته باشند [illegible]

[illegible] تسلیم نمودن [illegible]

[illegible] در صورت دستگیر شدن [illegible] آنها را [illegible] تعهد می‌نمایند

ماده ثانیه

چون اراضی [illegible]

۲

[illegible] خواهد شد [illegible]

در حق اراضی [illegible] مذکوره [illegible] اهالی [illegible] تغییر نخواهد داد

[illegible]

ماده ثالثه

۳

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تا زمانی [illegible] نخواهد شد

ماده رابعه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و متهم خواهند شد و اگر آنها در ایران بصورتی دیگر در اقامت نخواهد [illegible] اگر یک یا چند نفر از اتباع هجرت کرده باشند و یا دستگیر شده و یا تسلیم نشده باشند بالطبع از حق ملکیت محروم خواهند شد ولی در میان آنها هر کس تبعه دولت [illegible] باشد و در حق او به قوانین مملکت [illegible] رفتار خواهد شد و همچنین کسانی که [illegible] هجرت کرده و یا [illegible] از هیچ مدت [illegible] نخواهند شد و اگر مقیم [illegible] هم باشند تبعه [illegible] خواهند شد

ماده پنجم

هرگاه عشایر و ایلات [illegible] یک نفر یا جمعیتی که از حدود [illegible] به قتل و غارت و تقصیرات [illegible] مرتکب [illegible] می‌باشند با تعیین مأمور از طرفین با معرفت [illegible] تحقیق [illegible] خواهد شد و جبران خسارات آنها [illegible] به دست آمده [illegible] معین خواهد شد [illegible] در صورتی که [illegible] با رعایت [illegible] تعهد می‌نمایند

ماده ششم

تسلیم کردن عشایر یا فراری [illegible] هر چه باشد [illegible] از طرف [illegible] حکومت [illegible]

ماده هفتم

قرارهای پولتیکی که از احکام این مقاوله‌نامه مستثنی است

ماده هشتم

گذشتن عشایر طرفین به املاک طرفین برای ییلاق و قشلاق در زمستان و هر نوع حرکات آنها تماماً در تحت [illegible] خواهد بود

ماده نهم

این مقاوله‌نامه از احکام [illegible] که از معاهدات موجوده منعقده بین الدولتین و مقاولات [illegible] اجرا [illegible] تغییر نخواهد [illegible] اجرا نمودن این مقاوله‌نامه را [illegible] از تاریخ امضای آن [illegible] این مقاوله‌نامه را [illegible] دولتین [illegible] تعهد می‌نمایند

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۰
موضوع: غارت اهالی ناحیهٔ بدره عثمانی توسط عشیرت ملخطاوی
تاریخ: ۱۱ و ۱٦ جمادی‌الاخر ۱۳۰۰ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۵ و ۳٤

ترجمهٔ تذکرهٔ ایالت بغداد که به کارپردازخانه نوشته شده

نمرهٔ ۱۵، از قرار تحریرات قایم‌مقامی کوت‌الاماره که به متصرفی مرکز بغداد نوشته شده بلاسم نام از عشیرت ملخطاوی و برادر او طاهرناه با جهل پنجاه نفر تفنگچی آمده چهارصد رأس الاغ و گاو و گوسفند از اهالی ناحیهٔ بدره اخذ و غارت کرده‌اند و بلاسم مزبور از آدمهای معتبر حسن‌قلی خان حاکم لرستان است و حرکات مزبوره به موافقت خان مومی الیه است و صورت اموال منهوبه لفاً فرستاده شد که از متجاسرین تمام و کمال استرداد و تأدیب ناهبین و در سرحدودِ منع این گونه تجاوزات را نموده و نتیجهٔ ماده را بیان‌نمایند. فی یازدهم جمادی‌الاخر سنه ۳۰۰ و ٦ نیسان سنه ۹۹

نمرهٔ ۳٤، ترجمهٔ جوابی است که از کارپردازخانه به ایالت بغداد نوشته شده

در تذکرهٔ اصفأنه نمرهٔ پانزدهم و ششم نیسان سنهٔ ۹۹ از قرار تحریرات قایم‌مقامی کوت به متصرفی مرکز اشعار فرموده بودند، بلاسم و برادر او طاهرنام با چهل پنجاه نفر تفنگچی چهارصد رأس الاغ و سایر مواشی از اهالی ناحیهٔ بدره نهب کرده‌اند و این بلاسم از آدمهای معتبر حسین‌قلی خان حاکم لرستان و به موافقت رأی ایشان است خان مشارالیه والی ایالت مثل لرستان مملکتی است هیچ‌وقت به این گونه تجاسرها قایل نمی‌شود موافقت خان مشارالیه را که قایم‌مقام کوت‌الاماره اسناد داده محض سهو و بی‌اساس است با همهٔ اینها به جهت اجرای تحقیقات صدق و کذب اسناد و تجاسر کیفیت را به جانب سامی وزارت جلیلهٔ امور خارجه عرض نمود، آنچه نتیجهٔ تحقیقات حاصل می‌شود بیان و اشعار او طبیعی خواهد شد. به تاریخ ۱٦ جمادی‌الاخری سنه ۳۰۰ و ۱۲ نیسان سنه ۹۹

٥٠٠

١٥ حکومتدن کارپردازخانه‌یه یازیلان تلغرافك صورتیدر

ملحق ... عشیرتندن بلدیکی و برادری ... نام کیمسه قرقره‌لی تفنکجی ایله کلرك بدره ناحیه‌سی اهالیسندن ... رئیسی فدیه‌ ... دیکر ... غارت ایتدکاری ومرقوم بلدیکی دستانه حاکمی حسین قولیخانك ال ... اولدیغی ... تجاوزی خانه ... موفق ... اولدیغی بیانیله اجرای ایجابی کورینه ... قائممقاملغندن اسقارعلو ... مرکز متصرفلغندن کلان تلغرافده بیان ایدلمسیله اموال منهوبه‌نك ... صورت ... لطفاً ... ایدیلمسی ... اموال منهوبه‌نك ... تأدیبی ... حدود ... تجاوزاتك ... تکرری اسبابنك استحصال ونتیجه‌ ... بیان ... تأکید ... احترام ... اتخاذ ایدلدی

١١ جمادی الاخره سنه ٩٩ / ٦ مایس

٢٤ جواباً کارپردازخانه‌دن حکومته یازیلان تلغرافك صورتیدر

ملحق ... عشیرتندن بلدیکی و برادری ... قرقره‌لی تفنکجی ایله بدره اهالیسندن ... رئیسی فدیه ... ایتدکاری ومرقوم بلدیکی دستانه حاکمی حسین قولیخانك ... خانه ... موفق ... مرکز متصرفلغندن کلان تلغرافده بیان ... اجرای ایجابی ... ٦ مایس ٩٩ ... اشعار ... عطف ... خانه ... دستانه کبی ... هیچ بر وقت ... تلغراف ... موفق ... اولدیغی ... قائممقاملغندن اشعار ... کیفیت ... حقیقت ... جانب ... حاصل ... نتیجه حقیقت ... بیان واشعار ...

١٦ جمادی الاخره ٩٩ / ١٠ مایس

شمارهٔ سند: ۳۷۱
موضوع: فرار حمزه‌آقا به عثمانی
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۲ هـ.ق)
کارتن: ۸
پرونده:

نامهٔ وزیر خارجه به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم، در باب حمزه‌آقا مکرر تلغراف شده چه جناب معین‌الملک چه این اواخر به جوادآقا جواب داده‌اند حکم صادر شده رد کنند چند هفته قبل هم باز تلغراف کرده بود و این جان‌نثار عین تلغراف جوادآقا را به جناب امیرنظام نوشته استفسار کردم که چه اقدامات شده اگر رد نکرده‌اند لازم است شما از متصرف و مأمورین سرحد مطالبه کرده بگویید یا رد کنید یا بنویسید همچو حکمی نشده است تاکنون جواب نرسیده موافق این عرایض جناب امیرنظام معلوم می‌شود احکام یا نرسیده، دروغ گفته‌اند یا رسیده اثری بر آن مترتب نشده، فردا ان‌شاءالله در هر دو فقره هم به اسلامبول تلغراف می‌شود هم سفارت اینجا می‌نویسد. لیکن از نوشتن و تلغراف زیاد کردن فایده مترتب نیست قوّت سرحدات باید قدری بیشتر باشند یعنی سرحدات عثمانی و قراول‌خانه و جاسوس داشته باشند، هر وقت تخطی کرده خبر بدهند با استعداد سرحدیه اگر تمام آنها را قتل کنند دولت عثمانی نمی‌تواند اظهار هم بکند. این جان‌نثار به سفارت می‌نویسد به اسلامبول هم تلغراف مفصل خواهد کرد، جواب هرچه شد به عرض خاک‌پای مبارک همایونی می‌رساند. امرالاقدس الاعلی مطاع مطاع

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

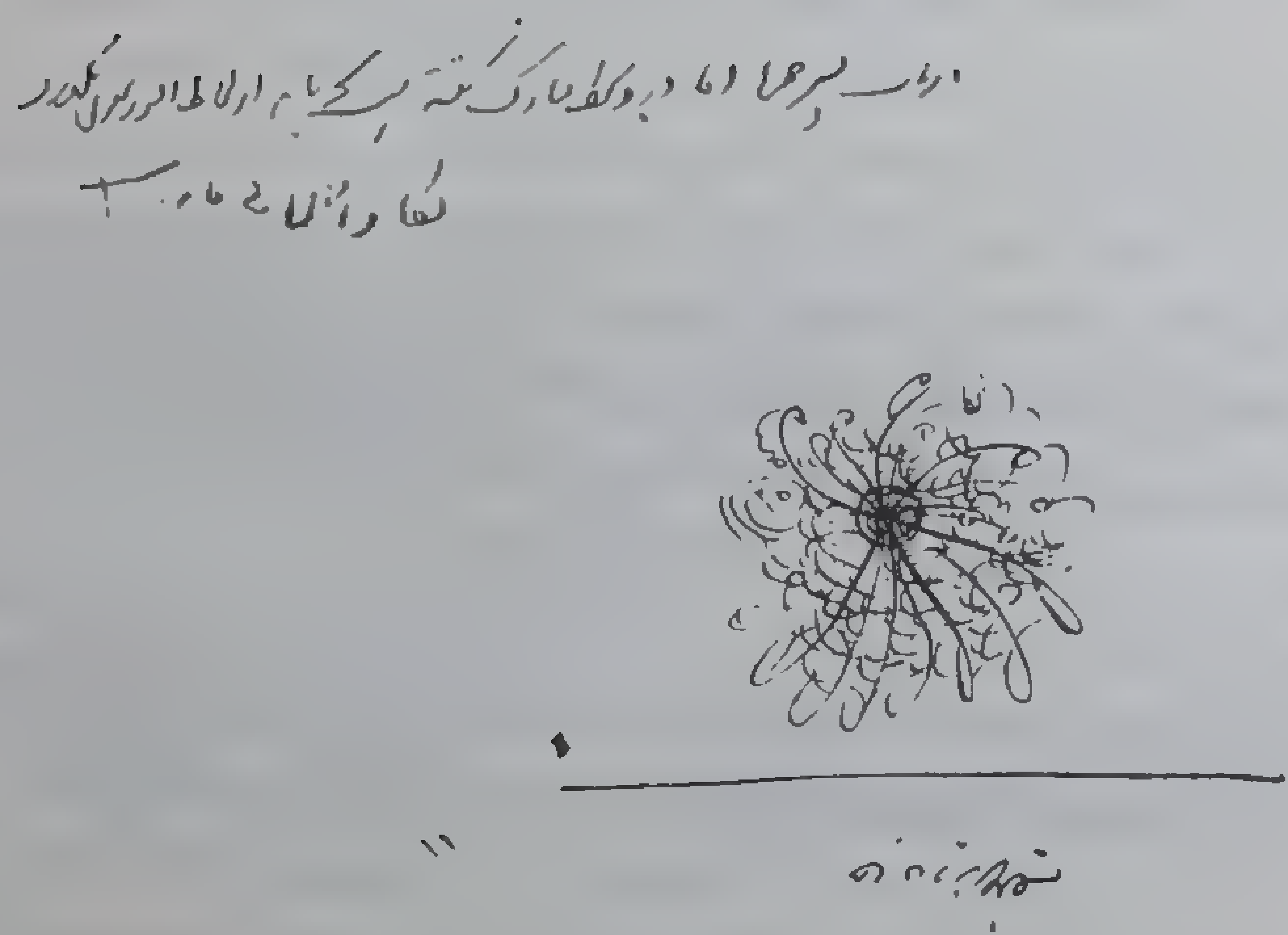
جناب وزیر، در استعداد سرحد و قراول‌خانه‌ها و جاسوس و...صحیح نوشته‌اید همین طور باید رمزاً به امیرنظام تلگراف بکند و با پست مفصل بنویسید که در این نوع کارها مستعد و حاضر باشند و طرف مقابل را قتل و غارت و تلافی کنند تا کی باید به عثمانی‌ها اظهار شود و به‌جایی نرسد. اگر پسر حمزه‌آقا که مدتها در حبس خودمان بود، فوراً سرش را می‌بریدند حالا این یک مسئله نمی‌شد چرا باید همچه پدرسوخته [ای] را زنده

می‌گذاشته که حالا فرار کند. همهٔ اینها تقصیر خودمان است، تقصیر هیچکس نیست.

[پشت پاکت نامه:]

ــ جناب وزیر خارجه

ــ در باب پسر حمزه‌آقا در دستخط مبارک نکته هست باید از لحاظ انور همایون بگذرد. نگاه‌داشتن بی‌فایده است.



[illegible]

شده هر چه سعی کنید ... ادوات تلغراف [illegible]

حکم جاری شده رد کنند ... [illegible]

[illegible] ... امیر النظام [illegible]

... کردم که چرا اقدامات شده ... لازم است

تا از ... سرحد ... [illegible]

... تا کنون جواب [illegible]

... امیر النظام ... [illegible]

[illegible]

شده ... [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۲
موضوع: درخواست علی‌خان شکاک برای رفتن به چهریق
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

جواب جناب جلالت‌مآب اجل افخم امیرنظام دام اقباله به وسیلهٔ نواب ناصرالدوله

تلغراف جناب‌عالی در باب آمدن علی‌خان شکاک به قطور با نود خانوار و اینکه پسر او به خوی آمده، به حاکم خوی نوشته‌اید که چند خروار غله به آنها بدهند و در بلوکات خوی سکنی دهند و آنها قبول نکرده منظورشان رفتن چهریق است. به عرض خاک‌پای اعلی‌حضرت شاهنشاهی روحنا فداه رسید. مقرر فرمودند برای استحضار جناب‌عالی فرمایشات مقرره را ابلاغ نمایم، فرمودند از قراری که به عرض ما رسیده است، علی‌خان مطاعیتی بر همهٔ ایل شکاک که دو هزار خانوارند ندارد بلکه عداوتی هم میان او و اغلب ایل شکاک هست و اینکه علی‌خان می‌خواهد در چهریق به او جا داده شود، بیشتر برای ترس و احتیاطی است که از ایل شکاک دارد که مبادا وقتی فرصت کرده اذیتی به او برسانند. چنانکه سابقاً گاهی این کار را کرده‌اند. دوباره علی‌خان را در چهریق جادادن عیوب زیاد دارد. اولاً، دماغ خشکی دارد از کجا که دوباره یاغی نشود و دولت برای تنبیه او به زحمت تازه نیفتد. ثانیاً، تنها به چهریق اکتفا نکرده حکومت محالات چهریق را هم خواهد خواست همین که به آنجا مسلط شد کسانی را که در مأموریت قشون خدمت کرده بودند بالمره تمام خواهد کرد و رعیت آنجا بالباق خاک عثمانی فرار خواهند کرد. ثالثاً، طالب ایلخانی گری کلّ شکاک خواهند شد اگر ندهند البته مفسده کرده تقصیر را به گردن ایل کاردار شکاک که در صومای برادوست به آسودگی و اطاعت نشسته، مشغول رعیتی هستند خواهد انداخت و سعی خواهد کرد که آنها را مقصر و متهم کند. اگر دولت پاپی نشود حقوق مردم داخل و خارج و قتل و غارتی که علی‌خان و کسان او کرده‌اند مهمل خواهد ماند. و اگر دولت پاپی شود لابد باید به محض حرف علی‌خان به ایل شکاک سخت بگیرد تا به درجهٔ[ای] که آنها از دولت علیه روگردان شوند. در خوی هم اگر بی کار بماند همین مفسده را خواهد

کرد. رابعاً، دادن چهریق دوباره به علی خان مایهٔ حرف می شود که اگر این آدم عیبی نداشت چرا لشکر به سر او فرستاده، خانهٔ او را خراب و خودش را بی پا کردند و اگر عیب داشت دوباره چرا چهریق را به او می دهند. بهتر این است به او بگویند که خود و پسرانش آمده، در تبریز در کمال عزت و آسودگی بمانند نوکری کنند مواجب بگیرند و آسوده و محترم شوند. و آن نود خانواری که با او بودند بروند در محالات چهریق سکنی نمایند نه در خود چهریق اگر این تکلیف را قبول کرد چهریق و محالاتش آسوده و آباد و ایل شکاک فارغ و امیدوار خواهند ماند و فسادی و خلاف نظمی هم از جایی بروز نخواهد کرد. محسنات زیاد دارد که خیلی از اینها بیشتر است، و اگر قبول نکرد منتها این است که دوباره به خاک عثمانی عود نماید. و این برای دولت ضرری ندارد. منتها یک علی خان و چند خانوار از بستگان او از شکاک کم شده اند دله دزدی هم اگر در سرحد خواسته باشد بکند، اولاً در مقابل ایل کاردار نمی تواند. جواب او را بخوبی می دهند، اگر هم جواب ندادند. اولاً دولت زبانش به عثمانی ها دراز است که شکایت و مطالبه نماید. ثانیاً اگر علی خان در چهریق جا بگیرد عثمانی البته مطالبهٔ تبعید او را خواهد کرد. این عیوبات و محذورات در رفتن علی خان به چهریق به نظر همایون اقدس اعلی می آید آیا همین طورها است که تصور شده است یا خیر، خبر دهید که عرض شود.

[پی نوشت:]

این خیلی طولانی است، وانگهی از طرف اعلی حضرت همایون باید باشد و شاهانه هم باشد، اولش تلغراف شما رسید این عیوب در جادادن علی خان در چهریق به نظر ما می آید. فلان فلان الی آخر اما مختصر و شاهانه شما که نزدیکتر به کار هستید چه به نظرتان می رسد عرض کنید.

حضرت مستطاب اجل افخم امیر نظام دام اقباله

تلگراف حضرتعالی [illegible] درباب آمدن [illegible] بتبریز [illegible] نمود [illegible] پسر او [illegible]
آنچه که [illegible] نوشته اید [illegible] رسیده [illegible] در [illegible]
و [illegible] منظور [illegible] است [illegible] بعضی [illegible]
[illegible] مقرر [illegible] برای [illegible] رسیده [illegible]
نایم [illegible] از [illegible] که بعضی [illegible] رسیده است [illegible] این [illegible] است و اینکه [illegible]
[illegible] بلکه [illegible] تمام [illegible] او [illegible] این [illegible] است [illegible] از [illegible] و [illegible] وقتی
[illegible] نشود [illegible] حاکم [illegible] را [illegible]
[illegible] کرده [illegible] و [illegible] از [illegible] دارد [illegible]
[illegible] دارد [illegible] کرده [illegible]
دولت برای [illegible] تازه [illegible] مشغول [illegible] کرده [illegible]
[illegible] را [illegible] خواهد [illegible] را [illegible] خواهد کرد [illegible]
[illegible] تمام خواهد کرد [illegible] کار [illegible] خواهد کرد [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] اگر [illegible] کرده [illegible] خواهد [illegible]
[illegible] حقوق مردم [illegible]
[illegible] که اگر [illegible] باشد [illegible]
کرده اند [illegible] خواهند [illegible] اگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] از [illegible] است [illegible] شود و اگر [illegible] است [illegible]
را [illegible] را [illegible]
[illegible] را [illegible] اگر [illegible] در [illegible] بزرگی
[illegible] و [illegible] شوند [illegible] کنند [illegible] کرده [illegible] شوند

به یادبود بردند در معاملات جهرمی سنگین باشد نه در خود جهرمی اگر این گفته را
قبول کرد جهرمی معامله ترش آلوده را بار دارد انگلک فارغ از آنچه وارد
خوانده‌اند و فساری رضه فقط نظر هم از جایی به روز نگاه کرد حساسیت زیادی دارد
و خیلی از اینها بیشتر است و اگر قبول نکرد متهم این است در باره انگلک عثمان
عمود باشد و آن برای دولت ضرری ندارد متهم به یک سال رجب فاتوار
از بستگان او از انگلک کم شده‌اند ذلک دزدی هم اگر در هر جا خواسته بنمی
بکند آنچه در تعاقب این کار دارد نمی‌تواند جد اسباب را گویا میه اند
اگر هم جواب نداده آنچه دولت زیادی نقش بنیاد نهاد دراز است و انگلکات
و مطالبه باشد تا آنجا که یک سال در جهرمی جا بگیرد غنای آنکه مطالبه تبعه او را
خواهد کرد این عقیده است و چند درست در رفتن یک سال به جهرمی
بنظر ایران اقدام که لازم می‌آید آیا منظور است و تصور شده است
یا خیر خبر دهید و عرض کنم

شمارهٔ سند: ۳۷۳
موضوع: در مورد رفتن علیخان شکاک به چهریق
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

دستخط ناصرالدین شاه

جناب وزیر امور خارجه

یادداشت به سفارت عثمانی را بسیار خوب نوشته‌اید بدهید ببرند. اگر کاغذش را پس گرفت فبها والا شما هم جواب سخت بدی نوشته مطالبهٔ خسارتی که به میان‌دوآب و... وارد آمده است از روی کتابچه حقاً و رسماً مطالبه نمایید. جوابهای ناصرالدوله در فقرهٔ علی خان بقاعده بود شما همان مضامین را تماماً از قول ما بدون اینکه بفهمد ناصرالدوله چیزی گفته است، تلگراف کرده بیرون‌نویسی بکنید، به حضور بفرستید بدهیم مخبرالدوله بزند به این طور که این عیوبات و محذورات در رفتن به چهریق او به نظر می‌آید آیا همین طور است که تصور شده است یا خیر.

[illegible]

یادداشت [illegible]

[illegible] اگر کاغذ [illegible]

پس [illegible] حساب [illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷٤
موضوع: درخواست علی‌خان شکاک برای رفتن به چهریق
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

تلگراف امیرنظام به وزیر علوم

هو

جناب جلالت‌مآب وزیر علوم دام مجده‌العالی علی‌خان شکاک با نود خانوار کسان خود به قطور آمده و پسرش به خوی آمده است نوشته به او بودم آقاخان حاکم خوی علی‌الحساب صد خروار غله به آنها بدهد و در بلوکات خوی ساکن نمایند از قرار تلگراف آقاخان این فقره را قبول نکرده‌اند اصل مقصودشان رفتن چهریق است و پانصد تومان مواجب علی‌خان کماکان داده شود و به قدر کفاف گذران. تا اول بهارهم خیلی به آنها داده شود لیکن دهات خوی راضی نمی‌شوند هم خوف دارند هم میل دارند یک جا باشند و متفرق نباشند و گفته‌اند ما باید امسال برویم میان ایلات گدایی کنیم چون علی‌خان دامادی دارد که در محمودی خاک عثمانی که هفت فرسخی قطور است سکنی دارد احتمال دارد اگر مقصود و میل آنها به عمل نیاید مراجعت کنند و به خاک عثمانی بروند این فقره را هم عرض نمایید. امیرنظام

[حاشیه:] دستخط ناصرالدین‌شاه

جناب وزیر خارجه با ناصرالدوله حرف بزن و همین تلگراف را بده ببینند چون اطلاع دارد به عرض برساند که چه جوابی باید داد.

برار

جناب جلالتمآب وزیر علوم دام مجده العالی تلگرافی که با نوع خانوار
کرمان نمره نقطه دار آمده و برای تحویل آمده است نوشته بودند که آقایان
حاکم تحویل ~~[illegible]~~ علماء ایشان جمعه حرد از علماء با تهامد در ریگلات
تحویل بانکی نمایند از قرار تلگراف آقایان اینجا فقره سوم تحویل نکرده اند
اصل مقصود بانکی رفتن حریق است در باب فقره آقایان مواجب علما
کمالکان دفعه نمره نقدی تلگراف کرده اند تا اول بهار آنها خلق با آنها
دفعه نمره لشکری است تحویل راضی نمیشوند تا تصرف دارند
در آنها میل دارند یک جا باشند متفرق باشند و گفته اند بابا
املاک بردم مال ایلات کرده که تحویل علما دارا دل دارد
در مجهول مال غنائم که مصرف قطعه است آتش دارد
رحمت دارد اگر مقصود دیل آنجا معین نماید مراجعت کنند و ملک
غنائم بسپرند اینجا فقره سوم عرض شد امر کلام

/

ص یاد انتظار

با ناظم الدوله

عرض شود و همه تحریر شد

به ... فرمایش

رسیده ... !

۵ صفر ... بار ...

شمارهٔ سند: ۳۷۵
موضوع: مذاکره کار علی خان شکاک
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۳ هـ.ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۱۲/ع

فهرست عرض به خاک‌پای اقدس همایون [از وزارت خارجه]

برحسب امر قدر قدر همایونی دیروز بعد از مرخصی از خاک‌پای همایون تلغراف رمز پطربورغ را برای میرزا اسداله خان فرستاد بعد به نواب ناصرالدوله اطلاع داد که برای مذاکرهٔ کار علی خان شکاک و قلعهٔ چهریق با او حرف زده اطلاعات او را به عرض خاک‌پای همایون برساند که تکلیف در جواب جناب امیرنظام معلوم شود. چون شب دیر شده بود امروز صبح نزد چاکر فدوی حاضر شد، اعتقاد و اطلاعات ناصرالدوله از این قرار است که علی خان مطاعیتی بر همهٔ ایل شکاک که دو هزار خانوارند ندارد بلکه عداوتی هم میان او و اغلب ایل شکاک هست و اینکه علی خان می‌خواهد در چهریق جا به او داده شود بیشتر از بابت ترس و احتیاطی است که از ایل شکاک دارد که مبادا وقتی فرصت کرده اذیتی به او برساند چنانکه سابقاً گاهی این کار را کرده‌اند دوباره علی خان را در چهریق جا دادن عیوب زیاد دارد اولاً دماغ خشکی دارد از کجا که دوباره یاغی نشود و دولت برای تنبیه او به زحمت تازه نیفتد، ثانیاً، تنها به چهریق اکتفا نکرده حکومت محالات چهریق را هم خواهد خواست همین که به آنجا مسلط شد کسانی را که در مأموریت قشون خدمت کرده بودند بالمره تمام خواهد کرد و رعیت آنجا بالباق خاک عثمانی فرار خواهند کرد. ثالثاً طالب ایلخانی گری کل شکاک خواهد شد اگر ندهند البته مفسده کرده تقصیر را گردن ایل کاردار شکاک که در صومای برادوست به آسودگی و اطاعت نشسته مشغول رعیتی هستند خواهد انداخت و سعی خواهد کرد که آنها را مقصر و متهم کند، اگر دولت پاپی نشود حقوق مردم داخل و خارج و قتل و غارتی که علی خان و کسان او کرده‌اند مهمل خواهد ماند و اگر دولت پاپی شود لابد باید محض حرف علی خان به ایل شکاک سخت بگیرد تا به درجهٔ[ای] که آنها از دولت علیه روگردان شوند. در خوی هم اگر بیکار بماند همین مفسده را خواهد

کرد. و بعد دادن چهریق دوباره به علی خان مایهٔ حرف می‌شود که اگر این آدم عیبی نداشت چرا لشکر به سر او فرستادند. خانهٔ او را خراب و خودش را بی‌خانه کردند. و اگر عیب نداشت دوباره چرا چهریق را به او می‌دهند. بهتر این است به او بگویند که خود و پسرانش آمده در تبریز در کمال عزت و آسودگی بمانند. نوکری کنند. مواجب بگیرند و آسوده و محترم شوند و آن بود خانواری که با او بودند بروند در محالات چهریق سکنی نمایند. نه در خود چهریق اگر این تکلیف را قبول کرد چهریق و محالاتش آسوده و آباد و ایل شکاک فارغ و امیدوار خواهند ماند. و فسادی و خلاف نظمی هم از جایی بروز نخواهد کرد محسنات زیاد دارد که خیلی از اینها بهتر است و اگر قبول نکرد منتها این است که دوباره به خاک عثمانی عود نماید و این برای دولت ضرری ندارد منتها یک علی خان و چند خانوار از بستگان او از شکاک کم شده‌اند دله‌دزدی هم اگر در سرحد خواسته باشد بکند اولاً در مقابل ایل کاردار نمی‌تواند جواب او را بخوبی می‌دهند اگر هم جواب ندادند اقلاً دولت زبانش به عثمانی‌ها دراز است که شکایت و مطالبه نماید یکی هم ناصرالدوله محرمانه می‌گفت که پسر علی خان با آقاخان حاکم خوی خویش و قوم است. تصدیق او در حق علی خان ممکن است مشوب به عرض باشد و نیز می‌گفت من اینها را در چاکری و صداقت به خاک‌پای همایون عرض می‌کنم، استدعا دارم به اسم من شهرت نکنند چاکر فدوی خود نیز جسارت به عرض می‌کند که این حرفها به قاعده و پلوطیک دولت هم نزدیک است اگر علی خان در چهریق جا بگیرد، عثمانی البته مطالبه تبعید او را خواهد کرد اگرچه دولت علیه هم جواب دارد که هر وقت پسرهای شیخ را شما دور کردید، ما هم علی خان و امثال او را دور می‌کنیم برای اطلاع رأی جهان‌آرای همایون جسارت شد الامر الاقدس الاعلی مطاع

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۶
موضوع: تبعید جوانمیر احمدوند
تاریخ: ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۴ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۱۲

مراسله به سفارت کبرای عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

دیروز که با آن جناب جلالت‌مآب در باب جوانمیر مذاکرهٔ شفاهی می نمودیم، دوستدار برای طی این مسئله دستخط آفتاب نقط همایونی را روحنا فداه که در ختم راپورت معتمدالسلطان ناظم الملک شرف صدور یافته و خلاصهٔ آن عبارت از این بود که چون عرصهٔ قصر و زهاب و سایر از شر شقاوت اشرار احمدوند از امنیت افتاده بود برای حفظ امنیت و رفاه طرق و صفحات حدودیه خودمان جوانمیر و اتباع او را به یک مبلغی مخارج نگاهداری و حقوق مزبوره را وقایه نموده‌ایم و تا تحصیل سند تأمین رسمی از باب‌عالی به حفظ حالت حاضره ناگزیریم و مکرر سند رسمی خواستیم که ما را اطمینان بدهند همین که جوانمیر و اتباع او از این طرف دفع و طرد شدند آنها را محو و قمع یا به ولایات دورتر از سرحد تبعید خواهند کرد و بعد از این آن خسارتهای مکرر و زحمتهای متوالی تجدید نخواهد شد و خلاصه جواب آن جناب جلالت‌مآب هم چنین شد که باب‌عالی هرگز از بابت امثال جوانمیر شریر شقی سند نمی دهد اما هر وقت اطلاع دادید که حاضر می‌شوید برای طرد او فوراً ما هم حاضر هستیم برای اخذ و نفی و تبعید او و اگر می خواهید به هیچ وجه متعرض او نشده ابداً اظهاری نکنیم او را به داخلهٔ خودتان مثل اصفهان و امثال آن تبعید نمایید ما ابداً حرفی نخواهیم داشت چون برای ختم کلام می خواهم مراتب را به عرض خاک‌پای معدلت پیرای همایونی روحنا فداه برسانم اگر حاصل مذاکرات جاریه به همین قرار است ملاحظه و مرقوم فرمایید تا عرض شود. زیاده زحمت نمی دهد.

محل امضا

[پی نوشت:]

استفسار تفصیل مذاکرات جاریه فی مابین سفارت کبرا و وزارت خارجه در طرد کلیهٔ احمدوند خاصه جوانمیر و اتباع. ۱۱ ربیع الثانی نمرهٔ ۱۱۲

ملاحظه شد

وزارت امور خارجه
مورخه ۱۱ شهر ربیع‌الاول
سنه ۱۳۰۴
نمره ۱۱۲

مستعجل — مراسله سفارت کبرای عثمانی

در روز ورود آنجناب جلالتمآب در باب جوانمیر که شفاهی میفرمودید در سند الثانی طی مسئله تحت‌الحفظ
اقامت تحت‌الحفظ هیئت دولتی لازم خواهد که در ختم راپورت سعدالسلطان ناظم الملک ارسال و صدور رفعه
و خلاصه آن عبارت از این بود که چون عرضه قصر در باب و برای رفع تعدّیات اشرار اهل و قدم
از امنیت قائم بود برای حفظ امنیت و رفاه طرق و صفحات و دیگر خود ما جوانمیر را با اتباع
او را به یک مبلغی خارج نگاهداری حقوق مرزبانی و قایه نموده‌ایم و تحصیل سند تأمین رسمی
از عالی تحفظ حقوق حاصره نگیریم و همواره برسمی خواهیم بود را اطمینان بدهیم که جوانمیر
و اتباع او از آن طرف دفع و طرد شده آنها را محو و قمع یا از بلدیات جز بر ارض بقیه
خواهد کرد و بعد از این از خسارتهای که در صفحات سرحدی که به اهالی وارد شود و خلاصه جواب آنجناب
جلالتمآب هم چنین شد که باید به هر گاه از بابت امثال جوانمیر مزاحمت نفی نشده نمی دهد اما هر وقت اطلاع
دادید که حاضر میشوید را طرد او فوراً ما هم حاضر هستیم برای دفع و نفی و تبعید او و اگر میخواهید
بهیچوجه متعرض او نشده ابداً اظهاری نکنیم او را به خط خود تا آن سمت اصفهان و امثال آن تبعید نمائید
ما ابداً حرفی نخواهیم داشت چون بطول کلام میخواهیم مراتب را بعرض خاک پای همایونی
روحنا فداه برسانم تا کی حاصل مذاکرات جاریه بهمین قرار است ملاحظه و مرقوم فرمایید
تا عرض شود زیاده زحمت نمیدهد

سفارت العثمانیه ۱۳ ... نمره ...
جمادی‌الاولی ... سفارت کبرای ...
در طرد ...
۱۱ ... ۱۳۰۴ ... ۱۱۲

شمارهٔ سند: ۳۷۷
موضوع: تبعید جوانمیر احمدوند
تاریخ:۱۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۰٤ هـ.ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۱۲/ع
نمره: ۱۳ عمومی ۵ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

مراسلهٔ محترمهٔ جناب مستطاب اشرف عالی مورخهٔ ۱۱ شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۳۰٤ نمرهٔ ۱۱۳ دایر به فقراتی که میان دوستدار و جناب مستطاب اشرف یوم چهارشنبه دهم شهر مزبوره در باب جوانمیر شقی شریر و اتباعش مذاکره شده است واصل انامل احترام گردیده تأیید و تکرار می‌کند که بلی دوستدار اظهار داشتم که دولت علیهٔ متبوعهٔ دوستدار در مطالبهٔ طرد اشقیای تبعهٔ خود سند نمی دهد و می باید جوانمیر و اتباعش را طرد و تسلیم نمود و یا از حدود و آن حوالی تبعید کرد، ولی شق اول مختار و مطلوب باب‌عالی است، و شق ثانی محض تسهیل امر رأی و خیال دوستدار بود و اگر شقین مزبورین را در میزان حق و عدل بیاوریم و جهات پولتیکی و حقوق و فواید آن را ملاحظه کنیم، البته مطلوب باب‌عالی ارجح و اولی خواهد بود.

زیرا که از جهت پولتیک شخص جوانمیر اهمیت ندارد ولی تجاوزات متمادیه و شقاوتهای مستمرهٔ او و اتباع او است که رفته رفته فی‌مابین دولتین امروز رنگ دیگر پیدا کرده که وکلای عظام دولت علیهٔ عثمانیه بکلی از امن و آسایش حدود مأیوس شده‌اند. و از جهت حقوق اگر مرقومین طرد نشوند جرایم و جنایات آنها بلامجازات می‌ماند و مظلومین و منهومین از مدعیان او در دعاوی خودشان باقی و غیرمتسلی می‌مانند و حقاً احتمال می دهند که لدی‌الفرصه باز خودشان را به حدود و نقاطی رسانیده مجدداً مصدر شقاوت و شرارت شوند. آمدیم بر سر جهت فواید و آن این است که در صورت عدم طرد اشقیا و اشرار سایره طرفین تنبیه و آسوده نمی شوند و خاک یکدیگر را برای خودشان ملجا و پناه دانسته هر روز مرتکب شقاوت و شرارت خواهند بود.

و در تبعید تنها امنیت موقّر حدود خواهد بود و بس حالا وقت است که عدل و انصاف و حقوق [illegible] و عهدنامه [illegible] که کرده هر یک [illegible] مرجح و موجب ازدیاد [illegible] و [illegible] دولتین [illegible] و [illegible] مزید [illegible] و [illegible] حدود خانقین [illegible] اولیای [illegible] دولت [illegible] که [illegible] از [illegible] شود. زیاده زحمت است. فی ۱۳ ربیع الثانی سنه ۱۳۰٤

مهر: خلیل خالد

نمره ۱۲ [illegible]
نمره ۵ [illegible]

جناب [illegible] اشرف [illegible]

موضوع [illegible] جناب مستطاب اشرف [illegible] ۱۱ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۰۳ (۱۱۳) [illegible] جناب مستطاب اشرف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حقوق [illegible]

[illegible]

[illegible]

و از جهت حقوق [illegible]

[illegible] سعادت [illegible] وزارت [illegible]

[illegible] از جهت فواید [illegible]

[illegible] وزارت [illegible]

[illegible] حقوق [illegible]

[illegible] ۱۳۰۳

شمارهٔ سند: ۳۷۸
موضوع: تظلم احمدوندها
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۰۴ هـ.ق)
کارتن: ۱۹
پرونده: ۵/ح

نامهٔ صدراعظم (امین‌السلطان) به حاکم کرمانشاه

هو

جواب تلگراف رمز حسام‌الملک رمز شود

تلگراف جناب عالی رسید از ملاحظهٔ همایونی گذشت می فرمایند، اولاً در باب اسرای احمدوند آنچه تا به حال داده شده است کافی است بعد از این یک نفر ندهید و هرچه هست جمع نموده به سر جوانمرد در کرمانشاهان پیش خودتان نگاه دارید دانسته دیگر یک نفر ندهید که لازم نیست ثانیاً، در باب تظلم احمدوندها به باب‌عالی و اصرار والی موصل در اینکه آنها را در میان سلیمانیه و موصل جا بدهید اطلاع حاصل شد خیلی مشکل است که این حرف را دولت عثمانی قبول کرده باشد ولی آنچه لازم است در این باب هم در اسلامبول هم در طهران با سفارت گفتگو خواهد شد و به شما هم اطلاع داده خواهد شد شما هم همواره در اردوها و موصل و غیره جاسوس داشته باشید و از این قبیل اخبارات هرچه باشد زود به زود اطلاع بدهید که لازم است. امین‌السلطان

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۷۹
موضوع: غارت عشیرت کلوعثمانی توسط عشیرت برده‌صور
تاریخ: ۱۷ محرم ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۹۸۷ ــ ٤۷

سواد مراسلهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

عشیرت کمو که تابع رواندز است عزه کوهستان بوده‌اند که از عشیرت برده‌صور ایران احمد و درویش نـ مـ ن باعونهٔ خودشان بر سر آنها هجوم کرده یک نفرشان را می‌کشند و سصد رأس اغناه و چهاررأس گاو و هفت رأس مدیان و سه رأس گاومش آنها را به غارت می برند و به قدر پنجاه رأس اغناه و پنج مادیان آنها را هم جراحت می رسانند و تفصیل را ولایت علیهٔ موصل به باب‌عالی عرضه داشته و از باب‌عالی به سفارت کبرا امر تلگرافی رسیده وکلای عظام دولت علیهٔ عثمانیه استرداد منهوبات و تأدیب مرتکبین را با تأمین از اینکه دیگر این گونه احوال در آن حدود به ظهور نخواهد رسید از همت والای امنای دولت علیهٔ ایران منتظرند. خلیل خالد

سواد مطابق با اصل است ــ مهر دفتر وزارت خارجه

وزارت امور خارجه

نمرهٔ کتاب ثبت
کارتن   دوسیه
نمره های قبل
ضمیمه

تاریخ خروج

سواد مراسله سفارت عثمانی بوزارت امور خارجه

۱۷ محرم ۱۳۰۸ نمره ۱۹۸۷
۴۷

عشیرت کلوه تبعه روند زات عازم کوهستان بوده‌اند که عشیرت زرده‌جور
دیران در حدود ... با عده خودشان بر سر آنها هجوم کرده یکنفرشان را کشته
و سیصد راس اغنام و چهار راس گاو و هفت راس مادیان و سه راس گاومیش آنها را
بغارت میبرند و تعداد پنجاه راس اغنام و پنج مادیان آنها را هم جرح میرسانند و بعضی را
ولایت علیه مراتب را عرضه داشته و از بابعالی تلگرافی رسیده و تأکیدی
عظام ... استرداد منهوبات و تأدیب مرتکبین را با تعیین از آنکه دیگر اینگونه
احوال در آن حدود بظهور نرسد از جهت والای ... دولت علیه ایران متقاضی
شده است

سواد مطابق اصل است

شمارهٔ سند: ۳۸۰
موضوع: مقاصد و خیالات علی اکبرخان
تاریخ: ۱۶ جمادی الاخر ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع
نمره: عمومی ۲۱۷٤ خصوصی ٦

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

موافق تلگرافنامجات واصلهٔ از باب‌عالی و ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت کبری مأمورین سرحدیه کرمانشاهان علی اکبر خان با رئیس عشیرت سنجابی و بعضی خوانین جمعیتی کرده به قصرشیرین آمده‌اند و در تهیه و تدارک اند که با پانصد سوار و پیاده عسکر به قضای خانقین تجوز کرده و در آنجا زراعت و حوانات مقاطعهٔ کانی بز را که از املاک مبریه است تلف و غصب نمایند و از طرف دولت علیهٔ عثمانیه نیز به مشیری اردوی ولایت بغداد حکم شده که بر حسب تکلیف اگر چنان تجاوزی به ظهور برسد در مقام منع و تدافع برآیند و دوستدار به موجب این مراسله خاطر محترم آن جناب جلالت‌مآب را از مضامین هر دو تلگرافنامه اکنون مستحضر داشته. امیدوار است که قبل از مصادمه به واسطهٔ اوامر مؤکده تلگرافی مأمورین سرحدیه کرمانشاهان را از این تهیه و تدارکات و اقدام به چنان حرکات که اسباب سفک دماء و به وقوع رسیدن سایر مضرات و خسارت است سریعاً ممانعت فرموده اطلاع بدهند تا دوستدار هم باب‌عالی و ولایت مشارالیها را از نیات حسنهٔ اولیای دولت علیهٔ ایران در این خصوص مستحضر سازد. زیاده چه زحمت دهد. فی ۱۶ شهر جمادی‌الاخر سنه ۱۳۰۸

محل مهر: خلیل خالد

نمره [illegible]
۲۱۱۲
[illegible]

جناب جلالت مآب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] تجارتی [illegible]

[illegible]

[illegible] در باب [illegible]

[illegible] دولت [illegible] سنه ۱۳۰۸

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۸۱
موضوع: مداخلات عثمان‌بیک رئیس عشایر جاف در حدود مریوان
تاریخ: ۲۹ شوال ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۱۸

به سفیرکبیر عثمانی [نامهٔ وزارت خارجه]

جناب جلالت و نبالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از قراری که از حکومت کردستان بر طبق اشعار عمده‌الامراء العظام ظفرالملک حاکم مریوان نوشته‌اند، در حدود مریوان از قدیم بندی است که نهر زرین جوب از آن جدا می‌شود و این نهر مدتی است متروک و غیرمعمول افتاده، این اوقات عثمان‌بیک رئیس عشیرت جاف بنای پاره[ای] مداخلات در بند مزبور گذاشته و مدعی این است که از دولت علیه عثمانی امر و اجازهٔ مداخله به او داده شده است. و چون آنجا جزو مریوان کردستان و خاک این دولت علیه و حتی در ایام گردش مأمورین دول اربعه در سرحد نیز متصرفی ایران بوده و اکنون مداخله و اقدام عثمان‌بیک در آنجا خلاف قاعده اسطاطوقو و اسباب حدوث اغتشاش سرحدی می‌تواند شد. لهذا احتراماً از آن جناب جلالت‌مآب خواهش می‌شود به هر جا که لازم است مؤکد امر قویم فرمایند عثمان‌بیک را از این مداخله ممنوع و از نتیجهٔ اهتمامات خود دوستدار را قرین اطلاع و امتنان دارند زیاده زحمت ندارد.

محل امضا

وزارت امور خارجه
مورخه ۲۹ شهر [illegible]
سنه ۱۳۰۰
نمره [illegible]

بسفیر کبیر عثمانی

جناب جلالت و نبالت مآب [illegible] دوستا مهربانا

از قراری که از حکومت کردستان راپرت رسیده [illegible] [illegible] تمام ایرانی [illegible] ایران

از قوم [illegible] است که [illegible] جواب [illegible] ازآن [illegible] است [illegible]

عثمان بیک [illegible] خدمت [illegible] است [illegible]

[illegible] شده است و چون [illegible] کردستان [illegible] دولت [illegible]

[illegible] ایران [illegible] اقدام عثمان بیک [illegible] خلاف [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] این موضوع [illegible] اقدامات [illegible] خود [illegible] اطلاع [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۸۲
موضوع: تغییر و قطع مسیر آبی که به سمت خانقین جاری بود توسط حاکم ایوان
تاریخ: ۹ ذیحجه ۱۳۰۸ هـ.ق
کارتن: ۲۱
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۲۴۰۵ عمومی ۳۸ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت‌مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و منعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

از قرار اطلاعاتی که به سفارت کبرا رسیده است، خان احمدخان که امسال باز حاکم ایوان شده است و به ایوان رفته است می‌خواهد آبی که همیشه به خاک خانقین و فزانیه جاری بوده است قطع کند و در اراضی سومبار که در تحت اسطاطوقو می‌باشد برنج‌کاری کند و از ین بابت میان سرحدداران دولتین علتین در آن حدود غایله احداث نماید و از جانب شهبندری دولت علیه عثمانیه مقیم کرمانشاهان این فقره به حکومت اظهار شده مختصر جوابی نوشته‌اند (که بدون رسیدگی و تحقیقات نمی‌توانم جواب بنویسم) و مشاهدهٔ این واقعه و مساهله از جانب حکومت کرمانشاهان موجب اثرات فتنه در سرحد خواهد بود. و لهذا حقاً منتظر است که از جانب امنای عظام دولت علیهٔ ایران حکمی محکم صادر آید که آن آب و اراضی را به همان حالات سنوات ماضیه گذارده خان احمدخان را از این خیالات باطله منع کنند و خلل به قاعده اسطاطوقو وارد نیاورند و موجب حدوث مشکلات فی‌مابین نشوند. زیاده زحمت است. فی ۹ شهر ذیحجة‌الحرام سنه ۱۳۰۸

محل مهر: خلیل خالد

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:]

ــ اول باید به نقشه رجوع کرد و که این اراضی در کجا واقع است و چه حالت دارد و داشته است. اراضی و آب سومار گویا هیچ‌وقت داخل اسطاطوکو و محل هیچ حرف نبوده است و نخواهد بود.

ــ جواب نوشته شد.

[illegible]

نمره ۲۲۳۰۵
[illegible]
۳۱

از قرار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible]

۱۳۰۸
[illegible] ۹ بهمن [illegible]

شمارهٔ سند: ۳۸۳
موضوع: تجاوز و هجوم به مأمورین عثمانی در سرحد
تاریخ: ۲۱ رجب ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نمره: ۱۰۲

هو

ترجمهٔ تقریر وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت کبرا

از قرار مخابرهٔ تلغرافی والی بغداد از فرق ایل خالدی و ایوان من عشایر ایرانیه زیاده بر چهارصد نفر پیاده و سواره به سر مأمورین و ضابطانی که از قصبهٔ مندلی برای منع تجاوزات عشایر مزبوره مأموراً فرستاده شده بود، هجوم آورده یک نفر از آنها را به ضرب گلوله مجروح و از دو نفر دیگر اسب و اسباب اسلحه گرفته‌اند، به ملاحظهٔ عدم وقوع اغتشاش، عسکر دولت علیهٔ عثمانیه از مقابله منع شده و این معنی معلوم است که تجاوزات متوالیهٔ عشایر ایران و حرکات تجاوزکارانهٔ آنها با مأمورین عثمانی که به اجرای وظایف مأموریت خود مراقبت دارند مغایر مناسبات دولتین علیتین بوده و واضح است که منتج محاذیر و مضرات متکاثره خواهد شد. چون این حرکات وجهاً من الوجوه قرین تجویز نخواهد بود مستدعی هستم که به مجازات و تأدیب متجاسرین شدیداً اقدامات لازمه شده و نیز برای سدّ راه این چنین حرکات تجاوزکارانه در آتیه تدابیر مقتضیه را با نتیجهٔ مطلوبه از جانب سفارت پناهی ملتمس و به این واسطه تجدید تأمینات احترامیه را می‌نمایم. فی ۲۱ رجب ۱۳۱۰

خارجه ناظری
سعید

ترجمهٔ تقریر وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت کبری (۱۰۲)

از قرار مخابرهٔ تلگرافی والی بغداد از فرق ایل خالدی و ایران جمعی اشرار آمده

بقیه در چهار [illegible] نفر [illegible] با مأمورین و ضابطانی که از قصبهٔ مندلی برای

منع تجاوزات اشرار مزبوره مأمور و فرستاده شده بود هجوم آورده یکنفر از آنها را

بضرب گلوله مجروح و از دو نفر مرکب و اسباب اسلحه گرفته اند

عدم وقوع اغتشاش مملکت دولت علیهٔ عثمانیه از سابق به منع شده و این تعرضات

در تجاوزات متوالیه اشرار ایران و حرکات تجاوزکارانهٔ آنها

با مأمورین عثمانی در اجرای وظایف مأموریت خود مراتب بلااختیار

نامناسبات در این [illegible] بوده و ملاحظات در نتیجه صادر و مقتضیات [illegible]

مخفی نشد چون این حرکات و هیاهوی البته قرین تحریر نخواهد بود تمنی

هستم در مجازات و تأدیب متجاسرین شدیداً اقدامات لازمه شده

و نیز برای سد راه این حرکات تجاوزکارانه در آتیه تدابیر مقتضیه را اتخاذ

مطلوبه از جانب سفارت شاهنشاهی ملتمس و به این وسیله تجدید تأمین احترامات [illegible] ۲۱ [illegible] ۱۳۲۱

شمارهٔ سند: ۳۸٤
موضوع: تجاوز به مأمورین عثمانی در سرحد
تاریخ: ۲۳ رجب ۱۳۱۰ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵/ح

نمره: ۳۵٦۸ عمومی ۳۳ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب جلالت و نبالت مآبا کفایت و کفالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

دیروز مأمور محترمی از وزارت جلیلهٔ امور خارجه به‌سفارت سنیه آمده و تلگرافی جناب جلالت‌مآب امیرنظام دام اجلاله ارائه نمودند که تنها تجاوزات طایفهٔ خالدی و ایوان در حدود کرمانشاهان منحصر به عشایر ایرانیه نیست بلکه از طرفین است و می باید برای این کار مأمورین طرفین در حدود رفته رسیدگی به دعاوی عشایر طرفین نمایند و سفارت سنیه هم قبول این مطلب را نموده اظهار داشت که به ولایت جلیلهٔ بغداد نگارش خواهد یافت، بعد از رفتن مأمور وزارت مشارالیها دو تلگراف یکی از باب‌عالی و دیگر از ولایت جلیلهٔ بغداد به سفارت سنیه رسیده است، و در هر دو مندرج است به این مضمون (که از مندلی دو نفر از صاحب‌منصبان نظامی و چند نفر هم از افراد نظام مأمور شده بودند که به سرحد رفته، با مأمور ایران مخابره نمایند و از روی حقانیت و بی غرضی به منازعه عشایرین رسیدگی کرده قرار طرد و دفع و نهب و غارات را بدهند. همین که به نزدیک حدود می رسند غفلتاً چهارصد پیاده و سوار بر سر آنها می ریزند و یک نفر از آنها را جرح و دو نفر را هم یراق‌چین نموده حیواناتشان را هم نهب می نمایند به ملاحظهٔ اینکه مبادا خدای نخواسته غایلهٔ بزرگی برخیزد، عساکر عثمانیه را که نزدیک بودند ممانعت کرده نمی‌گذارند که تجاوز نمایند. این تجاوزات متجاسرانه خیلی موجب تأسف است. لهذا سفارت سنیه برحسب اشعار باب‌عالی و ولایت جلیله بغداد خواهشمند است که متجاسرین را فوراً تنبیه و تأدیب نموده و حیوانات و اسلحهٔ منهوبی را مسترد و عاید دارند که دیگر مرتکب این گونه افعال و حرکات متجاسرانه نشوند. زیاده زحمت

است. فی ۲۳ شهر رجب ۱۳۱۰

مهر عرفان بن زیدالعابدین

[حاشیه:] جواب نوشته شد.

[illegible]

نمره ۳۵۰۵
نمره ضمیمه ۲۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۸۵
موضوع: تجاوز و تعدی
تاریخ: ۲۰ ذیقعده ۱۳۱۱ هـ.ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۵/ح

نمره: ۲۷۴ عمومی ۶۱ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

هنوز جواب مراسلهٔ سفارت کبری مورخه ۲۶ شهر شوال ۱۳۱۱ نمره خصوصی ۵۰ در خصوص تخطی و تعدی چهارصد سوار از عشیرت بنی‌تمیم تابع محمره به خاک دولت علیه عثمانیه به تفصیلی که اظهار شده است از مقام جلیل صدارت عظمی نرسیده. تلگرافنامهٔ دیگر از باب‌عالی واصل گردید که از عشایر ایرانیه در حویزه سیدنعمه با چهارصد سوار تکراراً به عشایر نشوه حمله و هجوم آورده سه نفر را کشته و سیزده کس را زخمدار کرده و پانصد رأس گوسفند و یکصد گاو و سیزده قبضه تفنگ غصب نموده است و در تدارک است که نفس نشوه را نیز هجوم و غارت کند و این حرکات نابجا به امر حاکم محمره است که می‌خواهد نفوذ خود را در میان عشایر ایرانیه زیاد کرده آنها را جلب کند و برای منع حاکم مومی الیه با آنکه ولایت علیه بصره مناسب دیده است که محصولات املاک او که در خاک بصره است در مقابل نهب مزبور ضبط شود باب‌عالی از کمال اعتدال و تمدن هنوز روانداشته و منتظرند که دولت علیه ایران حاجت به این گونه معاملات متقابله نگذارند و سریعاً و جداً در مقام احقاق حق برآمده منهوبات و دیات را عاید دارند و مقصرین را هم از حاکم و محکوم تنبیهی بسزا نموده مجازات بدهند. همواره احترامات فایقه دوستدار را جناب مستطاب اشرف ارفع عالی در حق خود برقرار دانند. فی ۲۰ شهر ذیقعده‌الحرام سنه ۱۳۱۱

مهر سفیر عثمانی غالب افندی

[حاشیه:]

ـ تلگراف شد جواب بنویسد.

ـ جواب نوشته شد

سفارت کبرای

دولت علیهٔ عثمانیه

نمره عمومی ۲۲۲

نمره خصوصی ۲۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در حین حضور تقدیم شد ... ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۱۱

شمارهٔ سند: ۳۸٦
موضوع: منع ورود عشیرت جاف به ییلاق کردستان
تاریخ: ۱٦ ذیقعده ۱۳۱۲ هـ.ق
کارتن: ۲٤
پرونده: ۱۲/ع

نمره: ۹۳٦ عمومی ۵۹ خصوصی

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا

موافق امرنامه واصله از باب‌عالی به سفارت سنیه تحریری سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول به باب‌عالی نوشته بودند که اگرچه برای اعطا و اجرای تأمینات عثمان‌پاشا رئیس عشیرت مزبوره تا حال دو سه سال است به عشیرت جاف رخصت داده شده بود که به ییلاق کردستان بروند ولی به جهت ایفاع جرایم و نهب اموالی که از آنها در این آخر سر زد و از بی‌ثمری تشبثاتی که در این خصوص به عمل آمد، دولت علیهٔ ایران به جاهای لازمه امر کرد که عشیرت مزبوره را از آمدن به ییلاق کردستان منع نمایند و حال آنکه این عشرت دویست سال است که از رفتن به ییلاق کردستان ممانعت نشده‌اند و همه‌ساله می‌رفته‌اند و عثمان‌پاشا در زمان ریاست خود نگذاشته است که از عشرت جاف در عزیمت و عودت خلافی ناشی شود و دستخط همایونی مصدق هم در دست دارد و اگر از افراد آن گاه‌گاه مختصر سرقتها شده باشد گرفته و به واسطهٔ مأموری که از سنندج آمده به صاحبانش تسلیم گردیده است در این صورت باب‌عالی مصراً منتظر است که امر صریح تلگرافی از جانب جناب مستطاب اشرف عالی به هر جا باید سمت صدور یابد که عشرت مزبوره را از رفتن به ییلاق کردستان کسی مانع نشود و بگذارند مثل سنوات سابقه به اماکن قدیمه که می‌رفته‌اند بروند و در حدود سبب حدوث بعض غوایل محتملهٔ غیرمجوزه نشوند و سفارت سنیه را هم مستحضر فرمایند. همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را جناب مستطاب اشرف عالی در حق خود برقرار دانند. فی ٦ ذیقعده ۱۳۱۲

دولت علیّهٔ عثمانیه

نمرهٔ عمومی ۹۲۶

نمرهٔ خصوصی ۵۱

جناب مستطاب اشرف امجد افخم [illegible]

در رفع [illegible] بسفارت سنیه تقریر [illegible] عشایر [illegible] در [illegible] بالای [illegible] نوشته [illegible] اطلاعات [illegible]

عثمان پاشا رئیس عشیرت هرکی [illegible] بریاست عشیرت [illegible] خدمت [illegible] سید [illegible] کردستان [illegible]

ارتکاب جرایم و نهب اموال [illegible] در [illegible] دولت [illegible]

که عشیرت [illegible] سید [illegible] کردستان [illegible] این عشیرت [illegible]

و هر ساله [illegible] عثمان پاشا [illegible] ریاست خود [illegible] عشیرت [illegible]

[illegible] در [illegible] و دیگر [illegible] آن [illegible]

در [illegible] عشیرت [illegible] سفارت [illegible]

[illegible] سید [illegible] کردستان [illegible]

[illegible] ۲۶ ذی [illegible] ۱۳۱۲

شمارهٔ سند: ۳۸۷
موضوع: منع ورود عشیرت جاف به داخل خاک کردستان
تاریخ: ندارد
کارتن: ۲٤
پرونده: ۱۲/ع

به سفارت عثمانی نوشته می‌شود [نامهٔ وزارت خارجه]

مراسله محترمهٔ آن جناب مجدت و فخامت همراه مورخهٔ ۱٦ شهر ذی‌قعده ۱۳۱۲ نمره ۵۹ در خصوص عشایر جاف واصل گردید و با کمال احترام جواباً زحمت اظهار می‌دهد که عشایر جاف به واسطه سوء رفتار و ارتکاباتی که دارند و از ورود آنها به داخلهٔ کردستان تضررات کلی به انفس و اموال مرده آن حدود می‌رسد چنانکه از مکاتبات کثیرهٔ مابین وزارت امور خارجه و سفارت سنیه و بعضی مأمورین دولتین علیتین معلوم است. همیشه از عبور به داخلهٔ کردستان ممنوع بودند حتی به واسطهٔ اینکه با وجود ممنوعیت به طور سرقت و تجاوز گاهی خود را به داخلهٔ خاک کردستان رسانیده و بعضی ارتکابات غیره مجوزه می‌کردند اولیای دولت علیه ایران همه‌ساله متحمل مخارج و خسارت کلی شده اسباب ممانعت آنها را از سرباز و سوار و غیره در سرحد فراهم می‌آورد که مردم کردستان از ارتکابات آنها امنیت حاصل نمایند. معهذا محض احترام خواهش محترم آن جناب و رعایت رویهٔ حسن همجواری در صورتی که سفارت سنیهٔ کبرا در منع ظهور اعمال سالف‌الذکر عشایر مزبوره تأمینات لازمه بدهند و مکتوباً تعهد جبران و غرامت هر خسارت و ضرری که از آنها به انفس و اموال اهالی ایران برسد بفرمایند، اولیای دولت علیهٔ ایران هم مساعدتاً از اعطای اجازه موقت در هذه‌السنه به عشایر مزبوره که از دخول به خاک کردستان موقتاً مجاز باشند مضایقه نخواهند داشت. زیاده زحمت نمی‌دهد. محل امضا

بسفارت عثمانی نوشته میشود

مراسلهٔ محترمه آن جناب جلالت و فخامت همراه مورخه ۶ ماه ذیقعده [illegible]

عشایر جاف واصل گردید و با کمال احترام جواباً زحمت افزا میشود

در رفتار و ارتکابات تعدی‌آمیز و اردو [illegible] اینها در داخله کردستان

مردم آن حدود میرسد چنانکه از شکایات کثیره [illegible] وزارت امور خارجه

و بعضی مأمورین دولتی عثمانی سهم است همیشه از عبور بداخله کردستان ممنوع

با وجود ممنوعیت بطور سرقت [illegible] کالای خود را بداخله خاک کردستان

ارتکابات غیر مجوزه می‌کنند اولیای دولت علیه ایران همه ساله

اسباب ممانعت اینها را از سرباز و سوار و غیره در سرحد فراهم می‌آورد

از ارتکابات اینها ممانعت [illegible] احترام [illegible]

و رعایت رویهٔ حسن همجواری در صدور [illegible] سفارت سنیه

سالف الذکر عشایر مزبوره تأکیدات [illegible]

هر خسارت و ضرری که از اینها بنفوس و اموال اهالی ایران

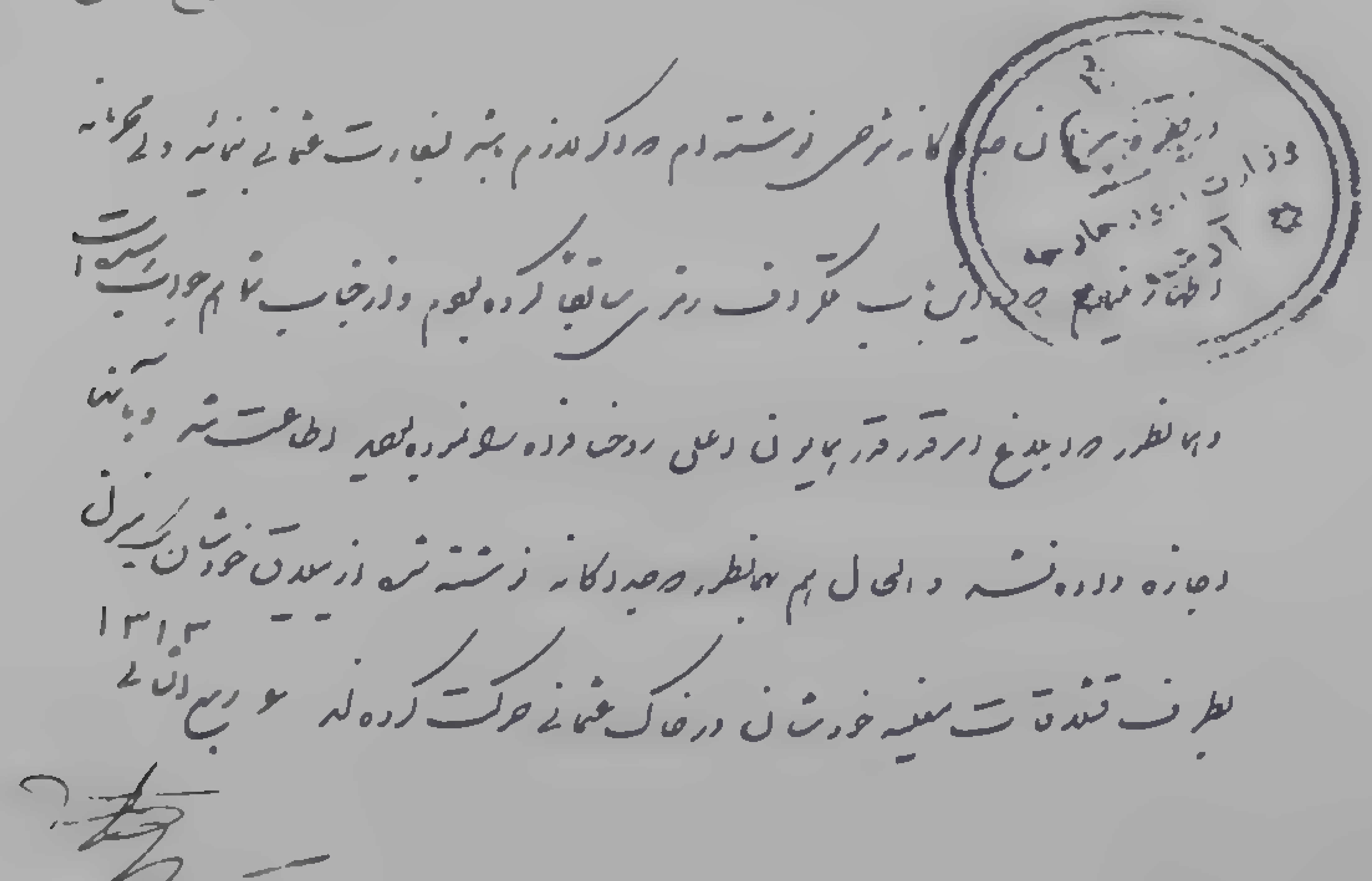
اولیای دولت علیه ایران هم [illegible] از اعطای اجازه

شمارهٔ سند: ۳۸۸
موضوع: مهاجرت قبایل پیران به خاک ایران
تاریخ: ۶ ربیع الثانی ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۴۲

نامهٔ مظفرالدین میرزا در مورد طایفهٔ پیران

در فقرهٔ پیران جداگانه شرحی نوشته‌ام که اگر لازم باشد به سفارت عثمانی بنمایید ولی محرمانه اظهار می‌نمایم که در این باب تلگراف رمزی سابقاً کرده بودم و از جناب شما هم جواب رسیده است، و همان طور که ابلاغ امر قدر قدر همایون اعلی روحنا فداه را نموده بودید، اطاعت شد و به آنها اجازه داده نشد و الحال هم به همان طور که جداگانه نوشته شده از ییلاق خودشان یک منزل به طرف قشلاقات معینه خودشان در خاک عثمانی حرکت کرده‌اند.

امضای ولیعهد مظفرالدین میرزا
۶ ربیع الثانی ۱۳۱۳


در فقره پیران جداگانه شرحی نوشته‌ام که اگر لازم باشد به سفارت عثمانی بنمایید ولی محرمانه
اظهار می‌نمایم که در این باب تلگراف رمزی سابقاً کرده بودم و از جناب شما هم جواب رسیده است
و همان طور که ابلاغ امر قدر قدر همایون اعلی روحنا فداه را نموده بودید اطاعت شد و به آنها
اجازه داده نشد و الحال هم همان طور که جداگانه نوشته شد از ییلاق خودشان یک منزل
به طرف قشلاقات معینه خودشان در خاک عثمانی حرکت کرده‌اند ۶ ربیع الثانی ۱۳۱۳

شمارهٔ سند: ۳۸۹
موضوع: مهاجرت قبایل پیران به خاک ایران
تاریخ: ٦ ربیع الثانی ۱۳۱۳ هـ.ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ٤۲

نامهٔ مظفرالدین میرزا مبنی بر مهاجرت طایفه پیران

در باب اظهارات سفیرکبیر عثمانی و مسئلهٔ طایفهٔ پیران تفصیلی که اظهار نموده بودید مطلع شدم، اینکـه سفارت عثمانی گفته که محمدامین رئیس طایفهٔ پیران دو نفر به تبریز فرستاده و با کارگزاران محلیهٔ آذربایجان در این گفتگو هستند که محلی برای سکونت پیران در لاهیجان معین نمایند و به آنها اجازه داده شود که از خاک عثمانی مهاجرت و در لاهیجان سکونت نمایند ابداً این فقره صورت صحت ندارد و چنین چیزی نیست، و الان طایفهٔ پیران از ییلاقات خود کوچیده و یک منزل آن طرف رفته اند، و اگر آنها در پیش خود چنین خیالی داشته باشند، کارگزاران آذربایجان مطلقاً همراهی و مساعدت نخواهند کرد. و آمدن آنها را به خاک ایران تصدیق و پذیرفته نخواهند نمود.

امضای ولیعهد مظفرالدین میرزا
٦ ربیع الثانی ۱۳۱۳

در باب نوشته جلالت‌مآب سفیر کبیر عثمانی در خصوص طایفه بیران تفصیلی که اظهار نموده بودید مطلع شدم

اینکه سفارت عثمانی نوشته که در سر این طایفه بیران دو نفر بزرگ فرستاده و با کارگزاران

عملیه دولت ایران در این خصوص گفتگو نموده‌اند که محلی برای سکونت بیران در ایلخانی تعیین نمایند

و به آنها اجازه داده شود که از خاک عثمانی مهاجرت و در ایلخانی سکونت نمایند این فقره

صورت صحت ندارد و چنین چیزی نیست دو دسته طایفه بیران از ییلاقات خود به جهت

دیگر از این طرف رفته‌اند و اگر آنها در بین خود چنین خیالی داشته باشند کارگزاران

دولت ایران مطلقاً همراهی و مساعدت نخواهند کرد و اگر از آنها در سلک ایران تصدیق

و پذیرفته نخواهد شد ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۳

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ضمیمه

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

ایلات و عشایر آذربایجان غربی

نام ایل	نام طوایف	وضع زندگی و معیشت
۱. ایل جلالی (۱۱۳۵ خانوار)	حسبک سو ـ حوحسف ـ علی محولو ـ مصرکانلو ـ اطابلو ـ قزلباش ـ ساکان ـ بلحکانلو ـ جنی کانلو ـ قند کانلو	این ایل سنی مذهب، در اطراف ماکو سکونت دارند و از طریق زراعت گندم و جو و گله‌داری امرار معاش می‌کنند طوایفی از این ایل که به حشم‌داری با وضع خوب اشتغال دارند در تابستان به سیه‌چشمه و در زمستان به ساحل رود ارس ییلاق و قشلاق می‌کنند. در ییلاق با مرز ترکیه و در قشلاق با مرز شوروی مشترک می باشند.
۲. ایل میلان (۲۰۳۰ خانوار)	شبخک سو ـ دودکانلو ـ دلایی بروکی ـ عمویی ـ مدوله کانلو ـ کچلانلو ـ قردویی ـ برویی ـ کلیکانلو ـ خزویی ـ قلیکی	این ایل به زراعت توجه خاص دارند و معیشت آنها از راه کشت گندم و جو و ذرت تأمین می شود. موقعیت گله‌داری آنها خوب [است] غالب ایام سال را در چادر به‌سر می برند. در تابستان به سیه‌چشمه و در زمستان به ساحل رود ارس ییلاق و قشلاق می‌کنند. در قشلاق با مرز روسیه و در ییلاق با مرز ترکیه مشترک‌اند. مذهب این ایلی سنی است.
۳. ایل حیدرانلو (۳۰۰ خانوار)	حیدرانلو	افراد این ایل که کلاً تخته‌قاپو شدند مردمانی سالم[اند] و از طریق حشم‌داری و زراعت که بدان علاقه‌مندند امرار معاش می‌کنند. دسته‌ای که دارای احشام و اغنام می باشند و به حشم‌داری متوسط اشتغال دارند عموماً ییلاق و قشلاق می‌کنند. در تابستان به سیه‌چشمه (مرز ترکیه) و در زمستان به چوحورکند می روند. مردم این ایل اهل تسنن می باشند.
۴. ایل ممکانلو (۲۵۰ خانوار	ممکانلو	طایفهٔ ممکانلو عموماً تخته‌قاپو شده به کار زراعت چندان رغبتی نشان نمی‌دهند بلکه بیشتر همّ آنها مصروف تولید و تکثیر احشام و اغنام می شود و معیشت آنها هم از راه خرید و فروش احشام تأمین می گردد. وضع حشم‌داری آنها خوب در تابستان به الند و در زمستان به قطور مرز ترکیه می روند. مردم آن سنی مذهب و مهمان‌نواز می باشند.

۵. ایل کره‌سنی (۴۰۰ خانوار)	کره‌سنی	این ایل علاوه بـر گله‌داری خـوب به کـار زراعت نیز علاقهٔ مفرط دارند. افراد آن مردمانی زحمتکش و مطیع[انـد]، با آنکه تخته‌قاپو شده‌اند ولی ییلاق و قشلاق هـم می‌کنند. به زبان خود که کردی است علاقه‌مند هستند. در سوارکاری و تیراندازی مهارت خاص دارند. ییلاق آنها در بلندی‌های قطور و سکمن‌آباد و قشلاق آنها در جلگه‌های قطور می‌باشد مردم آن شافعی و سنی مذهب می‌باشند.
۶. ایل شکاک (۴۴۰۰ خانوار)	شکاک ـ سیمتقو ـ پس‌آقاعبدوی ـ چرکویی ـ شیپرانی ـ خلیفه‌زاده ـ موقری گوریک ـ شیکری ـ ایوری نعمتی ـ اطمانی هناره‌پاچیک ـ بوتان ـ فنک ـ پس‌آقا کاردار ـ مامدی	این ایل تخته‌قاپو شده، در مرز ترکیه سکونت دارند. عموماً به زراعت و گله‌داری اشتغال داشته ییلاق و قشلاق می‌کنند. ییلاق آنها در مرز ترکیه در مراتع خالصهٔ ترگور و دشت بیل و قشلاق آنها اطراف ارومیه وسلماس می‌باشد. بین زندگی سردَمداران این ایل با افراد عادی آن تفاوت بسیار وجود دارد. زندگی دستهٔ اول خوب ولی دستهٔ دوم چندان رضایت‌بخش نیست. افراد این ایل شافعی و سنی‌مذهب می‌باشند.
۷. ایل هرکی (۱۳۵۰ خانوار)	هرکی منـدان ـ هرکی سیدان ـ هرکی سرهاتی	افراد این ایل اهل تسنن بوده در مرز ترکیه و عراق سکونت دارند. شغل عمدهٔ آنان حشم‌داری است. وضع حشم‌داری آنان خوب [است] و نیازمندی‌های خود را از فروش احشام و فرآورده‌های آن تأمین می‌کنند. دسته‌ای نیز به کار زراعت اشتغال دارند. این ایل در موانا و خانقاه و وزگیر و آغ‌بلاغ تخته‌قاپو شده‌اند مساکن آنها از گل ساخته شده است. حشم‌داران بیشتر بهار و تابستان را در ییلاق (مراتع خالصه ترگور و دشت بیل) و پاییز و زمستان را در قشلاق (ترگور ـ مرگور ـ دشت بیل) به‌سر می‌برند.
۸. ایل بیگ‌زاده (۵۰۰ خانوار)	بیگ‌زاده	این ایل در مرز ترکیه و عراق در محلی به نام آنبی تخته‌قاپو شده‌اند. تعدادی از آنان دارای احشام بوده از راه فروش گوسفند و فرآورده‌های لبنی امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها خوب [است] از مراتع ییلاقی‌و قشلاقی ترگور برای احشام استفاده می‌نمایند. مذهب آنها اسلام تسنن می‌باشد.

۹. ایل سادات (۵۰۰ خانوار)	سادات	این ایل در مرز ترکیه در محلی به نام دیزج مرکور تخته‌قاپو گردیده به زراعت اشتغال دارند و از راه اجاره‌داری خالصجات دولتی امرار معاش می‌کنند، وضع گله‌داری آنها متوسط، ییلاق آنها دیزج مرکور و قشلاق آنها محال مرکوردشت بیل ــ اشنویه ــ قریه گورانه برادوست می‌باشد. مردم این ایل اهل اسلام تسنن می‌باشند.
۱۰. ایل زرزا (۷۵۰ خانوار)	زرزا	در اطراف اشنویه سکونت دارند. وضع مالی آنها نسبتاً خوب [است] و از طریق زراعت گندم و جو و برنج امرار معاش می‌کنند، ییلاقات آنها روندولان ــ بابوله ــ شطره می‌باشد اسلام تسنن مذهب آنهاست.
۱۱. ایل قره‌پاپاق (۵۵۰ خانوار)	قره‌پاپاق	محل سکونت این ایل در سلدوز می‌باشد از راه گله‌داری و زراعت امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. در تابستان احشام و اغنام خود را به ییلاق «ایل مامش» می‌فرستند. زراعت آنها گندم، جو، حبوبات و باغ میوه می‌باشد. وجه تسمیه این ایل به علت کلاه سیاهی است که در موقع ورود از ایروان بر سر داشتند. رؤسای این طایفه اهل تشیع و رعایا عموماً سنی شافعی مذهب هستند.
۱۲. ایل مامش (۹۵۰ خانوار)	امیر عشایری قادری	این ایل در مرز عراق سکونت دارند، قسمتی از آن در اشنویه و قسمتی دیگر در لاهیجان به طور تخته‌قاپو زندگی می‌کنند، معیشت آنان از راه کشت گندم، جو، توتون، چلتوک و باغات میوه تأمین می‌شود. وضع گله‌داری آنها خوب [است]، احشام و اغنام خود را در تابستان به مراتع کوهستانی منطقهٔ خود واقع در دامنهٔ کوه بلاسی سید به حدود مرز می‌برند. شال‌بافی صنایع دستی آنها را تشکیل می‌دهد. سنی شافعی از اعتقادات مذهبی آنهاست.
۱۳. ایل پیران (۶۵۰ خانوار)	پیران	این طایفه تخته‌قاپو شده و در کهنه و لاهیجان حدود مرز عراق سکونت دارند. معیشت آنها از راه زراعت و گله‌داری تأمین می‌شود. زراعت آنها را گندم، جو، توتون و چلتوک تشکیل می‌دهد. دهات آنها خوب ولی کم‌جمعیت است. وضع مالی این طایفه چندان خوب نیست. مختصر احشام و اغنام خود را در تابستان به حدود کوه سران می‌برند. شال‌بافی از صنایع دستی آنهاست. این طایفه سنی شافعی‌مذهب می‌باشند.

۱۴. ایل منگور (۵۰۰ خانوار)	امان ــ شمع ــ زین ــ زرین ــ خدر ــ مروت	محل سکونت این ایل جنوب مهاباد می‌باشد که به طور تخته‌قاپو زندگی می‌کنند. معاش خود را از راه زراعت توتون، گندم، جو، چغندر و حبوبات تأمین می‌سازند. وضع گله‌داری آنها نسبتاً خوب است. در تابستان احشام خود را به ییلاقات کـده ــ لاسیر ــ و کاکن می‌ برنـد. توتون کاری این طایفه معروف است. شال‌بافی از هنرهای دستی آنان به شمار می‌ رود. بیشتر این طایفه متدین و شافعی مذهب می‌باشند.
۱۵. ایل دهبکری (۴۷۰۰ خانوار)	ایلخانی زاده ــ علیار ــ قهرمانی ــ عباسی	مردم این ایل که به طور تـخته‌قاپو زندگی می‌کنند، سنی و شافعی مذهب می‌باشـند. صنایع دستی آنها را شال، گلیم، جاجیم، جانماز و مختصر قالی بافی تشکیل می دهد. تمکن مالی آنها خوب است. از راه زراعت و گله‌داری خوب امرار معاش می‌کنند. ییلاق آنها برای احشام پایین‌بلاغ می‌باشد. گندم، جو، تـوتون، چغندر وحبوبات محصولات زراعتی آنان را تشکیل می دهد.
۱۶. ایل گورک مهاباد (۳۱۰۰ خانوار)	گورک مهاباد	این طایفه بـا تمکن مالـی خوب در جنوب مهاباد سکونت دارند، معیشت آنـها از محصولا تی زراعتـی چـون گندم و جو، توتون و بـاغات میوه تأمین می شود. وضع گله‌داری آنها متوسط مراتع ییلاقی احشام این طایفه مراتع پیران مـی باشـد. شـال، گلیـم، جـاجیم صنایـع دستـی آنها را تشکیل می دهد. مذهب آنها اسلام سنی شافعی می باشد.
۱۷. ایل بریاحی (۱۳۵۰ خانوار)	بریاحی	طایـفهٔ بریاحی تـختـه‌قاپو شده، در سردشـت مرز عراق سکونت دارند. معیشـت آنـهـا از راه زراعـت گـندم و جو و ارزن و کشت تـوتون تـأمین مـی‌شود. وضع گـله‌داری آنهـا مـتوسط است. گـلیم و جـاجیم و موج از صـنـایـع دستی آنـهـا مـحسوب مـی‌گردد. مذهب ایـن طایـفه اسلام تسنن می باشد.
۱۸. ایل باسک کوله (۶۰۰ خانوار)	باسک کوله	این طایفه تختـه‌قاپو شده در سردشت عراق سـکونت دارند. دارای مذهب اسلام تسنن می‌باشـند. معیشت آنها از طریـق زراعت گندم، جو، ذرت، توتون با مختصر گله‌داری تأمین می شود. موج، گـلیم، جاجیم از صنایع دستی آنهاست.
۱۹. ایل ملکاری (۱۱۰۰ خانوار)	ملکاری	زندگـی و وضـع مـعیشت این طایـفه مشابه وضع معیشت و زندگی طایفهٔ بریاحی (ردیف شماره ۱۷) می باشد.

۲۰. ایل باپیرآقایی (۴۳۰ خانوار)	باپیرآقایی	این طایفه تخته‌قاپو شده ساکن سردشت در مرز عراق می باشد. معیشت آنها از طریق زراعت، فروش انگور و انار با مختصر گله‌داری تأمین می شود، مراتع کوههای هومل چراگاه تابستانی احشام آنها می باشد. موج، گلیم، جاجیم، از صنایع دستی این طایفه است. اسلام تسنن مذهب آنها می باشد.
۲۱. ایل پشتدریها (۵۰۰ خانوار)	پشتدری ها	وضع زندگی و معیشت پشتدری ها مشابه بابا پیرآقایی ها (طایفه ردیف ۲۰) می باشد.
۲۲. ایل کلاسی (۵۰۰ خانوار)	کلاسی	وضع گله‌داری این طایفه متوسط [است]. مراتع ییلاقی آنها مراتع زیرمران می باشد. موج و گلیم از کارهای دستی آنهاست. اسلام تسنن مذهب مردم این طایفه می باشد.
۲۳. ایل عثمان‌بیگی (۴۵۰ خانوار)	عثمان‌بیگی	این طایفه تخته‌قاپو گردیده پیرو مذهب اسلام (سنی و شافعی) می باشد. زراعت آنها گندم، جو، برنج، حبوبات و به مقدار کم توتون مرغوب می باشد. وضع مالی آنها نسبتاً خوب [است]. موج، شال، گلیم، جاجیم کارهای دستی آنها محسوب می شود.
۲۴. ایلات منطقهٔ سقز (۷۸۲۱ خانوار)	فضل‌الله بیگی	این طایفه با ۲۷۰۰ خانوار به طور تخته‌قاپو زندگی می‌کنند. متعصب در دین اسلام، شافعی مذهب می باشند. از طریق کشاورزی و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. گله‌داری آنهامتوسط [است و]ییلاق و قشلاقی ندارند. محصولات زراعتی آنها گندم، جو، ذرت و توتون می باشد. تمکن مالی آنها متوسط [است]. بافتن شال، گلیم، جاجیم بین آنها رایج است.
	ده‌بکری سقز	با ۱۳۳۰ خانوار تخته‌قاپو شده متدین به دین مبین اسلام (شافعی مذهب) می باشند. زراعت گندم و جو، توتون بین آنها رایج است بافتن موج، گلیم و جاجیم و مختصر گله‌داری از دیگر اشتغالات مردم این ایل می باشد.
	گورک سقز	این طایفه با ۷۵۰ خانوار تخته‌قاپو شده متعصب در دین اسلام (شافعی مذهب) می باشند. معیشت آنها از راه زراعت غلات چون گندم، جو، ذرت، برنج خصوصاً زراعت توتون بسیار مرغوب تأمین می شود. تمکن مالی آنها خوب [است]. با طوایف گورک سردشت و مهاباد در

	ارتباط‌اند. بافتن موج، گلیم، جاجیم و شال مخصوص کردی از صنایع دستی این طایفه است.
سرشیو سقز	این طایفه با ۷۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده، مسلمان شافعی مذهب، دارای تمکن مالی متوسط می‌باشند، معیشت آنها از راه زراعت و گله‌داری تأمین می‌شود. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. ییلاق و قشلاق ندارند. فرآورده‌های زراعتی آنها گندم، جو، ذرت، توتون و برنج می‌باشد. بافتن شال، گلیم، جاجیم، موج از صنایع دستی آنها محسوب می‌شود.
تیله کوه	این طایفه مسلمان شافعی مذهب با ۶۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده‌اند کشاورزی ممر معاش آنهاست. گندم، جو، ذرت، توتون و برنج از فرآورده‌های کشاورزی این طایفه می‌باشد. وضع گله‌داری و تمکن مالی آنها متوسط است. بافتن موج، گلیم، جاجیم، شال کردی کارهای دستی آنها را تشکیل می‌دهد.
وکیلی قباغلو	این طایفه با ۵۹۱ خانوار تخته‌قاپو شده متدین به دین اسلام و شافعی مذهب می‌باشند. زراعت گندم و جو و توتون بین آنها رایج است. بافتن موج، گلیم، جاجیم و مختصر گله‌داری از دیگر اشتغالات مردم این ایل می‌باشد.
خورخوره	با ۳۵۰ خانوار تخته‌قاپو شده پیرو مذهب اسلام و شافعی می‌باشند. زندگی آنها از راه کشت و زرع با گله‌داری متوسط تأمین می‌شود. وضع مالی این طایفه متوسط [است]. فرآورده‌های زراعتی آنها گندم و جو، ذرت، توتون و برنج می‌باشد. موج، گلیم و جاجیم ازصنایع دستی این طایفه محسوب می‌شود.
جاف سقز	ایل جاف سقز از ۲۵۰ خانوار با افراد شافعی مذهب خیلی متعصب تشکیل می‌شود که از لحاظ کیفیات زندگی وضع مشابه با ایل تیله کوه دارند.
کلالی	طایفهٔ کلالی با ۱۷۵ خانوار تخته‌قاپو شده، پیرو مذهب اسلام و شافعی مذهب می‌باشند. تمکن مالی آنها متوسط است. از طریق گله‌داری و زراعت امرار معاش می‌کنند. فرآورده‌های زراعتی این طایفه

	گندم، جو، ذرت و توتون می‌باشد وضع گله‌داری آنها متوسط است. در زمستان احشام خود را به قشلاق می‌برند. موج گلیم، جاجیم و شال مخصوص کردی از صنایع مخصوص این طایفه می‌باشد.
کلهر	این طایفه با ۱۴۰ خانوار تخته‌قاپو شده و در منطقهٔ سقز سکونت دارند. پیرو دین اسلام و شافعی مذهب می‌باشند. زراعت گندم و جو و توتون و مختصر گله‌داری اشتغالات عمدهٔ این ایل را تشکیل می‌دهد. بافتن گلیم، جاجیم و موج در میان این ایل رایج است.
اردلان	طایفهٔ اردلان با ۱۶۵ خانوار تخته‌قاپو شده از ایلات منطقهٔ سقز محسوب می‌شوند. مذهب این طایفه اسلام شافعی [است]. از راه زراعت گندم و جو و توتون و گله‌داری متوسط امرار معاش می‌کنند. موج، گلیم و جاجیم از صنایع دستی این طایفه می‌باشد.
کوره قلعه دیوانی	این طایفه تخته‌قاپو شده به زراعت و مختصر گله‌داری اشتغال دارند. سکنهٔ آن از ۷۰ خانوار تشکیل می‌شود که پیرو اسلام و شافعی مذهب می‌باشند.
احمدی	طایفهٔ احمدی با ۷۵۰ خانوار از طوایف منطقهٔ بانه پیرو مذهب اسلام (سنی شافعی) می‌باشند. کلاً تخته‌قاپو گردیده، معیشت آنها از طریق زراعت برنج و ذرت خصوصاً توتون و محصولات جنگلی تأمین می‌شود. بافتن شال، گلیم، جاجیم و موج و بستک بین آنها رایج است.
لطف لله بیگی	پیرو مذهب اسلام (سنی شافعی) با ۲۷۰ خانوار تخته‌قاپو گردیده در منطقهٔ بانه سکونت دارند. معاش آنها از راه زراعت تأمین می‌شود و فرآورده‌های زراعتی آنها گندم و جو و توتون می‌باشد. وضع مالی مردم این طایفه متوسط [است]. همراه بازراعت، شال و گلیم و جاجیم هم می‌بافند.
شهیدی ـ لطف‌الله بیگی	این طایفه با ۳۰۰ خانوار تخته‌قاپو گردیده در منطقهٔ بانه سکونت دارند. وضع مالی آنها متوسط [است]. از طریق کشاورزی و مختصر دامداری امرار معاش می‌کنند. بافتن گلیم و جاجیم و موج بین آنها رایج است. افراد این طایفه پیرو دین اسلام (سنی شافعی) می‌باشند.

بهرام‌بیگی	از طوایف منطقهٔ بانه با ۲۲۰ خانوار، تخته‌قاپو گردیده، زراعت گندم، جو، توتون وسیلهٔ امرار معاش آنهاست. وضع مالی این طایفه متوسط به کارهای دستی چون موج، گلیم و جاجیم نیز اشتغال دارند. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) می‌باشد.

ایلات و عشایر کردستان

نام ایل	نام طوایف	وضع زندگی و معیشت
۱. ایلات و طوایف اورامانات	فتحعلی بیگی	عدهٔ خانوار این طایفه ۳۸۰ [است]. عموماً تخته‌قاپو شده جزء عشایر مریوان می‌باشند. مذهب آنها اسلام شافعی [است]. وضع مالی این طایفه خوب نیست. امرار معاش آنها از راه زراعت می‌باشد، وضع گله‌داری متوسط است. بافندگی گلیم و جاجیم و شال در میان آنها رایج می‌باشد.
	میران‌بیگی	با ۱۵۰ خانوار که امرار معاش آنها از راه زراعت می‌باشد، تخته‌قاپو شده، پیرو مذهب اسلام (شافعی) می‌باشند. وضع گله‌داری آنها متوسط است. بافندگی گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی رایج در میان این طایفه می‌باشد.
	مصطفی سلطانی	طایفهٔ مصطفی سلطانی عموماً تخته‌قاپو گردیده با ۱۲۰۰ خانوار در منطقهٔ رزاب جنوب اورامان سکونت دارند. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) [است]. تمکن مالی آنها متوسط است و معیشت این طایفه از راه زراعت گندم و جو و مختصر توتون و گله‌داری تأمین می‌شود. وضع گله‌داری نسبتاً خوب، گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی این طایفه می‌باشد.
	بهرام‌بیگی	این طایفه با ۱۰۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده، در دزلی و چم‌شامان از مناطق اورامانات سکونت دارند. از طریق کشاورزی و دامپروری امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری این طایفه خوب [است]. احشام خود را در صورت نیاز برای تعلیف به خاک عراق می‌فرستند. محصولات زراعتی آنها گندم و جو و ذرت و توتون می‌باشد. پیرو مذهب اسلام (سنی شافعی) می‌باشند. گلیم و جاجیم و شال، صنایع دستی این طایفه را تشکیل می‌دهد.
	حسن سلطانی	این طایفه با ۸۰۰ خانوار از عشایر منطقهٔ اورامان تخت می‌باشند. به علت سنگلاخی بودن زمین، زراعت آنها مختصر و محدود به کشت و زرع است. وضع مالی آنها متوسط و اشتغال آنها حشم‌داری آن هم متوسط

		می‌باشد بیشتر از طریق فروش خشکبار امرار معاش می‌کنند. پیرو اسلام (سنی شافعی) [هستند]. به بافتن گلیم وشال وجاجیم نیزاشتغال دارند.
۲. ایلات مریوان	کانی سانانی	این طایفه با ۴۰۰ خانوار عموماً تخته‌قاپو شده در مریوان ساکن می‌باشند. مذهب آنها اسلام (شافعی) می‌باشد. در انجام فرایض دینی بسیار متعصب می‌باشند. معیشت آنها از راه کشاورزی است. وضع مالی این طایفه چندان خوب نیست. وضع گله‌داری متوسط و فرآورده‌های زراعی آنها گندم، جو، ذرت مخصوصاً توتون می‌باشد. گلیم و جاجیم و شال ازکارهای دستی این طایفه است.
	کهنه‌پوش	با ۲۰۰ خانوار در شمال مریوان سکونت داشته عموماً به زراعت گندم، جو، ذرت مخصوصاً توتون اشتغال دارند. تمکن مالی آنها چندان خوب نیست وضع گله‌داری آنها متوسط، گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی این طایفه است. مذهب مردم این ایل اسلام شافعی می‌باشد.
۳. ایل کامیاران	کمانگر	این طایفه با حدود ۵۰۰ خانوار سنی شافعی‌مذهب تخته‌قاپو گردیده معیشت آنها از راه گله‌داری و زراعت گندم و جو و ذرت و باغداری تأمین می‌شود. وضع مالی رؤسای این طایفه خوب ولی رعایا متوسط است. مردمی آرام[اند] و صنایع دستی آنها بافت قالی و گلیم و جاجیم می‌باشد.
	کشکی	این طایفه با ۲۰۰ خانوار در قشلاق اطراف کامیاران تخته‌قاپو شده. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) می‌باشد. وضع مالی آنها متوسط [است]. از راه مختصر گله‌داری و زراعت امرار معاش می‌کنند. قالی و گلیم و جاجیم از کارهای دستی، گندم و جو و نخود و پنبه از محصولات زراعتی این طایفه می‌باشد.
۴. ایلات اطراف سنندج	کماسی	طایفهٔ کماسی با ۵۰۰ خانوار عموماً تخته‌قاپو شده، در شرق مریوان سکونت دارند. وضع مالی آنها متوسط [است]. اهم محصولات زراعی آنها گندم، جو، ذرت و توتون می‌باشد. گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی این طایفه است. گله‌داری در سطح متوسط و مذهب آنها اسلام سنی شافعی) می‌باشد.
	سادات نقشبندی	این طایفه تخته‌قاپو گردیده، پیرو دین اسلام (سنی شافعی)[اند]. جمعاً

		۳۰۰ خانوار و به زراعت اشتغال دارند. معاش آنها از فروش گندم و جو می‌باشد، گلیم و جاجیم و شال از صنایع دستی آنهاست.
	کلانترزان	با ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب به گله‌داری مختصر و بافت گلیم و جاجیم و شال امرار معاش می‌کنند.
	زند	مانند طایفهٔ کلانترزان با ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب تخته‌قاپو گردیده، به زراعت و بافت گلیم و جاجیم و شال و مختصر گله‌داری اشتغال دارند.
د. ایلات اطراف دیواندره	قمری ــ جوجه‌رشی ــ کاملی ــ مرادکورانی ــ مندومی	این طوایف به ترتیب قمری با ۵۰۰ خانوار، جوجه‌رشی با ۳۰۰ خانوار، کاملی با ۲۰۰ خانوار، مرادکورانی با ۱۲۰۰ خانوار، مندومی با ۵۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده‌اند. تعداد احشام و اغنام و محصول زراعتی آنها کم و ناچیز، در نتیجه وضع مالی آنها بد است. مذهب آنها اسلام (سنی شافعی) [است] ولی پایبند به دیانت نیستند.

ایلات و عشایر کرمانشاه(باختران)

نام ایل	نام طوایف	وضع زندگی و معیشت
۱. ایل جوانرود	بابجانی	این طایفه با ۲۰۱۵ خانوار تخته‌قاپو گردیده، محصولات زراعتی آنها گندم و جو و معیشت آنها از راه محصولات زراعتی و گله‌داری متوسط است. مذهب این طایفه اسلام (سنی شافعی) و صنایع دستی آنها قالی و گلیم و جاجیم می‌باشد.
	جوانرودی	این طایفه با ۱۰۰۰ خانوار در جوانرود تخته‌قاپو شده، دارای مذهب اسلام (سنی شافعی) می‌باشند. معیشت آنها از طریق فروش محصولات زراعتی و اغنام و احشام تأمین می‌گردد. به بافت قالی و گلیم و جاجیم نیز اشتغال دارند.
	رستم‌بیگی	طایفهٔ رستم‌بیگی با ۲۰ خانوار سنی شافعی‌مذهب که تمکن مالی آنها خوب است. تخته‌قاپو شده، از طریق زراعت و گله‌داری و کسب امرار معاش می‌کنند. محصول زراعتی این طایفه گندم و جو و مختصر برنج و فرآورده‌های جنگلی می‌باشد. به تایچوری و انجیرک ییلاق و قشلاق می‌کنند. قالی و گلیم و جاجیم از صنایع دستی آنهاست.
	امامی	طایفهٔ امامی که از ۲۰ خانوار سنی شافعی مذهب تشکیل می‌شود، تخته‌قاپو شده، دارای وضع مالی خوب [است] و از راه زراعت گندم و جو و محصولات جنگلی امرار معاش می‌کنند. ییلاق آنها شمشیر و قشلاق آنها انجیرک می‌باشد. بافتن قالی و جاجیم و گلیم در میان این طایقه رواج دارد.
	عناقی	این طایفه با ۲۰ خانوار در جوانرود تخته‌قاپو شده، مختصر زراعت گندم و جو و ذرت و گله‌داری از اشتغالات آنهاست. پیرو مذهب اسلام سنی شافعی می‌باشند. وضع مالی آنها متوسط است.

[illegible]	اورامی	طایفهٔ اورامی از اورامان لهون (۱۷ الی ۱۸ هزار خانوار) می‌باشند که عموماً تخته‌قاپو شده‌اند، ییلاق و قشلاق آنها در پاوه است. زراعت و گله‌داری از اشتغالات این طایفه محسوب می‌شود و از راه فروش محصولات زراعی چون گندم و جو و ذرت و توتون همچنین میوه‌جات تازه و خشکبار امرار معاش می‌کنند. تمکن مالی آنها متوسط [است]. گلیم و جاجیم و شال مخصوص کردی از کارهای دستی این طایفه می‌باشد.
۳. ایل سنقر کلیائی	بیگوند ــ قلعه گری ــ صوفیوند ــ موسیوند ــ عالی گری	مرکز این ایل با ۲۵۰۰ خانوار که عموماً تخته‌قاپو شده‌اند، در سنقر می‌باشد. این ایل به حشم‌داری علاقه‌مند بوده و به زراعت گندم و جو و حبوبات و صیفی‌جات که از این راه ارتزاق می‌کنند، اشتغال دارند. مذهب این ایل اسلام (شیعه) می‌باشد. بافتْ گلیم و کمی قالی بین آنها رواج دارد.
۴. ایلات ثلاث (۷۸۷۰ خانوار)	ولدبیگی	طایفهٔ ولدبیگی تخته‌قاپو شده، از ایلات ثلاث و پیرو مذهب سنی و فوق‌العاده متعصب می‌باشند. معیشت آنها چندان خوب نیست. از راه زراعت و حشم‌داری اعاشه می‌کنند. محصولات زراعی آنها گندم، جو، و برنج می‌باشد. وضع گله‌داری آنها متوسط ییلاق آنها دولت‌آباد و قشلاق آنها پاویسی است، کمی قالی‌بافی بین آنها رایج می‌باشد.
	باباخانی	این طایفهٔ سنی‌مذهب تمکن مالی چندانی ندارند. از راه زراعت و حشم‌داری امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها متوسط [است]. محصولات زراعتی آنها جو، گندم و برنج می‌باشد، کمی قالی‌بافی بین آنها رواج دارد. میرآباد ییلاق و خان‌آشور قشلاق این طایفه است.
	قبادی	این طایفه که تخته‌قاپو شده، از ایلات ثلاث و متعصب در مذهب سنی می‌باشند. میل وافر به زراعت داشته، معیشت عمدهٔ آن از راه زراعت و حشم‌داری است. محصولات زراعی آنها گندم و جو و برنج می‌باشد. ییلاق آنها پی‌نهر و قشلاق آنها ازکله می‌باشد. مختصر قالی‌بافی در بین آنها رایج است.
۵. ایل احمدوند	امیروند ــ دم‌صفوند ــ دوراجی ــ دوست‌مهر ــ نبوئی ــ	طوایف احمدوند عموماً تخته‌قاپو شده‌اند و جمعاً با ۵۰۰ خانوار بین کرمانشاه و هرسین سکونت دارند. مذهب آنها شیعه [است]. به زبان لکی (بین کردی و لری) صحبت می‌کنند. ییلاق آنها میان دربند، کوه

	جانی خانی	بلوچ و قشلاق آنها امامزاده حسن، گچ، نفت‌شاه می‌باشد.
۶. ایل گوران قلخانی	اسپری قلخانی ــ قلخانی اسپری ــ قلخانی بهرامی ــ قلخانی یاسمی ــ سادات حیدری	طوایف ایل گوران قلخانی با جمعیت حدود ۵۰۰ خانوار تخته‌قاپو شده، پیرو مذهب اسلام(علی اللهی)و قسمتی اهل تسنن می‌باشند. تمکن مالی آنها چندان خوب نیست. از طریق کشاورزی و نگاهداری احشام و اغنام امرار معاش می‌کنند. محصولات زراعتی آنها گندم، جو، ذرت، توتون، چغندر و حبوبات می‌باشد. به ییلاق و قشلاق می‌روند. بافتن فرش، جاجیم، جوال از صنایع دستی این ایل می‌باشد.
۷. ایل سنجابی	چالابی ــ صوفی ــ علی ولی ــ دستجه ــ سیمنهٔ‌وند ــ جلیلوند ــ عباسوند ــ دولتوند ــ خسروی ــ دارخور ــ کل کل ــ سرخاوند ــ سرخکی ــ باغی ــ الله‌یارخانی	طوایف ایل سنجابی عموماً تخته‌قاپو شده، جمعاً ۲۷۲۰ خانوار را تشکیل می‌دهند. از راه زراعت و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. تمکن مالی آنها متوسط [است]. محصولات زراعتی آنها گندم، جو، توتون و چغندر می‌باشد. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. ییلاق آنها دشت سنجابی، جلیلوند، هرزه، سیمینوند و قشلاق آنها منکاب کهنه، نفت‌شاه، قلعه وهاب می‌باشد. بافتن فرش و جاجیم و جوراب بین آنها رایج است. طوایف سنجابی از لحاظ اعتقادات مذهبی به سه دسته تقسیم می‌شوند: شیعهٔ اثنی عشری، سنی، علی اللهی که اکثریت با دستهٔ سوم می‌باشد. هر دسته در اعتقادات مذهبی خود متعصب [است]. همین امر گاهی موجب بروز اختلافات بین آنها می‌گردد.
۸. ایل کلهر	باوندپور ــ خالدی	طوایف ایل کلهر عموماً با ۱۳۰۰ خانوار تخته‌قاپو گردیده، از طریق زراعت و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. تمکن مالی خوانین بسیار خوب، ولی رعایا متوسط است. محصول زراعتی آنها گندم و جو و برنج می‌باشد. وضع گله‌داری خوب [است]. ییلاق آنها شاه‌آباد غرب الی کواوزکدک و قشلاق آنها نفت‌شاه الی سومار، کهرک، قصرشیرین می‌باشد. فرش‌بافی و جاجیم‌بافی و بافتن جوراب و دستکش پشمی از دیگر اشتغالات این طوایف می‌باشد. مذهب به استثنای قسمتی از طایفهٔ خالدی که علی اللهی است، باقی اسلام شیعه می‌باشد.
۹. ایلات پشتکوه	دیناروند ــ پنج‌ستون ــ میشخاصی ــ ریزوند ــ سیمینوند ــ ملکشاهی ــ شوهان	از این طوایف که جمعاً ۱۴۲۰۰ خانوار می‌باشند. برخی چون ملکشاهی و شوهان و پنج‌ستون و میشخاصی تاکنون اسکان نیافتند، باقی تخته‌قاپو شده به امر زراعت و گله‌داری اشتغال دارند. محصول زراعتی آنها گندم و جو و ذرت می‌باشد. قالی و گلیم و جاجیم از صنایع دستی آنها محسوب می‌شود. وضع گله‌داری آنها متوسط [است]. به امر ییلاق و

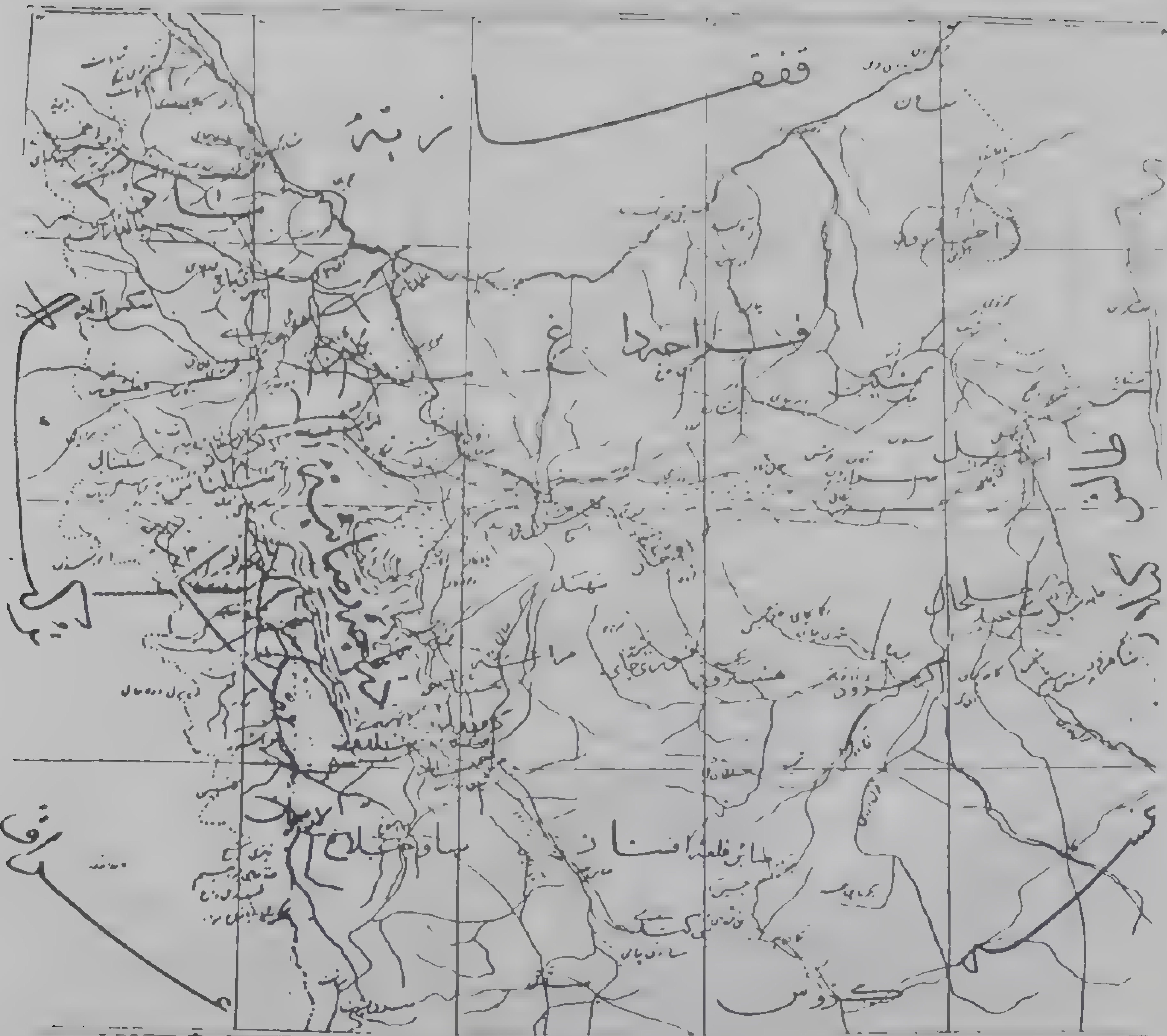
		قشلاق می پردازند. از جمله ییلاق آنها بلوطستان و قشلاق آنها پشتکوه می باشد. مذهب آنها اسلام شیعهٔ علی اللهی است.
۱۰. هلیلان وزردلان	هلیلان ــ زردلان ــ عثمانوند ــ جلالوند ــ بالاوند ــ کوسوند ــ داجیوند	ایل هلیلان و زردلان با ۵۰۰۰ خانوار عموماً تخته‌قاپو گردیده، دارای اعتقادات مذهبی علی اللهی می باشند. معیشت این طوایف بجز طایفه عثمانوند و جلالوند که از راه فروش هیزم و زغال تأمین می شود. باقی به زراعت و فلاحت مشغول می باشند.
ایلات و طوایف ایتوند	طرهان (۳٦۷۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته‌قاپو گردیده، از راه کشاورزی و تربیت احشام و اغنام که بدان علاقه‌مند می باشند امرار معاش می‌کنند. ییلاق این طایفه کونانی و قشلاق آنان صیمره می باشد گلیم و جاجیم نیز می بافند.
	سبزانسوند (۳۲۵۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته‌قاپو شده، زراعت و حشم‌داری متوسط از اشتغالات آنهاست. گندم و جو فرآورده‌های زراعتی این طایفه را تشکیل می دهد. جهت ییلاق به هرو و برای قشلاق به پشتکوه می روند. صنایع دستی آنها قالی، گلیم و جاجیم می باشد.
	کاکاوند (۲۸۰۰ خانوار)	این طایفه کلاً تخته‌قاپو شده، علاقهٔ مفرطی به کشاورزی دارند. فرآورده‌های کشاورزی آنها غلات و حبوبات می باشد. از دیگر اشتغالات برخی دهات آن پنبه‌کاری است. موقعیت گله‌داری آنها خوب [است]. کاکاوند ییلاق و سَرطرهان قشلاق این طایفه می باشد. متدین به دین اسلام (شیعه) می باشند. بافت قالی و گلیم و جاجیم از دیگر اشتغالات آنها محسوب می شود.
	میربالاکریوه (۲٤۰۰ خانوار)	این طایفه تخته‌قاپو گردیده، دارای مذهب شیعه می باشند. از راه زراعت گندم و جو و ذرت و گله‌داری ارتزاق می‌کنند، موقعیت گله‌داری آنها خوب [است]. تنگ‌زفی ییلاق آنها می باشد. مانند دیگر طوایف به بافت گلیم و جاجیم قالی اشتغال دارند.
	پاپی (۲۱٦۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی‌مذهب، تخته‌قاپو شده، معیشت آنها از راه زراعت و گله‌داری تأمین می شود. سپیددشت ییلاق و کشور قشلاق این طایفه است. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. بافتن گلیم و قالی و جاجیم بین آنها رواج دارد.

میربک (۱۵۰۰ خانوار)	این طایفه میل مفرطی به حشم‌داری دارند. وضع حشم‌داری آنها خوب و از فروش اغنام و احشام عواید کسب می‌کنند. ییلاق این طایفه گلباغی و قشلاق آنها کوهدشت می‌باشد. زراعت آنان دیم [است]. ولی جنس زمین چندان مرغوب نیست. این طایفهٔ شیعی‌مذهب [است]. بافت قالی و گلیم و جاجیم از کارهای دستی آنها می‌باشد.
حسنوند (۱۵۰۰ خانوار)	عشایر حسنوند از بخش لرستان مردمانی باهوش و بااستعداد بوده، علاقهٔ وافری به زراعت دارند. وضع گله‌داری آنها متوسط است. الشتر ییلاق و جایدر قشلاق این طایفه می‌باشد. فرآورده‌های زراعتی آنها گندم و جو و ذرت و شلتوک است. قالی و گلیم و جاجیم کارهای دستی آنها را تشکیل می‌دهد. عشایر حسنوند پیرو مذهب شیعه می‌باشند.
صیمره (۱۵۰۰ خانوار)	این طایفه کلاً در صیمره اسکان یافته، به امر زراعت به علت علاقه‌ای که به آن دارند اشتغال دارند. از فروش محصولات زراعتی چون گندم و جو و ذرت و همچنین گله‌داری معاش خود را تأمین می‌کنند. وضع گله‌داری این طایفه متوسط [است]. قالی و گلیم و جاجیم از کارهای دستی آنهاست. معتقد به دین مبین اسلام (شیعه) می‌باشند.
ایتوند (۱۴۰۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی‌مذهب میل مفرطی به زراعت و حشم‌داری دارند غلات و حبوبات از محصولات زراعتی آنها می‌باشد. دلفان ییلاق این طایفه و سرطوهان قشلاق آنهاست. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. گلیم و جاجیم و قالی باقی از کارهای دستی آنها می‌باشد.
الوار گرمسیری (۱۴۰۰ خانوار)	طایفهٔ الوار گرمسیری شیعی‌مذهب، به کشاورزی و گله‌داری علاقه‌مند می‌باشند، معیشت آنها از این راه تأمین می‌شود. وضع گله‌داری این طایفه خوب [است]. قیلاب محل ییلاق و قشلاق آنها می‌باشد. به کارهای دستی چون بافتن گلیم و جاجیم و قالی نیز اشتغال دارند.
کولیوند (۱۲۰۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی‌مذهب، تخته‌قاپو گردیده، بیش از دیگر عشایر لرستان اقدام به خانه‌سازی نمودند. زراعت و حشم‌داری از اشتغالات آنهاست. از راه فرآورده‌های کشاورزی چون جو و شلتوک و ذرت امرار معاش می‌کنند. وضع گله‌داری آنها متوسط [است]. ییلاق این طایفه صیمره الشتر و قشلاق آنها صیمره می‌باشد. قالی و جاجیم از کارهای دستی آنهاست.

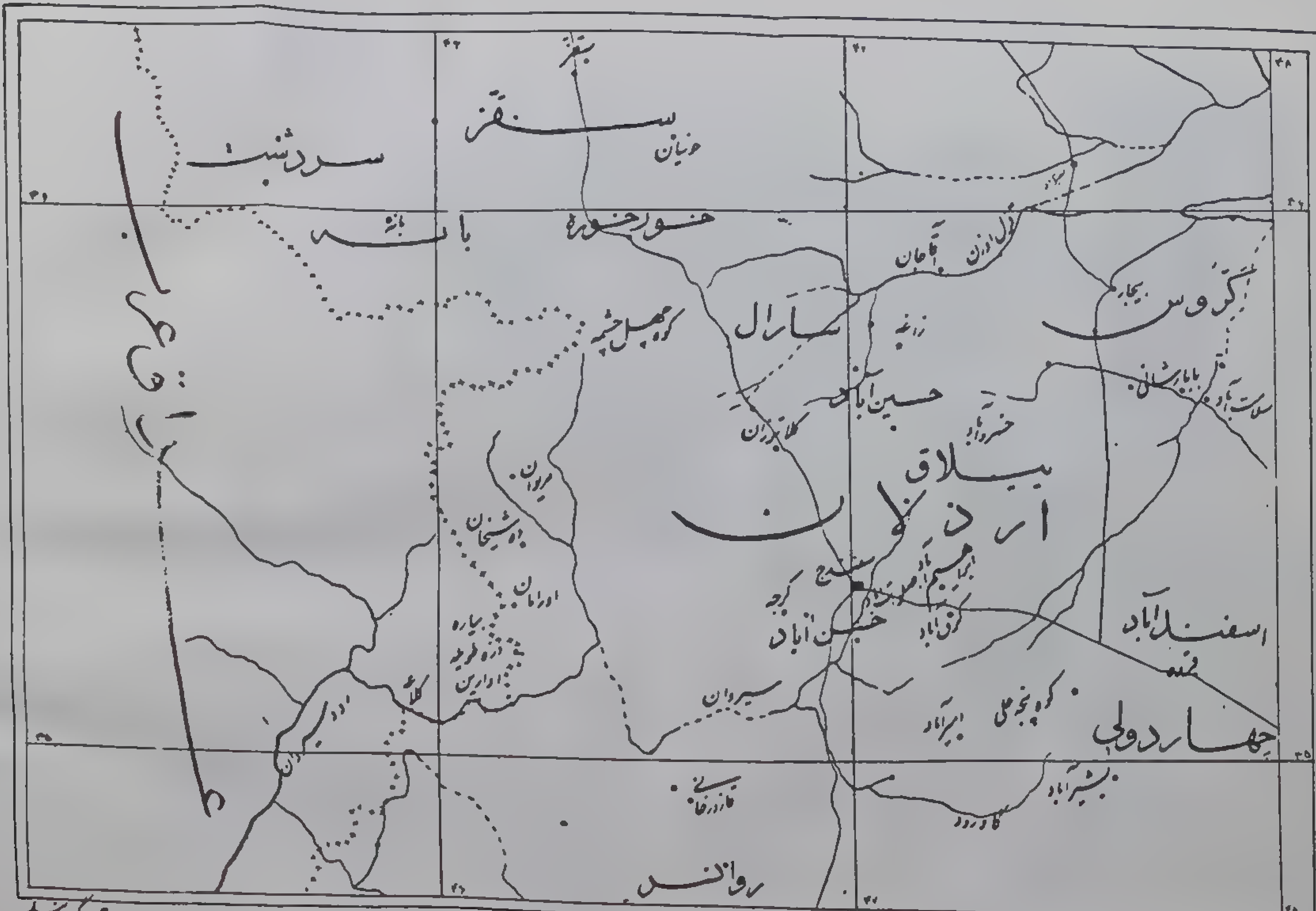
خاوه (۳۲۰۰ خانوار)	مذهب این طایفه شیعه، قالی و جاجیم از کارهای دستی آنهاست. جزئی گله‌دارند، محصولات زراعتی آنها گندم و جو و ذرت می‌باشد. این طایفه تخته‌قاپو گردیده، خاوه محل ییلاقی آنهاست، قشلاق این طایفه صیمره می‌باشد. با مردم نهاوند دادوستد دارند.
زلفی (۱۲۰۰ خانوار)	زلفی‌ها شیعی مذهب[اند]. از راه زراعت و حشم‌داری امرار معاش می‌کنند. گندم و جو و برنج فرآورده‌های زراعتی آنها را تشکیل می‌دهد. قلعه‌پاچه ییلاق و اطراف دزفول قشلاق این طایفه است.
نورعلی (۱۱۰۰ خانوار)	معیشت این طایفه بیشتر از گله‌داری و تربیت احشام و اغنام می‌باشد. وضع گله‌داری آنها خوب [است]. به کنگاوری و کوهدشت ییلاق و قشلاق می‌کنند. به زراعت نیز علاقه داشته و از این راه غلات و حبوبات به دست می‌آورند. مذهب این طایفه شیعه [است]. قالی‌بافی و گلیم‌بافی و جاجیم از کارهای دستی آنها می‌باشد.
سگوند (۱۰۰۰ خانوار)	مذهب طایفهٔ سگوند شیعه [است]، و معیشت آنها بیشتر از راه فرآورده‌های زراعی و دامی و همچنین از فروش زغال تأمین می‌شود. قالی‌بافی از صنایع دستی این طایفه می‌باشد. این طایفه تخته‌قاپو شده، تابستان به آبستان و زمستان به شمال اندیمشک می‌روند.
گرگاه (۹۰۰ خانوار)	طایفهٔ گرگاه میل وافری به زراعت و حشم‌داری دارند. موقعیت حشم‌داری آنها متوسط می‌باشد. گرگاه ییلاق و میان‌کوه قشلاق این طایفه است. گندم و جو محصولات زراعتی آنها را تشکیل می‌دهد. این طایفه دارای مذهب شیعه [است]. گلیم و جاجیم و قالی از صنایع دستی آنان می‌باشد.
یوسفوند (۹۰۰ خانوار)	مردم این طایفه از بخش لرستان باهوش و بااستعداد، به کشاورزی علاقه‌مند بوده، گندم و جو و ذرت محصولات کشاورزی آنها را تشکیل می‌دهد. وضع حشم‌داری این طایفه متوسط [است]. در تابستان به الشتر و در زمستان به [illegible] و جاجیم از کارهای دستی آنها می‌باشد.
عبدالوند (۸۰۰ خانوار)	این طایفه از طریق زراعت امرار معاش می‌کنند فرآورده‌های زراعی آنها گندم و برنج می‌باشد. به گله‌داری علاقه‌مندند. ییلاق آنها عزیزآباد و

	قشلاق آنها کناررود مزار می باشد. قالی و جاجیم از کارهای دستی این طایفه است. مذهب آنها اسلام (شیعه) می باشد.
عیسوند (۵۰۰ خانوار)	این طایفه تخته‌قاپو شده، از راه زراعت و گله‌داری امرار معاش می‌کنند. مذهب آنها اسلام (شیعه) [است]. خاکوند ییلاق و پاسیگان قشلاق این طایفه است. بافتن جاجّیم و قالی بین آنها رایج می باشد.
بسحاق (۵۰۰ خانوار)	این طایفه از راه کشاورزی و گله‌داری ارتزاق می‌کنند. گندم و جو از محصولات کشاورزی آنها می باشد. ییلاق این طایفه چشمهٔ گل‌بهار و قشلاق آنها شمال اندیمشک است. قالی و جاجیم از صنایع دستی آنها محسوب می شود. مذهب طایفه بسحاق دین اسلام (شیعه) می باشد.
جاواری (۵۰۰ خانوار)	این طایفهٔ شیعی مذهب، تخته‌قاپو شده و کلیه اسکان یافته‌اند. به زراعت علاقه‌مند می باشند. از فروش فرآورده‌های زراعی چون غلات ذرت و حبوبات تأمین معاش می‌کنند. وضع گله‌داری متوسط است. غالباً دارای احشام می باشند. به بافتن قالی و گلیم و جاجیم نیز اشتغال دارند.
فولادوند (۳۰۰ خانوار)	طایفهٔ فولادوند شیعی مذهب [اند]. وضع مالی آنها خوب [است]. معیشت آنها از محصولات کشاورزی و دامی تأمین می شود. پاسکان ییلاق، گل‌بهارانه قشلاق این طایفه می باشد. قالی بافی از صنایع دستی آنهاست.
چگنی (۵۰ خانوار)	این طایفه به حشم‌داری و زراعت علاقه دارند. برای احشام دارای مراتع خوب می باشند. مذهب این طایفه، شیعه [است]. گلیم و جاجیم و قالی ازکارهای دستی آنان است.

اقتباس از: ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، (تهران، ۱۳۶۱).



نقشهٔ سیاسی آذربایجان



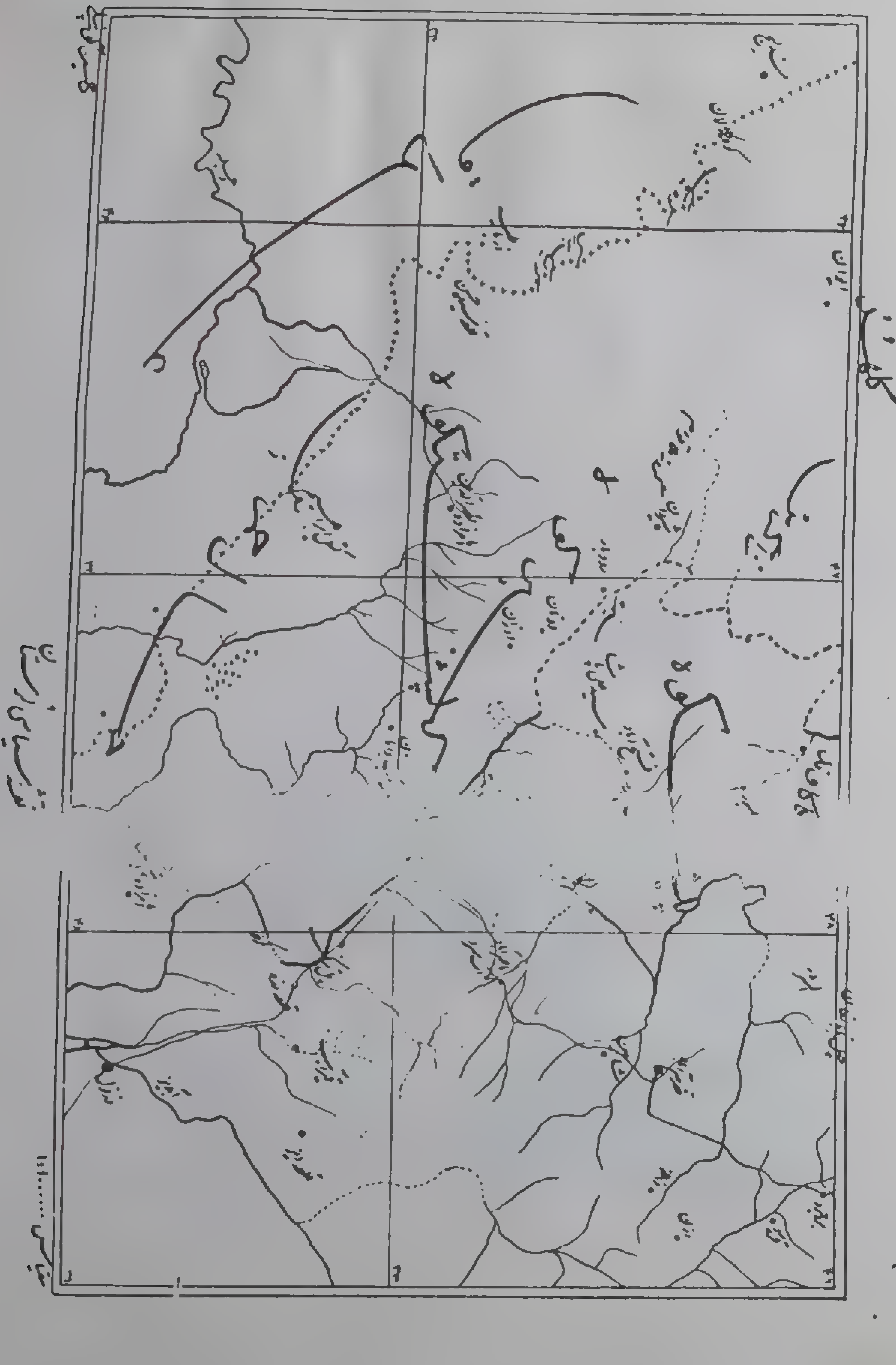
مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰۰

نقشهٔ سیاسی کردستان



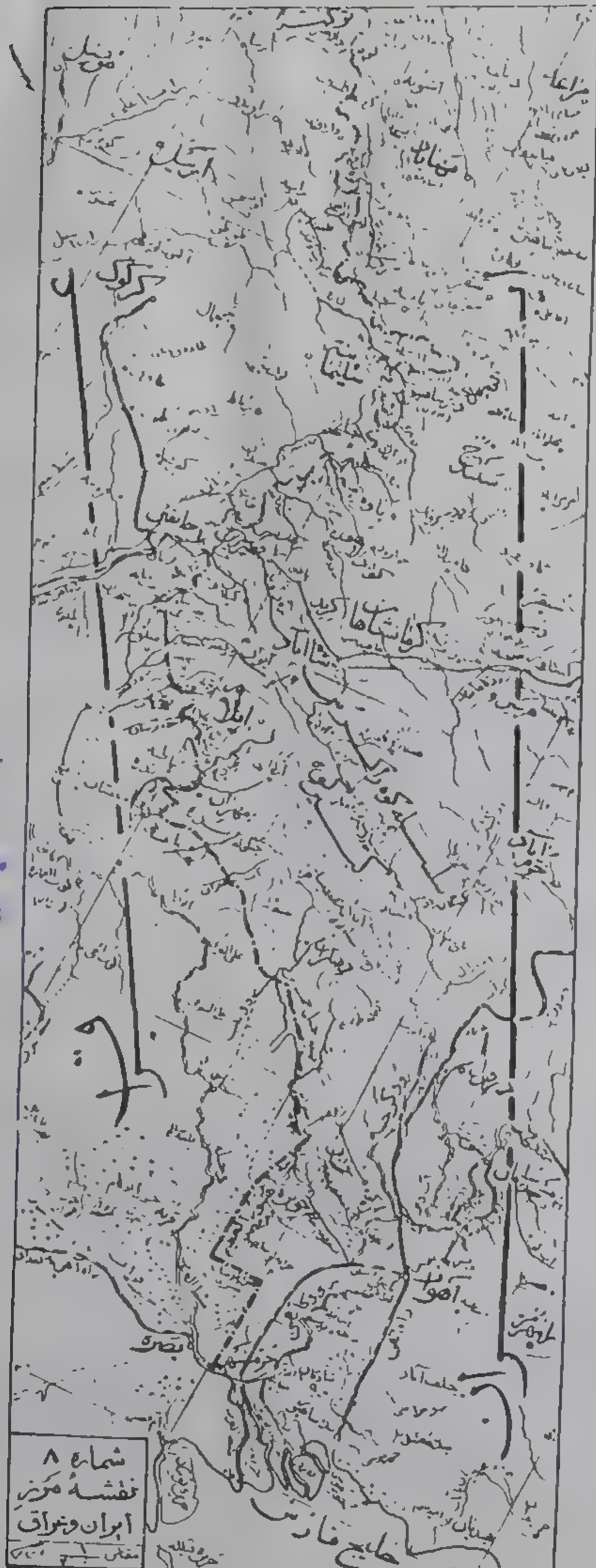
مقیاس ۱۱۰۰۰۰۰

نقشه سیاسی کرمانشاهان





اقتباس از: مسعود کیهان، جغرافیای مفصل سیاسی ایران، (تهران، ۱۳۱۱).



اقتباس از: محمدعلی مخبر، مرزهای ایران، (تهران، ۱۳۲۴).

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

تهران ـ خیابان شهید باهنر ـ خیابان شهید آقایی
صندوق پستی: ۱۷۹۳ ـ ۱۹۳۹۵

بها ۴۰۰۰ ریال